

رساله دکتری حقوق بین الملل عمومی

نقش فضای مجازی در تحقق دادرسی عادلانه،

با مطالعه موردی نظام قضائی ایران

نگارش

سید محمد حسن میرداماد اصفهانی

پاییز 1400

[sh\_mirdamadi@yahoo.com](mailto:sh_mirdamadi@yahoo.com)

میرداماد اصفهانی سید محمد حسن ،" «نقش فضای مجازی در تحقق دادرسی عادلانه، با مطالعه موردی نظام قضائی ایران»" ، [https://dla.ir/14010307-2](https://dla.ir/14010307-2/) انتشار آنلاین 1401

حق مولف عمومی

این مطلب کاملا رایگان بوده و تحت مجوز خلاقیت عمومی (Creative Commons) و مالکیت عمومی (public domain) است

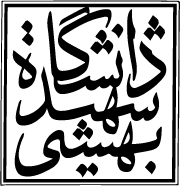
و برای هرنوع بهره وری از آن ، هیچ گونه مبلغی دریافت نمی شود

هر شخصی در هر کجا و به هر زبانی می تواند آن را به صورت آنلاین یا چاپی، بازنشر دهد

شما آزاد هستید که در زمینه های ذیل اقدام کنید :

* کپی ، انتشار، توزیع و انتقال اطلاعات ؛ به هر شکل و هر مدل
* ترجمه به هر زبان و در هر کشور و در فضای مجازی و فیزیکی
* بهره وری از همه یا قسمتی از اطلاعات به صورت تجاری و غیرتجاری برای مقصود حلال و مجاز
* تدریس آن در هر موسسه، دانشگاه و مراکز علمی

تذکر : این مجوز ؛ هیچ گونه حق مولف انحصاری ، برای هیچ شخص حقیقی و حقوقی ، در هیچ زمان و مکان نخواهد داشت



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

رساله برای اخذ دکتری حقوق ‌بین‌الملل

عنوان:

نقش فضای مجازی در تحقق دادرسی عادلانه،

با مطالعه موردی نظام قضائی ایران

استاد راهنما:

دکتر میر شهبیز شافع

اساتید مشاور:

دکتر محسن عبداللهی

دکتر رضا اسلامی

نگارش

سید محمد حسن میرداماد اصفهانی

پاییز 1400

سپاسگزاری

با سپاس و تقدیر از استاد گرانقدر راهنما، جناب آقای دکتر میر شهبیز شافع و اساتید محترم مشاور، جناب آقای دکتر محسن عبداللهی و جناب آقای دکتر رضا اسلامی که در مراحل مختلف این پژوهش، اینجانب را یاری نمودند و از محضر پر فیضشان بهره ها برده ام و برای زحمات بی وقفه شان در به پایان رساندن پایان نامه اینجانب تشکر و قدردانی می کنم و از خداوند متعال پیروزی و موفقیت روز افزون را برایشان خواستارم.

چکیده:

«عدالت در قضاوت»، ضرورتی برای «احقاق حقوق مردم» است و در ادیان و مذاهب، خصوصاً اسلام، برآن تاکید شده و در «حقوق بشر»، با عنوان «حق دادرسی عادلانه» تبیین گردیده است.حقوق بشر نسل اول، دارای دو بخش «حقوق ماهوی» و «حق دادرسی عادلانه» است هر چند، در دو سند اصلی «حقوق بشر »، (اعلامیه و میثاق)، این دو عنوان، وجود ندارد، اما حقوقدانان، با طبقه بندی مواد این دو سند بین المللی، این عناوین را دسته بندی کرده اند.

«حق دادرسی عادلانه» با اصولی همچون «اصل برائت»، «اصل دادرسی توسط مقام‌ بی‌طرف»، «اصل علنی بودن دادرسی»، «اصل بهره‌مندی از وکیل»، «اصل تفهیم اتهام به متهم»، «اصل تسریع در دادرسی» و... شناخته می‌شود و بر اساس توصیه های اسناد بین المللی حقوق بشر، لازم است همه دولت‌ها بر اصلاح و ارتقاء قوانین و روش‌ها، همت گمارند، تا «دادرسی عادلانه» تحقق یابد. در وضعیت کنونی اشخاص حقیقی و حقوقی، برای «دادخواست» و «درخواست» ، به «کلانتری» یا «مجتمع» و یا «نهاد قضایی» و یا «شبه قضایی» و یا «دفاتر الکترونیک»، مراجعه حضوری می‌‌نمایند و هزینه‌های فراوان، برای اشخاص و نظام اداری دارد و نیاز به ساختمان های فراوان، کارمندان، کاغذ، پوشه و امثال آن است. قبل از فراگیری «فضای مجازی»، این مسائل، امری طبیعی بود.

اما در امور مختلف اجتماعی، مالی، اخبار، خرید و فروشِ کالا و خدمات، ارسال نامه و بسیاری از جنبه‌های زندگی، «دگردیسی» صورت گرفته، و به صورت «پیام الکترونیک» انجام می‌شود، لازم است، همین روند، با شتابی فراوان، در «دادرسی عادلانه»، صورت گیرد و همه موارد، اعم از اطلاع رسانی قوانین و مقررات، امور درخواست و دادخواست، تودیع و فک قرارهای تامینی، ارجاع، رسیدگی، اطلاع رسانی و ابلاغ، تبادل لوایح، در «فضای مجازی» صورت گیرد و اصلِ «دادرسی همراه»، زیرساختِ «حق دادرسی» باشد تا حقوق مصرح در قوانین مختلف، به سرعت عملی شود. مسائل و مشکلات موجود در شیوه دادخواست ها، دادرسی ها، ارجاعات و انواع مسائل پرونده ها در «فضای فعلی دادرسی»، موجب «تضییع حق دادرسی» اشخاص و یا «اطاله دادرسی» می‌شود و ‌راه‌حل‌‌های الکترونیک با بهره وری از «فضای مجازی» دارد. «سندیت اسناد الکترونیک»، و شیوه صحیح حقوقی «ایجاد اسناد الکترونیک مبادلات و قراردادها»، در جهت پیشگیری از اختلافات، و یا ارائه آن به دادرسان در زمان رسیدگی به پرونده ها و ‌راه‌حل‌‌های قانونی در جهت استفاده از «فضای مجازی» در «اسناد رسمی» وجود دارد. شیوه های کنونی اطلاع‌رسانی قوانین، ‌‌‌‌‌‌عملاً «شکلی» است، و «واقعی» انجام نمی‌شود در نتیجه، دگردیسی در همه شیوه‌ها و بهره وری از فضای مجازی، جهت اطلاع رسانی «هدفمند» و «هوشمندِ» قوانین، بخشنامه‌ها، آئین نامه‌‌ها، به اشخاص «جامعه هدف» از طریق شبکه‌‌های اجتماعی، لازم است به طوری که هر شخص حقیقی و حقوقی، به آن چه تکلیف یا وظیفه دارد، واقعا آشنا گردد.

کلید واژه: دادرسی عادلانه، فضای مجازی، حقوق رویه‌ای، حقوق بشر، دگردیسی دیجیتال

فهرست اجمالی

عنوان صفحه

[مقدمه 1](#_Toc95600103)

[فصل اول:](#_Toc95600104) [مبانی فکری فلسفی حق دسترسی دادرسی عادلانه 7](#_Toc95600105)

[گفتار اول: حقوق بشر ماهوی و دادرسی عادلانه 8](#_Toc95600106)

[گفتار دوم: الزامات قانونی حق دادرسی ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر به دادگاه 14](#_Toc95600107)

[گفتار سوم: ‌‌مؤلفه‌‌های دادرسی عادلانه 23](#_Toc95600108)

[گفتار چهارم: علنی بودن دادگاه 55](#_Toc95600109)

[فصل دوم:](#_Toc95600110) [فضای مجازی، تسهیل‌گر حق دادرسی 74](#_Toc95600111)

[گفتار اول: مفاهیم، ابعاد و قوانین فضای مجازی در دادرسی عادلانه 75](#_Toc95600112)

[گفتار دوم: احراز هویت و دادرسی فضای مجازی 101](#_Toc95600113)

[گفتار سوم: اشکالات و چالش‌‌های الکترونیک شدن قوه قضائیه 118](#_Toc95600114)

[فصل سوم:](#_Toc95600115) [سامانه‌ها و الزامات دگردیسی دیجیتال در دادرسی عادلانه 123](#_Toc95600116)

[گفتار اول: الزاماتِ دگردیسی دیجیتال در قوه قضائیه 124](#_Toc95600117)

[گفتار دوم: تغییرات بنیادین در روش‌ها و شیوه‌‌های دادرسی 175](#_Toc95600118)

[گفتار سوم: ‌‌‌مشکلات، جرائم و آینده فضای مجازی در دادرسی 210](#_Toc95600119)

[نتیجه گیری 240](#_Toc95600120)

[منابع و ماخذ 246](#_Toc95600121)

فهرست مطالب

عنوان صفحه

[مقدمه 1](#_Toc95589549)

[فصل اول:](#_Toc95589550) [مبانی فکری فلسفی حق دسترسی دادرسی عادلانه 7](#_Toc95589551)

[گفتار اول: حقوق بشر ماهوی و دادرسی عادلانه 8](#_Toc95589552)

[مبحث اول: تعریف و جایگاه حقوقی دادرسی عادلانه 8](#_Toc95589553)

[بند اول: حقوق بشر ماهوی و حقوق بشر رویه‌ای 9](#_Toc95589554)

[بند دوم: حقوق بشر رویه‌ای، تضمین اجرای حقوق ماهوی 9](#_Toc95589555)

[مبحث دوم: دایره شمول حق دادرسی 10](#_Toc95589556)

[بند اول: دایره عام شمول موضوعی حق دادرسی 10](#_Toc95589557)

[بند دوم: دایره شمول حق دادرسی به همه اشخاص 11](#_Toc95589558)

[بند سوم: اصول دادرسی عادلانه 13](#_Toc95589559)

[گفتار دوم: الزامات قانونی حق دادرسی ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر به دادگاه 14](#_Toc95589560)

[مبحث اول: قوانین داخلی 14](#_Toc95589561)

[بند اول: مبانی اسلامی حق دادرسی 14](#_Toc95589562)

[بند دوم: مبانی قانون اساسی حق دادرسی 17](#_Toc95589563)

[بند سوم: مبانی قانون عادی حق دادرسی 18](#_Toc95589564)

[مبحث دوم: اسناد بین المللی و حقوق داخلی 18](#_Toc95589565)

[بند اول: حق دادرسی اعلامیه جهانی حقوق بشر 19](#_Toc95589566)

[بند دوم: حق دادرسی میثاق حقوق مدنی سیاسی 19](#_Toc95589567)

[بند سوم: اعلامیه اسلامی حقوق بشر 20](#_Toc95589568)

[بند چهارم: کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان 21](#_Toc95589569)

[بند پنجم: کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق افراد دارای معلولیت 21](#_Toc95589570)

[بند ششم: کنوانسیون اروپائی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی 22](#_Toc95589571)

[گفتار سوم: ‌‌مؤلفه‌‌های دادرسی عادلانه 23](#_Toc95589572)

[مبحث اول: تضمین‌‌های حق دادرسی عادلانه 25](#_Toc95589573)

[بند اول: تضمین‌‌های دادرسی عادلانه 25](#_Toc95589574)

[بند دوم: مقدمات ضروری دادرسی عادلانه 28](#_Toc95589575)

[بند سوم: قانونی بودن دادگاه 43](#_Toc95589576)

[مبحث دوم: استقلال و بی‌طرفی قاضی و دادگاه 49](#_Toc95589577)

[بند اول: مفهوم استقلال و بی‌طرفی 49](#_Toc95589578)

[بند دوم: بی‌طرفی نسبت به طرفین دعوا 50](#_Toc95589579)

[بند سوم: استقلال قاضی در اسناد سازمان ملل متحد 51](#_Toc95589580)

[بند چهارم: بی‌طرفی در همه مراحل 51](#_Toc95589581)

[بند پنجم: تضمین استقلال در برابر فشار بیرونی 52](#_Toc95589582)

[بند ششم: گستره استقلال قوه قضائیه 53](#_Toc95589583)

[گفتار چهارم: علنی بودن دادگاه 55](#_Toc95589584)

[مبحث اول: تعاریف و کلیات 55](#_Toc95589585)

[بند اول: تعریف واژه علنی 55](#_Toc95589586)

[بند دوم: علنی بودن در اعلامیه و میثاق 55](#_Toc95589587)

[بند سوم: علنی بودن دادگاه در قانون اساسی 55](#_Toc95589588)

[بند چهارم: علنی بودن دادگاه در قوانین عادی 56](#_Toc95589589)

[مبحث دوم: فواید و معایب دادگاه علنی 56](#_Toc95589590)

[بند اول: علنی بودن؛ نه همواره مثبت، نه همواره منفی 57](#_Toc95589591)

[بند دوم: استثنای علنی بودن در دیوان کیفری ‌بین‌المللی 58](#_Toc95589592)

[بند سوم: حفظ اطلاعات امنیت ملی، استثناء مهم در دادگاه کیفری ‌بین‌المللی 59](#_Toc95589593)

[بند چهارم: استثنائات علنی بودن دادگاه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر 60](#_Toc95589594)

[مبحث سوم: اطاله دادرسی 61](#_Toc95589595)

[بند اول: ‌‌‌مشکلات اطاله دادرسی 62](#_Toc95589596)

[بند دوم: علل انسانی اطاله دادرسی در دادگاه‌‌های ایران 64](#_Toc95589597)

[بند سوم: مطالعه تطبیقی ‌راه‌ حل اطاله دادرسی 67](#_Toc95589598)

[مبحث چهارم: هزینه‌‌های دادرسی 68](#_Toc95589599)

[بند اول: کارآمدی قضائی، هزینه و زمان 68](#_Toc95589600)

[بند دوم: هزینه‌‌های دادرسی در سه زمان 69](#_Toc95589601)

[بند سوم: انواع هزینه‌‌های دادرسی 69](#_Toc95589602)

[بند چهارم: پیشنهاد عدم ارائه دادخواست جهت کاهش هزینه 70](#_Toc95589603)

[بند پنجم: نحوه محاسبه هزینه دادرسی در ایران چگونه است؟ 70](#_Toc95589604)

[بند ششم: مستثنیات پرداخت هزینه 72](#_Toc95589605)

[فصل دوم:](#_Toc95589606) [فضای مجازی، تسهیل‌گر حق دادرسی 74](#_Toc95589607)

[گفتار اول: مفاهیم، ابعاد و قوانین فضای مجازی در دادرسی عادلانه 75](#_Toc95589608)

[مبحث اول: مفاهیم فضای مجازی 75](#_Toc95589609)

[بند اول: «حق دادرسی عادلانه» با مدیریت دانش 78](#_Toc95589610)

[بند دوم: ‌‌‌مشکلات اسناد کاغذی و سهل بودن الکترونیک 78](#_Toc95589611)

[مبحث دوم: سندیت اسناد الکترونیک 82](#_Toc95589612)

[بند اول: سندیت رسمی اسناد الکترونیک 82](#_Toc95589613)

[بند دوم: قوانین سندیت اسناد الکترونیک 85](#_Toc95589614)

[بند سوم: سند رسمی بودن اسناد الکترونیکی 90](#_Toc95589615)

[بند چهارم: مشکل مضاعف اسناد ملکی تک برگی الکترونیک 94](#_Toc95589616)

[گفتار دوم: احراز هویت و دادرسی فضای مجازی 101](#_Toc95589617)

[مبحث اول: احراز هویت در فضای مجازی 101](#_Toc95589618)

[بند اول: ابعاد احراز هویت در فضای مجازی 101](#_Toc95589619)

[بند دوم: سندیت و عدم سندیت اثر انگشت بیولوژیک و الکترونیک 108](#_Toc95589620)

[مبحث دوم: بررسی روش دیگر کشورها و اتحادیه اروپا 110](#_Toc95589621)

[بند اول: برنامه‌‌های دادرسی الکترونیک کشورهای دیگر 110](#_Toc95589622)

[بند دوم : برنامه اتحادیه اروپا برای دادگاه الکترونیک 117](#_Toc95589623)

[گفتار سوم: اشکالات و چالش‌‌های الکترونیک شدن قوه قضائیه 118](#_Toc95589624)

[مبحث اول: از بین رفتن اطلاعات 118](#_Toc95589625)

[مبحث دوم: عدم آشنایی مردم با روش‌‌های مختلف شکایت و دعاوی 119](#_Toc95589626)

[بند اول : الزام به معاضدت الکترونیک 120](#_Toc95589627)

[مبحث سوم: عدم وجود قوانین و مقررات لازم برای استفاده از این تکنولوژی 121](#_Toc95589628)

[مبحث چهارم: عدم رعایت حریم خصوصی 121](#_Toc95589629)

[فصل سوم:](#_Toc95589630) [سامانه‌ها و الزامات دگردیسی دیجیتال در دادرسی عادلانه 123](#_Toc95589631)

[گفتار اول: الزاماتِ دگردیسی دیجیتال در قوه قضائیه 124](#_Toc95589635)

[مبحث اول: الزاماتِ قانون دگردیسی دیجیتال 124](#_Toc95589636)

[بند اول: زیرساخت قوانین 124](#_Toc95589637)

[بند دوم: سامانه اعتبار سنجی، «مدیریت دانش» در قوه قضائیه 133](#_Toc95589638)

[بند سوم: اشتراک گذاری بانک اطلاعاتی قوانین و مقررات 145](#_Toc95589639)

[بند چهارم: اقامتگاه و ابلاغ الکترونیک 151](#_Toc95589640)

[بند پنجم: دگردیسی روزنامه رسمی 156](#_Toc95589641)

[مبحث دوم: شیوه صلاحیت دادرسی الکترونیک 160](#_Toc95589642)

[بند اول: صلاحیت ذاتی و محلی سیستم الکترونیک 160](#_Toc95589643)

[بند دوم: ‌راه‌حل؛ دادخواست آنلاین و ارجاع الکترونیک به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها و دادرسان 165](#_Toc95589644)

[بند سوم: عدم نیاز به ساختمان‌ها و دادرسی بدون مراجعه 170](#_Toc95589645)

[گفتار دوم: تغییرات بنیادین در روش‌ها و شیوه‌‌های دادرسی 175](#_Toc95589646)

[مبحث اول: پیشگیری از جرائم 175](#_Toc95589647)

[‌بند اول: پیشگیری عملیاتی از جرائم با روش الکترونیک 175](#_Toc95589648)

[بند دوم: بازرسی آنلاین «دانش محور» قوه قضائیه بر عملکرد سازمان 182](#_Toc95589649)

[بند سوم: وثائق و کفالت الکترونیک 186](#_Toc95589650)

[مبحث دوم: مدیریت دانش بر ابعاد پرونده 188](#_Toc95589651)

[بند اول: مدیریت دانش بر «حق وکیل» 188](#_Toc95589652)

[بند دوم: مدیریت دانش بر «کارشناسان دادگستری» 193](#_Toc95589653)

[بند سوم: بازپرسی و بازجوئی و شهود آنلاین 196](#_Toc95589654)

[بند چهارم: حکم، و اجراء حکم هوشمند 202](#_Toc95589655)

[بند پنجم: مدیریت زندان و زندانی در فضای مجازی 204](#_Toc95589656)

[گفتار سوم: ‌‌‌مشکلات، جرائم و آینده فضای مجازی در دادرسی 210](#_Toc95589657)

[مبحث اول: فضای مجازی حریم خصوصی 210](#_Toc95589658)

[بند اول: حقوق اساسی بشر حریم خصوصی 210](#_Toc95589659)

[بند دوم: جرائم اینترنتی 215](#_Toc95589660)

[مبحث دوم: آینده پژوهی؛ هوش مصنوعی، قضاوت عادلانه‌‌‌تر 222](#_Toc95589661)

[بند اول: هوش مصنوعی 222](#_Toc95589662)

[بند دوم: موفقیت و عدم موفقیت هوش مصنوعی 223](#_Toc95589663)

[بند سوم: برتری هوش مصنوعی بر قضاوت انسانی 224](#_Toc95589664)

[بند چهارم: ‌‌‌‌آموزش تدریجی و صبورانه ماشین قضاوت 227](#_Toc95589665)

[بند پنجم: جایگاه هوش مصنوعی در دادگاه کشورها 230](#_Toc95589666)

[بند ششم: ‌‌‌مشکلات هوش مصنوعی 237](#_Toc95589667)

[نتیجه گیری 240](#_Toc95589668)

[منابع و ماخذ 246](#_Toc95589669)

مقدمه

1) بیان مسأله

حقوق بشر وحقوق شهروندی[[1]](#footnote-1) در حوزه نظری و عملی دو واژه ای هستند که می توان مصادیقی از ان را دو مبانی اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حقوق بین الملل جستجو و تعبیه نمود. هر چند این دو مفهوم متنوع و متکثر هستند، می تواند به رغم گستردگی آنان در همه ابعاد زندگی بشر، ‌‌معمولاً به «گستره» آن توجه کمی شده است، معمولاً، چند حق بشری محدود، مورد تأکید قرار می‌گیرد در حالی که مسائل فراوانی در زمینه‌‌های دیگر «حقوق بشر» وجود دارد، علاوه بر حقوق بشر ماهوی، «حقوق بشر رویه‌ای» با عنوان «حق دادرسی عادلانه»، از ضروری‌‌‌ترین حقوق عامه، برای «تضمین» رسیدن به دیگر زمینه‌‌های حقوق بشر و حقوق مدنی، اقتصادی، اجتماعی و همه موارد است و می‌تواند ‌‌‌مشکلات فراوانی را از مردم حل نماید.

رشته حقوق بشر، یک رشته جدید و میان رشته‌ای است که به حقوق مختلف انسان، در حوزه‌‌های مدنی و سیاسی (مانند آزادی عقیده و…) اقتصادی و اجتماعی (مانند حق کار، حق ‌‌‌‌آموزش، حق تأمین اجتماعی و…) می‌پردازد. بخاطر میان رشته‌ای بودن، به «حقوق بشر» صرفاً فقط از منظر حقوقی پرداخته نمی‌شود بلکه جنبه‌‌های جامعه شناختی، فلسفی، فرهنگی و … آن نیز مدنظر قرار می‌گیرد.[[2]](#footnote-2)

«حقوق بشر» از نگاه جامع‌‌‌تر،[[3]](#footnote-3) زیر مجموعه «حقوق ‌بین‌الملل عمومی» است و خود دارای زیر مجموعه‌‌های مختلفی از «نسل‌‌های حقوق بشر» است «حقوق بشر نسل اول» که با اعلامیه و میثاق تشکیل شد خود دارای دو بخش مجزای از یکدیگر است که هر دو «حقوق بشر» ‌است بخش اول «حقوق بشر ماهوی» است که در آن موارد مختلفی از قبیل آزادی‌‌های سیاسی و مدنی مطرح شده است بخش دوم آن که حائز اهمیتی به مراتب بالاتر از بخش اول است «حقوق بشر رویه‌ای» است که در آن «حق دادرسی» و ابعاد آن مطرح شده و از این رو لازم است به آن نیز پرداخته شود.

بحث «دادرسی عادلانه»، و یا «قوه قضائیه» در «فضای مجازی» از دو جهت به «حقوق بشر» ربط دارد.

اول: از آن جهت که «حق دادرسی عادلانه» یک حق مسلم در حقوق بشر نسل اول است و همه کشورهای عضو مکلف‌اند تا زمینه‌های آن را ایجاد کند.

دوم: از سوی دیگر «حق دسترسی به ‌اینترنت» یکی از ابعاد حقوق بشر جدید است که توصیه‌‌های فراوانی نسبت به آن صورت گرفته است آنچه در حقوق بشر جدید از آن سخن گفته شده، ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً حق دسترسی به‌اینترنت در مسائل آزادی بیان و حق انتشار است که به نظر می‌رسد محدود اندیشی شده است در حالیکه لازم است اینترنت به عنوان یک حق بشری در زمینه‌های مختلف زندگی و عملیاتی و اجرایی مورد توجه قرار گیرد و این حق قطعی بشری باشد تا مردم با ساده‌‌‌ترین وجه به «کلیه خدمات و وظایف»ی که دولت‌ها (به معنای عام، شامل کلیه دستگاه‌‌های اجرائی و هر آن چه از بودجه عمومی استفاده می‌کنند) دارند و یا نیازهایی که در اجتماع، مانند خرید و فروش یا انواع امور اداری و... داشته باشند را از طریق اینترنت برسند.

#### 

2) سؤالات تحقیق

الف: سؤالات اصلی

1. حق دادرسی عادلانه مصرح در اعلامیه و میثاق چیست و ابعاد آن کدام است؟

مبانی فکری و فلسفی حق دسترسی به دادرسی عادلانه در حقوق ایران و حقوق ‌بین‌الملل چیست؟ آیا حقوق رویه‌ای از اهمیت حقوق ماهوی در حقوق بشر برخوردار است؟ آیا حقوق رویه‌ای از عناصر اصلی حقوق بشر است؟ بنیادهای حقوق رویه‌ای در حقوق ‌بین‌الملل و در قوانین داخلی ایران چیست؟

2. فضای مجازی می‌تواند به تسهیل «دادرسی عادلانه» کمک کند؟

ابعاد مختلف حقوق رویه‌ای در فضای مجازی چگونه می‌تواند باشد؟ در زمینه‌‌های گوناگون «پیش» و «هنگام» و «پسا» دادگاه چگونه است؟ آیا می‌توان در «دادرسی عادلانه» از طریق «اینترنت» اقدام کرد و همه‌امور، از ابتدای دادخواست تا همه مراحل بدون مراجعه باشد؟ آیا زیرساخت‌‌های قانونی امضاء و احراز هویت دیجیتال، وجود دارد و چگونه است؟ ارزش اسناد الکترونیک از نظر ادله اثبات چیست؟

ب: سوال فرعی

* آیا «حق دسترسی بر دادرسی عادلانه» در فضای مجازی امکان پذیر است ؟
* آیا اسناد الکترونیک برای دادرسی عادلانه، سندیت دارد ؟
* ارجاعات قضائی در دادرسی عادلانه با اینترنت، چگونه باشد ؟
* صلاحیت محلی در «دسترسی عادلانه با اینترنت» لازم است یا خیر ؟

فرضیه تحقیق

در این تحقیق پیش فرض ما آن است که کلیه اتباع و مقیم در کشور، و افرادی که در قوانین مختلف از آنان نام برده شده، در برابر هرگونه «جرم» یا «تخلف» که نسبت به «حقوق شخصی» و یا «حقوق عامه» مشاهده می‌کنند بر اساس قوانین داخلی و حقوق بشری، «حق تظلم خواهی و دادرسی عادلانه» دارند، و دولت[[4]](#footnote-4) مکلف است، در جهت تحقق این حق، امکاناتی فراهم نماید تا در هر کجا و در هر زمان با کمترین هزینه، دادخواهی در دسترس آنان باشد.

چنانچه بتوان با «دگردیسی دیجیتال»[[5]](#footnote-5) و بهره‌گیری از فضای مجازی این دسترسی را عملیاتی کرد بسیاری از جرائم و تخلفات خود به خود «پیشگیری» شده و از بین می‌رود و مردم نیز با هزینه ‌اندک و زمان کوتاه به حق خود می‌رسند لازم به تذکر است در این فرضیه، «دگردیسی دیجیتال» مطرح شده است و با روش‌‌های رفورمیست و شبه الکترونیک فرق دارد.

ضرورت تحقیق

بخشی از مشکل بزرگ ملل در دسترسی به آزادی، مسائل مربوط به «دادرسی عادلانه» است، و مواد مختلفی از میثاق، «حق دادرسی عادلانه» را برای رسیدن به آزادی‌‌های مدنی، به عنوان ضامن اجرائی، تأکید کرده است که اگر انجام نشود، قواعد دیگر نیز غیر‌قابل انجام است.

نکته دوم آنکه در زمانی زندگی می‌کنیم که ‌اینترنت و موبایل در دسترس همه اشخاص و یا اکثریت آن‌ها است و در این دوران، همچنان روند دادخواست و پیگیری پرونده‌‌ها، روش «مراجعه» و «شبهِ الکترونیک» است و نه تنها مشکل کمتر نشده، بلکه هزینه‌ها و زمان دادرسی‌ها بیشتر شده است.

در این تحقیق به «طریقیت اینترنت» برای رسیدن به حق دسترسی در آسان‌‌‌ترین روش‌ها و کمترین هزینه‌ها توجه شده است.

پیشینه تحقیق

در زمینه «حق دادرسی عادلانه» تحقیقات و پژوهش‌‌های مختلفی و بسیاری صورت گرفته است و ‌پایان‌نامه‌‌های خارجی و داخلی نیز در این زمینه وجود دارد. در خصوص «بهره‌گیری از فضای مجازی در دادرسی عادلانه» هرچند مقالات و کتب مختلفی وجود دارد اما به ابعاد جامع آن «پیش»، «هنگام» و «پس» از دادرسی، بحث منسجم دیده نشد و جایگاه یک پژوهش جامع و قانونی در زمینه‌‌های مختلف، احساس می‌شد به همین دلیل در ابعاد مختلف قضائی، نقش فضای مجازی توضیح داده شد تا با یک «دگردیسی» در همه ابعاد، این حق بزرگ، در کمترین زمان و با کمترین هزینه به مردم برسد.

هدف تحقیق

بخشی از ‌‌‌مشکلات و مسائل قوه قضائیه، به عدم «مدیریت دانش» بر سازمان باز می‌گردد که علت اصلی آن «عدم شناخت امکاناتِ»[[6]](#footnote-6) به روز «فضای مجازی»[[7]](#footnote-7) است بحدی که توانمندی‌‌‌‌های عظیم دیتابیس‌ها و نرم‌افزارها و شبکه‌‌های اجتماعی فضای مجازی، مورد غفلت قرار می‌گیرد و لذا «دوباره کاری»[[8]](#footnote-8) با استمرار روش‌‌های قدیمی و کاغذی، مشکل بزرگ پیش روی همه شهروندان است آن گونه که چون به الکترونیک رسیده‌اند نه تنها مشکل کاهش نیافته بلکه با ابداع سیستم‌‌های منسوخ (از قبیل پیشخوان‌‌های دولت یا دفاتر الکترونیک قضائی) ‌‌‌مشکلات و مسائل مردم و طرفین دعوی، استمرار می‌یابد که علاوه بر افزایش هزینه‌های[[9]](#footnote-9)‌‌ مردم، و مراجعات مکرر آن‌‌ها، هزینه‌‌های دستگاه قضائی و اداری را نیز افزایش داده است.

این در حالی است که اگر، مسؤولین قضائی به «قوه قضائیه همراه» توجه نمایند، و با «اشتراک گذاری دیتابیس‌ها»، «آموزش بهره‌بری قضات از فضای مجازی» و بهره‌گیری از «هوش مصنوعی» عمل نمایند، «مدیریت دانش» را بر سیستم قضائی حاکم خواهند کرد، و سه نتیجه بزرگ خواهد داشت:

1. کاهش زمان دادرسی

2. کاهش هزینه‌‌های دادرسی مردم و قوه قضائیه

3. مهم‌‌‌تر از همه ‌اینکه، احکام قضائی از « استحکام علمی‌» برخوردار خواهد شد.

امکانات فراوانی هم اینک در قوه قضائیه و خارج از آن وجود دارد که با «شناخت» و «بهره‌بری» از آنها می‌توان «مدیریت دانش» را در قوه قضائیه حاکم کرد و به راحتی و با کمترین هزینه به اهداف قوه قضائیه سالم و سریع، دست یافت.

این روشی است که در برخی کشورها انجام گرفته و قابل الگوبرداری است ومی‌شود در ابتدای راه، از تجربیات علمی دیگران بهره برد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر؛ توصیفی (مشاهده ‌‌‌مشکلات)، تبیینی (ریشه یابی و بررسی ‌‌‌مشکلات)، تجویزی (ارائه ‌راه‌حل برای آن ‌‌‌مشکلات) ومیان رشته‌ای (حقوق، انفورماتیک) است.

روش این تحقیق، بحث صرفاً علمی، بدون توجه به نیازهای ضروری جامعه، و رشد و ارتقاء آن نیست بلکه درصدد است تا با بررسی ‌‌‌مشکلات ریشه‌دار در سیستم قضائی کشور، ‌راه‌حل تحول بنیادین در قوه قضائیه با بهره‌گیری از امکانات به روز را برای حقوقدانان و مدیران دستگاه قضائی تبیین نماید این تحقیق «پژوهش علمی» و بر اساس یافته‌‌های حقوقی و همزمان «پژوهشی عملی» است و در صدد است تا نشان دهد که بسیاری از روش‌‌های کنونی دادرسی، اگر تغییر نماید، حق مردم به دادرسی عادلانه به مراتب بهتر خواهد شد و به همان جایگاهی خواهد رسید که قواعد ‌بین‌المللی میثاق و اعلامیه و قوانین بالادستی از قبیل قانون اساسی برای قوه قضائیه تکلیف کرده‌اند.

این پژوهش در دانشکده حقوق انجام گرفته و ‌‌‌‌طبعاً، بسیاری از مطالب «حق دسترسی» برای حقوقدانان، آشنا است و ‌پایان‌نامه‌ها و کتب بسیاری در این زمینه‌‌ها، با توضیحات کافی و دقیق، نوشته شده است اما با خصوصیات این پژوهش که «میان رشته­ای» است و «حق دسترسی در فضای مجازی» را که دارای ابعاد «حقوقی»، «فنی»، «اجتماعی»، «اقتصادی» و... ‌است، و صرفاً «حقوقی» نیست بلکه «راهبردی» و «کاربردی» است و نوآوری آن، در زمینه «تسهیل‌گری فضای مجازی» در «قوه قضائیه» است. اگرچه در ابتدا به نظر می‌رسد، حق آن باشد که از تکرار مباحثی که بارها مورد پژوهش واقع شده، خودداری شود، اما با راهنمائی «بجا» و «دقیق» استاد محترم راهنما، مطالب «حق دسترسی» در بخش نخست آورده شد تا متخصصان رشته‌‌های دیگر، ‌‌‌خصوصاً مهندسان و اساتید «فناوری اطلاعات و ارتباطات»[[10]](#footnote-10) با مفاهیم حقوقی آن، آشنا شوند و نیازی به مراجعه به منابع دیگر نداشته و در همین پژوهش، آشنائی کلی با «حقوق بشر»، و زیر مجموعه آن «حقوق رویه­ای» به‌دست آورند و بر اساس این حقوق، دانش فنی خویش را به کار گیرند تا مردم و جامعه از «ثمره کار» آنان در راستای حل ‌‌‌مشکلات بزرگ روند داددرسی، بهره برند.

#### 

نوآوری تحقیق

نو آوری این تحقیق در زمینه‌‌های ذیل است:

اول: آنکه به تمامی دعاوی اعم کیفری و مدنی (به معنای غیرکیفری) و اعم از ترافعی و غیرترافعی[[11]](#footnote-11) پرداخته شده است و همه موارد خاص یا عام که مورد دادخواست و یا رسیدگی قرار میگیرد حتی در جایی که به شخص خاصی بستگی نداشته و مربوط به کل جامعه است از قبیل تخلفات و ‌‌‌مشکلات زیست محیطی پرداخته شده و موضوع مورد بحث برای دسترسی به دادرسی عادلانه در همه زمینه‌‌های زندگی شخص و اجتماع دیده شده است.

دوم: آنکه در این زمینه از دیدگاه حقوق بشری و حقوق شهروندی و حقوق اساسی مورد توجه قرار گرفته و صرفاً از دیدگاه حقوق جزا نیست.

سوم: به گستره حق دادرسی به سه مرحله (پیش، هنگام و پس از دادرسی) توجه نموده و این حق را در همه مراحل تسری داده و در حد امکان به آن‌ها پرداخته است.

چهارم: در این پژوهش فضای مجازی مورد توجه بوده تا این دسترسی به صورت آسان‌‌‌تر و گسترده‌‌‌تر صورت گیرد در پژوهش‌‌های دیگران نگاه به فضای مجازی به عنوان یک ابزار برای تسهیل دسترسی عادلانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است و اگر از اینترنت و حق دسترسی به‌اینترنت صحبت شده است به عنوان «یک حق بشری که برای ارتباطات و ‌اطلاع‌رسانی و ابراز اندیشه» استفاده می‌شود و نه فقط به عنوان «یک ابزار برای تسهیل در دسترسی عادلانه» و البته این دو عنوان تفاوت می‌کند.

پنجم: در این پژوهش در صدد آن هستیم تا زمان اثبات سندیت اسناد الکترونیک این نکته را مورد توجه قرار دهیم که اگر به فضای مجازی به عنوان یک ابزار مدرن و دردسترس همه مردم توجه شود می‌توان به راحتی دسترسی به دادرسی عادلانه را با کمترین هزینه در هر ساعتی از شبانه روز عملیاتی کرد و این تکلیفی بر عهده دولت به معنای کل حاکمیت است.

سازماندهی تحقیق

این تحقیق در سه فصل تبیین شده است. فصل اول در زمینه جایگاه و نقش دادرسی عادلانه است که به رغم آن که برای اساتید حقوق ‌بین‌الملل ، مواردی کاملا بدیهی است اما از آن رو که، این ‌پایان‌نامه «چند وجهی» و «بین رشته­ای» برای دادرسی با بهره‌گیری از فضای مجازی نوشته شده ، و در رشته‌‌های دیگر، مورد استفاده قرار گیرد به صورت خلاصه در قسمت‌‌های مختلف قضایی بحث شده است. تا دیگر رشته ها نیز با مطالب «دادرسی» آشنا شوند

در این فصل از تحقیق ما تلاش کردیم تا ابعاد مختلف دادرسی عادلانه را بر اساس آنچه در عهدنامه‌ها و قواعد حقوق ‌بین‌الملل و قوانین داخلی است تبیین نموده، و به طور خلاصه توضیح دهیم در این فصل قصد داشته‌ایم تا مبانی اسلامی حق دادرسی و مبانی قانون اساسی را نیز اشاره نماییم همچنین به کنوانسیون‌های مختلف که ‌ایران عضویت آن‌ها را پذیرفته، اشاره خواهیم کرد و به الزاماتی که در این زمینه از نظر حقوق ‌بین‌الملل و حقوق بشر بر عهده دولت ایران وجود دارد می‌پردازیم مانند اینکه دادگاه‌ها از نظر شکلی و روش‌‌ باید چگونه باشد تا استقلال و بی‌طرفی قاضی و دادگاه و روند امور حفظ شود.

در فصل دوم ما نگاهی به مسائل مختلف در استفاده از فضای مجازی برای «تسهیل حق دادرسی عادلانه» خواهیم داشت ابتدا وضعیت «فضای مجازی» را در زندگانی مردم اشاره خواهیم کرد که چگونه توانسته است روابط گذشته را با هزینه بسیار کمتری به سرعت و دقت بالاتری برساند و در فصل سوم سپس روند قضایی را از دیدگاه قانونی بررسی خواهیم کرد که‌ آیا اسناد الکترونیک حقوقی هستند یا خیر، و آیا تراکنش‌ها قابلیت اثبات دارند یا نه و در این زمینه به قوانین داخلی ایران در جهت دادرسی الکترونیک اشاره خواهیم کرد و خواهیم دید که هرچقدر فضای مجازی بیشتر وارد قوه قضائیه شود استقلال حداکثری و بی‌طرفی قاضی و دادگاه بیشتر رعایت خواهد شد و می‌توان طوری طراحی کرد که در بسیاری از امور حتی قاضی نیازی به ملاقات طرفین نداشته باشد، همچنین علنی بودن دادگاه‌ها و اجازه بردن گوشی‌‌های موبایل به درون دادگاه‌‌ها و فیلمبرداری از آن و انتشار آن در فضای مجازی مورد توجه ما قرار می‌گیرد.

## 

فصل اول:

مبانی فکری فلسفی حق دسترسی دادرسی عادلانه

گفتار اول: حقوق بشر ماهوی و دادرسی عادلانه

گفتار دوم: الزامات قانونی حق دادرسی ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر به دادگاه

گفتار سوم: ‌‌مؤلفه‌‌های دادرسی عادلانه

گفتار چهارم: علنی بودن دادگاه

حقوق بشر، حاکمیت قانون و دادرسی عادلانه، به عنوان مؤلفه‌‌های اساسی توسعه انسانی شناخته می‌شوند.[[12]](#footnote-12) حقوق بشر آن دسته از قواعد و هنجارهایی است که از طریق اعلامیه‌‌ها، بیانیه‌‌ها، رویه‌‌ها، آراء، میثاق‌ها و کنوانسیون‌‌های ‌بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، اساس رفتارهای دولت‌ها را با شهروندانشان تشکیل می‌دهد. که بر دو دسته تعهدات سلبی (منفی) و تعهدات ایجابی (مثبت) تقسیم می‌شوند.[[13]](#footnote-13) اغلب حقوق دانان، تعهدات حقوق بشری ماهوی را، تعهدات سلبی دانسته‌اند اما در عمل، بسیاری از اینها تعهدات ایجابی است به عنوان نمونه «حق آزادی بیان» نیازمند اقدامات بسیاری از سوی دولت‌ها است از قبیل تصویب قانون‌‌های لازم، پشتیبانی و حمایت از این مسأله در بودجه‌‌های سالیانه، هزینه‌‌‌‌‌آموزش عمومی و ‌‌‌‌آموزش‌‌های کارکنان و ده‌‌ها اقدام دیگر است یا «حق آزادی انتخابات» نیازمند تمهیدات مالی و اجرائی و نظارتی بسیاری است که بتواند این حق را عملیاتی نماید و مردم به حق خودشان برسند. در این پژوهش، بر اساس همان تقسیم بندی، تعهد ایجابی دولت مبنی حق بشری بر «دادرسی عادلانه» مورد بررسی قرار گرفته است.

دسترسی به عدالت یک حق اساسی است و برای حمایت و ارتقاء همه حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دیگر ضروری است. بدون دسترسی مؤثر و مقرون به صرفه به عدالت، افرادی که در فقر زندگی می‌کنند، از فرصت ادعای حقوق خود یا به چالش کشیدن جرایم، سوء استفاده‌ها یا نقض حقوق بشر علیه آنها محروم می‌شوند. گزارشگر ویژه تأکید می‌کند که بهبود دسترسی به عدالت برای افرادی که در فقر زندگی می‌کنند، مستلزم مقابله با طیفی از موانع قانونی و برون مرزی است که هم در داخل و هم در خارج از سیستم دادرسی رسمی، از جمله موانع اجتماعی، اقتصادی و ساختاری وجود دارد.[[14]](#footnote-14)

گفتار اول: حقوق بشر ماهوی و دادرسی عادلانه

# **مبحث اول: تعریف و جایگاه حقوقی دادرسی عادلانه**

عدالت در لغت نامه دهخدا اینگونه معنی شده است: «عدالت. [ ع َ / ع ِ ل َ ] (ع مص) عدالة. دادگری کردن. عدالت کردن. اندیشه عدالت،[[15]](#footnote-15) فرآیندی است که به سخنان مختلف گوش می‌دهیم، واقعیت‌‌های یک موضوع را جمع بندی می‌کنیم، ملاحظات مربوط به همه افراد را در یک وضعیت برابر وزن‌دهی می‌کنیم، تعصبات را از ذهن خارج می‌کنیم، یک حس تناسب ایجاد می‌شود و سپس یک عقیده‌ی کاملاً منطقی شکل می‌گیرد.[[16]](#footnote-16) واژه عدالت ریشه در طبیعت و فطرت آدمی دارد و از نوع الزامات آسمانی به شمار می‌رود و قانون قانون‌ها قلمداد می‌شود و زمان و مکان و احوال خاص در آن راهی ندارد.[[17]](#footnote-17)

در برنامه توسعه سازمان ملل متحد اهمیت دسترسی به عدالت، به عنوان یک اصل مهم اینگونه بیان شده است هنگام دسترسی به برنامه عدالت، باید توجه داشته باشید که: دستیابی به عدالت فرآیندی است که باید با یک متن خاص سازگار شود. این روند مردم را قادر می‌سازد که هر وقت تعارض منافع یا شکایت‌‌های خاص، اقامه دعوی جهت به دست آوردن ‌راه‌حل‌‌های عادلانه. خود را در معرض خطر قرار دهند.[[18]](#footnote-18)

# **بند اول: حقوق بشر ماهوی و حقوق بشر رویه‌ای [[19]](#footnote-19)**

حقوق بشر، به دو گروه «حقوق بشر ماهوی» و «حقوق بشر رویه­ای» تقسیم می‌شود بیشترین حقوقی که در نسل‌‌های سه‌گانه حقوق بشر مطرح شده، «حقوق بشر ماهوی» است، یعنی حقوقی که باید به آن‌ها دست یافت و دولت‌ها ملزم هستند به مردم خود ارائه دهند.

در ماده‌ 2 میثاق‌ بین‌المللی‌ حقوق‌ مدنی‌ و سیاسی‌ چنین آمده است: 1. دولت‌‌های‌ طرف‌ این‌ میثاق‌ متعهد می‌شوند که‌ حقوق‌ شناخته‌ شده‌ در این‌ میثاق‌ را درباره‌ کلیه‌ افراد مقیم‌ در قلمرو تابع‌ حاکمیت‌شان‌ بدون‌ هیچ‌گونه‌ تمایزی‌ از قبیل‌ نژاد، رنگ،‌ جنس،‌ زبان،‌ مذهب،‌ عقیده‌ سیاسی‌ یا عقیده‌ دیگر اصل‌ و منشأ ملی‌ یا اجتماعی،‌ ثروت،‌ نسب‌ یا سایر وضعیت‌‌ها محترم‌ شمرده‌ و تضمین‌ بکنند. 2. هر دولت‌ طرف‌ این‌ میثاق‌ متعهد می‌شود که‌ بر طبق‌ اصول‌ قانون‌ اساسی‌ خود و مقررات‌ این‌ میثاق‌ اقداماتی‌ در زمینه‌ اتخاذ تدابیر قانونگذاری‌ و غیرآن‌ به‌ منظور تنفیذ حقوق‌ شناخته‌ شده‌ در این‌ میثاق‌ که‌ ‌‌‌‌‌قبلاً به‌ موجب‌ قوانین‌ موجود یا تدابیر دیگر لازم‌الاجراء نشده‌ است‌ بعمل‌ آورد.

در هر دو میثاق و پیمان‌ها و کنوانسیون‌‌ها، «حقوق ماهوی» بسیاری برای همه افراد تأکید شده و کشور‌ها مکلف به رعایت آن هستند و این «حقوق ماهوی» منحصر به حقوق نسل اول نیست بلکه شامل همه حقوق بشر نسل‌‌های سه‌گانه می‌شود. نکته حائز اهمیت آن که «حقوق رویه­ای»، در حقوق بشر نسل اول، مطرح شده که خود یک حق اساسی از حقوق بشر است، عبارت (حقوق‌ شناخته‌ شده‌ در این‌ میثاق‌) که در ماده 2 آمده است، به صراحت شامل «حقوق بشر ماهوی» نیز می‌شود که در مواد مختلف میثاق مطرح شده است، و نه تنها کم اهمیت‌‌‌تر از بقیه حقوق نیست بلکه تضمین اجرای صحیح حقوق است.

# **بند دوم: حقوق بشر رویه‌ای، تضمین اجرای حقوق ماهوی**

در خصوص مفهوم ضمانت اجرا[[20]](#footnote-20) گفته شده است: «هرگاه یک قانون را یکی از افراد جامعه نقض کند قدرت عمومی برای حفظ نظم و حقوقی که ضمن نقض آن قانون تباه شده به کار می‌افتد و‌ عکس‌العمل نشان می دهد این ‌عکس‌العمل را ضمانت اجرا گویند. بنابراین ضمانت اجرا عبارت است از قسمتی از قدرت عمومی که به ضرورت ‌عکس‌العمل علیه ناقض قانون جلوه می‌کند.»[[21]](#footnote-21) در میثاق بر اجرای عدالت قضائی در جامعه، از سوی دادگاه‌‌ها، به عنوان ضمانت اجرا حقوق بشر ماهوی و حقوق دیگر تأکید شده است.

# **مبحث دوم: دایره شمول حق دادرسی**

در برخی متون بررسی کننده «حق دادرسی»، فقط در امور کیفری و در برابری متهم با دادستان در پرونده‌ مطرح شده است به صورتی که لازم است دولت، برای متهم امکاناتی را ایجاد کند که وی در برابر دادستان، قدرت دفاع داشته باشد این مسأله بر اساس آنچه که در قانون کیفری و قواعد کیفری وجود دارد کاملاً منطقی و درست است و با توجه به تأکید مواد بسیاری از میثاق و اعلامیه بر حقوق کیفری، مورد توجه قرار گرفته است، یکی از نکات حائز اهمیت در میثاق و اعلامیه آن است که به صورت عام در زمینه مسائل حقوق کیفری صحبت کرده و دستگیری‌ها و شکنجه و امثال آن را مورد بررسی قرار داده و در مواد مختلفی از آن‌ها سخن گفته ‌است بر همین اساس بسیاری از کسانی که حق دادرسی را مورد بررسی قرار داده‌اند منحصراً در زمینه کیفری و عمدتاً در زمینه حق برائت و حق وکیل و امثال آن در دادگاه‌‌های کیفری سخن گفته‌اند اما «دامنه شمول» حق دادرسی از نظر موضوعی، بیش از مسأله برابری کیفری دادستان و متهم است. علاوه بر اصول عامّی که حاکم بر نحوه رسیدگی بر کلیه دعاوی اعم از کیفری، مدنی و اداری و انتظامی است، برخی از اصول یادشده مربوط به دادرسی بویژه در دعاوی کیفری است. این اصول منحصر به دعاوی کیفری در مفهوم مضیّق و آنچه که در حقوق داخلی از آن به عنوان آیین دادرسی کیفری نام برده می‌شود، می‌باشد.

این اصول عبارتند از: ممنوعیت شکنجه و اخذ اقرار از متهم، بازداشت غیرموجه، حق دسترسی افراد بازداشت شده به محیط بیرون از زندان، حق دسترسی به پزشک و خانواده برای افراد بازداشت شده، حق محاکمه در زمان آزادی از بازداشت، حق عدم اجبار به شهادت یا اقرار به گناه و... [[22]](#footnote-22)

# **بند اول: دایره عام شمول موضوعی حق دادرسی**

حق دادرسی در همه زمینه‌‌های مختلف اداری، سیاسی، اجتماعی، مالکیت، خانواده، جرائم عمومی، جرائم خصوصی، جرائم پنهان و آشکار، و حتی حقوق عامه همانند مسأله محیط زیست و دیگر حقوق ماهوی مصرح در همه قوانین، شمولیت داشته و همه انواع حقوق را در بر می‌گیرد و لازم است دولت به معنای عام؛ ‌‌‌خصوصاً قوه قضائیه، نسبت به همه آنها توجه داشته باشد که حق دادرسی برای اشخاص ایجاد و تسهیل شود، تأکید بر تسهیل، برای آن است که‌ایجاد دسترسی بدون تسهیل، و با سخت بودن روش‌‌ها، «حق دادرسی» را برای اقشار فراوانی از مردم، ‌‌‌‌‌‌عملاً ناممکن می‌نماید. بر اساس ماده 3 میثاق، مسأله حق دادرسی فراتر از امور کیفری و اصل برائت و امثال آنهاست هرچند این موارد بسیار مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد اما حق دادرسی نه تنها محدود به‌امور کیفری نبوده بلکه بر اساس مواد خود میثاق در زمینه‌‌های مختلف، دولت‌‌ها مکلفند هر نوع حقی که از مردم ضایع می‌شود را با دادرسی عادلانه و منصفانه مورد بررسی قرار دهند و همه‌امکانات خود را برای این کار آماده کنند.

در ماده هفتم اعلامیه جهانی حقو ق بشر آمده است «همه در برابر قانون مساوی هستند وحق دارند بدون تبعیض ازحمایت یکسان قانون بر خوردار شوند درمقابل هرتبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و برعلیه هرتحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید از حمایت یکسان قانون بهره مند شوند.»

همچنین در بند الف قسمت 3 ماده 2 میثاق می‌خوانیم «هر دولت‌ طرف‌ این‌ میثاق‌ متعهد می‌شود که‌: «تضمین‌ کند که‌ برای‌ هر شخصی‌ که‌ حقوق‌ و آزادی‌‌های‌ شناخته‌ شده‌ در این‌ میثاق‌ درباره‌ او نقض‌ شده‌ باشد وسیله‌ مطمئن‌ احقاق‌ حق‌ فراهم‌ بشود هر چند که‌ نقض‌ حقوق‌ به‌ وسیله‌ اشخاصی‌ ارتکاب‌ شده‌ باشد که‌ در اجرای‌ مشاغل‌ رسمی‌ خود عمل‌ کرده‌ باشند.»

اگر فقط به همین بند از میثاق توجه شود، دولت‌ها متعهد شده‌اندکه به سبب هر آنچه نقض حقوق و آزادی‌‌های شناخته شده در این میثاق است برای مردم حق دادرسی ایجاد نمایند اما در ماده 8 اعلامیه جهانی حقوق بشر حق رجوع ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر به دادگاه به صراحت به کلیه حقوق متعلق به اشخاص، تعمیم یافته است « در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هرکس حق رجوع ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر به محاکم ملی صالحه را دارد.» در این ماده به صراحت تعمیم حق دادرسی، به بقیه حقوق شناخته شده فرد از سوی قوانین داخلی اشاره شده است و دولت‌ها مکلفند در این زمینه دسترسی مردم را در هر موردی که حق آنان ضایع شده باشد، به دادگاه‌ها یا شبه‌دادگاه‌ها ایجاد نمایند.

در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (رم، ٤ نوامبر ١٩٥٠) نیز بر حق بشری به دادرسی عادلانه در همه زمینه‌‌های مدنی و کیفری تأکید شده است. بند 1 ماده 6 این کنوانسیون مقرر می‌دارد: هر شخص در تعیین حقوق و تعهدات مدنی خود یا هر نوع اتهام جنایی علیه وی حق دارد از یک جلسه‌ی استماع دادرسی در محدوده‌ی زمانی مناسب توسط دادگاه قانونی مستقل و بی‌طرف برخوردار باشد.[[23]](#footnote-23)

# **بند دوم: دایره شمول حق دادرسی به همه اشخاص**

همانگونه که «حقوق ماهوی» عام و شامل همه اشخاص است، «حق دادرسی عادلانه» به همه اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) تسری می‌یابد و همه اشخاص مقیم کشور، «و حتی غیر‌مقیم اما ذی‌حق» در قوانین را، بدون هیچگونه تبعیض، شامل می‌شود و باید به دو جنبه از حق دادرسی توجه داشت.

اول «حق دادرسی جهت ارائه دادخواست»، که هر شخصی در هر کجا احساس هرگونه فعل یا ترک فعلی که حق او را ضایع می‌کند بتواند به راحتی دادخواست خود را به دادگاه صالحه ارائه دهد. دوم «حق دفاع» است که بسیار مهم بوده و باید به هر فردی، به‌اندازه کسی که دادخواست ارائه کرده اجازه داده شود که بتواند از خودش دفاع کند نه ‌اینکه صرفاً بر اساس دادخواست‌ها کسی را محکوم نمود.

قوانین و قواعد کلی حقوقی در زمانی به عنوان «حق دادرسی عادلانه» قابل قبول هستند که در هر دو زمینه، به اشخاص حقیقی و حقوقی، بدون نگاه به جنسیت، عقیده و جایگاه طبقاتی و یا مدیرتی و دیگر امتیازات حق یا ناحق، اجازه و امکان عملی داده باشند و طرفین دعوا با هر میزان قدرت یا ثروت و مکنت، با طرف مقابل برابر باشد چه در زمانی که از سوی شخص قدرتمند مورد فعل یا ترک فعلی قرار می‌گیرند و حق آنها را ضایع می‌کند، «حق ارائه دادخواست» داشته و چه زمانی که از جانب آن قدرتمند مورد دعوت به دادگاه قرار گرفته و متهم می‌شود «حق دفاع» به او داده شود. این امر در تمامی مسائل مدنی و کیفری و اداری و نظامی و. . . جایگاه داشته و باید دیده شود تا دادرسی عادلانه برقرار گردد.

در قسمت‌‌های الف، ب و ج بند 3 ماده‌ 2 میثاق‌ بین‌المللی‌ حقوق‌ مدنی‌ و سیاسی‌ به توسعه حق دادرسی به تمامی دادگاه‌‌ها و شبه‌دادگاه‌‌های اداری و مقننه یا هر مقام صالح دیگر تصریح می‌کند، هرچند این بند از ماده 1 مربوط به «حقوق بشر» در این میثاق است.

هر دولت‌ طرف‌ این‌ میثاق‌ متعهد می‌شود که‌:

الف: تضمین‌ کند که‌ برای‌ هر شخصی‌ که‌ حقوق‌ و آزادی‌‌های‌ شناخته‌ شده‌ در این‌ میثاق‌ درباره‌ او نقض‌ شده‌ باشد وسیله‌ مطمئن‌ احقاق‌ حق‌ فراهم‌ بشود هر چند که‌ نقض‌ حقوق‌ به‌ وسیله‌ اشخاصی‌ ارتکاب‌ شده‌ باشد که‌ در اجرای‌ مشاغل‌ رسمی‌ خود عمل‌ کرده‌ باشند.

ب: تضمین‌ کند که‌ مقامات‌ صالح‌ قضائی‌ اداری‌ یا مقننه‌ یا هر مقام‌ دیگری‌ که‌ به‌ موجب‌ مقررات‌ قانونی‌ آن‌ کشور صلاحیت‌ دارد درباره‌ شخص‌ دادخواست‌ دهنده‌ احقاق‌ حق‌ بکنند و همچنین‌ امکانات‌ تظلم‌ به‌ مقامات‌ قضائی‌ را توسعه‌ بدهند.

ج‌: تضمین‌ کند که‌ مقامات‌ صالح‌ نسبت‌ به‌ تظلماتی‌ که‌ حقانیت‌ آن‌ محرز شود ترتیب‌ اثر صحیح‌ بدهند.

در بند 1 ماده 14 حق دادرسی منصفانه و عادلانه را در همه‌امور الزامی می‌داند و این «تعهد ایجابی» دولت‌‌هائی است که میثاق را پذیرفته‌اند «همه‌ در مقابل‌ دادگاه‌‌ها و دیوان‌‌های‌ دادگستری‌ متساوی‌ هستند. هر کس‌ حق‌ دارد به‌این‌ که‌ به‌ دادخواهی‌ او منصفانه‌ و علنی‌ در یک‌ دادگاه‌ صالح‌ مستقل‌ و بیطرف‌ِ تشکیل‌ شده‌ طبق‌ قانون‌ رسیدگی‌ بشود و آن‌ دادگاه‌ درباره‌ حقانیت‌ اتهامات‌ جزائی‌ علیه‌ او یا اختلافات‌ راجع‌ به‌ حقوق‌ و الزامات‌ او در مورد مدنی‌ اتخاذ تصمیم‌ بنماید.»

دسترسی به عدالت و برخورد عادلانه با قربانیان جرم در مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت» با قطعنامه 40/34 مجمع عمومی در تاریخ 29 نوامبر 1985 تصویب شد در بند‌‌های ذیل «حق دادرسی» تبیین شده است (رفتار با عطوفت و احترام به حرمت قربانیان، حق دسترسی به سازوکارهای عدالت و جبران سریع، حق اطلاع از حقوق خود، پاسخگوئی فرآیند قضائی، ارائه کمک مناسب به قربانیان در تمام مراحل قانونی، اجتناب از تأخیر بی مورد در رسیدگی به پرونده‌ها و اجرای احکام اعطای خسارت به قربانیان.)[[24]](#footnote-24)

# **بند سوم: اصول دادرسی عادلانه**

امروزه حق برخورداری از دادرسی منصفانه در بردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوای آنان پیش‌بینی گردیده و تضمین‌هایی که در اسناد ‌بین‌المللی حقوق بشر به عنوان یکی از حقوق به رسمیت شناخته شده مورد اشاره قرارگرفته محور و مبنای متحدالشکل نمودن آیین دادرسی در حوزه‌‌های مختلف می‌باشد.[[25]](#footnote-25) در خصوص اصول دادرسی عادلانه از موارد ذیل بحث شده است:

###### الف: اصل برائت

پیش‌فرض برائت یکی از اصول و قواعد بنیادین محاکمات جزایی است که از حقوق شهروندان در برابر قدرت‌طلبی‌های نهادهای عمومی حمایت می‌کند. حق بهره‌مندی از اصل برائت در اصل 37 قانون اساسی، در بند 2 ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع، در بند 2 ماده 149 قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب، همچنین ماده 11 اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت مورد تأیید قرار گرفته است.

###### ب: اصل دادرسی توسط مقامی‌ بی‌طرف

منظور از اصل استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی‌کننده آن است که اولاً، قضات بدون جانبداری سیاسی، حقوقی و اعتقادی به وظیفه خویش بپردازند و ثانیاً، رسیدگی قضایی باید مستدل، مستند و در چارچوب قوانین حاکم باشد. درباره تأمین این حق و رعایت این اصل در بند 1 ماده 21 اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است.

###### ج: اصل علنی بودن دادرسی

این اصل امروزه یکی از ‌‌مؤلفه‌های مهم دادرسی منصفانه و حقی از حقوق بشر در دعاوی کیفری محسوب می‌شود. اسناد حقوق بشری مختلف از جمله ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و بند 1 ماده اعلامیه حقوق بشر بر علنی بودن رسیدگی تأکید کرده‌اند.

###### د: اصل بهره‌مندی از وکیل

حق متهم به داشتن وکیل در ماده 14 میثاق و اصل 35 قانون اساسی پیش‌بینی شده است.

###### ه: اصل تفهیم اتهام به متهم

این حق متهم است که از جانب مقام قضایی اتهام وی به نحوه‌ای بیان شود که با توجه به شرایط و وضع متهم برای او قابل درک باشد. ماده 14 میثاق و اصل 32 قانون اساسی این حق را مقرر می‌دارد.

###### و: اصل محق بودن متهم به سکوت

برخورداری از این حق موجب می‌شود متهم بدون آنکه تکلیفی داشته باشد از این حق به عنوان ابزاری در جهت تأمین حقوق و آزادی‌های شهروندی‌اش استفاده کند و در برابر پرسش‌ها ساکت بماند. بند 3 ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوق بشر و ماده 197 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، بر این حق برای متهم تأکید شده است.

گفتار دوم: الزامات قانونی حق دادرسی ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر به دادگاه

زمانی که از «حق دسترسی ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر» به دادگاه‌ها سخن می‌گوییم لازم است این سخن در چارچوب قانون باشد. در قوانین ایران، در این زمینه کمبود جدی و بنیادین نداریم و اگر به هر آنچه که قانون داریم، به خوبی عمل کنیم، «حقوق بشر» و یا به لفظ دیگر «حقوق اساسی» و یا به عبارت دیگر «عدالت خواهی» در کشور عملیاتی خواهد شد ما زیرساخت‌های فراوانی، در روایات و آیات، و قانون اساسی و قوانین مختلف مصوب و پذیرفته شده قبل و بعد از انقلاب اسلامی در دسترس داریم همچنین کنوانسیون‌‌هایی که در قوانین ما مورد پذیرش قرار گرفته است و به عنوان قانون داخلی ما می‌تواند این زیرساخت بزرگ را عملیاتی نماید.

#### 

# **مبحث اول: قوانین داخلی**

در این بحث در مورد حق دادرسی باید مطالبی گفته شود که مورد پذیرش سیستم‌‌های قضائی باشد و ما در این مجموعه نگاهی به سیستم قضایی ایران داریم كه در اين پژوهش به بررسي مبانی فقهی و دینی «حقوق بشر» و «حق دادرسی»، به صورت اجمالی مورد بررسی قرار گیرد تا به یک سؤال بنیادین پاسخ داده شود (آیا حقوق بشر با مبانی اسلامی مغایرت یا موافقت دارد؟)

# **بند اول: مبانی اسلامی حق دادرسی**

با مطالعه اعلامیه و میثاق و منشور و بقیه اسناد حقوق بشری، در می‌یابیم که در اکثریت حقوق ماهوی، تفاوت چندانی بین دیدگاه اسلام و دیدگاه حقوق بشری وجود ندارد البته در برخی موضوعات به «صورت مصداقی» اختلافاتی وجود دارد. در زمینه «حق دادرسی عادلانه» نیز در فقه اسلامی اعم از شیعه و سنی مبانی و زیرساخت‌‌های آن با مبانی حقوق بشر مطابقت دارد و این مسأله تبیین شده است، بر همین اساس در این قسمت به ذکر مبانی دینی حق دادرسی، پرداخته شده است هرچند می‌توان تفصیلی در این رابطه سخن گفت اما تلاش بر آن شده است تا به صورت موجز آن را بیان نماییم.

###### الف: آیات قرآن

ادله اربعه عبارت است ازکتاب و سنت و عقل و اجماع که مبانی فقه شیعیان را تشکیل می‌دهد منظور از کتاب در ادله اربعه، قرآن است. آیات الأحکام حدود 500 آیه از قرآن را تشکیل می‌دهد. در آیات قرآن، موارد فراوانی به «حق دادرسی عادلانه» پرداخته که ما به چند نمونه از آن اشاره خواهیم کرد. سوره مبارکه حدید آیه ۲۵ چنین می‌فرماید: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوّی و شکست‌ناپذیر است.[[26]](#footnote-26)

همانگونه که ملاحظه می‌شود، قیام به قسط و برقراری قسط (مرحله‌ای فراتر از عدالت ) به عنوان اولین هدف مطرح شده است، قسط همان گونه که در معنای لغوی آن آمده به معنای تقسیم عادلانه است و نقطه مقابل آن تبعیض است، بنابراین قسط آن است که حق هرکس به او برسد و به دیگری داده نشود. ولی عدالت در مقابل جور و تجاوز به حقوق دیگران است، به‌این صورت که فردی حق دیگری را غضب کرده و برای خود بردارد و می‌دانیم عدالت کامل در جامعه انسانی آن زمان برقرار می‌شود که نه کسی تجاوز به حقوق دیگری کند و نه حق کسی را به دیگری دهد.

###### ب: سنت

سنت به قول، فعل و تقریر معصوم اطلاق می‌شود. این معنا در میان اهل سنت و شیعیان متفاوت است. اهل سنت تنها گفتار و رفتار و تقریر پیامبر را سنت می‌دانند و شیعیان علاوه بر پیامبر، امامان دوازده گانه و حضرت زهرا (س) را ملحق می‌کنند و معنای سنت را توسعه می‌دهند. در خصوص معنا و مفهوم و گستره «سنت»، یا «قول و تقریر معصوم» مباحث بسیار تفصیلی بیان شده است.[[27]](#footnote-27)

در موضوع «قضاوت عادلانه» و «حق دادرسی»، در روایات، مطالب مهمی وجود دارد که به دلیل اختصار به چند نمونه آن اشاره خواهیم کرد. این روایت از امام علی ع در توصیه به «حق دسترسی» به حاکم، اعم از حکومت اجرائی و قضائی مطرح شده و از قول پیامبر نقل شده است: «من بارها از رسول خدا صلّى اللّه علیه و آله شنیدم مى‏فرمود: «امتى به پاکى و قداست نرسد مگر اینکه حق‏ ناتوان را از قدرتمند با صراحت و روانى ‌‌کلام بگیرد» (ابن شعبه حرانی)[[28]](#footnote-28) بنا بر روایت فوق، این سخن و دستور العمل، در زمان‌ها و موضوعات مختلف از پیامبر صادر شده است.

همچنین درروایت دیگری از پیامبر می‌خوانیم: قال رسول الله (ص) اِتَّقُوا دَعوَةَ المَظلُومِ وَ إن کانَ کافِراً فَإنّها لَیسَ دُونَها حِجابٌ؛ از نفرین مظلوم بترسید اگر چه کافر باشد، زیرا در برابر نفرین مظلوم پرده و مانعى نیست.[[29]](#footnote-29) در روایت دیگری نقل شده است: «حضرت باقر علیه السّلام فرمود: هنگامی که مرگ (پدرم) علی بن الحسین در رسید مرا بسینۀ خود چسبانید سپس فرمود: ای فرزند سفارش کنم ترا بآنچه پدرم هنگام مرگش بمن سفارش کرد، و بهمان چیزی که او یاد آور شد که پدرش بآن سفارش کرده بود، ای فرزند مبادا ستم کنی بکسی که یاوری در برابر تو جز خدا نیاید.»[[30]](#footnote-30) (شیخ کلینی اصول کافی ج 2، ص 331).

###### ج: شرایط دادرس و دادرسی در نهج البلاغه

یکی از کتب روائی، نهج البلاغه است که سخنان امام علی ع را گردآوری کرده است در این کتاب نامه‌ها و سخنان فراوانی در زمینه حق دادخواهی عادلانه و جنبه‌‌های مختلف آن می‌توان یافت به عنوان نمونه به دستورالعمل اجرائی امام علی( ع) به مالک اشتر، زمانی که او را برای استانداری مصر روانه کرده و در زمینه‌‌های گوناگون دستوراتی داده است در خصوص دادرسی و داوران و شیوه کار آنان و نظارت بر حسن عملکردشان نیز چنین دارد :

و برای داوری در میان مردم، یکی از افراد رعیت را بگزین که در نزد تو برتر از دیگران بود. از آن کسان، که کارها بر او دشوار نمی‌‏آید و از عهده کار قضا برمی‌‏آید. مردی که مدعیان با ستیزه و لجاج، رأی خود را بر او تحمیل نتوانند کرد (استقلال قاضی) و اگر مرتکب خطایی شد، بر آن اصرار نورزد (منصف بودن) و چون حقیقت را شناخت در گرایش به آن درنگ ننماید (قاطعیت) و نفسش به آزمندی متمایل نگردد (سلامت اقتصادی) و به‌اندک فهم، بی‏ آنکه به عمق حقیقت رسد، بسنده نکند. (تحقیقات همه جانبه)

قاضی تو باید، از هر کس دیگر موارد شبهه را بهتر بشناسد و بیش از همه به دلیل متکی باشد (استدلال علمی) و از مراجعه صاحبان دعوا کمتر از دیگران ملول شود (خستگی ناپذیری) و در کشف حقیقت، شکیباتر از همه باشد (بررسی عمیق) و چون حکم آشکار شد، قاطع رأی دهد. (رای علمی) چرب‏زبانی و ستایش به خودپسندیش نکشاند. از تشویق و ترغیب دیگران به یکی از دو طرف دعوا متمایل نشود. (بی‌طرفی و تأثیرناپذیری) چنین کسان اندک به دست آیند، پس داوری مردی چون او را نیکو تعهد کن و نیکو نگهدار و در بذل مال به او، گشاده دستی به خرج ده تا گرفتاریش برطرف شود و نیازش به مردم نیفتد و او را در نزد خود چنان منزلتی ده که نزدیکانت درباره او طمع نکنند و در نزد تو از آسیب دیگران در امان ماند. در این کار، نیکو نظر کن که‌این دین در دست بدکاران اسیر است. از روی هوا و هوس در آن عمل می‌‏کنند و آن را وسیله طلب دنیا قرار داده ‏اند.[[31]](#footnote-31)

###### د: نظرات فقها

در مبانی فقهی کتب فراوانی در رابطه با قضاوت نوشته شده که در همه آنها بر اصل عدالت خواهی و برابری طرفین دعوا تأکید شده است که می‌تون به تفصیل به کتب مربوطه مراجعه کرد که در تمامی آن‌ها «عدالت» بر اساس دستورات و مبانی فقهی تأکید شده است. از فقها اهل سنت قاضی ماوردی این گونه می‌گوید:

و جایز نیست برای قاضی اینکه خود را از دسترس دادخواهان دور بدارد مگر در زمانی که باید استراحت کند (حق دسترسی) و حق ندارد که برای یکی از پدر و مادرش و یا فرزندانش قضاوت کند زیرا مورد اتهام خروج از بی‌طرفی است همچنین حق ندارد به نفع یا ضرر آن‌ها شهادت دهد و یا به نفع یا ضرر طرف دعوی شهادت دهد (بی‌طرفی) (ماوردى، ابوالحسن على بن محمدبن حبیب ماوردى بصرى374 ه ق)[[32]](#footnote-32)

محقق حلی از فقهاء شیعه در شرایع الإسلام شرایط بسیاری را می‌نویسد که از آن جمله در شرایط ایجابی با عنوان مستحب ذکر می‌کند که قاضی موارد زیر را عملی نماید.

* از اهل شهرش بخواهد که آنچه درخواست دارند به او بگویند (حق دادرسی)
* در وسط شهر مسکن گزیند تا طرفین دعوی به راحتی به او دسترسی داشته باشند (حق دسترسی)
* اگر شهر بزرگ است به جارچیان اعلام کند که قاضی رسیده است (‌اطلاع‌رسانی)
* در زمان قضاوت در یک نقطه قابل دیدن بنشیند مانند یک مکان وسیع یا در یک مکانی که دسترسی آسان باشد (حق دسترسی)
* و آن چه از قاضی قبلی از ادله مردم و امانات آن‌ها دارد را تحویل بگیرد زیرا با اولین ملاقات، قاضی قبلی عزل می‌شود.

مکروهات عبارت است:

* قاضی نباید نگهبان بین خود و دادخواهان قرار دهد (حق دسترسی)
* و نباید دائماً مسجد را محل قضاوت خود قرار دهد و عده‌ای گفته‌اند که به‌ دلیل آنکه ‌امام علی ع در مسجد جامع کوفه قضاوت می‌کرد اشکالی ندارد.
* مکروه است که در حال غضب، گرسنگی، تشنگی، غمگین بودن، شادی و ترس، درد، بی حالی و خواب آلودگی قضاوت کند.[[33]](#footnote-33)

همانگونه که ملاحظه شد، فقهاء اسلام در صدها سال قبل، مسائلی که «دادرسی عادلانه» را به خطر می‌اندازد، حتی مسائل روان شناسانه را مورد توجه قرار داده‌اند و بر قضاوت در شرایط شخصی، که فرد را تحت تأثیر می‌گذارد و احتمال خروج وی از «عدالت و انصاف» می‌رود تأکید کرده‌اند.

# **بند دوم: مبانی قانون اساسی حق دادرسی**

در اصل سی و چهارم قانون اساسی ایران، دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته و تصریح بر این نکته دارد که هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌‌های صالح «در هر موضوع، دادگاه صالح مربوط به آن طبق قانون مشخص شده است» رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

در اصل‏ یکصد و هفتادم تصریح بر شمول دامنه «حق دادرسی» تا حد درخواست برای ابطال احکام دولت و دستگاه‌‌های اجرائی را تعمیم داده و در دو بخش ذکر کرده است: بخش نخست، قضات‏ دادگاه‏‌ها مکلفند از اجرای‏ تصویب‏‌نامه‏‌ها و‌‌‌‌‌آیین‌نامه‏‌‌های‏ دولتی‏ که‏ مخالف‏ با قوانین‏ و مقررات‏ اسلامی‏ یا خارج‏ از حدود اختیارات‏ قوه‏ مجریه‏ است‏ خودداری‏ کنند در بخش دوم این نکته مهم را ذکر کرده است «و هر کس‏ می‌تواند ابطال‏ این‏ گونه‏ مقررات‏ را از دیوان‏ عدالت‏ اداری‏ تقاضا کند.» در حقیقت با تعمیم حق دادرسی به بخشنامه‌ها و مقررات دولتی، دادخواست مردم علیه بخش وسیعی از حاکمیت و قواعد و مقررات خلاف قانون را تبیین نموده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی از اصل 32 تا اصل 40 به دادرسی و دادخواهی پرداخته است اصل سی و چهارم مقرر می‌دارد «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌‌های صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.» این همان اصلی است که در «حقوق بشر» به عنوان «حق دادرسی» مطرح شده است.

همچنین، فصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی در رابطه با قوه قضائیه به صورت مشروح، ابعاد مختلف ساختار و تشکیلات و شیوه اقدامات این قوه را بیان کرده و بر استقلال قاضی تأکید دارد تا «حق دادرسی» مخدوش نشود. موارد دیگری نیز در قانون اساسی در زمینه نهاد‌‌های مختلف دادرسی تبیین شده است.

##### 

# **بند سوم: مبانی قانون عادی حق دادرسی**

در قانون عادی ایران موارد حق دادرسی بسیار فراوان است و از اولین روزهای قانون نویسی جدید در مجلس شورای‌ملی دوران مشروطه، تا امروز، قوانین فراوانی در جهت آن چه در آن روزگاران با عنوان «دادرسی عادلانه» نامیده شد وجود دارد، و دادگاه‌‌ها، محکمه عدلیه (دادگاه عادلانه) یا محاکم عدلیه نام گذاری شده‌اند (عدل همان فارسی داد است که دادگاه ترجمه عدلیه است) به عنوان مثال اولین قانون مجلس مشروطه‌ایران « قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه» است که توسط کمیسیون عدلیه مورخ 21 شهر رجب 1329 قمری برابر با تاریخ 26/04/1290 به تصویب رسیده است (توجه به‌این نکته جالب است که به‌دلیل اهمیت جایگاه عدالت، قوانین ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً ابتدا در کمیسیون قضائی تصویب و برای اجراء آزمایشی می‌رفته است امری که همچنان ادامه دارد.) در کتاب اول، اصول تشکیلات عدلیه ماده 1 آمده است: محاکم عدلیه بر دو نوع است: عمومی و اختصاصی.

همچنین در قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام مصوب 14 ذیقعده 1325 (27/09/1286) سی‌وسه بار واژه محاکم عدلیه در مسائل و تخلفات و جرائم مختلف آمده است به عنوان نمونه ماده 13 مقرر می‌دارد: «چون حکام ناظر نظم و ترتیب بند حق دارند به مواد شکایات متظلمین (دادخواهان – شاکیان) نظر کنند اگر امور آنها در جایی بر خلاف قوانین موضوعه معطل و معوق مانده باشد در سرعت آن اقدام نمایند و کار صاحب منصبان و مستخدمین ادارات محلیه را در صورت نقض قوانین موضوعه و یا ارتکاب آنها به‌ اعمال شنیعه و جنحه و جنایات موافق قوانین به محاکم عدلیه رجوع نمایند و در مواقع لازمه توجه ادارات متبوعه آنها را به اکمال و اتمام عمل آنها معطوف دارند که رسیدگی لازم به عمل آید ولی خود حاکم وجهاً من الوجوه نمی‌تواند شخصاً محاکمه نماید و نه در محاکمه طرف واقع شود.»

# **مبحث دوم: اسناد بین المللی و حقوق داخلی**

معاهدات ‌بین‌المللی از زمان‌‌های بسیار دور، دارای اعتبار بوده است قراردادهایی که در بین دو طائفه، دو یا چند گروه، و دو یا چند کشور در تاریخ بسته شده است هر کدام معاهداتی بوده است که در زمان خود اعتبار داشته و در ایران و اسلام نیز سوابق فراوانی از اینگونه معاهدات وجود دارد.

قبل از انقلاب و در جمهوری اسلامی در قوانین مختلف، جایگاه قانونی معاهدات مطرح شده و اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: عهدنامه‌‌ها، مقاوله نامه‌‌ها، قرارداد‌ها و موافقت نامه‌های ‌بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

# **بند اول: حق دادرسی اعلامیه جهانی حقوق بشر**

مهم‌‌‌ترین سند حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب 10 دسامبر 1948 میلادی (مطابق 19/9/1327 شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد است در مقدمه‌این اعلامیه آمده است «مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند. تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم وتربیت، احترام به ‌این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و ‌بین‌المللی شناسائی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه درمیان خود ملل عضو وچه دربین مردم کشورهایی که درقلمرو آنها می‌باشند تأمین گردد.» بر این اساس، اعلامیه ماهیتی یک پارچه داشته و تمام مواد آن از ارزش «حقوق بشری» برخوردارند و لازم است کلیه دول آن را محترم شمرده و تلاش نمایند که عملیاتی شود.

حق دادرسی و ابعاد مختلف آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر در مواد هفتم تا یازدهم، تبیین شده است:

* حق تساوی در برابر قانون و حمایت یکسان (ماده 7)
* حق رجوع ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر به دادگاه (ماده 8)
* منع بازداشت خودسرانه (ماده 9)
* حق دسترسی به دادگاه بی‌طرف و مستقل (ماده 10)
* حق دادگاه علنی (ماده 10)
* اصل برائت (بند 1 ماده 11)
* حق دفاع متهم (بند 1 ماده 11)
* منع عقاب بلابیان (بند 2 ماده 11)
* منع مجازات بیش از قانون (بند 2 ماده 11)

همه‌این موارد، و بسیاری دیگر، در میثاق به عنوان «حقوق رویه­ای» مطرح شده است که ضمانت اجراء «حقوق ماهوی» و دیگر حقوق اشخاص است.

# **بند دوم: حق دادرسی میثاق حقوق مدنی سیاسی**

میثاق ‌بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مشتمل بر یک مقدمه و پنجاه و سه ماده در تاریخ 16 دسامبر 1966 – 25/09/1345 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده، دولت ایران در تاریخ 17/02/1354 این میثاق را مصوب نموده و از آن تاریخ، به عنوان قانون داخلی ایران معتبر بوده و نسخ نشده است[[34]](#footnote-34) این میثاق دارای دو بخش کاملاً مشخص بوده که هردو، دارای اعتبار هستند و این تصور که «حقوق بشر» فقط در «حقوق ماهوی» است با متن صریح میثاق مبنی بر شمول «حقوق بشر رویه­ای» مغایرت دارد، و لذا لازم است در این زمینه مطالعات تفصیلی صورت گیرد.

بنابراین آن چه در میثاق بیان شده است، یک قاعده حقوق بشری یک پارچه در دو بخش «ماهوی» و «رویه­ای» است که باید مورد عمل دولت‌ها قرار گیرد. آن چه به عنوان «حقوق بشر رویه­ای» در میثاق‌ بین‌المللی‌ حقوق‌ مدنی‌ و سیاسی آمده موارد فراوانی است از جمله :

* حق دادخواست و پیگیری موارد نقض حقوق بشر (بند الف قسمت 2 ماده 2)
* حق آگاهی از اتهام (بند 2 ماده 9)
* حق سرعت در دادرسی (حق عدم اطاله دادرسی) (بند 2 ماده 9)
* حق احترام حیثیت زندانی (بند 1 ماده 10)
* حق تفکیک زندانیان مختلف (بند الف قسمت 2 ماده 10)‌
* حق بازداشتگاه ویژه کودکان (بند ب قسمت 2 ماده 10)
* حق تساوی در دادگاه‌ها (بند 1 ماده 14)
* حق دسترسی به دادرسی منصفانه و عادلانه (بند 1 ماده 14)
* حق دسترسی به دادگاه مستقل بی‌طرف (بند 1 ماده 14)

حقوق مصرح رویه‌ای، بسیار مفصل و با ذکر جزئیات است و اگر مورد توجه قرار گیرد، «حقوق بشر ماهوی» نیز تضمین می‌شود با نگاهی به فهرست فوق درمی‌یابیم که، «حقوق بشر» در میثاق، محدود به «حقوق ماهوی» نیست بلکه شامل «دادرسی عادلانه» ‌است.

# **بند سوم: اعلامیه اسلامی حقوق بشر**

«اعلامیه اسلامی حقوق بشر» یا «اعلامیه حقوق بشر اسلامی» یا «اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام»، اعلامیه‌ای ست که ازسوی سازمان کنفرانس اسلامی در 14 مرداد 1369 (5 اوت 1990) در شهر قاهره تصویب شد. این اعلامیه، خلاصه‌ای از نگاه اسلامی به حقوق بشر فراهم می‌کند. این اعلامیه ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً به عنوان واکنش اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم در سال 1948، تلقی می‌شود. که نخست در سال 1989 در کنفرانس تهران متن اعلامیه را در 32 ماده نوشتتند. اما در سال 1990 زمانی که قرار شد در قاهره تصویب شود با حذف بعضی از مواد نوشته شده در کنفرانس تهران و یا با جابجایی بعضی مواد سرانجام در 25 ماده تصویب شد. (تبدیل شدن این اعلامیه به قانون، در حقوق ایران، مشخص نشد)

# **بند چهارم: کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان**

‌دسترسی به عدالت و دادگاه در آن چنان حدی از اهمیت در حقوق بشر، برخوردار است که حتی نسبت به پناهندگان، پناهجویان و آوارگان که در کشورهای دیگر مقیم هستند، به صورت خاص، ذکر شده است حق دسترسی عادلانه که به تمامی اشخاص داده شده در جهت اجرای عدالت است و تفاوتی نمی‌کند که ما حقوق پناهندگان را به عنوان یک حقوق بشری یا حق بشردوستانه بدانیم با توجه به حقوق رویه‌ای مصرح در همین کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان، «حق دسترسی به دادگاه » در ماده 16 آمده است:

ماده 16 کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان - حق مراجعه به دادگاه‌ها[[35]](#footnote-35)

1 - هر پناهنده می‌تواند در سرزمین دول متعاهد آزادانه به محاکم قضایی مراجعه نماید.

2 - هر پناهنده در سرزمین دولت متعاهدی که محل سکونت عادی او است در مورد دسترسی به دادگاه‌‌ها از جمله استفاده از معاضدت قضایی و‌معافیت از سپردن تضمین هزینه‌های دادرسی همان رفتاری که درباره اتباع دولت مزبور به عمل می‌آید بهره‌مند خواهد شد.

3 - هر پناهنده در سرزمین‌های دول متعاهد دیگر غیر‌از سرزمین محل سکونت دائمی خود در مورد مسائل مندرج در بند 2 از رفتاری برخوردار خواهد ‌شد که درباره اتباع کشور محل سکونت دائمی وی به عمل می‌آید.

این «حق دادرسی» برای پناهندگان، در رابطه با کلیه حقوقی است که شخص دارا ‌است، در حقیقت «حق دسترسی به دادگاه» که در ماده 16 ذکر شده، همان طور که در متن دیده می‌شود، فقط در رابطه با «مسائل پناهندگی» نیست بلکه هر موضوع «حقوق مدنی»، «حقوق جزایی»، «حقوق پناهندگی» و هرنوع «حق ماهوی» دیگری که در هر قانون یا کنوانسیون، به آن شخص پناهنده و یا خانواده وی تعلق می‌گیرد را شامل می‌شود.

# **بند پنجم: کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق افراد دارای معلولیت**

یکی از محرومترین اقشار جامعه، افرادی هستند که با معلولیت‌‌های متفاوتی مواجه هستند، طبقه‌بندی معلولین فراوان است از کسانی که قسمت عقل و مغز آن‌‌ها، به مراتب از بسیاری از انسان‌‌های سالم، برتر و بالاتر است اما فرضاً، دست آنان ناتوان است یا پای آنان قطع شده است، تا معلولین مغزی و ناتوانان مختلف که دولت‌ها، موظف به حمایت‌‌های مختلف از آن‌ها هستند.

معلولین به مانند همه آحاد جامعه، دارای حقوق و تکالیف هستند و می‌توانند به‌عنوان خواهان صاحب حق، در یک پرونده، دادخواست بدهند یا طرف دعوی یا اتهام غیر‌قرار بگیرند، معلولی که مالی به ارث برده و اینک توان پیگیری از حق خود را ندارد یا حقوقی که در بودجه سرانه برای او ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی شده ولی توسط ‌مأمور خاطی پرداخت نمی‌شود و انواع و اقسام حقوق و اتهاماتی که می‌تواند برای او پیش بیاید معلول را یکی از طرفین دعوی یا شاهد یا وارد در دعوی فرض می‌کند. انجمن ‌بین‌المللی معلولیت (آی دی سی)[[36]](#footnote-36) در «کتابچه راهنمای حقوق بشر افراد دارای معلولیت؛ درک کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق افراد دارای معلولیت» نوشته ماریان شولز، «دسترسی به عدالت» افراد معلول را اینگونه توضیح داده است.

1- کشورهای عضو، دسترسی ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر به عدالت برای افراد معلول را به همان اندازه با دیگران تضمین می‌کنند، از جمله از طریق تدارک مراکز درمانی مناسب و سالم برای تسهیل نقش ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر آنها در شرکت‌‌های مستقیم و غیرمستقیم، از جمله شاهدان، در تمام مراحل قانونی، از جمله در مراحل تحقیق و دیگر مراحل اولیه.

2- برای کمک به تأمین دسترسی ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر به عدالت برای افراد معلول، کشورهای عضو باید ‌‌‌‌آموزش مناسب را برای افرادی که در زمینه دادگستری کار می‌کنند از جمله کارمندان پلیس و کارکنان و ‌مأمورین زندان، فراهم کنند. سازمان ملل متحد، راهنمای اصلی حقوق بشر مینی بر حق داشتن یک دادرسی عادلانه و یک دادرسی مناسب در زمینه مقابله با تروریسم را در سال 2014 و بر غیرقابل استثنا بودن حقوق محاکمه عادلانه و برابری سلاح‌ها و حق وکیل و بسیاری از امور دیگر تأکید کرد.[[37]](#footnote-37)

##### 

# **بند ششم: کنوانسیون اروپائی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**

هرچند ایران عضوی از اتحادیه اروپا نیست و هیچگونه تعهدی نسبت به کنوانسیون‌‌های اروپائی ندارد، اما آشنائی با متون حقوقی مرتبط، در جهت مطالعه عمیق موضوع، ضروری است و با توجه به‌اینکه در بسیاری از متون حقوق بشر؛ به‌این کنوانسیون ارجاع شده، متن ماده 6 کنوانسیون اروپائی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب رم، ٤ نوامبر ١٩٥٠ در خصوص «حق دسترسی»، به شرح زیر است:

١- هر شخص در تعیین حقوق و تعهدات مدنی خود یا هر نوع اتهام جنایی علیه وی حق دارد از یک جلسه‌ی استماع دادرسی منصفانه و علنی در محدوده‌ی زمانی مناسب توسط دادگاه قانونی مستقل و بی‌طرف برخوردار باشد. نتیجه‌ی دادرسی باید به صورت عمومی اعلام شود. با این حال، ممکن است مطبوعات و عموم مردم از شرکت در تمام یا بخشی از جلسات محاکمه به دلایل اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه‌ی مردم‌سالار که رعایت مصالح جوانان یا حفاظت از حریم خصوصی طرف‌های دعوا ضروری است یا در مواردی که به تشخیص قطعی دادگاه، اعلان عمومی آن مضر مصالح عدالت شناخته شود.

٢- هر شخصی که متهم به ارتکاب یک جرم جنایی است تا زمانی که جرم وی به‌طور قانونی اثبات نشده، باید بی‌گناه تلقی شود.

٣- هر شخصی که متهم به ارتکاب یک جرم جنایی است از حداقل حقوق ذیل برخوردار است:

الف- سریعاً و به زبانی که آن را درک کند از ماهیت و دلیل اتهامات مطروحه علیه وی به‌صورت مشروح آگاه شود.

ب- زمان و امکانات کافی برای آماده‌سازی دفاعیه‌ی خود را داشته باشد.

ج- دفاع از خود به وسیله‌ی خودش یا از طریق دستیار حقوقی انتخاب شده توسط وی یا در صورتی که قادر به پرداخت هزینه‌های مربوط به استخدام دستیار حقوقی نباشد، دادگاه به اقتضای مصالح اجرای عدالت، دستیار مربوطه را به صورت رایگان در اختیار وی قرار دهد.

د- بازجویی از شاهدی که بر علیه شخص می‌خواهد شهادت بدهد و حاضر کردن و بازجویی کردن از شاهدی که به نفع وی شهادت می‌دهد تحت شرایط مشابه با شاهد مخالف شخص.

ه- در صورتی که متهم نمی‌تواند زبان مورد استفاده در دادگاه را درک کرده یا آن را صحبت کند، مترجم رایگان در اختیار داشته باشد.[[38]](#footnote-38)

گفتار سوم: ‌‌مؤلفه‌‌های دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه شامل همه ‌اموری است که هر فردی در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است.[[39]](#footnote-39) دادرسی عادلانه دارای ‌‌مؤلفه‌‌ها، مصادیق و مبانی مختلفی است که به بیان‌‌های مختلف، در کتب گوناگون، قانون اساسی کشورها از جمله‌ایران، اعلامیه، میثاق و امثال آن‌‌ها، بیان شده است، برخی از این اصول در کلیه دادگاه‌ها و شبه‌دادگاه‌ها جاری است و در همه دعاوی مدنی (به معنای عام آن از قبیل دعاوی اداری، صنفی، خانواده، مالی و. ..) و کیفری قابل اعمال ‌است و برخی از اصول، خاص هر موضوع و پرونده کیفری یا مدنی است شناخت اصول حاکم، از قبیل «اصل برائت» و یا «اصل مالکیت» و یا «اصل سندیت» و امثال آنها در هر یک از دادگاه‌ها و شبهه دادگاه‌‌ها، تضمین کننده عدالت است دادرسی عادلانه زمانی تحقق می‌یابد که جزئیات مبانی آن، در هر موضوع پرونده، به صورت کامل شناخته شده و مورد توجه قرار گیرد.

دسترسی عادلانه مفهومی است که در آن هر شخصی به راحتی به حقوق خود و آنچه که در قانون برای وی نوشته شده، دست یابد بنابراین در وظایف کلی قضایی اعم از آنچه در قانون اساسی و پس از آن در قوانین عادی آمده است به تمامی مراحل دادرسی توجه داشته است در کتابی که پارلمان اروپا تدوین کرده است در تعریف مفهوم دسترسی مؤثر به عدالت چنین آمده است :

مفاهیم «حاکمیت قانون» و «دسترسی مؤثر به عدالت» دو پیش شرط به هم پیوسته برای یک «دموکراسی کارآمد» هستند. حاکمیت قانون، «یکی از ارزش‌های اساسی و بنیادی اتحادیه اروپا»، به طور عمده به «وجود قوانین و قواعد حاکم بر نحوه عملکرد جامعه» اشاره دارد. یکی از مهم‌ترین شرایط برای برقراری حکم قانون، دسترسی مؤثر به عدالت است که «مربوط به توانایی شهروندان عادی در استفاده از ابزارهای قانون، در یک ‌‌کلام سیستم عدالت» است. دسترسی کامل به عدالت منجر به‌ایجاد ارتباط مثبت بین شهروندان و دستگاه قضایی می‌شود، که در «احترام به قانون و اعتماد به نفس در سیستم عدالت» منعکس شده است. نکته مهم، دسترسی به دادگستری در قانون مدنی، کیفری و اداری کاهش می‌یابد و برای افرادی که به دنبال بهره‌مند شدن از سایر حقوق رویه‌ای و اساسی هستند، بسیار مهم است.[[40]](#footnote-40)

در حقیقت «دادرسی عادلانه» فقط از زمان شروع دادخواست و در حین رسیدگی نیست، بلکه پیش و حین و پس از دادگاه، در هر سه مرحله، این حق وجود دارد.

الف : پیشا دادرسی

یکی از موارد مصداقی حق دسترسی، «دسترسی فیزیکی» به قسمت‌‌های مختلف دادرسی است؛ اعم از امور اداری و قضایی و اجرایی که تا حد امکان در سراسر کشور ایجاد شود تا در نزدیک‌‌‌ترین مکان به مردم قرار گیرد، قوه قضائیه لازم است ساختمان‌های فراوان در سراسر کشور داشته باشد و تعداد کافی کارمندان و قضات و موارد دیگر را تأمین کند تا همه اشخاص در سراسر کشور، بتوانند به مکان مورد نیاز مراجعه کنند و با کمترین هزینه برای مردم، به این خدمات دسترسی داشته باشند ایجاد مجتمع‌‌های قضایی، گسترش فیزیکی دیوان عدالت، سازمان بازرسی، سازمان ثبت اسناد و دیگر دفاتر و از جمله مقرهای مختلف پلیس به عنوان ضابطین قوه قضائیه برای مراجعه و دسترسی آسان مردم، با صرف هزینه‌‌های فراوان صورت می‌گیرد.

همچنین ‌‌‌‌آموزش‌‌های حقوقی ساده و مردم فهم در جهت شناخت حق و تکلیف، اشتراک گذاری دیتابیس‌‌های قوه قضائیه و دیگر نهاد‌‌ها، ‌‌‌‌آموزش عمومی شیوه ساده ارائه دادخواست و راهنمائی درصورت نیاز به مراجعه به دادگاه، پیشگیری‌‌های سیستماتیک از جرم، و بسیاری از موارد دیگر که قوه قضائیه و دیگر قوا و رسانه‌ها و امور تبلیغاتی باشد آن‌ها را عملی نمایند.

ب : حین دادرسی

در زمان بررسی نیز لازم است دادسرا، دادگاه و دیگر مراکز قضائی و شبه قضائی، به سهولت دسترسی، کاهش هزینه‌‌ها، بی‌طرفی و قانونی بودن و بسیاری از امور دیگر توجه داشته باشند.

ج : پس از دادرسی

مراحل پس از دادگاه و رسیدگی پرونده در جهت احقاق حق محکوم له و همچنین رعایت حقوق محکوم علیه و حقوق جامعه، حائز اهمیت است که در زمینه‌‌های گوناگون ‌است از جمله، اجرای احکام در کمترین زمان و هزینه، حفظ حقوق فرد و جامعه و حل تعارض آن‌‌ها، تبعات قانونی مجرمیت و محرومیت‌‌های تبعی، حق فراموشی و بسیاری از موارد دیگر، که به جای خود بیان خواهد شد. «حق دادرسی عادلانه» با مفهوم آن مشخص می‌شود به طوریکه واژه «حق دادرسی » در کنوانسیون اروپایی به صراحت نیامده است اما مفاهیم آن کاملاً روشن تبیین شده است.

حق بر دادرسی عادلانه در سیستم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر جایگاهی اساسی دارد و از عناصر بنیادین مفهوم حاکمیت قانون است «نص این بند ۱ ماده ۶ این کنوانسیون اروپائی مبهم به نظر می‌رسد. زیرا هیچ اشاره صریحی به حق دسترسی به محکمه ندارد. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که حق بر دادرسی عادلانه فقط به پرونده‌‌های در حال رسیدگی مربوط می‌شود؛ بنابراین شامل فردی نمی‌شود که در صدد طرح دعوا نزد محکمه است. برداشت اولیه از متن این ماده‌ این است که در صورت طرح دعوا علیه یک فرد، وی باید از یک دادرسی عادلانه جهت دفاع از خود برخوردار باشد. اما این موضوع را ‌‌‌‌‌‌‌که آیا می‌توان از ظاهر ماده مزبور حق بر دسترسی به محکمه را برداشت کرد باید در رویه عملی دیوان اروپایی حقوق بشر جست وجو کرد.»[[41]](#footnote-41)

همچنین درباره قانون ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا می‌خوانیم: «در قانون اساسی ویسکانسین اساسنامه فدرال و ایالتی کاملاً بطور کلی و با جزییات قابل توجهی صلاحیت، روند و عملکرد دادگاه را تعیین می‌کنند. قانون اساسی شکل «روند مقرر» را تعریف یا توصیف نمی‌کند. "فرآیند رسیدگی» به ویژه در مورد مراجع عمومی غیر‌از دادگاه (البته در مورد دادگاه‌های بزرگ نیز قابل استفاده است) توسط قانون عادی با مقررات قانون تجویز شده است. «روند رسیدگی موقت» توسط قوانینی تأمین می‌شود که به طور یکسان اجرا می‌شوند و مشمول آن نمی‌شوند. اشخاص برای اعمال خودسرانه اختیارات دولت، براساس اصول مستقر در حق و عدالت خصوصی، دشوار است.»[[42]](#footnote-42)

# **مبحث اول: تضمین‌‌های حق دادرسی عادلانه**

تضمین‌‌های رویه‌ای[[43]](#footnote-43) در جهت اجراء حقوق بشر در قوانین مختلف برای همه اشخاص حقیقی و حقوقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است این تضمین‌ها در قالب دستورالعمل‌ها و قواعد و قوانین مختلف و بیانیه‌‌های گوناگون و میثاق‌ها و اعلامیه‌‌های و تعهدات پذیرفته شده ‌بین‌المللی و قوانین داخلی برای دولت‌ها الزامی است دولت، اعم از قوه مجریه است و شامل همه دستگاه‌های حکومتی و اجرایی می‌گردد همه باید کاری کنند که حقوق مردم به صورت عادلانه به آنان رسیده شده و اگر شکایتی داشتند تضمینی برای رسیدن به آن وجود داشته باشد.

# **بند اول: تضمین‌‌های دادرسی عادلانه**

تضمین‌‌های رویه‌ای در اسناد ‌بین‌المللی حقوق بشر آمده و بسیاری از آن‌ها حاوی تعدادی از مقررات بسیار مهم برای روند رسیدگی کیفری مناسب است. آن اسناد لزوماً و مستقیماً مربوط به حق دادرسی عادلانه نیستند، اما مطالعه و در نظر داشتن آن‌ها حائز اهمیت هستند هرچند در بعضی موارد ممکن است تأثیر مستقیمی بر عادلانه بودن دادرسی نداشته باشد. قبل از پرداختن به موارد عمیق‌‌‌تر در ضمانت‌‌های ‌بین‌المللی برای یک دادرسی عادلانه بیشترین مسأله آشنائی با این حقوق (حق زندگی، ممنوعیت رفتار بی رحمانه و تحقیر آمیز، حقوق بازداشت و شرایط) سروکار داشته باشید. حق حفظ حریم خصوصی و آزادی بیان، که حقوق مستقلی هستند که پیوند با روند رسیدگی کیفری دارند.[[44]](#footnote-44)

علاوه بر اصول عامی که حاکم بر نحوه رسیدگی بر کلیه دعاوی اعم از کیفری، مدنی، اداری و انتظامی است، برخی از اصول یاد شده مربوط به دادرسی ویژه در دعاوی کیفری می باشد. این اصول منحصر به دعاوی کیفری در مفهوم مضیق و آنچه که در حقوق داخلی از آن به عنوان آیین دادرسی کیفری نام برده شد را در برمی‌گیرد و این اصول عبارتند از: ممنوعیت شکنجه و اخذ اقرار از متهم، بازداشت غیر‌موجه، حق دسترسی افراد بازداشت شده به محیط بیرون از زندان، حق دسترسی به پزشک و خانواده برای افراد بازداشت شده، حق محاکمه در زمان آزادی از بازداشت، حق عدم اجبار به شهادت یا اقرار به گناه و... .

برخی اصول دادرسی منصفانه لازم الرعایه و حاکم بر کلیه دعاوی اعم از کیفری، مدنی، اداری و انتظامی بوده و برخی اصول دادرسی منحصر به دادرسی کیفری می باشد.[[45]](#footnote-45)

###### 1. دادگاه‌ها و شبه‌دادگاه‌ها (قضائی و شبه قضائی)

زمینه‌سازی احقاق حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی، اعم از دولتی، حکومتی و بخش خصوصی، جهت دادرسی عادلانه، در همه دادگاه‌ها و شبه‌دادگاه‌ها ضروری است، در هر کشور و نظام حقوقی، دادگاه‌ها و شبه‌دادگاه (و یا به عبارت دیگر قضائی و شبه قضائی) وجود دارد که بسته به نظام حقوقی هر کشور، مسائل به اقسام موضوعات، تقسیم شده و برخی در صلاحیت دادگاه و برخی دیگر در صلاحیت «شبه‌دادگاه» است، اینکه گفته شده: «مراجع شبه قضایی به مراجعی گفته می‌شود که به دعاوی میان افراد با دولت رسیدگی می‌کند» تعریف کاملی نیست، «شبه قضائی» فقط در دعاوی با طرفیت دولت نیست بلکه «شبه قضائی» یا «شبه‌دادگاه» اعم از آن است که یکی از طرفین، دولت یا اشخاص حقیقی و حقوقی دولتی باشند به عنوان نمونه «شورای کار» به حل اختلاف کارگر و کارفرما می‌پردازد و می‌تواند هر دو طرف دعوی، خصوصی باشد.

معنای صحیح‌‌‌تر شبه قضائی این است: داشتن یک شخصیت تا حدی قضایی با در اختیار داشتن حق برگزاری جلسات دادرسی و انجام تحقیقات درمورد ادعاهای مورد اختلاف و تخلف ادعا شده از قوانین و مقررات و تصمیم‌گیری به روش کلی حقوقی است نهادهای شبه قضایی، از نظر شخصیتی، قضایی است، اما در اختیار قوه قضائیه نیست، ‌‌‌خصوصاً آنگونه که در قانون اساسی تعریف شده است فراوانند[[46]](#footnote-46) و هرکدام وظیفه‌ای دارند تا حقی از حقوق جامعه و یا اشخاص حقیقی و حقوقی را استیفا نمایند.

دادگاه‌ها و شبه‌دادگاه‌ها را می‌توان به صورت‌‌های گوناگون تقسیم بندی کرد این تقسیم بندی‌ها گاه «قسیم» به یکدیگر و یا «قِسم» یکدیگر هستند دادگاههای جزایی و مدنی؛ اقتصادی، سیاسی، مطبوعاتی، رسانه، اداری، نظامی، انتظامی؛ کودکان و نوجوانان، و انواع و اقسام آن‌ها در زمینه‌‌های مختلف وجود داشته و در همه آنها «مسأله حق دادرسی» مطرح شود.

###### الف: ضرورت رعایت «حق دادرسی» در دادگاه‌ها و شبه‌دادگاه‌‌ها

حق دادرسی در میثاق، منحصر در «آئین دادرسی کیفری یا مدنی» در دادگاه‌ها نبوده و مفاهیمی برتر از آن دارد بر اساس بند ب قسمت 3 ماده 2 میثاق ‌حق دادخواست و پیگیری و الزام همکاری در همه نهادها و ایجاد امکانات تظلم‌خواهی تصریح شده است.

هر دولت‌ طرف‌ این‌ میثاق‌ متعهد می‌شود که‌: تضمین‌ کند که‌ مقامات‌ صالح‌ قضائی‌، اداری‌ یا مقننه‌ یا هر مقام‌ دیگری‌ که‌ به‌ موجب‌ مقررات‌ قانونی‌ آن‌ کشور صلاحیت‌ دارد درباره‌ شخص‌ دادخواست‌ دهنده‌ احقاق‌ حق‌ بکنند و همچنین‌ امکانات‌ تظلم‌ به‌ مقامات‌ قضائی‌ را توسعه‌ بدهند. دولت‌ها لازم است حق دادخواست و پیگیری و الزام همکاری در همه نهادها را بر اساس (ماده 2 بند ب قسمت 3 میثاق)‌ عملیاتی نمایند و در همه زمینه‌ها تمهیدات لازم را انجام دهند. همچنین دولت‌ها حق پیگیری ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر احکام قضائی را بر اساس (بند ج قسمت 3 ماده 2)‌ باید تضمین نمایند و همچنین تضمین‌ کند که‌ مقامات‌ صالح‌ نسبت‌ به‌ تظلماتی‌ که‌ حقانیت‌ آن‌ محرز بشود ترتیب‌ اثر صحیح‌ بدهند.

با توجه به دو بند فوق، مشخص می‌شود که مقصود از «حق دادرسی» صرفاً «آئین دادرسی» آن هم منحصراً در زمینه «حقوق کیفری» نیست، بلکه عام و شامل همه مقدمات و زمینه‌‌های دادرسی عادلانه و رعایت آن در تمام مراحل است.

###### ب: شبه‌دادگاه سهل‌‌‌تراز دادگاه

شبه‌دادگاه‌ها مواردی هستند که در آنها به مسائل گوناگونی در اصناف و گروه‌های مختلف به صورت عدم مراجعه به «قوه قضائیه» رسیدگی می‌شود این شبه‌دادگاه‌ها از یک جهت حائز اهمیت‌اند، اینکه قوه قضائیه را خلوت می‌کنند و برای رسیدگی به پرونده‌‌های مهم‌‌‌تر، می‌گذارند. UNDP در خصوص ناکافی بودن مؤسسات رسمی در جهت «دسترسی به عدالت» و ضرورت نهادهای شبه قضائی اینگونه می‌گوید:

- مؤسسات عادلانه توسط قانون، رسمی یا عرفی تأسیس می‌شوند. سیستم دادگستری که در این راهنما به آن رجوع شده است، نه تنها مؤسسات رسمی، مانند دادگاه‌ها و پلیس، بلکه همچنین سنتی یا مرسوم، مانند حل اختلاف در سطح روستا، و سازوکارهای هماهنگی را در بین مؤلفه‌‌های مختلف این سیستم در بر می‌گیرد.

- سیستم‌‌های عدالت مبتنی بر یک سلسله مراتب هنجاری است که در قانون اساسی و ‌بین‌المللی اولویت دارند. این امر فرصتی را برای تقویت حقوق بشر در سطوح دیگر ایجاد می‌کند اگر حقوق شناخته شده در یک سطح (به عنوان مثال قانون اساسی) به دلیل هنجارهایی که در سطح دیگری کار می‌کنند (مثلاً قانونگذاری یا هنجارهای عرفی) رد شوند. با این حال، نهادهای دادگستری به تنهایی برای ایجاد تغییر اجتماعی لازم، برای تغییر هنجارها که در سطوح غیررسمی کار می‌کنند کافی نیستند[[47]](#footnote-47)

در جمهوری اسلامی با توجه به تفسیری موسع که از قانون اساسی شده است با توسعه صلاحیت دادرسی، بسیاری از امور غیرضروری به دادگاه‌‌ها، ارجاع شده، و در نتیجه حجم پرونده‌ها به شدت افزایش یافته است. بسیاری از موارد که می‌توانست به صورت «شبه قضائی» با رعایت همه اصول «حق دادرسی»، حل و فصل شود و حتی گروهی از دعاوی، نیازی به «شبه‌دادگاه» نداشت اما بنا به دلایل مختلف «وجهه قضایی» پیدا کرد و به قوه قضائیه آمد و نه تنها عدالت افزون‌‌‌تر نشد بلکه ‌‌‌مشکلات را بیشتر و پیچیده‌‌‌تر کرد و موجب حجم بسیار عظیم پرونده‌ها در قوه قضائیه شد.

###### ج: انواع مراجع شبه قضایی

انواع مراجع شبه قضایی را می‌توان در زمینه‌‌های مختلفی یافت. به عنوان مثال، در خصوص هیأت‌‌های رسیدگی به تخلفات، داوری، امور اراضی و آب، ثبت اسناد و املاک، کمیسیون‌‌های شهرداری، اقدامات برخی از سازمان‌ها و نهادها در برخی از مسائل حقوقی و هیأت‌‌های انتظامی رسیدگی به تخلفات است؛ لذا در این قسمت فهرستی از انواع مراجع شبه قضایی ارائه شده است.

فهرست نهادهای شبه قضایی و هیأت‌‌های رسیدگی به تخلفات :

1- اتحادیه‌‌های صنفی و کمیسیون‌‌های مربوط به قانون نظام صنفی (مصوب 1392)

2- سازمان تعزیرات حکومتی

3- شعبه حقوقی تحقیق اداره اوقاف موضوع ماده 14 قانون تشکیلات واختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و موارد فراوان دیگری از شبه‌دادگاه‌ها که می‌توان آن‌ها را یافت و فهرست کرد که در تمامی آن‌ها «حق دادرسی» از اصول «دادرسی عادلانه» منطبق با «قانون اساسی» و «حقوق بشر»، لازم به رعایت است.

###### 2. قضازدائی، جزا زدائی

برخی از کارگزاران دولت و حقوق دانان، و سیاستمداران و حتی مردم عادی، عقیده دارند که چنانچه رفتاری از دایره‌ی تسلط حقوق کیفری خارج شود دیگر امکان کنترل آن وجود ندارد. بارها از قانون گذاران یا مسؤولین اجرائی و قضات و حتی مردم و حقوق‌دانان شنیده شده است که «باید قانون برای زندانی شدن تصویب شود»، در حالی که «جرم زدایی» و «قضازدایی» از یک رفتار به معنی این نیست که آن را در محدوده آزادی‌های فردی قرار دهیم بلکه می‌توان با توسل به راهکارهای جایگزین همچنان آن را تحت سلطه حکومت قرار داد[[48]](#footnote-48) بدون آن که نیاز به «دادگاه» و یا «زندان» باشد، چه بسا زندانی شدن، موجب تباهی هرچه بیشتر گشته و به ضد خود مبدل شود و موجب افزایش جرم و چرخشی شدن آن در جامعه گردد.

# **بند دوم: مقدمات ضروری دادرسی عادلانه**

دادرسی عادلانه که در میثاق بر آن تأکید شده است، صرفاً در روند رسیدگی به پرونده‌ها نیست و برای رسیدن به آن، مقدماتی ضروری است، در بند ب قسمت 3 ماده 2 میثاق در خصوص حق دادرسی، ‌حق دادخواست پیگیری و الزام همکاری همه نهادها برای این حق بدینگونه تبیین شده است.

هر دولت‌ طرف‌ این‌ میثاق‌ متعهد می‌شود تضمین‌ کند که:‌ 1- مقامات‌ صالح‌ قضائی‌ ـ اداری‌ یا مقننه‌ یا هر مقام‌ دیگری‌ که‌ به‌ موجب‌ مقررات‌ قانونی‌ آن‌ کشور صلاحیت‌ دارد درباره‌ شخص‌ دادخواست‌ دهنده‌ احقاق‌ حق‌ بکنند و 2- همچنین‌ امکانات‌ تظلم‌ به‌ مقامات‌ قضائی‌ را توسعه‌ بدهند.

توسعه‌امکانات تظلم، با معنایی بسیار فراگیرتر از اصطلاحات به ‌کار رفته در تشکیلات اداری قضائی است، شامل همه مراحل قانونگذاری خوب و صحیح و دقیق، اجراء صحیح و انواع و اقسام اقدامات دیگر می‌شود، «روح میثاق»، در صدد گسترش عدالت بوده و صرفاً به مراحل دادرسی در پرونده منحصر نیست، بنابر این مسائلی مانند قانون‌نویسی صحیح، گسترش دسترسی فیزیکی به قضات، گزینش قضات و کادر قضائی و زندان‌ها و ضابطین، ‌‌‌‌آموزش کادر اداری و دادرسی و مردم، نظارت همه جانبه بر امور دادگاه‌ها و دادرسان، هماهنگی با دیگر نهاد‌ها در خصوص ارتقاء کیفی و کمّی خدمات و در نتیجه پیشگیری از ضایع شدن «حقوق بشر ماهوی» و دیگر حقوق متعلقه به اشخاص، اشتراک گذاری اطلاعات لازم با دیگر نهاد‌‌ها، و. . . موارد فراوان دیگری در تحقق «دادرسی عادلانه» نقش دارد که به چند مورد پراهمیت‌‌‌تر آن اشاره خواهیم داشت.

###### 1. گسترش ساختمان‌‌های دادگستری استان‌ها و شهرستان‌‌ها

در زمانی که از دسترسی مردم به سیستم‌‌های اداری و قضائی سخن گفته می‌شود یکی از موارد مهم آن گسترش ساختمان‌‌های مختلف یک سازمان در سراسر کشور (و حتی خارج از کشور) است قوه قضائیه در جهت دسترسی مردم به دادرسی، نیازمند ساختمان‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون است و اگر ضابطین قوه را نیز اضافه نماییم ساختمان ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها و پلیس و همه ضابطین که در زمینه‌‌های مختلف با قوه قضائیه کار می‌کنند باید به حدی گسترش یابد تا در دورترین نقاط نیز مردم به راحتی بتوانند به آنها دسترسی داشته باشد اگر در یک شهرستان تعداد محدودی ساختمان مورد نیاز مراجعه به مردم وجود داشته باشد هزینه‌‌های سنگینی که برای رفت و آمد به مردم تحمیل می‌کند چه بسا بیش از هزینه احتمالی دسترسی به حق خود باشد و به همین دلیل نیز از پیگیری حقوق خود انصراف دهند افزایش ساختمان‌‌های ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها، مجتمع‌‌های قضایی، ساختمان‌‌های متعلق به سازمان بازرسی دیوان عدالت اداری و دیگر نهادهای مورد نیاز مردم امری طبیعی در این مورد است و حتی در حین اجرای مجازات زندان، ضرورت دارد تا ساختمان‌‌های مجهز و در دسترس مردم وجود داشته باشد.

###### 2. آمار صحیح لازمه مدیریت قضائی

اطلاعات و آمار هرچه صحیح‌‌‌تر و دقیق‌‌‌تر باشد می‌تواند کارآمدی نظام اداری را بیشتر نماید و به هرمیزان اشتباه داشته باشد، در ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزی‌ها اشتباه خواهیم داشت تعداد ورودی و مختومه شدن پرونده‌‌های قضائی، یکی از شاخص‌‌های سلامت جامعه است. آمار و تعداد پرونده‌‌های قوه قضائیه، اعلامی از سوی مسؤولان عالی رتبه قضائی تفاوت‌‌های فراوان دارد که به نمونه‌‌هائی از آن اشاره می‌شود.

آیت الله‌املی لاریجانی رئیس قوه قضائیه در گفت‌وگوی تلویزیونی 01/04/1394 گفت: وارده پرونده‌های ما در سال 93 قریب 15 میلیون پرونده بوده، بالاخره به معنایی در 15 میلیون نقطه دستگاه قضایی مشغول خدمت رسانی بوده است.[[49]](#footnote-49) با توجه به ‌این که در هر پرونده حداقل دونفر وجود دارند، 15 میلیون پرونده، یعنی حداقل 30 میلیون نفر از مردم ایران سروکارشان با قوه قضائیه افتاده است.

این در حالی است که در سال 1391، در رسانه‌‌ها، آمار پرونده‌‌های قضائی 13 میلیون ذکر شد، و هجمه سنگینی به قوه قضائیه انجام شد. و آقای بختیاری وزیر دادگستری، در تاریخ 06/04/1391 در همایش قوه قضائیه، این‌گونه دفاع کرد: «نکته حائز اهمیت دیگر اینکه‌این آمار بیانگر این است که اعداد و ارقامی که در سال‌های اخیر در خصوص پرونده‏های کیفری عنوان می‌شده، اعداد کلی بوده و تکرار پرونده‌ها در مراحل مختلف دادسرا، دادگاه شهرستان، دادگاه استان، نیابت قضایی و اجرای احکام وجود داشته و لذا ذکر این ارقام، شاخص ارزیابی میزان ارتکاب جرایم و بزهکاری در جامعه محسوب نمی‌شود. ضمن اینکه بخشی از پرونده‌ها نیز در مراحل مختلف حقوقی بوده و اساساً جنبه جزایی ندارد».[[50]](#footnote-50)

آقای دکتر محمدباقر ذوالقدر معاون راهبردی قوه قضائیه 06/02/1392 تصریح کرد: «قوه قضائیه کشور ما جزء بهترین و پرکارترین و امین‌‌‌ترین قوه‌‌های قضائیه دنیاست اگر قوه قضائیه مورد اعتماد مردم نبود چرا مردم به آن مراجعه می‌کنند و سال به سال میزان مراجعه کننده‌ها به‌این قوه افزایش پیدا می‌کند. وی یکی از چالش‌‌های قوه قضائیه را حجم ورودی‌ها به‌این قوه دانست و ابراز داشت: رشد حجم رسیدگی‌ها در قوه قضائیه 12 درصد است. این مسؤول ادامه داد: در سال 90 رسیدگی به پرونده‌ها 11.5 درصد، در سال 90، 13 میلیون و 200 نفر در سال 1391 نیز 13 میلیون و 700 هزار پرونده بوده است. وی گفت: در هند یک میلیارد نفری در طول سال به چهار میلیون پرونده رسیدگی می‌شود در حالیکه در ایران هفتاد میلیون نفری، سالی 13 میلیون و 700 هزار پرونده رسیدگی می‌شود و این اعتماد مردم به قوه قضائیه را نشان می‌دهد.»[[51]](#footnote-51)

آیا ‌واقعاً افزایش مراجعه مردم به قوه قضائیه افتخار است؟ و این هندی‌ها هستند که اشتباه کرده‌اندکه تعداد مراجعات به قوه قضائیه شان را کاهش داده‌اند؟ یا ما اشتباه کرده‌ایم که در بسیاری از مسائل، قانون گذار و یا مسؤولین تصمیم‌گیر قضایی، کارساده و قابل حلی را به قوه قضائیه ارجاع داده‌اند، در حالی که می‌توانستند آن‌ها را در همان مراجع اداری حل نمایند؟ و اصلا نیازی به ارجاع به قوه قضائیه نبود؟

ضمناً توجه فرمائید که آقای ذوالقدر ورودی پرونده‌ها در سال 1391 را 13 میلیون و 700 هزار پرونده می‌دانند در حالی که 4 روز قبل از آن، آقای شهریاری 6 میلیون گفته بود «به گزارش خبرنگار مهر، 02/04/1392 حجت الاسلام حمید شهریاری در دومین روز از هفته قوه قضائیه در نشست خبری اعلام کرد: در سال 91 حدود 6 میلیون پرونده وارد مراجع قضایی شده که از این تعداد 2 میلیون وارد دادگاه‌‌های عمومی و 5/3 میلیون وارد دادسراهای عمومی شده است.[[52]](#footnote-52) اگر فرضاً پرونده‌‌های حل اختلاف را هم 5 میلیون بدانیم جمع آن 11 میلیون می‌شود و با 13 میلیون و 700 هزار، تفاوت دارد.

اگر کارهای قوه قضائیه ‌واقعاً الکترونیک بود، هرگز این اختلافات آماری وجود نداشت و همگان یک آمار را ارائه می‌کردند، اما روش شبه الکترونیک امور قضائی، که در واقع کاغذی و دستی است و پرینت می‌گیرند و در پرونده قرار می‌دهند و. . . موجب شده است که هیچ‌گاه آمارها صحیح و یکسان نباشد.

ضمن اینکه چرا این همه اصرار بر مثبت جلوه دادن افزایش ورود پرونده داریم؟ چرا نباید فکری نمائیم؟ آیا صرفاً اشتباه در تصمیم‌گیری‌ها است؟ شاید؟

آقای بختیاری آمار سال 1390 را 8 میلیون فقره پرونده گفته‌اند.

آقای بختیاری وزیر دادگستری 06/04/1391: در سال 90 نیز مانند سال‌‌های گذشته، دادگستری‌‌های کل کشور در قالب دادسراهای عمومی و انقلاب، دادگاه‌‌های انقلاب، دادگاه‌‌های عمومی کیفری و حقوقی، دادگاه‌‌های کیفری استان، دادگاه‏های تجدیدنظر و دوایر اجرای احکام کیفری و مدنی، در گستره وسیعی از بزرگترین شهرها تا دور دست‌‌‌ترین بخش‌‌ها، با بهره‌مندی از کادر قضایی و اداری، چند میلیون فقره پرونده را مورد بررسی قرار داده و فصل خصومت نموده‌اند. برابر آمارهای موجود، در سال 90 در کل کشور حدود 8 میلیون فقره پرونده تشکیل شده که از این تعداد 36 درصد در مرحله دادسرا، 39 درصد پرونده‌‌های ارجاعی به دادگاه‏های حقوقی، جزایی و انقلاب و 19 درصد از پرونده‌ها مربوط به دوایر اجرای احکام و تنها 6 درصد مربوط به دادگاه‌‌های تجدید نظر بوده است.[[53]](#footnote-53)

بر اساس این آمار، فقط اختلاف دو میلیون پرونده بین اعداد سال 1390 آقای بختیاری با اعداد سال 1391 آقای شهریاری وجود دارد که نشان می‌دهد در سال 1391 تعداد دومیلیون کاهش ورودی داشته‌ایم، اما در سال 1389 تعداد ورودی پرونده‌ها در دادگاه‌ها ‌‌دقیقاً؟ 066/222/3 و در دادسراها 525/941/2 بوده است.

مجموع آمار پرونده‌‌های وارده در مراجع قضایی استان‌‌های سراسر کشور در سال 1389 در بخش دادگاه‌‌ها اعم از حقوقی و جزایی 066/222/3 فقره ‌است که از این تعداد 784/121/3 فقره مورد رسیدگی واقع و مختومه گردیده است. همچنین در دادسراهای کشور در سال 89 تعداد 525/941/2 فقره پرونده وارده و نسبت به 794/862/2 فقره آنها تعیین تکلیف شده است.[[54]](#footnote-54) نگاهی به‌این آمار، نشان می‌دهد که مبنای علمی در آن‌ها وجود ندارد به طوری که در یک سال 6 میلیون؟ سال بعد 8 میلیون؟ سال بعد 6 میلیون پرونده داریم!

###### 3. گزینش صحیح قضات و کارکنان، مقدمه ضروری برای رسیدن به «حق دادرسی»

مسأله گزینش قضات و دادرسان و طبقات مختلف، به صورت صریح، در میثاق و اعلامیه مورد توجه قرار نگرفته است، شاید آن قدر بدیهی بوده که ذکر آن را لازم ندانسته‌اند، به طوریکه ‌‌اصولاً روح این دو سند ‌بین‌المللی و فهرست حقوق بشر ماهوی و الزام دولت‌ها به رعایت آن، نشان از اهتمام تهیه کنندگان و امضاء کنندگان، در جهت همه ‌امور انسانی و در راستای عدم رسیدن به مرحله دادگاه است، این مفهوم پیشگیری است، نویسندگان درصدد آن نبوده‌اند که حتماً نقض حقوقی صورت بگیرد تا «حقوق بشر رویه­ای» اعمال شود.

از مهمترین مسائل پیشا دادگاه و حین دادرسی و پس از آن در زمان اجرای حکم، در جهت انجام تکلیف «حق دادرسی» و مقدمه ضروری برای رسیدن به آن، وجود دادرسان و ‌مأمورین شایسته، در تمام مراحل است، که کاملاً مرتبط با شیوه گزینش و ‌‌‌‌آموزش قضات، ‌مأمورین ضابط، ‌مأمورین زندان، دادستان‌ها و امثال آن‌ها است، اگر گزینش دقیق وصحیح نباشد، از همان ابتدا مشکل ایجاد می‌شود.

###### الف: شیوه انتخاب یا انتصاب قضات، روش بدون اشکال وجود ندارد

در یک مطالعه تطبیقی می‌توان دریافت که شیوه انتخاب و انتصاب قضات و دادرسان و پلیس و دیگر متصدیان امر «دادرسی» در کشورهای مختلف، انواع و اقسام فراوانی دارد. شاغل شدن در مشاغل قضائی اعم از دادستان کل، رئیس دیوان عالی کشور، قضات عالی رتبه، دادستان‌ها و انواع دیگر از مقامات قضائی و پلیس عالی رتبه و. . . به اشکال گوناگون در کشورهای مختف اتفاق می‌افتد، از اینکه انتصاب عالی‌‌‌ترین مقام قضائی ازسوی بالاترین مقام اجرایی چون پادشاه و رئیس جمهور آن کشور تعیین می‌شود و ‌مأمورین و دادرسان، به صورت متمرکز توسط عالی‌‌‌ترین نهاد، گزینش می‌شوند، و یا اینکه در انتخابات محلی به‌دست مردم انتخاب شوند و یا به‌وسیله‌ی افراد خاص و متخصص و دانشمندان و اساتید دانشگاه و رشته‌‌های حقوق مورد گزینش قرار گیرند و یا مجلس و پارلمان‌ها آنها را انتخاب کند برنامه‌ها و اقسام مختلفی از این گونه را می‌توان در کشورهای مختلف، یافت. نسخه واحدی در کشورها در این جهت وجود ندارد، حتی آن جا که انتخابی است در یک کشور، در ایالات مختلف به شیوه‌‌های گوناگون رفتار می‌کنند.

فرآیند حرفه‌ای سازی داوطلبان قضاوت در کشورهای دارای نظام حقوقی کامن لا پیش از انتصاب آنان انجام می‌شود. این قضات در حقیقت همان شرایط و مسیر شغلی را دارند که ‌‌وکلای باتجربه پشت سر گذاشته‌اند. بیشتر قضات حرفه‌ای انگلستان، کانادا و استرالیا دست کم ده سال تجربه عملی دارند. برنامه‌‌های کارآموزی قضات در نظام‌‌های کامن لا، بیشتر پیرامون کارگاه‌‌‌ها و سمینارهای بازآموزی است[[55]](#footnote-55) اما این روش هم خالی از اشکال نیست.

مقایسه بین شیوه انتخاب و انتصاب قاضی در ایران با کشورهای دیگر نکته را روشن می‌نماید که در هیچ یک از این‌ها رویه بدون اشکال وجود ندارد و اشکالاتی که به رویه انتصاب قضات در ایران گرفته میشود مشابه آنها در کشورهای دیگر نیز وجود دارد اما جالب آن است که برخی از نویسندگان روش‌‌های ایران را نقد می‌کنند (و بخشی از نقد آنان صحیح است) مشابه همان را در کشورهای دیگر موجب قوت و قدرت می‌داند.

انتصابی بودن و انتخابی بودن هیچ‌کدام نتوانسته مزایای کامل داشته و یا رافع همه اشکالات باشد در انتخابات و یا در انتصابات، گزینش، هر شخص یا گروهی تلاش خواهد کرد تا در این گزینش دخالت نماید. اینکه گزینش قضات انتصابی یا انتخابی باشد دغدغه‌ای است که در همه سیستم‌ها وجود دارد در کتاب راهنمای ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق دادرسی عادلانه (حقوق مدنی) در دفاع از انتصابی بودن قضات، از سوی مقامات و قدرت‌ها می‌خوانیم «استقلال در مقابل مجریه لازم و ضروری است تا یک دادگاه عادلانه وجود داشته باشد اما این واقعیت که قضات توسط مقامات اجرایی منصوب می‌شوند و قابل عزل هستند، فی نفسه به معنای نقض ماده 6 نیست. انتصاب قضات از سوی مقامات اجرایی مجاز است به شرط آنکه منصوبین هنگام انجام وظیفه قضائی خود از نفوذ و فشار در امان باشند این واقعیت که رئیس دادگاه به‌وسیله‌ی مقام اجرایی منصوب می‌شود، به خودی خود استقلال وی را خدشه‌دار نمی‌کند، به شرط آنکه پس از انتصاب وی تحت فشار قرار نگیرد، هیچ دستورالعملی دریافت نکند و وظایف خود را با استقلال کامل انجام دهد.

به همین ترتیب، صرف این واقعیت که قضات شورای حقوق اداری از سوی مقام اداری منطقه منصوب می‌شوند، نمی‌توانند استقلال یا بی‌طرفی آنها را مورد تردید قرار دهند، مشروط بر اینکه، پس از انتصاب، آنها تحت فشار قرار نگیرند، هیچ گونه دستورالعمل دریافت نکنند و فعالیت قضایی خود را با استقلال کامل انجام دهند»[[56]](#footnote-56) نگاه به شرایطی که در این مطلب اتحادیه اروپا آمده است، نشان می‌دهد که آرزوهائی است که برای «دادرسی عادلانه» وجود دارد؛ اما آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، فشارهای پیدا و پنهان بر قضات در راستای منافع قدرت است.گزینه‌های دیگری درروش تصدی پست‌‌های قضائی وجود دارد که به صورت ‌‌‌‌آموزشی بوده و یا قبل از ‌‌‌‌آموزش انجام می‌گیرد و یا افرادی با داشتن سن بالا و سوابق مختلف به سمت‌‌های قضایی منصوب می‌شوند هر کدام از این‌ها دارای اشکال مختلفی در کشورهای گوناگون است و هیچگونه روش واحدی در همه آنها وجود ندارد.

###### ب: انتخاب متمرکز قضات و ضابطین در ایران

در ایران انتخاب همه ‌این اشخاص، بر اساس قوانین مختلف، متمرکز بوده و از طریق آزمون‌‌های و مراحل گزینشی انجام می‌شود در مقدمه آئین نامه اجرائی قانون گزینش و استخدام قضات 1379 فهرستی از قوانین مختلف گزینش قضات را می‌خوانیم: «قانون راجع به استخدام قضات و شرایط کار آموزی مصوب 19/2/1343 و اصلاحیه آن مصوب 27/12/1347، قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب 14/02/61، قانون الحاق دو تبصره به قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب 12/07/61، قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه مصوب 9/12/71»

در ماده 1 قانون راجع به استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب 19/02/1343 (کمیسیون مشترک دادگستری) شرایط آمده است.[[57]](#footnote-57) همین روند، با گسترش و یا کاهش برخی شرایط، پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه یافته و به عنوان نمونه در آئین نامه اجرائی قانون گزینش و استخدام قضات 1379 آمده است.[[58]](#footnote-58)

در سال 1392، یک بار دیگر «‌‌‌آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضاء و استخدام قضات» با اصلاحاتی تصویب گردید.

###### 4. رکن مهم حق دادرسی

‌‌‌‌آموزش به همه اشخاص مرتبط با پرونده، اعم از مردم، ‌مأمورین و مسؤولین اداری، قضایی و ضابطین و نظامیان و دیگر اشخاص دارای امکانات پشتیبانی از قانون، ضروری است ‌‌‌‌آموزش حق و تکلیف متقابل مردم و مسؤولین، در خصوص قبل، حین و پس از مراجعه برای دادرسی، و یا توجه اتهام به فرد برای دستگیری، از اهمیت بالایی در «حق دادرسی» برخوردار است. از سوی کمیته‌‌های سازمان ملل متحد، کتاب‌ها و جزوات راهنمائی فراوانی در رابطه با ‌‌‌‌آموزش به مدیران کشورها، قضات، ‌‌وکلا و عامه مردم در صنوف، موارد و مصادیق حق دادرسی به دادرسی، ‌‌‌‌آموزش داده شده است.

از جمله «راهنمای منابع در مورد تقویت یکپارچگی و ظرفیت قضایی» که از سوی «دفتر سازمان ملل متحد در زمینه مواد مخدر و جرم» در سال 2011 منتشر شده و بخش‌‌هایی از نمونه ‌‌‌‌آموزش و ارزیابی آن، و توصیه‌‌هایی که بر اساس بررسی سیستم‌‌های قضائی مختلف نوشته شده با این عناوین است: «استخدام، ارزیابی حرفه‌ای و ‌‌‌‌آموزش قضات؛ ‌‌‌‌آموزش مقدماتی حقوقی؛ مدت تحصیل حقوق دانشگاهی؛ مدل‌‌های جذب قضایی (مدل حرفه‌ای، مدل دیوان سالاری)،‌‌‌‌ ‌‌‌‌آموزش اولیه، در اتریش و آلمان، فرآیند انتخاب و انتصاب، سیستم متمرکز برای انتخاب پرسنل پشتیبانی دادگاه در فرانسه، برنامه‌‌های پاداش، مزایا و مشوق‌‌ها، افزایش رضایت شغلی، جوایز تشویقی کارمندان دادگاه در دادگاه منطقه‌ای فدرال یوتا؛ ‌‌‌‌‌آیین‌نامه‌‌های رفتار و اخلاق، شاخص‌‌های عملکرد و ارزیابی، ظهور سیستم‌‌های اطلاعاتی الکترونیکی، فناوری اطلاعات و ارتباطات در دادگاه‌‌های فنلاند، سیستم‌‌های عدالت سنتی و غیررسمی، کمک حقوقی در پرونده‌‌های کیفری: مدافع عمومی؛ مراحل و مباحث کلیدی در ارزیابی عملکرد در سیستم‌‌های قضایی؛ مکانیسم‌‌های نظارتی بر کار دادگاه‌‌ها؛ ارزیابی دادگاه و اصلاح قضایی؛ رهنمودهای ‌بین‌المللی برای ایجاد سیستم‌‌های ارزیابی عملکرد؛ کدهای رفتار و مکانیزم‌‌های انضباطی ومجازات‌‌ها؛ ابتکار عمل، روش و مجازات‌‌های انضباطی در ایالات متحده»[[59]](#footnote-59) و مطالب تفصیلی دیگری که تجربیات و رهنمودهای ‌‌‌‌آموزشی است.

همچنین کتاب دستی[[60]](#footnote-60) با عنوان « دسترسی زود هنگام به کمک‌‌های حقوقی در فرآیندهای دادرسی کیفری: کتابچه راهنمای سیاست گذاران و دست اندرکاران» اشاره کرد در این کتاب 158 صفحه‌ای، موارد فراوانی در جهت حق دادرسی ‌‌‌‌آموزش داده شده، ازجمله می‌خوانیم :

این کتاب، به عنوان یک راهنمای عملی برای توسعه و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت اطمینان از دسترسی زود هنگام به کمک‌‌های حقوقی، از جمله با اجرای استانداردهای ‌بین‌المللی تعیین شده از سوی ارکان سازمان ملل و دستورالعمل‌‌های دسترسی به کمک‌‌‌های حقوقی در سیستم‌‌های دادرسی کیفری تهیه شده است. این برنامه برای مقابله با برخی از چالش‌‌هایی است که کارکنان در تضمین چنین دسترسی به کمک‌‌های حقوقی با آن روبرو هستند، از جمله:

* توضیح مفاد اصول و دستورالعمل‌‌های سازمان ملل در رابطه با دسترسی زودهنگام به کمک‌‌های حقوقی
* کاوش سیستماتیک چالش‌ها و موانع تأمین دسترسی سریع به کمک‌‌های حقوقی.
* فراهم آوردن ابزارهایی برای توسعه ظرفیت به سیاستمداران، کارمندان دولت و دست اندرکاران (‌‌وکلای دادگستری، قاضی، دادستان، افسران پلیس، ‌مأمورین بازداشت، بازیگران جامعه مدنی و دیگران) برای کمک به آنها در غلبه بر چنین چالش‌ها و موانع.
* پیشنهاد برخی ‌راه‌حل‌‌های عملی و ابتکاری با استفاده از نمونه‌‌هایی از حوزه‌‌های قضایی مختلف.
* تهیه منابع ‌‌‌‌آموزشی برای ارائه دهندگان کمک‌‌های حقوقی و پلیس (یا سایر نهادهای تحقیق).[[61]](#footnote-61)

در این کتاب و مشابه آن می‌توان موارد مهمی را در حق دادرسی ‌‌‌‌آموزش داد.

###### الف: ‌مأمورین اداری و قضائی

مسؤولین امور اداری و انتظامی و قضائی، لازم است تکالیف خود را نسبت به جامعه و مردم بدانند و از اینکه باید به آنان کمک کنند تا تخلف اتفاق نیفتد، آگاه شوند. همچنین اشخاص مسؤول دادگاه‌‌‌ها و شبه‌دادگاه‌‌‌ها و ضابطین قضایی لازم است ‌‌‌‌آموزش‌‌های مختلف در زمینه حدود اختیارات و تکالیف قانونی خود پس از اطلاع از جرم یا تخلف، را بدانند. همچنین از حقوق طرفین دعوا مطلع باشند که تا چه حد می‌توانند با آنان برخورد کنند آیا حق بازداشت دارند؟ آیا حق اهانت یا درگیری دارند؟ آیا می‌توانند فرد را از تماس با خانواده منع کنند؟ در کجا این موارد لازم و در کجا ممنوع است؟ حق بازداشت موقت اموال؟ لزوم پیگیری در موضوعات غیر‌‌‌ترافعی، و انواع و اقسام ‌‌‌‌آموزش‌‌های دادرسی را باید ببینند. بنابراین، مسأله اهتمام به ‌‌‌‌آموزش‌‌های قبل و حین و پس از بررسی پرونده‌‌ها، برای ‌مأمورین (اعم از اداری، قضائی، ضابط، زندانبانان، ‌مأمورین اجرای احکام مالی و جزائی و مدنی، و. ..) از اهمیت ویژه‌ای در مسأله «حق دادرسی» برخوردار است اگر به عنوان مثال ‌مأمورین نیروی انتظامی ندانند کسی که دعوی یا شکایتی دارد و به آنان مراجعه می‌کند باید چه اطلاعات و امکاناتی را در اختیار آنان بگذارد و یا چه فرم‌‌هایی را باید پر کند و چه مدارکی را ارائه کند، همچنین اگر دادیاران و دادستان‌ها و قضات در حین دادرسی به خوبی ندانند که ‌‌دقیقاً حقوق یک متهم یا یکی از طرفین دعوا و «حق جامعه» برای «رسیدگی عادلانه» در جرائم چیست؟ ‌‌‌‌طبعاً به آن عمل نخواهند کرد و چه بسا با دلسوزی خلاف کنند.

اینگونه‌ ‌‌‌‌آموزش‌ها که به‌ ‌‌‌‌آموزش‌های طولی و عرضی[[62]](#footnote-62) نام گذاری شده، ‌‌‌خصوصاً بر اجرای دوره‌‌های بازآموزی تأکید شده و لازم است در جهت احقاق حق دسترسی به مردم، ‌‌‌‌آموزش‌‌های مفصل و لازم برای همه اجزاء اداری قضایی و شبه قضایی و ضابطین، برگزار شود و آنان بتوانند با علم و دانش نسبت به طرفین دعوا و یا هر پرونده‌ای که باید «غیر‌‌‌ترافعی» وارد شوند، عمل کند.

در راهنمای اخلاق و رفتار قضایی، ایالات متحده در خصوص وظایف قضات آمده است :

* یک قاضی باید وظایف دفتر را به صورت منصفانه، به طور خاص و سخت گیرانه انجام دهد.
* وظایف دفتر قضایی بر سایر فعالیت‌‌‌‌ها ارجحیت دارد. در انجام وظایف مقرر در قانون، قاضی باید از استانداردهای زیر پیروی کند:

- مسؤولیت‌‌‌‌های داوری.

(1) یک قاضی باید به قانون وفادار باشد و صلاحیت حرفه‌ای خود را حفظ کند و نباید تحت تأثیر منافع حزبی، سر و صدای عمومی یا ترس از انتقاد قرار گیرد.

(2) قاضی باید موارد تعیین شده را بشنود و درباره آنها تصمیم بگیرد، مگر اینکه رد صلاحیت شود و باید نظم و قانون را در کلیه مراحل قضایی حفظ کند.

(3) یک قاضی باید در برابر اصحاب دعوا، هیأت منصفه، شاهدان، ‌‌وکلا و سایر افرادی که قاضی به عنوان مقام رسمی با آنها معامله می‌کند، صبور، با وقار، احترام و خوش برخورد باشد. یک قاضی به چنین مواردی احتیاج دارد.[[63]](#footnote-63)

در «اصول و راهنمایی‌ها در مورد حق دادرسی و کمک قانونی در آفریقا» بر مسأله‌ ‌‌‌‌آموزش قضایی[[64]](#footnote-64) کارکنان و دادگاه‌ها تأکید شده است.

الف) کشورها تضمین کنند که مقامات قضایی از ‌‌‌‌آموزش مناسب برخوردار باشند و از آرمان‌‌‌‌ها و وظایف اخلاقی ‌مأموریت خود، حمایت‌‌های قانون اساسی و قانونی برای حقوق افراد متهم، قربانی و سایر دعاوی و حقوق بشر آگاه شوند. و آزادی‌‌‌‌های اساسی که از سوی قوانین ملی و ‌بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، را ‌‌‌‌آموزش ببینند.

ب) کشورها در صورت وجود، مؤسسات تخصصی برای ‌‌‌‌آموزش ‌‌‌‌کلاس‌‌های ‌‌‌‌آموزش مقامات قضایی را تشکیل می‌دهند و همکاری میان این نهادها را در کشورهای منطقه و سراسر آفریقا تشویق می‌کنند.

ج) کشورها تضمین می‌کنند که مقامات قضایی در طول کار خود از ‌‌‌‌آموزش مداوم برخوردار شوند، از جمله، در صورت لزوم، در حساسیت‌‌های نژادی، فرهنگی و جنسیتی. ‌‌‌‌آموزش لازم را ببینند.[[65]](#footnote-65)

نمونه‌این اقدامات ‌‌‌‌آموزشی فراوان است از جمله می‌توان به کنفرانس‌ها و سمینارهای داخلی و ‌بین‌المللی در جهت ارتقاء دانش حقوقی اشاره نمود که درایران و دیگر کشورها برگزار می‌شود نمونه‌ای از آن به‌وسیله‌ی پارلمان گرجستان با همکاری چندین نهاد ‌بین‌المللی با عنوان «کنفرانس ‌بین‌المللی دسترسی به کمک‌‌های حقوقی در سیستم عدالت کیفری» در سال 2018 برگزار شد[[66]](#footnote-66) و از این نمونه هر ساله در گوشه گوشه جهان، برگزار می‌شود و شرکت دربرخی از آن‌ها مشوق‌‌هائی از قبیل محاسبه در ارتقاء شغلی دارد.

###### 

###### ب: ‌‌‌‌آموزش قضات در ایران

جمهوری اسلامی در راستای ‌‌‌‌آموزش قضات، چه قبل از استخدام و چه پس از آن اقداماتی انجام داده است. طبق قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری(مصوب) 14/02/1361 قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می‌شوند: که بعدها مسأله جنسیت، در مواردی تعدیل شده و بسیاری از خانم‌‌ها، احکام قضائی گرفته‌اند، هرچند تا رسیدن به وضعیت مطلوب، گام‌‌های فراوانی وجود دارد.

در بند 5 ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب 14/02/1361 شرایط دانش کافی برای قضات و کادر قضائی تبیین شده است.[[67]](#footnote-67)

همچنین ‌‌‌‌آموزش‌‌های مختلفی در طول مدت خدمت برای قضات در نظر گرفته شده است در تاریخ 12 خرداد 1399«سامانه دسترسی به ساختار قضایی کشورها» راه‌اندازی شد، تا ارتباط و شناخت بیشتر ساختار قضایی کشورهای دنیا دردسترس همه جامعه حقوقی کشور و از جمله قضات باشد. در این سامانه نهادهای قضایی کشورهای جهان به تفکیک هر قاره بارگذاری شده که شامل 33 کشور در ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکای شمالی، 46 کشور در اروپا، 38 کشور در آسیا، 36 کشور در آفریقا و 35 کشور در ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکای جنوبی است. همه ‌این کشورها دارای دادگاه قانون اساسی، دادگاه عالی، دادگاه عالی فدرال و دادگاه تجدیدنظر هستند که در مرحله نخست راه‌اندازی این سامانه، معرفی و امکان دسترسی به عالی‌‌‌ترین مراجع قضایی و وزارت دادگستری کشورها امکان پذیر شده و قرار است در آینده سایر نهادهای قضایی کشورها هم بارگذاری شود.[[68]](#footnote-68)

در این سامانه، آدرس سایت‌‌های دادگستری و یا دیوان عالی کشورها قراردارد و فهرستی برای دسترسی به روش‌‌های حقوقی دیگر کشورها است با مراجعه به آن می‌توان بخش‌‌‌‌هائی از روند قضائی آنان را دریافت و با مشاهده «نقاط قوت»، از انان الگو گرفت و با مشاهده «ضعف»‌‌ها، از تکرار آن پرهیز کرد، ‌‌‌‌آموزش‌‌های اینگونه، هرچند مفید است، اما گام نخست آشنائی با روش حقوقی دیگران است، و با توجه به واقعیت عدم آشنائی بسیاری از اشخاص حتی قضات عالی رتبه با زبان‌‌های خارجی، فوائد فراوانی نخواهد داشت، لذا ضروری است، پروژه‌‌های مقایسه‌ای بین موضوعات، عناوین و اشکال مختلف دعاوی، شیوه رسیدگی، شیوه تشکیل پرونده و. . . تعریف شود و در هر کدام، از دانشجویان دوره دکتری و فوق لیسانس، و یا قضات شاغل در جهت ‌‌‌‌آموزش‌‌های حین خدمت، به عنوان کار عملی و علمی، خواسته شود که «تک موضوع» را با دقت و جزئیات، مقایسه و تطبیق نمایند، تا بتوان بهتر فائده برد.

نمونه‌ای از آن چه می‌تواند راهگشا باشد مقاله حقوق تطبیقی نوشته آقایان ولی الله حیدرنژاد و سید محمدمهدی غمامی با عنوان "مطالعۀ تطبیقی شرایط و فرآیندهای انتخاب و انتصاب قضات در نظام‌‌‌‌های حقوقی ایالات متحدۀ ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا و فرانسه" است که در آن با ذکر جزئیات، روند گزینش و انتصاب یا انتخاب قضات بررسی شده است و می‌تواند در یک موضوع مشخص، راهنمای خوبی برای پژوهشگران و مدیران و تصمیم گیرندگان باشد.[[69]](#footnote-69) از همین نمونه می‌توان به کتاب «حقوق جزا»[[70]](#footnote-70) نوشته استیوبراندون،[[71]](#footnote-71) که با ترجمه آقای دکتر حسین میرمحمدصادقی با عنوان «مروری بر حقوق جزای انگلستان»[[72]](#footnote-72) چاپ شده اشاره کرد. ارزش افزوده ‌این کتاب آن است که متن انگلیسی و ترجمه فارسی سؤالات آزمون حقوق جزای دانشگاه لندن مربوط به سال‌‌های 1994 و 1995، به چاپ رسیده و با مطالعه آن، به‌دلیل دارابودن پرونده‌‌های ‌‌‌‌آموزشی، می‌توان با جزئیات حقوق جزا در انگلستان آشنا شد و با توجه به آن که مترجم، متن انگلیسی سؤالات رانیز آورده، که بتوان ‌‌دقیقاً آن را مطالعه کرد، مطالعه متن انگلیسی، راهگشاتر است. بدیهی است که در ترجمه (هر چند مترجم، توانمند باشد)، نمی‌توان تمام مفهوم واژه‌ها را با دقت کامل انتقال داد، همچنین در برخی موارد، نمی‌توان واژه مناسب ودقیق را یافت و رعایت امانت در آوردن متن اصلی در کتاب پیش گفته، برای پژوهشگران، مفید است.

نمونه‌‌های فراوان دیگری نیز وجود دارد که لازم است قوه قضائیه ضمن خرید حق تألیف، آن‌‌ها را به رایگان در اختیار قضات و دانش پژوهان حقوق و ‌‌وکلا و دیگر اقشار مردم قرار دهد. همچنین می‌تواند با گسترش پشتیبانی از نوشته‌‌های جدید، آن را در ارتقاء ‌‌‌‌آموزش قضات و کارکنان، مورد استفاده قرار دهد.

###### ج: ‌‌‌‌آموزش ‌مأمورین و ضابطین

‌مأمورین اعم از ضابطین (که در برخورد با متهمان هستند) تا ‌مأمورین اداری دادگاه‌‌ها، ‌مأمورین زندان‌‌ها، ‌مأمورین اجرای حکم، ‌مأمورین اعزام زندانی و همه افرادی که با طرفین دادخواست، برخورد دارند نیازمند ‌‌‌‌آموزش هستند تا با حقوق و تکالیف متهم و دادخواهان آشنا باشند، برخورد‌‌های خشن و غیر‌قانونی با متهمین، و یا اقدامات خارج از ضوابط قانونی جرم است و جهت «اجراء صحیح دادرسی عادلانه» لازم است ‌‌‌‌آموزش و نظارت بر همه ‌مأمورین باشد.

نمونه‌ای از اقدامات غیرقانونی به‌وسیله‌ی پلیس در ایران وجود دارد و اگر ‌‌‌‌آموزش نباشد، ‌‌‌‌طبعاً گسترش خواهد یافت از جمله می‌توان به «مجرم گردانی (تشهیر)» بدون مجوز قضائی، اشاره کرد، و یا برخورد‌‌های خشن با متهمان در بازداشتگاه‌ها که گزارش می‌شود.

###### د. ‌‌‌‌آموزش مردم

‌‌‌‌آموزش برای مردم، حداقل در دو زمینه لازم است اول ‌‌‌‌آموزش حقوق شخصی و اجتماعی و اداری دوم ‌‌‌‌آموزش شیوه پیگیری اختلافات و شکایات؛ ‌‌‌‌آموزش حقوق اجتماعی و فردی در همه زمینه‌ها می‌تواند مردم را از اشتباه، خلاف، جرم و دیگر مسائل هشیار نماید. آشنایی با قانون و حقوق، زمانی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که هیچ فردی به دلیل آنکه به قانون جاری جامعه آگاه نبوده، نمی‌تواند در صورت ارتکاب جرم، ادعای عدم تعقیب قضایی کند بنابر این به همان نسبت که اجرای قانون لازم است، آگاهی و آشنایی با قوانین و مقررات نیز مهم است.

همه افراد برای زندگی در جوامع شهری و روستایی باید نسبت به قوانین حاکم بر جامعه خود آگاهی داشته باشند و آن را رعایت کنند. شاید خیلی از تخلفات و جرم‌‌هایی که در جامعه روی می‌دهد ناشی از ناآگاهی افراد از قوانین جاری باشد که محتوای برخی از پرونده‌‌های جاری قضایی نیز این وضعیت را آشکار می‌سازد. [[73]](#footnote-73)

در مطلبی که با عنوان قانون استخدام هلند منتشر شده چنین می‌خوانیم «اگر با قراردادی برای اشتغال مهاجران که طبق قوانین کشور محل اقامت شما اداره می‌شود به هلند نقل مکان نکرده‌اید، قانون استخدام هلند برای شما مهم خواهد شد. در این فصل مروری بر مهمترین قوانین: اجازه کار، قراردادها، اخراج، مرخصی، ارزیابی مدارک تحصیلی ارائه شده است. ‌‌‌لطفاً توجه داشته باشید که ‌این متن به منظور ‌اطلاع‌رسانی به شما است، اما در صورت تردید متن رسمی (هلندی) قانون همیشه قطعی است.»[[74]](#footnote-74)

در ایران نیز ‌‌‌‌آموزش حقوق و تکالیف عمومی مردم، ضرورتی است که قوه قضائیه و نهادهای مختلف انجام دهند تا آگاهی عمومی نسبت به مراحل مقدماتی «حق دادرسی» انجام شود صدا و سیما، رسانه‌‌ها، سازمان‌‌های فرهنگی، نهادهای علمی، دینی، معاونت فرهنگی و پیشگیری قوه قضائیه و قسمت‌‌های مختلف سازمان اداری قوه لازم است در این زمینه اقدامات ‌‌‌‌‌‌‌مؤثری را داشته باشند که می‌تواند در اشکال مقاله، کتاب، فیلم، نمایشنامه، سریال، انجام شود تا کنون اقداماتی صورت گرفته است از جمله می‌توان به سایت پایگاه ‌اطلاع‌رسانی امور فرهنگی قوه قضائیه مراجعه نمود و مواردی را در آن دید و همچنین در رسانه‌‌های مختلف و خبرگزاری‌ها بخش‌‌های گوناگونی در زمینه هشدار‌ها ‌‌‌‌آموزش‌‌های مختلف حقوقی وجود دارد که در آگاهی بخشیدن به ابعاد «حق دادرسی» ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر باشد.

###### 5. نظارت مستمر بر عملکرد، تضمین بنیادین قانون

نظارت، به معنای مراقبت، تحت نظر و دیده بانی داشتن بر کاری است. کنترل و نظارت بر عملکرد درون سازمانی، امروزه یکی از اصول مدیریتی به شمار می‌رود که نبود یا کم رنگ بودن آن، مدیریت را دچار مشکل می‌کند. هِنری فایو[[75]](#footnote-75) یکی از دانشمندان مدیریت ‌‌‌‌کلاسیک (1925 - 1841) عناصر اصلی علم یا فن مدیریت را در پنج چیز خلاصه کرده است: تنظیم برنامه، سازمان دهی، فرمان دهی هماهنگی و کنترل و نظارت.

سپس مسأله انتخاب یا انتصاب قضات و کادر اداری انجام می شود، حتی اگر با بهترین شیوه‌ها هم باشد و صالح‌‌‌ترین اشخاص علمی هم گزینش شوند، چنانچه در طول مسیر کاری، بدون کنترل‌‌های لازم حرکت کنند، تضمین کافی برای «دادرسی عادلانه» وجود ندارد، و می‌توانند به مردم ظلم نمایند و بر خلاف حق و قانون، خطا و عمد و سوء استفاده کنند و قضاتی که در برابر «قدرت» که قانون به آن‌ها داده است، بتوانند مقاومت نموده و لغزش نکنند، و از رشوه و هدیه چشم‌پوشی کنند، به اعتماد به نفس بالایی نیاز دارد، و نمی‌توان آن‌ها را بدون نظارت و اعمال قانون به حال خود رها نمود.

بر همین اساس لازمه اجراء بند ج قسمت 3 ماده 2 میثاق که بر حق پیگیری ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر احکام قضائی تأکید دارد، مسأله نظارت بر عملکرد قضائی است در این بند آمده است: هر دولت‌ طرف‌ این‌ میثاق‌ متعهد می‌شود که‌: ج‌.تضمین‌ کند که‌ مقامات‌ صالح‌ «نسبت‌ به‌ تظلماتی‌ که‌ حقانیت‌ آن‌ محرز بشود ترتیب‌ اثر صحیح‌ بدهند.» شفافیت و پاسخگو بودن، هم مقدمه نظارت است هم عملیاتی شدن آن و نظارت مستمر بر عملکرد‌‌ها، موجب اقتدار مردم و تضمین «دسترسی عادلانه» می‌شود هرچند، ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر بودن و شفافیت، فقط در نظارت خلاصه نمی‌شود و هر امر دیگری که بر «دادرسی ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر»، تأثیر داشته باشد مورد توجه ‌این بند است.

در اصل‏ یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی تکالیف و اختیارات قوه قضائیه را برشمرده و در بند 3 بر «نظارت‏ بر حسن‏ اجرای‏ قوانین‏» تأکید شده، و در بند 4 آمده «کشف‏ جرم‏ و تعقیب‏ مجازات‏ و تعزیر مجرمین‏ و اجرای‏ حدود و مقررات‏ مدون جزایی‏ اسلام ‏» که لازمه کشف جرم، نظارت و بازرسی است و در بند 5 تأکید کرده است «اقدام‏ مناسب‏ برای‏ پیشگیری‏ از وقوع‏ جرم‏ و اصلاح‏ مجرمین‏» و اولین اقدام برای پیشگیری، «نظارت ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر» بر عملکرد کارگزاران اداری و دولتی، از جمله قضات است این سخن، نافی اقدامات ‌‌‌‌آموزشی و تقنینی و تبلیغی و. . . در مردم و ادارات نیست و این اصل، شمول مفهومی گسترده‌ای دارد.

نظارت در امور کارگزاران، ‌‌‌خصوصاً قضات و کادر و ضابطین قوه قضائیه تا حدی اهمیت دارد در حالی که در اسلام، به صراحت، «سوء ظن» و «تجسس» منع شده است. در اسلام، افزون بر سختگیری‌‌‌‌هایی که در شرایط انتخاب قضات مطرح است، پس از تصدی این منصب نیز قاضی منصوب همواره در معرض نظارت است. سیره‌ی حکومت حضرت علی (ع)، مبین توجه ویژه در این خصوص می باشد. مشهور است که یکی از اصحاب خود به نام «ابوالأسود دوئلی» را به شغل قضا منصوب و در همان روز او را از کار بر کنار نمودند. ابوالأسود دلیل عزل خود را جویا شد؛ حضرت فرمودند: شنیدم که در محاکمه، بانگ آواز تو از آواز طرفین دعوا بلندتر بوده است.[[76]](#footnote-76)

در حقوق ‌بین‌الملل در راستای «نظارت» بر «دادرسی عادلانه» رهنمودها و کتب و مقالات فراوانی هست از جمله در کتاب «سازمان ملل؛ اصول و رهنمودهای دسترسی به کمک‌‌‌‌های حقوقی در سیستم‌‌های دادرسی کیفری» در دستورالعمل شماره 15 «تنظیم و نظارت بر ارائه دهندگان کمک حقوقی» چنین آمده است:

با رعایت اصل 12 و با توجه به قوانین ملی موجود که شفافیت و پاسخگویی را تضمین می‌کند، کشورها با همکاری انجمن‌‌های حرفه‌ای باید.

الف) اطمینان حاصل کنید که معیارهایی برای تأیید اعتبار ارائه دهندگان کمک حقوقی تعیین شده است.

ب) اطمینان حاصل کنید که ارائه دهندگان کمک حقوقی تحت مجازات‌‌های مناسب حرفه‌ای، با مجازات‌‌های مناسب برای تخلفات، هستند.

ج) قوانینی وضع کنید تا اطمینان حاصل شود که ارائه دهندگان کمک حقوقی مجاز به درخواست هیچ گونه پرداختی از ذی‌نفعان کمک حقوقی نیستند، مگر در مواردی که مجاز به‌این کار باشند.

د) اطمینان حاصل کنید که شکایات انضباطی علیه ارائه دهندگان کمک حقوقی به‌وسیله‌ی ارگان‌‌‌‌های بی‌طرف بررسی می‌شود.

ه) ایجاد سازوکارهای نظارتی مناسب برای تأمین کنندگان کمک‌‌های حقوقی، بویژه با هدف جلوگیری از فساد[[77]](#footnote-77)

بر این اساس، «حق دادرسی» به نظارت بر همه مراحل «دادرسی» تسری می‌یابد که یکی از آن‌ها نظارت بر حسن رفتار قضات، کادر اداری، ضابطین و ‌مأمورین زندان‌ها است تا تضمینی بر اجراء عادلانه باشد.

الف: زندان‌‌ها

زندان در فرهنگ فارسی عمید به معنی «جایی که محکومان و تبهکاران را در آنجا نگه می‌دارند؛ محبس؛ بندیخانه‌» و مترادف با، « اسارتگاه، بازداشتگاه[[78]](#footnote-78)، بند، بندیخانه، توقیفگاه، حبس، دوستاق، دوستاقخانه، سجن، سلول، سیاهچال، محبس، هلفدونی»[[79]](#footnote-79)‌است زندان یکی از ضروریات امور قضایی است اما لازم است در شیوه و روش‌‌های آن دقت کافی شود.

ب: ضرورت رعایت حال خانواده زندانیان

نکته حائز اهمیت در امور زندان‌‌‌‌ها مسأله خانواده زندانیان است که جزء آسیب‌پذیرترین افراد جامعه هستند که در زندگی خصوصی خود با مشکلات فراوانی مواجه هستند علاوه بر مشکلات اقتصادی که دارند، به‌سبب آنکه سرپرست را در کانون خانواده از دست داده‌اند، ‌‌‌مشکلات روانی جبران ناپذیری در سطح جامعه متوجه آنان خواهد شد، مزید بر علت است. همان طوری که حبس بر مجرمان تأثیر دارد، بار سنگینی بر دوش اعضای خانواده افراد زندانی می گذارد. اینها شامل فشارهای مالی، فشارهای روانی و انگ اجتماعی است. همه‌این پویایی‌ها هنوز وجود دارند، اما حبس دسته جمعی میزان تأثیرات قابل توجه بیشتری را در بسیاری از محله‌ها ایجاد کرده است. بسیاری از تأثیرات مربوط به افزایش تعداد کودکانی است که در زندان پدر و مادر دارند. تخمین‌‌های فعلی این رقم را 1.5 میلیون نفر اعلام می‌کند، اما پویایی نژادی حبس برای کودکان سیاه پوست رقم هفت درصد یا 1 در 14 است. از آنجایی که‌این ارقام نشان دهنده شمارش یک روزه است، بنابراین نسبت کودکان سیاه پوستی که در دوره‌ای از کودکی زندانی شدن والدین را تجربه می‌کنند، بطور قابل توجهی بیشتر است.[[80]](#footnote-80)

خانواده‌‌های زندانیان یک مشکل بزرگتر نیز دارند، آن هم ملاقات با زندانی است که کاملاً طبیعی اتفاق خواهد افتاد برای این ملاقات لازم است تا زندان‌ها در دسترس این افراد باشد حتی اگر فردی مجرم باشد خانواده وی انسان‌‌های بیگناهی هستند و ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً کمک و یاری در زمینه جرم با او نداشتند و چه بسا بسیاری از آنها اصلاً از جرم خبر نداشتند. افراد بسیار کمی هستند که در باندهای خانوادگی همکار همسران و فرزندان خود در جرم‌ها هستند بنابراین خانواده‌های بیگناه زندانیان باید مورد توجه ساختمان سازی مناسب سازمان زندان‌‌‌‌ها قرار بگیرند. زندان‌‌‌‌ها همچنین باید در زمینه‌‌های مختلف اقداماتی را برای خانواده زندانیان متأهل داشته باشند مکان‌‌هایی برای ملاقات حضوری و خصوصی زندانیان می‌تواند از بخشی از معضلات اجتماعی پیشگیری نماید.‌‌‌‌‌آیین‌نامه سازمان زندان‌‌‌‌ها و امور تربیتی موارد فراوانی را در همین زمینه و در زمینه شیوه نگهداری زندانیان مطرح کرده است که با میثاق ‌بین‌المللی مطابقت دارد و بر اساس آن مواردی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز آمده است.[[81]](#footnote-81)

ج: حقوق زندانیان در میثاق

محکومین و زندانیان در زمینه‌های مختلف جرمی را مرتکب شده و باید مجازات شوند. این امر در میثاق تأکید شده و حضور زندانی مورد پذیرش قرار گرفته است اما شرایطی برای آن در نظر گرفته و به مسؤولان کشورها تأکید کرده است که آن‌ها را رعایت نمایند. هدف میثاق از زندان (بند 3 ماده 11)، بازپروری زندانیان است.

«نظام‌ زندان‌‌‌‌ها متضمن‌ رفتاری‌ با محکومین‌ خواهد بود که‌ هدف‌ اساسی‌ آن‌ اصلاح‌ و اعاده‌ حیثیت‌ اجتماعی‌ زندانیان‌ باشد.» بر همین اساس مواد مختلفی از میثاق بر حقوق زندانیان تأکید دارد در زندان افراد مختلفی وجوددارند متهمان و مجرمان دارای طبقات مختلفی هستند و طبقه‌بندی آنها در زندان‌ها نیازمند امکانات فیزیکی فراوانی در هر زندان است وقتی قرار است بر اساس آموزه‌ها میثاق کودکان زندانی از زندانیان بزرگسال تفکیک و متهمین از مجرمین و نیز مجرمین خطرناک از مجرمین عادی جدا شوند و انواع و اقسام جداسازی... در این صورت لازم است زندان‌‌های فراوانی ساخته شود تا اهداف میثاق، اجرا شود. در ماده 11 میثاق ممنوعیت زندان برای عدم قدرت به انجام تعهد تبیین شده است «هیچ‌ کس‌ را نمی‌توان‌ تنها به ‌این‌ علت‌ که‌ قادر به‌ اجرای‌ یک‌ تعهد قراردادی‌ خود نیست‌ زندانی‌ کرد.»

«مجموعه اصول حمایت از تمامی افراد تحت هر گونه بازداشت یا حبس» در تاریخ 9 دسامبر 1988 در قطعنامه مجمع عمومی 43/173 به تصویب رسید و در آن در خصوص برخوردبا زندانیان در توضیح مواد میثاق، 39 اصل بیان شده است.[[82]](#footnote-82)

د: نقد زندانیان فراوان؛ زندان، ندامتگاه، محل بازپروری و اصلاح نیست

این که در میثاق تصور شده، زندان یک مکان برای بازپروری افراد مجرم است و یا آنرا ندامتگاه بدانیم واقعیت ندارد، و بهترین راه، بازنگری در «سیاست کیفری» و کاهش تعداد اشخاص ورودی به زندان‌‌هاست که از طریق «جرم زدائی» و «نظارت» واقعی ومستمر بر قرارها و احکام، قابل اجرا است. زندانیان زمانی که وارد زندان می‌شوند با ‌‌‌مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند از جمله آنکه گذشته خویش را تباه شده می‌بینند و در کنار افراد مجرم سابقه‌دار قرار گرفته و آنها به ‌‌‌‌‌آموزش این افراد اقدام می‌کند به همین دلیل ورود زندانیان به مرتبه دوم و سوم به داخل زندان‌ها امری طبیعی است. یک زندانی تازه‌کاری که اولین بار وارد زندان می‌شود بسیاری از موارد را آشنا نیست و زندانیان حرفه‌ای و زندانیانی که دارای سوابق بیشتری هستند با شیوه های خلاف نسبت به جذب وی اقدام کرده و او را توجیه می‌کنند و روش‌های جدید را به او می‌آموزند. تعداد زندانیانی که ‌واقعاً متنبه شده‌اند نسبت به تعداد زندانیانی که همچنان در مسیر جرم حرکت کرده‌اند به مراتب کمتر است.

در وضعیت مختلف افراد فراوانی با قرار‌‌های بسیار سبک وارد زندان‌ها می‌شود و این اشخاص پس از چند روز با سپردن قرار از زندان آزاد می‌شود، یک قسمت از این آزادی‌‌ها، اشتباه است زیرا مجرمین خطرناکی هستند که به‌دلیل عدم توجه به پرونده و سوابق آن‌‌ها، با قرار سبک وارد زندان می‌شوند. اما مشکل در جایی است که از سوی دادیار و یا دادستان برای افراد سالم و ‌‌‌خصوصاً جوان‌ها و خانم‌‌ها، ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً در آخرین ساعات ایام تعطیل (مثلاً روزهای بعد از ظهر چهارشنبه در تهران) به عنوان یک فرد متهم قرار سبکی صادر می‌نماید که آن فرد به دلیل عدم دسترسی به اشخاصی که برای او قرار را وثیقه بگذارند و یا تأمین قرار کنند مجبور می‌شود وارد زندان گردد و همین ورود به زندان علاوه بر هزینه‌های فراوان زندانبانی، موجب آن می‌شود که‌این فرد علاوه بر اینکه روش‌های دورزدن جرم خود را یاد می‌گیرد جرم‌های دیگر را نیز آموزش گرفته و بیشتر وارد می‌شود در حالی که اگر این قرارها مورد توجه قرار گیرد و بسیاری از این افراد با قرار اخلاقی در همان موقعیت آزاد شوند این همه هزینه بر کشور وارد نمی‌شود.

فراموش شدن پرونده زندانیان در دادگاه‌ها نیز یکی از ‌‌‌مشکلات است ‌‌‌خصوصاً زندانیان زن، یا نوجوان، که ‌‌‌مشکلات فراوان‌‌‌تری دارند. تا زمانی که پرونده‌ها کاغذی است، دادسراها و دادگاه‌ها فراموش می‌کنند که یک شخصی را با قرار به زندان فرستاده‌اند ‌‌‌خصوصاً اگر آن فرد کسی را نداشته باشد و ممکن است ماه‌ها در زندان بمانند در حالی که با نظارت دقیق‌‌‌تر می‌توان این افراد را به دست آورد و آزاد نمود.

رسیدگی به وضعیت زندانیان، ‌‌‌خصوصاً زنان زندانی حائز اهمیت بسیار است بر اساس گزارش‌های مختلف، تعداد زندانیان زن در جهان رو به گسترش است «در مقایسه با سال 2000، تعداد کل زنان در حال گذراندن محکومیت یا اتهام خود در زندان‌ها حدود 50٪ افزایش یافته در حالی که جمعیت مردان زندانی حدود 18٪ رشد کرده است. اما نرخ زندانیان در سراسر جهان به میزان قابل توجهی متفاوت است. به عنوان مثال، ایالات متحده به ازای هرصدهزار شهروند 698 زندانی دارد در حالی كه دانمارك61 زندانی دارد ممکن است زندانیان در یک مکان به آلات موسیقی و بازی‌‌های ویدئویی دسترسی داشته باشند اما ممکن است در مکان دیگری برای کاغذ توالت درگیر شوند.»[[83]](#footnote-83)

ه: کاهش مجازات حبس تعزیری

کاهش مجازات‌ها و زندان، از مواردی بوده که همواره از آن سخن گفته شده است و موافقان و مخالفانی نیز داشته است در سال 1398 طرحی از سوی نمایندگان در خصوص «کاهش حبس» به مجلس ارائه شد «در مقدمه توجیهی طرح، ضرورت بازنگری در مجازات‌‌ها، تقلیل جمعیت زندانیان و صرفه‌جویی در هزینه‌‌های عمومی مربوط به اداره زندانیان و همچنین عدم وجود ملاک قضایی و منطق حقوقی در تعیین مجازات حبس تعزیری برای جرائم مختلف و عدم انطباق مجازات حبس با احکام شرعی و فقدان سابقه در حکومت اسلامی عصر پیامبر (ص) از علل لزوم تصویب این طرح بیان شد.» اما برخی حقوقدانان ایراد گرفتند: پیرامون «فقدان ملاک قضایی و منطق حقوقی در خصوص تعیین مجازات حبس تعزیری» به عنوان یکی از دلایل مطروحه در مقدمه توجیهی باید گفت این ایراد به خود طرح نیز وارد است، زیرا مشخص نیست بر اساس چه معیار و محاسبه‌ای چنین حکم کلی و موسّعی در خصوص تمامی جرائم ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی شده است.

از دیگر دلایل ذکر شده، صرفه‌جویی در هزینه‌‌های عمومی مربوط به اداره زندانیان بوده است. این امر مستلزم انجام کار آماری دقیق، طبقه‌بندی و دسته بندی مرتکبین جرائم مختلف ‌است تا بتواند ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی احتمالی از میزان کاهش زندانیان پس از اجرایی شدن این طرح ارائه دهد. به منظور ارائه چنین طرحی، باید هزینه‌‌های کنونی برآورد و تخمینی از نتایج اجرایی و میزان هزینه‌‌هایی که در آن‌ها صرفه‌جویی خواهد شد، به عمل می‌آمد که در این طرح چنین محاسبه‌ای مشاهده نگردید. تغییرات و اصلاحات قوانین کیفری بدون وجود چنین پژوهش‌‌های آماری می‌تواند اثرات جبران ناپذیری را در نگرش افکار عمومی به طور خاص نسبت به فرآیند تقنین و شکل حکمرانی به صورت کلی به همراه داشته باشد.

علی‌رغم وجود تبعات منفی و گسترده مجازات حبس و لزوم حرکت به سوی سیاست‌‌های «حبس زدایی» مطابق با سیاست‌‌های کلی قضایی، هرگونه بازنگری در قوانین موجود، با هدف کاستن از جمعیت زندان‌ها مستلزم انجام مطالعات دقیق و مبتنی بر آمار و ضابطه است.[[84]](#footnote-84)

# **بند سوم: قانونی بودن دادگاه**

هنگامی که سخن از «اجراء عدالت» می‌شود، اجراء عادلانه ‌امور معمول مردم توسط ادارات و نهادهای حاکمیتی مطرح است و یا وقتی از «دادرسی عادلانه» در روند بررسی و اجراء حکم سخن می‌گوییم، لازم است از «ملاک و معیار» برای تشخیص این عدالت سخن گفته می‌شود، درک هر جامعه از مفهوم عدالت به تناسب فرهنگی که دارد از دیگر جوامع متفاوت است، اما آنچه از نگاه فلسفه حقوق اهمیت دارد این است که عینیت یافتن عدالت نیازمند «قانون» و «قاعده» است. نظر به اجتناب ناپذیر بودن اختلاف باورها، ارزش‌‌‌‌‌ها و آرمان‌‌‌‌‌های میان جوامع مختلف بشری و بین اعضا و گروه‌‌‌‌‌های یک جامعه، تنها راه حصول اطمینان از اجرای عدالت آن است که‌این اصل در قالب موازین و قواعدی روشن تشخص و تعین پیدا کند و به نحو منصفانه تفسیر و اجرا گردد.[[85]](#footnote-85) قانونی بودن دادگاه و صلاحیت آن برای رسیدگی به پرونده و همچنین رسیدگی بر اساس قانون در آیین دادرسی و رفتارهای حقوقی دادرسان و انشاء حکم بر اساس مواد قانونی و اجرا احکام در محدوده قانون از مواردی است که در دادرسی عادلانه مورد توجه بوده و لازم است رعایت شود.

###### 1. قوانین شفاف و گویا

هیچ قاضی حق ندارد به‌دلیل نبودن قانون صریح در یک موضوع از دادرسی خودداری کند در ادامه اصل‏ یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر می‌دارد ‎‎‎‎‎: «قاضی‏ موظف‏ است‏ کوشش‏ کند حکم‏ هر دعوا را در قوانین‏ مدونه‏ بیابد و اگر نیابد با استناد به‏ منابع معتبر اسلامی‏ یا فتاوای‏ معتبر، حکم‏ قضیه‏ را صادر نماید و نمی‌تواند به‏ بهانه‏ سکوت‏ یا نقص‏ یا اجمال‏ یا تعارض‏ قوانین‏ مدونه‏ از رسیدگی‏ به‏ دعوا و صدور حکم‏ امتناع‏ ورزد.» در این خصوص مبانی مختلفی وجود دارد و در خصوص تشخیص منابع و فتاوی معتبر نظرات گوناگونی وجود دارد پیش از انقلاب اسلامی نیز، در اصل سی و ششم متمم قانون اساسی آمده است «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» ممنوعیت دستگیری غیر‌قانونی در بند 1 ماده 9 میثاق ذکر شده است: «هر کس‌ حق‌ آزادی‌ و امنیت‌ شخصی‌ دارد. هیچ‌ کس‌ را نمی‌توان‌ خودسرانه‌ (بدون‌ مجوز) دستگیر یا بازداشت‌ (زندانی‌) کرد. از هیچ‌ کس‌ نمی‌توان‌ سلب‌ آزادی‌ کرد مگر به‌ جهات‌ و طبق‌ آئین‌ دادرسی‌ مقرر به‌ حکم‌ قانون‌.» در این بند میثاق هم به قانون‌‌های ماهوی اشاره شده و هم آئین دادرسی قانونی تأکید شده است.

###### 2. قانونی بودن و مشروعیت

در امور حقوقی بايد به تفاوت وهم پوشانی واژه‌‌هائی چون «مشروعیت»[[86]](#footnote-86)، «قانونمندی» یا «قانونی (حقوقی) بودن»،[[87]](#footnote-87)«اقتدار»،[[88]](#footnote-88)«اخلاق»،[[89]](#footnote-89) «حلال»،[[90]](#footnote-90) «موقعیت حقوقی»[[91]](#footnote-91)توجه داشت که در پرونده‌‌ها، و در قانون نویسی، لازم است دقت شود تا دارای بار معانی خود باشد.

در مسائل حقوقی، توجه به تفاوت بین «مشروعیت» و «قانونی بودن» ضروری است، شاید تصور شود که ‌این مطلب فقط در اسلام تأکید شده است اما در حقوق کشورهای دیگر، بین این دو واژه تفاوت قائل شده‌اند «مشروعیت» در حقیقت به معنای مواردی است که در «مذهب»، «عرف» یا «اخلاق» جامعه پذیرفته شده است مشروع به معنای توجیه آن با منطق جامعه است در حقیقت مواردی است که جامعه آن را با اعتقادات خویش مورد پذیرش قرار داده است یعنی فردی که به مذهب اسلام معتقد است مسأله‌ای را مشروع می‌داند که ممکن است با دیدگاه فرد دیگری که در مذهب دیگری است تفاوت داشته باشد. خوردن برخی از غذاها در اسلام مشروع و یا نامشروع است اما ممکن است از نظر قانونی اشکالی نداشته و مشکلی ایجاد نکند. همچنین، در یک کشور ممکن است اقداماتی از نظر عرف عمومی پذیرفته شده باشد و مشروعیت داشته باشد اما قانونی نشده باشد. بسیاری از موارد قانونی در کشورهای مختلف ابتدا از مشروعیت آن آغاز شده و سپس به قانونی بودن رسیده است، بسیاری از قوانین هم بر اساس قدرت گروه حاکم، بدون توجه به «مشروعیت» و منطقی بودن آن تصویب شده است.

واژه قانونی بودن به آنچه در قانون می‌آید و با چارچوب قانونی سازگار است، اشاره دارد. این محدوده عملکرد ما را تعیین می‌کند که طبق قانون چه کاری می‌توانیم انجام دهیم و چه کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. اما مشروعیت شامل پیروی از راهی صحیح،[[92]](#footnote-92) منصفانه،[[93]](#footnote-93)اصیل،[[94]](#footnote-94) اخلاقی،[[95]](#footnote-95) و مسیر اخلاقی[[96]](#footnote-96) است. مشروعیت با آنچه با عدالت حاصل می‌شود، آنچه شایسته[[97]](#footnote-97)است، آنچه در جامعه به ارث[[98]](#footnote-98) می‌رسد، نمادین[[99]](#footnote-99) است. از طرف دیگر، قانونی بودن را می‌توان با مهر رسمی نشان داد[[100]](#footnote-100) قانونمندی چیزی است که در کتاب قانون کشور، یعنی قانون مدون نوشته شده است . مثال: آلوده کردن کامپیوتر به ویروس ممکن است قانونی باشد در صورتی که هنوز قانونی برای مقابله با آن وجود ندارد. اما مشروع نیست[[101]](#footnote-101) ویروسی کردن رایانه‌ها تا زمانی که کشورها برای ممنوعیت آن اقدامی نکرده‌اند، اصل بر آزادی و عدم مجرمیت است و هر اقدام تا زمانی که در قانون نوشته، ممنوع نشود، جرم نیست اما مشروعیت ندارد.

###### 3. دادگاه صالح و قانونی

دادگاه قانونی چیست و محدوده صلاحیت آن چگونه است؟ ما در این قسمت آن را بررسی می‌کنیم تادر فصل بعد تبیین نمائیم که در سیستم دادرسی الکترونیک، صلاحیت دادگاه‌ها چه می‌شود؟ بررسی این موارد در آن جهت است که در «دادرسی الکترونیک» توضیح خواهیم داد که بسیاری از موارد صلاحیت‌ها در سیستم جدید، می‌تواند باز تعریف شود و تخصصی‌‌‌تر مورد عمل قرار گیرد و یا ‌‌کلاً صلاحیت محلی حذف گردد.

در راهنمای ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق دادرسی عادلانه (حقوق مدنی) آمده است: دادگاه صاحب صلاحیت رسیدگی؛ دادگاهی است که به‌وسیله‌ی قانون ایجاد شده باشد «با توجه به اصل حاکمیت قانون، که در ذات سیستم کنوانسیون دیده شده است، «یک دادگاه» همیشه باید «توسط قانون ایجاد شود»، زیرا در غیر این صورت مشروعیت لازم برای استماع دعاوی و رسیدگی به آن‌ها را در یک جامعه دموکراتیک ندارد.»[[102]](#footnote-102)

###### 4. صلاحیت‌‌های رسیدگی دادگاه‌‌‌‌‌ها

صلاحیت در لغت به معنای شایستگی و اختیار است و در اصطلاح حقوقی عبارتست از شایستگی یک مرجع برای رسیدگی به یک موضوع. در دادرسی عادلانه دادگاه و یا شبه‌دادگاه رسیدگی کننده، صلاحیت‌‌های مختلفی را برای رسیدگی به پرونده طبق قانون داشته و دادگاه به صورت قانونی تشکیل شده باشد. دادگاه قانونی اعم از دادگاه‌‌‌‌‌های قوه قضائیه و یا اداری و نظامی و غیر آنها، دادگاه‌ها یا شبه‌دادگاه هستند که بر اساس قانون کشور‌ها تشکیل شده و مقررات آن را در قانون مشخص می‌کند دادگاه‌‌هایی که بدون زیرساخت قانونی تشکیل شوند فاقد وجهه هستند هر دادگاهی باید بر اساس قانون مصرح در همان کشور تشکیل شده و بر اساس عدل و داد باشد. قانونی که در جهت مصالح ستمگران و ثروتمندان و یا طبقه خاصی از جامعه حاکم باشد نمی‌توانند حق دادرسی را ایجاد نماید، شناخت گسترده اختیارات، وظایف قانونی هر دادگاه و مرجع قضایی برای رسیدگی به دعوا و موضوعی که به او واگذار شده است تحت عنوان «صلاحیت» یکی از مباحث مهم آئین‌دادرسی کیفری به شمار می‌آید صلاحیت دادگاه از آن رو واجد اهمیت است که قاضی و دادرسان در مراحل مختلف از محدوده صلاحیت خویش فراتر نرود و از قدرت خویش سوء استفاده نکند وقتی که صلاحیت یک دادگاه در محدوده مشخصی برای رسیدگی است دو تکلیف بر عهده اوست اول تکلیف ایجابی است که لازم است در همان محدوده هر نوع دادخواستی را بپذیرند بنابراین حق رد دادخواست دادخواهان را نداشته و نمی‌تواند آنها را نپذیرد و بهانه‌ای برای آن بیاورد دوم تکلیف سلبی است یعنی دادگاه حق ندارد که به پرونده‌هائی که مربوط به صلاحیت ذاتی یا محلی آن دادگاه نیستند رسیدگی نماید بنابراین شناخت اصول و قواعد حاکم بر صلاحیت و مبانی استثنائات آن با تأکید بر رویه قضایی می‌تواند ما را در بر طرف نمودن چالش‌‌های موجود در این زمینه در محاکم قضایی و برپایی یک دادرسی عادلانه یاری دهد.[[103]](#footnote-103) قانونی بودن دادگاه نکته‌ایست که بدان در اسناد مختلف اشاره شده است صلاحیت سه نوع است:

1- صلاحیت ذاتی[[104]](#footnote-104)

2- صلاحیت محلی[[105]](#footnote-105)

3- صلاحیت شخصی[[106]](#footnote-106)

دادگاه‌‌‌‌‌ها چه داخلی باشند یا ‌بین‌المللی، بر اساس قوانین بنیادین یا اساسنامه و یا هر قانونی که آن‌ها را قدرت بخشیده، صلاحیت‌شان در هر سه زمینه فوق، مشخص می‌شود. صلاحیت، اولین مسأله‌ای است که هر دادگاه باید تشخیص دهد و صلاحیت خود را «احراز» کند همچنانکه، طرفین دادرسی، حق دارند، «صلاحیت دادگاه» را زیر سؤال ببرند.

###### 5. شخصی سازی پرونده و طرفین دعوی

در حقوق لازم است پرونده‌‌ها، شخصی سازی به تناسب اشخاص طرفین دعوی بررسی گردد، ‌‌‌خصوصاً شخصی سازی جرم و مجازات، توصیه شده است، در این نوشته مقصود ما شخصی نمودن بر اساس قوانین موجود، در همه اشخاص و طرفین دعوی در همه پرونده‌ها است. هرچند قانون به صورت عام نوشته شده و به ظاهر برای همه اشخاص جامعه یکسان دیده می‌شود بطوری که گاهی قانونگذار در تعیین مجازات جرمی فاصله بین حداقل و حداکثر آن به 40 برابر رسانده است و دادگاه بدون الزام به توجیهی در بین حداقل و حداکثر آن مختار است هر میزان مجازات تعیین نماید که نوعا تناسبی بین مجازات و جرم دیده نمی‌شود و این امر اصل تناسب مجازات با جرم را مخدوش خواهد کرد. [[107]](#footnote-107) اما قوانین دارای انعطاف‌‌های فراوان هستند و با همین قوانین و همین شیوه در قانون جزا و قانون مدنی و دیگر قوانین، افراد مختلف، در هر پرونده و در جرم و مجازات طبقه بندی‌‌هایی شده‌اند که دست قاضی و ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزان را برای شخصی‌سازی، باز می‌کند و می‌تواند از خفیف‌‌‌ترین تا شدیدترین مجازات‌ها را در حکم خود بیاورد، به طور مثال نگاه کردن به سوابق یک فرد و یا جوان بودن یا زن بودن و امثال آنها می‌توانند از جهات مخفف یا تشدید کننده مجازات باشد حتی در استماع دعوی و تساوی طرفین نیز ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر است، مثلاً فردی که پرونده دادخواست فراوانی دارد که با ادعاهای مختلف در پرونده‌‌های بزرگ و کوچک مطرح شده است، با شخصی که هیچ پرونده‌ای ندارد دارای دو شخصیت متفاوت هستند (در عرف عامه یک شخص را «دعوائی» و دیگری را «سلیم» می‌گویند) شناسائی این وضعیت در پرونده‌‌هایی که به صورت کاغذی و سنتی رسیدگی می‌شوند بسیار سخت و مشکل است.

به عنوان نمونه، تصادفات ساختگی یکی از راه‌‌هایی است که ‌‌‌‌‌کلاهبرداران بر اخذ وجوه ‌‌‌‌‌‌‌‌کلان از شرکت‌‌های بیمه، و ‌‌‌‌‌کلاهبرداری از این شرکت‌ها در پیش گرفته‌اند. و جالب آن که در برخی پروند‌‌ها، یک فرد، توانسته چندین بار، خسارت‌ها را از بیمه دریافت نماید.[[108]](#footnote-108) و یا اشخاصی سارق، زورگیر و شرور، در زمان دستگیری با قرار بسیار سبک آزاد می‌شوند و دربرخی پرونده‌‌های آن‌ها می‌خوانیم که ده‌‌‌‌‌‌ها سابقه فراوان زندان در طول مدت کوتاه دو سه سال داشته‌اندکه نشان از آزادی آن‌ها در مدت کوتاه پس از دستگیری دارد و بر عکس افرادی جوان و بدون سابقه، با قرار سنگین به زندان می‌روند یا حکم سنگین می‌گیرند و مسیر زندگی آنان تغییر می‌کند.

در قانون مجازات اسلامی مصوب 01/02/1392 آمده است: دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

ج- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

د- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی [[109]](#footnote-109)

این همان «شخصی سازی جرم و مجازات» است که می‌تواند به عادلانه‌‌‌تر بودن «دادرسی» کمک نماید.

در قسمت الکترونیک، در این خصوص توضیح خواهیم داد که چگونه با بهره‌گیری از دیتابیس‌‌های مختلف، به سرعت می‌توان افراد را در طبقات مختلف جای داد.

###### 6) قانونی بودن ادله اثبات دعوی

«ادله اثبات»[[110]](#footnote-110) چیست؟ در این قسمت بصوت خلاصه در رابطه با آن توضیح می‌دهیم، در فصل آینده، بخش وسیعی از این ادله را به صورت الکترونیک مطرح نموده و ارجحیت اسناد الکترونیک بر بسیاری از ادله اثبات را توضیح خواهیم داد بر همین اساس شناخت ادله اثبات ضروری است.

ادله اثبات دعوا در قوانین باید روشن و شفاف باشد تا قاضی بتواند بر اساس آن حکم قانونی را صادر نماید. ادله اثبات در تمامی مبانی حقوقی وجود داشته و در اسلام نیز موجود است. ادله اثبات دعوا در اسلام به مانند دیگر ادله‌ای که در دیگر قوانین و مقررات حقوقی وجود دارد دارای ارزش و اعتباری است که قانون گذار به آن داده است و ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً همه ‌این قواعد ادله مانند دیگر روش‌‌های حقوقی ادله اثبات دعوا درسیستم‌‌های حقوقی مختلف، دارای اعتبارات متفاوت است هر کدام از آنها محدوده آن را اضافه و کم می‌کند قانون‌‌های مشخص و از جمله آیین دادرسی، شرایط لازم را برای ارائه دادخواست و مراحل رسیدگی، بازداشت اموال و اشخاص و دیگر موارد کاملاً تبیین کرده باشد در کشور ایران آیین دادرسی کیفری آیین دادرسی مدنی و آیین‌‌های دادرسی در دادگاه‌‌های اداری و. . . نوشته شده و به عنوان اصولی برای قضات و دادستان‌ها و ضابطین مطرح شده است رعایت این قوانین و رعایت همه نکاتی که در آن برای مردم حقی را ایجاد کرده است می‌تواند در ارتقاء حق دادرسی مردم نقش ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر داشته باشد.

###### 7) اصل برائت [[111]](#footnote-111)

برائت واژه‌ای عربی و در لغت به معنای رهایی، بی گناهی و پاکدلی آمده است و معنای اصطلاحی آن در حقوق کیفری طبق [اصل](https://wikifeqh.ir/اصل_قانون_اساسی" \o "اصل قانون اساسی (پیوندی وجود ندارد))37 [قانون اساسی](https://wikifeqh.ir/قانون_اساسی)«هیچ کس از نظر [قانون](https://wikifeqh.ir/قانون_(مفهوم))مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه [جرم](https://wikifeqh.ir/جرم_(گناه))او در [دادگاه](https://wikifeqh.ir/دادگاه)صالح ثابت شود» و در [حقوق خصوصی](https://wikifeqh.ir/حقوق_خصوصی)(مدنی) طبق [ماده](https://wikifeqh.ir/ماده_قانونی)1257 [قانون مدنی](https://wikifeqh.ir/قانون_مدنی" \o "قانون مدنی)«هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند» اصل برائت یک اصل مسلم است که در اسلام و در حقوق بشر و همه قوانین عدالت خواهانه، مطرح شده است و بر این باور هستند که فرد متهم تا زمانی که در دادگاه محکوم نشده باشد حق برائت داشته و نمی‌توان او را محکوم دانست و به عنوان مجرم با او برخورد کرد. قانونی بودن جرم و مجازات، اصل مهم دیگری را ایجاد کرده است تا هر شخصی (اعم از دادستان یا شخص حقیقی و حقوقی) نتواند به راحتی دیگری را متهم نماید، میثاق که در دادرسی عادلانه، عمدتاً به مسائل کیفری پرداخته و اکثر مواد «حقوق بشر» مربوط به منع شکنجه، بازداشت غیر‌قانونی، اطلاع به متهم و امثال آن است، بر اصل برائت تأکید کرده است اصل سی و هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد« هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

در خصوص تاریخچه اصل برائت در حقوق مدون آمده است: «اصل برائت در دو [قرن](https://wikifeqh.ir/قرن_(سال))اخیر و به ویژه پس از [جنگ جهانی](https://wikifeqh.ir/جنگ_جهانی)دوم مورد اقبال و عنایت خاص حقوقدانان و قانونگذاران در حقوق داخلی کشورها و نیز موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها در سطح منطقه‌ای یا ‌بین‌المللی قرار گرفته است.» ماده 9 [اعلامیه حقوق بشر](https://wikifeqh.ir/اعلامیه_حقوق_بشر)و شهروند [فرانسه](https://wikifeqh.ir/فرانسه)با عبارت «هر انسانی بی گناه است مگر اینکه بزه‌کاری او ثابت شود» بر اصل برائت تأکید کرد و این اصل از آنجا به سایر کشورهای اروپایی و غیراروپایی تسری یافت. و در 10 دسامبر سال 1948 بند اول ماده 11 اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر داشت «هر کس که به بزه‌کاری، متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که درجریان یک دعوای عمومی که درآن کلیه تضمین‌‌‌‌‌‌های لازم برای دفاع او تأمین شده تقصیر او قانوناً محرز گردد.» و سپس در بند 2 ماده 14 ‌بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال 1966 بر آن تأکید مجدد شد «هر کس‌ به‌ ارتکاب‌ جرمی‌ متهم‌ شده‌ باشد حق‌ دارد بی‌گناه‌ فرض‌ شود تا این‌ که‌ مقصر بودن‌ او بر طبق‌ قانون‌ محرز بشود.» برخی معتقدند [اصل برائت کیفری](https://wikifeqh.ir/اصل_برائت_کیفری)یا فرض بی گناهی از ابتدای [تاریخ بشر](https://wikifeqh.ir/تاریخ_بشر)تاکنون پیوسته حاکمیت داشته و قابل استناد بوده است امّا نکته اصلی در نقشی است که ‌این اصل در [دادرسی‌‌های کیفری](https://wikifeqh.ir/دادرسی%20های_کیفری)بر عهده داشته است. در بسیاری از مقاطع تاریخی میزان و کیفیت ارزش گذاری به فرض بی‌گناهی متهم متفاوت بوده است و در بعضی از دوره‌ها این فرض باکمترین قرینه و اماره، آثار خود را از دست می‌داده است.» به عنوان مثال در حقوق [روم](https://wikifeqh.ir/کشور_روم)به دستور آنتوینوس مقرر شد «در موارد شک و تردید نسبت به مجرم بودن متهم باید به سود او قضاوت شود و هر کس تا زمانیکه جرم او به اثبات نرسد بی گناه است.»

# **مبحث دوم: استقلال و بی‌طرفی قاضی و دادگاه**

سؤالی که در این مبحث بدان خواهیم پرداخت در زمینه استقلال[[112]](#footnote-112) و بی‌طرفی[[113]](#footnote-113) قاضی است، این دو واژه چه مشابهت و مغایرت‌‌هایی دارند؟ اعلامیه، میثاق و قانون اساسی و قانون عادی ایران در این رابطه چه دستورهایی دارد؟ آیا در عمل امکان‌پذیر است؟ ‌راه‌حل مناسب آن چیست؟

# **بند اول: مفهوم استقلال و بی‌طرفی**

واژه استقلال واژه بسیار مهم در ادبیات سیاسی و اداری و اقتصادی است. این واژه به معنای آن است که یک شخص حقیقی یا حقوقی بدون تأثیرپذیری از دیگران، قدرت تصمیم‌گیری داشته باشد. همچنانکه در رابطه با اشخاص کشورها مسأله استقلال مطرح می‌شود اما آیا ‌واقعاً کشور صددرصد مستقلی می‌توان پیدا کرد که هیچ گونه وابستگی در هیچ زمینه‌ای به هیچ یک از اشخاص حقیقی و حقوقی کشورهای دیگر در زمینه‌‌های مختلف نداشته باشد؟ همه کشورهای مستقل جهان در حد فراوانی وابستگی‌های گوناگون دارند. از جمله در مسائل اقتصادی واردات وجود دارد و یا صادرات و وابستگی به ارزی که دیگران باید به آنها بدهند. سازمان‌‌های ‌بین‌المللی که در امور داخلی کشورها تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌کنند به استقلال کشورها خدشه وارد می‌کنند به عنوان مثال فیفا در امور داخلی باشگاه‌ها دخالت کرده و آنها را از هرگونه نقل و انتقالات ممنوع می‌کنند و یا به کشورها در خصوص نوشتن ‌‌‌‌‌آیین‌نامه‌های ورزش فوتبال و شیوه دخالت دولت و عدم دخالت آنها امر و نهی می‌نماید. این مسأله در رابطه با مسائل اقتصادی نیز وجود دارد. همچنین مسائل سیاسی نیز این چنین است. آیا این موارد با استقلال مغایرت دارد؟

نکته؛ اگر تصمیم‌گیری برای وابسته شدن به سازمان‌های و نهادهای ‌بین‌المللی به صورت اختیاری از سوی دولت‌ها انجام شده، استقلال وجوددارد اما اگر با اجبار آنها را به‌این راه کشانده‌اند مسأله استقلال مخدوش می‌شود، هر انسانی در رابطه با روابط اجتماعی خود به صورت آزاد می‌تواند با دیگران امکانات خود را طوری تنظیم کند که در بخشی از آن اشخاص دیگر تصمیم بگیرند.

اگر ورود اولیه به معاهدات اعم از معاهده شخصی یا معاهده ‌بین‌المللی و یا داخلی و یا انواع آن به صورت اجباری و دخالت مستقیم خارجی باشد این مغایرت با استقلال دارد اما اگر هر کشوری بر اساس منافع خود در معاهدات و کنوانسیون‌ها و یا روابط اقتصادی اجازه دخالت به دیگران بدهد این مغایرتی با استقلال ندارد. در زندگی شخصی و در شراکت و در خرید و فروش نیز همین گونه است این مفهوم استقلال برای قاضی نیز هست. قاضی موظف است که استقلال خود را در برابر دیگران و اشخاصی که سعی در نفوذ در دادگاه دارند حفظ نموده و به عنوان یک شخص مستقل در روند قضایی پرونده‌ها تصمیم بگیرد. مفهوم دادگاه مستقل[[114]](#footnote-114) و بی‌طرفی قاضی دادگاه[[115]](#footnote-115) با ظهور استقلال[[116]](#footnote-116) و با تضمین در برابر عدم پذیرش فشار بیرونی[[117]](#footnote-117) تضمین اجرای قضاوت عادلانه[[118]](#footnote-118) انجام خواهد شد در صورتی که قاضی استقلال در برابر قوای مختلف (قوه قضائیه،[[119]](#footnote-119) مجلس،[[120]](#footnote-120) قوه مجریه،[[121]](#footnote-121) نیروهای مسلح،[[122]](#footnote-122) و...) داشته باشد و استقلال و بی‌طرفی نسبت به طرفین دعوا[[123]](#footnote-123) را رعایت کند «دادرسی عادلانه» تضمین خواهد شد. اقدامات قضایی انجام گرفته در طول فرآیند دادرسی، افزون بر این که از نظر ماهیتی باید عادلانه و بی‌طرفانه باشد، نیازمند ظاهر بی‌طرفانه نیز هست تا جلب اعتماد طرفین دادرسی و افراد خارج از دادرسی را فراهم نماید؛ به طوری که برای هر انسان معقولی مشهود باشد که دادرسی، روندی بی‌طرفانه داشته و خواهد داشت. هم چنین دادگاه نباید تحت شرایطی خاص از بی‌طرفی عدول کرده و به نفع مصالح دیگر، این امر را ولو برای مدت موقت، تعطیل یا متوقف سازد. لذا بی‌طرفی دادگاه دارای لوازمی است.[[124]](#footnote-124)

# **بند دوم: بی‌طرفی نسبت به طرفین دعوا**

دادگاه بی‌طرف دادگاهی است که در آن طرفین دعوا نسبت به آنچه که در دادگاه می‌گذرد سهم مساوی داشته باشد این گونه نباشد که متهم و مدعی و یا شاکی از دو جایگاه متفاوت در دادگاه برخوردار باشند. در قانون عدم وابستگی خانوادگی اشخاص در پرونده‌ها مطرح شده است که قضات نباید در پرونده که خودشان یا فرزندانشان و یا بستگان آنها دارای منافع هستند وارد شوند و باید از همان ابتدا رد صلاحیت نمایند و یا طرفین می‌توانند رد صلاحیت را بخواهند. «بی‌طرفی واقعی» در دادگاه ‌امکان ندارد و نمی‌توان آن را در حد صددرصد توقع داشت به طور کاملاً طبیعی مسؤول دادگاه و قضات و بررسی کنندگان براساس آنچه که تاکنون دانسته‌اند تحت تأثیر متهم یا شاکی قرار گرفته و با مطالعه پرونده ضمیر ناخودآگاه آنها به یکی از طرفین گرایش پیدا خواهد کرد، همچنین نقش عوامل درونی بر خروج از بی‌طرفی قاضی قابل بررسی است، قاضی انسانی به مانند بقیه انسان‌ها تحت تأثیر عوامل مختلف روحی و روانی و سوابق ذهنی خود قرار می‌گیرد بر همین اساس در دستورالعمل‌‌های دینی بر اینکه قاضی در زمان گرسنگی، غضب، خستگی و امثال آن حکم نکند تأکید فراوان شده است قاضی خسته، یا دارای ‌‌‌مشکلات شخصی، عصبانی، ممکن است در پرونده‌ای که در دست بررسی دارد ناخواسته و ناخودآگاه از دایره بی‌طرفی خارج شود.

استقلال مربوط به دادگاه است و بی‌طرفی مربوط به قاضی است، و به معنای آن است که قاضی نسبت به هیچ یک از طرفین دعوا دارای وابستگی و یا خصومت شخصی نباشد بر همین اساس در قانون آیین دادرسی کیفری مواردی مشخص شده است که در آن قاضی باید رعایت نموده تا بی‌طرفی عملی شود.

بی‌طرفی در دو رویکرد است : 1- رویکرد ذهنی، این باور حاکم است كه «بی‌طرفی شخصی قاضی باید تا زمانی كه خلاف آن ثابت شود، فرض شود.» (اصل صحت) این اصل که یک دادگاه باید آزاد از تعصب‌‌های شخصی و یا جانبداری باشد پیش فرض است. 2- رویکرد عینی، باید مشخص شود که جدا از رفتار قاضی، واقعیت‌‌‌‌‌‌های قابل اثبات وجود دارد که ممکن است در مورد بی‌طرفی وی تردید ایجاد کند. خصومت یا جانبداری شخصی قاضی علیه یک طرف، دلیل قانع کننده‌ای برای رد صلاحیت قاضی است. در عمل، دادگاه اغلب بی‌طرفی را با استفاده از رویکرد عینی ارزیابی می‌کند.[[125]](#footnote-125)

# **بند سوم: استقلال قاضی در اسناد سازمان ملل متحد**

اصل بی‌طرفی و استقلال قاضی، در «حق دادرسی» و «حق پیگیری موارد نقض حقوق بشر» در اعلامیه و در میثاق، به‌صورت عام بیان شده است ماده دهم اعلامیه مقرر می‌دارد: «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بیطرفی، منصفانه و‌‌‌‌‌‌علناً رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او منسوب شده باشد اتخاذ تصمیم بنماید.» در بند 1 ماده 21 اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده است: «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرف، منصفانه و ‌‌‌‌‌‌علناً رسیدگی شود.»

سازمان‌‌های ‌بین‌المللی در راستای منشور ملل متحد تلاش‌‌هائی را در جهت تفسیر و تبیین جزئیات میثاق و اعلامیه داشته‌اند، «حق دادرسی» با همه ابعاد آن مورد توجه سازمان ملل و نهاد‌‌های وابسته به آن بوده است.

به عنوان نمونه سازمان ملل نظر عمومی شماره 32 خود را با عنوان «ماده 14: حق برابری در برابر دادگاه‌ها و محاکم و دادرسی عادلانه» منتشر کرده است که در آن مواردی مانند «حق برابری در برابر دادگاه‌ها و محاکم و دادرسی عادلانه»، «برابری قبل از دادگاه و درون دادگاه‌‌ها» و « رسیدگی عادلانه و عادی توسط دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف» [[126]](#footnote-126)به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است اما این اقدامات تبیینی بسیار گسترده است از جمله «اصول اساسی درباره استقلال قوه قضائیه» در هفتمین کنگره سازمان ملل متحد درباره «پیشگیری از جرم و رفتار با متخلفان» از تاریخ 26 اوت تا 6 سپتامبر 1985 در میلان منعقد گردید و طی قطعنامه‌‌های شماره 32/ 40 مورخ 29 نوامبر 1985 و 146/40 مورخ 13 دسامبر 1985 به تأیید مجمع عمومی رسید که در آن همه ابعاد گزینش ‌‌‌‌آموزش، عضویت در احزاب و امثال آن را می‌بینیم که بر استقلال و بی‌طرفی قاضی تأثیر دارد.

# **بند چهارم: بی‌طرفی در همه مراحل**

بی‌طرفی در دادگاه در همه مراحل وجود دارد. مرحله اول ازهمان ابتدای دادخواست آغاز شده و در پذیرش یا رد صلاحیت دادگاه اثر دارد، هر شخصی بر اساس قانون حق دارد مراجعه کند و دادگاه موظف است، دادخواست وی را پذیرفته و آن را به جریان بیندازد. درصورتی که قاضی بی‌طرف نباشد می‌تواند 1- بر خلاف قانون امری را که صلاحیت دارد نپذیرفته و 2-یا امری را که صلاحیت ندارد بپذیرد. بدین ترتیب موجب سردرگمی مراجعه کنندگان شود. بی‌طرفی در مرحله دادخواست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که چه بسا پذیرفتن یک دادخواست با علم قاضی به آن که صلاحیت رسیدگی ندارد پس از ماه‌‌‌‌‌‌‌ها معطلی دادخواه، وی را سرگردان نموده و موجب از بین رفتن حق می‌شود اقتضای بی‌طرفی رعایت این نکته است که اگر صلاحیت ندارد، بلافاصله اعلام نموده و آن را به دادگاه مورد نظر و صحیح ارجاع دهد.

###### 1) بی‌طرفی در مرحله دادرسی

حق بی‌طرفی دادرسی عادلانه از زمان شروع رسیدگی است قاضی (اعم از دادیار، بازپرس و. ..) در مراحل اولیه تحقیق (بازپرسی، بازجویی، دعوت از شهود، پذیرش اسناد و ادله، بررسی آن‌‌‌‌‌‌‌ها، و همه اجزا و جزئیات و اقدامات یک پرونده) باید بی‌طرفی را رعایت کند. جابجا کردن یک سند کاغذی، و یا مفقود نمودن آن، گاه می‌تواند به سرنوشت یک پرونده لطمه وارد کند.

###### 2) بی‌طرفی در مرحله اجرای حکم

مرحله اجرای حکم نیز از مراحلی است که مسأله بی‌طرفی در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اجرای احکام به صورت عادلانه از ضروریات «دادرسی عادلانه» است که آن هم به دور از احساسات و منافع شخصی و به دور از فشارهای اشخاص حقیقی و حقوقی بیرونی و یا درونی قوه قضائیه باشد.

ممکن است که قاضی در تمامی مراحل، بی‌طرفانه عمل کرده باشد و دادگاه نیز بر اساس قانون حکمی را صادر نموده باشد اما قاضی اجرای احکام یا ضابط مجری حکم، در اجرای آن بی‌طرفی را رعایت نکند در دادگاه‌ها این گونه موارد فراوان اتفاق می‌افتد که یک حکم برای فردی که به نفع او صادر شده ‌اما در قسمت اجرای احکام چندان مورد توجه نیست و یا قاضی اجرای احکام و عوامل آن بی‌طرف نیستند و عدالت را برقرار نمی‌کند بنا براین بی‌طرفی در همه مراحل باشد.

# **بند پنجم: تضمین استقلال در برابر فشار بیرونی**

تضمین‌‌های رویه‌ای[[127]](#footnote-127) و دسترسی به دادرسی عادلانه در همه مراحل و مرحله اجرای احکام[[128]](#footnote-128) الزام می‌کند که قاضی در برابر فشارهای بیرون از دادگاه، مقاومت نموده و ‌مستقلاً تصمیم بگیرد، الزامات اصل بی‌طرفی دادگاه با رویکرد ذهنی[[129]](#footnote-129) و رویکرد عینی[[130]](#footnote-130) می‌تواند به عنوان معیارهای ارزیابی بی‌طرفی[[131]](#footnote-131) و معیارهای ارزیابی استقلال قضات[[132]](#footnote-132) مورد توجه قرار گیرد.

در هر پرونده‌ای اشخاص مختلفی به صورت منفعت‌طلبانه یا خیرخواهانه وارد می‌شوند به عنوان مثال وقتی کسی متهم می‌شود و یا پرونده‌ای در دادگاه دارد، به اشخاص گوناگونی متوسل می‌شود که آنان به دادگاه فشار آورده و یا توصیه کنند که حق را به او بدهد و این امری کاملاً طبیعی است و قابل ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی است که در هر پرونده اتفاق بیفتد اشخاص با جایگاه‌‌های مختلف، سعی می‌کنند در دادگاه و در روند پرونده‌ها دخالت نموده و آن را بر اساس آنچه حق می‌دانند یا منافع خودشان می‌شمارند به نفع آن پیش ببرد این باتلفن به قاضی، یادداشت برای او و یا توصیه از سوی مقامات بالاتر قضائی و یا مقامات بیرونی اتفاق می‌افتد دادگاه مستقل باید این تضمین را بدهد که می‌تواند برای انشاء یک حکم واقعی توسط قاضی بی‌طرف، خود را از این گونه توصیه‌ها و فشارها به دور نگه دارد.

# **بند ششم: گستره استقلال قوه قضائیه**

گستره استقلال قوه قضائیه چیست؟ آیا آن چه در اصل‏ یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی تأکید شده: «قوه‏ قضائیه‏ قوه‌ای‏ است‏ مستقل‏ که‏ پشتیبان‏ حقوق‏ فردی‏ و اجتماعی‏ و مسؤول‏ تحقق‏ بخشیدن‏ به‏ عدالت‏ و عهده‏ دار وظایف‏ زیر است‏» به معنای جزیره‌ای جدا از بقیه قواست؟ مسأله‌ای که برخی درصدد اثبات آن بودند که در همه‌ امور اداری، مالی، استخدامی، قضائی و تقنینی باید جدا باشد. برخی برداشت‌ها از این اصل آن چنان است که به معنای یک قوه‌ای کاملاً جدا از قوای دیگر با تمامی مقررات خاص خود است به نظر نمی‌رسد که نویسندگان قانون اساسی در زمان خود به دنبال چنین مفهومی بوده باشد که هیچ یک از مقررات جاری کشور بر قوه قضائیه حاکم نباشد بلکه عکس آن نیز در بسیاری از قوانین و مقررات تأکید شده و ذکر خاص شده که‌این قانون شامل دستگاه‌‌های اجرایی از جمله قوه قضائیه می‌گردد.

در عمل قوه قضائیه یکی از دستگاه‌های اجرایی کشور است و مکلف است بسیاری از قوانین و مقررات را مانند بقیه سازمان‌ها اجرا کند قوه قضائیه در امور اداری، گزینشی و مالی و امثال آن تابع مقررات کلی نظام اداری کشور است مگر آن که در قانون خاص، استثنا شده باشد که در همان حال هم مطابق قانونی است که مجلس تصویب کرده است و به معنای استقلال تام نیست. قوه قضائیه به مانند دیگر دستگاه‌ها و دانشگاه‌ها و ادارات و وزارتخانه‌ها در چارچوب قوانین و بودجه مصوب، می‌تواند گزینش قضات داشته باشد و حسابداری مستقل برای خود داشته باشد اما هیچ یک از اینها به معنای آن نیست که‌این دستگاه ‌‌کلاً در همه ‌امور خود استقلالی به معنای جدایی داشته باشد در حقیقت قوه‌قضائیه به جز موارد خاص که در قوانین و قواعد مختلف آن هم طبق قانون مجلس و یا تکلیفی خاص و یا استقلالی خاص تدوین شده باشد باید از همه قوانین مصوب قوانین تبعیت کند بنابراین استقلال قوه‌قضائیه به معنی استقلال قاضی و آن هم به معنای صرفاً «استقلال در قضاوت و انشاء حکم» است.

به عنوان مثال یک قاضی حق ندارد با اتکاء بر استقلال قوه قضائیه و یا استقلال قاضی هر ساعتی که خواست بیاید و هر ساعتی که خواست برود بلکه باید تمامی قواعد اداری را الزاما رعایت کند لیکن امور اداری قوه قضائیه بنابر مسأله خاص آن ساعت را کم و زیاد نماید این چیزی است که در وزارتخانه‌‌های دیگر و دستگاه‌های اجرایی دیگر هم امکان پذیر است به عنوان مثال در چارچوب قواعد کلی امور اداری، وزارت بهداشت و وزارت ‌‌‌‌آموزش و پرورش برای معلمان یا کارکنان یا پزشکان و پرستاران می‌توانند زمان حضور و یا عدم حضور را تغییر دهند بنابراین، استقلال قوه قضائیه و دادگاه به معنای دادگاهی است که از بدو رسیدگی تا ختم صدور حکم و تجدید نظر و اجرای احکام، صرفاً بر اساس قانون، بدون فشار دیگر سازمان‌ها و دخالت آنها کار را انجام دهد و نباید تحت تأثیر هیچ یک از اشخاص حقیقی و حقوقی قرار گیرد.

###### 1) استقلال در مقابل دولت و قوه مجریه

استقلال در برابر دولت و قوه مجریه در نظام‌‌های حقوقی مختلف متفاوت است استقلال ایده‌آل و سطح بالا، خواست حقوق دانان و همه مصلحان است، در راهنمای ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق دادرسی عادلانه (حقوق مدنی) آمده است: اصطلاح "مستقل" به استقلال در برابر سایر قدرت‌ها (قوه مجریه و پارلمان و احزاب) اشاره دارد در مواردی که مقامات اجرایی در پرونده‌ای که در دادگاه‌‌‌‌‌‌‌های قضایی در جریان است با هدف تأثیر در نتیجه، مداخله می‌کنند استقلال قضات تضعیف می‌شود.[[133]](#footnote-133)

###### 2) استقلال در برابر مجلس و قوای مختلف

استقلال قوه قضائیه و دادگاه در برابر مجلس، و دیگر قوا، و نیروهای مسلح قابل بررسی است در برخی کشورها که قضات توسط نمایندگان مجلس محلی یا ملی انتخاب می‌شوند در استقلال آن‌ها تشکیک می‌شود. راهنمای ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق دادرسی عادلانه (حقوق مدنی) در خصوص استقلال در برابر پارلمان می‌نویسد: این واقعیت که قضات توسط پارلمان منصوب می‌شوند، به خودی خود موجب تابعیت آن‌ها از مقامات پارلمانی نمی‌شود، چنانچه به محض انتصاب، هیچ گونه فشار یا دستورالعملی در انجام وظایف قضایی خود دریافت [نکنند،](http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-77947)  بعلاوه، این واقعیت که یکی از اعضای خبره دادگاه تجدیدنظر، متشکل از قاضیان حرفه‌ای، نیز عضو پارلمان بود فی نفسه حق داشتن یک دادگاه مستقل و بی‌طرف را نقض نمی‌کند، اما به نظر می‌رسد این صرفاً یک توجیه در برابر یک واقعیت است نه ‌اینکه حقیقت داشته باشد، استقلال قضات، به مانند بقیه مقامات، در برابر کسانی که آن‌ها را منصوب می‌کنند و ارتقاء و تنزل درجه شان به آن‌ها بستگی دارد، مخدوش می‌شود و بسیار کمی از قضات هستند که در برابر فشارهای اینگونه، مستقل عمل نمایند.

در کشورهائی مانند ایران هم که مجلس در انتخاب قضات، نقش مستقیم ندارد، قوانین و مقررات قوه قضائیه، به صورت لایحه‌ای که توسط دولت و یا قوه قضائیه و یا طرح در مجلس مطرح می‌شود و می‌تواند فشارهائی را بر قضات وارد کند، دولت و نمایندگان مجلس، لایحه بودجه را می‌توانند به عاملی در فشار بر قوه قضائیه تبدیل نمایند، در هر صورت تصویب قوانین و نظارت بر حسن اجراء، از اختیارات نمایندگان مجلس است و طبق اصل هشتاد و چهارم «هر نماینده در برابر تمام ملت مسؤول است وحق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید.» می‌توانند در همه‌امور از جمله‌امور مربوط به قوه قضائیه، اظهار نظر نماید و این قدرت فراوانی را به نمایندگان اعطا می‌کند بر اساس اصل هشتاد و ششم «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی و اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.» از مصونیت در زمینه‌های گوناگون برخوردارند که‌این قدرت را به آنها می‌دهد که بتوانند در امور دیگر دستگاه‌ها دخالت کند. این دخالت است می‌تواند حق یا باطل باشد. نمی‌توان از نماینده مجلس توقع داشت که نسبت به یک پرونده‌ای که در دادگاه مطرح است، نظری نداشته باشد طبیعی است که می‌تواند به نفع یکی از طرفین، و واقعیتی که تصور می‌کند حکمی را صادر کرده باشد و بر اساس قانون اساسی، به خود اجازه دهد که به صورت علنی یا مخفی، در دادگاه ورود کند.

گفتار چهارم: علنی بودن دادگاه

سؤالی که در این گفتار پاسخ خواهیم داد عبارت است از علنی بودن چیست؟ دادرسی علنی چه جایگاه حقوق بشری دارد و آیا در حقوق اسلام و ایران تأکید یا مغایرتی با آن دیده می‌شود؟ چالش‌ها و ‌‌‌مشکلات آن چیست و روش اجراء صحیح آن چگونه است؟ رسانه‌ها می‌توانند جایگزین مردم باشند؟ حضور موبایل از مراحل دادرسی چگونه است؟ مزایا و اشکالات حضور رسانه‌ها چیست؟ مستثنیات «حقوق بشری» این اصل کجاست؟ تعارضات با دیگر اصول حقوق بشری چگونه قابل حل است؟

# **مبحث اول: تعاریف و کلیات**

# **بند اول: تعریف واژه علنی**

واژه «علنی» در لغت مـأخوذ از عربـی عَلِـن و عَلَـن بـه معنـی آشـکارا و هویداسـت.[[134]](#footnote-134) در اصطلاح حقوقی «دادگاه علنی» در اعلامیه، میثاق، اساسنامه دیوان کیفری ‌بین‌المللی، ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، با عنوان استماع عمومی[[135]](#footnote-135) و در اصطلاحات حقوقی ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً دادگاه باز[[136]](#footnote-136) و گاه «عدالت (قضاوت) باز» به «عدالت باز»[[137]](#footnote-137) نام گذاری، و در لغت نامه‌‌های حقوقی اینگونه تعریف شده است «دادگاه عمومی دادگستری، دادگاهی که ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً در حین دادرسی، برای قاضی و عموم افراد باز است»[[138]](#footnote-138) تعاریف دیگری در کتب مختلف از آن ارائه شده و بطور خلاصه می‌توان گفت: مقصود از «دادگاه علنی»، دادگاهی است که : 1– شرط ایجابی « در دسترس عموم مردم و رسانه‌ها باشد» و 2– شرط سلبی «مخفی و سری نباشد»

# **بند دوم: علنی بودن در اعلامیه و میثاق**

یکی از موارد «حق دادرسی»، اصل «علنی بودن دادرسی» است که در ماده 10 اعلامیه آمده است «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بیطرفی، منصفانه و‌‌‌‌‌‌علناً رسیده گی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او منسوب شده باشد اتخاذ تصمیم بنماید.» و در بند 1 ماده 14 میثاق تأکید شده است « هر کس‌ حق‌ دارد که‌ به‌ دادخواهی‌ او منصفانه‌ و علنی‌ در یک‌ دادگاه‌ صالح‌ مستقل‌ و بیطرف‌ تشکیل‌ شده‌ طبق‌ قانون‌ رسیدگی‌ بشود.»

# 

# **بند سوم: علنی بودن دادگاه در قانون اساسی**

در اصل‏ یکصد و شصت و پنجم آمده است ‎‎‎‎‎: محاکمات‏، علنی‏ انجام‏ می‌شود و حضور افراد بلامانع است‏ مگر آن‏ که‏ به‏ تشخیص‏ دادگاه‏، علنی‏ بودن‏ آن‏ منافی‏ عفت‏ عمومی‏ یا نظم‏ عمومی‏ باشد یا در دعاوی‏ خصوصی‏ طرفین‏ دعوا تقاضا کنند که‏ محاکمه‏ علنی‏ نباشد. در خصوص جرایم سیاسی و مطبوعاتی «اصل علنی بودن دادرسی» در اصل‏ یکصد و شصت و هشتم با تأکید بیشتری تکرار شده است: رسیدگی‏ به‏ جرایم‏ سیاسی‏ و مطبوعاتی‏ علنی‏ است‏ و با حضور هیأت‏ منصفه‏ در محاکم‏ دادگستری‏ صورت‏ می‌گیرد. نحوه‏ انتخاب‏، شرایط، اختیارات‏ هیأت‏ منصفه‏ و تعریف‏ جرم‏ سیاسی‏ را قانون‏ بر اساس‏ موازین‏ اسلامی‏ معین‏ می‌کند.

# **بند چهارم: علنی بودن دادگاه در قوانین عادی**

از اولین قوانینی که در ایران وضع و در آن علنی بودن دادگاه تصریح شده است، قانون دادرسی و کیفر ارتش (دیوان حرب) مورخ 4 دی ماه 1318 برابر با 26 دسامبر 1939، در کمیسیون قوانین دادگستری مجلس ایران به تصویب رسید. این تاریخ، نه سال قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب 10 دسامبر 1948 میلادی (مطابق 19/9/1327 شمسی) و 27 سال پیش از میثاق‌ بین‌المللی‌ حقوق‌ مدنی‌ و سیاسی‌ مصوب‌ 16 دسامبر 1966 میلادی ‌(مطابق ‌با 25/9/ 1345شمسی‌) ‌است در این قانون بر اصل علنی بودن محاکمات، حتی در محاکمات نظامی تأکید شده است و نشان از اهتمام قانون گذار، بر اصل عدالت دارد.

در ماده 188 تصریح شده است: «پس از خاتمه جلسه مقدماتی رئیس دادگاه روز جلسه دادرسی را تعیین نموده و دستور خواهد داد که طرفین دعوی و همچنین اشخاصی که بنا بر تشخیص جلسه مقدماتی حضور آنها در «جلسه دادرسی علنی» لازم و مؤثر می‌باشد برای روز مقرر احضار شوند.» در قوانین دیگر نیز، بر همین مسأله تأکید شده است.

# **مبحث دوم: فواید و معایب دادگاه علنی**

فلسفه و فایده دادگاه علنی چیست و چرا تأکید شده است؟ در متون حقوقی، به دلائل مختلفی اشاره شده و در فوائد و ضرورت دادگاه‌‌های علنی استدلال‌‌های مختلف و فراوانی گفته‌اند «از علنی بودن دادرسی به منزلة یکی از شاخص‌‌های مهم دادرسی عادلانه در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر یاد شده است. زیرا، حضور مردم در جلسة دادرسی بدون هیچ گونه مانعی موجب می‌شود که آنان در جریان محاکمه قرار گرفته و در یک داوری عمومی، عادلانه یا ناعادلانه بودن آن را ارزیابی کنند.»[[139]](#footnote-139)

«به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان، دادرسی علنی از تضمین­های مهم حقوق دفاعی متهم است وقتی به اتهام یک فرد مظنون در برابر دیدگان افراد جامعه رسیدگی میشود، وی دربرابر مقام قضایی احساس تنهایی و ضعف نمی‌کند و آسوده خاطر خواهد بود که قاضی ازترس قضاوت مردم در مورد عملکرد او، از تضییع حقوق و آزادی‌‌‌‌‌‌‌های قانونی متهم امتناع می‌ورزد و تمام هم و غم خود را معطوف به اجرای صحیح عدالت میکند. علنی بودن محاکمات از یک سو نقش کنترل کننده نسبت به دادگاه‌ ایفا می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند بهتر از محاکمات محرمانه و در خفا در کشف حقیقت ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر افتد. با چنین نگاهی به اصل علنی بودن محاکمات روشن است که‌این اصل در مجموعه بزرگتری از شرایط و اوضاع و احوال از جمله دموکرات بودن حکومت می‌تواند تحقق هدف فوق را تضمین کند در غیر این صورت در محاکمات به جای کنترل قدرت دستگاه قضایی و یا کشف حقیقت، برعکس می‌تواند به ابزار حذف مخالفان تبدیل شود.»[[140]](#footnote-140) «به گفتة بنتام، حقوقدان معروف دورة ‌‌‌‌کلاسیک، علنی بودن انگیزه‌ای برای قاضی برای ایفای مناسب وظایفش است. از نظر اخلاقی دادرسی علنی به عنوان یک مانع عمل می‌کند که قاضی را از رفتار جانبدارانه و نادرست به هر شکلی باز می‌دارد و از بعد عقلانی نیز محرکی است که او را برای خوگرفتن به فعالیت مستمر بدون اینکه هرگز بخواهد توجه او به درجة حساسیت وظیفه اش کاهش پیدا کند، وادار می‌کند. چون رفتار قاضی در هنگام محاکمه تحت مداقه وبررسی افراد بسیاری به عنوان تماشاچی قرار می‌گیرد، وی نمی‌خواهد در مقابل ایشان ظالم شناخته شود»[[141]](#footnote-141)

«حضور مردم در دادگاه‌ها علاوه بر اینکه می‌تواند به اطلاعات حقوقی آنها اضافه کند، این قابلیت را دارد که اطمینان مردم به دستگاه قضایی کشور را افزایش دهد در این صورت قاضی همواره خود را در منظر عموم مردم و افکار جامعه می‌بیند، آرامش بیشتری برای متهم حاصل می‌شود و در واقع دادگاه تبدیل به اتاق شیشه‌ای می‌شود، در نتیجه دادرس در صدور رای، دقت لازم را به خرج می‌دهد، جلوی اعمال فشار بر قاضی گرفته می‌شود و درنهایت این موضوع موجب جلب اعتماد عمومی به دستگاه قضایی می‌شود. اگر مردم ببینند قانون درباره جرائم چگونه تصمیم می‌گیرد و مجرم‌ها را چگونه مجازات می‌کند، نتیجه پیشگیرانه دارد و در نهایت موجب کاهش جرایم می‌شود.»[[142]](#footnote-142)

«البته در کنار این مزایا قانونگذاران باید از توجه افراطی به‌این موضوع خودداری کرده و مقررات را به نحوی تنظیم نمایند که‌امکان پوشش معقول و به دور از سیاست زدگی جلسات دادگاه وجود داشته باشد. از سوی دیگر لازم است هویت متهم، تنها در صورتی فاش شود که خودش رضایت دهد یا مجرمیت وی از نظر قاضی کاملاً محرز باشد و درهرحال لازم است رسانه‌ها از ارائه پیشداوری نسبت به جلسات دادگاه و مجرمیت متهم ممنوع باشند. در صورت ضرورت باید تدابیر مقتضی برای جلوگیری از فاش شدن هویت سایر افرادی که درگیر فرآیند امر کیفری می‌شوند نیز صورت پذیرد تا فرآیند عدالت، مختل نشود.»[[143]](#footnote-143)

# **بند اول: علنی بودن؛ نه همواره مثبت، نه همواره منفی**

بررسی عمیق‌‌‌تر قوانین و روش اجرائی دولت‌ها و دادگاه‌‌ها، نشان می‌دهد که علنی بودن دادگاه نه می‌تواند یک ارزش همواره مثبت باشد نه یک ارزش منفی، و نمی‌توان در این رابطه به یک نتیجه قطعی رسید و لذا در اختیار دادگاه گذاشته شده و در موارد فراوانی بین دادگاه و رسانه‌ها اختلاف بر سر علنی یا مخفی بودن روند دادرسی وجود دارد این مسأله مختص ایران نیست بلکه در بسیاری از کشورها اتفاق می‌افتد از ‌‌‌مشکلات دادرسی علنی آن است که افکار عمومی، تحت تأثیر احساسات مثبت یا منفی، دادگاه را تحت فشار غیرمنصفانه، به نفع یا به ضرر متهم و یا شاکی قرار دهد. همچنین ‌‌‌‌‌کلاهبرداران می‌توانند از این فرصت استفاده کرده و در دادگاه‌ها حضور یابند و با توجه به جزئیاتی که آگاه می‌شوند نسبت به نزدیک شدن به یکی از طرفین یا هر دو طرف دعوی، انواع ‌‌‌مشکلات را ایجاد نمایند از جمله‌اینکه خود را از عوامل ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر دادگاه معرفی نمایند که می‌تواند ‌‌‌مشکلات اشخاص را حل کند.

# 

# **بند دوم: استثنای علنی بودن در دیوان کیفری ‌بین‌المللی**

هر چند در ماده 67 این اساسنامه دادگاه جنایی بین‏المللی رم[[144]](#footnote-144)بر علنی بودن دادگاه، تأکید شده بود، اما مستثنیات علنی بودن در این اساسنامه، دست دادگاه را برای سری کردن دادرسی، به هر دلیلی باز می‌کند، ماده 68 اساسنامه مقرر می‌دارد:

1) دادگاه مکلف است اقدامات مناسب را جهت حفظ امنیت، سلامت جسمی و روحی، شأن و خلوت قربانیان و شهود انجام دهد. در این راستا دادگاه باید به تمام عوامل مربوطه توجه نماید، از جمله سن، جنسیت به شرح مذکور در ماده 7، بند 3، و بهداشت، و چگونگی جرم به ویژه اگر جرم در ارتباط با خشونت‌‌‌‌‌‌‌‌های جنسی یا جنسیتی یا خشونت علیه کودکان باشد که البته به‌این موارد محدود نمی‎گردد. دادستان موظف است طی تحقیقات و پیگرد چنین جنایاتی، این اقدامات را انجام دهد. این اقدامات نباید نسبت به حقوق متهم و اجرای محاکمه عادلانه و بی‌طرفانه، تبعیض نماید یا با آنها در تضاد باشد.

2) یکی از مستثنیات اصل استماع علنی که در ماده 67 تصریح گردیده‌این است که شعب دادگاه می‎توانند برای حفاظت از قربانیان و شهود یا متهمین، بخشی از مراحل دادرسی را به طور غیرعلنی انجام دهند و یا اجازه دهند ارائه شواهد با استفاده از دستگاه‌های الکترونیک یا وسائل خاص دیگر انجام شود. چنین اقداماتی به خصوص باید در مواردی که شخص قربانی مورد خشونت جنسی واقع شده یا کودکی که قربانی یا شاهد است انجام گیرد، مگر آنکه دادگاه با توجه به کلیه شرایط، علی الخصوص دیدگاه‌های قربانی یا شاهد، تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

3) در صورتی که منافع شخصی قربانیان در معرض خطر قرار گیرد دادگاه مکلف است اجازه دهد دیدگاه‌ها و نگرانی‌‌‌‌‌‌‌‌های آنها مطرح شود اگر دادگاه صلاح بداند، چنین نظرات و نگرانی‌‌‌‌‌‌‌‌هایی می‎تواند به وسیله ‌‌وکلای مدافع قربانیان و مطابق آئین دادرسی و ادله اثبات دعوی مطرح گردند.

4) یگان قربانیان و شهود می‎تواند در مورد اقدامات حفاظتی مناسب، اقدامات امنیتی، مشاوره و همیاری، به شرح مذکور در ماده 43 بند 6، به دادستان و دادگاه توصیه نماید.

5) اگر به موجب این اساسنامه افشاء شواهد یا اطلاعات موجب به مخاطره‌انداختن جدی امنیت یکی از شهود و یا خانواده وی گردد، دادستان می‎تواند برای هر یک از مراحل دادرسی پیش از شروع محاکمه، چنین شواهد یا اطلاعاتی را محرمانه نگاه داشته و در عوض خلاصه‎ای از آن را تحویل دهد. اما این گونه اقدامات باید به طریقی انجام شوند که مغایر با حقوق متهم و محاکمه عادلانه و بی‌طرفانه نبوده و سبب تضییع حق متهم نگردد.

6) هر کشوری می‎تواند در ارتباط با محافظت از کارکنان و عوامل خود و نیز حفظ اطلاعات محرمانه یا حساس، انجام اقدامات لازم را درخواست نماید.

همچنین مذاکرات قضات برای رسیدن به رای، در ماده 74 اساسنامه در بند 4 آن مقرر شده است: «بحث و تبادل نظرهای انجام شده در دادگاه بدوی باید محرمانه باقی بماند.»

# **بند سوم: حفظ اطلاعات امنیت ملی، استثناء مهم در دادگاه کیفری ‌بین‌المللی**

ماده 72 اساسنامه دادگاه کیفری بین‏المللی رم استثنائات دیگری را مطرح می‌نماید که عبارتند از:

1) این ماده در مواردی مصداق می‎یابد که افشاء اطلاعات یا اسناد یک کشور، به عقیده آن کشور سبب به مخاطره‌انداختن منافع امنیت ملی کشور مزبور ‎گردد. چنین مواردی شامل آنهایی می‎شوند که مشمول ماده 56 بندهای 2 و 3، ماده 61 بند 3، ماده 64 بند 3، ماده 67 بند 2، ماده 68 بند 6، ماده 87 بند 6، و ماده 93 و نیز مواردی می‎شود که ممکن است در هر مرحله از دادرسی به وجود بیاید و فاش ساختن اسناد در آن ممکن است مشکل ساز بشود.

2) این ماده همچنین در مواقعی که از شخص خواسته شده است اطلاعات یا شهادت بدهد و وی از انجام این کار امتناع ورزیده یا موضوع را به‌این دلیل که فاش ساختن اطلاعات، منافع امنیت ملی یک کشور را به مخاطره می‎اندازد، به آن کشور ارجاع کرده است و کشور ذیربط نیز تأیید کرده که معتقد است فاش ساختن اطلاعات مزبور علیه منافع امنیت ملی آن کشور ‌است، مصداق می‎یابد.

3) هیچ بخش از این ماده نباید به شروط لازم درباره حفظ اسناد و اطلاعات محرمانه که به موجب ماده 54 بند 3 (هـ) و (و) لازم الاجراست یا به موجب ماده 73 قابل اِعمال است، لطمه برساند.

4) اگر کشوری مطلع شود که اطلاعات و اسناد آن کشور در حال فاش شدن است یا احتمال دارد در هر مرحله از دادرسی فاش بشود، و بر این عقیده است که افشاء این اسناد به زیان منافع امنیت ملی آن کشور می‎باشد، کشور مزبور حق دارد مطابق این ماده به منظور حل و فصل این موضوع، مداخله نماید.

5) اگر به عقیده یک کشور، فاش ساختن اطلاعات سبب به مخاطره‌انداختن منافع امنیت ملی آن کشور می‌شود، باید تمام اقدامات معقول از سوی آن کشور در همراهی با دادستان، وکیل مدافع یا دادگاه مقدماتی یا دادگاه بدوی، یا هر کدام، صورت گیرد تا موضوع از طریق تشریک مساعی حل شود. چنین اقداماتی می‎تواند شامل موارد ذیل باشد:

الف) اصلاح یا تشریح درخواست مزبور

ب) تصمیم دادگاه مبنی بر ربط اطلاعات یا اسناد مزبور با موضوع دادرسی، یا تصمیم در مورد اینکه آیا اسناد مزبور با وجود آنکه با موضوع دادرسی مربوط هستند، از منبع دیگری به جز کشور مورد تقاضا به دست آمده‎اند یا می‎توانند به دست آیند.

ج) کسب اطلاعات یا اسناد و مدارک از منبعی متفاوت یا به شکلی متفاوت؛

د) توافق بر سر شرایطی که تحت آن کمک و همیاری می‎تواند فراهم گردد، که در این میان از جمله می‎توان از موارد ذیل نام برد: تهیه خلاصه یا ویرایش‌‌‌‌‌‌‌‌های ترکیبی، محدود ساختن اطلاعات فاش شده، برگزاری جلسات غیرعلنی یا دادرسی با حضور فقط یک طرف دعوی، یا دیگر اقدامات حفاظتی مجاز مطابق این اساسنامه و آئین نامه دادرسی و ادله اثبات دعوی.

6) هنگامی که تمامی اقدامات معقول برای حل موضوع از طریق همکاری انجام شده و هنوز کشور مزبور معتقد است که به هیچ طریق یا شرایطی اطلاعات یا اسناد نباید ارائه یا فاش شوند، زیرا این امر به زیان منافع امنیت ملی کشور می‎باشد، این کشور باید دادستان یا دادگاه را از دلایل خاص مربوط به‌این تصمیم آگاه نماید، مگر آنکه تشریح دقیق این دلایل خود لزوماً سبب لطمه زدن به منافع امنیت ملی آن کشور گردد.

7) سپس اگر دادگاه تشخیص دهد که‌این شواهد مرتبط بوده و برای اثبات گناهکار یا بیگناه بودن متهم ضروری هستند، دادگاه می‎تواند اقدامات ذیل را انجام دهد:

الف) اگر فاش ساختن اطلاعات یا اسناد به دنبال درخواست همکاری مطابق بخش 9 یا شرایط مذکور در بند 2 ‌است، و کشور مزبور هم به استناد مفاد ماده 93 بند 4، امتناع می‎ورزد:

1- دادگاه می‎تواند پیش از اتخاذ هرگونه تصمیم نهایی که در تبصره 7 (الف) (2) به آن اشاره شد، فرصت بیشتری برای مشورت به منظور بررسی نظرات ‌‌وکلای آن کشور که ممکن است، در صورت لزوم، استماع غیرعلنی یا یک طرفه باشد درخواست بنماید.

2- اگر دادگاه به‌این نتیجه برسد که با استناد به مفاد ماده 93 و با توجه به شرایط پرونده، کشور مورد تقاضا مطابق تعهدات خود نسبت به‌این اساسنامه عمل نمی‎کند، دادگاه ممکن است با تشریح دلایل خود، موضوع را مطابق ماده 87 بند 7 به مرجع دیگری ارجاع دهد.

3- دادگاه می‎تواند در محاکمه متهم بر حسب وجود یا فقدان یک واقعیت، بنا به تناسب شرایط، استنتاج نماید.

ب) در کلیه شرایط دیگر:

1- دستور فاش کردن مدارک را بدهد؛

2- تا حدی که دستور فاش کردن مدارک را نمی‌دهد، در محاکمه متهم بر حسب وجود یا فقدان یک واقعیت، بنا به تناسب شرایط، استنتاج نماید.

# **بند چهارم: استثنائات علنی بودن دادگاه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر**

«هرچند طبق مادة 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دادرسی باید علنی باشد، اما دسترسی به سالن دادگاه می‌تواند در موارد زیر برای مطبوعات یا عموم مردم ممنوع شود:

* حفظ ملاحظات اخلاقی
* نظم عمومی
* امنیت یک جامعه دموکراتیک
* حفظ منافع صغار
* حمایت از زندگی خصوصی طرفین دعوی
* در موارد کاملاً ضروری که تشخیص آن با دادگاه است

و در شرایط خاصی که علنی بودن رسیدگی، عدالت را آسیب پذیر می‌سازد.» (گرجی دکتر علی اکبر 1389 ص 354)[[145]](#footnote-145) توجه به عبارات بکار رفته نشان می‌دهد که، برای توسعه یا تضییق تفسیر در جهت آزادی یا ممنوعیت حضور رسانه‌ها و یا مردم، دست قضات و دادرسان باز است و این قانون، تفسیر پذیری دارد و هر قاضی بسته به سلیقه و برداشت خود می‌تواند عمل کند طرفین دعوا می‌توانند غیرعلنی برگزار شدن محاکمه را بخواهند یا نه؟ این موضوع به‌این برمی‌گردد که‌ آیا غیرعلنی بودن دادگاه حق طرفین است یا خیر؟ قانون تصریحی به حق بودن ندارد. در قانون آمده است که در دعوای خصوصی طرفین می‌توانند درخواست غیرعلنی بودن دادگاه را بخواهند، اما قانون گذار تعریفی از دعوای خصوصی ندارد. و مرجع صلاحیت تشخیص علنی یا غیر‌علنی بودن دادگاه را خود قاضی می‌داند.[[146]](#footnote-146)

بنا بر این چه در دادگاه‌‌های داخلی کشور‌ها و چه در اساسنامه‌ها و معاهدات و میثاق ‌بین‌المللی، مسأله «علنی» و «غیر‌علنی» بودن دادگاه‌ها همزمان ذکر شده و تشخیص مصادیق آن در صلاحیت رئیس دادگاه است.

# **مبحث سوم: اطاله دادرسی**

کارآمدی قوه قضائیه در چیست؟ شاخصه‌‌های عدالت کدام است؟ چگونه می‌توان اعتماد مردم را به دستگاه قضائی جلب کرد؟ تأکید میثاق و حقوق ‌بین‌الملل بر «تسریع دادرسی» چیست؟ قانون ایران در این زمینه چه می‌گوید؟ مدت معقول دادرسی چیست؟ علل اطاله دادرسی[[147]](#footnote-147) کدام است؟ ‌راه‌حل‌‌های پیشنهادی چیست؟ مقایسه با دیگر کشورها در ‌‌‌مشکلات و ‌راه‌حل‌ها چه گونه است؟ کشورهای عضو و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در این زمینه چگونه است؟

کارآمدی نظام قضایی علاوه بر رعایت قانون و عدالت در احقاق حق و دیگر شرایط ماهوی و شکلی، دو شرط اساسی دارد اول «زمان دادرسی» و دوم «هزینه دادرسی» است که هر چقدر زمان و هزینه آن کمتر باشد، دادرسی برترو ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر‌‌‌تر است اگر یکی از اهداف دادرسی «احقاق حق» باشد هدف دیگر آن «حل وفصل» و آن هم در زمان معقول است زیرا احقاق حق خارج از زمان متعارف نمی‌تواند اجرای درست و کامل عدالت را در پی داشته باشد. اساساً شیوه حل وفصل یکی از مبانی اعتماد مردم به دستگاه قضایی و موجب پرهیز از توسل به روش‌‌های غیرقانونی و بی اعتمادی است. در واقع، «دسترسی به موقع به عدالت» یکی از موازین رعایت حقوق شهروندی و عدالت محور بودن حاکمیت‌ها ‌است.[[148]](#footnote-148)

اطاله دادرسی به معنای طولانی شدن غیرقانونی و غیرمعمول رسیدگی به پرونده‌‌هاست.این درحالی است که قانون برای رسیدگی به پرونده‌ها مواردی را در نظر گرفته که اگر از آن مدت تعیین شده بیشتر طول بکشد اطاله دادرسی نامیده می‌شود.در مواردی نیز قانونگذار به قاضی اختیار داده و اگر این رسیدگی طولانی‌‌‌تر از رویه معمول باشد شامل اطاله دادرسی می‌شود.[[149]](#footnote-149) در این زمینه مثال معروفی است همسایه‌ای که در زمستان از همسایه‌اش بخاطر ریختن برف سنگین پشت‌بام در راه او شکایت کرد و دادگاه تابستان تشکیل شد!

# **بند اول:** **‌‌‌مشکلات اطاله دادرسی**

اطاله دادرسی موجب ‌‌‌مشکلات زیادی برای طرفین دعوا می‌گردد و چه بسا موجب پیچیده‌تر شدن هر یک از دعاوی بشود به عنوان مثال در یک دعوای حقوقی اگر به سرعت رسیدگی شود فقط دو طرف دارد اما اگر ادامه پیدا کند و یکی از طرفین فوت نماید آنگاه مسأله به ورثه آنها منتقل شده و افراد متفاوتی خواهد داشت در پرونده‌‌های کیفری نیز همین گونه است که ممکن است با اطاله دادرسی مسائل و ‌‌‌مشکلات فراوانی برای متهم یا شاکی به وجود بیاید به طور مثال شکایاتی که حق با آنان است و مورد ظلم واقع شده‌اند و مثلاً ‌‌‌‌‌کلاهبرداری و سرقت از آنها صورت گرفته است و مواجهه با آن می‌شوند که در نظام قضایی چندین سال باید رفت و آمد کند و حق خود را بستاند نسبت به عدالت قضایی قوه قضائیه و نظام مدیریتی کشور بدبین شده و آن را متهم به فساد می‌کنند و این یکی از بزرگترین معضلاتی است که وجود دارد، و گرفتاری در پیچ و خم اداری، ممکن است سبب از دست دادن ادله یا ضعف حافظه و فراموشی شهود و حتی شخص قاضی، متهم، دادخواه و همه عوامل ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر در دادگاه گردد. به علاوه، سرعت محاکمه، فرسایش عاطفی متهم را در اثردادرسی کیفری به حداقل می‌رساند.[[150]](#footnote-150)

###### یک: اطاله دادرسی یکی از موانع بزرگ دادخواهی و عدالت

اطاله دادرسی یکی از موانع بزرگ دادخواهی و عدالت­گستری در سطح جامعه است. حجم بالای پرونده‌ها نه تنها موجب کندی روند رسیدگی شده است، بلکه سبب شده است که بسیاری از افراد از احقاق حق خود از طریق مراجع قضایی ناامید باشند و احساس کنند هزینه صرف‌نظر کردن از حقوق حقه خود کمتر از هزینه مراجعه به دادگستری است. همین امر امنیت حقوقی افراد را به خطر انداخته و موجب گشودن راه برای سوء استفاده سودجویان شده است.[[151]](#footnote-151)

###### دو: ضررهای مالی اطاله دادرسی

ضرر اطاله دادرسی گاه غیر‌قابل جبران ‌‌‌خصوصاً در امور مالی است که عدم النفع در کشورهای با تورم صفر، ضرری است که زیان دیده از اطاله دادرسی، متحمل می‌شود اما در کشوری مانند ایران که تورم سالیانه بسیار سنگین است در چنین وضعیتی اگر دادرسی سریع صورت گیرد و فرد به حق خود برسد پولی که دریافت می‌کند نزدیک همان خسارتی است که به او وارد شده است اما اگر پس از یک سال و یا دو سال آن پول را به او بدهند چه بسا ارزش آن نصف شده و یا ارزش خاصی نداشته باشد به عنوان مثال ممکن است شخص الف جهت برنده شدن در دعوای مالی خود دو سال تحمل، نماید و از نظر حقوقی «برنده» شود در حالیکه به لحاظ اقتصادی، رأی صادره ناکارا و غیر‌مؤثر بوده و نه تنها نافذ واقع نشده بلکه باعث سردرگمی و احساس عدم امنیت قضایی شده و کاهش اعتماد به دستگاه قضایی را فراهم می‌آورد.

این از ‌‌‌مشکلات فراوانی است که برای اصحاب دعوا وجود دارد و برخی مجرمان و یا ‌‌وکلای آنان، از روش‌های قانونی استفاده می‌کنند تا با اطاله دادرسی، پس از چند سال مبلغ اولیه را به دادخواهان بدهند و این ظلم مضاعف بر کسی است که مورد ‌‌‌‌‌کلاهبرداری واقع شده و یا مالش به سرقت رفته است.

###### سه: الزام تسریع در میثاق

مسأله اطاله دادرسی، مورد اهتمام حقوق ‌بین‌الملل بوده و در چندین معاهده و کنوانسیون، به صراحت یا تلویح، از حق متهمان و دادخواهان در «سرعت دادرسی» یاد شده است اعلامیه حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق ‌بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۳ از ماده ۹)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (بند ۱ از ماده ۶) و کنوانسیون حقوق بشر اسلامی (۱۹۹۰ قاهره) به لازمه «معقول و متعارف» بودن فرآیند دادرسی تأکید دارند. در عرصه قوانین نمونه حقوق شكلی نیز می‌توان به «اصول آیین دادرسی مدنی فراملی» در بند ۱ و ۲ از اصل ۷ اشاره داشت که از جمله معیارهای ارزیابی کیفیت دادرسی را معقول و متعارف بودن زمان دادرسی قلمداد می‌نماید. در آیین دادرسی مدنی فراملی تأکید بر این قاعده متعالی است که «تأخیر در اجرای عدالت، نقض عدالت است.»[[152]](#footnote-152)

در بند 2 ماده‌ 9 میثاق «حق سرعت آگاهی از اتهام»، آمده است «هر کس‌ دستگیر می‌شود باید در موقع‌ دستگیر شدن‌ از جهات‌ (علل‌) آن‌ مطلع‌ شود و در اسرع‌ وقت‌ اخطاریه‌ای‌ دائر به هرگونه‌ اتهامی که‌ به‌ او نسبت‌ داده‌ می‌شود دریافت‌ دارد.»

در بند 3 ماده‌ 9 «حق سرعت در دادرسی» آمده است: «هر کس‌ به‌ اتهام‌ جرمی‌ دستگیر یا بازداشت‌ (زندانی‌) می‌شود باید او را در اسرع‌ وقت‌ در محضر دادرس‌ یا هر مقام‌ دیگری‌ که‌ به‌ موجب‌ قانون‌ مجاز به‌ اعمال‌ اختیارات‌ قضایی‌ باشد حاضر نمود و باید در مدت‌ معقولی‌ دادرسی‌ یا آزاد شود. بازداشت‌ (زندانی‌ نمودن‌) اشخاصی‌ که‌ در انتظار دادرسی‌ هستند نباید قانونی‌ کلی‌ باشد لیکن‌ آزادی‌ موقت‌ ممکن‌ است‌ موکول‌ به‌اخذ تضمین‌‌‌‌‌‌‌‌هایی‌ بشود که‌ حضور متهم‌ را در جلسه‌ دادرسی‌ و سایر مراحل‌ رسیدگی‌ قضایی‌ و حسب‌ مورد برای‌ اجرای‌ حکم‌ تأمین‌ نماید.» همچنین در قسمت ج‌ بند 3 ماده 14 «بدون‌ تأخیر غیرموجه‌ درباره‌ او قضاوت‌ بشود.»

در بند ب ماده‌ 10 در خصوص «حق اتخاذ تصمیم سریع» در خصوص کودکان آمده است «صغار متهم‌ باید از بزرگسالان‌ جدا بوده‌ و باید در اسرع‌ اوقات‌ ممکن‌ در مورد آنان‌ اتخاذ تصمیم‌ بشود.»

###### چهار: شمول تسریع مترجم، به اتباع کشور

در قسمت الف از بند 3 ماده‌ 14 میثاق، مسأله سرعت در تفهیم اتهام به زبان متهمی که زبان رسمی را نمی‌داند، تأکید شده است: «هر کس‌ متهم‌ به‌ ارتکاب‌ جرمی‌ بشود با تساوی‌ کامل‌ لااقل‌ حق‌ تضمین‌‌‌‌‌‌‌‌های‌ ذیل‌ را خواهد داشت‌: در اسرع‌ وقت‌ و به‌ تفصیل‌ به‌ زبانی‌ که‌ او بفهمد از نوع‌ و علل‌ اتهامی‌ که‌ به‌ او نسبت‌ داده‌ می‌شود مطلع‌ شود.»

هرچند در این بند تصریح به سرعت در محاکمه وجود ندارد. اما تفهیم اتهام و سخن گفتن با متهم، یکی از مقدمات رسیدن به سرعت در دادرسی یا اطاله آن است. دراین ماده، بر پیدا کردن مترجم در اسرع وقت تأکید شده است. این بند، صرفاً شامل بیگانگان نیست، بلکه شامل اتباع کشور که زبان رسمی را نمی‌دانند نیز می‌شود. در بسیاری از کشور‌ها از جمله‌ایران، زبان رسمی کشور، در شهرستان‌ها و روستاها و در نزد برخی از مردم، قابل فهم نیست، حتی زبان استان، در نقاط مختلف، با لهجه‌ها و گویش‌‌های متفاوت است که برخی از افراد به جز زبان محلی، زبان دیگری را متوجه نمی‌شوند. چنانچه متهمی با زبان محلی و بدون آشنائی با زبان رسمی، دستگیر شود، بر اساس این بند، لازم است در اسرع وقت ممکن، مترجم آشنا برای وی پیدا شود. همچنین برای بیگانگان دستگیر شده، لازم است مترجم مسلط یافت شود تا محاکمه و اثبات یا رد اتهام در زمان معقول و سریع انجام شود.

دقت در مواد مربوط به تسریع در میثاق، نشان می‌دهد که هرچند در موارد کیفری ذکر شده، اما نافی موارد مدنی و اداری و غیره نیست، در حقیقت این موارد به‌دلیل اهمیت مسائل کیفری، بطور خاص ذکر شده است.

# **بند دوم: علل انسانی اطاله دادرسی در دادگاه‌‌های ایران**

###### یک: جابجائی کارکنان و مسؤولین پرونده

یکی از دلائل اطاله دادرسی جابجایی‌های اداری اعضاء شعب و دست اندرکاران یک پرونده است اعم از مسؤول دبیرخانه و یا مسؤولین دفتر دادگاه تا بازپرس، دادستان، رئیس دادگاه، و ‌مأمورین اجرا هرکدام که تغییر کند می‌تواند زمان رسیدگی را طولانی نماید به عنوان مثال یک رئیس دادگاه که با یک پرونده با ابعاد مختلف آن آشنا شده است پس از مطالعه و بررسی آن ارتقا یافته و به مکان دیگری منتقل می شود و بر اساس قانون، دادرس دیگری آن پرونده را بررسی می‌نماید به طور طبیعی دادرس جدید تا بخواهد پرونده را مورد مطالعه قرار داده و با ابعاد آن آشنا شود زمانی را خواهد گرفت.

یک ‌راه‌حل می‌تواند این گونه باشد که در قانون مشخص شود که اگر افرادی پرونده‌‌هایی را بررسی کرده و آن را مورد مطالعه قرار داده بتوانند همان پرونده را تا آخر ادامه داده و انجام دهند. در حقیقت پرونده به شعبه دادگاه به عنوان شخص حقوقی ارجاع نشده، بلکه پرونده به شخص حقیقی دادرس ارجاع شود که با جابجا شدن وی بررسی‌ها ادامه یابد.

###### دو: نقش قضات و اقدامات اجرائی در تسریع دادرسی

قضات و دادرسان در رده‌‌های مختلف، نقش ‌‌‌‌‌‌‌مؤثری در «زمان» و «کیفیت» دادرسی دارند، یکی از راه‌‌هائی که در خصوص «کاهش» زمان دادرسی است، تشویق قضات به انجام سریع‌‌‌تر وظائف و تنبیه اشخاصی که بدون دلیل، پرونده‌ها را اطاله می‌دهند، بوده و در ایران و سایر کشورها، این روش اعمال شده است.

یونیدروا[[153]](#footnote-153) مؤسسه بین‌المللی یکسان‌سازی حقوق خصوصی در «اصول آیین دادرسی مدنی فراملی» در خصوص اطاله دادرسی در بند 14 با عنوان «مسؤولیت دادگاه در جهت رسیدگی به پرونده» نوشت: «دادگاه با شروع هر چه زودتر رسیدگی، باید فعالانه روند کار را اداره کند، و با اختیار عمل کند تا اختلافات را منصفانه، کارآمد و با سرعت معقول حل کند. دادگاه باید تا آنجا که عملی است، با مشورت با طرفین، روند رسیدگی را مدیریت کند. دادگاه باید ترتیب حل و فصل مسائل را تعیین کند و یک جدول زمانی برای کلیه مراحل دادرسی، از جمله تاریخ و مهلت تعیین کند.»[[154]](#footnote-154)

###### سه: زمانی که قضات، صرف فعالیت‌‌‌‌‌‌‌‌های خارج از امور قضایی می‌کنند

موارد ایتالیایی و سایر پرونده‌ها حاکی از آن است که مشارکت قضات در فعالیت‌‌های قانونی و غیرقانونی، مانند ریاست کمیته‌‌های پیشگیری از وقوع جرم، نظارت بر انتخابات و موارد دیگر، به میزان قابل توجهی از زمان مورد نیاز آنها در جلسات دادرسی و صدور احکام می‌کاهد. بنابراین آمار مربوط به تعداد کارکنان دادگستری، ممکن است در مورد زمان ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر صرف شده برای قضاوت گمراه کننده باشد. تأخیر در پرونده کاپوانو دلایل زیادی داشت، اما دادگاه همچنین خاطرنشان کرد که« جلسه دادرسی به 24 ژانویه 1978 موکول شد، اما به دلیل تعویق بیشتر به دلیل انتخابات شهرداری تا 31 ژانویه برگزار نشد.[[155]](#footnote-155)

###### چهار: ‌‌‌مشکلات ناشی از ساختار قضایی

الف) عدم گسترش و توسعه‌ی کمی و کیفی امکانات: با وجود وظایف مهم و حساس قوه قضائیه، این قوه دارای ضعف مالی و فاقد امکانات لازم است.

ب) ضعف و نواقص موجود در امر بازرسی: متأسفانه‌امروز با وجود مراجع متعددی که‌این امر را بر عهده گرفته‌اند، این شیوه کارایی لازم را ندارد.چون این نظارت‌‌‌‌‌‌‌‌ها مستمر نیست و از نظام تشویق در آن خبری نیست که باعث دلسردی قضات موفق و فاضل می‌شود. ضابطین دادگستری باید شرایطی داشته باشند از جمله به وسیله‌ی قانون معرفی شوند، اقدامات آنها در چهارچوب قانون و تحت نظارت مقام قضایی باشد. تا عملکرد مناسب‌‌‌تری داشته باشند.[[156]](#footnote-156)

###### پنج: نقش عملکرد کارمندان مراجع قضایی

نقش کارکنان دفتری و کارمندان اداری در اطاله دادرسی دارای اهمیت است. لذا توجه ویژه به جذب نیروی انسانی شایسته و نظارت بر عملکرد کارکنان و قضات تأثیر بسزایی در کاهش اطاله دادرسی خواهد داشت.[[157]](#footnote-157) آن‌ها می‌توانند با سهل انگاری یا عمداً با روش‌‌های زیر، موجب تأخیر در دادرسی شوند:

1-تأخیر در انجام دستورات

2- انجام دستورات به نحو اشتباه

3 -ارسال با تأخیر پرونده‌ها به دوایر اجرای احکام

4- کوتاهی در تهیه و ارسال پاسخ مکاتبات و پرونده‌‌های مطالبه شده.

5- عدم دقت در ثبت به موقع و دقیق لوایح و دادخواست‌‌ها

6- کوتاهی در بایگانی اوراق پرونده‌ها و گم شدن آنها.[[158]](#footnote-158)

###### شش: نقش ‌‌وکلا در کاهش و اطاله دادرسی

وکیل در دادگاه در دو نقش کاملاً متفاوت می‌تواند ظاهر شود:

1 - نقش مکمل «دادرسی عادلانه» و رساندن قاضی به حقیقت و نتیجه سریع و معقولانه دادگاه

2 – نقش مخرب در عدالت

یکی از راه‌‌‌‌‌‌‌‌هایی که موجب تسریع دادرسی می‌شود، حضور وکیل سالم، عالم و دارای اخلاق حرفه‌ای است که می‌تواند در کنار قاضی، بازپرس و دادیار به مردم کمک کند. وکیل و قاضی دو کفه ترازوی عدالت و مکمل یکدیگر هستند و اگر بتوانند برای قضات و ‌‌وکلا ‌‌‌‌آموزش‌‌های لازم را بگذراند تا هر یک بیشتر به حقوق و وظایف خود آگاه شوند، در ایجاد تحول بسیار ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر است همچنین مراجعان دستگاه قضایی نیز باید ‌‌‌‌آموزش‌‌های لازم را به طرق مختلف دریافت کنند.[[159]](#footnote-159) ‌‌وکلا همچنین می‌توانند با استناد به بخش‌‌هایی از قانون، از جمله ادعای اعسار و یا عدم حضور و... موجب اطاله دادرسی شوند.

###### هفت: ‌‌‌مشکلات کارشناسی در اطاله دادرسی

یکی از مسائل مهم اطاله دادرسی قانونی زمانی است که به کارشناسی ارجاع می‌شود و کارشناسان بر اساس سلیقه خود و دانش خویش در آن پرونده اظهار نظر می‌کنند و می‌توانند خارج از عدالت نظری را ابراز کند و سپس مورد اعتراض طرف مقابل قرار گرفته و مجدداً کارشناسی می‌شود هر کدام از این‌ها موجب می‌گردد تا اطاله دادرسی صورت گیرد.

###### هشت: درخواست طرفین برای اطاله دادرسی

در دادگاه‌‌های اروپائی طرفین حق دارند با ارائه ادله قابل قبول، درخواست زمان کافی برای آماده سازی خود داشته باشند، آنچه که یک زمان معقول را تشکیل می‌دهد قابل تفسیر است و به شرایط و پیچیدگی یک مورد خاص بستگی دارد. به طور کلی، باید به هر طرف زمان کافی داده شود تا شواهد را مرور کند، حقایق را تحقیق کند، با شاهدان مشورت کند، در مورد امکانِ توافق و سازش [مذاکره کند](https://www.nolo.com/legal-encyclopedia/the-basics-plea-bargain.html" \o "مبانی معامله اعتراض)، در مورد دفاع، جلسات با وکیل خود داشته باشد و دلایل دیگری که می‌تواند مطرح شود و از سوی دادگاه پذیرفته یا رد شود.

در ایران نیز طرفین به‌دلایل قانونی می‌توانند درخواست استمهال از دادگاه نمایند این یکی از حیله‌‌های قانونی است که افراد آشنا به حقوق و ‌‌وکلا از آن استفاده می‌کنند و پرونده را به تأخیر می‌‌اندازند به عنوان مثال می‌دانند که اگر در زمان خاصی در دادگاه حاضر نشوند یا لایحه‌ای را در زمان خاصی ارائه کند موجب خدشه در پرونده می‌شود و پرونده را به تأخیر می‌اندازد بدون آن که تخلفی صورت گرفته باشد بطورکلی می‌توان گفت: نقش عملکرد اصحاب دعوی می‌تواند در زمینه‌‌های زیر باشد:

1- عدم همکاری در انجام ابلاغ واقعی از سوی اصحاب دعوی

2- طرح ایرادات واهی، انکار و ادعای جعل نسبت به اسناد ابزاری.

3- اعلام آدرس اشتباه به دادگاه

4- صحنه سازی و پیچیده نمودن دعاوی

5- عدم استفاده از وکیل.[[160]](#footnote-160)

###### نه: علت اطاله با دعوای اعسار

طرح دعوی اعسار به عنوان یکی از ابزار اطاله دادرسی تاکتیکی در دسترس اصحاب دعوا قرار گرفته که دسترسی به آن از سوی مؤسسات دولتی و عمومی هم میسور شده است؛ جالب‌‌‌تر آنکه با آرایی مواجه می‌شویم که رأی به پذیرش اعسار دستگاه‌‌های دولتی و عمومی نیز صادر شده است که ‌‌اصولاً امکانپذیر نیست؛ لذا ضرورت دارد: اولاً، تقدیم دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی دولتی، عمومی و تجاری ممنوع و در صورت تخلف، دارای ضمانت اجرایی مشخص شود و رسیدگی به آن دعوی نیز باید بدون تشریفات و با رسیدگی فوق العاده باشد؛ ثانیاً، احکام راجع به اعسار از هزینه دادرسی باید قطعی الصدور باشد. ثالثاً با منطقی کردن هزینه دادرسی و کاهش نگاه درآمدزایی از آن توسط دولت باید راه طرح دعاوی اعسار را محدود ساخت.[[161]](#footnote-161)

# **بند سوم: مطالعه تطبیقی ‌راه‌ حل اطاله دادرسی**

بررسی تطبیقی علل اطاله دادرسی در دیگر کشورها ‌‌‌خصوصاً کشورهای اروپائی از جهات مختلف مورد توجه است که بتوان از تجربیات دیگران در کاهش ‌‌‌مشکلات، استفاده کرد در اتحادیه اروپا، مشکل اطاله دادرسی در کشورهای عضو و در خود دادگاه اتحادیه وجود دارد در پایان این مطلب دو متن از اتحادیه اروپا به عنوان مطالعه تطبیقی ارائه می‌شود.

###### یک: حق دادرسی در زمان معقول در اروپا

یکی از مواردی که اشخاص حقیقی و حقوقی اروپائی حق دارند تا نسبت به آن دادخواست علیه دولت‌‌های عضو ارائه دهند، «حق دادرسی عادلانه» است که پرونده‌‌های مختلفی مطرح و بررسی و منجر به حکم گردیده است. یک راهنما[[162]](#footnote-162) با عنوان « حق محاکمه در زمان معقول ذیل ماده 6 کنوانسیون اروپائی حقوق بشر»[[163]](#footnote-163)به قلم ایوانا روگانا[[164]](#footnote-164) در سال 2018 در 59 صفحه انتشار یافته که راهنمای کشورهای عضو در جهت رعایت اصول دادرسی عادلانه مصرح در ماده 6 کنوانسیون است، این کتاب با استفاده از بودجه یک برنامه مشترک بین اتحادیه اروپا و شورای اروپا[[165]](#footnote-165) تهیه شده است. در ابتدای کتابچه توضیح داده شده « نظرات بیان شده در این کتاب به هیچ وجه نمی‌تواند منعکس کننده نظر رسمی اتحادیه اروپا یا شورای اروپا باشد.». این کتاب راهنما به عنوان ابزاری ساده، در عین حال جامع، با ارائه راهنمایی‌‌های عملی به اعضای قوه قضائیه جهت اطمینان از اجرای کامل و صحیح حق دادرسی در یک زمان معقول، تهیه شده است.

###### دو: دادگاه حقوق بشر اروپا ، ارزیابی کلی از «زمان معقول»

در بند مربوط به «ارزیابی منطقی بودن مدت زمان رسیدگی: معیارهای قابل اجرا» آمده است: هر زمان که مدت زمان رسیدگی ظاهر می‌شود، در نگاه اول «بیش از حد» یا «نامشخص» است، دولت پاسخگو باید «توضیحات رضایت بخشی بدهد»، در غیر‌این صورت این امر با «نقض شرط معقول» تشخیص داده می‌شود. در چنین مواردی، فرضیه‌ای نسبت به دولت وجود دارد که روند دادرسی به طور نامعقول طولانی است، و این مستلزم آن است که اثبات کند در اطاله دادرسی مسؤولیت آن را ندارد.

 در این جزوه تصریح شده است: دادگاه اروپا، همواره از ارائه نوعی جدول مرجع که در هر مورد توضیح می‌دهد چند سال برای هر مرحله از دادرسی «طبیعی» در نظر گرفته شده و چه تعداد قابل قبول است، امتناع کرده است. در حقیقت دادگاه توان ارزیابی زمان معقول برای همه پرونده‌‌ها، با توجه به تنوع خواسته‌ها و یا اتهامات و ‌‌‌مشکلات دیگر را ندارد بر همین اساس، دادگاه حکم داد که «معقول» بودن طول دادرسی باید با توجه به شرایط پرونده و با توجه به تعدادی از معیارها ارزیابی شود: پیچیدگی پرونده، رفتار خواهان و موارد مربوط به مقامات و آنچه در این اختلاف برای متقاضی مطرح بود.[[166]](#footnote-166)در بخش‌‌های مختلف این جزوه راهنمائی‌‌های کلی و یا با شاهد مثال توضیح داده شده است.

# **مبحث چهارم: هزینه‌‌های دادرسی**

هزینه‌‌های دادگاه‌ها و دادرسی‌ها چگونه باید تأمین شود؟دریافت هزینه‌‌های دادرسی از دادخواهان مفید یا مضر است؟ هزینه‌‌های مستقیم و غیر‌مستقیم دادرسی چیست؟ هزینه‌‌های اقتصادی و اجتماعی آن چگونه است؟ چگونه می‌توان هزینه‌ها را کاهش داد؟

# **بند اول: کارآمدی قضائی، هزینه و زمان**

وظایف دولت به معنای عام، حل و فصل اختلافات و اجراء حد اکثری عدالت در زمینه‌‌های قضائی است، هزینه‌‌های دادرسی، یکی از نکاتی است که چنانچه سنگین باشد، بسیاری از افراد طبقه ضعیف جامعه را از این دسترسی محروم می‌کند.

دسترسی به عدالت یک اصل اساسی حاکمیت قانون[[167]](#footnote-167) است. در صورت عدم دسترسی به عدالت، صدای مردم در دادگاه‌ها شنیده نمی‌شود، و نمی‌توانند از حقوق خود استفاده کنند، و تبعیض را به چالش بکشند یا تصمیم‌گیرندگان را مسؤول بدانند. در بیانیه «نشست سطح عالی حاکمیت قانون» بر حق دستیابی برابر به عدالت برای همه، از جمله اعضای گروه‌‌های آسیب‌پذیر تأکید شده و بر تعهد کشورهای عضو برای انجام کلیه اقدامات لازم برای تأمین عادلانه، شفاف، ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر خدمات غیر‌تبعیض‌آمیز و پاسخگو که دسترسی به عدالت را برای همه ارتقا می‌بخشد.[[168]](#footnote-168) کارآمدی نظام قضایی از دو جهت بررسی می‌شود: یک زمان دادرسی که هر چقدر کوتاه باشد و بتواند در کمترین زمان ممکن قانون را اجرا نماید دوم هزینه دادرسی است که هر چقدر هزینه آن کمتر باشد دادرسی برتر است.

# **بند دوم: هزینه‌‌های دادرسی در سه زمان**

هزینه‌‌های دادرسی، در سه زمان قابل بررسی است: 1- هزینه‌‌های قبل از شروع دادرسی (هزینه جستجو و یافتن دادگاه صالح، هزینه‌‌های مستقیم و غیر‌مستقیم مشاوره، هزینه تمبر دادخواست، هزینه کاغذ و فرم‌ها و...) 2- هزینه‌‌های حین دادرسی (هزینه وکیل، هزینه کارشناس، هزینه زندانی و خانواده، هزینه زندانبانی، هزینه ‌مأمورین دادگاه‌ها و ضابطین و...) 3- هزینه‌‌های اجرای احکام (هزینه اجرای احکام، هزینه تأخیرات، هزینه عدم النفع، هزینه خسارت، هزینه کارشناسی، و...)

# **بند سوم: انواع هزینه‌‌های دادرسی**

هزینه، اعم از هزینه‌‌های پرداختی مستقیم به دادگاه‌‌ها، و هزینه‌‌های غیر‌مستقیم است، هزینه‌‌های غیر‌مستقیم نیز بر دو دسته است هزینه‌هایی که به صورت رفت و آمد برای طرفین دعوی و همچنین بقیه مسائل برای دادگاه‌‌‌‌‌‌‌‌ها و در خود دادگاه‌‌ها، همانند حقوق کارکنان، هزینه ساختمان‌ها و امثال آن وجود دارد و دوم هزینه عدم النفع که فرد پولی را که‌امروز باید به‌دست بیاورد چند ماه دیگر به‌دست می‌آورد کاهش هزینه‌‌های دادرسی در همه جهات آن اعم از مستقیم و غیر‌مستقیم نشان از کارآمدی دستگاه اداری و قضایی کشور است بر همین اساس، سرعت در دادرسی، یک نشان از کاهش هزینه‌ها است.

ماده 519 قانون آئین دادرسی دادگاه‌‌‌‌‌‌‌‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) هزینه و خسارت دادرسی را اینگونه بیان کرده است «خسارات دادرسی عبارتست از هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و هزینه‌‌های دیگری که به طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است از قبیل حق الزحمه کارشناسی و هزینه تحقیقات محلی» در یک دید وسیع‌‌‌تر، هزینه‌‌های دادرسی عبارت است از هزینه‌‌های قانونی، شبه قانونی (هزینه‌‌هائی که بر اساس یک مصوبه در یک نهاد غیر‌مرتبط با بودجه، تصویب شده است)، غیرقانونی (رشوه و هدیه، هزینه‌‌های ارجاع به دفاتر و تشکیلاتی که در قانون وجود ندارد) تردد‌‌های چند باره، هزینه‌‌های اداری، هزینه کپی و انواع و اقسام هزینه‌‌های دیگری که بر دوش دولت و مردم است در حقیقت حتی کسی که بیگناه است و در پرونده‌ای، خواسته دارد و حق نیز با اوست برای رسیدن به حق خود، هزینه‌‌های فراوان و سنگینی را متقبل می‌شود و اخیراً با رفتن به دفاتر پیشخوان الکترونیک قوه قضائیه، پول اضافه نیز به واسطه داده شود.

شرایط کنونی با عنوان دفاتر الکترونیک هزینه‌‌های فراوان دیگری نیز به مردم تحمیل شده است و مردم مجبورند برای آنکه کار را پیگیری کنند به‌این دفاتر مراجعه نمایید و بر اساس آن که هر نوع پرونده میتواند درآمدی داشته باشد باید به صاحبان این دفاتر هزینه‌‌هایی را پرداخت کند این هزینه‌ها موجب افزایش هزینه دادرسی گردیده و خلاف آن چیزی است که از الکترونیک توقع می‌رود که هزینه و زمان کاهش یابد اما این دفاتر موجب افزایش زمان و هزینه شده است هزینه مستقیمی که مردم باید به‌این دفاتر بپردازند ابتدا به صورت غیرقانونی بود و سپس در قانون نیز آمد در حقیقت از قاعده «کاری را راه بیاندازند و سپس جا بیاندازند» استفاده کردند.

# **بند چهارم: پیشنهاد عدم ارائه دادخواست جهت کاهش هزینه**

هزینه‌‌های دادرسی در شیوه مدرن دادگاه‌‌های کشورهای غربی بسیار سنگین است تا جائی که در جهت مدیریت هزینه‌‌های دادرسی، پیشگیری را به عنوان اصل، پیشنهاد کرده‌اند: قبل از اینکه اقدامی انجام شود همه کارفرمایان باید خطرات احتمالی دعوی شرکت خود را ارزیابی و برطرف کنند. در پایان، بهترین روش برای مدیریت هزینه‌‌های دادرسی، پرهیز از دادرسی است. اجرای سیاست‌‌های پیشگیری مبتنی بر ارزیابی دقیق ریسک، تا حد زیادی به کاهش هزینه‌‌های دادرسی منجر می‌شود یا به طور کلی خطر دعوا را از بین می‌برد. کارکنان باید به طور منظم در مورد سیاست‌‌های پیشگیری ‌‌‌‌آموزش ببینند و تأییدیه دریافت اینگونه‌‌‌‌‌آموزش‌ها را امضا کنند. ‌‌‌‌آموزش سیاست‌ها و داشتن سوابقی از این ‌‌‌‌آموزش، كارفرمایان را قادر می‌سازد تا در صورت طرح دعوا، به دفاع بپردازند.[[169]](#footnote-169)

# **بند پنجم: نحوه محاسبه هزینه دادرسی در ایران چگونه است؟**

باید توجه داشت که به جز در موارد استثنایی تا هزینه دادرسی را پرداخت نکنید، به دعوای شما رسیدگی نخواهد شد! و این، مغایر «حق دسترسی» است. پیش از هرچیز ضروری است بدانیم که دعاوی با هم متفاوت هستند و بر این اساس هزینه دادرسی آن‌ها هم متفاوت است.

###### 1- دعاوی کیفری

تقدیم دادخواست و درخواست تعقیب کیفری به مراجع قضائی نیازمند ابطال و الصاق تمبر به مبلغ پنج هزار تومان است.

نکته: در شکایت کیفری علیه چک بلامحل این قانون کلی نقض می‌شود و شاکی باید هزینه‌ی بیشتری پرداخت کند. مطابق قانون، هزینه‌ی شکایت کیفری علیه صادر کننده‌ی چک بلامحل تا مبلغ صدهزار تومان، برابر با پنج هزار تومان است. هم چنین هزینه‌ی شکواییه علیه چک بلامحل مازاد بر صدهزار تومان و تا یک میلیون تومان، بیست هزار تومان است. این مبلغ به نسبت مازاد بر یک میلیون و تاسقف ده میلیون تومان، سی هزار تومان است. و نسبت به مازاد بر ده میلیون تومان، یک هزارم از مبلغ محاسبه خواهد شد. اجازه دهید برای روشن‌‌‌تر شدن موضوع چند مثال مطرح کنیم. مبالغ دیگری هم برای برگه‌‌های دادخواست و … به‌این مبلغ اضافه می‌شود؛ بهای اوراق دادخواست و [اظهارنامه](https://www.chetor.com/30350-%D8%A7%D8%B8%D9%87%D8%A7%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA/)و برگ اجرائیه‌ی دادگاه‌ها و هیأت‌‌های حل اختلاف موضوع قانون کار برای هر برگ 1500 تومان است.

###### 2- دعاوی حقوقی

در دعاوی حقوقی، 1- دعاوی غیرمالی؛ همانطور که از نام آن مشخص است دعاوی غیرمالی مسائلی هستند که به طور مستقیم با امور مالی و اقتصادی سر و کار ندارند و خواسته‌ی اصلی شما در این دعوا، پول نیست. به عنوان مثال‌‌هایی از این دسته می‌توان به دعوای طلاق، دعوای حضانت و تأمین دلیل و تأمین خواسته اشاره کرد. در اینجا هم هزینه‌ی تقدیم دادخواست 5 هزار تومان است. اما علاوه بر این، هزینه دادرسی دعاوی غیرمالی مابین 30 هزار تومان تا 150 هزارتومان بسته به نوع دعواست. به عنوان مثال دعاوی مربوط به‌امور خانواده مثل طلاق هزینه‌ای معادل 30 هزار تومان دارند. اما هزینه‌ی دعاوی مربوط به‌اموال غیرمنقول 100 هزار تومان است. 2- دعاوی مالی؛ منظور از دعاوی مالی آن دسته از دعاوی است که به طور مستقیم مالی هستند و عموماً خواسته‌ی دعوا در آن‌ها پول است. به عنوان مثال دعوای مطالبه‌ی خسارت، مطالبه‌ی وجه اسناد تجاری مثل چک و [سفته](https://www.chetor.com/36595-%D8%B3%D9%81%D8%AA%D9%87-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA/https:/www.chetor.com/36595-%D8%B3%D9%81%D8%AA%D9%87-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA/)از جمله دعاوی مالی هستند.

محاسبه‌ی هزینه دادرسی دعاوی مالی دارای سازوکار خاص خود است. مطابق با قوانین، هزینه‌ی دعاوی مالی در مرحله‌ی بدوی به‌این شکل محاسبه می‌شود:

تا مبلغ بیست میلیون تومان، دو و نیم درصد از کل مبلغ خواسته، مازاد بر بیست میلیون تومان، سه و نیم درصد مبلغ خواسته، به‌این ترتیب اگر خواسته‌ی شما 15 میلیون تومان باشد، هزینه دادرسی شما چیزی در حدود 375 هزار تومان + 5 هزار تومان هزینه‌ی تقدیم دادخواست + بهای اوراق مورد نیازخواهد شد.

علاوه بر هزینه دادرسی، هزینه‌‌های دیگری نظیر دستمزدِ کارشناس رسمی دادگستری نیز وجود دارد که ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً بر عهده‌ی خواهان است.

###### 3- دعاوی مطروحه در شورای حل اختلاف

رسیدگی به برخی پرونده‌ها بر عهده‌ی بر شورای حل اختلاف است. در این خصوص برای پرونده‌‌های حقوقی هزینه‌ی طرح دعوا، 15 هزار تومان و برای پرونده‌‌های کیفری هزینه‌ی طرح دعوا، 5 هزار تومان است.[[170]](#footnote-170)

###### 4- هزینه دادرسی در دیوان عدالت اداری

بر فرض آن که دریافت هزینه‌ها در بقیه دعاوی، منصفانه باشد آیا هزینه‌‌های دعاوی دیوان عدالت اداری که یک‌طرف دعوا، مجموعه حاکمیت(دولت به معنای عام) است، قابل پذیرش است؟ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در 7 اردیبهشت 1339 قانونی تحت عنوان «قانون راجع به شورای دولتی» مشتمل بر 32 ماده و 3 تبصره به تصویب کمیسیون مشترک مجلسین وقت رسید که هیچ‌گاه به مرحله اجرا درنیامد.[[171]](#footnote-171) پس از انقلاب اسلامی در اصل یکصد وهفتاد و سوم قانون اساسی، مقرر شد: «بمنظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به ‌مأمورین یا واحدها و یا آئین نامه‌‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی بنام دیوان عدالت اداری زیرنظر شورای عالی قضائی تأسیس می‌گردد» و در سال 1363 و با تصویب قانون تشکیل دیوان عدالت اداری پا به عرصه وجود گذاشت.

سیر تاریخی هزینه دادرسی در دیوان عدالت اداری نشاندهنده‌ این امر است که قانونگذار، در قانون شورای دولتی مصوب 1339 این امر را مسکوت گذاشت و سپس، در نخستین قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال 1360 در ماده 13 رسیدگی دیوان مجانی است و ‌‌‌‌‌‌‌‌نهایتاً ضمن پذیرش نظریه دریافت هزینه دادرسی،، در ماده 18 الحاقی به قانون سال 1378 برای نخستین بار دریافت هزینه دادرسی پیش‌بینی گردید. لذا هر چند قبل از سال 1378 شکایت در دیوان مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نبود اما در این قانون، با تغییر رویکرد برای نخستین بار اصل رایگان بودن دادرسی اداری کنار گذاشته شد.

مطابق این قانون هزینه دادرسی در مرحله بدوی 10000 ریال و در مرحله تجدیدنظر 20000 ریال تعیین گردید. الحاق ماده 18 به قانون دیوان نشان دهنده تغییر رویکرد قانونگذار از اصل مجانی بودن دعاوی اداری به سمت پرداخت هزینه دادرسی در دعاوی اداری نظیر دعاوی جزایی و مدنی است. از منظر حقوق عمومی و تحلیل نظام اقتصادی هزینه‌‌های دادگستری این مسأله جای تأمل و تحلیل دارد که چرا به یکباره قانونگذار از اصل مجانی بودن رسیدگی‌‌های دیوان عدالت اداری به سمت پذیرش نظریه اخذ هزینه دادرسی(هرچند به مقدار کم) حرکت نموده است. با پذیرش چنین رویکردی همواره شاهد افزایش این مبلغ در سالیان بعد بوده‌ایم.[[172]](#footnote-172) در قانون بودجه سال 1400 هزینه تقدیم دادخواست به شعب بدوی دیوان عدالت اداری 20 هزار و هزینه تقدیم دادخواست به شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری 40 هزار تومان است.

###### 5- هزینه‌‌های مختلف اجرای احکام

اجرای احکام جزائی، مدنی، مالی، اداری و انواع آن، هزینه‌‌های مختلفی را بر دوش شخص برنده حکم قرار می‌دهد و انجام آن، به‌این سادگی نیست که تصور می‌شود، پس از هزینه‌‌های فراوان در دادخواست و دادگاه اولیه و تجدید نظر و احتمالا دیوان عالی و... ‌‌‌مشکلات جدید آغاز می‌شود، اجرای یک حکم چک سه میلیون تومانی در سال 1398، پروسه جالبی دارد به طلبکار، یک برگه داده‌اندکه برود و از همه بانک‌ها استعلام بگیرد که‌ آیا بدهکار، دارای پول هست یا خیر، و پس از آن که در یک بانک مبلغی مشخص شده است، نامه نگاری‌ها و رفت و آمد‌ها که، باید در یک پروسه کاغذی، پول به حساب امانی قوه قضائیه واریز شود... و پس از مدتی پول را به طلبکار بدهند. این وضعیت در رابطه با پرونده‌‌های اندکی پیچیده‌‌‌تر، هزینه‌‌های بیشتر و زمان فراوان‌‌‌تر دارد.

###### شش: عشریه (یک دهم) دولتی حق اجرای حکم

یکی از قوانین مهم در زمینه اجرای حکم، که در اولین قانون نوشته شد و نسخ نگردید، «احتساب عشریه دولتی اصل محکوم‌به است یا مجموع مبالغی که به وسیله دایره اجرا وصول می‌شود» است.

عشریه اجرایی یا حق الاجرا که به تجویز تبصره یک ماده 60 قانون تسریع محاکمات باید از محکوم علیه گرفته شود در ماده 793 قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب 1329 قمری (1290 شمسی) معادل عشر محکوم به (آن چه که محکوم علیه به پرداخت آن محکوم شده) معین گردیده، و هر چند که قانون اصول محاکمات حقوقی به استثنا باب ششم منسوخه است و در قوانین تسریع محاکمات و آیین دادرسی مدنی که بعداً به تصویب رسیده از عشریه اجرایی تعریف نشده ولی چون تبصره یک ماده 60 قانون تسریع مؤید اعتبار ضمنی ماده 793 اصول محاکمات حقوقی می‌باشد «محکوم به» که به وسیله اجرا باید وصول شود اعم از اصل و خسارات مربوطه است بنابراین عشریه اجرایی به مجموع مبالغی که به وسیله دایره اجرا بر طبق اجراییه از محکوم علیه وصول می‌شود تعلق می‌گیرد.

# **بند ششم: مستثنیات پرداخت هزینه**

در اسناد حقوق بشر و قانون اساسی و قوانین عادی ایران و دیگر کشورها، به رغم تأکید بر ضوابط و معیارهای دادرسی عادلانه، از قبیل تساوی طرفین، اصل بی‌طرفی و... عدول از ‌‌مؤلفه‌ها به منظور نیل به دادرسی عادلانه‌‌‌تر در راستای ضرورت حمایت حقوقی[[173]](#footnote-173) و کمک ( معاضدت) حقوقی[[174]](#footnote-174) از طبقات ضعیف‌‌‌تر جامعه، مطرح شده است و صراحتاً تأکید شده است معاضدت حقوقی، خلاف اصل حق دسترسی برابر همه طرف‌‌های یک دعوای قضائی نیست، دادگاه‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها موظفند اصل بی‌طرفی را رعایت نمایند، اما در همان قوانین، تبعیض مثبت، مغایر دادرسی عادلانه شناخته نشده است، و تخفیف هزینه‌‌های عدالت و حتی رایگان بودن آن‌ها توصیه شده است. توانایی افراد گروه‌‌های محروم در پیشگیری و غلبه بر فقر انسانی با جستجو و دستیابی به ‌راه‌حل، از طریق سیستم‌‌های رسمی و رسمی غیر‌عادی، برای شکایت مطابق با اصول و معیارهای حقوق بشر توصیه شده است.[[175]](#footnote-175) هزینه پرونده سازی ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً در موارد خشونت خانگی مورد نیاز نیست. و برای موارد حقوق خانواده مانند حضانت فرزند و حمایت از کودکان، نیاز به پرداخت هزینه نیست. اگر پرونده را شروع نکردید، مجبور به پرداخت هزینه‌‌های تشکیل پرونده نیستید.

###### 1- استثناء معسرین و طبقات محروم

یکی از روش‌‌های کمک به طبقات ضعیف، برای دادرسی، ادعای اعسار است که خود با تشکیل پرونده، آغاز می‌شود و موجب اطاله دادرسی می‌گردد همچنین معرفی افراد فقیر از سوی نهادهای حمایتی، موجب تخفیف در هزینه می‌گردد.

###### 2- عدم هزینه دادگاه اروپائی حقوق بشر

به دلیل اهمیت دعاوی حقوق بشر، و اینکه دولت‌ها طرف شکایت هستند و معمول شاکیان، درآمدی برای پرداخت هزینه ندارند، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌‌های اساسی اصلاح شده بر اساس پروتکل شماره 11 در ماده 50 مقرر می‌دارد: هزینه‌‌های دادگاه باید توسط شورای اروپا تأمین شود.[[176]](#footnote-176)

این روش صحیحی است که در هر پرونده‌ای که علیه دولت یا نهادهای حاکمیتی در دیوان عدالت اداری، تشکیل می‌شود، اصل بر مجانی بودن آن باشد.

###### 3- عدم دریافت هزینه دادرسی از پناهجویان

ماده 16 کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان-حق مراجعه به دادگاه‌ها را برای پناهندگان تأکید می‌کند و مقرر می‌دارد:

1- هر پناهنده می‌تواند در سرزمین دول متعاهد آزادانه به محاکم قضایی مراجعه نماید.

2- هر پناهنده در سرزمین دولت متعاهدی که محل سکونت عادی او است در مورد دسترسی به دادگاه‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها از جمله استفاده از معاضدت قضایی و‌معافیت از سپردن تضمین هزینه‌های دادرسی همان رفتاری که درباره اتباع دولت مزبور به عمل می‌آید بهره‌مند خواهد شد.

3- هر پناهنده در سرزمین‌های دول متعاهد دیگر غیر از سرزمین محل سکونت دائمی خود در مورد مسائل مندرج در بند 2 از رفتاری برخوردار خواهد‌شد که درباره اتباع کشور محل سکونت دائمی وی به عمل می‌آید.[[177]](#footnote-177)

# 

فصل دوم:

فضای مجازی، تسهیل‌گر حق دادرسی

گفتار اول: مفاهیم، ابعاد و قوانین فضای مجازی در دادرسی عادلانه

گفتار دوم: احراز هویت و دادرسی فضای مجازی

گفتار سوم: اشکالات و چالش‌‌های الکترونیک شدن قوه قضائیه

در این فصل به پرسش‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های متنوعی پاسخ خواهیم داد: فضای مجازی چیست؟ سندیت فضای مجازی کدام است؟ آیا «ابزار الکترونیک» می‌تواند در زمینه «دادرسی عادلانه» کمک کند؟ ابعاد مختلف آن در زمینه‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های گوناگون «پیش»، «حین» و «پسا» دادرسی چگونه است؟ آیا می‌توان در زمینه «دادرسی عادلانه» از طریق «اینترنت» اقدام کرد و همه ‌امور، از «دادخواست» تا همه «مراحل بررسی و اجراء» «بدون مراجعه» باشد؟ «احراز هویت دیجیتال»، مبنای «قانونی» دارد و چگونه است؟ ارزش «اسناد الکترونیک» از نظر «ادله اثبات» چیست؟ آیا حق «رجوع ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر به محاکم داخلی» امکان پذیر است؟ دادگاه «مستقل» و «بی‌طرف» در اینترنت چگونه است، حق «انتشار آزاد اطلاعات» دادگاه‌ها و مسأله «حفظ حریم خصوصی اشخاص» و تعارض با «حق فراموشی» چه می‌شود؟

گفتار اول: مفاهیم، ابعاد و قوانین فضای مجازی در دادرسی عادلانه

# **مبحث اول: مفاهیم فضای مجازی**

###### 1- پیشینه تحقیق در رابطه بافضای مجازی

در زمینه استفاده از فضای مجازی در امور قضائی، پژوهش‌ها و ‌پایان‌نامه‌‌های مختلفی نگاشته شده است که در مقاله رضا عسکری[[178]](#footnote-178)، تعدادی از آن‌ها آورده شده و توضیحات مختصری نیز در هر زمینه بیان شده است، به عنوان نمونه می توان به موارد ذیل از همان مقاله اشاره کرد:

فرزانه حسنپور، 1393 ،پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان ، با عنوان «بایسته ها و چالشهای دادرسی کیفری الکترونیکی در پرتو لایحه جدید آیین دادرسی کیفری»

غلامرضا اژدری ،1393، مقاله با عنوان «بررسی قابلیت استناد به ادله الکترونیکی در حقوق موضوعه ایران»

معین پور قهرمانی، 1393، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه سنندج ، با عنوان « بررسی حقوق کلاهبرداری رایانهای با رویکردی به فقه»

فریبا عرب پور،139۰ پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، با عنوان «جرائم علیه محرمانگی داده ها و سامانه های رایانه ای در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی»

در هریک از این مقالات و کتب، به بخشی از مسأله توجه شده است اما در این رساله، جامع‌‌‌تر و ابعاد دادرسی عادلانه مورد بحث قرار گرفته است.

###### 2- معنای فضای مجازی

توصیف اولیه فضای مجازی ممکن است شبیه سایر تئوری‌‌ها، ایده‌ها یا پدیده‌‌های موجود باشد، و من می‌خواهم از هرگونه سردرگمی خودداری کنم: «فضای مجازی دنیای معنوی نیست، و دنیای ایده‌آل‌‌های افلاطون نیست. این یک واقعیت موازی نیست، و اتوپیایی نیست. فضای مجازی، فضای ذهنی نیست، نه دنیای تخیل و حتی تخیل جمعی و خیالی نیست. این جهان رؤیاها نیست، توهم نیست و دنیای داستان نیست. فضای بالقوه، و بیش از حد نیست»[[179]](#footnote-179)

حضور در اینترنت، تبادل اطلاعات در شبکه‌‌های اجتماعی و ارتباطات بسیار آسان راه دور، با واژه‌‌های مختلفی نام گذاری شده است از جمله «محیط سایبر»[[180]](#footnote-180)و در «فرهنگ لغات» کلمات دیگر برای «فضای مجازی»[[181]](#footnote-181) فراوان است. لغت نامه آنلاین آکسفورد واژه سایبر اسپیس[[182]](#footnote-182) را این گونه ترجمه کرده است:

فضای مجازی (اسم) محیط تصوری که در آن ارتباط از طریق شبکه‌‌های رایانه‌ای رخ می‌دهد. مثال «فقط چند دقیقه در فضای مجازی ماندم»

واژه سایبر اسپیس این گونه نیز ترجمه شده است: «فضای مجازی» جایی است که ارتباطات آنلاین اتفاق می‌افتد. اگر وقت خود را با دوستان‌تان در اینترنت سپری کرده باشید، در فضای مجازی بوده‌اید.

تعریف رسمی فضای مجازی کاملاً فنی است: «محیط محاوره‌ای که در آن ارتباطات در شبکه‌‌های کامپیوتری اتفاق می‌افتد.» از آنجایی که ویلیام گیبسون نویسنده علمی تخیلی در سال 1982 ساخته شده است، استفاده از فضای سایبری به معنای «آنلاین» یا «اینترنت» محبوب‌‌‌تر است، به خصوص هنگامی که تعاملات اجتماعی رخ می‌دهد. فضای مجازی، مکان ‌‌‌‌تقریباً استعاری است که در آن دو نفر، به طور جداگانه با تایپ کردن صفحه کلید خود، ملاقات و ارتباط برقرار می‌کنند.

محیط سایبر[[183]](#footnote-183) از دید اتحادیه ‌بین‌المللی مخابرات « شامل کاربران، شبکه‌‌ها، دستگاه‌‌ها، تمام نرم‌افزار‌‌ها، پردازش‌‌ها، اطلاعات در ذخیره سازی یا حمل و نقل، برنامه‌‌ها، سرویس‌ها و سیستم‌‌هایی است که می‌توانند به طور مستقیم یا غیر‌مستقیم به شبکه متصل شوند» ما از "وب" و "فضای مجازی" صحبت می‌کنیم: عبارت‌‌هایی که نشان می‌دهد که‌ اینترنت در قلمرو مجازی یا غیر‌جغرافیایی وجود دارد، نه در مکان‌‌هایی که ما می‌توانیم روی یک نقشه اشاره کنیم.[[184]](#footnote-184)

###### 3- محاسن و معایب فضای مجازی

فضای مجازی به‌دلیل الکترونیک بودن از مزایا و معایبی برخوردار است. ازجمله ‌این مزایا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: 1- قابلیت کپی برداری؛ 2- سهولت تغییر و اصلاح در نسخه‌ی کپی و نگه داری نسخه‌ی اصل؛ 3- صعوبت حذف؛ 4- قابلیت ذخیره سازی در مکان‌‌های مختلف سیستم رایانه‌ای بدون آگاهی واردکننده، از جهات ضعف نیز می‌توان به‌ این موارد اشاره نمود:

1- دشواری شناخت پدیدآورنده یا صادرکننده؛ 2- عدم اطلاع از تغییر در داده به دلیل فقدان ابزار خاص و پیشرفته؛ 3- قابلیت بالای حذف داده با نصب یک برنامه نه چندان پیشرفته؛ 4- تأثیر نقص سیستم بر خروجی داده؛ 5- تأثیر ابزارهای پردازشی بر روی اصل داده؛ 6- سهولت دسترسی افراد غیرمجاز به داده؛ 7-کثرت و فراوانی داده به دلیل ذخیره شدن در برخی بخش‌‌های کامپیوتر اعم از کامپیوتر شخصی (pc)، اداری یا منزل، سرورفایل‌‌های شبکه یا سیستم‌‌های بزرگ، پست الکترونیک، نسخه‌‌های پشتیبان، ماشین‌‌های فاکس یا سرورهای فاکس و... 8- کدگذاری داده جهت تخریب.[[185]](#footnote-185) برخی از این ضعف‌ها صحیح است اما بخش‌‌های زیادی از آن به‌دلیل عدم شناخت از رایانه تصور شده ‌‌‌مشکلات است.

###### 4- گستره فضای مجازی در زندگی

فضای مجازی، موبایل و اینترنت، نرم‌افزارهای کاربردی، در تمامی شئون انسانی، دخیل شده و امروزه، فضای واقعی زندگی است همانگونه که انقلاب صنعتی باعث دگرگونی بسیاری در روابط فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، بهداشتی و دیگر شئون زندگی انسانی شد؛ فضای مجازی در ابعادی بسیار وسیع‌‌‌تر، موجب دگرگونی بنیادین شده است تا جائی که برخی از آن با عنوان «انقلاب دیجیتالی» نام می‌برند. این فضای جدید، موجب تغییرات گسترده‌ای در زندگی شده و حتی بسیاری از موضوعات را کاملاً به عکس خود مبدل کرده است.

حق دادرسی عادلانه، به عنوان مصداقی از حقوق بشر نسل اول، از مهم‌‌‌ترین بخش‌‌های حقوق بنیادین انسان‌ها است، که فضای مجازی، می‌تواند نقش بسیاری در تسهیل این دسترسی داشته باشد و با روش‌ها و متدهای علمی، و با ارزان‌‌‌ترین هزینه‌‌ها، قوه‌قضائیه را در تمام ایام و ساعات روز و شب، حتی در تعطیلات، در دسترس مردم قرار دهد و بررسی جهات مختلف مثبت و منفی آن از دیدگاه حقوقی و نقش حقوق‌دانان در عملیاتی کردن آن بسیار مهم است.

###### 5- دو مفهوم دادرسی الکترونیکی؛ ‌اطلاع‌رسانی، عملیاتی

آیا هر آنچه در اینترنت قرار گرفته است به معنای قضاوت در فضای مجازی است و یا اینکه بین آنها تفاوت است در فضای مجازی در موضوعات مختلف تفاوت‌‌های گوناگونی در پرتال‌ها و سایت‌ها وجود دارد.

الف: سایت‌‌های ‌اطلاع‌رسانی

در سایت‌‌های ‌اطلاع‌رسانی در حقیقت طراحان سایت درصدد هستند تا با آشنا کردن افرادی که به سایت مراجعه می‌کنند به روش‌های اداری موجود آنها را راهنمایی نموده که قبل از مراجعه به دادگاه و یا اداره موجود بتوانند اسناد و مدارک و روش‌ها و قوانین را بشناسند. این در حقیقت یک راه عملیاتی است در حالی که در گذشته در سایت‌ها و پورتال‌ها فرم‌‌های پی دی اف[[186]](#footnote-186) و یا ورد[[187]](#footnote-187) و امثال آن‌ها قرار داشت که افراد باید آنها را پر می‌کردند و مدارک را آماده می‌نمودند و سپس برای ثبت نام یا بقیه ‌امور مراجعه می‌کردند.

ب: سایت‌‌های عملیاتی

در جایی که مسأله «عملیات اجرایی» است صفحات طراحی شده در این رابطه به صورتی است که از در خواست تا اقدام نهایی، همه مراحل آن در «فضای مجازی» اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال در امور دانشگاهی، دانشگاه‌ها از پرتال‌ها و سایت‌‌های ‌اطلاع‌رسانی، به سمت عملیاتی رفته‌اند چنان که ثبت‌نام، پذیرش، واریز هزینه‌‌ها، انتخاب واحد، و بسیاری از امور دیگر، از راه دور انجام می‌شود، مقصود ما از دادگاه الکترونیک روش دوم است یعنی روشی که در آن همه فرآیندهای یک دادگاه و یک دادرسی از راه‌دور و در فضای مجازی باشد. لذا لازم است به‌تدریج و مرحله ‌به ‌مرحله و با سرعت، موارد مختلف امور قضایی را به سمت فضای مجازی واقعی حرکت داد.

# **بند** **اول: «حق دادرسی عادلانه» با مدیریت دانش**

امروزه با وجود فضای مجازی، و با وجود دیتابیس‌ها عظیم ملی و سازمانی، می‌توان اقداماتی را در راستای «مدیریت دانش» در جهت «حق دسترسی» مردم به قوه قضائیه انجام داد و دادرسی را به لحظه در اختیار مردم گذاشت، پیش شرط این اقدام، شناخت توانمندی‌‌های فضای مجازی و امکانات موجود، ‌‌‌مشکلات اداری مردم در امور قضائی، ابعاد مختلف یک پرونده و ارتباط آن با فضای مجازی است.

با نگاهی به ظرفیت‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها و داشته‌‌های کشور و قوه قضائیه در سراسر دستگاه قضا و ضابطین (قوانین بسیار خوب، امکانات بسیار عالی، نیروی انسانی دارای مهارت) و با امید الکترونیک شدن واقعی قوه قضائیه، مشارکت مستقیم مردم، کاهش هزینه‌‌ها، از «اطاله دادرسی» پیشگیری گردد.

تامبرلین ج در ارائه خلاصه‌ای از مباحث اصلی و برخی از دلایل اصلی او برای قضاوت در این زمینه (قبل از انتشار دلایل کامل قضاوت) گفت: به دلیل استفاده از فناوری پیشرفته دادگاه... جلسه رسیدگی به مدت نسبتاً کوتاهی به مدت شش هفته کاهش یافت. بدون کمک فناوری و همکاری اصحاب دعوا، جلسه رسیدگی می‌تواند ماه‌‌‌‌‌‌‌‌‌ها طول بکشد.[[188]](#footnote-188) لازم به یاد آوری است در دستگاه قضاء اقدامات الکترونیکی انجام شده، اما مشکل، «تحمیل هزینه» و «رفت‌وآمد» است که اگر با کمترین تغییر در این «روش»، و واگذاری کار از طریق «شبکه ملی اطلاعات» به مردم، (و نه به دفاتر الکترونیک قضایی) بدون دریافت هزینه‌‌های گزاف و اضافی، امور انجام شود، بخش وسیعی از ‌‌‌مشکلات حل خواهد شد و رضایتمندی افزایش خواهد یافت.

با بررسی موانع قانونی و رویه‌ایِ مانع از دسترسی به دادگاه[[189]](#footnote-189) موانع عملی دسترسی به دادگاه[[190]](#footnote-190) هزینه‌‌های عدالت و حمایت حقوقی[[191]](#footnote-191) و مسائل دیگر که مانع دسترسی به کمک‌‌های حقوقی مناسب می‌شوند[[192]](#footnote-192)می‌توان ‌راه‌حل‌‌های مناسب با مدیریت دانش را یافت و این موانع را حل کرد.

# **بند دوم: ‌‌‌مشکلات اسناد کاغذی و سهل بودن الکترونیک**

‌‌‌مشکلات فراوانی که در رابطه با اسناد کاغذی و نگهداری آنها وجود دارد از جستجوی سوابق که در بسیاری از موارد امکان پذیر نیست، پرونده‌‌های گم شده و آتش سوزی‌‌های عمدی و غیرعمدی، می‌تواند بایگانی‌‌های بزرگی را از بین ببرد بسیاری از مواقع اسناد کاغذی سازمان ثبت اسناد و یا دفاتر اسناد رسمی در آتش‌سوزی از بین رفته‌اند و همچنین اسناد بانک‌ها و دیگر مراکز مهم و حتی دادگاه‌ها و دادسراها در روش‌های مختلف اتفاقی و یا عمدی به آتش کشیده شده و از بین برده شده است.

یکی از ‌‌‌مشکلات مکان لازم برای نگهداری آن است، نگهداری اسناد کاغذی فضای فراوانی می‌طلبد و به همین دلیل پس از مدتی اسناد قدیمی‌تر به داخل گونی منتقل می‌شود و پس از مدتی نیز امحا می‌گردد. پیدا کردن و یافتن اسنادی که مربوط به گذشته است کاری بسیار سخت است. این مشکل همواره برای اسناد وجود داشته است. تشخیص اینکه‌ این سند قابل امحا است یا خیر خود یک مسأله و پروسه است که باید به آن توجه داشت. چه بسا برگه‌ای که از دیدگاه یک فرد ارزشی ندارد از دیدگاه صاحب سند یا ذی‌نفع پرونده، برای اثبات حقانیت در یک موضوع و یا دفاع در موضوع دیگر مورد نیاز باشد بنابراین امحا و از بین رفتن اسناد مسأله مهمی است که می‌تواند خسارات غیر‌قابل جبرانی ایجاد کند.

اسناد بسیاری در بانک‌ها و ادارات و دادگاه‌ها در جریان اتفاقات، سیل و زلزله و حوادث طبیعی، جنگ‌ها و... از بین می‌رود در جریان جنگ ایران و عراق زمانی که ارتش صدام به شهرهایی مانند قصرشیرین و خرمشهر حمله کرد و آن را اشغال کرد از معضلاتی که به وجود آمد اسناد کاغذی بانک‌ها بود. اسناد کاغذی بانک‌ها در آن زمان ضرورتی برای امور بود دفترچه حساب پس انداز و یا کارت پس‌انداز مردم همه به صورت کاغذی بود. اوراق و چک‌ها و برگ‌ها تماماً کاغذی بود و با این جنگ‌ها از بین رفت پس از پایان جنگ تا سال‌ها پرونده‌‌های فراوانی در بانک مطرح شده بود که لازم بود با آن به ادعاهای مردم پاسخ داده شود ادعاهایی که گاه سندی از آن در دست فرد صاحب حق وجود داشت و یا اکثر آنها در منازلشان باقی مانده بود و در اثر بمباران‌ها و گلوله باران‌ها از بین رفته بود.

###### 1- خطرات اسناد کاغذی آتش سوزی‌‌های اسناد

30 تیر 1398 این خبر منتشر شد: «اسناد ارزشمند مصدق و کاشانی در آتش سوزی میدان حسن آباد از بین رفت.» سردفتر 39 تهران با اشاره به حادثه آتش سوزی روز چهارشنبه میدان حسن آباد گفت: تعداد دفاتر جاری این دفترخانه که در این حادثه از بین رفته است بیش از 700 دفتر است که اسناد ارزشمندی از جمله سندهای مربوط به‌ آیت الله کاشانی و دکتر مصدق نیز طعمه حریق شدند.

علیرضا پناهی بدون اشاره به علت وقوع این آتش سوزی، اجرای طرح ثبت الکترونیک اسناد را گام بسیار مهمی برای حفاظت اسناد مردم دانست و از اینکه ‌این طرح به طور کامل اجرایی نشده است، انتقاد کرد.[[193]](#footnote-193)

نمونه دیگر 15 تیر 1396 اداره ثبت اسناد و املاک سیاهکل طعمه حریق شد. ساختمان اداره ثبت اسناد و املاک سیاهکل امروز طعمه حریق شد. احمد غیبی افزود: 4 ‌مأمور آتش نشانی با خودرو آتش نشانی در مدت 15 دقیقه‌ این آتش سوزی را مهار کردند. وی اضافه کرد: در این آتش سوزی هیچ‌کس آسیب ندید. مسؤول آتش نشانی شهرداری سیاهکل اعلام کرد: علت حریق و میزان خسارت در دست بررسی است.[[194]](#footnote-194) تفاوتی نمی‌کند که ‌این آتش سوزی‌ها عمدی یا سهوی یا اتفاقی باشد، مهم این است که اسناد کاغذی در معرض تلف است.

###### 2- مشکل امحاء پرونده‌‌های کاغذی

مشکل بزرگتر از آتش سوزی، این است که پرونده‌‌های کاغذی پس از چند سال به بایگانی راکد رفته و در گونی‌ها بر روی هم انباشته می‌شود و دیگر دسترسی به آن‌ها (اگر اصل آن گم نشده باشد) بسیار سخت می‌شود. نکته تلخ‌‌‌تر اینکه، چون پرونده‌ها کاغذی است، قوه قضائیه و دیگر نهاد‌ها به‌امحاء پرونده‌ها اقدام می‌کنند که در بسیاری از آن‌ها حق و حقوقی قابل استناد است که با از بین رفتن آن‌‌ها، دیگر هرگز آن سند یافت نخواهد شد.

06/04/1391 آقای بختیاری وزیر دادگستری در خصوص پرونده‌ها گفت: ساماندهی اسناد و بایگانی‌‌های راکد و تبدیل آن به اسناد الکترونیکی نموده، به نحوی که از مجموع بیش از 163 میلیون فقره پرونده مختومه و موجود قبل و بعد از پیروزی انقلاب در بایگانی‌‌های راکد، حدود 92 میلیون آن پالایش، بیش از 34 میلیون فقره ثبت در رایانه و بیش از 76 میلیون فقره بررسی و امحاء گردیده که از جمله پیامدهای مثبت این اقدام، آزاد شدن بیش از 000/ 51 هزار متر مربع از فضاهای اشغال شده بوده است.[[195]](#footnote-195) اما در اسناد الکترونیک، به هر میزان پیش می‌رویم، هزینه و فضای نگهداری پرونده‌ها کمتر می‌شود و از آن می‌توان چندین پشتیبان (بک آپ) تهیه کردو در چندین نقطه نگاه داشت که حتی در برابر حوادث طبیعی و اتفاقات، مصون باشد.

###### 3- ضرورت تهیه بک آپ قانون تجارت الکترونیکی

اگر اسناد الکترونیک باشد اولین اصل حفاظتی در اطلاعات مسأله گرفتن بکاپ و پشتیبان از اطلاعات است در حالی که در اسناد کاغذی هرچه بیشتر ‌شود فضای بیشتری می‌گیرد. در دیتا و اطلاعات این گونه نیست هر چقدر زمان پیشتر می‌رود امکانات برای ذخیره دیتا، فضای کمتری می‌طلبد ضمن اینکه گرفتن بکاپ از یک پرونده الکترونیک کاملاً امکان‌پذیر است در حالی که اگر قرار باشد از پرونده‌‌های کاغذی کپی تهیه شود به همان میزان باید فضای جدید ایجاد کرد و این نه معقول و نه منطقی است.

اما امروزه وقتی به الکترونیک بودن توجه میشود حساب‌ها در چندین نقطه نگهداری می‌شود و این اسناد می‌تواند در آینده اگر هر اتفاقی برای آن بیفتد در جای دیگری برای سندیت ارائه گردد این مسأله در اسناد دانشگاه‌ها مدارک علمی سند منزل سند مالکیت و دیگر اسناد مورد لزوم نیز وجود دارد و هر کجا این اسناد نیاز باشد در هر زمانی که نیاز باشد می‌توان به آن دسترسی داشت اسناد پزشکی نیز همین گونه است افراد در صورتی که اسناد شان الکترونیک باشد باید اطمینان پیدا کنند که سال‌های سال این اسناد نگهداری می‌شود طبیعی است که اسناد الکترونیک نیز، ‌‌‌مشکلات فراوانی که ممکن است باشند از آن جمله هک و یا تغییر دیتا و امثال آن، اما برای همه ‌اینها نیز روش‌‌های پیشگیری وجود داشته و می‌تواند اطمینان را در آینده حفظ کند.

در اسناد الکترونیک، مشکل بایگانی و گم شدن و آتش سوزی و هرنوع اتفاق دیگری، با ایجاد نسخه‌‌های پشتیبان آنلاین و آفلاین، حل می‌شود ماده 81 قانون تجارت الکترونیکی مقرر می‌دارد: «اصل سازان، مخاطبین، بایگانان، مصرف کنندگان و کلیه کسانی که «داده پیام» دراختیار دارند موظفند «داده پیام»‌‌هائی را که تحت مسؤولیت خود دارند به طریقی نگهداری نموده و پشتوانه[[196]](#footnote-196) تهیه نمایند که در صورت بروز هرگونه خطری برای یک نسخه، نسخه دیگر مصون بماند.[[197]](#footnote-197) این مسأله با توجه به حجم حافظه‌‌های رایانه که به صورت تصاعدی افزایش می‌یابد، هم اینک ‌‌هاردهای tb10 به بازار آمده که ظرفیت چندین اتاق بزرگ بایگانی را با کمترین قیمت دارد و هر نوع سهل انگاری در گرفتن نسخه پشتیبان، «ترک فعل» بوده و خسارت آن غیر‌قابل جبران است.

###### 4- بایگانی و بک آپ اسناد

بند 2 قسمت ت، ماده 38 قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 10/11/1395مقرر می‌دارد «به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود براساس ‌‌‌‌‌آیین‌نامه‌ای که توسط وزیر دادگستری با همکاری معاونت حقوقی قوه قضائیه و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد، اسناد و اوراق پرونده‌‌های قضائی را که نگهداری سوابق آنها ضروری است با استفاده از فناوری‌‌های اطلاعاتی روز، به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس نسبت به ‌امحای آنها براساس ضوابط اقدام نماید. اطلاعات و اسناد تبدیلی در کلیه مراجع قضائی و اداری سندیت داشته و قابل استناد است.

تبصره 1ـ اصل پرونده‌‌های مهم و ملی که جنبه سندیت تاریخی دارد، توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، حفظ و نگهداری می‌شود.

تبصره 2ـ به سازمان تعزیرات حکومتی اجازه داده می‌شود براساس ‌‌‌‌‌آیین‌نامه‌ای که توسط رئیس سازمان پیشنهاد و به تصویب وزیر دادگستری می‌رسد نسبت به اجرای حکم این ماده در مورد پرونده‌‌های تعزیراتی اقدام کند.»[[198]](#footnote-198)

###### 5- الزام بایگانی اسناد الکترونیکی

ماده 8 - هرگاه قانون لازم بداند که اطلاعات به صورت اصل ارائه یا نگهداری شود، این امر با نگهداری و ارائه اطلاعات به صورت داده پیام نیز درصورت وجود شرایط زیر امکان پذیر ‌است:

الف- اطلاعات مورد نظر قابل دسترسی بوده و امکان استفاده درصورت رجوع بعدی فراهم باشد.

ب- داده پیام به همان قالبی (فرمتی) که تولید، ارسال و یا دریافت شده و یا به قالبی که ‌‌دقیقاً نمایشگر اطلاعاتی باشد که تولید، ارسال و یا دریافت شده، نگهداری شود.

ج- اطلاعاتی که مشخص کننده مبداء، مقصد، زمان ارسال و زمان دریافت داده پیام می‌باشند نیز درصورت وجود نگهداری شوند.

د - شرایط دیگری که هر نهاد، سازمان، دستگاه دولتی و یا وزارتخانه درخصوص نگهداری داده پیام مرتبط با حوزه مسؤولیت خود مقرر نموده فراهم شده باشد.[[199]](#footnote-199)

ماده 9 - هرگاه شرایطی به وجود آید که از مقطعی معین ارسال «داده پیام» خاتمه یافته و استفاده از اسناد کاغذی جایگزین آن شود سند کاغذی که تحت این شرایط صادر می‌شود باید به طور صریح ختم تبادل «داده پیام» را اعلام کند. جایگزینی اسناد کاغذی به جای «داده پیام» اثری بر حقوق و تعهدات قبلی طرفین نخواهد داشت. [[200]](#footnote-200)

# **مبحث دوم: سندیت اسناد الکترونیک**

# **بند اول: سندیت رسمی اسناد الکترونیک**

ادله الکترونیکی که شامل داده‌‌های موجود در محیط شبکه‌‌های کامپیوتری و سایبری می‌باشند از مباحث مدرن حقوقی می‌باشند. همین ادله، در موضوع اثبات دعاوی و جرایم، نقش عمده‌ای می‌توانند داشته باشند حتی می‌توان گفت که در بسیاری از موارد، می‌توانند بدون اینکه در دادگاه مطرح گردند از اسناد الکترونیکی اطمینان بخش مهمی در معادلات تجاری منجمله موضوعات تجارت الکترونیک قرار گرفته و یا از آیتم‌‌های مهم، جهت پیشگیری از جرایم احتمالی باشند. این ادله زمانی کارکرد اصلی خود را دارا خواهند بود که علاوه بر دکترین‌‌های حقوقی، در قوانین جاری کشورها نیز جایگاه اصلی خود را داشته باشند.[[201]](#footnote-201)

###### 1- معنای سند

سند از جمله مهمترین ادله اثبات دعوی در امور مدنی محسوب می‌شود. ماده 1284 قانون مدنی در تعریف سند بیان می‌دارد: «سند عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.» بنابراین طبق این تعریف، دو عنصر «نوشته بودن» و «قابل استناد بودن در مقام دعوی و دفاع» از ارکان متشکله سند محسوب می‌شود.

###### 2- واژه سند و مترادف‌‌های آن و برخی اسناد رسمی

سند[[202]](#footnote-202) و انواع آن؛ سند حقوقی،[[203]](#footnote-203) قرارداد،[[204]](#footnote-204) توافق نامه حقوقی،[[205]](#footnote-205)سند مالکیت،[[206]](#footnote-206) پیمان نامه،[[207]](#footnote-207)سند رسمی،[[208]](#footnote-208)مقررات،[[209]](#footnote-209)گذرنامه،[[210]](#footnote-210) برگه‌‌های کشتی،[[211]](#footnote-211) مانیفست - لیست محتویات قرار داده شده در یک کشتی یا هواپیما،[[212]](#footnote-212) نامه‌‌های اداری[[213]](#footnote-213) و بسیاری از واژه‌‌های دیگر که در زمینه اسناد در زبان انگلیسی و فارسی به‌کاربرده می‌شود.

###### 3- قانون گذاری در اسناد و تجارت الکترونیک

تجارت الکترونیکی با سرعتی شگفت‌انگیز در حال گسترش بوده و می‌توان گفت که ‌امروزه استفاده از وسایل الکترونیکی در جریان مذاکرات پیش از قرارداد، انعقاد قرارداد و حتی اجرای آن (مانند موردی که شخصی از طریق اینترنت نرم‌افزاری را از دیگری می‌خرد) در بسیاری از کشور‌ها به ‌امری طبیعی و بدیهی تبدیل شده است. صرفه‌جویی در وقت و کاهش هزینه‌ها (مثلاً به دلیل حذف واسطه‌‌ها)که از فواید تجارت الکترونیکی به شمار می‌آیند محبوبیت روز افزون ابزار و شبکه‌‌های الکترونیکی مانند اینترنت را در میان تجار و مصرف کنندگان در پی داشته‌اند: تولید کننده قادر است با استفاده از پایگاه (سایت) اینترنتی خود به تبلیغ کالاهایش پرداخته و تجار دیگر یا مصرف‌کنندگان را از خصوصیت آنها آگاه سازد. ارائه دهندگان خدمات نیز از چنین امکانی برخوردار هستند. بنابر این به طور طبیعی تجارت الکترونیکی جایگزین تجارت سنتی شده و به جرأت می‌توان گفت که در آینده‌ای نزدیک، تنها اثری ناچیز از شیوه‌‌های مرسوم تجارت بر جای خواهد ماند. واقعیت فوق الذکر، قانونگذاران کشور‌‌های مختلف را بر آن داشته است که در جهت تنظیم و قانونمند کردن روابط کاربران اینترنت و دیگر ابزار «جامعه اطلاعاتی»[[214]](#footnote-214)به تکاپو افتاده و قوانین و مقررات متنوعی را در این زمینه وضع نمایند. در نتیجه، «تعاملات[تراکنش‌‌های] الکترونیکی»[[215]](#footnote-215) داخلی اشخاص از نظر وجود قانون با مشکلی مواجه نیست؛ کما اینکه در جمهوری اسلامی ایران نیز قانون تجارت الکترونیکی در سال 1382 به تصویب رسیده است.

###### 4- عدم عنوان صحیح «قانون تجارت الکترونیکی» و تبدیل به «قانون سندیت اسناد الکترونیکی»

عنوان قانون تجارت الکترونیکی، به صورتی صحیح و مناسب برای قانون مذکور انتخاب نشده است: از آنجا که تجارت، تاجر و معاملات تجاری در نظام حقوقی کشور ما مفاهیم ویژه ای دارند، این پرسش به میان می آید که آیا قانون شامل غیر تاجر هم می شود؟ به نظر ما با توجه به مواد مختلف این قانون و بخصوص ماده یک که اشعار می دارد «این قانون مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسط های الکترونیکی و با استفاده از سیستم های ارتباطی جدید به کار می رود» ،پاسخ پرسش مورد نظر مثبت است. بنابراین بهتر است عنوان قانون به «قانون تعاملات(تراکنش های) الکترونیکی» تغییر یابد تا اولا: شبهه مذکور برطرف گردد؛ و ثانیا: تمامی روابط کاربران اعم از قراردادی و غیر آن مشمول قانون مذکور شود.[[216]](#footnote-216)

###### 5- تعریف واژه‌‌های سند الکترونیک در قانون ایران

در ماده 2 قانون تجارت الکترونیکی مصوب 17/10/1382 واژه‌‌های مرتبط با سند الکترونیک بدین شرح آمده است: (توجه به ‌این نکته ضروری است که در متن قانون، واژه‌‌های انگلیسی مترادف آورده شده است تا از تفسیرهای اشتباه پیشگیری شود و ما نیز ‌عیناً همان متن قانون با واژه‌‌های انگلیسی را آوردیم)

فصل دوم – تعاریف، ماده 2 - الف - «داده پیام» (Data Message): هرنمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوری‌‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود.

ب- «اصل ساز» (Originator): منشأ اصلی «داده پیام» است که «داده پیام» به وسیله او یا از طرف او تولید یا ارسال می‌شود اما شامل شخصی که درخصوص «داده پیام» به عنوان واسطه عمل می‌کند نخواهد شد.

ج- «مخاطب» (Addressee): شخصی است که اصل ساز قصد دارد وی «داده پیام» را دریافت کند، اما شامل شخصی که در ارتباط با «داده پیام» به عنوان واسطه عمل می‌کند نخواهد شد.

د- «ارجاع در داده پیام» (Incorporation By Reference): یعنی به منابعی خارج از«داده پیام» عطف شود که درصورت مطابقت با ماده (18) این قانون جزئی از «داده پیام» محسوب می‌شود.

ه- «تمامیت داده پیام» (Integrity): عبارت است از موجودیت کامل و بدون تغییر«داده پیام». اعمال ناشی از تصدی سیستم از قبیل ارسال، ذخیره یا نمایش اطلاعات که به طور معمول انجام می‌شود خدشه‌ای به تمامیت «داده پیام» وارد نمی‌کند.

و- «سیستم رایانه‌ای» (Computer System): هرنوع دستگاه یا مجموعه‌ای از دستگاه‌‌‌های متصل سخت افزاری - نرم‌افزاری است که ازطریق اجرای برنامه‌‌های پردازش خودکار «داده پیام» عمل می‌کند.

ز- «سیستم اطلاعاتی» (Information System): سیستمی برای تولید ( اصل سازی)، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش «داده پیام» است.

ح- «سیستم اطلاعاتی مطمئن» (Secure Information System): سیستم اطلاعاتی است که:

1- به نحوی معقول در برابر سوء استفاده و نفوذ محفوظ باشد.

2- سطح معقولی از قابلیت دسترسی و تصدی صحیح را دارا باشد.

3- به نحوی معقول متناسب با اهمیت کاری که انجام می‌دهد پیکربندی و سازماندهی شده باشد.

4- موافق با رویه ‌ایمن باشد.

ط- «رویه ‌ایمن» (Secure Method): رویه‌ای است برای تطبیق صحت ثبت «داده پیام»، منشأ و مقصد آن با تعیین تاریخ و برای یافتن هرگونه خطا یا تغییر در مبادله، محتوا و یا ذخیره سازی «داده پیام» از یک زمان خاص. یک رویه ‌ایمن ممکن است با استفاده از الگوریتم‌‌‌ها یا کدها، کلمات یا ارقام شناسائی، رمزنگاری، روش‌‌‌های تصدیق یا پاسخ برگشت و یا طرق ایمنی مشابه انجام شود.

ی- «امضای الکترونیکی» (Electronic Signature): عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به «داده پیام» است که برای شناسائی امضاء کننده«داده پیام» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ک- «امضای الکترونیکی مطمئن» (Secure/Enhanced/Advanced Electronic Signature): هر امضای الکترونیکی است که مطابق با ماده (10) این قانون باشد.

ل- «امضاء کننده» (Signatory): هر شخص یا قائم مقام وی که‌ امضای الکترونیکی تولید می‌کند.

م- «شخص» (Person): اعم است از شخص حقیقی و حقوقی و یا سیستم‌‌های رایانه‌ای تحت کنترل آنان.

ن- «معقول» ( سنجش عقلانی)، (Reasonableness Test): با توجه به اوضاع و احوال مبادله «داده پیام» از جمله: طبیعت مبادله، مهارت و موقعیت طرفین، حجم مبادلات طرفین در موارد مشابه، در دسترس بودن گزینه‌‌های پیشنهادی و رد آن گزینه‌ها از جانب هر یک از طرفین، هزینه گزینه‌‌های پیشنهادی، عرف و روش‌‌‌های معمول و مورد استفاده در این نوع مبادلات، ارزیابی می‌شود.

س- «مصرف کننده» (Consumer): هر شخصی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه‌ای اقدام می‌کند.

ع- «تأمین کننده» (Supplier): عبارت از شخصی است که بنا به اهلیت تجاری، صنفی یا حرفه‌ای فعالیت می‌کند.

ف- «وسائل ارتباط از راه دور» (Means Of Distance Communication): عبارت از هر نوع وسیله‌ای است که بدون حضور فیزیکی همزمان تأمین کننده و مصرف کننده جهت فروش کالا و خدمات استفاده می‌شود.

ص- «عقد از راه دور» (Distance Contract): ایجاب و قبول راجع به کالاها و خدمات بین تأمین کننده و مصرف کننده با استفاده از وسائل ارتباط از راه دور است.

ق- «واسط با دوام» (Durable Medium): یعنی وسائلی که به موجب آن مصرف کننده بتواند شخصاً «داده پیام»‌‌های مربوطه را بر روی آن ذخیره کند از جمله شامل فلاپی دیسک، دیسک فشرده، دیسک سخت و یا پست الکترونیکی مصرف کننده.

ر- «داده پیام‌‌های شخصی» (Private Data): یعنی «داده پیام»‌‌های مربوط به یک شخص حقیقی ( موضوع «داده» Data Subject) مشخص و معین.[[217]](#footnote-217)

# **بند دوم: قوانین سندیت اسناد الکترونیک**

###### 1- سندیت اسناد الکترونیکی

یکی از مسائلی که همچنان در پرونده‌ها دیده می‌شود، سندیت اسناد الکترونیک است، ‌‌‌خصوصاً آن که تصور می‌شود، این اسناد به راحتی قابل جعل هستند، در حالی که اگر این اسناد «بر خط online » باشند جعل در آن‌ها بسیار سخت است، قانون گذار در بسیاری از موارد، سندیت این اسناد را تصریح کرده است ازجمله فصل سوم قانون جرائم رایانه‌ای به استناد پذیری ادله الکترونیکی پرداخته و در ماده 49 مقرر داشته است: به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری ادله الکترونیکی جمع‌آوری شده، لازم است مطابق ‌‌‌‌‌آیین‌نامه مربوط از آنها نگهداری و مراقبت به عمل آید. همچنین در ماده50 این گونه آورده است: چنانچه داده‌‌های رایانه‌ای توسط طرف دعوا یا شخص ثالثی که از دعوا آگاهی نداشته، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شده باشد و سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی مربوط به نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری داده‌ها خدشه وارد نشده باشد، قابل استناد خواهد بود.

ماده 655ـ در هر مورد که به موجب قوانین آیین دادرسی و سایر قوانین و مقررات موضوعه اعم از حقوقی و کیفری، سند، مدرک، نوشته، برگه اجرائیه، اوراق رأی، امضا، اثر انگشت، ابلاغ اوراق قضایی، نشانی و مانند آن لازم باشد صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی آن حسب مورد با رعایت سازوکارهای امنیتی مذکور در مواد این قانون و تبصره‌‌های آن کافی و معتبر است.

تبصره 1ـ در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی حقوقی و کیفری و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود. قوه قضائیه موظف است سامانه‌‌های امنیتی لازم را جهت تبادل امن اطلاعات و ارتباطات بین اصحاب دعوی، کارشناسان، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، ضابطان و مراجع قضایی و سازمان‌‌های وابسته به قوه قضائیه ‌ایجاد نماید.[[218]](#footnote-218)

###### 2- قانون تجارت الکترونیکی سندیت اسناد الکترونیکی

سه شرط قانونی اعتبار سند الکترونیک در آمده است:

ماده 11- سابقه الکترونیکی مطمئن عبارت از «داده پیام»ی است که با رعایت (1-) شرایط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن ذخیره شده و(2-) به هنگام لزوم در دسترس و(3-) قابل درک است.[[219]](#footnote-219)

فصل دوم - پذیرش، ارزش اثباتی و آثار سابقه و امضای الکترونیکی مطمئن

ماده 12- اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان براساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی «داده پیام» را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد.

ماده 13- به طور کلی، ارزش اثباتی «داده پیام»‌ها با توجه به عوامل مطمئنه ازجمله تناسب روش‌‌‌های ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور مبادله «داده پیام» تعیین می‌شود.

ماده 14- کلیه «داده پیام»‌‌هائی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده‌اند از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می‌شوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضائی و حقوقی است.

###### 3- قانونی بودن اسناد الکترونیک

پذیرش سندیت اسناد الکترونیک، قانونی و الزامی است و نیازی به کاغذ و مراجعه و مهر و امضاء و تاریخ و شماره سنتی وجود ندارد زیرا همه ‌این موارد با دقت بالا در همان سند الکترونیک هست به عنوان نمونه تاریخ درج شده در سند الکترونیک، با محاسبه سال، ماه، روز، ساعت، دقیقه و میلی‌ ثانیه است ضمن اینکه تاریخ و شماره الکترونیک، غیر‌قابل جعل و تغییر است. روش کنونی در سندیت کاغذی بسیاری از دستگاه‌‌‌های اجرائی و از جمله قضائی اشتباه است، نامه‌‌های اداری را با روش زیر است:

1- پیش نویس کاغذی

2- تایپ

3- سپس چند بار اصلاح می‌شود

4- پرینت

5- سپس شماره وتاریخ دبیرخانه

6- آنگاه اسکن می‌شود و به رایانه وارد می‌گردد

7- سپس با ای اورگ[[220]](#footnote-220)یا از طریق سامانه دولت، ارسال می‌شود

8- و مجدداً در مقصد پرینت می‌گیریم و. ..

این روش، اقدام الکترونیک نیست و اتلاف منابع است، همان متن از طریق سایت، ای اورگ، ایمیل و امثال آن، بلافاصله، ارسال کرد و اصلا نیازی به پرینت ندارد.

###### 4- دیتا یا پرینت ممهور به مهر

یکی از اسنادی که ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً در دعاوی مالی درخواست می‌شود اسنادی است از قبیل فیش حقوق، گزارش گردش مالی حساب و امثال آن‌ها است که در اثبات تمکن یا اعسار و یا دعاوی چک و امثال آن‌ها انجام می‌شود، و برای این کار، یک کاغذ استعلامی در کامپیوتر می‌زنند و آن را شماره و مهر می‌کنند و به بانک یا کارگزینی می‌فرستند آن‌ها هم آن را استعلام می‌کنند و پرینت می‌گیرند و مهر و امضاء می‌کنند و برمی‌گردانند و در پرونده استناد می‌شود. این درحالی است که آنچه ارزش دارد اصل دیتای موجود است و این پرینت‌ها فقط می‌تواند شاهدی بر آن دیتا‌ها باشد.

بنابراین اگر همین یک جمله ساده را در سندیت دیتا، قوه قضائیه و بانک‌‌‌ها می‌پذیرفتند که دیتا تبادل نمایند و استعلام‌ها به صورت تمام الکترونیک (نه اسکن نامه‌ی ‌امضاء دار) تبادل می‌شد، زمان دادرسی به یک ساعت تقلیل می‌یافت. اما به ‌دلیل اینکه در ذهن بسیاری از مدیران و قضات، همچنان کاغذ سند است، در چرخش این اسناد، ماه‌‌‌ها طول می‌کشد، و در برخی موارد جعل می‌شود و اعداد و ارقام بالا و پایین می‌گردد.

###### 5- مواد قانونی پذیرش سندیت اسناد الکترونیک

ما مواد قانونی بسیاری برای پذیرش سندیت اسناد الکترونیک داریم و مهمتر، عرف عقلا، در تمامی زندگی خود، بر اساس اسناد الکترونیک عمل می‌کنند، حتی متعصب‌‌‌ترین قضاتی که سند را فقط کاغذ می‌دانند از زمانی که پیامک و شبکه‌‌های مجازی آمده، تا امروز، زندگی خود را بر اساس این سند تنظیم کرده‌اندو هر آنچه در آن می‌آید، موجب تصمیمی برای آن‌ها می‌شود و حتی در «حقوق جزا» که لازم است «تفسیر مضیق به نفع متهم» باشد، چنانچه با یک پیامک یا پیام در شبکه‌‌های اجتماعی یا سایت‌ها مورد اهانت و یا تهمت و... قرار گیرند شکی در سندیت آن نمی‌کنند و می‌توانند شکایت کنند در حالی که بر اساس اندیشه ‌این اشخاص، سندی مبنی بر اهانت یا جرم وجود ندارد‌‌‌! در عرف عقلا، نیازی به قانون جدید برای سندیت وجود ندارد اما قانونگذار، از همان سال‌‌های اولیه، در جهت تسهیل پذیرش سندیت اسناد الکترونیک، قوانین متقن و قوی را نوشته است که همچنان برخی قضات، از پذیرش آن، استنکاف می‌کنند.

###### 6- سندیت اسناد الکترونیک در قانون برنامه پنجم

بر اساس قانون برنامه توسعه پنجم، اسناد الکترونیک، در حکم اسناد کاغذی است و ماده 48 این قانون، بسیاری از سوء برداشت‌‌‌‌ها از سندیت یا عدم سندیت اسناد الکترونیک (از قبیل تراکنش‌‌های بانکی، موبایل، فیلم و...) را برطرف کرده است و سخت‌گیرترین حقوقدانان، در برابر صراحت بند ب ماده 48 این قانون، نمی‌توانند استدلالی داشته باشند و اسناد الکترونیک را نپذیرند.

نکته بسیار مهم این که، با جمع بین ماده 48 این قانون و ماده 1287 قانون مدنی، اسناد الکترونیک، مانند اسناد کاغذی، می‌توانند سند رسمی باشند به عنوان مثال اطلاعات منتشره از سوی سازمان‌‌‌‌های دولتی در سایت‌‌‌‌های آن‌‌‌‌ها که در محدوده مسؤولیت‌شان باشد، سند رسمی است، فرضاً اعلام اسامی قبول شدگان دانشگاه، مسکن مهر، بدهکاران بانکی، ممنوع‌الخروج‌‌‌‌های مالیاتی، مفاصا حساب و... اما چرا همچنان اسناد کاغذی اصل است و مهر و امضاء و اثر انگشت می خواهند؟ و چرا همچنان مردم را بین ادارات سر می‌دوانند؟

###### 7- سندیت اسناد الکترونیک در قانون برنامه ششم

بند ج‌ ماده68 قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400ـ 1396)[[221]](#footnote-221) مقرر می‌دارد به منظور توسعه دولت الکترونیک و عرضه خدمات الکترونیکی و نیز توسعه و استقرارخزانه‌داری الکترونیکی و اصالت بخشیدن به اسناد الکترونیکی از جمله اسناد مالی و حذف اسناد کاغذی در هر موردی که به موجب قانون، تنظیم اوراق یا اسناد، صدور یا اعطای مجوز، اخطار و ابلاغ، مبادله وجه، استعلام و مانند آن ضروری باشد، انجام الکترونیکی آن با رعایت مفاد قانون تجارت الکترونیکی مصوب 17/10/1382 معتبر بوده و کفایت می‌نماید.

الف ـ به منظور ایجاد نظام اطلاعات استنادپذیر الکترونیکی و کمک به مقابله با جعل، از پایان سال دوم اجرای قانون برنامه دستگاه‌‌‌‌های اجرائی، واحدهای زیر نظر مقام رهبری اعم از نظامی و غیرنظامی با موافقت ایشان، شوراهای اسلامی شهر و روستا و مؤسسات خصوصی حرفه­ای عهده‌دار ‌مأموریت عمومی با رعایت مصوبات شورای عالی فضای مجازی، مکلفند استعلامات هویت اشخاص حقیقی، کالا و خدمات، دارائی‌‌های منقول و غیرمنقول (از جمله ملک، وسایل نقلیه و اوارق بهادار) و نشانی مکان محور را به صورت الکترونیکی و براساس مفاد نقشه جامع دولت الکترونیک کشور در چهارچوب قانون انجام دهند.

###### 8- کنوانسیون 2005 سازمان ملل در سندیت اسناد الکترونیک تجاری

با توجه به پدیده جدیدی که در جهان به نام اینترنت در حال فراگیری بود، مسأله سندیت اسناد الکترونیک و معتبر بودن آن‌ها در معاملات تجاری مطرح شد و ‌‌‌خصوصاً در زمینه معاملات ‌بین‌المللی که ‌اینک به آسانی صورت می‌گرفت، اعتبار آن‌ها در حد اسناد امضاء شده کاغذی مورد سؤال بود و حقوق دانان و فعالان عرصه‌‌های مختلف را در برابر این مسأله به چالش کشیده بود و ‌‌‌‌طبعاً عده‌ای موافق و مخالف داشت.

همچنانکه در سطح علمی و دانشگاهی نیز، در خصوص استفاده مقالات و ‌پایان‌نامه‌‌ها، از آدرس‌‌های اینترنتی، بحث و اختلاف نظر وجود داشت و بخشی از اساتید، آن را به عنوان یک منبع علمی نمی‌پذیرفتند و تنها بر اساس کتاب و نشریه چاپ شده مورد قبول ایشان بود.

این وضعیت در همه شؤون بانکی، مالی، مراودات اجتماعی مردم و همه زمینه‌ها مورد مناقشه بود و تعدادی همان ابتدا همه ‌این پدیده را پذیرفتند و تعداد فراوانی، به تدریج به آن اعتماد کردند و اشخاصی در همه رده‌‌های علمی و اجتماعی هستند که همچنان در برابر این تکنولوژی‌ها مقاومت می‌کنند هر چند تعداد آن‌ها هر روزه کمتر می‌شود. دامنه ارتباطات کاربران شبکه‌‌های الکترونیکی به داخل مرز‌‌های یک کشور محدود نشده و ماهیت بدون مرز[[222]](#footnote-222) شبکه‌ای مانند اینترنت اشخاصی از سراسر جهان را گردهم آورده است: پایگاه ‌اینترنتی فروشنده به طور شبانه‌روزی و در تمامی نقاط کره زمین قابل مشاهده است و چه بسا متقاضی کالا یا خدمات در کشوری دیگر قرار داشته باشد. پرسش این است که روابط اشخاصی را که در کشور‌‌های متفاوت قرار دارند چگونه باید تنظیم نمود؟ تردید در این خصوص موجب بی رغبتی تجار و مصرف کنندگان نسبت به ‌اینترنت شده و به کند شدن روند تجارت الکترونیکی خواهد انجامید.

در پاسخ به دغدغه فوق، آنسیترال (کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد است که با قطعنامه 2205 در 17 دسامبر 1966 تأسیس شده ‌است)[[223]](#footnote-223) در سال 2005 (کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای ‌بین‌المللی)[[224]](#footnote-224) را تهیه کرده که مجمع عمومی سازمان ملل نیز آن را تصویب نموده است.[[225]](#footnote-225)

این کنوانسیون، با ذکر جزئیات اسناد الکترونیک را مورد بحث قرر داد:

فصل سوم- به کارگیری ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای ‌بین‌المللی[[226]](#footnote-226)

ماده 8- شناسائی قانونی ارتباطات الکترونیکی[[227]](#footnote-227)

ماده 9- الزامات شکلی[[228]](#footnote-228)

ماده 10- زمان و مکان ارسال و دریافت ارتباطات الکترونیکی[[229]](#footnote-229)

ماده 11- دعوت به ‌ایجاب[[230]](#footnote-230)

ماده 12- به کارگیری سیستم‌‌‌‌‌های پیغام خودکار جهت انعقاد قرارداد[[231]](#footnote-231)

ماده 13- قابلیت دسترسی به مفاد قرارداد[[232]](#footnote-232)

ماده 14- اشتباه در ارتباطات الکترونیکی[[233]](#footnote-233)

###### 9- سندیت اسناد شبکه‌‌های اجتماعی علیه متهمین

در حالی که «تفسیر مضیق به نفع متهم»، هر دلیل مشکوکی را کنار می‌گذارد، اما سندیت اسناد الکترونیک، تا حدی پذیرفته شده است که حتی در اتهامات و جرائم، مورد استناد قرار می‌گیرد. بر همین اساس، ‌‌وکلای متهمین، توصیه به «انکار» نمی‌کنند بلکه به «ازبین بردن» آن اسناد مشورت می‌دهند.

در مقاله «دادگاه‌ها همه یک توییتر هستند: پیامدهای استفاده از رسانه‌‌های اجتماعی در دادگاه‌‌ها» آمده است: «اگر هیأت منصفه در حال تحقیق در مورد جزئیات پرونده هستند و هیأت منصفه در حال تحقیق در مورد وکالت احتمالی هستند، به هیچ وجه تکان دهنده نیست که قضات در حال تحقیق طرفین و شاهد در سایت‌‌های رسانه‌‌های اجتماعی هستند. این شرایط تحقیقاتی خارج از کشور این سؤال را ایجاد می‌کند: آیا دسترسی به سایت‌‌های رسانه‌‌های اجتماعی برای استفاده در دادگاه و تصمیم گیری مناسب است؟ در این صورت، ‌‌وکلای دادگستری باید مشاوره را به مشتریان ارائه دهند تا سایت‌‌‌‌‌های رسانه‌‌های اجتماعی خود را از بین ببرند.»[[234]](#footnote-234) هر چند در عمل، از بین بردن این اسناد، امکان پذیر نیست و در ده‌ها نقطه‌اینترنت نگهداری شده است و با حکم قاضی، به آن دسترسی خواهند داشت.

###### 10- استفاده از اسناد و شواهد دیجیتال در دیگر کشورها

شرلی جکسون در «چالش‌‌های جدید برای رسیدگی به پرونده عصر الکترونیک» در خصوص دادگاه استرالیا می‌نویسد: «مجموعه‌ای از ویژگی‌‌های دیگر ممکن است در مجموعه‌ای برای آزمایش الکترونیکی گنجانده شود سیستم مورد استفاده برای تحقیق در مورد فاجعه راه آهن گلنبروک امکان افزودن شواهد صوتی (شامل ضبط از اپراتورهای سیگنال و رانندگان قطار) به صورت رسمی دیجیتالی را فراهم می‌کند که از طریق پایگاه داده قابل دسترسی است. یکی دیگر از محاکمات عمومی که در دادگاه الکترونیکی انجام شد، پرونده گروه بل بود: طولانی‌‌‌ترین محاکمه مدنی در تاریخ استرالیای غربی و بزرگترین ادعای بازیابی استرالیا، به عنوان مثال، در محاکمه آن پرونده، از امکانات ویدئو کنفرانس که برای آوردن شاهدان از هرجای دنیا به اتاق دادگاه استفاده می‌شد، استفاده می‌شد، گویا در حال صحبت با دادگاه بودند.[[235]](#footnote-235)

# **بند سوم: سند رسمی بودن اسناد الکترونیکی**

فصل دوم قانون تجارت الکترونیکی، پذیرش، ارزش اثباتی و آثار سابقه اسناد الکترونیکی مطمئن را بیان کرده و سه شرط قانونی اعتبار سابقه سند الکترونیک در ماده 11 قانون تجارت الکترونیکی آمده است.

ماده 11- سابقه الکترونیکی مطمئن عبارت از «داده پیام»ی است که با رعایت 1- شرایط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن ذخیره شده و2- به هنگام لزوم در دسترس و3- قابل درک است.[[236]](#footnote-236)

در فصل دوم با عنوان «پذیرش، ارزش اثباتی و آثار سابقه و امضای الکترونیکی مطمئن» به صراحت سند الکترونیک را با تعاریف و مشخصات سند رسمی ذکر کرده است.

ماده 12- اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان براساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی «داده پیام» را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد.

به نظر نمی‌رسد بتوان در برابر صراحت این ماده مبنی بر الزام قضات، به پذیرش سند الکترونیک، کمترین تردیدی داشت و اگر پذرش نمی‌شود، به ‌دلیل جمود بر روش‌‌های قدیمی است، قانون صراحت دارد و در ماده بعد، مجدداً تأکید کرده است:

ماده 13- به طور کلی، ارزش اثباتی «داده پیام»‌ها با توجه به عوامل مطمئنه از جمله تناسب روش‌‌‌‌‌های ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور مبادله «داده پیام» تعیین می‌شود.

در این ماده، ارزش اثباتی را به اطمینان به روش‌‌های فنی و عرفی موکول کرده است و در ماده 14، اجرای آن را در حد سند رسمی تأکید کرده است:

ماده 14- کلیه «داده پیام»‌‌هائی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده‌اند از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می‌شوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضائی و حقوقی است.

###### 1- عدم انکار و تردید در اسناد الکترونیک

در ماده 15- قانون تجارت الکترونیکی، تمام مشخصات سند رسمی ذکر شده است «نسبت به «داده پیام» مطمئن، سوابق الکترونیکی مطمئن و امضای الکترونیکی مطمئن انکار و تردید مسموع نیست و تنها می‌توان ادعای جعلیت به«داده پیام» مزبور وارد و یا ثابت نمود که «داده پیام» مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.

ماده 16- هر «داده پیام»ی که توسط شخص ثالث مطابق با شرایط ماده (11) این قانون ثبت و نگهداری می‌شود، مقرون به صحت است.

منطوق ماده 15، عدم مسموع بودن انکار و تردید را، تأکید کرده است و این همان مفهوم «سند رسمی» است، که در ماده 1292 قانون مدنی آمده است «در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.»

کافی است به ‌این ماده قانونی عمل شود و کلیه پلت فرم‌‌های مطمئن، ‌مأمور دولتی در محدوده صلاحیت خود باشند تا رسمیت قطعی، عملی گردد.

###### 2- رسمیت بخشیدن به پلت فرم‌ها و دیتابیس‌‌ها

چگونه می‌توان کلیه اسناد الکترونیک را رسمی کرد؟ حتی اگر قوانین فوق را نپذیریم؟ (آیا در برابر صراحت مواد فوق، می‌توان تردید کرد؟) لازم است به مفهوم «نزد ‌مأمورین» در ماده 1287 قانونی مدنی و به جزئیات آن، دقت شود مسأله را حل خواهد کرد، سندیت اسناد الکترونیک نزد ‌مأمورین رسمی دولت، بدون هزینه برای دولت و با «بخش خصوصی واقعی» یعنی خود مردم قابل انجام است بدین صورت که کلیه پلتفرم‌ها از قبیل فروشگاه‌ها و بانک‌ها و امثال آنها مورد تأیید و ‌مأموریت از سوی دولت باشد همچنین نیازمند آن است که مفهوم دیتا به درستی درک شود، بنابراین، کلیه اسنادی که در سایت‌‌های دولتی است (مانند سایت سازمان سنجش و یا سایت بیماران کرونا در وزارت بهداشت و ده‌‌‌‌‌ها سایت عملیاتی و ‌اطلاع‌رسانی دیگر در دولت به معنای عام، همگی سند رسمی است).

همچنین اگر چنانچه دیتابیس‌ها و پلتفرم‌‌های مختلفی همچون شاپرک، (در این صورت اگر بر روی یک پوز در یک مغازه کوچک سندی صادر می‌شود، یا از طریق اینترنت نقل و انتقال وجه صورت بگیرد، به عنوان سند رسمی باشد و تمامی ارزش آن را داشته باشد و نیاز به مهر و امضا و امثال آن نداشته باشد) نرم‌افزارهای بانکی، دیجی کالا، اسنپ و امثال آنها مورد تأیید و ‌مأمور دولت باشند یعنی زمانی که کار خود را انجام می‌دهند و دیتایی که می گیرند مورد پذیرش واقع شود، مانند بقیه اسناد کاغذی، و یا اسناد الکترونیکی که دفاتر الکترونیک دریافت می‌کنند سند رسمی خواهد بود و این سند رسمی نیازمند کاغذ و هولوگرام و امضاء نیست و می‌تواند زیربنای همه محاسبات و دعواها و اسناد ارائه شده به دادگاه‌ها و شبه‌دادگاه‌ها به صورت دیتا و آنلاین باشد نه ‌اینکه پرینت بگیرند و مهر و امضا کنند و به دادگاه ارائه دهند.

قانون تجارت الکترونیک علاوه بر بیان مقررات خاص تجارت الکترونیکی، به قواعد ویژه‌ای که مربوط به دلایل استنادی خاص IT است نیز اشاره دارد که مسائل آن را به نحو زیر می توان تقسیم بندی نمود:

ارزش اثباتی داده پیام؛ از مسائلی که بعد از این باید مورد توجه محاکم قرار گیرد داده پیام است؛ زیرا هیچ دادگاه با اداره‌ای نمی‌تواند به ارزش وجودی آن اعتنا نکند. قواعد عام دادرسی شامل اموری می‌شود که در دعاوی مرتبط با فناوری اطلاعات حسب مورد کاربرد دارند. این قواعد برخی راجع به ادله اثبات دعوای مرتبط با IT است و برخی جنبه ‌بین‌المللی دادرسی مرتبط با IT را را در برمی‌گیرد.[[237]](#footnote-237)

###### 3- ارجحیت اسناد الکترونیک بر بقیه ادله اثبات

ادله اثبات دعوی، رده بندی می‌شوند و هرکدام ارزش افزون بر دیگری دارند. از آنجا که ادله می‌تواند، شک‌آفرین، ظنی و یا علمی باشد، ارزش آن متفاوت است، بالاترین ادله اقرار، و علم قاضی است، اما همه ‌این‌ها در برابر ابزار الکترونیک هیچ ارزشی ندارد و کنار گذاشته می‌شود.

اشتباه قاضی، امری است که در نظام عقلا و در همه پرونده‌‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، ورزشی و... پذیرفته شده است برای آن که کمتر شود، در روش سنتی، راه‌‌هائی را در نظر گرفته‌اند، به عنوان مثال (و فقط به عنوان مثال) ورزش‌‌های مختلف، داورانی دارد که نسبت به حق و حقوق تیم‌ها اظهار نظر می‌کنند و نظرات آنان در سرنوشت تیم ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر است، در ورزش والیبال، ‌‌‌‌‌قبلاً یک قاضی وجود داشت، تعداد آن را به سه نفر رساندند، و کنار خط نیز قاضی دیگری نشاندند اما همچنان اشتباهات، ادامه یافت‌‌‌!

اینک، با استفاده از نرم‌افزارها و دوربین‌‌های الکترونیک با دقت صد در صد، علم عرفی به قاضی ارائه می‌شود که آیا نظر وی صحیح بوده یا خیر، و جالب آنکه در عرف عقلاء هیچ قاضی‌ای در برابر این دستگاه‌ها به شهادت عینی خود اصرار نمی‌کند، یا در فوتبال، دستگاه‌های الکترونیک بر مشاهده پنج قاضی مقدم است، حال اگر در یک دعوای دسته جمعی فیلمی وجود داشته باشد، که قاعده لوث را از بین می‌برد ‌‌‌‌‌قطعاً آن فیلم بر همه ادعاها و حتی اقرار قاتل مقدم است‌‌‌! یا اگر ده‌ها شاهد عینی شهادت دهند که فردی در تهران شخصی را کشته است، اما دوربین فیلمبرداری بانک یا یک مغازه نشان دهد که ‌این شخص در ساعت وقوع قتل در مشهد بوده است، ‌‌‌‌‌قطعاً تبرئه خواهد شد، حتی اگر در آن ساعت در حال سرقت از یک مغازه در مشهد بوده است، شک نکنید که‌این سند الکترونیک، مقدم بر همه اسناد است (اگرچه از جهت سرقت تحت تعقیب قرار خواهد گرفت)، اما به‌دلیل ارجحیت دلیل الکترونیک بر (اقرار، شهود، اسناد دیگر) از قتل تبرئه خواهد شد. گفته نشود: ممکن است که فیلم را دستکاری کرده باشند، پاسخ آن بسیار روشن است، در همه ادله اثبات دعوی، هریک از طرفین می‌توانند درخواست بررسی برای مخدوش بودن یا سلامت آن سند بنمایند، و پس از اثبات صحت سند، در ارجحیت اسناد الکترونیک تردیدی نیست.

###### 4- علم قاضی از روش دیجیتال

در ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامي سابق مصوب ۱۳۷۵ آمده بود: حاكم شرع مي تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل كند و حد الهي را جاری نماید و لازم است مستند علم خود را ذكر كند. در قانون مجازات اسلامي ۱۳۹۲ به ‌این صراحت از دایره شمول علم قاضي سخن به ميان نيامده است، لکن از مواد ۱۶۰و ۱۶۱آن استنباط مي شود که علم قاضي هم در حق الله و هم در حق الناس قابل استناد است. «این علم، طریقيت دارد نه موضوعيت، و برای حصول آن در امور کيفری قاضي مي تواند هر تحقيقي را انجام دهد، و این مخالف قاعده منع تحصيل دليل نيست که غالباً در امور مدني بحث مي شود، چرا که تا وجدان قاضي در امور کيفری اقناع نشود نمي تواند دست به صدور حکم بزند. به همين دليل است که اقرار و شهادتی که نتواند برای قاضي علم حاصل کند قابل استناد نيست. در مقابل، در امور مدني علم قاضي برای بررسي (دليليت دليل) به کار مي رود نه ‌اینکه خود ‌مستقلاً مبنای صدور حکم باشد»[[238]](#footnote-238)

###### 5- ادله الکترونیک عامل علم قاضی

نکته قابل ذکر دیگر بحث تعارض دلایل سنتی با دلایل الکترونیکی است. قانون گذار در مواد 6 و 7 قانون تجارت الکترونیک ارزش اثباتی امضای الکترونیکی و داده پیام عادی را معادل نوشته می‌داند. تعیین ارزش دلایل در حد اسنادعادی را بر اساس ماده 13 آن قانون به قاضی واگذار کرده است. در ماده 14 و 15 ارزش اثباتی داده پیام مطمئن را بیان کرده و آن را در حکم سند رسمی می‌داند؛ بنابراین بامشخص شدن ارزش این ادله، در حل تعارض دلایل سنتی با ادله‌ی الکترونیکی قاضی باتمسک به همان اصول و قواعد حاکم بر تعارض دلایل سنتی، حل تعارض می‌کند؛ چنانچه اگر دلیل الکترونیکی مطمئن با اسناد سنتی در تعارض باشد؛ دلیل الکترونیکی که در حکم سند رسمی است مقدم می‌شود و اگر همین دلیل با اسناد رسمی معمولی در تعارض قرارگیرد، با توجه به اختیاری که قاضی در کشف حقیقت دارد، با عنایت به ماده 13 قانون تجارت الکترونیکی دراین باره تصمیم می‌گیرد هرچند در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب 1392 در مواد 161 و 162 به صراحت به رفع این تعارض اشاره شده و علم قاضی به سایر ادله رجحان دارد.[[239]](#footnote-239)

###### 6- سندیت مستحکم اسناد الکترونیک، و ارجحیت آن بر اقرار و شهود

نکته حائز اهمیت آن است که اسناد الکترونیک، به ‌دلیل شفافیت بسیار، و غیر‌قابل انکار بودن، در مرتبه‌ای بالاتر از بقیه ادله اثبات دعوی قرار می‌گیرند و از همه ادله بالاترند، حتی از اقرار، که مثلاً اگر شخصی ادعا کند که جرمی را مرتکب شده و این اقرار در پرونده‌ای باشد که فرد دیگری را از مجازات برهاند، چنانچه ادله الکترونیک برای رد این ادعا وجود داشته باشد، آن ادله پذیرفته است، فرضاً در ساعتی که قتل اتفاق افتاده در یک شهر، در تاریخ و ساعت مشخص باشد و فرد اقرار کند که من آن را انجام داده‌ام، و فیلم الکترونیکی از یک مکان در شهر دیگری در همان ساعت و روز، وی را نشان دهد، اقرار هیچ ارزشی ندارد.

عکس آن هم صادق است، فردی که برای تبرئه خود از یک قتل و یا جرمی، ادعا می‌کند و با توجه به اصل برائت و عدم کفایت دلائل، تبرئه می‌شود، اگر فیلم الکترونیک برای اثبات آن وجود داشته باشد حتماً به آن استناد می‌شود. نمونه دومی مبنی بر اثبات جرم با ادله الکترونیک را در خبر ذیل می‌توان دید:

22 آذر 1397 داستان سرایی‌های قاتل ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکائی که اقدام به کشتن خانواده‌اش کرده بود، بی‌نتیجه ماند و او سرانجام با ویدئویی که به‌وسیله‌ی دوربین مدار بسته همسایه‌اش تهیه شده بود، به دام افتاد. قاتل که اقدام به کشتن زن و دو فرزندش کرده بود، هیچ وقت تصور نمی‌کرد که دوربین مدار بسته همسایه‌اش ارتکاب او به ‌این جنایت را ثابت کند. در ویدئویی که دوربین مدار بسته ضبط کرد "کریس واتس" را لحظاتی پس از قتل خانواده‌اش در حال ترک خانه نشان می‌دهد. در این ویدئو مشاهده می‌شود کریس در ساعت 5.30 دقیقه صبح روز 13 آگوست پس از کشتن خانواده‌اش اقدام به خارج کردن اجساد آنها از داخل خانه به بیرون می‌کند. کریس پس از بازگشت به خانه دوباره به خودروی خود مراجعه و پس از انتقال اجساد اقدام به پارک خودروی خود در گاراژ خانه کرده بود. او در این عمل وحشتناک اقدام به قتل زن باردارش " شانان" و دو دخترش با نام‌‌های " بلا" و "کلستا" کرده بود. شانان 34 ساله در هفته پانزدهم بارداری بود که به‌دست شوهرش در ایالت کلرادوی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا به قتل رسید. اجساد قربانیان در یک تانکر نفت در اطراف یک ساختمان پیدا شد. در حالی که کارگران در حال بارگیری و تخلیه تانکر بودند با اجساد قربانیان روبرو شدند.[[240]](#footnote-240)

# **بند چهارم: مشکل مضاعف اسناد ملکی تک برگی الکترونیک**

با وجود اسناد الکترونیک، اسناد کاغذی در حال منسوخ شدن است اما واقعیت آن است که در حال حاضر هم اسناد کاغذی و هم اسناد الکترونیک، هر دو حاوی اطلاعات مهمی هستند که ضرورت دارد در ارتقاء سطح دانش سازمانی از آن‌ها استفاده شود، بررسی گسترده‌ای از ادبیات موجود در مورد مدیریت دانش و کاربرد آن در بخش‌‌های مختلف از جمله حرفه پلیس ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا انجام شد. این بررسی هم بررسی الکترونیکی و هم نسخه کپی سخت را شامل می شد.[[241]](#footnote-241) هرچند این سخن مربوط به سال 2005 است که در ابتدای راه دیجیتال شدن اسناد بودیم و امروزه در 2021، بخش وسیعی از اسناد مالی، اداری، شخصی، که مورد نیاز دادگاه‌‌ها است، الکترونیک شده، و لازم است تا کلیه اسناد و روش‌‌های کاغذی، منسوخ گردد.

در قوه قضائیه، روند الکترونیک شدن ثبت اسناد، اعم از روند ثبت شرکت‌‌ها، دریافت دفاتر حسابداری و... عموماً، موجب افزایش هزینه و طولانی شدن زمان شده است بحث سند تک برگی یکی از کارهای ثبت اسناد است. سندیت اسناد الکترونیک در کشور و رسمیت بخشیدن به آن در عمل و عدم نیاز به برگ‌‌های کاغذی (به گفته حسین صعید زرندی معاون امور املاک و کاداستر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور: کاغذی که پیش از این با 235 تومان صادر می‌شد، هم اینک با 50 هزار تومان صادر می‌شود ولی مردم از آن ناراضی هستند، در حالیکه فناوری آمده است تا در کار مردم تسهیل گری کند، ما خدمات را با فناوری گران کرده‌ایم.)

###### 1- اسناد الکترونیکِ کاغذی

در خصوصیت و ارجحیت سند تک برگی آمده است «سند تک برگی یکی از انواع سند‌‌های ملکی می‌باشد که توسط دفاتر ثبت اسناد رسمی صادر می‌گردد. در گذشته همه‌املاک دارای سند ‌‌منگوله‌دار بودند و این نوع سند بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما سند ‌‌منگوله‌دار به سادگی جعل می‌گردد و دارای امنیت بسیار کمی است. از این رو قانونگذاران سند تک برگی را برای تمامی املاک تعیین کردند. این نوع سند دارای هولوگرام خاص خود ‌است و جعل آن نیز ‌‌‌‌تقریباً غیر‌ممکن است. با دریافت سند تک برگی مالک می‌تواند از امنیت آن و عدم تصرف ملک خود توسط دیگران مطمئن شود.

امروزه هرگاه فردی ملکی را می‌سازد یا خریداری می‌کند به سرعت برای دریافت سند تک برگی آن اقدام می‌کند. دریافت سند تک برگی جزء الزامات به حساب می‌آید و همه مالکان موظف به دریافت آن هستند. همچنین هر فردی که از سال 1390 به بعد ملکی را خریداری کرده باشد و ملک دارای سند تک برگی نباشد می‌بایست برای صدور سند آن اقدام کند.چنانچه فردی از دریافت سند تک برگی خودداری کند برای انجام امور ملکی خود با مشکل مواجه خواهد شد.»[[242]](#footnote-242)

###### 2- سند تک برگی شبه الکترونیک، عامل ‌‌‌مشکلات حقوقی

در وضعیت کنونی نه تنها کاغذ و مراجعه حل نشده است بلکه در برخی موارد افزایش پیدا کرده و مهم‌‌‌تر آنکه هزینه‌ها و زمان نیز افزایش یافته است کاری که ‌‌‌‌‌قبلاً در دفاتر اسناد رسمی به صورت کاغذی در مدت کوتاهی انجام می‌شد اینک به دلیل طولانی شدن گرفتار پیچ و خم ادارات مختلف شده و اگر هر اتفاقی بیافتد این رفت و آمدها و دعواها و دادخواست‌ها و ‌‌‌مشکلات حقوقی افزایش خواهد یافت. در نظر داشته باشید که برای تک‌برگی کردن سند ملک خود باید به یکی از دفاتر اسناد رسمی محل وقوع ملک مراجعه کنید. مثلا اگر شما در تهران زندگی می‌کنید ولی آپارتمانی در اصفهان دارید، برای تک برگی کردن سند آپارتمانِ اصفهان باید به یکی از دفترخانه‌‌های اصفهان مراجعه کنید. همچنین برعکس حالت فوق؛ اگر شما در اصفهان زندگی می‌کنید ولی آپارتمانی در تهران دارید، برای تک‌برگی کردن سند آپارتمان تهران باید به یکی از دفاتر اسناد رسمی تهران مراجعه فرمایید و درخواست ارسال سند تک‌برگی به محل زندگی خود در اصفهان را بنمایید. در تهران هزینه تک‌برگ نمودن هر سند 131‌‌،150 تومان است.[[243]](#footnote-243) اما در قانون هیچ هزینه مشخصی برای صدور این نوع سند تعیین نشده است و در واقع نمی‌توان مبلغ معینی را برای آن در نظر گرفت. اما به طور کلی هزینه صدور سند تک برگی چیزی حدود 500 هزار تا 2میلیون تومان خواهد بود که با توجه به عوامل مختلف معین می‌شود. یکی از عوامل تعیین کننده هزینه صدور سند تک برگی مشخصات ملک ‌است.

به عنوان مثال اگر ملک بزرگتر بوده و دارای متراژ بیشتری باشد هزینه صدور سند تک برگی آن نیز بیشتر خواهد بود و مواردی مثل نوساز بودن ملک، امکانات ملک و …نیز در تعیین هزینه صدور سند تک برگی آن ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر خواهند بود.[[244]](#footnote-244)

###### 3- روش سخت اول دریافت سند المثنی

چند سالی می‌شود که بحث تعویض سندهای قدیمی با سندهای جدید مطرح شده است؛ سندهای ‌‌منگوله‌دار قدیمی به [سند تک برگی](https://www.yasa.co/%D9%85%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82%DB%8C/%D9%85%D8%AF%D8%AA-%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%B5%D8%AF%D9%88%D8%B1-%D8%B3%D9%86%D8%AF-%D8%AA%DA%A9-%D8%A8%D8%B1%DA%AF%DB%8C)تبدیل می‌شوند که هریک ویژگی‌‌های خاص خود را دارد. چه برای نقل و انتقال سند مالکیت و چه برای تبدیل سند دفترچه‌ای به سند تک برگی، باید اصل سند مالکیت قبلی ملک یا زمین به اداره ثبت ارائه شود، در غیراین صورت سند جدید به شما تعلق نمی‌گیرد. اگر سند ‌‌منگوله‌دار شما مفقود، یا به دلایل مختلف غیرقابل استفاده شده باشد باید قبل از اقدام برای تک برگی کردن سند، برای دریافت سند المثنی اقدام کنید. خود این گرفتن المثنی هم مراحلی دارد که می‌توانید درباره آن از کارمندان اداره ثبت سؤال کنید. اطلاعات مربوط به نقل و انتقال سند در سندهای تک برگی وارد نمی‌شود و تنها مشخصاتی که در سندهای تک برگی نوشته می‌شود مشخصات مالک آن است. البته در این سند مختصر جایی هم برای رهن و سرقفلی ملک درنظر گرفته شده است.[[245]](#footnote-245)

###### 4- پرونده تبدیل سند قدیمی به تک برگ

تا قبل از الکترونیک شدن، زمانی که خریدار و فروشنده با یکدیگر به دفاتر اسناد رسمی مراجعه می‌کردند، بلافاصله سند انتقال پیدا می‌کرد، در حالی که در شیوه الکترونیک، توقع آن است که ‌این زمان کوتاه‌‌‌تر شود، با عجیب‌‌‌ترین شکل ممکن، انجام می‌شود به دو نمونه پرونده که هم اکنون در جریان است اشاره می‌کنیم: زمانی که فروشنده با «سند‌‌های منگوله دار» به دفاتر اسناد رسمی مراجعه می‌کند، باید درخواست تک برگ بدهد، یعنی این شخص ابتدا برگه‌ای را پر کند و در پاکتی بگذارد و برای سازمان ثبت اسناد بفرستد تا تک برگ او صادر شود و بیاید و سپس حق نقل و انتقال دارد؟ این فرآیند گاه تا چندین ماه به طول می‌انجامد (هم اکنون در مورد انتقال یک سند، بیش از دوماه طول کشیده و تاکنون نیامده است) توجه داشته باشیم که‌این زمان کوتاهی نیست و هر اتفاق و یا دعوی و نزاع و... امکان دارد.

مورد بسیار خطرناک‌‌‌تر در خصوص ورثه متوفی، برای انتقال سند ملک موروثی است که ورثه باید ابتدا درخواست سند تک برگ بدهند و پس از آن که برای هرکدام‌شان سند آمد، حق انتقال دارند و اگردر این بین، احدی از ورثه فوت کند، این روند، استمرار می‌یابد و دعاوی بسیار فراوانی ایجاد می‌شود! در همین زمان، می‌تواند اختلافات بسیار در کار‌ها ایجاد شود زیرا، ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً برای تسریع در کار، وکالت داده می‌شود و اگر موکل فوت کند، فرآیند حل اختلاف، خواهد داشت و یا اگر در این مدت یکی از طرفین، برای فسخ معامله اصرار داشته باشد. در حالی که اگر ‌واقعاً الکترونیک بود، همان لحظه دو طرف وارد صفحه خود می‌شدند و با احراز هویتی که شده بود، ملک را به صورت رسمی، منتقل می‌کردند و به لحظه همه کار تمام می‌شد.

حسین صعید زرندی، معاون امور املاک و کاداستر سازمان ثبت اسناد و املاک، روز سه شنبه 26/04/1397 در همایش مشترک منطقه‌ای مدیران کل ثبت اسناد و املاک و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در شیراز افزود: چرا باید برای دادن یک برگ کاغذ به مردم این همه نارضایتی ایجاد شود، صدور سند یک برگ کاغذ است، کار سخت عمرانی نیست.

راستی چرا سازمان ثبت باید مردم را اینگونه نارضا کند؟ خود آقای صعید زرندی به رمز و راز آن پاسخ داده است: معاون امور املاک و کاداستر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: کاغذی که پیش از این با 235 تومان صادر می‌شد، هم اینک با 50 هزار تومان صادر می‌شود ولی مردم از آن ناراضی هستند، در حالیکه فناوری آمده است تا در کار مردم تسهیل گری کند، ما خدمات را با فناوری گران کرده‌ایم.[[246]](#footnote-246) ‌‌دقیقاً همین جملات، رمز و راز ناراضی‌تراشی در فرآیند الکترونیک است کاغذی که پیش از این با 235 تومان صادر می‌شد، هم اینک با 50 هزار تومان صادر می‌شود در این جمله، همه مسأله گفته شده، اما به زیر دست‌ها گفته کار کنند در حالی که ریشه تفکر مدیران است، در حالی که :

1- با این همه ‌امکانات موجود، اینترنت و موبایل، رفتن به ثبت اسناد دیگر لازم نیست، مردم در منزل می‌توانند خودشان همه ‌امور را انجام دهند.

2- امنیت تبادل اطلاعات، قابل تأمین است

3- اصلاً کاغذ لازم نیست و هولوگرام نیاز ندارد ‌راه‌حل بهتر آنلاین وجود دارد و هیچ گونه کاغذ تک برگ و هولوگرام و مانند آنها رد و بدل نمی‌شود یک سند الکترونیک تولید می‌شود که آخرین مالک یا آخرین خریدار و یا آخرین مستاجر و یا آخرین فردی که حق دارد مشخص است این حق به هر شکلی که می‌خواهد باشد قابل انتقال یا غیرقابل انتقال کاملاً روشن و مشخص خواهد بود و صرفاً در سامانه است، آن هم نه به صورت اسکن، بلکه به صورت متا دیتا، که کاملاً قابل اطمینان و غیر‌قابل جعل است.

انواع و اقسام کاغذ‌ها و هولوگرام‌ها و امثال اینها از بین باید برود و صرفاً اتکا به دیتا و متادیتا بشود که اگر چنین شود می‌توان گفت کار الکترونیک شده است در غیر‌این صورت، جز مزاحمت هرچه بیشتر نخواهد بود. الکترونیک شدن برای آن است که کارها سریع‌تر و هزینه‌ها کمتر شود اما در رابطه با ثبت اسناد رسمی، با الکترونیک شدن، معکوس شده و موجب کندی و زمان بسیار فراوان و هزینه‌‌های گزاف شده است.

###### 5- طرح ارتقای سند رسمی

29 اردیبهشت 1400، علی خندانی رئیس کانون سردفتران و دفتریاران اعلام کرد: «طرح ارتقای سند رسمی اجرا شود پرونده‌ها 80 درصد کاهش می‌یابند.»

طرح ارتقای سند رسمی بسیار مترقی و پیشرفته است. این طرح در راستای شفاف سازی، کاهش پرونده‌‌های مراجع قضائی، در راستای شناسایی اموال مردم و افراد و اموال دولتی است. میزان مراجعات و تنظیم اسناد در دفاتر به شدت بالا می‌رود، بحث قولنامه‌‌های عادی که بین افراد وجود دارد منتفی می‌شود و همه باید در دفاتر اسناد رسمی در سامانه‌ای که قرار است سازمان ثبت طراحی کند قرار گیرد. هر کسی می‌خواهد هر قرارداد، انتقال، توافق‌نامه‌ای بنویسد باید در سامانه ثبت کند و پیش‌نویس در آنجا ثبت شود و سپس برای تنظیم سند به دفاتر اسناد رسمی مراجعه کند. این امر سبب می‌شود اختلافات و مسائلی که در حوزه اسناد عادی وجود داشت و الان هم گریبانگیر دستگاه قضائی است و پرونده‌‌های متعددی را در دستگاه قضا تشکیل داده و ادعاهای متفاوتی که مطرح می‌شود، برطرف شود.

مشکل این طرح آن است که سندیت اسناد الکترونیک تولیدی از سوی ذی‌نفعان را، به یک شیوه سنتی و کاغذی گذشته مرتبط کرده و الزام به حضور در دفاتر را بحث می‌کند. این در حالی است که در خصوص حذف «بنگاه‌‌های معاملات ملکی» روش صحیحی را بیان کرده است. «تعارض منافع» همین است که برای حذف حریف، به راحتی قانون تبیین می‌شود اما برای تثبیت منافع دفاتر، قانون، نوع دیگری نگاشته می‌شود تا مردم همچنان مجبور به حضور در دفاتر باشند و مبالغی را بپردازند در حالی که ‌امروزه نیازی به بنگاه معاملات املاک و دفاتر اسناد نیست و مردم می‌توانند بر اساس قوانین موجود، به راحتی در ظرف چند دقیقه، نقل و انتقال بدهند بدون امکان جعل و ‌‌‌‌‌کلاهبرداری که مثلا یک ملک به چندین نفر فروخته شود و ده‌‌ها و صد‌ها پرونده در دادگاه‌ها بوجود بیاید.

###### 6- تخلفات سردفتران اسناد رسمی

آقای علی خندانی رئیس کانون سردفتران و دفتریاران در همان مصاحبه 29 اردیبهشت 1400، تخلفات و جرائم سردفتران را بیان کرده است: سردفتران ‌‌‌‌‌قطعاً مرتکب تخلف می‌شوند. در هر حوزه‌ای بخواهید ورود کنید حتی حوزه‌‌های نظارتی که خود نظارت بر اجرای قانون دارند تخلف حتماً در آن حوزه اتفاق می‌افتد. حوزه ما هم از این موضوع مستثنی نیست، تخلفاتی اتفاق می‌افتد اما تخلفات به دو نوع است که یک نوع به صورت غیرعمد در راستای اجرای قانون خطا و اشتباه می‌کند و یک نوع به صورت عمدی است که ممکن است در حوزه دفاتر پیش آید و برخی از همکاران عمداً تخلفاتی را مرتکب شوند.

قسمت دوم بسیار کم است یعنی به نسبت تعداد دفاتری که در کشور فعال داریم میزان تخلفات نسبت به موارد مشابه در حوزه‌ها و سازمان‌ها و مجموعه‌‌های مشابه بسیار کم است و این نکته مثبت در حوزه ما محسوب می‌شود. تخلفات اشتباه فردی، سیستمی یا در مجموعه است که جزو مواردی است که در این حوزه اتفاق می‌افتد.

###### 7- مجازات‌‌سردفتران متخلف

مسؤولیت سردفتر دو مورد است. یک مسؤولیت انتظامی است و یک مسؤولیت مدنی و کیفری است. مسؤولیت انتظامی به حوزه تنظیم سند بر می‌گردد، ممکن است یکسری تخلفات داشته باشیم که ‌اینها نه مسؤولیت مدنی دارند و نه مسؤولیت کیفری دارند. به عنوان مثال فرد باید یکسری مدارک را برای تنظیم سند می‌گرفت و نگرفته و این تخلف است. در این خصوص و بازرسی انجام می‌شود و گزارش بازرسی به دادسرا می‌رود. دادسرا کیفرخواست صادر و به دادگاه انتظامی می‌رود و دادگاه رأی لازم را صادر می‌کند که از توبیخ با درج در پرونده شروع می‌شود تا انفصال دائم از خدمات سردفتری است.

حداقل توبیخ با درج در پرونده است، حداکثر هم انفصال از شغل سردفتری است. بر اساس نوع تخلفی که فرد مرتکب می‌شود شامل یکی از این مجازات‌ها می‌شود. تنظیم اسناد معارض از مواردی است که منجر به انفصال دائم از شغل سردفتری می‌شود. مباحث حقوقی هم در مواردی که ممکن است این تخلف جرم هم باشد، اینها در مرجع قضائی رسیدگی می‌شود و اگر جرمی مرتکب شده باشد که مالکیت فرد زیر سؤال رفته یا مالکیت بی‌اعتبار شناخته شده که ناشی از تخلف عمدی سردفتر باشد موظف به جبران خسارت طرف مقابل که تنظیم سند برای او انجام شده و مالکیت از بین رفته، است. یکسری مسائل کیفری هم دارند که ‌این تخلفات عمدی بوده یعنی سردفتر جعلی مرتکب شده است، عمداً احراز هویت را انجام نداده است، عمداً امضای کسی را گرفته که نباید می‌گرفت و کس دیگری به جای آن امضا کرده است.[[247]](#footnote-247)

تمامی این تخلفات و اشتباهات، با سند تمام الکترونیک، حذف خواهد شد و زمینه‌ای برای آن نمی‌ماند و پیشگیری قطعی صورت می‌گیرد زیرا مردم بر اساس آن چه در صفحه می‌بینند، و متکی به دیتابیس‌ها مطمئن است، سند را انتقال می‌دهند و همزمان کل حقوق دولتی را پرداخت می‌کنند اما اگر همچنان امور شبه الکترونیک و درواقع کاغذی و با مراجعه باشد، تخلفات به اشکال مختلف ادامه خواهد یافت و ریشه‌کن نخواهد شد.

###### 8- اعتبار سند عادی، در روش جاری

گلایه‌‌های فراوانی صورت می‌گیرد که اسناد عادی ‌‌‌مشکلات فراوان دارد، و ‌راه‌حل را، رفتن به دفاتر اسناد رسمی و ثبت آن می‌دانند اما هرگز نمی‌پرسند که چرا در دعاوی اسناد ملکی رسمی، مجبور به مراجعه به اسناد عادی هستیم؟ یکی از دلایل اصلی ضرورت مراجعه قاضی به سند عادی و قولنامه، آن است که، در اسناد رسمی‌صادره برای ملک، چه در مالیات و چه در دفاتر اسناد، قیمت منطقه‌ای محاسبه می‌شود و این قیمت، اختلاف فراوانی با قیمت اصلی دارد در حالیکه یک منزل با قیمت چند میلیارد تومان فروخته میشود، قیمت منطقه‌ای آن چندین میلیون تومان بیشتر نیست چه قیمتی که در اداره مالیات حساب می‌شود و یا سند رسمی که بر آن اساس صادر می‌شود در هر دو مورد، این اشکال وجود دارد، در حقیقت به مانند بسیاری از مواردی که رسماً دروغ نوشته و یا گفته می‌شود! و به دلیل ماندن در قدیم و استمرار روش‌‌های منسوخ شده، همچنان ادامه دارد، در این رابطه نیز این گونه است.

اگر سند منزل و ملک و اموال غیر‌منقول و منقول و همه موارد نقل و انتقال به هر شکل و نوع و قیمت و کیفیت، به صورت 100% الکترونیک، و آنلاین عملیاتی شود؛ مردم به مانند همه کالاهایی که ‌امروزه خریداری یا فروش می‌کنند ملک را نیز به همان صورت بخرند و بفروشند و قیمت واقعی که خرید و فروش شده، را درج کنند و این سند، (همانگونه که توضیح داده شد) سند رسمی (غیر‌قابل تردید و انکار) است در این صورت محاکم نیز بر اساس سند رسمی حکم خواهد کرد و ‌‌‌مشکلات سند عادی ‌‌کلاً از بین خواهد رفت. به ‌این برگه قیمت گذاری توجه نمائید، قیمت‌‌های منطقه‌ای با قیمت‌‌های واقعی، قابل مقایسه نیست.

###### 9- پیشگیری از تخلفات با سند رسمی آنلاین بدون کاغذ و مراجعه

برخی از اساتید بزرگ، ‌راه‌حل اختلافات و ‌‌‌مشکلات را اینگونه بر شمرده‌اند: «یکی از مهم‌‌‌ترین قوانینی که سبب ایجاد دعاوی بسیاری در دستگاه قضایی به ویژه در مورد نقش و اعتبار سند عادی در معاملات غیر‌منقول شده است، قانون ثبت اسناد می‌باشد. اختلافات ثبتی و ملکی بخش قابل توجهی از دعاوی حقوقی را تشکیل می‌دهد که با اصلاح قانون ثبت و عدم استماع دعاوی غیر‌منقول بدون سند رسمی و اجرای کامل طرح کاداستر می‌توان تا حد زیادی از طرح این گونه دعاوی جلوگیری نمود.»[[248]](#footnote-248) اما برای سندیت اسناد الکترونیک و از بین بردن زمینه تخلفات و یا دعاوی، نیازی به تغییر قوانین و یا نوشتن برنامه خاص از سوی سازمان ثبت اسناد نیست، کافیست طبق ماده 1287 قانون مدنی «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر ‌مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و برطبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است» و ماده 14 و 15 قانون تجارت الکترونیک و بقیه قوانین الزامی و تأیید کننده سندیت اسناد الکترونیک، اولاً مفهوم سند الکترونیک برای قضات، و مسؤولین کشوری، توضیح داده شود و ثانیاً: رسمیت آن (غیر‌قابل تردید و انکار) تفهیم شود، و ثالثاً، درآمدزائی از سوی هر سازمان و دستگاه اجرائی، (از جمله قوه قضائیه و وزارت صمت و سازمان ثبت اسنادو ثبت احوال و... ) به اسم الکترونیک، از بین برود تا تعارض منافع، مانع پیشرفت (در پوشش الفاظ حقوقی) نشود، و رابعاً: به کلیه پلتفرم‌‌ها، و حتی متعلق به بخش خصوصی، از سوی یکی از نهادهای دولتی از قبیل وزارت اقتصاد و یا قوه قضائیه و یا هر سازمان دولتی دیگری، «‌مأموریت» داده شود که هر فاکتور و یا اطلاعاتی که آنها صادر می‌کنند و دیتای آنها «مطمئن» و مورد تأیید است، رسمی خواهد بود (در ماده 16 رسمیت آن پذیرفته شده است برای تأکید چنین شود) و کل آن در اختیار مردم قرار گیرد و نیازی به رفتن به هیچ واسطه‌ای نباشد. این روش باعث خواهد شد که کلیه اسناد هر مسأله و موضوع، و مدارک خرید و فروش و نقل و انتقال، اعم از منقول و غیر‌منقول، حتی در خرید و فروش اقلام بسیار کوچک (مانند دیجی کالا و اسنپ) اسناد رسمی شود و با سند رسمی (انکار و تردید مسموع نیست) که به دادگاه به صورت الکترونیکی (نه پرینت و مهر) ارائه خواهد شد. فقط در این صورت است که تخلفات و اختلافات، بشدت کاهش خواهد یافت و در صورت بروز اختلافات، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، با اسناد علم‌آور قطعی و مطمئن، و سند رسمی، در کوتاه‌‌‌ترین زمان ممکن، حل و فصل خواهد شد.

###### 10- نزاع بر سند رسمی خودرو نزد ‌مأمورین دولت

اینکه سند رسمی چیست؟ در قانون به صراحت تأکید شده است که سه حالت دارد اما بنا به برداشت‌‌های مختلف علمی و یا تعارض منافع، قسمت «نزد ‌مأمورین» غفلت شده است، ‌مأمور دولت، اعم از کارمند و هر شخصی است که دولت به وی ‌مأموریت دهد و «دفاتر اسناد رسمی» نیز، ‌مأمورین دولت هستند که به عنوان خاص ذکر شده‌اند، دعوای حقوقی شدیدی بین نیروی انتظامی و سازمان ثبت بر سر اینکه نقل و انتقال خودرو در کدام یک انجام شود وجود دارد، و کشمکش‌‌های فراوان در آن است.

صادق آملی لاریجانی رئیس قوه قضائیه 21/12/1395 در بخشنامه به مراجع قضایی اعلام کرد: مدارک مربوط به تعویض پلاک اعتباری نداشته و سند رسمی نیست، سند رسمی خودرو باید در دفاتر اسناد ثبت شود... لذا مقرر می‌گردد واحدهای قضایی و اداری،‌اجرای ثبت اسناد معاملات خودرو که در دفاتر اسناد رسمی ثبت گردیده را به عنوان ملاک قانونی تشخیص مالکیت مورد توجه قرار داده و از اعتبار بخشیدن و اتکا به مدارک مربوط به تعویض پلاک خودرو به عنوان سند رسمی مالکیت اکیداً پرهیز نمایند.[[249]](#footnote-249)

نکته حائز اهمیت آن که در این میان دفاتر معاملات ملکی نیز مدعی هستند که باید ابتدا نزد ما انجام شود و کد رهگیری بگیرند و درآمدی نیز نصیب آنان شود. رای شماره 1863 مورخ 1399/12/2 هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال بندهای 2 و 3 بخشنامه شماره 147204؍94-27؍8؍1394 معاونت امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در خصوص الزام به سندرسمی در دفاتر[[250]](#footnote-250)، صادر شد اما مورد پذیرش سازمان ثبت نیست، دوشنبه 27 اردیبهشت 1400 رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت :«برگ سبز خودرو سند رسمی نیست و دیوان عدالت صلاحیت نسخ قانون را ندارد... استدلال ما این است که نظم جامعه ‌ایجاب می‌کند که باید یک جایی به ‌این معضل پایان داده شود و امنیت روانی مردم نسبت به اسنادی که دارند افزایش یابد.»[[251]](#footnote-251)

در حالی که صراحت قانون مدنی آن را پذیرفته است، این سخن از سوی یک حقوقدان بعید است: «رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: برگ سبزی که در نیروی انتظامی صادر می‌شود سند عادی است نه رسمی» این گونه سخت‌گیری‌‌ها، و تعارض منافع، نه تنها مسأله «سند رسمی خودرو» را حل نکرد بلکه با توجه به هزینه‌‌های فراوان، مردم راه‌‌های دیگری پیدا کردند و بدون وارد شدن در این گردونه، موجب معضلاتی برای خود و جامعه شدند که بخش کوچکی از آن در همین مصاحبه گفته شد: « در سال گذشته، نزدیک به 79 هزار پرونده الزام به تنظیم سند رسمی خودرو تشکیل شده است که طرفین به موجب انجام معامله عادی برای نقل و انتقال خودرو با ‌‌‌مشکلاتی مواجه و ناچار به طرح دعوی در محاکم شده بودند.» علت این ‌‌‌مشکلات، هزینه‌‌های فراوانی است که بر مردم تحمیل گردیده و هر سازمان و دستگاه و دفتری در صدد است تا از این معامله، درصدی نصیب وی شود.

واقعیت حقوقی آن است که نه حق با سازمان ثبت و نه با پلیس است، و این نزاع، صرفاً به ‌دلیل «تعارض منافع»، ادامه دارد و حل نشده و نخواهد شد مگر آن که مفاهیم قانونی را ‌واقعاً حقوقی نگاه کنیم و غرض اصلی، صدور «سند رسمی» بر اساس «مُر قانون»، بدون هدف «درآمدزائی» برای پلیس و دفاتر و سازمان ثبت و... باشد اگر حقوق الکترونیک توجه شود، می‌تواند با ‌مأموریتی که به «پلت فرم خرید و فروش» شرکت‌‌های خودرو ساز و یا وارد کننده، و همچنین به سامانه‌‌های الکترونیک خرید و فروش آنلاین داده می‌شود کل اسناد، رسمی شود و همان سند به لحظه، تمام الکترونیک، صادر شود و پرینتی گرفته نشود و نیازی به مهر و امضاء ندارد و بلافاصله در کلیه محاکم مورد استناد قرار گیرد، هرچند طبق ماده 16 قانون تجارت الکترونیک، این ‌مأموریت هم لازم نیست و سند مطمئن، «غیر‌قابل تردید و انکار» است که صفت اصلی «سند رسمی» است، شامل چنین اسنادی می‌شود. آنگاه‌این نزاع « هزینه ثبت سند خودرو بر عهده چه کسی است» از بین خواهد رفت، زیرا دیگر هزینه زائدی برای دفاتر اسنادرسمی وجود ندارد که نزاع بر سر پرداخت آن بشود.

گفتار دوم: احراز هویت و دادرسی فضای مجازی

# **مبحث اول: احراز هویت در فضای مجازی**

احراز هویت لازمه هر اقدام نسبت به شخص حقیقی و حقوقی، است تا بتوان دادخواست یا اقدامات قضائی را نسبت به وی انجام داد دراین رابطه شیوه‌‌های گوناگونی در روش سنتی وجود داشته که هر بار لازم است فتوکپی صفحات شناسنامه و کارت ملی و. . . ارائه شود امروزه با روش الکترونیک، فقط یک بار «احراز هویت» فرد کافی است و با هر بار مراجعه وی فقط کافی است «شماره ملی» وی با رایانه چک شود و کل اطلاعات وی، بر روی مونیتور، دیده شود و بدون امکان جعل، بتوان خدمات را به وی ارائه داد و یا با مشخصات بیومتریک احراز هویت شود.

# 

# **بند اول: ابعاد احراز هویت در فضای مجازی**

###### 1- عدم وجود ناشناس در فضای مجازی

در اینترنت، ناشناس وجود دارد، اما این برای کاربران است نه برای مدیران عالی اینترنت، و یا سرویس دهندگان اینترنتی، که آدرس همه رفت و آمد دیتاها را در دست دارند.

ناشناس بودن آنلاین،[[252]](#footnote-252) برداشت اشتباهی است که همواره مانع از اقدامات سریع گردیده و موجب هزینه‌‌های گزاف امنیت شبکه و یا تحمیل روش‌‌های هزینه‌دار، بر کاربران گردیده است در حالی که به ظاهر در فضای مجازی هیچ شکل مشخصی از سیستم تأیید هویت نداریم و ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً از اسم‌‌های مستعار استفاده می‌کنیم. این نام‌‌‌‌های مستعار ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً مربوط به هویت واقعی ما نیستند و از این رو حس ناشناس بودن را فراهم می‌کنند. اما ناشناس بودن موجود در اینترنت، واقعی نیست. ممکن است بصورت آنلاین با نام، اس ان ان[[253]](#footnote-253) یا شماره گذرنامه ما مشخص نشویم، اما آدرس «آی پی»[[254]](#footnote-254) خارجی خود را آشکار می‌کنیم. از این آدرس «آی پی» برای ردیابی رایانه مورد استفاده می‌توان استفاده کرد. همچنین در برخی سیستم عامل‌ها مانند وب سایت‌‌های شبکه‌‌های اجتماعی، شناسایی مجازی ایجاد می‌کنیم زیرا این روابط به روابط ما در دنیای فیزیکی مربوط می‌شود. برخی وب‌سایت‌ها همچنین از کاربران خواسته‌اندکه نوعی شناسنامه یا اطلاعاتی را که مستقیماً با یک شخص مرتبط است، به نام امنیت ارائه دهند. بنابراین اساساً ما در فضای سایبر کاملاً ناشناس نیستیم. ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً ما اطلاعاتی را نشان می‌دهیم که می‌تواند برای ردیابی دستگاه و یا شخص مورد استفاده قرار گیرد.[[255]](#footnote-255) برداشت اشتباه از اینترنت، و تصور اینکه در اینترنت، ناشناس وجود دارد، به‌دلیل عدم شناخت این پدیده است، همان‌گونه که در تلفن ممکن است شماره‌‌های ناشناس وجود داشته باشد اما در حقیقت، برای سیستم مخابراتی، هیچ ناشناخته‌ای وجود ندارد، به‌دلیل قبض (سیستم بیلینگ) و محاسباتی که قبض‌ها را صادر می‌کند باید همه ‌امور، برای آن‌ها آشکار باشد، در اینترنت نیز سیستم‌‌های در هم تنیده و سلسله وار بیلینگ وجود دارد و هر قسمتی با قبل و بعد از خود، بر اساس بیت،[[256]](#footnote-256) محاسبه می‌نماید و آدرس هر قطعه ‌‌دقیقاً مشخص است و اینکه از کدام سوئیچ[[257]](#footnote-257) یا روتر[[258]](#footnote-258)حرکت کرده است، با دقیق‌‌‌ترین وجه ممکن، محاسبه می‌شود، در غیر‌این صورت، اطلاعات تبادلی، در این فضای در هم تنیده وب، گم می‌شد و معلوم نمی‌شود که چه مطلبی از کجا به کدام آدرس برسد.

نمونه‌ای از «شناسائی» در سیستم اینترنتی، با شبکه اجتماعی اختصاصی را در عملیات 08/06/2021 پلیس ‌بین‌الملل می‌توان دید «پلیس فدرال ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا، اف بی آی، پلیس ملی هلند و پلیس سوئد در همکاری با اداره مبارزه با مواد مخدر ایالات متحده و چند کشور دیگر با حمایت یوروپل، یکی از بزرگ‌‌‌ترین عملیات تاریخ مبارزه با جرایم سازمان یافته را اجرا کردند. براساس بیانیه یوروپل که بامداد سه شنبه 8 ژوئن (18 خرداد) منتشر شد، اف‌بی‌آی از سال 2019 و در هماهنگی با پلیس فدرال استرالیا عملیات استراتژیک موسوم به سپر تروا و هماهنگی با نفوذ در اپلیکیشینی به نام آنوم[[259]](#footnote-259) را آغاز کرده و پس از آن به 12 هزار ابزار هوشمند متعلق به 300 باند تبهکار که در بیش از 100 کشور فعال بودند، از جمله در میان گروه‌‌های مافیایی ایتالیا و یک باند موتورسوار تبهکار دست یافت.

بامداد سه شنبه پیش از انتشار بیانیه یوروپل، پلیس استرالیا نیز اعلام کرد در جریان یک عملیات گسترده مشترک با پلیس ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا با هدف نابودی شبکه‌‌های جرایم سازمان یافته، صدها نفر در 18 کشور بازداشت شده و ‌مأموران با نفوذ به شبکه‌‌های ارتباطی مجرمان، میلیون‌ها پیام رمزگذاری شده را خواندند.

ریس کرشاو، کمیسر پلیس فدرال استرالیا گفت که حملات پلیس در 18 کشور بازداشت صدها مظنون را در پی داشته است. به گفته پلیس، زمانی که یکی از چهره‌‌های سرشناس باندهای تبهکاری استرالیا پیام‌رسان آنوم را به عنوان محلی امن برای ارتباط‌گیری به اعضا شبکه خود معرفی می‌کرد، ‌مأموران توانسته‌اند پیام‌‌های رد و بدل شده آنها را کنترل کنند. کرشاو در مورد تعقیب نزدیک تبهکاران گفت: «ما درون جیب پشتی جنایتکاران سازمان یافته بودیم. آنها درباره همه چیز صحبت می‌کنند، درباره مواد مخدر، خشونت، ضربه‌زدن به یکدیگر و نیز درباره افراد بی‌گناهی که قرار است به قتل برسند.[[260]](#footnote-260) همان گونه که ملاحظه می‌شود، حتی زمانی که شبکه به ظاهر امن ایجاد می‌شود، امکان شناسایی وجود دارد و بسته به ‌امکانات، «احراز هویت» می‌شوند.

###### 2- امضای الکترونیکی

تعریف بند الف ماده ی2 راهنمای 2۰۰1 آنسیترال پیرامون امضای الکترونیکی چنین است: امضای الکترونیکی عبارت از داده ی دیجیتال است که با انضمام یا وابستگی منطقی آن به یک داده پیام، مؤید شخصیت انحصاری امضاکننده و قبول وی نسبت به همان داده پیامی است که آن داده ی دیجیتال به آن منضم شده یا با آن وابستگی منطقی دارد.دستورالعمل امضای الکترونیکی اروپا نیز در تعریف امضای الکترونیکی بیان میکند: داده های الکترونیکی که به سایر داده پیام های الکترونیکی منضم شده یا به نحو منطقی به آنها متصل شده و به عنوان وسیله ای برای مستندسازی به کار میرود.[[261]](#footnote-261)

قانون تجارت الکترونیکی ایران نیز دربند «ی» از ماده ی 2، در تعریف امضای الکترونیکی چنین مقرر می دارد: «امضای الکترونیکی» (Electronic Signature) : عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به « داده پیام» است که برای شناسائی امضاء کننده« داده پیام» مورد استفاده قرار می گیرد. ماده 7 قانون تجارت الکترونیکی مصوب 17/10/1382 مقرر می‌دارد: «هرگاه قانون، وجود امضاء را لازم بداند امضای الکترونیکی مکفی است.»[[262]](#footnote-262) شرایط قانونی امضای الکترونیکی در ماده 10 بدون آن که شیوه خاصی را الزامی کرده باشد، شرایط امضای الکترونیکی مطمئن را به صراحت بیان کرده است :

امضای الکترونیکی مطمئن باید دارای شرایط زیر باشد:

الف- نسبت به ‌امضاء کننده منحصر به فرد باشد.

ب- هویت امضاء کننده «داده پیام» را معلوم نماید.

ج- به وسیله ‌امضاء کننده و یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد.

د- به نحوی به یک «داده پیام» متصل شود که هر تغییری در آن «داده پیام» قابل تشخیص و کشف باشد.

ماده 11- سابقه الکترونیکی مطمئن عبارت از «داده پیام»ی است که با رعایت شرایط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن ذخیره شده و به هنگام لزوم در دسترس و قابل درک است.

###### 3- ساده گیری قانون و سخت گیری مجریان امضای الکترونیکی

در حالی که در بند ج ‌‌‌‌‌آیین‌نامه اجرایی ماده 32 قانون تجارت الکترونیکی تصریح شده است: «داده رسی امضای الکترونیکی: داده‌ای نظیر رمز یا کلید عمومی که برای بررسی و صحت امضای الکترونیکی مورداستفاده قرار می‌گیرد.» و مشخصاً، هر نوع داده اطمینان سازی «نظیر» رمز را به عنوان «امضای الکترونیکی» پذیرفته بود که شامل انواع و اقسام روش‌ها از قبیل پیامک یا آن چه در مک آدرس و امثال آن می‌شد، در بقیه مواد آئین نامه، به دنبال ایجاد یک مرکز ریشه و ارائه توکن سخت افزاری رفتند و تنها دلیل تأیید را آن دانستند و صد‌ها میلیاردتومان هزینه و مهم‌‌‌تر آن، سال‌ها کشور را عقب انداختند.

در حالی که قانون گذار، روش‌‌های احراز هویت و سندیت اسناد الکترونیکی را بسیار ساده تبیین کرده است، دستگاه‌‌‌‌های اجرائی و قوه قضائیه، برای هرچه سخت‌‌‌تر و غیر‌قابل اجرائی‌‌‌تر شدن آن اقدام کرده‌اند! و به روش توزیع توکن فیزیکی، با میلیاردها هزینه، از بین بردن زمان و ایجاد ‌‌‌مشکلات برای مراجعه کنندگان، اقدام کرده‌اند، قانونگذار، هرچند توکن را ذکر کرده است اما «امضای الکترونیک» را منحصر به آن ندانسته و رمز ورود را نیز ذکر کرده و به عنوان امضاء پذیرفته است و راه‌‌های فراوان که موجب «مطمئن» بودن «داده پیام» باشد را تأکید کرده است در حقیقت آن چه برای قانون گذار، مهم بوده، «اطمینان» به «صحت» و «اصالت» داده است و تأکیدی بر روش خاص نداشته، اما در اجراء، با اشتباهات فراوان از فهم قانون، هر چه سخت‌‌‌تر و غیر‌قابل اجرائی‌‌‌تر شده است.

###### 4- شکست توکنِ امضای الکترونیکی

به‌دلیل اشتباه برداشت از «امضاء الکترونیک» یا به دلیل «تعارض منافع» حداقل بین چهار دستگاه اجرائی نزاع بر سر مرکز ریشه دارند که عبارتند از : 1– وزارت صمت 2– بانک مرکزی 3– وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات 4– قوه قضائیه و چندین سازمان دیگر پیگیر آن بوده‌اند. اگر فرض را بگذاریم که قانوناً مکلف بوده‌اندکه مراکز ریشه را راه‌اندازی نمایند، «ترک فعل» کرده‌اندو وظیفه خود را انجام نداده‌اند.

قانون تجارت الکترونیکی، پس از سال‌ها بحث و رایزنی، ‌‌‌‌‌‌‌‌نهایتاً در سال 1382 به تصویب مجلس رسید و آئین نامه آن سال 1386 تصویب شد اما وزارت صمت در عمل هرگز نتوانست فراگیر شود و «ترک فعل» کرده است. الزام‌‌های قانونی برای ایجاد مراکز ریشه و توکن امضای الکترونیکی با تلاش‌‌های دستگاه‌های اجرائی مختلف صورت گرفت، وزارت صمت، در باب دوم قانون تجارت الکترونیکی مصوب 17/10/1382 مکلف به‌ایجاد دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی[[263]](#footnote-263) شده است:

ماده 31 - دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی واحدهائی هستند که برای ارائه خدمات صدور امضای الکترونیکی در کشور تأسیس می‌شوند. این خدمات شامل تولید، صدور، ذخیره، ارسال، تأیید، ابطال و به‌روز نگهداری گواهی‌‌های اصالت (امضای) الکترونیکی می‌باشد.

ماده 32 - آئین نامه و ضوابط نظام تأسیس و شرح وظایف این دفاتر توسط سازمان مدیریت و ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزی کشور و وزارتخانه‌‌های بازرگانی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی و دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.[[264]](#footnote-264) در تاریخ 11/06/1386 آئین نامه به تصویب هیأت وزیران رسید در ماده 4 آمده است: سطوح دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی موضوع ماده 31 قانون به عنوان ارائه دهندگان خدمات گواهی الکترونیکی به شرح زیر تعیین می‌شوند:

الف– مرکز دولتی صدور گواهی الکترونیکی ریشه که با کسب مجوز از شورا فعالیت می‌نماید.

تبصره 1- این مرکز وابسته به مرکز توسعه تجارت الکترونیکی، موضوع ماده (80) قانون می‌باشد.

در تبصره 2 این ماده‌ آمده است «سیستم بانکی می‌تواند با اخذ مجوز شورا در حوزه نظام بانکی مرکز ریشه مستقل ایجاد نماید که در این صورت مرکز یادشده وابسته به مرکز توسعه تجارت الکترونیکی موضوع این ماده نخواهد بود.[[265]](#footnote-265) در حقیقت علاوه بر تکلیفی که بر عهده وزارت صمت بود، بانک مرکز تلاش کرد تا از این درآمد، سهمی داشته باشد و مصوبه ‌این مرکز را، در آئین نامه‌ای گرفت که تطبیق آن با اصل قانون، سخت است.

مسؤولان انفورماتیک قوه قضائیه که تصور می‌کردند، این مراکز ریشه «درآمدزائی» خواهد داشت تلاش کردند تا در قانون آن را بیاورند و درنتیجه ماده 656 قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی بدین شرح به تصویب رسید: «به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری اطلاعات مبادله شده میان شهروندان و محاکم قضایی، قوه قضائیه موظف است تمهیدات امنیتی مطمئن برای امضای الکترونیکی، احراز هویت و احراز اصالت را فراهم آورد.

تبصره ـ قوه قضائیه موظف است مرکز صدور گواهی ریشه برای امضای الکترونیکی را جهت ایجاد ارتباطات و مبادله اطلاعات امن راه‌اندازی نماید.»[[266]](#footnote-266)

صدر ماده، منطقی است لازم است تمهیدات امنیتی برای مبادله ‌امن پیام و ایجاد اطمینان از صحت و اصالت آن صورت گیرد اما آیا این مسأله، اجباراً از طریق توکن سخت افزاری و مرکز ریشه‌ امکان‌پذیر بوده؟ که با پیگیری «انفورماتیک» قوه قضائیه، و در «تعارض منافع» با دیگر دستگاه‌‌‌‌های اجرائی، تبصره قانون نوشته شده است و اما این اقدامات هزینه‌بر، و بسیار پر زحمت، ‌‌‌‌‌‌عملاً قابل انجام نبوده و به همین دلیل نیز شکست خورده است و قوه قضائیه از سال 1393، «ترک فعل» کرده است.

مدعیان این روش فراوان هستند در 8 خرداد 1400 بهنام ولی زاده، معاون دولت الکترونیک سازمان فناوری اطلاعات ایران اظهار داشت: داشتن امضای دیجیتال برای برخی کاربردهای دولت الکترونیک یک نیاز به شمار می‌رود و از این رو هم اکنون این سرویس را روی اپلیکیشن دولت همراه فعال کرده‌ایم. وی با بیان اینکه تمامی افرادی که از اپلیکیشن دولت همراه استفاده می‌کنند می‌توانند برای فعال سازی امضای دیجیتال درخواست دهند، ادامه داد: این سرویس در حال حاضر برای نسخه ‌اندروید گوشی‌‌های همراه آماده شده و کاربران می‌توانند برای دریافت آن ثبت نام کنند. به زودی نیز نسخه IOS این سرویس فعال می‌شود.[[267]](#footnote-267)

###### 5- توکن سخت افزاری، یا پیام موبایل؟

یکی از اشکالات بزرگ ضد توسعه در کشور ما، تکیه بر سخت افزارهایی است که برای امنیت ورود و خروج به سیستم‌‌های اینترنتی و شبکه‌ها طراحی شده است، توکن سخت افزاری، کارت هوشمند و. ..، از این دست هستند ومرکز ریشه ومیانی و... مورد نزاع سازمان و اداره و نهاد‌‌های مختلف و... (وزارت صمت، وزارت ارتباطات، بانک مرکزی، قوه قضائیه و...) هرکدام هزینه‌‌های گزافی به کشور تحمیل کردند و زمان فراوانی تلف شد و همگی شکست خوردند (توزیع سخت افزار سمت ‌‌کلاینت = شکست قطعی پروژه)

موبایل، امروزه به عنوان یک ابزار جدید، و در دسترس همگان است و از مرحله ارسال پیامک (ارزان‌‌‌ترین و در دسترس‌‌‌ترین برای عامه) تا موبایل‌‌های هوشمند ونرم‌افزارهای تحت اندروید و... همگی می‌توانند با سهل‌‌‌ترین روش، و از همه مهم‌‌‌تر، سریع‌‌‌ترین راه‌‌ها، به مردم خدمت‌رسانی نمایند و آن چه را در متن ماده 10 قانون تجارت الکترونیکی مصوب 17/10/1382 به عنوان شرط لازم برای اطمینان به صحت امضاء الکترونیکی، داراست.

چک ورود و خروج به سیستم‌‌های اداری سازمان‌‌ها، مدیران و کارکنان، تمامی اقدامات انجام گرفته (ورود و خروج به صفحات، تأیید یا حذف و اصلاح و...) ارسال و دریافت کد یک بار مصرف، رمز نگاری و... همگی می‌تواند در همین راستا، کار کند حتی در مراحل مهم از چند طریق، به‌صورت نامتقارن می‌توان بر روی چند موبایل موجود یک فرد، رمز یک بار مصرف فرستاد.

مقایسه ‌امنیت، هزینه و زمان، بین پیامک موبایل یا شبکه‌‌های اجتماعی داخلی با توکن بر اساس قانون پیام اطمینان بخش

|  |  |
| --- | --- |
| توکن ( و یا کارت هوشمند و. ..) | موبایل ( تلفن و... همراه ) |
| سخت افزار جدید است و هزینه فراوان خرید و زمان زیاد برای تهیه لازم دارد (خرید صدها هزار سخت افزار، خود داستانی است که در آن فسادهای فراوان وجود دارد) | بهره‌گیری از امکانات موجود است  و استفاده از آن هزینه جدیدی نداشته و از نظر زمانی نیز، بلافاصله خواهد بود |
| نیازمند شخصی سازی و احراز هویت جدید و مستلزم هزینه‌‌های ذیل است؛  مراجعه فرد به مکان خاص و دادن مدارک  تحمیل هزینه خرید هر توکن  مراجعه برای گرفتن آن توکن  زمان فراوان برای گرفتن هر توکن  تمدید و یا تعویض توکن در زمان‌‌های مختلف  و... ده‌‌‌‌ها هزینه پیدا و پنهان دیگر | شخصی سازی انجام شده است و نیازمند هیچ یک از این موارد نیست  ‌‌‌خصوصاً هزینه زمان، (مهم‌ترین فاکتور بسیار با ارزشی که نادیده گرفته می‌شود) در این روش صفر است.  یعنی بلافاصله قابل انجام است |
| نیازمند سازمان پشتیبان است  تا در همه سال، کار را پیگیری کند زیرا خرابی‌ها و ‌‌‌مشکلات فراوانی دارد | همه ‌امور بر بستر امکانات موجود است  هیچ سازمان جدیدی نمی‌خواهد  با سازمان‌‌های موجود پشتیبانی می‌شود |
| برای هر سیستم، و هر برنامه یک توکن لازم است  مثلا برای هر یک حساب بانکی، یک توکن؛ برای یک مدل کار تجاری، یک توکن؛ برای کار قضائی، یک توکن و...  و ممکن است یک فرد برای چندین کار، نیازمند چندین توکن باشد | برای صدها سیستم، هیچ نیازی به سخت افزار جدید و یا سیم کارت جدید ندارد  با یک سیم کارت، می‌توان با ده‌‌‌‌ها و صدها برنامه و سیستم همزمان کار کرد |
| نیازمند سیستم خاص نرم‌افزاری و سخت افزاری، چک و کنترل برای هر دستگاه و هر کار است | نیازی به سیستم خاص ندارد و از امکانات عمومی کشور استفاده می‌شود |
| هر سخت افزار، عمر محدودی دارد  تکنولوژی به سرعت عوض می‌شود  معمول عمر توکن و یا کارت هوشمند بین 3 تا 5 سال است  دستگاه‌‌های پشتیبان و سرورها و... همه و همه ابزار نیز باید در زمان تغییر کند  تصور فرمائید فقط هزینه ‌این تغییرات، چه میزان خواهد بود  این یعنی تحمیل هزینه بر مردم و بر سازمان پشتیبانی و نگهداری توکن، که بسیار کمر شکن است | همین مشکل در موبایل هم وجود دارد  آن‌ها و سیستم‌‌های پشتیبانشان همواره به روز می‌شوند  نکته باریکتر از مو اینجاست که تغییرات، به‌وسیله‌ی مردم، و به طور طبیعی انجام می‌شود و هر چند سال دلخواهانه موبایل خود را در جهت همه ‌امور خود، به روز می‌نمایند  شرکت‌‌های اپراتور نیز به طور طبیعی اقدامات را در جهت به روز رسانی سخت افزارها و نرم‌افزار‌ها انجام می‌دهند |
| توکن و کارت و امثال آن، بار سنگینی بر ترافیک سیستم‌ها تحمیل می‌نماید  هر توکن باید خود را به سیستم معرفی کند تا بتواند وارد شود و این رمز نگاری دو طرف و گشایش رمز، حجم وسیعی از داده‌ها را شامل می‌شود.  به همین دلیل نیز در بسیاری از مواقع، سیستم توکن‌ها با افزایش بار اندکی، هنگ می‌نماید. | بار سنگینی بر سیستم اضافه نمی‌کند  به محض آنکه هر فردی وارد سیستم شد با ارسال یک کد چند رقمی به موبایل وی، همه چک و کنترل‌ها انجام می‌شود  کاری که هم اینک بانک‌ها و برخی سازمان‌‌های بزرگ دولتی انجام می‌دهند و بسیار هم موفق است |
| توکن غیر‌امنیتی است زیرا  توکن در اختیار دیگران قرار می‌گیرد.  به طور مثال، مدیران شرکت‌ها آن را در اختیار ‌مأمورین خود می‌گذارند و یا مسؤولان ادارات، آن را به مسؤول دفتر خود می‌دهند | موبایل کاملاً امنیتی است.  مردم، ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً موبایل شخصی خود را به دیگران نمی‌دهند و ‌‌‌‌تقریباً وسیله اختصاصی هر فرد است، ‌‌‌خصوصاً اگر کارهای مهم بانکی و اداری بر آن باشد |
| اگر توکن در اختیار فرد دیگری؛ مانند مسؤول دفتر یک مدیر باشد، امکان سوء استفاده از آن وجود دارد، بدون آنکه شخص اصلی خبردار شود (مانند مهر شرکتها و ادارات که از آن بارها سوء استفاده شده است) | با توجه به ‌اینکه همه اقدامات، به دارنده تلفن همراه، پیامک می‌شود، به لحظه قابل رهگیری است، امکان تخلف بشدت کاهش می‌یابد (اگر نگوییم صفر می‌شود) |
| اگر گم یا سرقت شود  باید برای تغییر آن هزینه و زمان صرف شود | در صورت گم شدن یا سرقت ،  با کمترین هزینه و زمان، جایگزین می‌گردد |
| توکن ممکن است فراموش شود و هرگز هم به یاد آورده نشود  و شخص، پس از مدتی که آن را لازم داشت نتواند آن کار را انجام دهد | موبایل هرگز فراموش نمی‌شود.  و اگر فراموش شد بلافاصله یادآوری می‌گردد و سریعاً فرد، آن را بدست می‌آورد |

###### 6- کرونا؛ پیشران امضای دیجیتال واقعی (موبایل)

اقدامات الکترونیک بانک‌ها و نهادها به‌دلیل تکرار، عادی شده، بحدی که توجه نمی‌کنیم اگر به طور مثال خرید‌‌های اینترنتی وجود نداشت، در این وضعیت کرونا چه میزان مصائب و ‌‌‌مشکلات برای رفت و آمد مردم به بانک‌ها و خرید و فروش آنها با اسکناس وجود داشت.

در دوران کرونا اعطای وام به خانواده‌ها به صورت ۱۰۰ درصد الکترونیک عملیاتی شد، اگر قرار بود به روش‌‌های سنتی عمل کنیم باید همه خانوارها به بانک‌ها مراجعه می‌کردند در آنجا یک فرم را گرفته و امضا می‌کردند و مدارک فراوانی می‌دادند و معطلی‌ها و صف‌‌های فراوان، تا بتوانند این کار حقوقی را انجام دهند.

اما به دلیل زیرساخت‌های بسیار عالی الکترونیک ارتباطاتی و بانکی این اقدام، به صورت کاملاً مدرن انجام گرفته و با ارسال یک پیامک به سرپرست خانوار و پرسیدن اینکه‌ آیا می‌خواهید از وام بهره ببرید.

سرپرست محترم خانوار؛

در صورتی که متقاضی استفاده از بسته حمایتی دوران کرونا براساس شرایط اعلامی دولت هستید، ‌‌‌لطفاً تنها از خط تلفن همراه اصلی خود که مالک آن هستید، فقط کد ملی خود را به سرشماره 6369 ارسال فرمایید.

این روش کاملاً منطقی، علمی، حقوقی، صحیح و اجرائی و بسیار کم هزینه و سهل الوصول است، سرپرست خانوار تنها از شماره تلفن خود و فقط با ارسال کد ملی قرارداد را، امضاء الکترونیک قانونی می‌کند و می‌پذیرد و دولت جمهوری اسلامی پول را به حساب وی واریز کند و اقساط را نیز بر خواهد داشت (به اقدامات و زوایای حقوقی بر اساس این کد ارسالی توجه فرمائید)

این به معنای عملیاتی شدن امضای دیجیتال واقعی است از زمانی که موبایل آمده است، امضاء دیجیتال بسیار مطمئن، امکان‌پذیر بوده است اما مشکل «تعارض منافع» مدیران است، که با کنار گذاشتن آن، این مفهوم را درک کنند.

# **بند دوم: سندیت و عدم سندیت اثر انگشت بیولوژیک و الکترونیک**

اثر انگشتی که در برگه‌‌های کاغذی گرفته می شود از نظر حقوقی دارای ارزش استناد و سندیت است زیرا این اثر انگشت، قابلیت پیگیری صحت و عدم صحت دارد اما اثر انگشتی که به صورت الکترونیک گرفته می‌شود و بر روی پرونده‌ها قرار می‌گیرد از نظر حقوقی ارزشی ندارد زیرا می‌توان آن را در هر کجا قرارداد بدون اینکه فرد مطلع باشد.

نکته مهمی که در زمینه اثر انگشت در اسناد رسمی و در دفاتر الکترونیک قوه قضائیه و امثال آنها وجود دارد این است که از نظر حقوقی ارزش اثبات ندارد زیرا زمانی که اثر انگشت به صورت دستی و بر روی کاغذ گرفته می‌شد فرد اثرانگشت‌زننده ‌‌دقیقاً می‌دانست که در کجا این اثر انگشت را قرار داده است اما در این گونه اسناد، هرچند از نظر ظاهر فنی، رعایت شده است که اثر انگشت در کجا قرار بگیرد، لیکن برای افراد عادی این قابل اعتماد نیست و می‌توانند ادعا کنند اثر انگشت شان را ذخیره کرده و در جای دیگری استفاده کرده‌اند! در حقیقت اثر انگشت انجام شده کارایی حقوقی ندارد و فقط هزینه‌ها افزایش یافته است در حالی که اگر همان صفحات، به صورت آنلاین از سوی خود شخص، ورود اطلاعات می‌شد و تمامی مراحل نیز با جزئیات آن لاگ می‌شد قابل اثبات‌‌‌تر از اثر انگشت بود.

عدم شناخت افراد از مسائل الکترونیک موجب شده است که بین اثر انگشت بیولوژیک و اثر انگشت عکس، تفاوت را متوجه نشوند اثر انگشت الکترونیک زمانی ارزش دارد که به عنوان یک سند بیولوژیک مورد استفاده قرار می‌گیرد اثر انگشت بیولوژیک در مواردی مفید است که به صورت آنلاین مورد استفاده قرار می‌گیرد به عنوان مثال برای ورود به یک مکان و یا ورود به گوشی موبایل و کامپیوتر، این اقدام ارزشمند است اما برای دیگر کارها فایده‌ای ندارد به جز آنکه هزینه‌‌های سنگینی را بر دوش مردم و بر هزینه‌‌های ملی افزایش دهد. به عنوان مثال زمانی که فردی می‌خواهد وارد موبایل خود بشود و اثر انگشت خود را بر روی آن می‌گذارد این اثر انگشت لایو و زنده ارزش بیولوژیک و سندیت دارد یعنی کامپیوتر با هوش مصنوعی که دارد اثر انگشت را با حافظه خود تطبیق نموده و اگر مطابق بود اجازه ورود می‌دهد این وضعیت در بسیاری از اماکن حساس مانند صندوق‌‌‌‌های بانک‌ها وجود دارد که برای ورود اثر انگشت زنده می‌گیرد. اما به صورت اشتباه در وضعیت الکترونیک در نظر گرفته و تصور می‌کنند که‌ این همان اثر انگشت است در حالی که هم با اثر انگشت کاغذی تفاوت دارد هم با اثر انگشت بیولوژیک کاملاً فرق می‌کند یک امری است بدون هیچ فایده و بلکه دارای ضرر‌‌های بسیار و در آینده می‌تواند موجب فساد‌‌های فراوان گردد.

###### 1- اثر انگشت دوران بی سوادی

‌‌اصولاً اثر انگشت یکی از ابزار اثبات سندیت اسناد بوده است اثر انگشت مربوط به سال‌هایی است که در کشور ایران اکثریت اشخاص بی‌سواد بوده‌اند، پس از باسواد شدن افراد، این مسأله توسط قانونگذار، منسوخ شده و مقرر داشته است که اثر انگشت یا امضا و همه جا امضا را اصل دانسته است اما در دادگاه‌‌‌‌ها و در اسناد، هم اثر انگشت گرفتند و هم امضا (مانند آن که پس از کارت ملی قرار شد این کارت جایگزین شناسنامه شود اما هم کپی کارت ملی و هم تمام صفحات شناسنامه را می‌گیرند) این مشکل از مسؤولین است که توجه به قانون نداشته و تصورات خود را جایگزین قانون کردند آنها بدون اینکه الزامات هر یک از این موارد را توجه کنند، هزینه‌‌های سهمگین بدون فایده‌ای را بر جامعه تحمیل کرده‌اند.

امروز که سواد الکترونیک وجود دارد همچنان روش اسناد دوران بی‌سوادی، به شکل الکترونیک، ادامه دارد در حالی که در عرف و اجتماع، همه مردم از همه اقشار، سندیت قطعی اسناد الکترونیک را پذیرفته و خرید و فروش و میلیاردها پست، به‌وسیله‌ی همین پیام‌ها و پیامک‌ها تبادل می‌شود و کسی هم در مستند بودن آن تشکیک نمی‌کند و قانون نیز، سند مطمئن الکترونیک را در حد سند رسمی پذیرفته است.

اما در مدیریت، این عرف و قانون را نمی‌پذیرند روش جاری در عرف حاکم بر بازار و اسناد تجاری و معاملاتی و سیاسی و اجتماعی، پذیرش اسناد الکترونیک است مبلغ آن مهم نیست که هزار ریال و صد میلیارد ریال باشد به محض آنکه پول جابجا می‌شود پیامک یا یک پیام از طریق شبکه‌های اجتماعی به او می‌رسد که ‌این پول به حساب شما واریز شد نه رسیدی می‌خواهد و نه ادله اثبات دیگر، و اگر تشکیک بکند راه اثبات آن نیز، به شدت ساده‌‌‌تر و متقن‌‌‌تر و قابل اثبات‌‌‌تر از راه برگه کاغذی است که ‌امضاء، اثر انگشت و حتی مهر و سربرگ دارد، مردم زمانی که تشکیک می‌کنند به محض آنکه پیام یا پیامکی را در شبکه‌‌های اجتماعی یا در سامانه به یکدیگر ارائه میدهند ادعا ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً از بین میرود، به عنوان مثال کسانی که از یکدیگر طلبی دارند زمانی که پیامک بانک برای آن‌ها می‌رسد که‌ این مبلغ به حسابتان واریز شده است نه ‌امضا می‌خواهند و اثر انگشت و نه هیچ چیز دیگر، بلکه بلافاصله می‌پذیرند که‌این پول و این طلب پرداخت شده و آن را سند می‌داند، این سواد دیجیتال جامعه است که در بسیاری از مسؤولین مورد پذیرش قرار نگرفته و این مشکل ‌‌‌خصوصاً در برخی مدیران قضائی بسیار سخت‌‌‌تر است زیرا جمود بر الفاظ دارند و مفاهیم جدید را به سختی می‌پذیرند.

###### 2- احراز هویت با اسناد بیومتریک ، فقط در موارد بسیار مهم

اثر انگشت و یا عنبیه چشم می‌تواند به عنوان یک راه برای پیشگیری از تقلب افراد در معاملات و قراردادها و دادگاه‌‌های بسیار مهم، مورد توجه قرار گیرد و از هزینه سازی بیهوده، برای همه دادگاه ها و همه سازمان ها و ادارات، خودداری کرد

روش الکترونیک واقعی اثر انگشت، با آنچه اکنون صورت می‌گیرد کاملاً متفاوت است. روش صحیح، استفاده از تکنولوژی به صورت آنلاین ‌است که در اختیار دادرسان قرارگیرد بسیاری از دادرسان شکایت دارند که وقتی به عنوان متهم افراد را می‌آورند از سوابق آنها اطلاعاتی ندارند و چه بسا فردی در مکان‌‌‌‌های مختلف با عناوین و اسامی گوناگون خود را معرفی کرد، ‌راه‌حل آن است که چک اثر انگشت، بصورت زنده در اختیار دادرس باشد. دادرس چه در مراحل بازجویی و بازپرسی و چه در مراحل دادگاه‌ها اعم از متهم، شاکی، ‌‌وکلا و شهود همه آنها با قرار دادن اثر انگشت خود بلافاصله هویت‌شان تأیید شود که ‌این همان فرد است.

اثر انگشت‌‌هایی که در سازمان زندان‌ها، سازمان ثبت، و دادگاه‌ها گرفته می‌شود در سیستم یکپارچه قوه قضائیه قرار گیرد تا آنلاین در اختیار قضات و دادرسان قرار دهند، حتی می‌توان روش‌‌های دیگری مانند عنبیه چشم را نیز اسکن نمود و در اختیار دادرسان قرار داد مجدداً تأکید می‌کنیم که ‌این روش‌‌های بیومتریک، با آنچه که اکنون انجام می‌شود کاملاً متفاوت بوده، و ‌‌‌خصوصاً، اثر انگشت الکترونیک درج شده در برگه‌‌ها، ارزش حقوقی نداشته و نمی‌تواند ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر باشد اما اثر انگشت آنلاین به راحتی می‌تواند از جعل هویت پیشگیری نماید.

###### 3- اثر انگشت در بازپرسی و بازجوئی

در اسناد کاغذی مالی، اداری، قضائی از قبیل بازجویی‌ها، چه اثر انگشت باشد و چه نباشد قابلیت اثبات و یا تردید در اصالت دارد در جرائم و اتهامات، بارها افراد دست خط خود را انکار کرده و اثر انگشت خود را اجباری اعلام کردند و صحت آن سند را زیر سؤال بردند اسناد دیگری هم که با اثر انگشت است مانند اسناد مالی ، که بارها و بارها مورد تشکیک قرار گرفته است، اما در اسناد الکترونیک، انکار و تردید، مسموع نیست.

###### 4- تقلب در اثر انگشت واریز وجوه

در سازمان‌‌‌‌های دولتی، موارد مختلفی اتفاق افتاده که افراد مسؤول پرداخت وجوه به اشخاص، اثر انگشت خود یا جعلی را جای اثر انگشت «ذی‌حق» گذاشته ومثلا به شخصی باید مبلغ پرداخت کنند، به او پرداخت نشده ولی اثر انگشت دارد و «ذی‌حق» خبردار نشده و زمانی که مطلع شده، هزینه بسیار فراوان و زمان زیادی طول کشیده تا اثبات و عدم اثبات شود اما نمونه‌های فراوانی از واریز‌‌های دولتی وجود دارد که حتی یک ریال هم قابل جابجایی نیست بدون آنکه ‌امضا یا اثر انگشت گرفته شود به عنوان مثال می‌توان به واریز حقوق کارکنان دولت به حساب آنها اشاره کرد این پول مستقیماً به حساب آنها می‌رود و رسیدی هم نیاز نیست و بر اساس قانون محاسبات عمومی کشور مصوب 1366[[268]](#footnote-268) سندیت دارد اما تا چندی قبل، همه ارگان‌‌ها، رسید می‌خواستند اینک که مطالبه اشخاص از دولت، مبلغ مستقیماً به حساب فرد واریز می‌شود زمینه همه سوء استفاده‌ها از بین رفته و این سند الکترونیک توانسته در برترین روش‌ها پیشگیری از جرائم و سوء استفاده‌ها داشته باشد و اگر همین روش در بقیه‌امور نیز تسری یابد، می‌توان امیدوار بود که جعل و جابجائی اسناد ،بسیار سخت شود.

# **مبحث دوم: بررسی روش دیگر کشورها و اتحادیه اروپا**

# **بند اول: برنامه‌‌های دادرسی الکترونیک کشورهای دیگر**

در همه کشورها با سرعت بیش و کم، حل اختلاف آنلاین[[269]](#footnote-269) و رفتن به سمت دادرسی الکترونیک در دستور کار است در کشورهای مختلف، شیوه‌‌های گوناگونی در زمینه دادرسی الکترونیک وجود دارد که در سایت‌‌های آن‌ها قابل مشاهده است، اینگونه نیست که در همه آن‌ها به یک شکل و شیوه عمل شده باشد، برخی پیشرفته‌‌‌ترند و برخی «شبه الکترونیک» هستند به استثنای چندین کشور اروپایی (سوئیس، اتریش، نروژ)، سیستم‌‌های دادگاهی به سختی توانستند این نوآوری‌ها را به یک مدل مؤثر برای تمام جمعیت پایدار کنند. دادگاه‌ها نیز به شدت سرمایه‌گذاری می‌کنند تا روش‌‌های فعلی خود را از طریق فرم‌‌های دادگاه آنلاین، سیستم مدیریت پرونده و سیستم‌‌های اطلاعاتی که پرونده‌‌های دادگاه را آنلاین می‌سازند، بیشتر در دسترس داشته باشند.[[270]](#footnote-270) به عنوان نمونه چند کشور و اتحادیه اروپا ذکر می‌شود.

###### 1- روش انگلستان در بازپرسی آنلاین

در انگلستان نیز پیشنهاد حل سیستم قضائی انگلستان با دادگاه آنلاین مطرح شده است: سر ارنست رایدر، رئیس ارشد دادگاه‌ها در انگلیس و ولز، یکی ازقضات دادگاه‌ها است که دیدگاه جدیدی در مورد قضاوت دارد. وی در یک سخنرانی با صدای بلند، مفهوم «جلسات مستمر آنلاین» را توضیح داد.

در اینجا دیدگاه دعوا از یک اختلاف خصمانه به مسأله‌ای تبدیل می‌شود که باید حل شود. «همه شرکت کنندگان، فرجام‌خواه، بخش دولت پاسخگو، و قاضی دادگاه، می‌توانند در یک بازه زمانی معین، به صورت آنلاین مطالب اصلی پرونده را تکرار و اظهارنظر کنند، تا مسائل مورد اختلاف روشن و کاوش شود. نیازی نیست همه طرفین، همزمان در یک دادگاه یا ساختمان با هم باشند. هیچ دادرسی یا دادگاه به معنای سنتی وجود ندارد. رویکرد جدید ما مشابه روشی است که ‌‌‌‌‌قبلاً در سایر حوزه‌‌های قضایی مورد استفاده قرار گرفته است، جایی که روند دادرسی یک تکرار است و در چندین مرحله که به هم پیوند دارند، کشیده می‌شود. با این حال، در مدل خود، ما به ‌این مراحل نیاز نداریم تا در جلسات دادرسی جداگانه قرار بگیریم، مگر اینکه هرگونه شنوایی رو در رو و فیزیکی لازم باشد.

وی گفت: همانند روال دیگر کشورها و رویکرد سنتی دادگاه‌‌ها، قاضی، رویه تحقیق و حل مسأله را در پیش خواهد گرفت، طرفین را به توضیح و فهم مواضع مربوطه راهنمایی می‌کند. پس از نتیجه گیری، این رویکرد تکراری، ممکن است قاضی تصمیم بگیرد و سپس، بدون نیاز به شنوایی جسمی، حکمی صادر کند اما اگر چنین «استماع» لازم باشد، به عنوان مثال برای تعیین یک مسأله اعتبار، فناوری می‌تواند آن را نیز تسهیل کند. این ممکن است یک دادرسی مجازی باشد. تمام تلاش ما این است که سیستم موجود خود را به صورت دیجیتالی تکرار کنیم. با این کار ما ‌‌‌مشکلات ذاتی این سیستم‌ها را به سادگی حل کنیم[[271]](#footnote-271)

###### 2- امضاء و اجرای الکترونیکی اسناد در انگلستان

در همه کشورها، در خصوص اسناد الکترونیک و ابعاد مختلف آن، مباحثی در جریان است، بخش اصلاحات قانون در کمیسیون قانون مجلس انگلستان[[272]](#footnote-272) ‌مأموریت دارد تا پروژه تسهیل اجرای الکترونیکی اسناد را به سرانجام برساند، این پروژه اکنون کامل شده و دولت در مارس 2020 به گزارش گروه پاسخ داد، و موافقت خود را با نتیجه گیری قانونی آنان تأیید کرد و متعهد شد که یک کارگروه صنعت را برای بررسی مسائل امنیتی و فناوری ایجاد کند. پاسخ کامل در وب سایت موجود است که در بخشی از آن، آمده است: «قانون مربوط به ‌امضاها و سایر الزامات رسمی مستند دارای قدمت چند قرن است. در دنیای امروز، افراد، مصرف‌کنندگان و مشاغل خواستار روش‌‌های مدرن و مناسب برای انجام معاملات الزام‌آورند. تحولات فناوری شیوه‌‌های انجام این معاملات را تغییر داده است. آیا قانون انگلیس و ولز می‌تواند ادامه داشته باشد؟

سیستم قانون عادی ما انعطاف‌پذیر است و قراردادها از بسیاری جهات می‌توانند ایجاد شوند. اکثر معاملات نیازی به روشی خاص ندارند. از امضاهای الکترونیکی به جای امضاهای دست نویس در معاملات هر روز به طور معتبر استفاده می‌شود. با این حال، قانون، انواع خاصی از اسناد را به روش‌‌‌‌های خاص، مانند امضا یا شهادت، تأکید می‌کند. به ما گفته شده است که مسائل مربوط به اجرای الکترونیکی اسناد، از جمله عدم اطمینان در مورد وضعیت حقوقی امضاهای الکترونیکی، مانع استفاده از فناوری جدید می‌شود که در آن قانون نیاز به «امضا» یا اجرای سند است.»[[273]](#footnote-273)

در این مطلب به تفصیل در خصوص شیوه رسمیت امضاء الکترونیک و سندیت اسناد، بحث شده است.

###### 3- امضای الکترونیک گزینه‌‌های بعدی برای اصلاح در قوانین انگلستان

ماده قانونی جدید - اگرچه قانون فعلی امضاهای الکترونیکی را ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی کرده است، اما دولت ممکن است بخاطر بهبود قابلیت دسترسی به قانون، بخواهد کد قانون امضاهای الکترونیکی را تدوین کند. هر ماده قانونی باید کاربرد گسترده‌ای داشته باشد و مشاوره بیشتر لازم است. از آنجا که شرایط مرجع ما (که دامنه‌ این پروژه را مشخص می‌کند) محدود به اسناد تجاری و مصرف کننده است، ما با ذی‌نفعان فعال در زمینه‌‌های دیگر که ممکن است از امضاهای الکترونیکی استفاده شود، چه در حال حاضر و چه در آینده، مشورتی جدی نکرده‌ایم. بنابراین مناسب نیست که ما پیشنهاد یک ماده قانونی گسترده را برای تأیید وضعیت امضاهای الکترونیکی فراتر از مرجع خود توصیه کنیم. در عوض، ما گزینه‌‌هایی را برای اصلاحات تعیین کرده‌ایم که دولت یا ما می‌توانیم با اختیارات گسترده‌‌‌تری آنها را پیش ببریم.[[274]](#footnote-274)

###### 4- دادگاه بدون کاغذ در ایرلند

در برنامه مفصلی با عنوان «بررسی اجرای دادرسی مدنی»[[275]](#footnote-275) در ایرلند، در خصوص دادرسی الکترونیکی و فناوری آمده است: گیلن، وظیفه قوه قضائیه را، دارا بودن نقشی اساسی در استقرار فناوری در حمایت از روند دادرسی می‌داند: وقت آن است که مفهوم «دادگاه بدون کاغذ» را متوجه شویم. در زمان ما، اتلاف هزینه، زمان آماده سازی پرونده و ارائه به دادگاه به راحتی قابل قبول نیست. این مفهوم باید به عنوان نمایانگر یک تغییر قابل توجه فرهنگی مطرح شود و باید به عنوان یک تغییر تجارت با فناوری اطلاعات در نظر گرفته شود تا اینکه صرفاً ارائه فناوری جدید باشد.

پیشنهادات زیر مد نظر باشد:

• در نظر گرفته شده است که در برنامه آینده دولت شامل تعهد به دیجیتالی شدن و نوسازی روند دادگاه‌ها است. یک پرونده تجاری برای دادگاه‌‌های دیجیتال که به موجب تجربه در سایر حوزه‌‌های قضایی قابل مقایسه و در بخش عدالت کیفری محلی، کلیه مزایای پولی و غیر‌پولی ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی شده را در اختیار شما قرار می‌دهد.

• هدف نهایی ایجاد دادگاه‌‌های بدون کاغذ است.

• در کوتاه مدت تا میان مدت، حرکت به دادگاه‌‌های سبک کاغذی

• برنامه تغییر شامل یک برنامه گسترده و هماهنگ توالی شده، پشتیبانی شده به‌وسیله‌ی برنامه‌‌‌‌‌آموزش، و خدمات مشاوره‌ای است. این کار باید با مشورت قوه قضائیه، نهادهای حرفه‌ای و کاربران دادگاه انجام شود.

• ایجاد گروه‌‌‌‌های تعامل قضایی برای اطمینان از اینکه هر سطح قاضی در برنامه تغییر براساس صلاحیت قضایی شرکت می‌کند.

• ایجاد یک گروه متمرکز برای فکر کردن در مورد سازمان و بودجه ‌این عنصر از اصلاحات

• دسترسی وای فای به عنوان یک فوریت در دادگستری و در دادگاه لاگانساید راه‌اندازی شود.

• یک دادگاه تعیین شده در دادگاه‌‌های سلطنتی دادگستری[[276]](#footnote-276) بلافاصله مجهز به فناوری لازم باشد تا به طرفین اجازه دهد، با توافق، اقدامات الکترونیکی را انجام دهند.

• حداقل سطح سواد فناوری اطلاعات پیش شرط ارتقاء قضات است.[[277]](#footnote-277)

###### 5- دادگاه الکترونیکی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا

در‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا، سیستم قانونگذاری به تعداد ایالت‌ها است و هر ایالتی در زمینه‌‌های گوناگون، قوانین خاص و روش‌‌های مخصوص خود را دارد. اما دولت فدرال نیز اقداماتی را انجام داده است در کتاب «راهنمای دادگاه الکترونیکی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا» آمده است: «ثبت الکترونیک فقط یک تکنولوژی جدید نیست این یک رویکرد انقلابی برای انجام کار دادگاه است که راه کار دادگاه را در آینده تغییر خواهد داد. به عنوان مثال، زمانی که همه مقالات در یک مورد به عنوان متن قابل جستجو در دسترس هستند، ممکن است این اسناد را با پایگاه داده‌‌های پیشین قانونی، شهادت دادگاه و شواهد موجود در فرم الکترونیکی آن ادغام کنند. این اجازه خواهد داد که سیستم‌‌های پیشرفته تصدیق تصمیم گیری ایجاد شود.

ماهیت اسناد نیز تغییر خواهد کرد. با کاغذ به عنوان یک رسانه، اسناد طراحی شده‌اندکه از ابتدا تا انتها خوانده شوند. در آینده، اسناد الکترونیکی ممکن است در لایه‌‌های قابل دسترس از طریق لینک‌‌های‌‌ هایپرتکست[[278]](#footnote-278)آماده شوند. خوانندگان می‌توانند برای مشاهده جزئیات بیشتر متمرکز شوند اگر چیزی را درک نکنند و یا با چیزی که آنها بخوانند مخالف باشند. برعکس، اگر یک قاضی با جنبه‌‌های یک پرونده آشنا باشد، می‌تواند از این جزئیات عبور کند و استدلال‌ها را در سطح بالایی ارزیابی کند. پانویس‌ها پیوند به سایر اسناد است که بلافاصله در دسترس هستند، حتی اگر آنها در سایر نقاط جهان ذخیره شوند. مفاهیم مانند این، منعکس کننده خوش بینی قانونی کسانی است که در دهه گذشته از ثبت الکترونیکی استفاده کرده‌اند.»[[279]](#footnote-279)

###### 6- بایگانی الکترونیک دادگاه الکترونیکی کارولینای جنوبی

پیاده سازی بایگانی الکترونیک[[280]](#footnote-280) در سراسر ایالت کارولینای جنوبی:

• بایگانی الکترونیک (E-Filing) برای دادگاه‌‌های دادگاه‌‌های دولتی: از 31 دسامبر 2018، اعمال الکترونیکی برای اقدامات مشترک (مدنی) [[281]](#footnote-281) در 41 شهر از 46 ایالت کارولینای جنوبی انجام شده است. این برنامه بهبود بهره‌مندی و دسترسی عملیات دادگاه، به نفع شهرستان‌‌‌‌ها و عموم مردم است.

• پرونده الکترونیک: پرونده دادگاه‌‌ها در روند ارزیابی یک برنامه ثبت الکترونیکی قرار دارند که دسترسی و کارآیی فرآیندهای پرونده دیوان عالی را افزایش می‌دهد.

مدیریت پرونده مدرنیزاسیون سیستم

• سیستم مدیریت پرونده‌‌های دادگستری: سیستم مدرن پرونده مدیریت پرونده دادگاه 5 ساله (سی ام اس)[[282]](#footnote-282) موجود و (سی ام اس) داخلی را به مجموعه‌ای از برنامه‌‌های ابر و وب تبدیل خواهد کرد. مزایا شامل امنیت داده افزایش یافته، دسترسی عمومی امن به داده‌‌های دادگاه و تبادل اطلاعات بین دادگاه‌ها و سازمان‌‌های اجرای قانون است.

• سیستم مدیریت مورد پرونده: اداره قضایی در حال کار با یک فروشنده برای توسعه استانداردها برای یک سیستم مدیریت پرونده دادگاه دیوان محاسبات مبتنی بر وب است.

• طرح ضبط دیجیتال دادگاه: کمبود خبرنگار دادگاه در سراسر کشور، دادگاه‌ها را برای تکمیل نیروی کار گزارشگر دادگاه با ضبط دیجیتال مورد نیاز است. در کارولینای جنوبی، این تکنولوژی به دلیل عدم دسترسی به گزارشگر دادگاه، نیاز به ادامه دادرسی دادگاه خانواده را کاهش داده است، و ما همچنان به تکمیل گزارش دادگاه با فناوری دیجیتال در آینده به عنوان نیازهای اضافی را تکمیل خواهیم کرد. انتظار می‌رود تا فوریه 2019 ضبط دیجیتال در 16 اتاق دادگاه کارولینای جنوبی انجام شود.

###### 7- دادگاه عالی آریزونا

تغییرات بنیادین: اجرای گزارش دادگاه الکترونیک در دادگاه جنایی در شهرستان ماریوپیا در ایالت آریزونای ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا، کارمند دادگاه تصمیم به تبدیل شدن به سیستم مدیریت اسناد الکترونیکی بهبود یافته دارد به سه دلیل اصلی: 1- دستیابی به کارایی بیشتر در عملیات کارکنان 2- ارائه خدمات بهتر به دادگاه، مشتریان خارجی، دادگاه و عمومی، و 3- صرفه‌جویی در هزینه‌‌های مالیات دهندگان در طولانی مدت.

برای انجام سیستم مدیریت اسناد الکترونیکی سه مورد اصلی شناسایی شد:

1- سرمایه‌گذاری در زیرساخت 2- ادامه فرآیندهای موجود، که برای یک زمان منجر به دوگانگی می‌شود، و 3- تعهد چند ساله برای بازسازی محیط کار.

در ابتدای پروژه منشی دادگاه شهرستان ماریکوپا[[283]](#footnote-283) از اسکن اسناد کاغذی در بزرگسالان استفاده شد. اسکن پس از سند ثبت شده انجام شد. به مدت پنج سال، کارمند دادگاه هر دو مقاله و اسناد الکترونیکی را به صورت الکترونیکی نگه داشت. چندین ضمانت نامه که از سوی دادگاه عالی آریزونا مورد نیاز است اجرا شد. قوانین جدید دولت و محلی برای ایجاد ابزارهای کسب و کار الکترونیک ایجاد شد. یک رویه قانونی برای امضاهای الکترونیکی در اسناد، یک مثال است.

###### 8- دادگاه نوادا

مردیت تریمبل در 4 آوریل 2019، 3 راه برای افزایش دسترسی به حقوقی برای همه در دادگاه نوادا می‌نویسد:

عدالت یک ارزش اساسی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکایی است. متأسفانه، موانع موجود در سیستم عدالت، حتی در سطوح محلی و برای انواع پرونده‌‌های رایج، همچنان وجود دارد. عبور از مراحل قانونی تغییر نام، چشم‌پوشی از هزینه‌‌ها، مطالبات ناچیز و موارد مشابه بدون کمک وکیل کار دشواری است، اما محدودیت‌‌های مالی می‌تواند مشکلی ایجاد کند. علاوه بر این، رای دهندگان کم‌کاری که باید برنامه‌‌های کاری و مراقبت از کودکان را در اولویت قرار دهند، ممکن است کمتر بتوانند شخصاً از دادگستری بازدید کنند و در ساعت‌‌‌‌های تعیین شده روز انتظار طولانی را تحمل کنند. ‌‌‌‌تقریباً غیرممکن است که کسی بتواند در یک استراحت ناهار یا قبل از بسته شدن از طریق مناطقی که با ترافیک به یک دادگستری در آن طرف شهر تردد دارند، رانندگی کند.

خبر خوب این است که روش‌‌های ساده‌ای برای از بین بردن این موانع وجود دارد. دولت‌ها می‌توانند دسترسی آسان به گزینه‌‌های کم هزینه سیستم دادگاه را فراهم کنند. این گزینه‌ها از تکنولوژی مدرن استفاده می‌کنند و تجربه بصری 24/7 روزانه آنلاین را که همه شهروندان انتظار دارند در زندگی روزمره خود باشد، منعکس می‌کنند. ‌راه‌حل‌ها دسترسی به عدالت را تسریع می‌کنند، که به نوبه خود منجر به جوامع عادلانه‌‌‌تر و فراگیرتر می‌شود. آنها همچنین بار دادگاه‌‌‌‌ها را کاهش می‌دهند و در محیطی با افزایش تعداد کارمندان و کاهش منابع در وقت و هزینه صرفه‌جویی می‌کنند. دادگاه‌‌های شهرداری که استفاده نوآورانه از فناوری مدرن را برای تأمین انرژی فرآیندهای جدید دنبال می‌کنند، ارزش بررسی دارند.

###### 9- پیشنهاد دادخواست از راه دور، سلف سرویس آنلاین

در شهرستان ‌‌کلارک، نوادا، ناحیه [هشتم قضایی](http://www.clarkcountycourts.us/) اقدامات ساده‌ای را برای ساده سازی مراحل قانونی با اجرای نرم‌افزار بایگانی الکترونیکی، مشابه‌ایده مالیات توربو،[[284]](#footnote-284) در مراکز خودیاری کمک حقوقی انجام داد. این نرم‌افزار که در کیوسک‌‌های مراکز نصب شده است، با تبدیل فرم‌‌های قانونی به مصاحبه خود هدایت شده برای [بیش از 20 نوع پرونده](https://nevada.tylerhost.net/SRL/srl/)، از حضانت کودک تا اخراج خلاصه تا بیکاری، به افراد کمک می‌کند.  پاسخ‌‌های یک شخص به طور خودکار تمام فرم‌‌های لازم را برای تشکیل پرونده‌ایجاد می‌کند. مجموعه سؤالات واجد شرایط همچنین در صورت عدم صلاحیت یا داشتن فرم غلط، فرد را از مصاحبه خارج می‌کند. این نه تنها باعث صرفه‌جویی در وقت تشکیل دهنده می‌شود، بلکه باعث صرفه‌جویی در وقت رد یا انکار و مدارک دادرسی می‌شود.

‌‌کلاًرک کانتی همچنین یک سیستم حل اختلاف آنلاین (او دی آر)[[285]](#footnote-285) با هدایت و راهنمایی را در سه دادگاه از 20 دادگاه خانواده‌این شهرستان به صورت آزمایشی اجرا کرده است. این سیستم زوجین طلاق را در موارد مشکوک که کودکان درگیر مسائل آنلاین خود هستند، با هزینه کمتری از جیب و بدون موقعیت‌‌های رو در رو بالقوه ناپایدار، امکان پذیر می‌سازد. ارتباطات آنلاین با ردیابی دیجیتال، استرس را کاهش می‌دهد و می‌تواند از سوی هر یک از والدین جداگانه، در صورت راحتی وی، با انتخاب یک واسطه خنثی، کنترل شود. ترکیبی نوآورانه از روش‌‌‌‌های حل اختلاف جایگزین با فناوری مبتنی بر قواعد و مدیریت پرونده آنلاین، حل و فصل سریع و منصفانه را تسهیل می‌کند در حالی که با کاهش چشمگیر بار پرونده‌‌ها، کارایی دادگاه را افزایش می‌دهد.

حوزه‌‌های دادگستری در منطقه [تراویس، تگزاس](https://www.statesman.com/news/20180618/area-judges-make-plans-to-try-out-pajama-court) ،(او دی آر) موسوم به "عدالت پیژامه" را به‌وسیله‌ی دادگستری صلح بیل گراول برای دادگاه‌‌های دادگستری صلح پیاده سازی کرده‌اند تا ادعاهای کوچک پرونده‌‌های مدنی زیر 10 هزار دلار را برای پرونده‌‌های جنایی مانند سرعت غیر‌مجاز مدیریت کند. ساکنینی که برای دادرسی دادگاه مجبور به طی مسافتی حدود 30 مایل بودند اکنون می‌توانند به یک سکوی تحت وب دسترسی پیدا کنند و در هر زمان از شبانه روز از خانه به پرونده خود رسیدگی کنند. به جای اینکه سه تا شش ماه برای محاکمه منتظر بمانید، فرآیند (او دی آر) بلافاصله پس از تشکیل پرونده آغاز می‌شود. نه تنها این، سهولت و سهولت روند کار می‌تواند تنش را کاهش دهد و روابط را نجات دهد، به عنوان مثال، بین همسایگان که می‌توانند توافق خود را انجام دهند، به جای اینکه کینه پس از تصمیم قاضی داشته باشد.[[286]](#footnote-286)

###### 10- پروژه کیفیت و نوآوری (کی ای آی)، هلند

شورای کیفیت و نوآوری (کی ای آی) [[287]](#footnote-287) قوه قضائیه هلند به سمت یک روند قضایی مدرن تلاش می‌کند که دادرسی را در دسترس طرفین دعوا قرار دهد. با استفاده از نوآوری و دیجیتال سازی، (کی ای آی) قوه قضائیه را برای طرفین دعوا در دسترس و کاربرپسندتر می‌کند و نحوه کار قضات و کارمندان آنها را بهبود و ساده می‌کند. نوآوری‌‌هایی که برنامه (کی ای آی) به ارمغان می‌آورد به زودی اطمینان حاصل می‌کند که مراحل قانونی با سرعت بیشتری انجام می‌شود. دست‌اندرکاران زودتر خواهند فهمید که کجا ایستاده‌اند. قاضی همچنین کنترل بیشتری پیدا خواهد کرد. بعلاوه، این برنامه وحدت بیشتری از عدالت را تضمین می‌کند و وقتی پرونده‌‌های کاغذی با پرونده‌‌های دیجیتال جایگزین شوند، برای محیط بهتر خواهد بود.

در حال حاضر، کارهای زیادی در پشت صحنه برای آماده‌سازی زیرساخت‌‌های دیجیتالی لازم برای دادگستری جدید در جریان است. در سال 2015، تعدادی از فرآیندهای کار دیجیتال اجرا شد. در همین حال، امکان ارسال پرونده‌‌های پناهندگی و بازداشت به صورت دیجیتالی برای همه دادگاه‌ها فراهم شده است. مدیران و معتمدان به طور فزاینده‌ای قادر به برقراری ارتباط با دادگاه‌ها از طریق پرونده‌‌های دیجیتالی خود هستند. بسیاری از کارمندان کارهای مبتنی بر (کی ای آی) خود را با کار عادی خود ترکیب می‌کنند. روش جدید کار نیاز به تعدیلاتی دارد که همه افراد در قوه قضائیه انجام می‌دهند. برخی از مشاغل در آینده ناپدید می‌شوند. این نیاز به راهنمایی مناسب دارد. توجه و فرصت زیادی برای ‌‌‌‌آموزش و ادامه تحصیل وجود دارد. هر کس وقت و ‌‌‌‌آموزش کافی برای یادگیری نحوه کار با فرآیندهای جدید کار را خواهد دید، قانون جدید و منابع دیجیتالی مدیران ‌‌‌‌آموزش می‌بینند تا بتوانند کارکنان خود را در این روند راهنمایی کنند.[[288]](#footnote-288)

# **بند دوم : برنامه اتحادیه اروپا برای دادگاه الکترونیک**

اتحادیه اروپا همچنان در راستای توسعه دادگاه الکترونیک[[289]](#footnote-289) در اروپا است اتحادیه اروپا متعهد به بهبود دسترسی به عدالت در سراسر اتحادیه اروپا با ادامه توسعه‌ی قضاوت الکترونیکی در اروپا است.[[290]](#footnote-290) شورا، برنامه استراتژی و اقدامات مربوط به توسعه عدالت الکترونیکی را برای دوره 2019-2023 تصویب کرد. ای‌جاستیک یک سیاست است که از طریق آن دسترسی به عدالت ساده و بهبود می‌یابد در حالی که روش‌‌های قانونی مرزی ‌بین‌المللی می‌شود. ای‌جاستیک به یک حوزه خاص قانون محدود نمی‌شود و به شهروندان، شرکت‌‌ها، متخصصین حقوقی و مقامات قضایی گسترش می‌یابد. در طول دوره 2019-2023 کار بر عدالت الکترونیکی بر سه هدف کلیدی متمرکز خواهد شد:

• بهبود دسترسی به اطلاعات در حوزه عدالت

• دیجیتالی کردن جلسات قضایی را برای دسترسی آسان‌‌‌تر و سریع‌‌‌تر به دادگاه‌ها

• اجرای پیاده سازی و مدیریت ملی سیستم‌‌های قضائی ملی را تضمین می‌کند تا ارتباطات و قابلیت همکاری بین سیستم‌‌های عضو کشور را تسهیل کند.

###### 1- پورتال عدالت الکترونیکی

پورتال عدالت الکترونیکی، ابزار اصلی است که برای بهبود دسترسی به اطلاعات در حوزه عدالت توسعه داده شده است. این شامل صفحات اطلاعات، ابزارهای جستجو و فرم‌‌‌‌های پویا در تلاش برای بهبود و تسهیل تجربه کاربر است. این پورتال در طی برنامه عملیاتی بعدی توسعه و گسترش خواهد یافت.[[291]](#footnote-291)

###### 2- دسترسی صد در صد الکترونیک اروپا در دادگاه حل اختلاف آنلاین

دادگاه‌ها افتخار می‌کنند، سازمان‌‌های بلندپروازانه[[292]](#footnote-292) و ضروری[[293]](#footnote-293)هستند. آنها با توجه به حاکمیت قانون، مردم را به حساب و حل و فصل اختلافات نگه می‌دارند. نقش یک قاضی مورد نیاز و به طور کلی قدردانی شده است. اما دادگاه‌ها در مورد خدمات‌شان خودخواهانه هستند و درباره آینده شان مطمئن نیستند. روش‌‌هایی که برای کار با آنها انجام می‌شود اغلب برای هدف مناسب نیستند. پروسه ادعاهای قانونی، اتهامات، دفاع و قضاوت منجر به بسیاری از مسائل مربوط به رویه می‌شود، به جای تضعیف آنها، تضاد را افزایش می‌دهد و همیشه مسأله اساسی را حل نمی‌کند. روش‌ها تضمین نمی‌کنند که ‌راه‌حل‌ها به موقع رسیدن و مدیریت هزینه‌ها دشوار است. نوآوری اتفاق می‌افتد، اما در مقیاس و بهبود تجربه کاربر نهایی نیست.

این گزارش متمرکز بر مراحل دادرسی به شهروندان فردی است. در اینجا قضات باید به مردم کمک کنند و انگیزه دهند تا با ‌‌‌مشکلات قانونی زندگی روزمره، مانند جدایی، حوادث، مسائل اشتغال، ‌‌‌مشکلات همسایه، ‌‌‌مشکلات زمین، شکایات در برابر دولت، تعقیب قانونی یا قربانی کردن جرم، مقابله کنند. دادگاه‌ها با روش‌‌هایی که به نیازهای شهروندان‌شان مناسب‌‌‌تر می‌باشند، آزمایش می‌کنند و از آنها استفاده می‌کنند. روند اصلی در اینجا تمرکز بر حل مسأله و حل و فصل به جای روش ‌‌‌‌کلاسیک تصمیم‌گیری در مورد ادعا و دفاع از طریق یک بحث مخالف. تخصص نیز اتفاق می‌افتد.[[294]](#footnote-294)

گفتار سوم: اشکالات و چالش‌‌های الکترونیک شدن قوه قضائیه

قبل از ورود به بحث لازم است مواردی از اشکالات مربوط به الکترونیک شدن را مطرح و پاسخ دهیم. در این زمینه می‌خوانیم: «دادرسی الکترونیک با چالش‌‌‌‌هایی همچون عدم وضع قوانین جامع ومانع در حوزه دادرسی الکترونیک، عدم آگاهی کاربران نسبت به خدمات دادرسی الکترونیکی، ضرورت تأمین امنیت اطلاعات، نحوه‌ی احراز هویت کاربران در دادرسی‌‌‌‌های الکترونیک و... مواجه است. از منظر اصول بنیادین نیز رعایت حـق متداعیین نسبت به روش سنتی، ایجاد تناسب میان زمان رایانه با توانایی بشر، جلوگیری از دخالت هوش ناپویا در تصمیم‌گیری قضایی، امنیت شبکه و حفظ حریم خصوصـی به عنوان چالش‌‌‌‌های مهم باید مدنظر قرار گیرد. لذا به نظر می‌رسد با توجه به‌این چالش‌‌‌‌ها، نظام دادرسی الکترونیکی قادر به برچیدن کامل نظام دادرسی سنتی نیست بلکه می‌تواند به موازات این نظام حرکت کرده و کارایی آن را بهبود ببخشد.[[295]](#footnote-295) و یا اینگونه نوشته‌اند: «دادرسی الکترونیک با چالش‌‌‌‌هایی همچون: تقابل با استانداردهای دادرسی منصفانه، عدم آگاهی کاربران نسبت به الکترونیکی شدن دادرسی، فقدان امنیت سایبری، فقدان ضمانت اجرای دادرسی الکترونیک مواجه است.»[[296]](#footnote-296)

# **مبحث اول: از بین رفتن اطلاعات**

یکی از اشکالات، مسأله ترس از بین رفتن اطلاعات در الکترونیک است که با هک، تخریب، آتش سوزی، اشتباه اشخاص و امثال آن‌ها ممکن است اطلاعات از بین برود. از بین رفتن اطلاعات یکی از چالش‌های الکترونیکی شدن است و در انتقاد از آن مطرح می‌شود ترساندن از هک و یا از بین رفتن اطلاعات و امنیت اطلاعات ابعاد مختلفی دارد که در اولین مرحله کلیه پلتفرم‌ها باید آن را حل کنند در حقیقت آنچه که برای هر پلتفرمی و یا هر نرم‌افزاری مهم است ارائه «اطمینان بخشی» به مدیران و کاربران در زمینه پیشگیری از هرگونه تغییر امحا و از بین رفتن اطلاعات است. این در حالی است که «امنیت اطلاعات» از اصول اولیه نرم‌افزار و سخت افزار و شبکه است که مقولات مختلفی دارد از جمله گرفتن «پشتیبان» و یا «بک آپ» لایو و آفلاین، و «میرور» توصیه اولیه برای همه نرم‌افزار نویسان است ‌‌‌خصوصاً مهندسان نرم‌افزار‌‌های حساس موظف به انجام آن در صدر دستورالعمل‌‌های امنیتی می‌باشند.

در این راستا باید توجه داشت که «بک آپ» صرفاً از اطلاعات نیست بلکه در اطلاعات حساس، بک آپ از: 1- اطلاعات حساس 2- سرورها و سخت افزارهای سویچ و... 3- نرم‌افزارها 4- سرویس‌‌‌‌ها و 5- حتی «بک آپ» شبکه و ارتباطات نیز لازم است تا تدارک دیده شود.

به عنوان مثال وقتی بانک‌‌‌‌ها در حال کار هستند حتی برای ارتباطات «بک آپ» و «پشتیبان» تهیه می‌کنند در حالی که از یک شبکه پایدار استفاده می‌کنند، همزمان شبکه و حتی چندین شبکه ارتباطی دیگر را در در اختیار دارند که اگر اتفاقی افتاد از آن استفاده کنند. آنان اطلاعات را به صورت «لایو – زنده» همزمان در چند نقطه ذخیره می‌کنند و هر کدام از بین برود دیگری آن را پوشش خواهد داد همچنانکه به صورت نوبه‌ای ساعتی، روزانه و... پشتیبان می‌گیرند. بنابراین اصل امنیت در اطلاعات یکی از مهم‌ترین اصول است که ‌امروزه لازم است همه سازمان‌ها و برنامه‌ها از آن استفاده کنند و در برابر خطرات از قبیل ویروسی شدن ‌‌‌مشکلات سخت افزاری و از بین رفتن اطلاعات و یا حجم امثال آنها حفاظت داشته باشند.

بنابراین، مقوله حفاظت یکی از پیچیده‌ترین مقولات در مسأله نرم‌افزار و سامانه‌‌های الکترونیکی است که ‌این اصطلاح مشهور است «اول امنیت بعد کار» همان اصطلاحی که در قانون کار و در محیط‌های دیگر نیز مطرح است بدون امنیت وارد شدن در این مقوله‌ها اشتباه مطلقی است که گاه صورت می‌گیرد اما این ارتباطی به الکترونیک بودن ندارد همچنان که در بایگانی‌های کاغذی نیز گاه فراموش می‌کردند که یک کپسول آتش خاموش کن قرار دهند.

نکته مهم تفاوت بین «کاغذی» و «الکترونیک» در مقوله «پشتیبان گیری» کاهش هزینه‌‌های پشتیبان، نسبت به جاری است، ‌‌هاردها وسرورهای پشتیبان نسبت به کل بایگانی، هزینه کمی دارند اما در سیستم «کاغذی» هر بایگانی پشتیبان، به همان میزان اولیه، هزینه دارد. تدریس امنیت اطلاعات، یکی از شاخه‌‌های تخصصی امور رایانه‌ای است و بر همین اساس نیز در مواد مختلف قوانین ایران، بر آن تأکید شده است از جمله می‌توان به قوانین ذیل اشاره کرد. «قانون جرائم رایانه‌ای»، مصوب 1388، فصل دوم جرائم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سامانه‌‌های رایانه‌ای و مخابراتی، مبحث یکم جعل رایانه‌ای از ماده 6 و 7 مربوط به تبدیل داده‌ها است و عنوان مبحث دوم «تخریب و اخلال در داده‌ها یا سامانه‌‌های رایانه‌ای و مخابراتی» که از ماده 8 تا 10 در این رابطه جرم انگاری شده است.

همچنین در قسمت‌‌های مختلف «قانون تجارت الکترونیکی» مصوب 1382 جرم انگاری نسبت به اقدامات خلاف درباره داده‌ها وجود دارد از همه مهم‌‌‌تر آنکه حتی «سهل انگاری» مطرح شده و در ماده 87 ‌این‌گونه الزام به پرداخت خسارت گردیده است «ماده 78 - هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم مؤسسات خصوصی و دولتی، به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی، خسارتی به اشخاص وارد شود، مؤسسات مزبور مسؤول جبران خسارات وارده می‌باشند مگر اینکه خسارات وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارات برعهده ‌این اشخاص خواهد بود.»

# **مبحث دوم: عدم آشنایی مردم با روش‌‌های مختلف شکایت و دعاوی**

یکی از ‌‌‌مشکلاتی که همواره در رابطه با بهره‌بری از فضای مجازی در هر عرصه و زمینه‌ای از جمله در قوه قضائیه مطرح می‌شود ادعای عدم دسترسی روستاییان و عشایر و طبقات محروم جامعه ‌است که ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً بدین گونه مطرح می‌شود که آنان دانش بهره‌گیری از این امکانات را ندارد. این گزاره با واقعیات ایران مطابقت نداشته و خلاف آن چیزی است که در عمل وجود دارد هم اکنون بخش وسیعی از مدیران ارشد، مدیران میانی و هیأت‌‌های علمی دانشگاه‌ها روستازادگانی هستند که دانشمند و توانمندی بهره‌وری فراوانی دارند.

وجود میلیون‌ها جوان تحصیل کرده در تمامی نقاط کشور و ‌‌‌خصوصاً در روستاها و عشایر که در همان مناطق مانده‌اند و یا به شهر‌‌های بزرگ‌‌‌ترآمده‌اند نشان می‌دهد که توانمندی برای مدیریت علمی وجود دارد. امروز اگر به میزهای علمی دانشگاه‌ها و خاستگاه اساتید آن نگاه کنیم خواهیم دید که بخش وسیعی از آنها روستازادگانِ دانشمندی هستند که‌ بنیاد علمی کشور بزرگ ایران را تشکیل می‌دهد و این از افتخارات کشور است دست کم گرفتن جامعه، و تحقیر آن از سوی ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزان، تنها موجب عقب افتادگی شده، و سرعت توسعه را کند کرده است.

ضریب نفوذ اینترنت در روستاها و شهرستان‌ها و بهره‌وری مردم از شبکه‌‌های اجتماعی در کشور، هرچند با کشورهای دیگر فاصله دارد، اما یکی از پرمصرف‌‌‌ترین سرانه ‌اینترنت را دارد. ایرانیان در زمینه بهره‌گیری از اینترنت و موبایل و تجارت الکترونیک و امور اداری و علمی در سطح قابل قبولی در جهان قرار دارند که اگر هر اقدامی به آنان واگذار شود، به سرعت به آن روی آورده و بهره‌ور می‌نمایند آمارهای نفوذ موبایل و اینترنت در کشور، نشانگر این واقعیت است هرچند باید اذعان کرد که‌ آمار قطعی و دقیقی از ضریب نفوذ اینترنت در کشور ارائه نمی‌شود، اما مشاهدات عینی و رفتارهای مردم نشان می‌دهد که‌ این ضریب نفوذ بسیار فراوان است و ‌‌‌‌تقریباً همه‌گیر شده است، ضریب نفوذ فضای مجازی در پی همه‌گیری کرونا بشدت رشد کرده است و در همه ‌امور، از ‌‌‌‌آموزش تا اداری و مالی، اقدامات فراوانی شده است و ‌‌‌‌طبعاً ‌‌‌مشکلات فراوان نیز هست اما باید از آنچه وجود دارد، بهترین استفاده را نمود و امور قضائی نیز در این زمینه مهم هستند.

# **بند اول : الزام به معاضدت الکترونیک**

باید توجه داشت که اکثریت افراد جامعه دارای امکانات هستند و نمی‌توان به دلیل اینکه بخشی از جامعه ‌این امکانات را ندارند کل جامعه را محروم کرد محرومین از امکانات فضای مجازی، می‌توانند در نزدیک‌‌‌ترین کافی نت‌ها با کمترین هزینه، این دسترسی را داشته باشند در حالی که برای رفت‌وآمد به یک مجتمع قضایی لازم است هزینه فراوان از جمله بخشی از وقت خود را بگذارند که اگر کارگر باشند شاید نیمی از حقوق روزانه آنها ازبین برود. بنابراین با روش‌‌های سهل و آسان و بی‌هزینه در فضای مجازی که برای افراد فقیر و ناتوان ایجاد خواهد شد آنان با سرعت بیشتری به حق خویش خواهند رسید. از جمله‌ اینکه وثیقه گذاری، ارزیابی، و پذیرش وثیقه وقتی از طریق فضای مجازی و بصورت تمام الکترونیک انجام شود هزینه‌های اقشار ضعیف، برای رفتن از این اداره به آن اداره، به شدت کاهش می‌یابد.

ضمن آن که می‌توان معاضدت مختلف را در مکان‌های مختلف قرار داد همچنان که در هزینه‌‌های دادرسی و یا وکالت طبق قانون باید برای آنان معاضدت انجام گیرد و با توجه به ‌اینکه افراد محروم، ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً دارای پرونده‌‌های کمتری در دادگاه‌‌های مختلف هستند و دادخواست‌‌های کمتری دارند زیرا دارایی و اموال آنها بسیار کم است و در نتیجه ‌‌‌مشکلات آنها و درخواست‌‌‌‌‌های آنها نیز کاهش می‌یابد هرچند در امور کیفری ممکن است مورد ‌‌‌‌‌کلاهبرداری یا سرقت و تهاجم و امثال آن قرار گرفته باشند و در نتیجه دادخواست‌‌هایی داشته باشند و به طور طبیعی اختلافاتی در زمینه‌های مختلف خواهند داشت که لازم است برای آنها اقدامات ویژه‌ای انجام داد و حق دادرسی آنان را به‌وسیله‌ی الکترونیک، تضمین کرد.

# **مبحث سوم: عدم وجود قوانین و مقررات لازم برای استفاده از این تکنولوژی**

یکی از اشکالاتی که در خصوص بهره‌بری از فضای مجازی مطرح می‌شود، عدم وجود قوانین در رابطه با فضای مجازی است که موجب شده هر چند وقت یک‌بار، مجلس و نهادهای مختلف در صدد قانونگذاری و ‌‌‌خصوصاً «جرم انگاری» بشوند این در حالی است که از اولین سال‌‌های حضور فضای مجازی، قوانین ایران «به‌روزرسانی» شده و قوانین بسیاری در زمینه‌‌های مختلف «فضای مجازی» وجود دارد که هر کدام می‌تواند راهگشا باشد. حتی آئین نامه‌ها و قوانین خاص در این عرصه وجود دارد که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

• مصوبه هیأت وزیران در خصوص سیاست تجارت الکترونیکی جمهوری اسلامی ایران 29/02/1381

• قانون تجارت الکترونیکی مصوب 17/10/1382

• قانون جرائم رایانه‌ای (فصل پنجم قانون مجازات اسلامی) 05/03/1388

توجه شود: بر اساس ماده 55 قانون جرائم رایانه‌ای مصوب 05/03/1388 که مقرر می‌دارد: «شماره مواد (1) تا (54) این قانون به عنوان مواد (729) تا (782) قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) با عنوان فصل جرائم رایانه‌ای منظور و شماره ماده (729) قانون مجازات اسلامی به شماره (783) اصلاح گردد.» هر یک از این دو قانون، رسمیت داشته و فقط عناوین و شماره مواد آن تغییر کرده است.

• قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی – مصوب 08/07/1393

‌‌‌‌‌• آیین‌نامه جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی مصوب (13/5/1393)

• قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات 06/11/1387

و قوانین فراوان دیگر که در آن‌ها مسأله رایانه، فضای مجازی و اسناد الکترونیک و امثال آن آمده است.

# **مبحث چهارم: عدم رعایت حریم خصوصی**

یکی از اشکالاتی که به استفاده از فضای مجازی می‌شود این است که در فضای مجازی حریم خصوصی مورد تهاجم قرار می‌گیرد و در بسیاری از موارد، با هک و نفوذ، اطلاعات شخصی اشخاص غیر‌قانونی در اختیار دیگران قرار می‌گیرد و یا در سطح وسیع افشاء می‌شود و اگر پرونده‌‌های قضائی الکترونیک باشد در اختیار دیگران قرار می‌گیرد. در این زمینه باید گفت که مسأله حریم خصوصی در فضای مجازی اختصاص به قوه قضائیه نداشته و در همه زمینه‌ها وجود دارد و در دو جهت باید آن را دید.

اول: آنکه فضای مجازی موجب تقویت «حریم خصوصی» اشخاص شده است زیرا ‌‌‌‌‌قبلاً وقتی یک آگهی از قبیل ابلاغ یا احضاریه و یا حکم شخص به وسیله ‌مأمور به درب منزل آورده می‌شد تعدادی از همسایگان و بستگان و خانواده و حتی کودکان وی آن را می‌دیدند و نسبت به شخصی که‌ این مسأله به او ابلاغ شده، ذهنیت پیدا می‌کردند و از سوابق او مطلع می‌شدند امروزه با روش الکترونیک این مسأله حل شده است و صرفاً به شخص وی و مستقیماً به او اطلاع داده می‌شود و اگر خودش نخواهد، اشخاص دیگر مطلع نمی‌شوند.

دوم: حریم خصوصی در اختیار پلتفرم‌ها قرار گرفته و آنها اطلاعات فراوانی از اشخاص دارند که برای خود آنها مورد بهره‌بری و یا سوء استفاده قرار می‌گیرد در همه زمینه‌ها این مسأله وجود داشته و مردم با آن کنار آمده­اند و به عرف، تبدیل شده است و ذخیره حریم خصوصی خود را نزد سامانه‌ها پذیرفته‌اندکه در اختیار دولت یا بخش خصوصی باشد. به عنوان مثال در زمان‌های گذشته، آلبوم شخصی هر فرد برای خودش بود و اگر حاوی موارد خاص بود، آن را با تمام قوا حفظ می‌کرد و ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً در اختیار دیگران قرار نمی‌داد و یا اسناد شخصی خود را حفظ می‌کرد اما امروزه آلبوم شخصی وجود نداشته و تمامی آنها در دوربین‌های گوشی‌‌های تلفن همراه و رایانه‌ها و در شبکه‌‌های اجتماعی مختلف ارسال می‌شود در نتیجه ابعاد وسیعی از زندگی کاملاً خصوصی افراد، با رضایت خودشان در اختیار دیگران قرار می گیرد و عرف جامعه بر این اساس شکل گرفته است که‌این میزان حریم خصوصی خود را در اختیار سامانه‌‌هایی قرار داده که به آنها اعتماد کرده است.

واقعیت آن است که پلتفرم‌ها از این اطلاعات استفاده‌‌های مختلف نموده و آن را در اختیار دیگران می‌گذارد و مقررات جی دی پی آر[[297]](#footnote-297) یک برنامه قانونی مهم برای حفاظت از داده‌های شخصی اطلاعات از سوی اتحادیه اروپا محسوب می‌شد و در این زمینه تلاش فراوان کرد اما در عمل شکست خورد زیرا تا پیش از آن کلیه پلتفرم که از اطلاعات افراد ‌‌‌‌‌‌احتمالاً استفاده می‌کردند و شاید هم هرگز استفاده نمی‌کردند با تکیه بر قوانین جی دی پی آر از افراد اجازه گرفتند که اطلاعات آنها را در اختیار همگان قرار دهند و در حقیقت چک با امضاء سفید گرفتند که هر آنچه می‌خواهند انجام دهد بنابراین آنچه که واقعیت پذیرفته شده توسط عرف است این که به حریم خصوصی خود مانند قبل، را یا توجهی نمی‌کنند و یا به استفاده از آن رضایت می‌دهد.

امروزه سامانه‌‌های مرجع و بزرگ که کاربران عرفاً ملزم به استفاده از آن‌ها هستند همان ابتدا، به صورت کاملاً قانونی، اجازه می‌گیرند که با دیتا هر نوع اقدامی انجام دهند و اگر کاربرآن را رد نماید، از خدمات آن پلتفرم، محروم می‌شود. پس از تصویب قوانین جدید حفاظت از داده در اتحادیه اروپا، وقتی شما برای اولین بار به آدرس‌‌های اینترنتی می‌روید، مشابه ‌این متن که یاهو نیوز ارائه کرده است، برای شما می‌آید؛

یاهو در حال حاضر بخشی از خانواده‌ی سوگند[[298]](#footnote-298) است. با توجه به قوانین حفاظت از اطلاعات اتحادیه اروپا، ما (سوگند)، فروشندگان و شرکای ما به رضایت شما نیاز داریم تا کوکی‌ها را در دستگاه خود نصب کنیم تا از جستجوی شما، مکان و داده‌‌های مرور در جهت درک منافع شما و شخصی‌سازی و اندازه‌گیری تبلیغات در محصولات‌مان استفاده کنیم. سوگند به تبلیغاتی شخصی شما در محصولات شرکای ما نیز ارائه می‌دهد. چگونه اطلاعات به شما تجربیات تبلیغاتی را به ارمغان می‌آورد.

ما می‌خواهیم به شما بهترین تجربه در محصولات ما را ارائه دهیم. گاهی اوقات، ما تبلیغات منحصر به فرد خود را با ارائه حدس‌‌های ‌‌‌‌آموزشی در مورد منافع خود و بر اساس فعالیت شما در سایت‌‌های ما و محصولات شما نشان می‌دهد. به عنوان مثال، هنگامی که شما برای یک فیلم جستجو می‌کنید، از مکان شما برای نشان دادن مناسب‌‌‌ترین سینما در نزدیکی شما استفاده می‌کنیم. ما همچنین از این اطلاعات برای نشان دادن تبلیغات برای فیلم‌های مشابهی که ممکن است در آینده بخواهید ببینید استفاده می‌کنیم. در مورد چگونگی استفاده از این داده‌‌ها، بیشتر بدانید. تبلیغات شخصی را از شرکای مورد اعتماد ما دریافت کنید.

این به معنای آگهی‌‌های بیشتر نیست، به‌این معنی است که آن‌ها شخصی می‌شوند. هنگامی که شما اجازه می‌دهید شرکای ما کوکی‌ها را برای جمع آوری داده‌‌های مشابهی که در سایت‌‌های ما انجام می‌دهند، ارائه دهند، می‌توانند تبلیغات خود را بر روی سایت‌‌های ما ارائه دهند که فکر می‌کنند مطابق با منافع شما است مانند معاملات مربوط به محصولات مورد علاقه شما، اندازه گیری، گزارش و تجزیه و تحلیل تعاملات آنها با شما. در مورد نحوه استفاده از این اطلاعات از شرکا بیشتر بدانید و گزینه «مدیریت گزینه‌‌ها» را انتخاب کنید تا انتخاب‌‌های به اشتراک گذاری داده با شرکای ما تنظیم شود.

برای ادامه استفاده از محصولات ما «OK» را انتخاب کنید، در غیر‌این صورت نمی‌توانید به سایت‌‌‌‌‌ها و برنامه‌‌های خود دسترسی داشته باشید. گزینه "مدیریت گزینه‌‌ها" را برای تنظیم استفاده از داده‌ها و انتخاب گزینه‌ها انتخاب کنید. برای اطلاعات بیشتر و تنظیمات، به مرکز حریم خصوصی مراجعه کنید. نکته: برای جلوگیری از تکرار این در همه دستگاه‌‌‌‌‌های خود، به حساب خود وارد شوید، همان گونه که ملاحظه شد، سامانه‌‌هایی مانند یاهونیوز، و پلت فرم‌‌هائی مانند واتساپ و امثال آن‌‌ها، همان ابتدا اجازه کامل می‌گیرند و هر نوع اقدامی که نسبت به «حریم خصوصی» اشخاص انجام دهند «سبق رضایت» داشته است.

## 

## 

فصل سوم:

سامانه‌ها و الزامات دگردیسی دیجیتال در دادرسی عادلانه

گفتار اول: سامانه‌ها و الزامات دگردیسی دیجیتال در دادرسی عادلانه

گفتار دوم: تغییرات بنیادین در روش‌ها و شیوه‌‌های دادرسی

گفتار سوم: ‌‌‌مشکلات، جرائم و آینده فضای مجازی در دادرسی

در این فصل به پرسش‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌های متنوعی پاسخ خواهیم داد: آیا ضرورتی بر «صلاحیت محلی» دادگاه‌ها وجود دارد؟ آیا می‌توان حق «دادخواست الکترونیک» به دادگاه‌های مختلف را با حذف «مکان فیزیکی» انجام داد؟ «ارجاع الکترونیک» بر حسب صلاحیت‌ها چه رابطه‌ای با دادگاه مستقل دارد؟ «حق دفاع» و «داشتن وکیل» در دادگاه‌ها از طریق اینترنت «ارتقاء» می‌یابد یا «تضعیف» می‌شود؟ «اصل برائت» و پیگیری آن در فضای مجازی چه تعارض‌‌هائی دارد؟ روش «کشورهای مختلف» در زمینه «دادرسی الکترونیک» چیست؟ آیا «مقررات ‌بین‌المللی» حامی این دسترسی‌ها هستند؟ «سندیت اسناد الکترونیک» چه می‌شود؟ آیا ضرورتی به مراجعه دادخواهان به ضابطین «قوه قضائیه» (‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌‌ها) وجود دارد؟ آیا می‌توان این مرحله را حذف کرد؟ نقش هوش مصنوعی در روند قضائی چیست و آیا می‌توان به آن اتکاء کرد؟

گفتار اول: الزاماتِ دگردیسی دیجیتال در قوه قضائیه

# **مبحث اول: الزاماتِ قانون دگردیسی دیجیتال**

‌‌‌مشکلات فراوان پرونده‌‌ها، کاغذی بودن کلیه مراحل، پیش و پس انداختن پرونده‌‌ها، گم شدن پرونده‌‌ها، امحاء پرونده‌‌های قدیمی و ضایع شدن حق مردم، ‌‌‌مشکلات ابلاغ، نرسیدن ابلاغ‌‌ها، دیر رسیدن ابلاغ‌ها و گذشت زمان حق اعتراض، اطاله زمان دادرسی، عدم امکان بازرسی کامل از روند اجرائی و رفتار قضات و کارکنان و ضابطین، صدور قرارهای بیهوده و اعزام به زندان، مشکل دسترسی به دادسرا‌ها و نشناختن مرجع صاحب صلاحیت، بود.

در وضعیت کنونی، اقدامات مثبت آغاز شده وحرکت به سمت الکترونیک وآوردن رایانه به تمامی قسمت‌ها و ارتقاء سطح دانش کارکنان و مردم شروع شده است، اما روش دادخواست و پیگیری پرونده‌ها و مراحل مختلف رسیدگی و اجراء حکم، همچنان با مراجعه و بسیاری از امور نیمه الکترونیک است، مکاتبات نیمه الکترونیک، ایجاد دفاتر قضایی بدون نیاز به آن‌‌ها، افزایش هزینه‌‌های دادرسی، اطاله زمان و جابجائی صف، نه از بین بردن آن و بسیاری از مشکلات دیگر، نشان می‌دهد که قوه قضائیه دگردیسی نداشته است.

# **بند اول: زیرساخت قوانین**

###### 1- قانون جامع دگردیسی دیجیتال

ماده 175 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 تصریح دارد: «استفاده از سامانه‏‌‌های (سیستم‌‌های) رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.»[[299]](#footnote-299) این ماده، به تنهائی تمامی ابعاد «دگردیسی دیجیتال» را شامل می‌شود از جمله «دادخواست از راه دور»، که مهم‌ترین راه برای رسیدن به «حق دادرسی» در فضای مجازی است، در این ماده واژه «بلامانع» برای همه اقدامات بکار رفته، اما در عمل، قضات و سیستم انفورماتیک قوه قضائیه، به کندی این «مجوز» را می‌پذیرند و همچنان با «دفاتر الکترونیک قضائی»، فقط محل مراجعه را «تغییر» و هزینه را «افزایش» داده‌اند.

###### 2- ضرورت قوه قضائیه شبانه روزی

قوه قضائیه در فضای مجازی از امکانات ذیل برخوردار است: ۱- دستیابی سریع و دقیق قضات به اطلاعات ۲- فعالیت قضات در تمام مکان‌‌‌‌‌ها و زمان‌‌‌‌‌ها، دسترسی لحظه‌ای مردم به دادرسی و عدم تعطیلی دادگاه ۳- کاهش هزینه و زمان دادرسی ۴- ارتباط راحت‌‌‌تر قضات با کارشناسان و ‌‌وکلا [[300]](#footnote-300) 5– بررسی سریع و دقیق و علمی پرونده‌ها.

آن چه در این تحقیق درصدد اثبات آن هستیم مسأله «قوه قضائیه همراه»[[301]](#footnote-301) از ابتدا تا انتهای پرونده و «بدون مراجعه» و «بدون کاغذ» است که تمام مراحل را انجام دهد آنچه در خصوص قوه قضائیه تمام الکترونیک در فضای مجازی مطرح می‌شود. قوه قضائیه‌ای که هیچ گونه تعطیلی نداشته و در تمامی 24 ساعت شبانه روز، در دسترس همگان است.

دگردیسی دیجیتال[[302]](#footnote-302)، فراتر از تحول و تغییرات روبنایی است درست به مانند آن که تغییرات فیزیکی را با تغییرات شیمیایی مقایسه کنیم در تغییرات فیزیکی [[303]](#footnote-303) هیچ یک از دو یا چند عنصر که با یکدیگر ترکیب شده‌اند ماهیت خود را از دست نمی‌دهد بلکه از شکلی به شکل دیگر تغییر می‌یابد گندم تبدیل به نان می‌شود اما در تغییر شیمیایی[[304]](#footnote-304) این‌گونه نیست وقتی دو عنصر با همدیگر ترکیب می‌شوند، عنصری غیر‌از آن دو به وجود می‌آید که گاه با آن‌ها متضاد نیز است. آن چه از ترکیب تکنولوژی و انسان مدرن در قوه قضائیه مورد انتظار است، نه ترکیب فیزیکی و نه تغییرات شکلی است بلکه بر این باوریم که ‌‌اصولاً روش و منش دادخواست تا صدور حکم و اجرای احکام، تغییرات ماهوی پیدا نماید.

###### 3- الزامات قانونی بر دگردیسی دیجیتال در قوه قضائیه

آن چه در خصوص دگردیسی دیجیتال بیان شد، نه با این واژه، اما با مفهوم دقیق، در قوانین مختلف تکلیفی آمده است تا قوه قضائیه، بدون مراجعه، بدون کاغذ، کاهش هزینه‌‌های عمومی، مسأله دادرسی و مراحل آن را حل نماید، عدم درک صحیح، یا تعارض منافع و یا ماندن در روش‌‌های قدیمی، مانع تحول واقعی در الکترونیک قوه قضائیه شده است.

###### 4- راه‌اندازی درگاه واحد قضائی

در ماده 653 قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی – مصوب 10/08/1393 [[305]](#footnote-305) مسئله اطلاع رسانی از قوانین و مقررات و برخی موارد دیگر در «درگاه ملی قوه قضائیه» مطرح شده ، در حالی است که لازم است کل امور قضائی و روند اجرائی امور قضاء ، از یک «درگاه واحد ‌اینترنتی» انجام شود و «درخواست»‌ها (اعم از دادخواست یا استعلام و هر خواسته دیگری) در همان پذیرش شود و تمام اتوماتیک در کمترین زمان ممکنه و با کمترین هزینه، پاسخ دریافت کنند و «دادخواست‌‌ها» به اتوماتیک و با هوشمندی به قضات دادگاه‌‌های مختلف، دیوان عدالت و یا هر قسمت صالح دیگر شود.

در چنین صورتی، بی‌طرفی در مراحل دادرسی که از مهم‌‌‌ترین ارکان «دادرسی عادلانه» است با بهره‌گیری از فضای مجازی در عمل بهتر امکان پذیر است و کاهش هزینه‌‌های مراجعات مکرر با اینترنتی شدن امور و در نتیجه «دسترسی واقعی به دادرسی» در پیش (در مرحله دادخواست، ارسال دادخواست الکترونیک از درگاه واحد، ارجاع الکترونیک یا از سوی قاضی به صورت اتفاقی، ابلاغ الکترونیک و...) و حین (بازپرسی از راه دور، محاکمه آنلاین و آفلاین، تبادل لوایح و دفاع ‌‌وکلا، گذاشتن وثیقه و فک آن و...) و پس از دادگاه (اجرای احکامی که از طریق فضای مجازی امکان پذیر است.) می‌تواند مردم را به «عدالت» امیدوار نماید.

چند عنوان از اقدامات اساسی الکترونیک در راستای حق دادرسی عادلانه مطرح می‌شود که می‌تواند قوه قضایه کاملاً مدرن و در خدمت «همه مردم» را ارتقاء بخشد و به طور کلی؛ عدالت را برقرار نماید، موارد زیر، که بسیاری یا هزینه‌ای ندارد و یا با هزینه و زمان کوتاهی می‌توان به آنها رسید و برخی از آن‌ها تا حدودی انجام شده و تعدادی دیگر همچنان کاغذی و سنتی است.

از الزامات «حق دسترسی به دادرسی عادلانه» در عصر مدرن کنونی است:

1- ثبت کلیه شکایات و دعاوی به صورت و بسیار ساده به طوریکه کمترین رده افراد مطلع از مسائل حقوقی، به راحتی بتوانند از آن بهره برند.

2- ثبت مستعار و اتوماتیک کلیه شکایات و دعاوی و مراحل رسیدگی (جهت دسترسی کلیه علماء حوزه، حقوقدانان، دانشجویان رشته حقوق، طلاب و قضات و رشته‌‌های مختلف علوم اجتماعی، علوم سیاسی دیگر اشخاص برای ‌‌‌‌آموزش، اظهار نظر و... با حفظ محرمانگی)

3- دریافت کلیه مدارک و پیوست‌ها لازم به صورت برخط[[306]](#footnote-306)

4- ارجاع کلیه دعاوی به صورت اینترنتی به دادگاه صاحب صلاحیت

5- ابلاغ برخط از طریق همراه، رایانامه، اینترنت و...

6- اطلاع‌رسانی در زمینه نقص پرونده به افراد از طرق فوق

7- دریافت کلیه هزینه‌ها به صورت اینترنتی (هزینه دادرسی، ابطال تمبر و...)

8- ارائه مشاوره لازم به همه افراد شاکی و متشاکی در صورت درخواست آنان به صورت برخط

9- در اختیار گذاردن مواد قانونی لازم برای مردم و قضات

10- درج احکام قضائی به صورت مستعار در اینترنت جهت مطالعه و بررسی حقوقدانان و رشته‌‌های مختلف علوم (با رعایت طبقه‌بندی‌‌های خاص؛ برخی احکام نباید در اینترنت درج گردد، کلیه احکام صادره باید همراه با متن قانون باشد)

11- ایجاد دسترسی برخط قضات و دفاتر به استعلامات مورد نیاز (از قبیل مالکیت تلفن یا ریز مکالمات، گردش حساب‌‌‌‌‌ها، بیمه، اسناد مالکیت و. ..)

12- ثبت کلیه مراحل اقدامات (دستگیری و...) به‌وسیله‌ی ضابطین قضائی از طریق تلفن همراه، اینترنت و...

13- ثبت کلیه ورود و خروج زندان‌‌‌‌‌ها و اعلام آن به خانواده‌ها

14- ثبت کلیه ورود و خروج بیمارستان‌‌‌‌‌ها (مجروحین تصادفات و یا درگیری‌‌‌‌‌‌‌های مختلف و یا مسمومیت)

15- ثبت کلیه ورود و خروج مراکز نگهداری افراد بی سرپرست و...

16- ثبت کلیه تصادفات وبا ذکر جزئیات به صورت آنلاین

17- ثبت کلیه توقیف‌‌‌‌‌ها

18- ثبت کلیه وثائق در پرونده‌ها در سراسر کشور با ذکر جزئیات و آزاد سازی آن‌ها به صورت آنلاین

19- ثبت کلیه مشخصات کفیل‌ها و یا افرادی که ضامن شده‌اند

20- ثبت کلیه وجوه حساب‌ها و واریز همه آنها از طریق اینترنت (مثلاً وجوهی که مردم برای پرداخت بدهی به صندوق می‌سپارند)

21- کلیه پرداخت‌‌‌‌‌ها و دریافت‌‌‌‌‌ها از طریق اینترنت و درگاه‌‌‌‌‌های الکترونیکی

22- ثبت کلیه افراد دارای ‌‌‌مشکلات و طبقه‌بندی آنها

23- ثبت لحظه‌ای و برخط اسناد رسمی (اعم از اسناد ازدواج، طلاق، املاک، وکالت و...)

24- ابلاغ قوانین به لحظه و نه در مدت زمان

25- تغییر زمان‌‌های آئین دادرسی و کاهش آن

26- عدم نیاز به روزنامه رسمی

27- عدم نیاز به آگهی در روزنامه‌‌های کثیر الانتشار

28- قابلیت کوتاه کردن زمان دادرسی با آنلاین نمودن همه‌ امور

29- قابلیت پیشگیری از رشوه

30- حذف صلاحیت محلی، صلاحیت محلی دادگاه‌‌ها، دیگر نقشی در دادخواست‌ها ندارد زیرا با توجه به دسترسی‌‌های بسیار آسان مردم به ارتباطات مدرن، فلسفه بخش وسیعی از این موضوع، منتفی شده است.

31- دادرسی از راه دور در همه زمینه‌‌های

32- ارجاع اتوماتیک پرونده‌ها به قضات کاملاً طبقه‌بندی شده

33- عدم نیاز به حضور قاضی، متهم، طرفین دعوی، وکیل، شهود در مکان خاص واستفاده از فضای مجازی تصویری

34- و...

و ده‌‌‌‌‌ها عنوان دیگر که می‌تواند تکلیف «حقوق اساسی» و «حقوق بشر»، در «حق دسترسی عادلانه» را بیش از پیش، تحقق بخشد و لازم است از طریق اینترنت و موبایل، بدون اجبار به واسطه‌‌ها، و به لحظه در اختیار آحاد کشور قرار گیرد. بنابراین آن چه در ماده 654 آمده است که قوه قضائیه برای دادگستری ها و دستگاههای تابعه درگاه های اختصاصی ایجاد نماید ، در عمل ، فائده ای ندارد و نتیجه ای برای تحول نخواهد داشت.

###### 5- الزام حذف مراجعه حضوری در قانون مدیریت خدمات کشوری

دولت الکترونیک و به تبع آن «قوه قضائیه الکترونیک»، باید دو خصوصیت «عدم مراجعه»، «عدم کاغذ» و دو عملکرد را داشته باشد «کاهش هزینه‌‌ها»، «کاهش زمان»، و اگر هریک از این مشخصه‌ها نباشد، کار در فضای مجازی «شبهِ الکترونیک» است.

ماده 37 قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب 25/07/1386، کلیه دستگاه‌‌‌‌‌‌های اجرائی را مکلف کرد ترتیبی اتخاذ نمایند که مراجعات مردم کاهش یابد. دستگاه‌‌های اجرایی موظفند با هدف بهبود کیفیت و کمیت خدمات به مردم و با رعایت دستورالعمل‌‌های ذی‌ربط اقدامات زیر را به ترتیب انجام دهند:

1- ‌اطلاع‌رسانی الکترونیکی در خصوص شیوه ارائه خدمات همراه با زمان بندی انجام آن و مدارکی که متقاضی باید ارائه نماید.

2- ارائه فرم‌‌های مورد نیاز جهت انجام خدمات از طریق ابزار و رسانه‌‌های الکترونیکی.

3- ارائه خدمات به شهروندان به صورت الکترونیکی و حذف لزوم مراجعه حضوری مردم به دستگاه اجرایی برای دریافت خدمت.

تبصره - مدت زمان اجرای بندهای (1) و (3) این ماده از تاریخ تصویب این قانون به ترتیب یک، دو و سه سال تعیین می‌گردد.[[307]](#footnote-307)

بنابراین هر دستگاهی که می‌تواند با سیستم الکترونیک امکانات را به مردم ارائه نماید و آن‌ها از طریق اینترنت اقدام نمایند و اگر این کار را نمی‌کند «ترک فعل»کرده است.

در ماده 126 قانون بودجه سال 92 کشور، امور تجمیع اطلاعات، و تسهیل أخذ مجوزها و تضمین‌ها را تأکید کرده است: «معاونت ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موظف است امور تجمیع اطلاعات، تسهیل أخذ مجوزها و تضمین‌‌ها، تدوین دستورالعمل‌‌ها، تشخیص صلاحیت شرکت‌‌‌‌‌‌ها، هماهنگی بین دستگاه‌ها و پشتیبانی راهبردی از مشارکت عمومی‌- خصوصی برای راه‌اندازی فرآیند سرمایه‌گذاری، ساخت و بهره‌برداری را انجام دهد و گزارش اقدامات مربوطه را به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. دستگاه‌‌های اجرایی موظفند هماهنگی لازم با آن معاونت را به عمل آورند.» قوه قضائیه، از دستگاه‌‌های اجرائی کشور ‌است و این تکلیف قانونی را داشته است و نقش بسیار مهمی در فرآیند «مجوزها» دارد از جمله، سازمان ثبت اسناد که مدارک را آنلاین ارائه کند و یا «عدم سوء پیشینه» که لازمه بسیاری از مجوزها است.

###### 6- ایجاد «مرکز ملی داده‌‌های قوه قضائیه» و «شبکه ملی عدالت»

در قوانین مختلف تکالیف فراوانی برای درگاه واحد و «شبکه ملی عدالت» آمده است از جمله قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی که در مواد مختلف، آن را تأکید کرده است.

ماده 650 مقرر می‌دارد: به منظور ساماندهی پرونده‌ها و اسناد قضایی و ارائه بهتر خدمات قضائیه، و دستیابی روزآمد به‌ آمار و گردش کار قضایی در سراسر کشور و همچنین ارائه‌آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده‌‌های قوه قضائیه» در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه با استفاده از افراد موثق راه‌اندازی می‌شود.

تبصره 1ـ نحوه و میزان دسترسی مراجع ذی‌صلاح قضایی به اطلاعات این مرکز به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره 2ـ اسناد، مدارک و اطلاعات این مرکز با رعایت قوانین و مقررات به موجب ‌‌‌‌‌آیین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورا تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد، در اختیار مراکز علمی، پژوهشکده‌ها و پژوهشگران قرار می‌گیرد. استفاده از اسناد، مدارک و اطلاعات مزبور نباید موجب هتک حرمت و حیثیت اشخاص شود. انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد مرتبط با دادرسی از قبیل نام، نام خانوادگی، شماره پستی و شماره ملی آنان جز در مواردی که قانون تجویز کند، ممنوع است.

ماده 652ـ قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

تبصرهـ مراجع قضایی می‌توانند استعلامات قضایی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند. در این صورت دستگاه‌‌های دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و شخصیت‌‌های حقوقی بخش خصوصی موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند. مستنکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (576) قانون مجازات اسلامی ـ کتاب پنجم تعزیرات مصوب 2/3/1375 است.

ماده 38- قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 10/11/1395مقرر می‌دارد: « به منظور افزایش سرعت، صحت، کارایی و امنیت در ارائه خدمات حقوقی و قضائی و تحقق نظام جامع دادرسی الکترونیک، قوه قضائیه مکلف است برای توسعه الکترونیک اطلاعات و ارتباطات قوه قضائیه، مراکز و سازمان‌‌های وابسته نسبت به تکمیل و روزآمدکردن داده‌ها و اطلاعات مرکز ملی داده‌‌های قوه قضائیه و توسعه خدمات این مرکز و استقرار کامل شبکه ملی عدالت اقدام کند.

تبصره 1- نیروی انتظامی و ضابطان خاص قوه قضائیه و کلیه دستگاه‌‌‌‌‌‌ها و گروه‌‌‌‌‌‌های مرتبط با مراجع قضائی که در سایر مراجع فعالیت می‌کنند، مکلفند اطلاعات مورد نیاز مراجع قضائی در مسیر رسیدگی‌‌های قضائی را با رعایت طبقه‌بندی در اختیار مرکز قرار دهند.

تبصره 2- کلیه دستگاه‌‌‌‌‌‌های دولتی، نهاد‌‌های عمومی غیردولتی و اشخاص حقوقی پس از استقرار شبکه ملی عدالت مکلفند نسبت به ارسال پاسخ به استعلامات مراجع قضائی از طریق این شبکه اقدام کنند.

###### 7- بهره‌وری از بانک‌‌های اطلاعاتی قوه قضائیه، راه رسیدن به «مدیریت دانش»

دستگاه‌‌‌‌‌‌های اداری و از جمله قوه قضائیه، در زمینه استفاده علمی از اطلاعات موجود، ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً به دیگران نقد می‌کنند که چرا با ما همکاری نمی‌کنند، در هر سازمان و نهاد، آن قدر اطلاعات عظیم پراکنده وجود دارد که اگر ابتدا همان‌ها مورد استفاده قرار گیرد بدون شک بسیاری از ‌‌‌مشکلات حل می‌شود، قوه قضائیه دریای عظیمی از دیتاهای مفید را دارد که «اشتراک‌گذاری» آن‌ها به نفع همه کشور و مدیریت دانش مدیران عالی قوه بر همه موارد است، این سخن به معنای نفی همکاری دیگر سازمان‌ها نیست، بلکه تذکر این نکته است که حتماً نباید به انتظار نشست.

###### 8- وظایف الکترونیک قوه قضائیه، راه قانونی «مدیریت دانش»، ایجاد «درگاه ملی قوه قضائیه»

‌قانونگذار جمهوری اسلامی در مواد مختلفی روند «دانش محور» را به عنوان تکلیف قوه قضائیه بر شمرده است که بخش‌‌هایی از آن انجام شده و بخش‌‌هایی، تاکنون عملیاتی نشده است. به عنوان نمونه ماده 653 قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مقرر می‌دارد: قوه قضائیه موظف است. اطلاعات زیر را ازطریق «درگاه ملی قوه قضائیه» ارائه کند و آنها را روزآمد نگه دارد.

الف- اهداف، وظایف، سیاست‌‌ها، خط مشی‌ها و ساختار ‌‌‌‌‌‌‌‌کلان مدیریتی و اجرایی قوه قضائیه به همراه معرفی مسؤولان و شرح وظایف و نحوه ارتباط با آنان.

ب- نشانی، شماره تماس و پیوند به تارنمای (وب سایت) تمامی معاونت‌ها و دادگستری‌‌های استان‌‌ها، دستگاه‌‌های تابعه قوه قضائیه، وزارت دادگستری، کانون‌‌های ‌‌وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی دادگستری.

پ- کلیه قوانین لازم الاجراء، آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور و آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، بخشنامه‌‌های رئیس قوه قضائیه و نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه

ت- آرای صادره از سوی محاکم درصورتی که به تشخیص قاضی اجرای احکام خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی نباشد به صورت برخط (آنلاین) برای تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص.

ث- خدمات معاضدت قضایی به مقامات ذی‌صلاح سایر کشورها بر پایه اسناد و معاهده‌‌های همکاری حقوقی ‌بین‌المللی و اطلاعات راجع به خدمات حقوقی و قضایی به اتباع سایر کشورها.

ج- ‌‌‌‌آموزش آسان و قابل درک عمومی چگونگی اقامه دعوی برای شهروندان.

چ- اطلاعات پژوهشی و علمی حقوقی قضایی.[[308]](#footnote-308)

اگر فقط همین یک ماده مورد عمل قرار گیرد، بخش وسیعی از «مدیریت دانش» تحقق می‌یابد و از بار ‌‌‌مشکلات کاسته می‌شود.

###### 9- تجمیع اطلاعات دستگاه‌‌های تابعه قوه قضائیه

ماده 651 قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مقرر می‌دارد «کلیه دستگاه‌‌های تابعه قوه قضائیه، نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذی‌ربط در عفو و بخشودگی و سجل کیفری، و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، موظفند کلیه اطلاعات خود را در مرکز ملی داده‌‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

تبصره 1- ‌‌‌‌‌آیین‌نامه اجرایی نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری در مرکز ملی داده‌‌های قوه قضائیه توسط آن قوه تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره 2- مراجع انتظامی و سایر ضابطان و دستگاه‌‌ها، هیأت‌ها و کمیسیون‌‌های ذی‌ربط موظفند اطلاعات مرتبط با امورقضایی خود را در مرکز ملی داده‌‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.»[[309]](#footnote-309)

###### 10- اشتراک گذاری و استعلامات متقابل قوه قضائیه

اگر حق دسترسی را در پیش، حین و پس از دادرسی بدانیم آنگاه مشخص می‌شود که در تمامی این مراحل، برخورد علمی و بهره‌گیری از دانش روز، موجب تسریع در دادرسی و عادلانه‌‌‌تر شدن آن خواهد شد دیتابیس‌‌های قوه قضائیه فراوان است آنها یکپارچه نیستند و نمی‌توان به سرعت از همه آن‌ها به صورت یکجا استفاده کرد، هرچند ناقص باشد اما هر میزان بتواند کمک کند مسأله‌ای را حل می‌کند، می‌توان اقدامات سریع نسبت به استفاده از هر آنچه‌ آماده است آغاز کرد، و سپس به سرعت نسبت به یکپارچه سازی و سیستم سازی اقدام نمود.

نمونه‌‌هائی از بانک‌‌های اطلاعاتی الکترونیک قوه قضائیه را ذکر می‌کنیم:

• طرفین دعاوی و شکایات

• ممنوع الخروج

• ممنوع المعامله

• ازدواج و طلاق

• خرید و فروش املاک

• خرید و فروش خودرو

• اطلاعات گوناگون دفاتر اسناد رسمی

‌‌• وکلای دادگستری

• مشاورین قضایی

• ابلاغ‌‌ها

• مشخصات قضات و دادگاه

• روزنامه رسمی

• قسمت‌‌های مختلف ثبت اسناد، ثبت شرکت‌ها و مؤسسات و...

• ثبت اسناد مالکیت معنوی

• مشخصات کامل مدیران عامل و هیأت مدیره شرکت‌ها و مؤسسات

• سوء پیشینه

• دعاوی مردم در شورای حل اختلاف

• بانک‌‌های اطلاعاتی سازمان بازرسی کل کشور

• بانک‌‌های اطلاعاتی دیوان عدالت اداری

• بانک اطلاعاتی سازمان قضایی نیروهای مسلح

‌‌‌‌‌قطعاً بانک‌‌های فراوان دیگری وجود دارد که با کمی جستجو می‌توان یافت و اگر مدیریت عالی قوه قضائیه ابتدا بر «اشتراک» گذاری و در دسترس مردم و قضات قرار دادن اطلاعات موجود همت بگمارد، «مدیریت دانش» را در حد بسیاری عملیاتی کرده است.

###### 11- استعلامات آنلاین، ‌راه‌حل کاهش زمان دادرسی

یکی از موارد مهم در دادرسی، مسأله استعلامات مختلف از دستگاه‌های گوناگون است به طوری که گاه، برای یک استعلام از بانک، اداره ثبت، وزارت صنایع، شهرداری و. ..، ماه‌ها یک پرونده به تأخیر می‌افتد، چنانچه قاضی بتواند به لحظه آن موارد را استعلام نماید، و به صورت امن در اختیار وی قرار گیرد، می‌تواند زمان را به لحظه کاهش دهد و همان لحظه با دیدن نتیجه استعلام، بلافاصله تصمیم بگیرد.

ماده 652 قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مقرر می‌دارد: «قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به‌کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

تبصره: مراجع قضایی می‌توانند استعلامات قضایی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند. در این صورت دستگاه‌‌های دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و شخصیت‌‌های حقوقی بخش خصوصی موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند. مستنکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (576) قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب 2/3/1375 است. »[[310]](#footnote-310)

###### 12- قانون برنامه پنجساله ششم- درگاه استعلامات متمرکز قوه قضائیه

ماده 117 قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 ـ 1396)[[311]](#footnote-311) مقرر می‌دارد «قوه قضائیه مکلف است تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه درگاه الکترونیک ایجاد نماید که با اتصال به سامانه‌‌های الکترونیک دستگاه‌های اجرائی، کلیه استعلامات مورد نیاز مراجع قضائی به صورت الکترونیک قابل انجام و پاسخگویی باشد. کلیه دستگاه‌های اجرائی مکلفند در اجرای این بند با قوه قضائیه همکاری کنند و استعلامات مورد نیاز قوه قضائیه را به صورت الکترونیک و در کمترین زمان ممکن از طریق سامانه مذکور پاسخ دهند.»

این درگاه متمرکز، باید برای همه ‌امور باشد مردم برای صلاحیت دادگاه‌ها در درگاه‌‌های مختلف سرگردان نشوند، سامانه‌‌های هر سازمان مستقل خواهد بود، اما مردم فقط از یک درگاه وارد می‌شوند.

همان طور که وقتی قبض پرداخت می‌شود پشت صحنه چندین سازمان و سامانه کار می‌کند تا یک قبض پایان یابد اما مردم جز چند کلید نمی‌بینند، در قوه قضائیه نیز باید همین گونه باشد.

###### 13- قانون استعلامات الکترونیک رایگان

ماده 46 قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (1394 ـ 1390) مقرر می‌دارد :«به منظور بسط خدمات دولت الکترونیک، صنعت فناوری اطلاعات، سواد اطلاعاتی و افزایش بهره‎وری در حوزه‎های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات زیر انجام می‎شود:»

بر اساس بند ب کلیه دستگاههای اجرائی مکلف به تبادل و اشتراک‎گذاری رایگان اطلاعات هستند متن این بند به ‌این شرح است: کلیه دستگاه‌های اجرائی مکلفند ضمن اتصال به شبکه ملی اطلاعات و توسعه و تکمیل پایگاه‌های اطلاعاتی خود حداکثر تا پایان سال دوم برنامه بر اساس فصل پنجم قانون مدیریت خدمات کشوری اطلاعات خود را در مراکز داده داخلی با رعایت مقررات امنیتی و استانداردهای لازم نگهداری و به‌روزرسانی نمایند و بر اساس آئین‎نامه اجرائی که در شش ماهه اول برنامه توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و وزارت اطلاعات و معاونت، تهیه و به تصویب هیأت‎وزیران خواهد رسید نسبت به تبادل و به اشتراک‎گذاری رایگان اطلاعات به منظور ایجاد سامانه‎های اطلاعاتی و کاهش تولید و نگهداری اطلاعات تکراری در این شبکه با تأمین و حفظ امنیت تولید، پردازش و نگهداری اطلاعات اقدام نمایند.

قوه‎ قضائیه از شمول این بند مستثنی است.[[312]](#footnote-312)

آن چه قوه قضائیه استثنا شده است، ناظر به قسمت اول بند است که همگان را مکلف به قراردادن نسخه‌ای از اطلاعات خود در مراکز داده داخلی تجمیع شده می‌داند، در حقیقت، به‌دلیل اهمیت اطلاعات قوه قضائیه، تجمیع آن را با دیگر اطلاعات در مراکز داده، استثنا می‌کند. اما نسبت به تبادل و اشتراک گذاری رایگان اطلاعات، تکلیف قوه قضائیه مانند بقیه دستگاه‌ها است. حتی اگر در قانون فوق الذکر، قوه قضائیه، استثنا شده باشد، بر اساس قوانین مختلف، مکلف به اشتراک گذاری دیتا است از جمله بند ث‌ ماده 67 قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 ـ 1396) [[313]](#footnote-313) مقرر می‌دارد «کلیه دستگاه‌های اجرائی کشور موظفند تا پایان سال دوم (1398) اجرای قانون برنامه، امکان تبادل الکترونیکی اطلاعات و پاسخگویی الکترونیکی به استعلام‌‌های مورد نیاز سایر دستگاه‌های اجرائی را حسب شرح وظایف آنان در چهارچوب قوانین خاص و موضوعی، به صورت رایگان فراهم نمایند.»

بند ث ماده 38 قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 10/11/1395 مقرر می‌دارد « کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (5) قانون مدیریت خدمات کشوری مکلفند به منظور تقویت زیرساخت‌‌های ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزی، ایجاد شفافیت و استقرار دولت الکترونیک و پیشگیری از جعل هویت اشخاص و تضمین صحت اسناد و قراردادهای رسمی و دستیابی قوای سه‌گانه به بانک‌های اطلاعاتی موجود کشور به استعلام‌‌های صورت گرفته در حوزه وظایف قانونی خود توسط هر یک از دستگاه‌های وابسته به قوای سه گانه به صورت رایگان پاسخ دهند.[[314]](#footnote-314) در هیچ یک از این قوانین، قوه قضائیه استثنا نشده است اما قوه قضائیه ‌این استعلامات را به صورت کامل در اختیار دستگاه‌‌های اجرائی نمی‌گذارد. (به اختلاف وزارت صمت و قوه قضائیه در پایان سال 1399 و قطع شدن دسترسی به استعلام آنلاین عدم سوء پیشینه مراجعه نمائید که به جهت «درآمد زائی»، قطع شد.)

###### 14- سامانه‌‌های هوشمند قوه قضائیه‌ایران

سال‌ها است که در قوه قضائیه اقداماتی در زمینه الکترونیک انجام گرفته است در 4 تیر 1399 سامانه‌‌های مختلفی افتتاح شد: سامانه خودکاربری ‌‌وکلا، ثبت و پیگیری اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور، سامانه نظرسنجی از مردم، سامانه صدور گواهی عدم سوءپیشنیه، استعلام آنی ثبت اسناد، سرویس استعلام آنلاین شماره حساب، سامانه نوبت دهی[[315]](#footnote-315) این سامانه‌ها برخی ‌واقعاً الکترونیک است و برخی تا رسیدن به الکترونیک واقعی، راه دارد ضمن آن که گفته شده است سامانه نوبت‌دهی قرار بوده با گرفتن 5000 تومان از مردم، نوبت بدهد؟ که با مخالفت مسؤولین مواجه شده است ‌‌اصولاً هر اقدام الکترونیک که هزینه از مردم دریافت کند، مخالف دیدگاه اصلی «حق دسترسی» است و طبقات ضعیف‌‌‌تر جامعه را از دسترسی به عدالت محروم می‌نماید.

# **بند دوم: سامانه اعتبار سنجی، «مدیریت دانش» در قوه قضائیه**

در تعریف «مدیریت دانش»[[316]](#footnote-316) همانند بقیه اصطلاحات علمی، وفاق کاملی وجود ندارد و شاید بهترین معنی، این عبارت باشد: «با ورود سازمان به فرآیند یادگیری، دانش به مهم‌ترین منبع رشد و ارتقاء و کارآمدی سازمان، تبدیل خواهد شد و موفقیت سازمان‌ها به توانایی آنها در ایجاد، به دست آوردن و انتشار و اشتراک اطلاعات بستگی دارد.»[[317]](#footnote-317) مدیریت دانش روندی است که شامل خلاقیت، ضبط، انتشار و دانشِ کاربرد (دانستن روش صحیح کاربرد هر اطلاعات) است. مدیریت دانش در عصر اطلاعات، در جهت بهره‌بری بهینه از اطلاعات متفرق در سازمان و خارج آن، اعم از اطلاعات شخصی کارکنان، بایگانی‌ها و دیتاهای پراکنده دیجیتال است، که می‌تواند با هوشمندی بیشتری در تصمیم سازی مطمئن‌‌‌تر و اجراء متقن‌‌‌تر، به مدیران کمک نماید.

امروزه، حتی دیتابیس‌‌های موجود در هر سازمان، ثروتی بسیار ارزشمند است که به‌دلیل چندپارچه‌گی، و عدم استفاده از «دیتاماینینگ» و «هوش مصنوعی»، موجب هزینه‌‌های فراوان می‌شود. قوه قضائیه می‌تواند با بهره‌گیری بهینه از اطلاعات موجود در زیرمجموعه‌‌های خود، و اشتراک گذاری اطلاعات با دیگر سازمان‌ها و دریافت اطلاعات از آن‌‌ها، فرآیند رشد و گسترش دانش پروری و دانش محوری خود را افزایش دهد، و در زمینه حق دسترسی به دادرسی عادلانه، گام‌‌های بسیار بزرگی بردارد و با «مدیریت دانش»، پرونده‌ها را سریع‌تر و کم هزینه‌‌‌تر به سرانجام برساند، اگر «قوه قضائیه» به درستی و با روش‌‌های مدرن، از «فضای مجازی» در راستای «تبادل اطلاعات» در گردش درون سازمانی و برون سازمانی استفاده کند و در «‌اطلاع‌رسانی» به مردم و ذی‌نفعان، دانش محور باشد و به ارتقاء سطح دانش سازمانی، گسترش آگاهی قضات و کارکنان، ‌اطلاع‌رسانی دقیق و به موقع به همه ذی‌نفعان پرونده‌‌ها، و دیگر زمینه‌‌های «دانش محور» اقدام نماید، به سرعت خواهد توانست، «عدالت» را در جامعه گسترش دهد.

همانگونه که بیان شد، مفهوم قطعی و دقیقی از «مدیریت دانش» وجود ندارد، اما با بهره‌مندی از تحقیقات علمی می‌توان آن را هم ردیف با اشتراک‌گذاری اطلاعات، تحلیل و آنالیز دیتاها، هم افزایی اطلاعات کارکنان و مردم و پرونده‌‌ها، ‌‌‌‌آموزش مستمر کارکنان، در دسترس قراردادن دیتاها، معنی کرد، و با توجه به «حق دسترسی» مردم به دادرسی عادلانه که در «قانون اساسی» و اسناد «حقوق بشر» ذکر شده، می‌توان با کمترین هزینه و کمترین زمان، عدالت را در جامعه گسترش داد و هر روز تأخیر در بهره‌وری «دانش محور» از اطلاعات موجود و عدم کاربردی نمودن آن، خسارات سنگینی بر کشور وارد خواهد کرد، امکانات آن امروزه به‌ دلیل «فضای مجازی»، اینترنت و موبایل، در دسترس همگان است.

دانش دیتا (Data)، مهم‌ترین ثروت سازمان‌ها است در حقیقت، با ورود به فرآیند یادگیری، دانش به مهم‌ترین منبع سازمان تبدیل خواهد شد و موفقیت سازمان‌ها به توانایی آنها در ایجاد، به دست آوردن و انتشار اطلاعات بستگی دارد. مدیریت دانش روندی است که شامل خلاقیت، ضبط، انتشار و دانش کاربرد است. این چهار عامل در زمینه مدیریت دانش برای یک سازمان ‌‌‌‌آموزشی می‌تواند ‌‌‌‌آموزش‌‌های جدیدی را ارائه دهد که ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً برای ایجاد، ضبط، تصفیه، انتشار و تولید قابلیت سازمان استفاده می‌شود.

بخشی از ‌‌‌مشکلات و مسائل قوه قضائیه، به عدم «مدیریت دانش» بر سازمان باز می‌گردد که علت اصلی آن «عدم شناخت امکاناتِ»[[318]](#footnote-318) به روز « فضای مجازی »[[319]](#footnote-319) است بحدی که توانمندی‌‌های عظیم دیتابیس‌ها و نرم‌افزارها و شبکه‌‌های اجتماعی فضای مجازی، و مهم‌‌‌تر از آن، اشتراک گذاری دیتابیس‌ها بین سازمان‌‌های قوه قضائیه با یکدیگر، و قوه از یک سو با دیگر قوا، مورد غفلت قرار می‌گیرد و لذا «دوباره کاری»[[320]](#footnote-320)، روش‌‌های منسوخ (از قبیل پیشخوان‌‌های دولت یا دفاتر الکترونیک قضائی) استمرار می‌یابد که علاوه بر افزایش هزینه[[321]](#footnote-321)‌‌های مردم، و مراجعات مکرر آن‌‌ها، هزینه‌‌های دستگاه قضائی و اداری را نیز افزایش داده است، این در حالی است که اگر، مسؤولین قضائی «قوه قضائیه همراه»، را با «اشتراک گذاری دیتابیس‌ها»، «‌‌‌‌آموزش بهره‌گیری قضات از فضای مجازی» و بهره‌بری از «هوش مصنوعی» عملی نمایند، «مدیریت دانش» را بر سیستم قضائی حاکم خواهند کرد، و سه نتیجه بزرگ خواهد داشت.

1– کاهش زمان دادرسی

2– کاهش هزینه‌‌های دادرسی برای مردم و قوه قضائیه

3– مهم‌تر از همه ‌اینکه، احکام قضائی از «استحکام علمی‌« برخوردار خواهد شد.

امکانات فراوانی هم اینک در قوه قضائیه و خارج از آن وجود دارد که با «شناخت» و «بهره‌وری» از آنها می‌توان «مدیریت دانش» را در قوه قضائیه حاکم کرد و به راحتی و با کمترین هزینه به اهداف قوه قضائیه سالم و سریع، دست یافت.

###### 1- ارزشیابی دادخواست دهنده و دادخواست

بررسی سوابق اشخاصی که دادخواست می‌دهند جهت مدیریت هوشمند پرونده‌ها حائز اهمیت است به طوری که قبل از هرگونه بررسی، شخصیت فرد ارزیابی و شناسایی شود ‌‌‌‌‌‌‌که آیا این فرد از اشخاصی است که فراوان شکایت دارد و یا علیه وی دیگران شکایت کرده‌اند یا فرد نرمال و معتدل ‌است اگر فردی است که به صورت عادی است بلافاصله پرونده به جریان افتاده و ارجاعات الکترونیک بر روی آن قرار گیرد و اگر به طور مثال فردی دارای سوابق فراوان در شکایت در مورد ‌‌‌‌‌کلاهبرداری از خود است چنین فردی از دو حالت خارج نیست یا محجور است که ‌نمی‌تواند امور مالی و خود را اداره کند و همه بر او اثر و ‌‌کلاه می‌گذارند که در این صورت باید برایش قیم گذاشت و یا فردی است که خود ‌‌‌‌‌کلاهبردار است که رسیدگی به همه آنها در پرونده شخصیتی وی قابل انجام است.

###### 2- شخصی سازی پروند ه و طرفین دعوی

بر خلاف آن چه در عرف مطرح است که چگونه می‌توان دو نفر را با یک اتهام در دادگاه به دو نوع حکم محکوم نمود و یا دو نوع قرار برای آن‌ها صادر کرد، در «عدالت حقوقی» لازم است پرونده‌‌ها، شخصی سازی شده، و قوه قضائیه مکلف است «اعتبار سنجی» را در امور مختلف راه اندازی نموده و به تناسب اشخاص طرفین دعوی، بررسی گردد، ‌‌‌خصوصاً شخصی سازی جرم و مجازات، توصیه شده است.

این سخن صحیحی نیست که «دادگاه بدون الزام به توجيهي» حق داشته باشد حداکثر یا حداقل را استفاده نماید، بلکه قوانین دارای انعطاف فراوان هستند و با همین قوانین و همین شیوه در قانون جزا و قانون مدنی و دیگر قوانین، افراد مختلف، در هر پرونده و در جرم و مجازات طبقه‌بندی‌‌هایی شده‌اندکه دست قاضی و ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزان را برای شخصی سازی، بر اساس عدالت باز می‌کند و می‌تواند از خفیف‌‌‌ترین تا شدیدترین مجازات‌ها را در حکم خود بیاورد، و لازم است برای هرکدام، توجیه داشته باشد.

ماده 18 قانون مجازات اسلامی مصوب 01/02/1392 در خصوص شخصی سازی جرم و مجازات مقرر می‌دارد: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار میدهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی

تبصره چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد. (الحاقی به موجب ماده 2 [قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب 1399/2/23](https://www.ekhtebar.com/%d9%82%d8%a7%d9%86%d9%88%d9%86-%da%a9%d8%a7%d9%87%d8%b4-%d9%85%d8%ac%d8%a7%d8%b2%d8%a7%d8%aa-%d8%ad%d8%a8%d8%b3-%d8%aa%d8%b9%d8%b2%db%8c%d8%b1%db%8c/))[[322]](#footnote-322)

در این نوشته مقصود ما شخصی نمودن بر اساس قوانین موجود، فقط در پرونده‌‌های کیفری و صرفاً درباره متهمان نیست بلکه شخصی سازی در همه اشخاص و طرفین همه دعاوی و شکایات و در همه دادگاه‌ها و شبه‌دادگاه‌ها و در همه پرونده‌ها است.

این همان «اعتبار سنجی» ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر در همه ‌امور است، به طور مثال نگاه کردن به سوابق یک فرد و یا جوان بودن یا زن بودن و امثال آنها می‌توانند از جهات مخفف یا تشدید کننده مجازات باشد حتی در اصل استماع دعوی و تساوی طرفین نیز ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر است، مثلا فردی که پرونده دادخواست فراوانی دارد که با ادعاهای مختلف در پرونده‌‌های بزرگ و کوچک مطرح شده است، با شخصی که هیچ پرونده‌ای ندارد دارای دو شخصیت متفاوت هستند (در عرف عامه یک شخص را «دعوائی» و دیگری را «سلیم» می‌گویند) شناسائی این وضعیت در پرونده‌‌هایی که به صورت کاغذی و سنتی رسیدگی می‌شوند بسیار سخت و مشکل است.

به عنوان نمونه تصادفات ساختگی یکی از راه‌‌هایی است که ‌‌‌‌‌کلاهبرداران بر اخذ وجوه ‌‌‌‌‌‌‌‌کلان از شرکت‌‌های بیمه و ‌‌‌‌‌کلاهبرداری از این شرکت‌ها در پیش گرفته‌اند. و جالب آن که در برخی پروند‌‌ها، یک فرد، توانسته چندین بار، خسارت‌ها را از بیمه دریافت نماید.[[323]](#footnote-323)و یا اشخاصی سارق، زورگیر و شرور، در زمان دستگیری با قرار بسیار سبک آزاد می‌شوند و دربرخی پرونده‌‌های آن‌ها می‌خوانیم که ده‌ها سابقه فراوان زندان در طول مدت کوتاه دو سه سال داشته‌اندکه نشان از آزادی آن‌ها در مدت کوتاه پس از دستگیری دارد و بر عکس افرادی جوان و بدون سابقه، با قرار سنگین به زندان می‌روند یا حکم سنگین می‌گیرند و مسیر زندگی آنان تغییر می‌کند.

###### 3- ‌راه‌حل شخصی سازی پرونده‌ها

قانون در همه موارد، دارای مواد و تبصره‌‌های فراوان است که دست قاضی را برای اعمال قرارها و احکام سنگین یا سبک باز می‌گذارد این روش قانون گذاری که در بسیاری از قوانین وجود دارد، بدان جهت است که هرچند از نظر شکلی، دو پرونده بایکدیگر شبیه هستند، اما از نظر ماهوی، شخصیت، موقعیت و... تفاوت دارد بنابر این با وجود دستگاه‌‌های الکترونیک و سوابق کامل الکترونیکی، می‌توان همه‌امور را به دقت در اختیار دادرسان و حتی ضابطان قوه قضائیه قرار داد تا از همان لحظه اول مدعی یا شاکی و خوانده و مشتکی‌عنه را دقیق‌‌‌تر شناسائی کرده، و پرونده را از ابتدا تا انتها شخصی نمایند، در خصوص شاکی، با دیدن سوابق شکایات وی، می‌توان شخصیت او را در این ادعای جدید دریافت و ‌‌اصولاً آیا فرد عادی است یا عادت به شکایت دارد؟ و یا خود دارای سوابق و شخصیت فاسدی است.

در خصوص متهم نیز سن، جنسیت، دارابودن سوابق سوء در جرائم سبک و سنگین، تجاوز، قمه کشی، سرقت، مشخص می‌شود و ضابطین می‌توانند با او ‌‌دقیقاً همان نوعی برخورد کنند که شخصیت وی اقتضا دارد و دادیار یا دادستان می‌تواند برای او قرار‌‌های خفیف‌‌‌تر یا شدیدتری اعمال نموده و وثیقه یا قرار را بر اساس دانش و دانسته‌‌ها، برای این فرد بپذیرند یا نپذیرند، اگر فردی است که دارای سوابق کمتر و یا بدون سابقه و یا از خانواده شرافتمندی است با قرار اخلاقی آزاد نماید و اگر سوابق و شخصیت خشن دارد، می‌توانند او را با قرارهای سنگین‌‌‌تر، نگهدارند. در حقیقت می‌توان کلیه مواد قانون را با تک‌تک اشخاص متهم و یا خواهان، تطبیق داده و هر یک از مواد و یا تبصره‌‌های قانون را برای یک شخص «شخصی‌سازی»نمود و این معنای شخصی‌سازی جرم و مجازات می‌شود.

در نظام الکترونیک، زمانی که ضابط قوه قضائیه یک فرد را دستگیر می‌کند یا شخصی که به عنوان خواهان یا شاهد و امثال آن به پرونده‌ای وارد می‌شود، با ارسال کدملی، اثر انگشت وی و یا هر نوع از مشخصات فردی یا بیومتریک وی، بلافاصله سوابق وی را بر روی موبایل و یا تبلت دریافت نموده و بر اساس اطلاعات دقیق، برای وی تصمیم بگیرد که برخورد شدیدتر یا برخورد ضعیف‌‌‌تر نماید، نه آن که با همه اشخاص، یکسان، و یا بر اساس ظاهر آن‌ها برخورد نماید.

###### 4- اطلاعات ژنتیکی در شخصی سازی

در همین راستا، حتی می‌توان با اطلاعات ژنتیکی و خانوادگی اشخاص نیز، دانش افزوده‌‌‌تری را برای شخصی سازی جرم و مجازات و پرونده، در اختیار دادرسان قرار داد تا مستدل‌‌‌تر حکم نمایند؛ امروزه، بانک‌های اطلاعاتی ژنتیکی انسانی (اچ جی دی)[[324]](#footnote-324) امکانات اساسی برای تحقیقات پزشکی است که سرمایه‌گذاری‌‌های عظیم دولتی و خصوصی را در سراسر جهان به خود جلب می‌کند و توجه را در سطح سیاست‌گذاری و قانونگذاری افزایش می‌دهد. (اچ جی دی) مجموعه‌‌های بزرگی از نمونه‌‌های بیولوژیکی و جزئیات شخصی افراد متعلق به یک گروه منطقه‌ای خاص یا به اشتراک گذاری برخی خصوصیات ژنتیکی است، با هدف پوشش یک گروه کامل یا نمونه قابل توجهی از آن‌ها بکار گرفته می‌شود برای موفقیت‌آمیز بودن پروژه‌‌های اطلاعات بیولوژیکی ژنتیکی انسان (اچ جی بی) [[325]](#footnote-325)، بخش‌‌های وسیعی از جمعیت باید به اطلاعات بیولوژیکی و سایر اطلاعات پزشکی و شخصی دسترسی داشته باشند.

به طور معمول، (اچ جی بی) داده‌‌های ژنوتیپی حاصل از نمونه‌‌های بیولوژیکی را با سایر اطلاعات شخصی در مورد تاریخ پزشکی افراد، مانند داده‌‌های بالینی، داده‌‌های تبارشناسی و اطلاعات مربوط به سلامتی، شیوه زندگی و محیط افراد،‌‌‌ترکیب می‌کند. آنها همچنین ممکن است گزارش‌‌های پژوهشی، انتشارات و داده‌‌های تولید شده با استفاده از بانک اطلاعاتی را جمع آوری کرده و از این رو به «مراکز» تحقیق و تحقیقات مشترک تبدیل شوند.[[326]](#footnote-326) این اطلاعات ژنتیکی فقط برای امور پزشکی نیست، این اطلاعات در زمینه‌‌های مختلف می‌تواند کارآمد باشد از جمله می‌تواند در شخصی‌سازی پرونده‌‌های قضائی، دانش افزائی نماید همچنان که پرونده‌‌های پزشکی یک فرد و داروهائی که استفاده می‌کند نیز می‌تواند برای شخصی سازی استفاده شود.

###### 5- تشخیص تمام اتوماتیک اعسار با سامانه اعتبار سنجی

یکی از معضلات بزرگ دستگاه قضائی، ادعای اعسار اشخاص است که نمی‌توان به راحتی تشخیص داد و این مسأله، اولاً باعث اطاله دادرسی و تعویق می‌شود و ثانیاً بسیاری از مردم و ذی‌حقان را از رسیدن به حق‌شان محروم می‌کند در حالی که شخص دارای توانمندی و مکنت است اگر سیستم «اعتبار سنجی آنلاین» قوه قضائیه در دسترس دادرس باشد، شخص حقیقی یا حقوقی با دیده شدن سوابق بانکی، مالی، خرید و فروش‌‌ها، اموال و املاک و... بلافاصله تعیین تکلیف می‌شود و معسر بودن او نیاز به شهادت یا تحقیقات محلی ندارد، اقداماتی که در زمان خود بر اساس امکانات موجود، صحیح و بجا بود اما امروزه استمرار آن‌ها اشتباه و عدم بهره‌وری از «مدیریت دانش» است.

اگر سیستم الکترونیک باشد، زمانی که ادعای اعسار و یا ورشکستگی و... پذیرفته شد، بلافاصله بسیاری از خدمات بر روی آن شخص بسته شود به عنوان مثال، حق خرید و فروش روزانه تا بیش از مبلغ معین نداشته باشد و محدودیت تراکنش بر روی کلیه حساب‌‌های بانکی وی و شرکت‌ها و مؤسسات مربوط، اعمال شود، ممنوع الخروج و ممنوع المعامله و... شود و خروج از این وضعیت، نیازمند اعتبار سنجی مجدد داشته باشد و هرچه پروسه بازگشت، سخت‌‌‌تر شود، آن گاه، به نظر نمی‌رسد اشخاص متمکن، ریسک چنین دروغ‌‌هائی را بپذیرند. این موارد به صورت مشروح در سند تحول قضائی آمده است که اگر عملیاتی شود می‌تواند بسیاری از ‌‌‌مشکلات را حل نماید.

###### 6- تشهیر و شلاق فضای مجازی، ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر‌‌‌تر از روش فیزیکی

مقصود این نیست که شلاق زدن یا تشهیر به صورت فیزیکی انجام شود و ‌اطلاع‌رسانی در فضای مجازی صورت گیرد، بلکه مقصود این است که اهداف تشهیر و شلاق زدن، با بهره‌گیری از دیتابیس‌ها و دسترسی دادن به عموم ذی‌نفعان و راه‌اندازی سیستم اعتبار سنجی جامع و کامل، و کاهش اعتبار اشخاص مجرم، اهداف تشهیر و شلاق، عملی می‌شود.

تشهیر مجرمین که در گذشته انجام می‌گرفت دلایل مثبت و متقن داشت در آن زمان شهرها و محله‌ها کوچک بود افراد یکدیگر را می‌شناختند و اگر کسی در میان جامعه گردانده می‌شد، همگان اورا می‌شناختند، کل محله و شهر او را می‌شناختند و از او دوری می‌کردند و موجب تحقیر و انزوای وی می‌شد در نتیجه حیثیت و اعتبارش رفته و مردم با او وارد معامله نمی‌شدند در وضعیت کنونی که حتی همسایه‌‌ها در یک آپارتمان یکدیگر را نمی‌شناسد و اسم هم را نمی‌دانند چه رسد به‌اینکه چهره هم را بشناسند و یا از سوابق یکدیگر اطلاعی داشته باشند و شهر‌ها بزرگ شده است تشهیر فیزیکی، بیهوده و بی فایده است (اگر ضرر‌‌های اجتماعی نداشته باشد) زیرا وقتی کسی را در خیابان می‌گردانند، عده معدودی او را می‌بینند که ‌‌اصولاً وی را نمی‌شناسند و حتی نمی‌توانند چهره و نام او را حفظ کند.

در 11 آبان 1399 دادستان کل کشور حجت الاسلام منتظری گفت: قوه قضائیه از تشهیری که در چارچوب قانون و مقررات انجام شود از نیروی انتظامی به عنوان ضابط قضایی حمایت می‌کند. مسأله برخورد با اراذل و اوباش از سیاست‌‌های راهبردی و جدی قوه قضائیه است و حتماً باید با این پدیده که ‌امنیت جامعه را هدف قرار داده، برخورد شود. وی ادامه داد: چه بسا برخی ‌مأموریت داشته باشند در جامعه ناامنی ایجاد کنند به همین دلیل قوه قضائیه خودش را مکلف می‌داند تا از نیروی انتظامی حمایت کند و ما از نیروی انتظامی به عنوان ضابط خودمان درخواست برخورد با اراذل و اوباش را داریم.[[327]](#footnote-327)مسأله ‌این است که آن چه در قانون آمده و زمان خودش صحیح بوده آیا امروز هم همان کارایی را دارد یا خیر؟ واقعیت جامعه نشان می‌دهد که مردم همسایه خود را نیز نمی‌شناسند چه رسد به‌ اینکه بدانند در شهر گردانده شده یا تعزیر شده است.

اگر سیستم آنلاین اعتبار سنجی دستگاه قضائی وجود داشته باشد، هر شخصی برای هر نوع اقدام حقوقی، اقتصادی، شراکت و... می‌تواند از دیگری اعتبار درخواست کند و این موجب بازدارندگی خواهد شد هرچند اراذل و اوباش حرفه‌ای، مسأله خاص هستند که برخورد‌‌های با آنان به هر نحو، چه تشهیر و شلاق فیزیکی و چه مجازی، تأثیری در تغییر رفتار آنان نخواهد داشت اما اگر هر شخصی بداند در آینده با اعتبار خود باید زندگی کند، بسیاری از اشخاص، همان ابتدا به راه خلاف نخواهند رفت.

###### 7- ‌‌‌مشکلات عدم سوء پیشینه و ضرورت جایگزینی اعتبار سنجی

دریافت «عدم سوء پیشینه» در همه‌امور ضروری و الزامی است، مجرمین، آینده‌ی برای خود متصور نیستند و هیچ راهی برای زندگی سالم ندارند، لذا همچنان به خلاف‌های خود استمرار می‌دهند اگر شخصی بخواهد سالم بشود راه قانونی برای وی بسته است، ارائه «عدم سوء پیشینه» برای همه مشاغل ساده و عالی، بن‌بستی است که افراد نمی‌توانند از آن فرار کنند یعنی حتی اگر اراده کند که به زندگی عادی بازگردند الزام به دریافت عدم سوء پیشینه، راه بازگشت را بسته است.

در قانون برنامه پنج ساله ششم از سامانه اعتبار سنجی سخن گفته و الزام قانونی کرده است که به نظر می‌رسد بهترین روش برای جایگزینی با «اخذ عدم سوء پیشینه» است و مفهوم و عملکرد آن، به مراتب وسیع‌‌‌تر و صحیح‌‌‌تر است ماده 116 قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 ـ 1396)[[328]](#footnote-328) مقرر می‌دارد: «پ ـ قوه قضائیه مکلف است در راستای شفاف سازی فعالیت‌‌های اقتصادی و ایجاد زمینه اعتبار سنجی، سامانه سجل محکومیت‌‌های مالی را ایجاد نماید تا امکان استعلام برخط کلیه محکومیت‌‌های مالی اشخاص محکوم علیهم از این سامانه برای بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و دستگاه‌های اجرائی و دفاتر اسناد رسمی فراهم آید.»

این اعتبار سنجی فقط در زمینه فعالیت‌‌های اقتصادی نیست، بلکه قوه قضائیه لازم است «سامانه جامع اعتبارسنجی همه اشخاص حقیقی و حقوقی» را با تکیه بر شناسائی اشخاص حقیقی ذی‌نفع در آن (تأثیر اعتبار شخص حقوقی و حقیقی بر یکدیگر)[[329]](#footnote-329) راه‌اندازی نماید و در همه‌امور به مردم کمک کند تا ‌‌‌مشکلات آینده پیش نیاید، به عنوان مثال در یک شراکت اقتصادی یا ازدواج می‌تواند این سامانه پیشگیرنده از تخلفات باشد. همچنانکه در مواد دیگر قانون توسعه، نیز نشان از همین اعتبار سنجی وجود دارد:

بند ث ‌ماده 14 مقرر می‌دارد: بانک مرکزی موظف است با همکاری قوه قضائیه و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، به نحوی ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزی کند که با تکمیل و توسعه پایگاه داده ملی اعتبارسنجی و سایر اقدامات اجرائی و نظارتی، نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات(ارزی و ریالی) سالانه یک واحد درصد کاهش یابد. این به معنای آن است که اعتبار سنجی در «پیشگیری» از اختلاس و رشاء و ارتشاء و ارائه تسهیلات در غیر موارد صحیح، عملکرد داشته باشد عبارت «بخش خصوصی» از تبصره الحاقی[[330]](#footnote-330) ماده (652) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392/12/4 حذف می‌شود. [[331]](#footnote-331)

###### 8- حق فراموشی و تعارض با «عدم سوء پیشینه»

مسأله‌ای که ‌اینک با اینترنت به وجود آمده، ذخیره شدن سوابق در دیتابیس‌‌های متعدد رسمی و جستجوگرها است که اخبار و سوابق را در دسترس می‌گذارند، و اگر در رابطه با مجرمین یا متهمین، خبر منفی و تخریب کننده‌ای وجود داشته باشد، مانع بازگشت آن‌ها به زندگی عادی است و یا آن‌ها را با ‌‌‌مشکلات فراوان مواجه می‌کند.

يکی از مهم‌ترين چالش‌های اينترنت و وب در ارتباط با حريم خصوصی، حمايت از داده ،شهرت، آبرو و حافظة نامحدود ديجیتالی است. اينترنت، همه چیز را ثبت و ضبط کرده و هیچ چیز را فراموش نمی‌کند. ظرفیت گسترده اينترنت و اين واقعیت که دسترسی به اطلاعات از طريق موتورهای جستجوگر تسهیل شده، مباحثی جدل آمیز در زمینه حريم خصوصی ايجاد کرده است؛ ‌‌‌خصوصاً اين که در اينترنت، هر متنی بالقوه دارای مخاطبین جهانی است که اعاده حیثیت اجتماعی را برای قربانیان شايعات بی‌اساس، تهمت‌ها، بدنامی‌ها، رسوايی‌ها و افشای بدون رضايت داده‌های شخصی دشوارتر می‌کند.

در وب، تمامی اطلاعات ازجمله اسناد مکتوب، تصاوير و فیلم‌های ويديويی، ضبط و نگهداری میشود. داده‌ها در شبکه وجود دارد. برای مثال، اگر شخصی نام ديگری را در موتورهای جستجوگر جستجو کند، به‌راحتی به بخش عظیمی از اطلاعات خصوصی و داده‌های شخصی وی از گذشته تاکنون دسترسی پیدا می‌کند. بسیاری از نوجوانان که تحت تأثیر ديگران و با هدف اجتماعی‌شدن، بخش وسیعی از داده‌های خود را در محیط مجازی منتشر می‌کنند پس از مدتی به هنگام يافتن شغل با مشکل افشای اطلاعات مواجه می‌شوند.[[332]](#footnote-332)

برخی خاطرات می‌توانند کشنده باشند هر کس چیزی برای پنهان کردن دارد. این می‌تواند چیزی بی خطر، مانند اعتیاد خفیف،[[333]](#footnote-333) لذت گناه از تلاش‌‌های مدیران باشد بعضی چیزها می‌توانند جدی‌‌‌تر باشند، مثلاً یک جلسه جنسیتی که به صورت عمومی منتشر شد، یک عکس منتشر شده از مجرم که می‌تواند به طور جدی مانع تلاش‌‌های استخدامی آینده شود، اگر پیوندی به اطلاعات شخصی به صورت آنلاین در دسترس همه جهان برای دیدن بود چه؟ آیا می‌توانید درخواست قانونی برای حذف آن داشته باشید؟

نکته: حق فراموشی در پرونده‌‌های الکترونیک رسمی دادگاه‌‌ها، و خبر‌‌های منتشره در رسانه‌‌های الکترونیک، مسأله‌ای است که مورد توجه قرار گیرد جرایم طبقه‌بندی شده و بر اساس آن تصمیم گیری و اعتبار سنجی شود همچنان که مشاغل و مناصب نیز طبقه‌بندی شود نه‌اینکه عدم سوء پیشینه برای افراد یک سان باشد و برای همه مشاغل، حتی مشاغل ساده، مانند کسب و کار در یک مغازه خواربار فروشی، الزامی شود و شخصی که می‌خواهد در یک موقعیت شغلی عالی کار کند همان عدم سوء پیشینه را نیاز داشته باشد که یک راننده مسافرکش می‌خواهد، در وضعیت کاغذی، قابلیت این طبقه بندی‌ها و فراموشی‌ها وجود نداشت و لذا نمی‌تواند جامعه را به سمت اصلاح پیش ببرد.

قانون گذار، در بند 4 ماده 38 قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 10/11/1395 مقرر می‌دارد «تسهیل بازگشت محکومان پس از تحمل کیفر به زندگی شرافتمندانه و رفع موانع اشتغال آنان با ساماندهی و محدود کردن موارد استعلام از سوءپیشینه به موارد خاص و رفع اثر محکومیت در چهارچوب قوانین مربوط»[[334]](#footnote-334) نشان از فهم صحیح قانونی از روش فعلی است که مانع اصلاح بزه کاران و تشویق آنان به استمرار خلاف می‌شود. «سامانه اعتبار سنجی» قوه قضائیه، جایگزین اخذ «عدم سوء پیشینه» گردد، صورت «مستمر و طبقه‌بندی شده» محرومیت‌‌های اجتماعی برای افراد باشد و به صورت آنلاین در اختیار همه «ذی‌نفعان» قرار گیرد در سیستم الکترونیک، محرومیت‌‌های اجتماعی برای هر شخص و هر شغل، قابل تعریف است به عنوان مثال ممکن است فردی که می‌خواهد نماینده مجلس بشود و یا نماینده شورای شهر با جرم‌‌های سبک‌‌‌تر اعتبار نداشته باشد یا کسی که می‌خواهد یک مغازه‌ای باز کند با دارا بودن برخی از جرائم سنگین‌‌‌تر، اما با اعتبار سنجی مستمر، بتواند به کار مشغول شود همچنین می‌توان به وضعیت کنونی هر شخصی، با نگاهی علمی به گذشته، لحظه‌ای، اعتبار شخص را افزایش یا کاهش دهد.

###### 9- حکم دادگاه اتحادیه اروپا در «حق فراموشی»

یکی از معضلات سامانه‌‌های اینترنتی کنونی، دسترسی به سوابق اشخاصی است که زمانی به اتهام یا جرمی مشهور شده و در رسانه‌‌های اینترنتی درج می‌شود و همگان از آن مطلع می‌شوند، دستگاه قضائی با بررسی دقیق نسبت به وضعیت کنونی اشخاص بر اساس «سامانه اعتبار سنجی»، می‌تواند «جستجوگر»‌ها را به حذف سوابق یا نگهداری آن الزام نماید و «حق فراموشی» بر اساس شخصی سازی پرونده هر شخص، عملی گردد.

اولین بار یک مرد اسپانیایی خواستار فراموش شدن شد. او که نامش 15 سال پیش طی برگزاری مزایده فروش خانه در یک روزنامه ‌اینترنتی منتشر شده بود، بعد از کشمکش با روزنامه بر سر این موضوع که نام وی باید از آرشیو روزنامه حذف شود، ناگزیر به طرح شکایتی در این زمینه شد. همین شکایت زمینه ساز تدوین و تصویب قانون «حق فراموشی» در اتحادیه اروپا شد.

اتحادیه اروپا با تصویب قانونی، برای شهروندان اروپایی این امکان را فراهم کرد تا با ارائه درخواست به موتورهای جست‌وجو بتوانند از حق فراموشی در اینترنت برخوردار شده و اطلاعات‌شان را از نتایج جست وجوی موتورهای جست‌وجو حذف کنند. بر اساس این قانون که قانون «حق فراموشی» نامیده شد کاربران می‌توانند از گوگل، یاهو و شرکت‌‌های دیگر بخواهند تا اطلاعات مربوط به آن‌ها را از آرشیو اطلاعات خود حذف کنند.[[335]](#footnote-335)در پرونده گونزالس که در دادگاه اتحادیه اروپا[[336]](#footnote-336) بررسی شده است مسائل گوناگونی از «مسؤولیت موتورجست‌وجو در برابر اقدامات اشخاص ثالث»، «حق بر فراموشی»، «حفاظت از حریم خصوصی»، «حذف اطلاعات شخصی دیگران»، «از بین بردن سوابق»، و «صلاحیت محلی در مورد موتورهای جستجو و نمایندگان آن‌ها و اطلاعات ذخیره شده و پردازش شده»، نیز بحث شده است که مطالعه آن مفید است.

در بند 14 حکم آمده است: در 5 مارس 2010، آقای کاستجا گونزالس،[[337]](#footnote-337) یک شهروند اسپانیایی مقیم اسپانیا، شکایتی را علیه لا ونگاردیا ادیسیونز [[338]](#footnote-338) که یک روزنامه با تیراژ گسترده، به ویژه در کاتالونیا (اسپانیا) منتشر می‌کند، به آژانس حفاظت از داده‌‌های اسپانیا (ای ای پی دی) [[339]](#footnote-339) علیه لا ونگاردیا، و گوگل اسپاین[[340]](#footnote-340)و گوگل اینک[[341]](#footnote-341) ارائه داد شکایت از این واقعیت بود که وقتی یک کاربر اینترنتی نام آقای کاستجا گونزالس را در موتور جستجوی گروه گوگل وارد می‌کند، لینک‌‌های دو صفحه روزنامه لا ونگاردیا، به ترتیب 19 ژانویه و 9 مارس 1998، که در آن اطلاعیه‌ای با ذکر نام آقای کاستجا گونزالس برای حراج املاک و مستغلات در ارتباط با مراحل پیوست برای جبران بدهی‌‌های تأمین اجتماعی ظاهر می‌شود.

در بند 14 حکم آمده است: با این شکایت، آقای کاستجا گونزالس ابتدا خواست که لا ونگاردیا باید یا این صفحات را حذف یا تغییر دهد تا دیگر اطلاعات شخصی مربوط به وی ظاهر نشود یا از ابزارهای خاصی که موتورهای جستجو برای محافظت از آنها در دسترس قرار داده است استفاده کند. داده‌‌ها. دوم، وی درخواست کرد که گوگل اسپاین و گوگل اینک باید داده‌‌های شخصی مربوط به وی را حذف یا پنهان کند تا درج نتایج در جستجو متوقف شود و دیگر در پیوندهای لا ونگاردیا نباشد. آقای کاستجا گونزالس در این زمینه اظهار داشت که مراحل پیوست مربوط به او برای چند سال به طور کامل حل و فصل شده بود و مراجعه به آنها اکنون کاملاً بی ربط است.

ماده 12 (ب) و بند (الف) پاراگراف اول ماده 14 دستورالعمل 95/46 به‌این معنی تفسیر می‌شود که هنگام ارزیابی شرایط برای اجرای این مقررات، باید بررسی شود که آیا موضوع داده‌ها(شاکی) حق دارد که اطلاعات مربوط به او شخصاً در این مرحله از زمان دیگر با لیست نتایج نمایش داده شده پس از جستجوی انجام شده بر اساس نام وی، در پیوند با نام وی نباشد. برای یافتن چنین حقی که درج اطلاعات موردنظر در آن لیست باعث آزار وی شود. همانطور که مورد داده(شاکی) ممکن است، با توجه به حقوق اساسی خود تحت مواد 7 و 8 منشور، تقاضا کند که اطلاعات موردنظر به دلیل درج در چنین لیستی از نتایج، دیگر در دسترس عموم قرار نگیرد. این حقوق، به عنوان یک قاعده، نه تنها منافع اقتصادی اپراتور موتور جستجو، بلکه همچنین علاقه عموم مردم به دسترسی به‌این اطلاعات هنگام جستجوی مربوط به نام موضوع داده است. با این حال، اگر به دلایل خاص، مانند نقشی که شخص موضوع داده{به سبب شهرت یا چیز دیگر}، در زندگی عمومی بازی می‌کند، چنین به نظر برسد که دخالت در حقوق اساسی وی با توجه به علاقه غالب عموم مردم به دانستن زندگی افراد مشهور، درج آن در لیست نتایج و دسترسی به اطلاعات مورد نظر توجیه شود. پس تنها منافع اقتصادی مجری موتور جستجو نیست بلکه علاقه عموم مردم به دسترسی به‌ این اطلاعات هنگام جستجوی مربوط به نام موضوع داده است.[[342]](#footnote-342)

در بررسی «تعارض منافع کاربران و حریم خصوصی» و حکم دادگاه اتحادیه اروپا، مقالات متعددی وجود دارد و مسأله حق فراموشی را تشریح حقوقی کرده است از جمله «یک اپراتور موتور جستجوی اینترنتی مسؤول پردازشی است که از داده‌‌های شخصی توسط شخص سوم در صفحات وب منتشر شده » نوشته است: با این وجود، به ‌این ترتیب که حذف لینک از لیست نتایج، بسته به اطلاعات مورد نظر، بر علاقه مشروع کاربران اینترنت که به طور بالقوه علاقه‌مند به دسترسی به ‌این اطلاعات است تأثیر می‌گذارد، دادگاه معتقد است که باید توازن عادلانه‌ای را دنبال کرد به طور خاص بین این منافع و حقوق اساسی داده‌‌های موضوعی، به ویژه حق حفظ حریم خصوصی و حق حفاظت از اطلاعات شخصی. دادگاه در این رابطه خاطر نشان می‌کند که اگرچه درست است که حقوق موضوع داده نیز به عنوان یک قاعده کلی از علاقه کاربران اینترنت استفاده می‌شود اما این تعادل ممکن است در موارد خاص بستگی به ماهیت اطلاعات مورد نظر و حساسیت آن برای زندگی خصوصی موضوع داده شده و به نفع عمومی در داشتن این اطلاعات است، علاقه‌ای که ممکن است به طور خاص با توجه به نقش بازیابی موضوع داده در زندگی عمومی متفاوت باشد.

در نهایت، در پاسخ به‌این سؤال که‌ آیا این دستور داده‌ها را قادر می‌سازد که لینک‌‌های مربوط به صفحات وب را از چنین لیستی از نتایج حذف کنند بر این اساس که مایل است اطلاعات موجود در آن صفحات مربوط به او شخصاً "فراموش شود" پس از یک زمان معین، دادگاه معتقد است که اگر بر اساس درخواستی از موضوع داده شده است، در نظر گرفتن این لینک‌ها در لیست، در این لحظه در زمان ناسازگار با این دستورالعمل، لینک‌ها و اطلاعات در لیست نتایج باید پاک شود. دادگاه در این رابطه خاطر نشان می‌کند که حتی پردازش قانونی داده‌‌های دقیق ممکن است در طول زمان با این دستورالعمل سازگاری نداشته باشد که در آن، با توجه به تمام شرایط پرونده، داده‌ها ناکافی، غیرمستقیم و یا دیگر مربوط نیست و یا بیش از حد در رابطه با اهدافی که برای آنها پردازش شده است و به لحاظ زمان سپری شده است.

دادگاه اضافه می‌کند که هنگام ارزیابی چنین درخواستی از سوژه داده به منظور مخالفت با پردازش انجام شده توسط اپراتور موتور جستجو، باید به طور خاص بررسی شود که‌ آیا موضوع داده حق دارد که اطلاعات مربوط به مربوط او شخصاً در این لحظه باید با لیستی از نتایجی که پس از جستجو براساس اسمش نمایش داده می‌شود دیگر با نام او ارتباط نداشته باشد. در صورتی که ‌این مورد باشد، پیوندهایی به صفحات وب حاوی این اطلاعات باید از لیست نتایج حذف شوند، مگر اینکه دلایل خاصی نظیر نقش داده در موضوع عمومی و در زندگی عمومی، دسترسی به اطلاعات زمانی که چنین جستجو انجام می‌شود توجیه منافع عمومی داشته باشد.

دادگاه اشاره می‌کند که موضوع داده می‌تواند این درخواست را مستقیماً به اپراتور موتور جستجو (کنترل کننده) بفرستد، که آنها موظفند به طور صحیح آن‌ را بررسی کند. در صورتي که کنترل کننده درخواست را توجه نکند، ممکن است از دادرسان بخواهد تا با اختيار نظارتی، مقام قضايی بررسی‌‌های لازم را انجام داده و دستورالعمل را به منظور انجام اقدامات خاص براساس آن انجام دهد.

نکته: مرجع برای حکم مقدماتی اجازه می‌دهد که دادگاه‌‌های کشورهای عضو در اختلافاتی که پیش از آنها مطرح شده است، به پرسش‌‌های مربوط به تفسیر قانون اتحادیه اروپا یا اعتبار یک قانون اتحادیه اروپا مراجعه نمایند. دیوان دادگستری خود تصمیم نمی‌گیرد. دادگاه یا دادگاه ملی باید پرونده را طبق تصمیم دادگاه، که به طور مشابه در سایر دادگاه‌‌های ملی یا دادگاه‌‌های ملی که پیش از آن موضوع مشابهی مطرح است، محفوظ نگه دارد.[[343]](#footnote-343) بر همین اساس دادگاه‌‌های ملی، دارای روش‌‌های مختلفی هستند و پرونده‌ها در هر مورد دارای خصوصیات خود است.

###### 10- ضرب الاجل 35 روزه انگلیس به گوگل برای تبعیت از قانون حق فراموشی

کمیساریای اطلاعات بریتانیا آی سی او[[344]](#footnote-344) برای غول موتورهای جست وجو؛ گوگل، ضرب الاجل 35 روزه‌ای تعیین کرده تا بر اساس قانون «حق فراموشی» که سال گذشته در اتحادیه اروپا به تصویب رسید، نسبت به حذف برخی اطلاعات از ذهن این موتور جست وجو اقدام شود. پرونده کشمکش اتحادیه اروپا و گوگل بر سر این موضوع به همراه زمزمه سران بعضی از کشورها مانند چین و روسیه برای اجرای چنین قانونی در مورد اطلاعات کاربران کشوران‌شان، با این ضرب الاجل به دست مدیرعامل جدید رسیده است. شاید بتوان گفت این اولین بحرانی است که ساندرا پیچای به عنوان مدیرعامل جدید گوگل با آن مواجه می‌شود و باید ‌راه‌حلی برای آن پیدا کند. فعلا تنها واکنش کمپانی گوگل در مقابل این ضرب الاجل، سکوت بوده است.[[345]](#footnote-345)

###### 11- حق فراموشی در دادگاه ژاپن

دادگاه عالی 2 فوریه 2017 ژاپن درخواست مردی مبنی بر اینکه نتایج جستجوی اخبار دستگیری وی به اتهام جنسیت از گوگل حذف شده است، رد کرد و حکم داد که با این کار آزادی بیان نقض می‌شود.

دادگاه عالی ژاپن درخواست یک مرد مبنی بر حذف نتایج جستجوی اخبار دستگیری وی به اتهام جنسیت از گوگل را رد کرد و حکم داد که با این کار آزادی بیان نقض می‌شود.

رسانه‌‌های ژاپنی گفتند که‌این اولین [تصمیم](https://phys.org/tags/decision/) دادگاه عالی کشور در مورد «حق فراموش شدن» در مورد جستجوهای اینترنتی است. دادگاه در بیانیه‌ای که در وب سایت خود قرار داده است، گفت: «حذف (ارجاع به اتهام) فقط زمانی مجاز است که ارزش محافظت از حریم خصوصی به وضوح بیش از افشای اطلاعات باشد.»

###### 12- تکلیف قانونی دریافت کلیه وجوه از طریق الکترونیک

قوه قضائیه به مانند بقیه دستگاه‌‌های اجرائی مکلف است تا کلیه دریافت‌ها را از طریق درگاه‌ها انجام دهد.

بند ث ماده 46 قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 1396) مقرر داشت: به منظور رونق تولید، نوسازی صنایع، حمایت هدفمند از صنایع دارای اولویت سیاست‌‌های کلی اقتصاد مقاومتی و همچنین توسعه صادرات غیرنفتی، دولت و دستگاه‌‌های اجرائی ذی‌ربط به شرح زیر اقدام می‌کنند:

سه دستگاه‌‌های اجرائی نظیر شهرداری‌‌ها، محاکم دادگستری، نیروی انتظامی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلفند تا پایان سال دوم برنامه دستورالعمل‌ها و فرآیند‌‌های داخلی و زیرساخت‌‌های نرم‌افزاری خود را به گونه‌ای آماده نمایند تا دریافت اطلاعات از متقاضیان و محاسبه کلیه حقوق و عوارض دولتی مانند بیمه، مالیات، حقوق مالکانه و جریمه‌‌های آنها، جریمه‌ها و عوارض شهرداری و نیز اعتراضات وارده بر آن محاسبات صرفاً با استفاده از نرم‌افزار و بدون حضور نیروی انسانی هم زمان با ارسال الکترونیکی درخواست یا اظهارنامه مربوطه میسر شود و همراه با توضیح کامل محاسبات به صورت برخط(آنلاین) به متقاضی اعلام و پرداخت‌ها و دریافت‌ها از طریق الکترونیکی انجام شود. قوه قضائیه در بخش‌‌هائی این وظیفه قانونی را انجام داده و در بسیاری از بخش‌ها همچنان روش‌‌های غیر‌بر خط است، ‌‌اصولاً تا زمانی که درخواست و دادخواست، آنلاین نباشد، دریافت مبالغ حقوق قانونی به صورت برخط، امکان‌پذیر نیست.

# **بند سوم: اشتراک گذاری بانک اطلاعاتی قوانین و مقررات**

یکی از نیازهای دادگاه‌‌ها و مردم، «مدیریت دانش» بر «قوانین و مقررات» است چه در ایران و چه در کشورهای دیگر، قوانین به‌وسیله‌ی مجالس، تغییراتی پیدا می‌کند و ناسخ قبلی می‌شود، زمان بر موضوعات مختلف تأثیر می‌گذارد. منسوخ شدن موضوعی است برای تحقیق که به موضوعات فناوری مانند سیستم‌‌های اطلاعاتی و نرم‌افزار «کی ام» مربوط می‌شود. با این حال، تحقیقات مربوط به رفتار انسان بی انتهاست. [[346]](#footnote-346)

بند الف ماده 38 قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 10/11/1395مقرر می‌دارد «قوه قضائیه مکلف است نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین قضائی با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم و اختلاف، کاهش عناوین مجرمانه و محکومیت حبس و تبدیل آن به مجازات‌‌های دیگر و متناسب سازی مجازات‌ها و جرائم، جایگزین کردن ضمانت اجراءهای غیرکیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی اقدام و لوایح مورد نیاز را تهیه و از طریق دولت با رعایت قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب 1389/3/25 به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند.[[347]](#footnote-347)

اگر قوانین در سایت قوه قضائیه، به روز در دسترس همگان باشد و کلیه حقوقدانان، قضات و مردم عادی بتوانند در هر موضوعی قوانین مربوطه را ببینند و «نظرات» اشخاص در زمینه مفید یا غیر‌مفید بودن آن، منسوخ شدن و یا بقاء آن، تعارض با قانون دیگر و امثال این موارد را یادداشت کنند و با این روش مدرن اشتراک گذاری اطلاعات، دادگاه‌‌ها با «دانش واقعی حقوقی» پرونده‌ها را رسیدگی کنند.

اگر انتشار قوانین به صورت «‌اطلاع‌رسانی عملیاتی» باشد یعنی هر قاضی و هر شخصی بر اساس نیاز لحظه‌ای خود، به آن قانون استناد نماید و هر پژوهشگری بتواند به متن آخرین قانون موردنیاز خود دسترسی پیدا کند و با «جمع سپاری»[[348]](#footnote-348) و اجازه به اشخاص در نقد و بررسی و به روزرسانی و اشکال گیری این قانون، می‌توان در کمترین زمان ممکن قوانین را تنقیح کرد و همه دادرسان ،دانشجویان، ‌‌وکلا، مشاوزان حقوقی، حقوقی دستگاه‌‌های اجرائی، اساتید و پژوهشگران، و حتی افراد عادی مطلع نسبت به قوانین، آخرین اصلاحات قانون را در زمینه مورد نیاز خود پیدا کنند. در این صورت، امکان نقد و بررسی قوانین به اشخاص مطلع اعم از نماینگان فعلی و قبلی و همه آحاد ملت ارائه می‌شود که آن قانون را نقد نموده و جایگزین یا تکمیلی آن را ارائه دهند. در نهایت، این قوانین می‌تواند به صورت تمام اتوماتیک، در احکام، مورد استفاده قرار گیرد، یعنی در فیلد مربوط به ماده قانونی، قاضی از لیست، انتخاب نموده و دقیق ماده را ذکر نماید و اگر اعتراض به آن بشود یا دادگاه عالی بخواهد بررسی کند، نیازی به مراجعه نداشته و سریعاً ببیند و ارتباط این ماده با حکم صادره را بدست آورد.

###### 1- ‌اطلاع‌ رسانی هوشمند و هدفمند

امروزه که حتی در روستاهای ‌اطلاع‌رسانی از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود و دیگر کسی با فریاد زدن از پشت بلندگو‌ها و یا در محل‌ها ‌اطلاع‌رسانی نمی‌کند ضرورت دارد اطلاع‌رسانی قوه قضائیه اعم از مستقیماً به خود اشخاص و یا ‌اطلاع‌رسانی جهت اشخاص بدون محل و یا ‌اطلاع‌رسانی برای مواردی همچون انحصار وراثت باید از طریق فضای مجازی صورت گیرد به عنوان مثال در خصوص انحصار وراثت امروز فقط تغییرات شکلی صورت گرفته است یعنی برای آنکه اثبات شود که چه کسانی ورثه هستند لازم است با کپی شناسنامه احدی از وراث به شورای حل اختلاف مراجعه نموده و پرونده کاغذی تشکیل دهند و سپس چنانچه میزان ارث بیش از حد مقرر باشد در روزنامه‌‌های کثیرالانتشار اعلام نماید اما این فقط یک تغییر شکلی است و کامپیوتر و فضای مجازی در آن استفاده بهینه نمی‌شود با شناسایی کد ملی شخص متوفی می‌توان از طریق فضای مجازی اجازه داد که کد کلیه ورثه وارد شده و اعلام فوت و امثال آن شود و سپس همان موقع از ثبت احوال درخواست استعلام شده و صحت یا عدم صحت این افراد معین گردد.

پس از آن از دو طریق به افراد مختلف ‌اطلاع‌رسانی شود اول از طریق سایت و کانال و شبکه‌‌های مجازی که در اختیار قوه قضائیه است اطلاع‌رسانی مستقیماً و بلافاصله در رسانه به اطلاع عموم رسانده شود و قابلیت سرچ و جستجو داشته و افراد بتوانند بر اساس کد ملی یا نام و نام خانوادگی آنها را پیدا کند هر چند که ‌این روش چندان مثمر ثمر نخواهد بود زیرا همه افراد هر روزه‌این رسانه‌ها را چک نمی‌کنند تا ببیند که‌ آیا کسی از نزدیکان آنان فوت کرده است تا خود را جزو ورثه او بدانند یا ندانند دومین راه که از این مهم‌تر است آنکه ثبت احوال در خصوص نسبی و سببی کدملی را ثبت نموده و ‌اطلاع‌رسانی به صورت افراد سببی و نسبی و ساکن در یک محل با کدپستی به صورت هوشمندو هدفمند صورت گیرد یعنی به کد ملی اشخاص فامیل تا چند درجه، به صورت مستقیم از طریق شبکه‌‌های مجازی ‌اطلاع‌رسانده شود که شخص فوت کرده، با مشخصات. .. آیا از حقوق و وثیقه از وراث فوق می‌شناسند یا خیر؟ بدیهی است که ‌این راه، دارای اشکالات خاص خود است اما نسبت به موارد قبل کم اشکال‌‌‌تر است زیرا با اطلاع دادن به بستگان و اشخاص نزدیک به متوفی، مثلاً برادران، خواهران و حتی عموها، عمه‌‌ها، خاله‌‌ها، دایی‌ها و فرزندان آن‌ها و همسایگان در محله و یا روستا، می‌توان اقوام فرد را مطلع نمود که اگر آنها کسی را می‌شناسند که خارج از این ورثه است اعلام کنند.

###### 2- ‌اطلاع‌رسانی مفقودین و پیدا شدگان

افراد فراوانی به‌دنبال گم شده خود هستند، همزمان بسیاری از مواقع اتفاق می‌افتد جنازه‌ای بی صاحب در پزشکی قانونی، یا فرد ناتوانی در بیمارستان، ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری، بهزیستی و امثال آن‌ها وجود دارد.

یکی از مهم‌‌‌ترین صفحات ‌اطلاع‌رسانی، در قوه قضائیه، پیشگیری از سردرگمی مردم در مفقودین ِخانواده‌ها و کمک به آرامش آن‌‌ها، با ایجاد صفحه‌ی‌اینترنتی و ورود اطلاعات (محدود) از اجساد یافت شده یا افرادی که در بیمارستان‌ها بیهوش هستند یا اشخاصی که فراموشی دارند و یا به هردلیلی، توان معرفی خود را ندارند، سایت ‌اطلاع‌رسانی مفقودین، در سیستم یک پارچه قوه قضائیه، ضرورتی است که می‌تواند «‌اطلاع‌رسانی عملیاتی» را در جامعه پیاده نماید و در راستای حق دسترسی، وظیفه دارد به جامعه ارائه نماید، در قدیم، این امکان وجود نداشت و فقط گاهی در روزنامه‌ها منتشر می‌شد اما همه آن را نمی‌دیدند، چه بسیار پدران و مادرانی که فرزندشان گم شده بود و از این بیمارستان به آن بیمارستان می‌رفتند و ‌‌‌‌‌‌‌‌نهایتاً نیز به نتیجه نمی‌رسیدند؛ به عنوان نمونه در تابستان سال 1394 جوانی برای تفریح رفت و بازنگشت و مادرش چشم به راه شد و مهمتر آنکه جنازه آن جوان، در پزشکی قانونی بود.

می‌گفتیم ما هفت ماه است که می‌رویم و می‌آییم، چرا از همان اول این عکس‌ها را به ما نشان ندادند؟ چرا از همان اول اثر از ما انگشت نخواستند؟ یعنی نمی‌دانستند که ما گمشده داریم؟ شماره ما را همه‌جا داشتند. خود پزشکی قانونی کهریزک داشت، چرا به ما نگفتند که همچین جنازه‌ای را آنجا دارند؟ چرا زودتر به ما خبر ندادند؟ چرا بعد از هفت ماه؟»[[349]](#footnote-349)

با این همه ‌امکاناتِ ‌اطلاع‌رسانی مدرن می‌توان این مشکل را حل کرد، اگر قوه قضائیه در سیستم یک پارچه خود، قسمتی راه‌اندازی می‌کند و مشخصات کلی (سن جنسیت زمان و در صورت نیاز عکس) هر جنازه مجهول الهویه، و یا اشخاصی که در ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها و زندان‌ها دستگیر شده و مجهول هستند، یا در بیمارستان‌‌ها بیهوش هستند، و یا به‌وسیله‌ی بهزیستی، نگهداری می‌شوند، با دادن دسترسی قانونی به ‌این مراکز، بلافاصله توسط خود آن‌ها وارد سایت شود (با رعایت همه مسائل امنیتی و اخلاقی امکان پذیر است) آن گاه، مردم این گونه در ‌‌‌مشکلات روانی ناشی از عدم اطلاع، گرفتار نمی‌شوند هر مفقود یا جنازه، موضوع یک پرونده در دادگاه‌ها است که باید حل و فصل شود و اگر قوه قضائیه‌این سایت را راه‌اندازی کند، چه بسا ‌‌اصولاً پرونده مفقودی، تشکیل نشود و خانواده‌ها با یافتن عزیزان خود، پیگیری لازم را انجام دهند و فقط اگر جرم و جنایتی محتمل باشد، آنگاه پرونده‌ ایجاد شود، امروزه برای هر مفقودی پرونده‌ای تشکیل می‌شود و ‌‌‌مشکلات فراوانی ایجاد می‌گردد.

###### 3- ‌‌‌‌آموزش از طریق فضای مجازی

قوه قضائیه الزام بر ‌‌‌‌آموزش به تمامی زیر مجموعه خود دارد.

ماده 662ـ قوه قضائیه موظف است برای ‌‌‌‌آموزش دادرسی الکترونیکی به قضات، کارکنان قضایی، دستگاه‌‌های تابعه قضایی و مراجع انتظامی اقدام کند.

ماده 663ـ ‌‌‌‌‌آیین‌نامه‌‌های اجرایی این بخش، ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورا تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.[[350]](#footnote-350)

###### 4- ‌‌‌‌آموزش عمومی و ‌اطلاع‌رسانی قضائی در دیگر کشورها

اولین و ساده‌‌‌ترین اقدامی که در خصوص اینترنتی نمودن دادرسی انجام گرفته، ‌اطلاع‌رسانی در خصوص موارد مختلف قضائی است به عنوان نمونه «‌اطلاع‌رسانی به بیگانگان در سوئد» را می‌توانید در سامانه <https://polisen.se/fa> به زبان فارسی مشاهده نمائید که حتی درباره بیگانگان، به زبان آن‌ها اطلاعات کلی‌ای گذاشته است هرچند تعداد صفحات کم ‌است اما دارای ارزش بسیاری است که شیوه شکایات از جرائم را به فارسی توضیح داده و حقوق مجنی علیه را نوشته است:

• نزد پلیس شکایت کنید

• کمک به قربانیان جرایم

• جرم و جنایت در خانواده

• کودکانی که در معرض جرم قرار گرفته‌اند

• جرایم مبتنی بر تنفر

• کسانی که در معرض جرائم ناموسی قرار گرفته‌اند

• کسانی که در معرض جرائم جنسی قرار گرفته‌اند

• برای دادن اطلاعات به پلیس شما می‌توانید در تمام شبانه روز با شماره تلفن 14 114 تماس بگیرید.

• از خارج از کشور باید با شماره‌ی 00 14 114 77 0046 تماس بگیرید.[[351]](#footnote-351)

همچنین در همین سایت ‌اطلاع‌رسانی جهت کمک به قربانیان جرایم در سوئد مطرح شده است در اینجا کسانی که مورد ارتکاب جرمی واقع شده‌اند می‌توانند در باره‌ی کمک‌های موجود اطلاعات کسب کنند در هنگام شکایت از وقوع جرم، پلیس موظف است که اطلاعات لازم در مورد کمک‌هایی که می‌توانید دریافت نمایید را در اختیار شما قرار دهد. این اطلاعات می‌تواند در بر گیرنده‌ی موارد زیر باشد:

امکانات موجود جهت دریافت غرامت مثلاً به صورت غرامت آسیب وارده به قربانیان جرائم «خسارت کیفری»[[352]](#footnote-352) که از سوی اداره‌ی قربانیان جرائم تعیین می‌شود، از کدام سازمان‌ها و ادارات دیگر می‌توان کمک دریافت نمود، چگونه به پرونده‌ی شما در اداره‌ی پلیس و سایر ارگان‌‌های مربوط به دادگستری رسیدگی خواهد شد، اطلاعات مختلف در مورد روش پیشگیری از جرایم دفتر امور اجتماعی، کمون محل سکونت این مسؤولیت را به عهده دارد تا کمک لازم را در اختیار قربانیان جرایم و بستگان آنان قرار دهد. این کمک می‌تواند مالی، عملی و یا کمک روحی باشد. در برخی از شهرها مراکز کمک رسانی ویژه‌ای برای قربانیان جوان نیز موجود است. انجمن‌‌های غیر‌انتفاعی متعددی مانند کشیک زنان و یا کشیک فربانیان جرایم نیز وجود دارند و به اشخاصی که معرض جرمی قرار گرفته‌اند کمک می‌کنند.

الف: مترجم

شما حق دارید در جریان شکایت نزد پلیس و یا در طول روند پرونده‌ی خود از مترجم استفاده کنید.[[353]](#footnote-353)

شیوه استرالیا برای دسترسی به ‌اینترنت در جهت ‌اطلاع‌رسانی قابل مطالعه است.

سؤال 1: به چه شیوه‌ای می‌تواند دسترسی به اطلاعات مربوط به خدمات خانواده و خدمات مربوط به خانواده، از جمله خدمات خشونت خانوادگی، بهبود یابد؟

اطلاعات در مورد سیستم حقوق خانواده در حال حاضر تقسیم شده و به راحتی قابل دسترسی است. ممکن است منابع بسیار خوبی در دسترس وجود دارد، اما آنها در وب سایت‌‌های سازمان‌‌های مختلف در کشورهای مختلف قرار دارند. ما از ارائه مرکز حقوقی جامعه شبه قاره پشتیبانی می‌کنیم که پیشنهاد می‌کند تمرکز قانون خانواده و اطلاعات خشونت خانوادگی در یک وب سایت مرکزی همراه با یک کمپین تبلیغاتی برای هشدار دادن مردم به وجود آن باشد. این وب سایت باید در همکاری با سازمان‌‌هایی که تخصص در ارائه اطلاعات حقوقی و ‌‌‌‌آموزش و پرورش به جامعه، از جمله مراکز قانونی جامعه و کمیسیون‌‌های حقوقی حقوقی، توسعه یابد. این سازمان‌ها بهترین موقعیت را برای توسعه منابع فراهم می‌کنند که اطلاعات حقوقی دقیق را در زبان‌‌های قابل دسترس به اطلاع مشتریان ارائه می‌دهند.

ب: مشکل افراد کم سواد و ناتوان

توجه داشته باشید که وب سایت‌ها برای یک گروه بزرگ از مردم قابل دسترسی هستند و بسیاری از افراد به سیستم قانون در خانه وارد می‌شوند. با این حال، افرادی که در معرض کمبود هستند، از جمله افراد کم سواد، فاقدان دسترسی به‌اینترنت، بدون دسترسی به تلفن هوشمند یا رایانه و ناتوان از صحبت کردن یا خواندن انگلیسی، به اطلاعات دسترسی ندارند. این همچنین شامل افرادی می‌شود که از لحاظ جغرافیایی منزوی هستند، افراد مسن، افراد معلول، افرادی که در معرض فقر هستند و افرادی که از یک زبان غیر‌انگلیسی صحبت می‌کنند.

###### 5- نمونه سایت راهنمای قضائی در انگلستان

در راهنمای دادگاه‌‌های انگلستان ،صفحه‌ای برای یافتن دادگاه مناسب وجود دارد:

فرزندخواندگی[[354]](#footnote-354): درخواست فرزندخواندگی

ورشکستگی[[355]](#footnote-355): اعلام ورشکستگی

کودکان[[356]](#footnote-356): مسائل مربوط به تماس کودک و اختلافات بر سر پرداخت هزینه‌‌های نگهداری

مشارکت مدنی[[357]](#footnote-357): پایان دادن به مشارکت مدنی

جرم[[358]](#footnote-358): متهم شدن به جرم، قربانی یا شاهد بودن

طلاق[[359]](#footnote-359): خاتمه دادن به ازدواج

خشونت خانگی[[360]](#footnote-360): خشونت در خانه

اشتغال[[361]](#footnote-361): اختلافات در محل کار از جمله دستمزد، تعدیل نیروی کار و تبعیض

ازدواج اجباری وختنه اجباری زنان[[362]](#footnote-362): برخلاف میل شما برای ازدواج یا ختنه انجام می‌شود.

ثبت احوال دادگاه عالی[[363]](#footnote-363): دادگاه‌هایی که به‌امور دیوان عالی کشور رسیدگی می‌کنند.

تصرف در مسکن[[364]](#footnote-364): اخراج و اختلافات اجاره‌ای

مهاجرت[[365]](#footnote-365): درخواست پناهندگی، حق زندگی در انگلستان و درخواست اخراج از کشور

ادعاهای پول مالی[[366]](#footnote-366): ادعاهای کوچک، مصرف کننده، سهل انگاری و جبران خسارت شخصی

وصیت نامه[[367]](#footnote-367): حل و فصل و اختلافات وراث

امنیت اجتماعی[[368]](#footnote-368): ‌‌‌مشکلات مربوط به مزایا، استحقاق، ارزیابی و تصمیم گیری

مالیات[[369]](#footnote-369): فرجام خواهی از تصمیم مالیاتی

هیچ یک از موارد بالا یا مطمئن نیستید[[370]](#footnote-370)

فهرستی از نزدیک‌ترین دادگاه‌ها به کدپستی را نمایش می‌دهد.

###### 6- ‌اطلاع‌رسانی دادگاه الکترونیک اتحادیه اروپا

پورتال عدالت اروپائی[[371]](#footnote-371) به مردم، مشاغل، ‌‌وکلا و قضات کمک می‌کند تا پاسخ‌‌هایی را به سؤالات حقوقی پاسخ دهند.

مسافرت ایتالیایی به آلمان نیاز به یک وکیل دارد. کارآفرین فرانسوی می‌خواهد ثبت نام زمین مجارستان را جستجو کند. یک قاضی استونی در مورد سیستم دادگاه اسپانیایی سؤال دارد. پاسخ به تمام این سؤالات در 23 زبان رسمی اتحادیه اروپا در پورتال عدالت اروپائی در دسترس است. با بیش از 30،000 صفحه محتوا، پورتال، اطلاعات و پیوندهای کامل در قوانین و شیوه‌‌های مختلف در همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا را فراهم می‌کند.

اطلاعات در مورد کمک‌‌های حقوقی، ‌‌‌‌آموزش قضایی، ادعاهای کوچک اروپایی و ویدئو کنفرانس و همچنین پیوندهایی به پایگاه‌‌های اطلاعات قانونی، عدم پرداخت آنلاین، ثبت شرکت‌‌های تجاری و زمین وجود دارد. این پورتال همچنین شامل فرم‌‌های کاربر پسند برای دادرسی‌‌های مختلف قضایی است.

این درگاه ‌اطلاع‌رسانی و کمک به اشخاص برای یافتن قوانین، وکلا و دیگر موارد است و دادگاه الکترونیک به معنای ارسال دادخواست و روند الکترونیک ارجاع، بررسی و... نمی‌باشد و مدیریت ‌‌وکلا به صورت متمرکز نیست.

# **بند چهارم: اقامتگاه و ابلاغ الکترونیک**

همانگونه که بیان شد، مقصود اصلی از «دادرسی الکترونیک»؛ نوع عملیاتی بهره‌گیری از اینترنت است، و ‌اطلاع‌رسانی به تنهائی فائده‌ای ندارد اما در همین حال، بسیاری از «‌اطلاع‌رسانی»‌‌ها، روند عملیاتی دارد از قبیل ابلاغ قانون به کل مردم، زمان دادگاه و یا ‌اطلاع‌رسانی درباره کیفیت پرونده‌‌های در جریان (مانند آگهی انحصار وراثت) و انواع و اقسام دیگر، همه لازم است از طریق شبکه‌‌های اجتماعی، سایت و تلفن همراه، به صورت متمرکز و هدفمند، به اطلاع جامعه هدف یا کل کشور برسد مقصود از هدفمند آن است که با تکیه بر سامانه جامع اعتبار سنجی، همه اشخاص حقیقی و حقوقی، به درستی شناسائی شده باشند، و هر نوع مطلب، بر اساس اشخاص حقیقی و حقوقی ذینفع، به آن‌ها ‌اطلاع‌رسانی شود.

تا چند سال پیش تمام ابلاغ‌ها به صورت کاغذی و به‌وسیله‌ی ‌مأمور ابلاغ صورت میگرفت. اما در حال حاضر، ابلاغیه الکترونیکی جایگزین ابلاغ کاغذی شده است. و اقامتگاه شخص، جهت ابلاغ و ‌اطلاع‌رسانی از روند پرونده‌‌ها، همان موبایل وی ‌است. ابلاغ همه‌امور از طریق گوشی‌‌های همراه و از طریق شبکه‌‌های اجتماعی داخل کشور و از طریق سایت‌‌ها، هم اینک بخش وسیعی از آن برنامه نویسی شده است و لازم است به سرعت، بطور کامل، احکام به صورت صددرصد الکترونیک ابلاغ شود.

ابلاغ به صورت سنتی و کاغذی توسط ‌مأمور ابلاغ ‌‌‌مشکلاتی از قبیل زیر را در پی داشت:

– طولانی شدن فرآیند دادرسی

– مراجعه مکرر مردم و شلوغی مراجع قضایی

– نقض حریم خصوصی

– عدم حضور فرد در محلی که به او ابلاغ انجام میشد و نرسیدن ابلاغیه به او (به نمونه ابلاغ و مشکلاتی که برای احمد رضا عابد زاده پدید آمده، به عنوان یک نمونه مراجعه نمائید)

– احتمال سوء استفاده اشخاص دیگر با اطلاع از محتوای ابلاغیه

– هزینه‌‌های بسیار در جهت چاپ ابلاغیه‌ها

پس از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1394، سامانه ابلاغیه الکترونیکی راه‌اندازی شد. سامانه‌ای که ابلاغ‌ها و اوراق قضایی به صورت الکترونیکی در آن ارائه می‌شود و طرفین می‌توانند با ورود به ‌این سامانه ابلاغیه‌‌هایی که در مراحل مختلف دادرسی ارسال می‌شود را دریافت کنند و از روند رسیدگی به پرونده خود اطلاع پیدا کنند.در سامانه ثنا، از طریق هر یک از لینک‌‌های مشاهده ابلاغیه الکترونیکی در زیر می‌توان وارد سامانه مشاهده ابلاغیه الکترونیکی شد؛ در واقع این لینک‌ها مربوط به سامانه ابلاغیه الکترونیکی دادگستری است.

###### 1- کوتاه نمودن زمان ابلاغ‌ها و دادرسی

در قسمت اول می‌توان با کامپیوتری کردن این زمان را کاهش داد یعنی اگر قبل از این قرار بود که با یک ابلاغ به مدت 15 روز زمان ببرد زیرا در وضعیت کاغذی به طول انجامید در ابلاغ الکترونیک می‌توان این زمان را در قانون کاهش داد. یکی از مسائلی که باید در مورد دادگاه‌‌های اینترنتی درنظرداشت مسأله‌ی زمان است.

زمان‌‌هایی که در قوانین مختلف برای ابلاغ و مدت درخواست اعتراض و غیره وجود دارد عمدتاً مربوط به زمانی است که همه کارها کاغذی بود و لذا لازم بود تا زمان خاصی به طور طبیعی در نظر گرفته شود تا مطلب ابلاغ شود. این مورد در رابطه با ابلاغ اصل قوانین نیز مورد نظر بوده تا در زمان طبیعی فرض گرفته شود که قانون به همه ابلاغ شده است. اما اینک که با ابزارهای مدرن می‌توان به لحظه همه اطلاعات را به افراد و رساند چه از طریق پیام‌‌های صوتی و یا پیامک و یا پیام‌‌های تصویری و متنی در شبکه‌‌های اجتماعی می‌توان همه اطلاعات و اقدامات لازم را رساند باید از زمان‌‌هایی که در قوانین نوشته شده است او در اثر قرار گیرد.

احتمال آن که ابلاغ در گذشته به دست فرد نرسد ‌‌‌خصوصاً در رابطه با اصل قوانین، (که باید به اطلاع همه مردم می‌رسید و به همگان ابلاغ می‌شد) بسیار فراوان بود اما قانون گذار راهی نداشت جز اینکه آن را به صورت ابلاغ شده بپذیرد. اینک اما مسأله فرق کرده است یعنی ابلاغ ‌واقعاً امکان پیگیری دارد که آیا به فرد و به همه افراد و به تک تک آحاد جامعه و همه کسانی که باید به آنها برسد و رسیده است یا خیر دستگاه‌ها و ابزار‌‌های الکترونیک امروزه به طور قطعی ثبت می‌کنند که چه فردی در چه ساعتی و چه تاریخی وارد کامپیوتر شد و یا به موبایل خود مراجعه کرد و موبایلش را روشن نمود و آیا نرم‌افزار را استفاده کرد یا خیر و آیا پیام را دید یا خیر.

بنابراین با توجه به ‌این ابزار لازم است زمان ابلاغ‌ها بسیار کوتاه‌‌‌تر شده و در نتیجه مسأله کوتاه شدن زمان دادرسی مورد توجه قرار گیرد وقتی کسی وارد دادگاه ‌اینترنتی شد و دادخواست ارائه کرد بلافاصله به فردی که ‌‌‌‌‌قبلاً موبایل خود را رجیستر کرده و اعلام نموده است ابلاغ شود که هر نظری دارید ظرف مدت یک روز یا کمتر و یا بیشتر بسته به محتوای پرونده در همین سایت به صورت آنلاین اعلام کند و با توجه به ‌این که آن فرد ‌‌‌‌‌قبلاً احراز هویت شده است و این ابزار به صورت دقیق می‌تواند هویت او را اثبات کند به سرعت این ابلاغ را عملیاتی کرد. همچنین درخصوص ابلاغ احکام نیز می‌توان آن را به فرد ارسال نمود تا بتواند بلافاصله و یا در مهلت مشخصی اعتراض یا عدم اعتراض خود را آنلاین اعلام نماید.

###### 2- ابلاغ قانونی و ابلاغ واقعی

در ابلاغ کاغذی علاوه بر آنکه هزینه بسیار فراوان وجود داشت، ‌‌‌مشکلات وسیعی نیز موجود بود که با ابلاغ الکترونیک، ضمن کاهش هزینه‌‌های اداری، و زمان، ابلاغ‌ها قطعی است.

عباس تدین، حقوقدان و استاد دانشگاه می گوید: «ابلاغ الکترونیک شیوه‌ای نوین از ابلاغ است که با سرعت بخشیدن به فرآیند ابلاغ، موجب کاهش هزینه‌‌های مالی، افزایش دقت و از همه مهم‌‌‌تر جلوگیری از طولانی شدن فرآیند دادرسی که خود موجب اطاله دادرسی بود، می‌شود. با راه‌اندازی سامانه ابلاغ الکترونیک، ‌‌‌مشکلاتی که واحدهای ابلاغ اوراق قضایی در گذشته با آن روبه رو بودند -از قبیل عدم شناسایی آدرس ابلاغ شونده، عدم پذیرش ابلاغ و سوءاستفاده‌‌های احتمالی- حذف شدند. با ابلاغ الکترونیک، در عمل استفاده از کاغذ و بروکراسی اداری حذف می‌شود»[[372]](#footnote-372) در این زمینه لازم به یاد آوری است که ابلاغ الکترونیک، ابلاغ واقعی است و موبایل یا پست الکترونیک، همان اقامتگاه قانونی فرد است که به قوه قضائیه اعلام کرده است.

###### 3- موبایل به منزله اقامتگاه

در بسیاری از مواد قانون ایران، محل سکونت، آدرس و یا به تعبیر حقوقی از «اقامتگاه» سخن رفته است، اما لازم است توجه داشت که اقامتگاه، گاه موضوعیت دارد و مسکن و محل اقامت فیزیکی، خود موضوع است، مانند آن که مدرسه باید نزدیک منزل باشد یا شرکت‌‌های مستقر در مناطق آزاد، دارای امتیازاتی هستند در این موارد اقامتگاه، یک مکان فیزیکی است اما در اکثر موارد، اقامتگاه، طریقیت دارد، و صرفاً برای ‌اطلاع‌رسانی و ابلاغ است، در این موارد، موبایل فرد، بهترین اقامتگاه است زیرا همواره در دسترس است.

###### 4- انواع اقامتگاه در دادرسی‌‌های IT

قانون مدنی کشورمان در ماده (۱۰۰۲) اقامتگاه را چنین تعریف می‌کند: «اقامتگاه هر شخص عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم أمور أو نیز در آن جا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم أمور أو باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.» .ماده (۵۹۰) قانون تجارت نیز تعریف خاص خود را از اقامتگاه اشخاص حقوقی دارد و می‌گوید:« اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجاست.» با توجه به اهمیتی که تعیین اقامتگاه در تشخیص دادگاه صالح به رسیدگی دعوا دارد، شناسایی اقامتگاه در امور مرتبط با فناوری اطلاعات به ویژه موضوعیت می‌یابد. آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ایران در صلاحیت دادگاه، که ‌‌اصولاً در دعاوی مبنا واقع می‌شوند، ضمن سه ماده مقرر کرده است که:

اولاً: دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هر گاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیر‌منقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیر‌منقول در حوزه آن واقع است و هر گاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد. تبصره؛ حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است، تقسیم بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحية، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی‌دهد. (ماده ۱۱ آیین دادرسی مدنی)

ثانياً: دعاوی مربوط به ‌اموال غیر‌منقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمتی ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیر‌منقول در حوزه آن واقع است، اگر چه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد. (ماده ۱۲ آیین دادرسی مدنی)

ثالثاً: در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به‌ اموال منقول که از عقود و قراردادها ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود. (ماده ۱۳ آیین دادرسی مدنی)

قواعد خاص «آی تی» در اقامتگاه، در کنار اصول کلی مذکور در آیین دادرسی مدنی، در موضوعات مرتبط با آن حکومت داشته و لازم الاتباع است. اقامتگاه و یا محل تجاری مرتبط با فناوری اطلاعات که ویژگی خاص خود را دارد حسب مورد ممکن است یکی از شقوق پنج گانه زیر تشخیص گردد.

1- محل تجاری همان محل مورد توافق طرفین است. (قسمت دوم بند الف ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی)

2- محل تجاری یا کاری هر یک از طرفین همان محل ارسال با دریافت داده پیام است. (قسمت اول بند الف ماده قانون تجارت الکترونیکی ۲۹)

3- محل تجاری همان محل اصلی شرکت است. (قسمت دوم بند ب ماده قانون تجارت الکترونیکی۲۹)

اگر اصل ساز[[373]](#footnote-373) بیش از یک محل تجاری یا کاری داشته باشد نزدیک‌‌‌ترین محل تجاری یا کاری به اصل معامله اقامتگاه او فرض می‌شود( قسمت اول بند ب ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی)

4- محل تجاری در صورتی که شخص فاقد محل تجاری یا کاری باشد اقامتگاه قانونی او خواهد بود. بند ج ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی)[[374]](#footnote-374)

###### 5. تغییر آدرس و اقامتگاه به موبایل

اقامتگاه فیزیکی، در بسیاری از مواد قانونی، فلسفه و معنی خود را از دست داده است از آن جمله می‌توان در اقامتگاه برای ابلاغ‌‌ها، ‌اطلاع‌رسانی‌ها و امثال آن توجه کرد و قانونگذار نیز در قوانین و مواد مختلفی این مسأله را مورد توجه قرار داده است از جمله بند ج ماده 48 قانون برنامه پنجم، و قانون آئین دادرسی جدید، و قانون سلامت اداری، زمینه‌‌های مختلفی را ذکر کرده‌اند.

نکته: ممکن است موبایل به نام اشخاص نباشد و یا دروغ بگویند:

اولاً: در زمان کاغذی بسیار بیش از این اتفاق می‌افتاد.

ثانیاً: بار مسؤولیت عدم ابلاغ بر عهده همان طرف است و می‌تواند پیگردهای قانونی داشته باشد.

در وضعیت کنونی مشاغل دارای ساختمان‌های اجاره‌ای هستند، و یا به هردلیلی مکان خود را تغییر می‌دهند، اگر قرار باشد آدرس را به اداره ثبت اعلام نمایند زمان و هزینه دارد به همین دلیل بسیاری از شرکت‌ها و شخصیت‌‌های حقیقی و حقوقی، آدرس ثبتی‌شان در اداره ثبت، با آدرس واقعی‌شان تفاوت دارد، ‌راه‌حل در مسأله الکترونیک است اولاً موبایل اقامتگاه الکترونیک است و ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً تغییر نمی‌کند، ثانیاً اگر به هر دلیلی، آدرس فیزیکی لازم باشد هر فرد، پس از تغییر آدرس فیزیکی خود، با یوزر و پسورد وارد شده و آدرس جدید خود را اعلام نماید بدون کمترین هزینه آخرین اقامتگاه افراد مشخص می‌شود و بلافاصله نیز در همه سامانه‌ها به اشتراک گذاشته شود.

###### 6- موبایل یا ایمیل قوه قضائیه یا شبکه‌‌های اجتماعی

الزام به راه‌اندازی پست الکترونیک برای همه مردم مشکلی است که تبصره 3 ماده 655 قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مقرر می‌دارد: مراجعان به قوه قضائیه موظفند پست الکترونیکی و شماره تلفن همراه خود را در اختیار قوه قضائیه قرار دهند، و در صورت عدم دسترسی به پست الکترونیک، مرکز آمار موظف است برای شهروندان و متقاضیان امکانات لازم برای دسترسی به پست الکترونیکی ملی قضایی جهت امور قضایی ایجاد کند.[[375]](#footnote-375) این مسأله حاوی دو اشکال بزرگ است.

اولاً: دوران ایمیل گذشته است ‌‌‌‌تقریباً استفاده از آن منسوخ شده است، اکثریت مردم از شبکه‌‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و لازم است، شماره تلفن شبکه اجتماعی از مردم دریافت شود و با روش‌‌های فنی موجود، ابلاغ‌‌ها، احکام و حتی اعتراض به آن‌ها و هر نوع ارتباط یک سویه و دو سویه، از طریق همین شبکه‌‌های اجتماعی موجود صورت گیرد در وضعیت کنونی، برای ‌اطلاع‌رسانی هدفمند با «ای پی ای »[[376]](#footnote-376) و «بات»[[377]](#footnote-377) ها و استفاده از دیتابیس‌‌ها، به راحتی این اقدامات انجام می‌پذیرد.

ثانیاً: بر فرض که ‌ایمیل لازم باشد، نیازی به راه‌اندازی ایمیل سرور توسط قوه قضائیه، و هزینه‌‌های سنگین نیست، مردم در هر کجا که می‌خواهند ایمیل خود را بسازند و به آن ارسال شود.

# **بند پنجم: دگردیسی روزنامه رسمی**

‌اطلاع‌رسانی عملیاتی تمام الکترونیک، جایگزین روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار و بقیه موارد بشود عدم نیاز به روزنامه رسمی کاغذی و ابلاغ کلیه قوانین و مصوبات و اسناد رسمی در کمترین زمان ممکن، با دادن دسترسی به اشخاص حقوقی که بتوانند مطالب مرتبط با بخش خود را وارد نمایند (به طور مثال، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام، دیوانعالی کشور، سازمان ثبت اسناد و. . . دسترسی خواهند داشت که مصوبات خود را مستقیماً وارد کنند.)

‌اطلاع‌رسانی‌ها به صورت 100 درصد الکترونیک تغییر یافته و با بهره‌گیری از فضای مجازی انجام شود زمانی که قانونگذار، آگهی دادن به روزنامه‌‌های کثیرالانتشار را مطرح کرده است، اقدامی به موقع و صحیح بوده است، و در زمانی که نشریات مکتوب و ‌‌‌خصوصاً روزنامه‌‌ها، مورد مطالعه قرار می‌گرفت و در آن روزگاران توجیه صحیح برای دادن اطلاعات دادگاه‌ها و احضاریه‌ها و امثال آنها بر این روزنامه‌ها وجود داشت هر چند که با دقت می‌توان فهمید که در همان زمان نیز، آیا ‌واقعاً همه ذی‌نفعان مطالعه می‌کردند، مورد خدشه است اما به هر حال راه دیگری برای آن وجود نداشت و اقدامی به جا بود و ابلاغ قانونی صورت می‌گرفت و در زمان خود صحیح بود.

###### 1- عدم فائده ‌اطلاع‌رسانی در روزنامه

###### 2- انتشار کلیه تکالیف روزنامه رسمی در فضای مجازی

روند روزنامه رسمی همچنان کاغذی است بدین معنا که نهادهایی که باید اطلاعات خود را به روزنامه رسمی بدهند آن را تایپ نموده و در سربرگ خود پرینت کرده و خطاب به رئیس روزنامه رسمی ارسال می‌کنند و او نیز آن را پس از تشریفات اداری، وارد روزنامه رسمی ‌می‌کند به همین دلیل بسیاری از بخشنامه‌ها و و مواردی که در دستگاه‌‌های اجرایی لازم است در روزنامه رسمی چاپ شود با تأخیر اتفاق می‌افتد و یا هرگز انجام نمی‌شود.

اما اگر وضعیت به صورت صددرصد الکترونیکی باشد و از فضای مجازی به درستی استفاده شود آنگاه تمامی این موارد به صورت یک صفحه الکترونیک در اختیار دستگاه اجرایی و یا قانونگذاری و هر نهاد دیگر قرار می‌گیرد که با یوزرنیم خود وارد شده و با شناسایی کامل، همانجا مطلب را وارد می‌نماید و بلافاصله، با مسؤولیت شخص وارد کننده اطلاعات، منتشر می‌شود.

در این وضعیت می‌توان ارتقاء بهتری داد و آن اینکه مردم آگاهانه وارد شده و اعلام کنند که کدام یک از این بخشنامه‌ها یا قوانین به آنان مرتبط است آن قوانین به آنان اعلام شود و اگر آن موارد از مسائلی است که باید به کل مردم ‌اطلاع‌رسانی شود بلافاصله پس از انتشار، از طریق شبکه‌‌های اجتماعی، حتی به ذی‌نفعان و مخاطبان خاص هر قانون، ‌اطلاع‌رسانی شده تا یقین کرد به مردم در همه کشور رسیده است.

###### 3- تغییر زمان لازم الاجرا شدن قوانین

زمانی 15 روز مطرح شده که پس از درج در روزنامه رسمی ، قانون می‌شود[[378]](#footnote-378) مربوط به زمانی است که روزنامه رسمی کاغذی بود و اگر چاپ می‌شد طول می‌کشید تا به دست مردم برسد.

اگر به قانون مدنی مصوب 1307 در انتشار و آثار و اجراء قوانین بطور عموم مراجعه نمائیم این دلیل رادر می‌یابیم «ماده 2 - قوانین در تهران 10 روز پس از انتشار و در ولایات بعد از انقضاء مدت مزبور به اضافه یک روز برای هر شش فرسخ تا تهران لازم الاجراء است مگر اینکه خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجراء مقرر کرده باشد.» توجه به نکات این ماده بر اساس آن بوده است که در آن زمان هر شش فرسخ، یک روز راه بوده است بنا بر این قانونگذار، بنا را برآن گذاشته است فردی که در تهران نیست تا رسیدن این قانون زمان زیادی نیاز دارد. در اصلاحیه مصوب 29/8/1348 به‌دلیل آن که خودرو و هواپیما آمده بود، تفکیک بین تهران و شهرستان‌ها منتفی شد و مقرر داشت «ماده 2 - قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است مگر آن که در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.»

ماده 3 - انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی بعمل آید.

اما امروزه بلافاصله باید تصور شود که به اطلاع مردم رسیده است و زمان را کوتاه نمود و ابلاغ قطعی و واقعی به همه مردم انجام گرفته است و این ماده از قانون مدنی می‌تواند اصلاح شود ضمن اینکه می‌توان این موارد را مستقیماً به حساب کاربری همه شهروندان یا اشخاص ذی‌نفع، ارسال نمود تا ابلاغ هدفمند انجام شود.

ماده 2 قانون مدنی می‌تواند این گونه اصلاح شود: « ماده 2 - قوانین یک روز پس از انتشار در سایت رسمی، در سراسر کشور لازم الاجرا است مگر آن که در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.»

همین وضعیت در رابطه با شرکت‌ها انجمن‌ها و اشخاص حقوقی و هر اطلاعات دیگری نیز در روزنامه رسمی باید تغییر پیدا کند به طوری که نیازی به حضور این افراد نباشد و اشخاص بلافاصله اطلاعات‌شان در روزنامه رسمی درج شود و هر اطلاعاتی نیز به ذی‌نفعان مشخص و یا به اطلاع عموم رسانده شود.

###### 4- وظایف و اختیارات روزنامه رسمی کشور، از طریق فضای مجازی

آن چه در قوانین مختلف آمده است، می‌تواند از طریق فضای مجازی به سرعت و با کیفیت «ابلاغ واقعی» به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی برسد.

روزنامه رسمی کشور از سازمان‎های وابسته به قوه قضائیه ‌است که به صورت شرکت سهامی اداره می‎شود. مطابق اساسنامه قانونی مصوب 28/12/1352، ارکان شرکت عبارتند از: مجمع‎عمومی، هیأت مدیره و مدیر عامل و بازرس قانونی. سهام شرکت صددرصد متعلق به دولت بوده و ریاست محترم قوه‎قضائیه رئیس مجمع عمومی شرکت می‎باشند. برابر ماده 4 اساسنامه (اصلاحی 12/11/1381)، موضوع شرکت اداره و چاپ و انتشار روزنامه رسمی کشور‌‌، انجام سفارشات چاپی و مطبوعاتی قوه قضائیه‌‌، وزارتخانه‌‌ها‌‌، مؤسسات و شرکت‌‌‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی‌‌، چاپ‌‌، توزیع و فروش کتب و نرم‌افزارهای الکترونیک و رایانه‌ای می‎باشد.

وظیفه اصلی شرکت، چاپ و انتشار کلیه قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع‎تشخیص‎مصلحت‎نظام، آیین‎نامه‌ها و مصوبات هیأت‎دولت، آراء وحدت‎رویه دیوان‎عالی کشور و دیوان عدالت اداری، چاپ و نشر برخی آگهی‎های قانونی- قضایی،همچون آگهی‎های مربوط به تأسیس و ثبت شرکت‎ها و علائم تجاری و... از دیگر وظایف روزنامه رسمی کشور ‌است. ( نکته قابل توجه آن که انتشار موارد ذکر شده در آن موجب رسمیت آن‌ها خواهد شد)

1- اصل (69) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - مطابق اصل شصت و نهم قانون اساسی، «مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق روزنامه رسمی و رادیو برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد»

2- ماده (1) قانون مدنی ـ مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آنرا امضاء و به مجریان ابلاغ نماید و دستورانتشار آن را صادرکند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت 72 ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید. تبصره ـ در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضاء یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت 72 ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید.

3- ماده (3) قانون مدنی ـ انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید.

4- ماده (9) قانون مدنی ـ مقررات عهودی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد در حکم قانون است.

5- انتشار اعلان لازم جهت صدور حکم موت فرضی در مورد غایب مفقودالاثر برابر ماده (1023) قانون مدنی.

6- انتشار مفاد دادخواست در صورتیکه خواهان نتواند نشانی خوانده را تعیین نماید برابر ماده (73) قانون آئین دادرسی دادگاه‌‌‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی.

7- احضار متهم در صورتی که به واسطه معلوم نبودن محل اقامت وی در امر جزایی ابلاغ ممکن نشود مستنداً به ماده 174 قانون آئین دادرسی کیفری 1392.

8- انتشار مفاد وصیت‌نامه‌ای که به موجب قانون، قابل ترتیب اثر است درصورت معلوم نبودن توافق و اختلاف ورثه نسبت به آن وفق بند (8) آئین نامه ماده (299) قانون امور حسبی مصوب سال 1322 وزارت دادگستری.

9- انجام کلیه سفارشات چاپی و مطبوعات قوه قضائیه‌‌، وزارت دادگستری و سازمان‌‌‌های تابعه برابر ماده 4 اساسنامه قانونی روزنامه رسمی.

10- انتشار اعلان لازم به دارنده مجهول سند تجاری برابر مواد 324 و 327 قانون تجارت.

11- انتشار آگهی دعوت هیأت بستانکاران موضوع ماده 25 قانون اداره تصفیه‌ امور ورشکستگی مصوب 24/4/1328

12- انتشار خلاصه نامه شرکت وفق ماده 6 نظامنامه قانون تجارت مصوب سال 1311 وزارت دادگستری.

13- انتشارخلاصه نامه شرکت خارجی یا شعبه آن پس ازثبت وفق ماده20 نظامنامه اجراء قانون ثبت شرکت‌‌‌ها مصوب 2/3/1310

14- انتشار مفاد حکم قطعی راجع به اعتراض به علامت ثبت شده وفق تبصره ماده 19 قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب یکم تیر ماه 1310

15- انتشاراساسنامه ومرامنامه گروه‌‌‌ها پس ازصدور پروانه وفق ماده 11 قانون فعالیت احزاب وجمعیت‌‌‌ها و... مصوب 7/6/1310

16- انتشار آگهی موضوع ثبت اختراع وفق ماده 32 آئین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علایم تجارتی و اختراعات مصوب 1/4/1310

17- انتشار مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام.

18- نشر آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی کشور.

19- نشر آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

20- انتشار مصوبات هیأت دولت.

21- انتشار آئین نامه‌‌های اجرایی مصوب هیأت دولت.

22- انتشار آئین نامه‌‌های اجرایی مصوب ریاست قوه قضائیه.

23- انتشار مصوبات شورای عالی اداری

24- انتشار مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

25- انتشار مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام

26- انتشار عهدنامه‌‌های منعقده فی‌ما بین دولت ایران و سایر دول وفق ماده 9 قانون مدنی

###### 5- اطلاعاتی که شرکت‌ها باید در روزنامه رسمی کشور منتشر شود

همان طور که می‌دانیم، قدم آخر در مراحل ثبت شرکت، چاپ آگهی ثبت شرکت در روزنامه رسمی است که از این طریق فعالیت تجاری شما به اطلاع عموم می‌رسد. این نهاد در سال 1392 فعالیت خود را به صورت سامانه الکترونیکی ادامه داده است.

اطلاعاتی که در روزنامه رسمی کشور منتشر می‌شود. جهت اطلاع جامعه و ذی‌نفعان و همچنین رقبا احتمالی، برخی اطلاعات می‌بایست به طور دقیق و شفاف منتشر گردد. این اطلاعات عبارتند از: نام، نوع، موضوع، مرکز فعالیت و آدرس و مشخصات شرکت تاریخ و شماره ثبت شرکت میزان سرمایه شرکت با ذکر جزئیات موجود و تعهد شده اسامی هیأت مدیره و سمت آن‌‌ها تاریخ شروع به کار شرکت و در صورت محدود بودن مدت شرکت تاریخ خاتمه کار شرکت ذکر نام شرکاء ضامن در شرکت‌‌های تضامنی و مختلط.

نکته: هر کدام از اطلاعاتی که در هنگام ثبت شرکت در روزنامه رسمی و یک روزنامه کثیرالانتشار چاپ می‌شود در صورت تغییر باید مجدداً در روزنامه رسمی چاپ شوند.

نحوه چاپ آگهی شرکت در روزنامه رسمی شرکت

متقاضیان گرامی، جهت ثبت آگهی در روزنامه رسمی، می‌بایست پس از انجام مراحل قانونی و ثبت آگهی خود در ادارات ثبت، با مراجعه به سایت روزنامه رسمی کشور به نشانی <http://rrk.ir>جهت ثبت آگهی در روزنامه رسمی اقدام نمایند. پس از وارد کردن موارد مورد نیاز برای چاپ آگهی در سامانه، یک شماره پیگیری به شما داده خواهد شد که می‌توانید به وسیله آن و بدون نیاز به مراجعه حضوری، از تمامی مراحل ثبت آگهی خود مطلع شوید. (هزینه چاپ آگهی به عهده متقاضی است). تمامی این موارد می‌تواند تمام الکترونیک انجام شود.

الف: نمونه آگهی حصر وراثت در زمان‌‌های گذشته که همچنان ادامه دارد.

تعجب نکنید! این‌که یک روزنامه در سال 1328، محل درج آگهی حصر وراثت باشد، مهم است! در آن زمان، ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً این آگهی‌ها در روزنامه‌هایی درج می‌شد که دادگستری تعیین می‌کرد؛ روزنامه‌هایی که ظاهراً باید به لحاظ قانونی، دارای ویژگی‌های خاصی می‌بودند. به هر حال، خراسان خیلی زود این ویژگی‌ها را پیدا کرد؛ روز 28 شهریور سال 1328، حدود سه ماه بعد از آغاز به کار روزنامه، نخستین آگهی حصر وراثت، مربوط به‌اموال مرحوم کربلایی اسدا... رجبی بود که در اول بهمن 1325، در محل اقامت دائمی خود واقع در قریه «سربیشه»، دارفانی را وداع گفت. طبق مندرجات متن آگهی که توسط داوود ارشادی، رئیس وقت دادگاه بیرجند به روزنامه خراسان داده شده بود، معصومه اکبری، خورشید رجبی، محمد رجبی و شهربانو سهرابی، تنها وراث شناخته شده مرحوم اسدا... رجبی بودند.

این روند تا چند سال قبل صحیح بوده ‌اما اینک باید تغییر نماید.

ب: نمونه روند ‌اطلاع‌رسانی حصر وراثت

در دسترس بودن عدالت، به آن است که همه موارد آن در دسترس مردم باشد، مردم به‌دلایل مختلف باید به پزشکی قانونی مراجعه نمایند و پزشکی قانونی در شهرها در دسترس همه نیست، هزینه‌‌های گزاف برای دستیابی مردم به آن‌ها وجود دارد در حالی که با سیستم‌‌های رایانه‌ای می‌توان پزشک قانونی را در سراسر کشور در دسترس همه اشخاص گذاشت. گواهی فوت بر دو دسته است: 1- همه پزشکان می‌توانند آن را بنویسند و 2- آنچه فقط در پزشکی قانونی می‌تواند نوشته شود.

نکاتی که باید در امر صدور گواهی فوت انجام گیرد:

پزشک صدور گواهی فوت حتماً باید مورد تأیید سازمان پزشکی قانونی باشد و از طرف این سازمان دارای مجوز باشد. با طراحی یک صفحه رسمی در ولادت و فوت در هریک از دستگاه‌‌‌های اجرائی و یا مجوز به آن سامانه، «سند رسمی آنلاین» صادر و بلافاصله برای حصر وراثت و همه اقدامات، تمام الکترونیک انجام شود.

#### 

# **مبحث دوم: شیوه صلاحیت دادرسی الکترونیک**

# **بند اول: صلاحیت ذاتی و محلی سیستم الکترونیک**

مشکلی که در همه پرونده‌ها وجود دارد، ارائه دادخواست به مرجع صالح است، در روزگار کنونی نیازمند گسترش ساختمان‌ها و مراکز دادگستری و ضابطین هستیم؟ آیا ضروتی دارد که دادخواست دهندگان اطلاعی از «صلاحیت» مرجع رسیدگی کننده داشته باشند و بدانند که ماهیت پرونده آن‌ها در صلاحیت کدام دادگاه است؟ آیا ضرورتی به مراجعه به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری هست؟ به سردرگمی و رفت و آمد‌‌های فراوان بسیاری از مردم، حتی ‌‌وکلای خبره در برخی پرونده‌ها توجه شود، آیا ‌راه‌حل الکترونیک دارد؟

###### 1- فلسفه صلاحیت دادگاه‌‌‌ها

فلسفه صلاحیت دادگاه‌‌‌ها جلوگیری از اختلاط غیر‌ضروری پرونده‌‌های حقوقی و کیفری و فروعات هر کدام با یکدیگر و ایجاد بستری مناسب برای رسیدگی و دادرسی ضابطه مند و قانون مدار نسبت به هر یک از آن‌ها است.

این صلاحیت بر سه دسته است:

الف) صلاحیت ذاتی

ب) صلاحیت محلی

ج) صلاحیت شخصی

وقتی صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری برحسب نوع جرم تعیین و مشخص شد، این مسأله پیش می‌آید که در بین دادگاه‌‌های متعددی که صلاحیت ذاتی دارند، کدام یک برای رسیدگی به جرم ارتکابی شایسته‌‌‌تر است. این نوع شایستگی را صلاحیت محلی[[379]](#footnote-379) می‌نامند؛ به عنوان مثال وقتی برحسب قواعد صلاحیت ذاتی معلوم شد که عمل ارتکابی، مهم و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌‌های نظامی یک است، باید تعیین شود که در بین محاکم متعدد نظامی یک، کدام یک صلاحیت رسیدگی به جرم مورد نظر را دارد. با تأسیس دادگاه‌‌های عمومی و انقلاب رسیدگی به همه ‌امور مدنی، کیفری و امور حسبیه در هر حوزه قضایی، با لحاظ قلمرو محلی، در صلاحیت دادگاه‌‌های مذکور قرار گرفت.[[380]](#footnote-380)

در تمامی موارد فوق، فضای مجازی می‌تواند مسأله صلاحیت محلی را به نفع مردم را حل نماید و صلاحیت عام محلی برای همه قضات با طبقه بندی‌‌های مختلف داشت به طوری که اگر جرم یا دعوائی در شرق کشور اتفاق افتاده و مجنی‌علیه یا ذی‌حق در غرب کشور باشد هوش مصنوعی یا قاضی‌ای که در جنوب یا شمال کشور است از طریق اینترنت کل پرونده را بررسی نماید و بازپرسی‌ها و هرنوع اقدامی را در هر نقطه کشور انجام دهد و اعتراض به حکم به مراحل بالاتر ارجاع شود بدون آن که صلاحیت استانی یا کشوری به معنای فیزیکی در نظر باشد.

###### 2- صلاحیت محلی الکترونیک

سؤال این است: در دوران الکترونیک شدن دادخواست‌‌ها، بازپرسی‌‌ها، ارسال لوایح و همه‌امور پرونده، آیا صلاحیت محلی، همچنان امروزه نیز باید پایدار باشد و باید حتماً همان سنت گذشته را ادامه داد که هر نوع دعوا یا شکایت بر اساس صلاحیت به دادگاه محلی ارجاع شود و رفت و آمد بشود؟ یا اینکه با توجه به فضای مجازی موجود و امکان دسترسی مردم در هر زمان و مکان به هر شخص حقیقی و حقوقی، می‌توان تغییر بنیادینی در صلاحیت محلی ایجاد کرد به طوری که هر فردی بتواند در هر کجا با ابزاری که در دسترس دارد مانند موبایل یا کامپیوتر شکایت یا دعوای خود را مطرح نماید و بلافاصله به صورت اتفاقی رندمی به یکی از شعب تخصصی از طریق اینترنت ارجاع گردد و بقیه روند دادرسی نیز، همچنان در همین زمینه باشد.

اگر به دقت و به اهداف قانون گذار توجه شود، صلاحیت محلی دادگاه‌‌‌ها برای تسهیل دسترسی مردم به دادگاه مطرح شده است و موضوعیت ندارد. بنابراین اگر از طریق فضای مجازی اعلام شکایت یا دعوی، شهادت، پیگری وکیل؛ ارسال لایحه دفاعیه و... انجام شود، قصد قانونگذار تحقق یافته و دسترسی مردم به دادگاه افزایش می‌یابد بدون آنکه نیاز به رفت و آمد باشد. حق دسترسی عادلانه، امروزه با دادگاه‌‌های مجازی و ‌‌‌خصوصاً با ارسال دادخواست از راه دور، امکان پذیر است و در این صورت، همه مردم می‌توانند بلافاصله، در زمینه هر نوع جرم و یا دعوی، خود دادخواست را ارسال نموده و اتوماتیک به قاضی صلاحیت دار ارجاع شود و بقیه روند نیز ادامه یابد.

نکته: شاید تصور شود که با این روش دادخواست‌ها بشدت افزایش خواهد یافت و مردم بدون دلیل، می‌توانند پرونده‌ای بسازند اما با نگاهی به توانمندی تکنولوژی، می‌توان به هر شخص، رتبه بندی (رنکینگ) اعتباری داد که آیا این شخص، در حد نرمال و عادی است یا از افرادی است که هر روز با و بدون دلیل، علیه اشخاص مختلف دعوی و شکایت می‌کند و بر اساس این اعتبار سنجی تمام الکترونیک، رسیدگی به دعاوی و شکایات، با دقت و سرعت مناسب پیگیری یا همان ابتدا رد شود و اگر مردم بدانند که هر شکایت آن‌ها ممکن است در خواسته‌‌های بعدی شان تأثیر بگذارد، بازدارندگی خواهد داشت.

###### 3- ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری یا مستقیماً به درگاه الکترونیک

در روال جاری مردم برای هرگونه شکایت و دعوایی ابتدا به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها و یا به دادسراها مراجعه می‌کنند و در چند سال اخیر، «دفاتر الکترونیک قضائی» ایجاد شده که صف‌‌های طویل در آن جا وجود دارد و با دریافت مبلغی، شکایات را ثبت می‌کنند (اقدامی که پیش از این مجانی انجام می‌شد، هزینه دادرسی را اضافه کرده است و به اسم خدمات الکترونیک، مبالغ خوبی دریافت می‌نمایند!) مردم تا زمانی که گرفتار نشوند، نمی‌دانند که کجا بروند و پس از گرفتاری، از این سو به آن سو می‌روند و ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً، ابتدا به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری مراجعه می‌کنند، ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها نیز پرونده‌ها را بر اساس آنچه که خود می‌دانند طبقه‌بندی کرده و به صلح و سازش اقدام نموده و یا پرونده را برای بررسی به دادگاه می‌فرستند، ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها ضابط قضایی هستند در حالی که مردم می‌توانستند، شکایات خود را به دادسرا برده و یا به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری ببرند، یک روش اجتماعی گزینه اول معمول حق دسترسی مردم مراجعه به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری است. زیرا ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها در سراسر کشور در دسترس مردم بودند و ‌‌‌خصوصاً آنکه با راه‌اندازی سامانه 110 این دسترسی‌ها قوی‌تر هم شد به طوری که بلافاصله مردم با تماس با این سامانه و اعلام جرم یا مسأله‌ای، ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها ‌مأمور خود را به محل اعزام می‌نمایند به همین دلیل مردم بدون آنکه توجه داشته باشند که ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها ضابط قوه قضائیه هستند و روال اجرایی کار خود را به آن‌ها می‌برند.

زمانی که مردم با یک مسأله‌ای مواجه می‌شوند نمی‌دانند چه کنند از دیدگاه آنان، مراجعه به نزدیک‌ترین مکان همان ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری است و اگر به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری مراجعه نکنند، از این دادگاه به آن دادگاه می‌روند تا بتوانند دادگاه صالح را پیدا کنند برای شکایت از یک چک بلامحل، بسته به مبلغ آن باید به شورای حل اختلاف یا دادگاه مراجعه کرد، تغییرات در صلاحیت دادگاه‌ها از سوی قانون گذار، در زمان‌‌های مختلف، حتی باعث سردرگمی خبره‌‌‌ترین ‌‌وکلا می‌شود این در حالی است که با سیستم تمام الکترونیک درخواست و ارجاع به دادگاه یا هر مرجع صالح، قابل حل است به رغم دسترسی به ‌اینترنت و امکان استفاده از آن، و به‌دلیل عدم توجه قانونگذاران و فعالان اجتماعی و حقوقی به نقش مهم اینترنت در تسهیل دادرسی، همچنان روند امور با کندی انجام می‌شود.

صف‌‌های عظیم مردم در برابر دادگاه، نوبت دهی‌‌ها، رفتن به سمت ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها و از ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری به دادگاه‌ها و رفت و آمد به قسمت‌های مختلف نیروی انتظامی[[381]](#footnote-381) و دیگر نهادهای ضابط قوه قضائیه[[382]](#footnote-382) موجب سردرگمی فراوان مردم شده است نقد اطاله دادرسی[[383]](#footnote-383) و ضرورت کاهش زمان دادرسی[[384]](#footnote-384) بارها مورد توجه قرار گرفته است و برای آن به تغییر در قوانین و یا توصیه‌ها و بخشنامه‌ها توجه جدی شده است اما نتوانسته تأثیر عملیاتی واقعی در کاهش زمان دادرسی داشته باشد.

این در حالی است که در زمینه اقدامات فیزیکی، از قبیل ایجاد ساختمان‌های مجتمع‌‌های قضائی، زحمات بسیاری شده و هزینه‌‌های فراوانی انجام گرفته است؛ اما نتیجه واقعی نداده است. مشکل اساسی در حق دسترسی به دادرسی عادلانه آن است که بسیاری از افراد، یا دانش کافی برای رسیدن به حق خود را ندارند و یا احساس می‌کنند برای رسیدن به آن باید هزینه‌های سنگینی بپردازد همه کارها با هزینه رفت و آمد و اتلاف وقت مواجه است. به عنوان مثال کسی که مورد سرقت قرار می‌گیرد لازم است یک روز و یا حتی چندین روز از وقت خود را صرف نماید تا بتواند آن سرقت را پیگیری کرده و آیا به حقوق خود برسد یا خیر؟ و اگر کسی با دیگری اختلافی در حساب داشته باشد و یا چک برگشتی داشته باشد ماه‌ها برای به دست آوردن آن رفت و آمد می‌کند و در بسیاری از زمینه‌ها هزینه‌‌های فراوانی بر او تحمیل می‌شود که حداقل آن اتلاف زمان ‌است وگاه، هزینه پیگری بیش از دریافتی آن فرد است.

امروزه با گسترش اینترنت در همه زمینه‌ها و در همه مکان‌ها می‌توان بخش وسیعی از مشکل اطاله دادرسی و تسهیل در دسترسی به دادرسی را ایجاد کرد و این مشکل را تا حد فراوانی حل نمود. گزارش‌‌های ذیل را بخوانید و ببینید که در وضعیت کنونی، برای شکایت از سرقت و امثال آن، چه باید کرد؟ و چگونه مردم متحمل هزینه‌‌های فراوان می‌شوند.

الف: نمونه اول: سرقت از انباری

چهارشنبه 14/09/1397 متوجه شدیم که در انباری منزل ما سرقت شده، و همان شب به پلیس زنگ زدیم و بلافاصله‌ آمدند و صورتجلسه کردند و گفتند: باید فردا به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری ببرید تا در آنجا رسیدگی نمایند.

یک سفر درون شهری: ساعت هفت و نیم صبح پنجشنبه 15/09/1397 به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری ۱۰۹ بهارستان رفتم، ساعت تعویض شیفت بود، تا ساعت ۸ منتظر ماندم و رفتم داخل، نفر اول بودم، تا ساعت هشت و نیم ۷ نفر دیگر هم آمدند و هر کدام یک برگ زردی که پلیس صورتجلسه می‌کند، دست‌شان بود، از یکی ابزار داخل ماشین سرقت شده بود و دیگری موبایل و هرکدام، چیزی را در سرقت از دست داه بودند.

چندین برگه دادند که پر کنیم و فتوکپی از کارت ملی و خدمت و... گرفتم، ‌مأمور اینها را گرفت و مهر زد و گفت برو دادسرا،

سفر درون شهری دوم: دادسرا پارک شهر بود، سریعاً رفتیم تا ۹ صبح در دادسرا بسته بود‌‌‌! ! سرباز گفت: که پنجشنبه است یک خورده دیرتر شروع کار می‌کنند‌‌‌! ! ساعت نه و نیم بود، در را باز کرد ما رفتیم داخل، دوباره فرم و فتوکپی و کاغذ‌‌‌! که نوشتیم، گفتند باید بروید آگاهی روبروی مسجد ارک.

سفر درون شهری سوم: رئیس پلیس گفت چرا شما رو فرستادن اینجا باید این را در همان ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری تشکیل پرونده می‌دادند. سفر درون شهری چهارم: خلاصه برگشتیم ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری، ساعت ۱۲ بود، گفتند پرسنل رفته‌اند، امروز پنجشنبه است؛ و یه سری از پرسنل ‌‌‌‌کلاس داشتند، رفتند ‌‌‌‌کلاس؛ یک عده همایش‌‌‌! ! و الان کسی نیست که بررسی کند ‌‌وکلاً قرار شد شنبه صبح، پیگیر بشیم

سفر پنجم درون شهری: صبح شنبه به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری رفتیم و مجدداً همه کار انجام شد و پرونده را گرفتند و گفتند بروید، خبرتان می‌کنیم و ما رفتیم تا خبرمان کنند و هنوز هم هیچ خبری نشده است.

ب: نمونه دوم: سرقت یک خودرو

فرآیند ثبت شکایت تا تحویل گرفتن خودرویی که در تاریخ ( 18/07/1398) و همان روز کشف شده بود، 5 روز زمان بُرد. برای این کار به دو ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری، دو اداره آگاهی، دو دادسرا در تهران و اسلامشهر به همراه پلیس راهور و پارکینگ مراجعه کردیم (مجموعا، 11 بار مراجعه). حدود 90 برگه کاغذ مصرف شد که برای 75 برگه آنها از جمله فرم ثبت شکایت و فرم ترخیص پول پرداخت کردیم. تنها از کارت ملی همسرم 7 بار کپی گرفتم. حدود 40 لیتر بنزین مصرف شد و در تمام این مدت، پرونده الکترونیکی ما، از جمله تصویر کارت ملی همسرم، میان ادارات جابجا می‌شد. مجموعا، با 42 پوزیشن شغلی تعامل داشتیم و 17 صاحب‌منصب پرونده ما را امضا کردند. همسرم هم 19 برگه را امضا کرد.

ج: نمونه سوم: شکایت از سرقت موبایل

فرآیند سرقت گوشی موبایلی که در 30/02/1400 به سرقت رفته بود و بلافاصله کشف شده بود، 6 روز زمان برده و شخص مال باخته، مجبور به رفت و آمد فراوان و هزینه‌‌های مختلف شده تا بتواند آن را پس بگیرد و در جهت درآمدزائی برای دفاتر خدمات الکترونیک قوه قضائیه به وی گفته‌اند«تا در ثنا ثبت‌نام نکرده باشی، اجازه نداریم گوشی را تحویل دهیم» و مال باخته لازم است برای پیگیری به دادسرا برود و...

د: نمونه چهارم: اطاله دادرسی یک چک در روش شبه الکترونیک قوه قضائیه

نمونه دیگر آن یک دعوای چک در حد 3 میلیون تومان در سال 1397 است که روش کاغذی و دستی موجب شده است تا صاحب حق، ماه‌‌‌ها رفت و آمد کند (در تاریخ 19/04/1397 یک فرم پشت و رو داده‌اندکه برود، و از تک تک بانک‌ها استعلام بگیرد که طرف حساب و پول دارد یا نه؟) و با هزینه فراوان به‌اندکی از حق خود برسد. این مسأله، ‌راه‌حل صد در صد الکترونیک دارد، اگر قوه قضائیه با تبادل با دیگر دیتا بیس‌‌ها، به صورت تمام سیستمی، اعلام می‌کرد؛ و با تعامل، از آن‌ها استعلام قانونی الکترونیک می‌گرفت کل پرونده، در مدت بسیار کوتاهی حل و فصل می‌شد. دادگاه در تاریخ 19/04/1397 یک فرم پشت و رو به خواهان داده که برود، و از تک تک بانک‌ها استعلام بگیرد که طرف حساب و پول دارد یا نه؟ پس از اتمام کار، باید در یک پروسه کاغذی، پول به حساب امانی قوه قضائیه واریز شود و پس از گذشت زمان، به شخص طلبکار، پرداخت شود.

ه: نمونه پنجم، ‌‌‌‌‌کلاهبرداری فروش میوه‌اینترنتی

وضعیت کنونی شیوه پیگیری یک ‌‌‌‌‌کلاهبرداری اینترنتی در فروش میوه با قیمت کم و ‌‌‌‌‌کلاهبرداری انبوه؛ در یک پرونده واقعی، یک شخص با داشتن اکانت در شبکه‌‌های اجتماعی شروع به فروش میوه کرد، برای ارسال میوه به منازل مردم، مبلغ حدود ۱۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند اما کالا را به منازل ارسال نمی‌کند، خریداران فراوانی در فروردین 1399، ضمن واریز مبلغ و خریداری، کالا را دریافت نکرده، و باید به پلیس فتا مراجعه کنند و اعلام شکایت نمایند، ‌‌‌‌‌کلاهبرداران می‌دانند که معمول مردم چنین کاری را انجام نمی‌دهد و این رمز و راز این ‌‌‌‌‌کلاهبرداری است ‌‌‌‌‌کلاهبردار می‌داند که مردم فرصت پیگیری ندارد و یا هزینه آن برایشان نمی‌ارزد که پیگیری کنند و یا آن قدر رفت وآمد دارد که برای مردم نمی‌ارزد بنابراین، ‌‌‌‌‌کلاهبرداران، کار خود را ادامه می‌دهند در همین پرونده، یک گروه از مالباختگان، فروردین ماه 1399، تصمیم گرفتند که شکایت کنند ،پس از پیگیری فراوان متوجه شدند که باید به پلیس فتا بروند و در آن جا شکایت خود را مطرح نمایند، وکیل گرفتند و هزینه کردند، بیش از یک سال است که هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌اند و آن فرد هم چنان ‌‌‌‌‌کلاهبرداری خود را ادامه می‌دهد.

در نمونه خریدهای اینترنتی، اگر دادخواست یا گزارش، تمام الکترونیکی بود و در صفحه پرداخت و دریافت اینترنتی فروشنده، یک «تیک ارزیابی» قرار می‌گرفت که «اگر از این فروشنده یا صاحب حساب شکایتی دارند اعلام کنید» در کمتر از یک روز، آن حساب بسته می‌شد و ‌‌‌‌‌کلاهبرداری قطع می‌شد این روش، هم اینک در شبکه‌‌های اجتماعی و در فروشگاه‌‌‌ها و خدمات‌رسان‌‌های الکترونیک وجود دارد «گزارش» یا «گزارش هرزه نگاری»[[385]](#footnote-385) و یا «شکایت آنلاین» ‌راه‌حل پیشگیری از تخلفات یا استمرار آن است (نمونه‌‌های آن را در اسنپ و دیجی کالا می‌بینیم) اما به دلیل اینکه روش دادرسی حتی در تخلفات الکترونیک، همچنان روش‌‌های قدیمی است و کاغذی پیگیری می‌شود این پرونده و مشابه آن، به نتیجه دلخواه نخواهد رسید.

###### 4- ‌راه‌حل سنتی قضات عالی رتبه، دادخواست کاغذی ‌‌‌‌‌کلاهبرداری اینترنتی

در تاریخ 17 خرداد 1400 میزگرد حقوقی بررسی جرم در فضای مجازی با حضور دو قاضی عالی رتبه انجام شد در بخشی از آن آمده است :« بسیاری از مال باختگان، به دلیل اینکه موجودی حساب‌‌شان و مبلغ کم بود، به دنبال آن نمی‌رفتند که بخواهند پیگیری کنند این پول کجا رفته و می‌گفتند 20 هزار تومان ارزش اقتصادی ندارد که بخواهیم 30 هزار تومان هزینه برای طرح شکواییه کنیم یا تمبر مالیاتی باطل کنیم. در نهایت که ‌این فرد دستگیر شد، مجموع درآمد دو ماهه او را که بررسی کردیم، متوجه شدیم یک پسر 17 ساله با مجموع درآمد 46 میلیارد تومان در دو ماه فقط صرف ‌‌‌‌‌کلاهبرداری توانسته به چنین رقمی دست پیدا کند.»

مشکل حقوقدانان محترم این است که ‌راه‌حل شکایت را همان روش سنتی می‌دانند و لذا مردم حق دارند از حق خودشان بگذرند و ‌‌‌‌‌کلاهبرداران نیز، آزادی کامل دارند تا این روش را ادامه دهند. شما می‌توانید مشروح روش شکایت را در عمل، در مقاله ذیل مطالعه نمائید.[[386]](#footnote-386) و ملاحظه کنید که چگونه در دوران الکترونیک، پیچ و خم اداری بیشتر شده است، در بخشی از آن مقاله آمده است: همان طور که در سایت پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا) ذکر شده است مراحل شکایت از جرائم اینترنتی به ترتیب زیر است: مراجعه به دفاتر قضایی تنظیم شکوائیه در خصوص موضوع جرم تشکیل پرونده و اخذ دستورات قضایی مراجعه به پلیس فتا محل سکونت ارائه مستندات به پلیس فتا تحقیقات پلیسی ارسال به مرجع قضایی جهت اعمال قانون.

لازم به تذکر است مراحل اولیه ثبت شکایت به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ثنا ( دفتر خدمات الکترونیک قضایی) انجام می‌شود و پس از ثبت شکایت به صورت الکترونیکی و صدور دستورقضایی بر روی شکوائیه با اخذ پرینت و مراجعه حضوری به پلیس فتا، ادامه مراحل پیگیری توسط پلیس فتا انجام می‌شود. (توضیح مرحله به مرحله در بالا ذکر شده است.) برای مشاهده آدرس پلیس فتا هر استان و همچنین دادسراهای جرائم رایانه‌ای در محل سکونت خود "آدرس پلیس فتا و دادسراهای جرائم رایانه‌ای" را مطالعه کنید.

# **بند دوم: ‌راه‌حل؛ دادخواست آنلاین و ارجاع الکترونیک به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها و دادرسان**

‌‌‌مشکلات ارائه و پیگیری دادخواست‌‌های کوچک را مشاهده کرده‌اید از اینکه مردم نمی‌دانند مرجع صالح کجاست و هزینه‌‌های فراوان لازم است. ‌راه‌حل چیست؟ پاسخ روشن است، ترک روش‌‌های سنتی و راه‌اندازی «دادخواست تمام الکترونیک» به لحظه، آنلاین و در دسترس مردم، وارجاع آنلاین همه ‌این امور به صورت صددرصد الکترونیک به دادرسان و در صورت نیاز به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری یا آگاهی و کارشناسان، بدون نیاز به رفت و آمد، و کاغذ و فتوکپی؟! و ممنوعیت مراجعه مستقیم به دادگاه و ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری، با قراردادن فرم آنلاین دادخواست و اعلام سرقت و دیگر جرائم و تخلفات، گردش آنلاین پرونده، رسیدگی آنلاین و... اعلام نتیجه به پلیس و دادرسان، همه ‌امور، الکترونیک واقعی می‌شود و دادرسی در اسرع وقت، انجام می‌شود.

مشروط به آنکه (1) فهم صحیح علمی از «روش الکترونیک» وجود داشته باشد و (2) تفکر «درآمدزائی» برای برخی از دفاتر شبه الکترونیک و دستگاه‌‌های اجرائی از بین برود و قصد و غرض واقعی، ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزی الکترونیک، صرفاً در جهت خدمت رسانی به مردم، و تسهیل در «حق دسترسی» آنان باشد.

«دادخواست از راه دور» از طریق شبکه ‌اینترانت داخل کشور، بدون گردش در اینترنت و رفتن اطلاعات به بیرون (در اکثر عناوین جرم از قبیل سرقت و ‌‌‌‌‌کلاهبرداری و... و دعاوی حقوقی از قبیل چک و...) امکان پذیر است و این موضوع در خصوص همه زیرمجموعه‌‌های قوه از قبیل سازمان بازرسی، دادسرای انتظامی قضات، دیوان عدالت اداری و... قابل اجرا است و به‌دلیل وجود تمامی زیرساخت‌‌‌های فنی در قوه و کشور، هزینه اجرای آن فقط تصمیم مدیریتی است.

نکته: فقط مواردی که محرمانه است نمی‌توان در این شبکه قرار داد که ‌‌‌‌طبعاً به نسبت کل، بسیار کم است.

اگر چنین شود، بخش وسیعی از کرامت مردم عملی می‌شود و بخش وسیعی از ارتباط افراد سیستمی می‌شود و با قطع ارتباط مستقیم بین طرفین د عوی با ‌مأمورین، زمینه‌‌های فساد از بین می‌رود. راه‌اندازی پلیس تمام الکترونیک به لحظه و در دسترس مردم، به عنوان ضابط قضائی به طوری که ارتباط اشخاص با ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها و مراکز بشدت کاهش یابد و شخص پلیس، ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری محل، ناجای یک شهر یا شهرستان و... ، قابل ارزیابی باشد (همه‌امکانات زیرساخت فنی و قوانین آن موجود است)

‌راه‌حل تمام الکترونیک شدن گزارش‌های و شکایات از طریق اینترنت و از سوی خود مردم است، این مسأله که ممکن است گزارش دهندگان، تعمدی داشته باشند که فرد را خراب کنند با دقت در موارد زیر قابل حل است.

1– در گزارش‌های الکترونیک، ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً تبانی بین اشخاص فراوان مشکل است هرچند غیر‌ممکن نیست.

2– گزارش دهندگان با قطعیت شناسائی می‌شوند و بر خلاف استشهادیه‌‌های کاغذی که نمی‌توان فهمید چه شخصی بوده است، پرونده هر گزارش دهنده، با سوابق قطعی مشخص می‌شود و همین گزارش همواره در پرونده شخصی وی خواهد بود.

3– قاضی تمام اتوماتیک می‌تواند با ضریب علمی، حساب را بر اساس تعداد و اعتبار گزارش دهندگان و مبالغ ‌‌‌‌‌کلاهبرداری و دیگر مشخصه‌‌ها، به طور موقت یا دائمی مسدود نماید.

4– قاضی اتوماتیک یا انسانی می‌تواند بازپرسی آنلاین از گزارش دهندگان و صاحب حساب داشته باشد و بر اساس آن تصمیم بگیرد. در این صورت ‌‌اصولاً نیازی به مراجعه به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری یا پلیس فتا و آگاهی و امثال آن‌ها نیست و در کمترین زمان ممکن، پرونده مختومه می‌شود.

###### 1- اعتبار سنجی با فرم آنلاین دادخواست

می‌توان با قرار دادن فرم دادخواست آنلاین در اختیار همه شهروندان ابتدا شکایت یا دادخواست، به سیستم قوه قضائیه رفته و سپس در صورت لزوم، به صورت آنلاین به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری ارجاع شود اگر چنین اتفاقی بیفتد چندین خصوصیت خواهد داشت:

1- حق دسترسی مردم با دسترسی آنها در دورترین نقاط قرار می‌گیرد و نیازی به رفت و آمد مردم وجود ندارد.

2- نظارت مستقیم تا آخرین رده بر دادرسان و ضابطین قابل انجام است.

3- با دادن امتیاز، از سوی مردم، رنکینگ صورت می‌گیرد و در صورتی که‌ این رنک با تشویق و تنبیه مستقیم و بلافاصله به ‌مأمور نیروی انتظامی منعکس گردد، پیش‌گیرنده از جرائم بعدی است.

این امتیاز فضای مجازی است که اگر از آن استفاده شود به سرعت شهرها از جرم و مجازات کاهش خواهد یافت، بدین معنا که وقتی محدوده جغرافیایی خاصی به پلیس و یا راهنمایی و رانندگی سپرده شود می‌توان بدون حب و بغض، بررسی کرد: آیا جرائم در این منطقه افزایش یا کاهش یافته است 1- در صورت کاهش، بلافاصله به پرسنل تشویق قانونی داده شود مثلاً افراد کادر، ارشدیت بگیرند و یا وظیفه‌ها مرخصی تشویقی دریافت کنند. 2- و اگر جرائم افزایش یافت، بلافاصله «تأخیر در درجه» و یا کاهش امتیازات افراد کادر و «اضافه خدمت پرسنل وظیفه» اعلام شود، آنگاه نیاز به «بازرسی فیزیکی» کاهش می‌یابد و نیروهای ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری، خود تمامی امکانات را بسیج می‌کنند تا جرم مشهود در منطقه آنان اتفاق نیفتد.

طبیعی است که جرائم باید طبقه‌بندی شود و به هرکدام، رنک و امتیاز خاص خود را داد، به طور مثال کیف قاپی یا خفت‌گیری در خیابان و یا سرقت موبایل و امثال آنها، با قمه کشی و تجاهر به خرید و فروش ومصرف مواد مخدر و... هرکدام امتیاز منفی و ضریب خود را دارد وبا برنامه دادخواست الکترونیک، می‌تواند در تشویق و تنبیه پرسنل نقش داشته باشد. اما قتل در منزل و یا نزاع‌‌های درون منزل و یا محل‌‌های محصور طبیعتاً مسؤولیتی را متوجه پلیس نخواهد کرد که تمامی این موارد قابلیت ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزی داشته و اگر با دقت عملیاتی شود پلیس از جرائم پیشگیری نماید.

همچنین، ضریب امتیازات نسبت به محله‌‌های «جرم خیز» با محله‌‌های معمولی، کاملاً منصفانه طراحی شود. در دادخواست الکترونیک است که می‌توان اینگونه نظارت‌های لحظه‌ای را بر همه کشور، حتی دورترین روستاها اعمال کرد هر دو طرف یعنی گزارش دهنده و پرسنل ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری خود دارای امتیازاتی در این سیستم خواهند شد که اعتبار آنها را مشخص خواهد کرد و گزارش دهندگان نیز، به صورت اتوماتیک، اعتبار سنجی می‌شوند و این اعتبار، ارزش گزارش را کاهش یا افزایش می‌دهد.

###### 2- نمونه دادخواست انحصار وراثت

نمونه‌‌های فراوان از دادخواست‌ها وجود دارد که می‌توان آن را بیان کرد از جمله تمامی امور حصر وراثت، با مراجعه و کاغذی بین اداره مالیات و شورای حل اختلاف است، تمامی این امور بدون نیاز به مراجعه از منزل در فرم تعاملی، قابل انجام است.

###### 3- دادخواست مطالبه وجه چک

دادخواست مطالبه وجه چک نیز همچنان کاغذی است، مشکل در چک پیچیده‌‌‌تر از مشکل حصر وراثت است زیرا بر اساس مبلغ و نوع چک، صلاحیت دادگاه بررسی کننده فرق می‌کند و ‌‌‌خصوصاً اینکه در بین زمان رسیدگی، ممکن است قانون عوض شود و صلاحیت‌ها جا بجا شود، ‌راه‌حل تمام الکترونیک شدن است، وارجاع الکترونیک به دادرس صالح، و حل و فصل با تکیه بر بانک‌‌های اطلاعاتی و تصمیم سریع و اجراء آن در زمان کوتاه، به طوری که «دادرسی عادلانه» انجام شود.

###### 4- رای دیوان عالی مبنی بر تعمیم صلاحیت محلی رسیدگی به چک

در زمینه تأثير «آی تی» در آیین دادرسی کیفری تعمیم صلاحیت محلی در چک بانکی، نمونه رأی دیوانعالی کشور، در خصوص صلاحیت محلی رسیدگی به چک سیبا در سال 1382 قابل مطالعه است:

اگرچه مقررات مربوط به آیین دادرسی و صلاحیت جزایی محاکم ایران در رسیدگی به جرایم و ابعاد ‌بین‌المللی جرایم ناشی از فناوری اطلاعات مطابق ماده (۷۷) قانون تجارت الکترونیکی به تصویب قانون خاص موکول گردیده است، با وجود این نمی‌توان تأثیر فناوری اطلاعات را در شکل گیری قواعد خاص دادرسی کیفری انکار نمود. پرونده وحدت رویه ردیف ۱۶ / ۸۲ دیوان عالی کشور که به تعیین دادگاه واجد صلاحیت رسیدگی به اتهام صادر کننده چک بلا محل از نوع سیبا (سیستم یکپارچه بانک ملی ایران) اختصاص یافته و در هیأت عمومی دیوان عالی کشور طرح و منتهی به اتخاذ تصمیم گردید، از مواردی به‌شمار می‌رود که در این مقام مورد استناد است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور در جلسه مورخ ۱۳۸۳ / ۷ / ۲۱ پس از بررسی موضوع و بنابر جهانی از جمله با توجه به ارتباط کلیه بانک‌‌‌های طرح سیبا با یکدیگر و اینکه اساساً هر شعبه صادر کننده دسته چک سیبا در حکم عامل بانک مرکزی بوده و لذا تمامی بانک‌‌‌های مرتبط در حکم واحد بوده و موظف به پرداخت وجه به دارنده چک سیبا می باشند و اینکه در صورت نبود یکسری موجودی حساب کشنده چک حسب مورد بانک مرجوع اليه مبادرت به صدور گواهی عدم موجودی یا کسر موجودی می‌نماید، و کسی که چک سیبا به دیگری می‌دهد در واقع پذیرفته که در هر محلی که دارنده چک سیبا رجوع کند وجه چک را بانک مرتبط با شبکه یک پارچه پرداخت کند، با تأييد رأی شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور به اختلاف خاتمه می‌دهد.

خلاصه‌ای از جریان دادرسی در تعیین صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به اتهام بزهکاران صدور چک بلامحل از نوع سیبا به شرح زیر ‌است؛ در پرونده ‌‌‌‌کلاسه ۸۴۴۵ / ۱۶ شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور شعبه دوم دادگاه عمومی ابرکوه به موجب دادنامه شماره ۳۰۹ – ۸۱ / ۲ / ۲۹ در مورد شکایت آقای (م.ف) علیه آقای (ح. ع) دایر به صدور یک فقره چک بلامحل شماره... عهده جاری... سیبای بانک ملی نور آباد لرستان به مبلغ... ریال که در تاریخ ۱۳۸۰ در شعبه... بانک ملی ابرکوه به علت کسر موجودی به صدور گواهینامه عدم پرداخت منتهی گردیده است، به لحاظ عدم دسترسی به متهم و استقرار بانک محال عليه در نورآباد لرستان به شایستگی محاکم عمومی نورآباد لرستان قرار عدم صلاحیت صادر نموده است. پرونده پس از وصول به حوزه قضایی اخیرالذكر جهت رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان - نورآباد ارجاع و به صدور دادنامه ذیل منتهی گردیده در خصوص شکایت آقای (م، ف) عليه آقای (ح. ع) به اتهام صدور یک فقره چک سیبا و سیستم یکپارچه بانک ملی ایران با عنایت به‌اینکه در ما نحن فيه، چک مذکور قابلیت واریز نمودن وجه به حساب با برداشت وجه از حساب بانکی به وسیله چک در کلیه شعب بانک ملی سراسر کشور را دارا می‌باشد و صاحب حساب یا دارنده جهت وصول وجه چک میتواند به هر یک از شعب بانک ملی سراسر کشور مراجعه و در صورت ارائه چک توسط دارنده چک و مواجه شدن با چنین امری مبادرت به صدور گواهی عدم پرداخت به درخواست دارنده چک می‌نمایند. بنابراین، برخلاف استدلال شعبه دوم دادگاه عمومی ابرکوه که صرفاً بانک ملی شعبه نورآباد لرستان را به دلیل استقرار بانک محال عليه تلقی نموده به نظر می‌رسد که در ما نحن فيه كلیه شعب بانک ملی سراسر کشور در حکم واحد بوده و بانک محال عليه تلقی می‌شوند... و اینکه شاکی و مشتکی عنه در شهرستان ابرکوه ساکن هستند. لذا با اعتقاد به عدم صلاحیت محلی خود به شایستگی محاکم عمومی ابرکوه قرار عدم صلاحیت صادر و در اجرای ماده (۵۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌‌‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ناظر به تبصره ماده (۲۷) آیین دادرسی دادگاه‌‌‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، پرونده جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال گردد.

پس از ارسال پرونده به دیوان عالی کشور، اعضای محترم هیأت شعبه سی و سوم به موجب دادنامه ۳۱۰- ۸۱ / ۴ / ۲۴ به ترتیب ذیل حل اختلاف نموده‌اند: با توجه به محتویات پرونده و عنایت به‌اینکه تفاوت چک سیبا (سیستم یکپارچه بانک ملی ایران) با چک‌‌‌های دیگر صرفاً در مهلت وصول است که سیبا در کلیه شعب بانک مذکور و بدون وقفه پرداخت می‌شود، ولی در سایر شرایط مشترکند، نظریه شعبه دوم دادگاه عمومی ابرکوه صائب است. لذا با تأیید آن به صلاحیت رسیدگی شعبه چهارم نورآباد دلفان حل اختلاف می‌گردد.

حسب محتویات پرونده ‌‌‌‌کلاسه ۱۰/ ۸۲۹۸ شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور آقای (م. ف) در پرونده دیگری علیه آقای (ح. ع) به صدور یک فقره چک بلامحل به شماره... عهده جاری شماره... سیبا بانک ملی ایران شعبه نورآباد که در تاریخ ۱۳۸۰ در بانک ملی شعبه ابرکوه به علت کسر موجودی به صدور گواهی عدم پرداخت شماره... منجر شده است، به حوزه قضایی ابرکوه شکایت نموده است که شعبه چهارم دادگاه عمومی این حوزه طی دادنامه ۸۰ / ۱۱ / ۳۰ - ۱۳۵۰ با عنایت به‌اینکه بانک محال علیه در خارج از حوزه قضایی ابرکوه می‌باشد به شایستگی دادگاه نورآباد لرستان قرار عدم صلاحیت صادر نموده است. این بار نیز پرونده در شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان مطرح و شعبه مزبور با استدلالاتی که ‌‌‌‌‌قبلاً به عمل آورده بوده و در گزارش پرونده شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور مفصلاً منعکس گردیده است، با نفي صلاحیت خویش، پرونده را جهت حل اختلاف و تعیین دادگاه صلاحيت‌دار قانونی به دیوان عالی کشور ارسال نموده که پس از ارجاع به شعبه سی و پنجم طی دادنامه شماره ۳۴۲- ۸۱ / ۸ / ۲۳ به شرح ذیل اتخاذ تصمیم به عمل آمده است: با توجه به اوراق پرونده و با توجه به‌اینکه گواهی عدم پرداخت وجه چک از بانک ملی ایران شعبه ابرکوه صادر گردیده است و با توجه به‌اینکه چک مورد شکایت به شرح منعکس در قرار عدم صلاحیت صادر شده مورخ ۸۰ / ۱۲ / ۱۹ شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان از جمله چک‌‌‌هایی است که در تمام شعب بانک ملی ایران قابل پرداخت است، على هذا همان طوری که در قرار عدم صلاحيت شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان استدلال شده است صرف نظر از صحت و سقم شکایت عنوان شده و بر فرض اینکه در خصوص مورد ارتکاب بزهی متصور باشد دادگاه عمومی ابرکوه صالح به رسیدگی خواهد بود و با اعلام صلاحیت مرجع مذکور در موضوع مورد اختلاف، حل اختلاف می‌نماید.[[387]](#footnote-387) این یک واقعیت قابل توجه است، با روش الکترونیک، اطاله دادرسی با اعتراض به صلاحیت دادگاه، از بین می‌رود و سردرگمی مردم نیز پایان می‌یابد.

###### 5- تخصصی شدن دادگاه‌‌‌ها در سیستم الکترونیک، عادلانه‌‌‌ترین شیوه

صلاحیت دادرسان و دادگاه‌ها و طبقه‌بندی دادگاه‌ها و قضات، شایسته‌‌‌ترین اقدامی است که در راستای «دادرسی عادلانه» می‌توان انجام داد و به مراتب از «صلاحیت محلی» و «صلاحیت ذاتی» کنونی با اهمیت‌‌‌تر است، در میثاق نیز به بخش‌‌هائی از آن اشاره شده است، حق تفکیک متهمین از مجرمین در زندان در بند الف قسمت 2 ماده 10 میثاق بدین شرح است: «الف‌ ـ متهمین‌ جز در موارد استثنایی‌ از محکومین‌ جدا نگاهداری‌ خواهند شد و تابع‌ نظام‌ جداگانه‌ای‌ متناسب‌ با وضع‌ اشخاص‌ غیرمحکوم‌ خواهند بود.» همچنین حق بازداشتگاه ویژه کودکان متهم در بند ب قسمت 2 ماده 10 میثاق تصریح شده است: «ب‌ ـ صغار متهم‌ باید از بزرگسالان‌ جدا بوده‌ و باید در اسرع‌ اوقات‌ ممکن‌ در مورد آنان‌ اتخاذ تصمیم‌ بشود.» اما این همه ‌اموری نیست که میثاق در صدد انجام آن بوده است اهداف میثاق، برقراری عدالت در دادرسی بوده و لذا همه ابعاد آن را می‌توان تخصصی کرد، ‌‌اصولاً تخصصی کردن کارها در هر رشته‌ای موجب افزایش قدرت، دقت و سلامت انجام آن می‌شود امروزه در علوم مختلف تجربی و علوم انسانی اشخاص تلاش می‌کنند تا در رشته خاصی تخصص داشته باشد. مثلاً در علوم مهندسی کامپیوتر فردی که در یک رشته خاص و در یک نرم‌افزار یا سخت‌افزار مخصوص، تخصص پیدا می‌کند ارزشمندتر از کسی است که از هر دانشی، بخشی را دارد. در علم پزشکی نیز همین‌گونه تخصص‌‌های عمومی و سپس تخصص‌‌های ویژه صورت گرفته است. جدا شدن تخصص‌ها در رشته‌‌های مختلف علوم انسانی از یکدیگر به تدریج اتفاق افتاد. رشته حقوق نیز در ابتدا بسیار ساده و بسیط بود اما به صورتی پیشرفته تخصصی شد به حدی که حقوق، به «حقوق عمومی»، «خصوصی»، «کیفری»، «اساسی» و امثال آن تقسیم شد.

بنابراین دادگاه‌ها نیز به سمت تخصصی شدن دادرسی‌ها پیش می‌روند و این امری پسندیده است که یک دادگاه هر چند که در قانون صلاحیت برای رسیدگی در امور کیفری یا مدنی دارد اما می‌توان با تدبیر، به‌صورت تخصصی وارد موضوعات شود مثلاً در زمان ارجاع، شعبه یک به‌امور اقتصادی پرداخته و شعبه 2 به‌امور کسب و کار‌ها و اجاره و معاملات و شعبه 3 به‌امور دیگری بپردازد این کار نه تنها مغایرت با قانون ندارد که با اهداف قانون‌گذار در جهت دادرسی عادلانه نزدیک‌‌‌تر است و می‌تواند به بهترین وجه‌این خصوصیات را در دادگاه و روند رسیدگی به پرونده‌ها رعایت نماید. قاضی که در امر چک و موارد آن به صورت تخصصی کار می‌کند به مراتب از قاضی که ساعتی به پرونده چک رسیدگی نموده و سپس به پرونده مسکن پس از آن پرونده‌ای در رابطه با اختلاف مالی و سپس به مسائل مختلف دیگر می‌پردازد ماهرتر و روان‌تر کار می‌کند و مسلماً فرد متخصص، به مراتب راحت‌‌‌تر و سریع‌‌‌تر و صحیح‌تر به نتیجه خواهد رسید. تخصصی شدن در سیستم الکترونیک، امکان پذیر است و می‌توان به بهترین وجه در طول زمان آن را انجام داد و پرونده‌ها بر اساس تخصص هر قاضی به آنان ارجاع شود.

###### 6- تعارض قوانین و دادگاه در دعاوی الکترونیک

اگر جرمی اینترنتی واقع شود که مجرم در یک کشور، سایت در کشور دیگر و جرم در محلی دیگر باشد کدام دادگاه و قانون حاکم است؟ و یا در موردی که دعوای ناشی از یک قرارداد با بیش از یک کشور مرتبط باشد، (مانند خرید از آمازون به صورت الکترونیک که از سیستم کالائی که در کشوری دیگر و مربوط به شرکتی دیگر است به شخصی در کشور دیگر فروخته می‌شود) حل برخی موضوعات کلیدی ضروری است. این موضوعات عبارتند از: تعیین صلاحیت، تعیین قانون حاکم، و در نهایت شناسایی و اجرای احکام. حقوق ‌بین‌الملل خصوصی در پرونده‌‌های مربوط به ‌این مسائل، اغلب بر اساس عواملِ سرزمینی تصمیم گیری می‌کند. با وجود این، به دلیل ماهیت جهانی اینترنت، اجرای عوامل یاد شده و تعیین قطعی و صحیح دادگاه صلاحیت دار (صلاحیت قضایی) و (قانون اعمال شده ) بسیار دشوار است. در این زمینه‌‌ها، لازم است بررسی‌‌های تفصیلی صورت گیرد و با همکاری بسیاری از حقوقدانان، این مشکل حل شود.

# **بند سوم: عدم نیاز به ساختمان‌ها و دادرسی بدون مراجعه**

مشکل بزرگ قوه قضائیه و دستگاه‌‌های اجرائی گسترش ساختمان‌‌های اداری در سراسر کشور است تا دسترسی مردم آسان‌‌‌تر شود، سازمان‌ها و نهادهای خدماتی، نزدیک‌تر به مردم باشند. سازمان‌‌های دولتی مرکز، استانداری‌‌ها، فرمانداری‌‌ها، بخشداری‌ها و... گسترش می‌یابند و ای بسا موجب تنیدگی بیشتر کارها ومعضلات بوروکراسی می‌شوند.

این اقدام در زمان‌‌های گذشته، بسیارلازم بود و امروزه باید قسمت‌‌های اداری منحل شده و امور از طریق اینترنت به مردم واگذار شود، اما در همین زمان، دفاتر استانی دیوان عدالت اداری[[388]](#footnote-388) راه‌اندازی شد در حالی که مردم یک منطقه از استان لازم است به دفاتر آن مراجعه نمایند و هزینه‌‌های فراوان دارد. می‌شود و امکانپذیر است که همه‌امور، اعم از دادخواست‌ها و ابلاغ‌ها و پیگیری‌ها و اعتراض و تبادل لوایح و هر نوع پیگیری پرونده از طریق اینترنت باشد.

###### 1- انحلال پیشخوان‌‌‌ها، دگردیسی واقعی

اگر روش موجود ادارات، را به شکلی تغییر دهیم که الکترونیک واقعی نباشد، یعنی خدمتی را که مردم با مراجعه و کاغذ، اما مجاناً از دولت می‌گرفتند؛ با تأسیس پیشخوان‌‌ها، همان مراجعات و همان کاغذ‌ها وجود داشته و هزینه هم بدهند؛ این دولت الکترونیک نیست. طراحی‌‌های الکترونیک، باید با دید برون سپاری واقعی، یعنی از طریق اینترنت و موبایل، به منازل خود مردم انجام شود، نه‌ایجاد دفاتری که همواره بین نیروی انتظامی، شهرداری، دولت و... بر سر مالکیت و مدیریت آن اختلاف است و...

لازم به یادآوری است دفاتر پیشخوان فعلی، اعم از پلیس + 10، و دیگر پیشخوان‌‌‌ها، واگذاری واقعی کار به مردم و بخش خصوصی نیست. تا اوائل دهه 1380، پیشخوان‌‌‌های مختلف الکترونیک، از قبیل پلیس + 10 نیز راه‌اندازی شد، تا امکانات، در دسترس نزدیک مردم باشد. اما بدون توجه به ضرورت زمان تأسیس، اینگونه نهادها، جا افتاد و همچنان ادامه یافته است و سازمان‌‌‌ها و دستگاه‌‌‌های مختلف، نهادهای جدید مشابه آن را تأسیس می‌کنند از قبیل، پیشخوان دولت، پیشخوان امور شهرداری و... در حالی که ‌امروزه با وجود اینترنت، همه اقدامات می‌تواند، و حق آن است که بر روی اینترنت انجام شود، و همه ‌این پیشخوان‌‌‌ها منحل شوند؛ اما برخی سازمان‌ها و دستگاه‌‌های اجرائی، با راه‌اندازی پیشخوان‌‌های جدید، ساده‌‌‌ترین خدمات را نیز بر روی اینترنت قرار نداده‌اند تا مردم مجبور باشند؛ ضمن مراجعه به ‌این پیشخوان‌‌‌ها، پولی را نیز بپردازند.

###### 2- دفاتر اسناد رسمی، اولین پیشخوان

سابقه تاریخی در تأسیس نهاد‌‌های خوب، با انگیزه‌‌های مختلف وجود دارد که بعداً در طول زمان تغییر کرده و گاه به ضد خودش تبدیل شده است ایجاد دفاتر اسناد رسمی، به عنوان اولین پیشخوان رسمی دولت که به بخش خصوصی واگذار شد، برای زمان خودش، بسیار عالی بود زیرا در آن زمان دسترسی را به اسناد رسمی با هزینه خود مردم تا اقصی نقاط کشور می‌برد.

در سال 1290 نخستین قانون ثبت اسناد مصوب شده و دفاتر ثبت دولتی شکل گرفته است.

در سال 1302 قانون جدیدی نوشته شده که کماکان ثبت دولتی بوده است.

در سال 1307 طبق قانون تشکیل دفاتر اسناد رسمی، این دفاتر ابتدا به صورت (خصوصی، دولتی) بوده و به تدریج به بخش خصوصی منتقل شده است.

در سال 1308 قانون ثبت اسناد و املاک تصویب شده و حوزه صلاحیت محلی دفاتر اسناد رسمی را از حالت محدود، به حالت نامحدود سراسری تبدیل نموده است.

در سال 1310 مجدداً قانون ثبت اسناد و املاک تغییراتی داشته و طی آن قدرت دفاتر افزایش یافته است.

‌‌‌‌‌‌‌‌نهایتاً در سال 1316 قانون دفاتر اسناد رسمی تصویب گردیده و کل وظیفه ثبت به آن دفاتر محول گردیده است. تأسیس دفاتر اسناد رسمی در صد سال قبل، کاری شایسته و بایسته بوده، و ایجاد چنین دفاتری به‌ وسیله‌ی بخش خصوصی، ارزش افزوده اجتماعی داشته است. این دفاتر به مانند همه پیشخوان‌‌ها، تا (حدود سال‌‌های اول دهه 1380)، توجیه اداری، اقتصادی و اجتماعی داشته است اما اینک، که ابزار ارتباطاتی تا دورترین نقاط کشور گسترش داشته، هرگز منطقی نیست که جهت ایجاد درآمد برای آنها، مردم را به بهانه‌‌های مختلف (از جمله گواهی امضاء، و برابر اصل کردن اسناد) و به اجبار، به ‌این دفاتر بفرستند.

###### 3- مقایسه زمان سازمان سنجش

نمونه کامل واگذاری کاربه بخش خصوصی واقعی ( خود مردم) و تکریم ارباب رجوع را در جدول زیر ملاحظه فرمائید:

|  |  |
| --- | --- |
| مقایسه‌ای اجمالی بین زمان ثبت نام کاغذی سازمان سنجش با امروز | |
| * حد اقل یک بار به پست مراجعه نموده تا پول بدهیم و دفترچه را بگیریم * مدارک را پر نموده و مجددا به پست مراجعه و در صف می‌ایستادیم و مدارک را تحویل می‌دادیم * مراجعه و در صف می‌ایستادیم و روزنامه‌ای که اسامی قبول شدگان را اعلام کرده، می‌خریدیم * چندی بعد، به یک دانشگاه مراجعه، و از پشت میله‌ها کارت ورود به جلسه را دریافت می‌کردیم * چندی بعد برای دریافت کارنامه به پشت میله‌ها مراجعه می‌نمودیم * برگه انتخاب واحد را پرنموده و مجدداً به پشت میله‌ها مراجعه می‌نمودیم و. .. * در هریک از این مراجعه‌‌ها، عمر شریف از بین می‌رفت و کرامت انسانی مردم مخدوش می‌شد | * همه‌ امور با اینترنت انجام می‌شود * برای ثبت نام * برای دریافت کارت ورود به جلسه * اطلاع از قبولی * پرکردن فرم انتخاب رشته * اطلاع از نتیجه نهائی * و. .. * نه ترافیکی ایجاد می‌کنیم * نه رفت و آمدی داریم * با عزت و احترام در پای کامپیوتر می‌نشینیم * و همه مراحل را پی می‌گیریم * بسیار راحت و خوب * حتی در ایام تعطیلات کار می‌کنیم * این روش صحیح برون سپاری، واگذاری کار به بخش خصوصی واقعی و تکریم ارباب رجوع است. |

قوه قضائیه ‌این راه صحیح را برود و کلیه دادخواست و دادرسی را از راه دور انجام دهد.

###### 4- دفاتر الکترونیک قوه قضائیه غیر‌قانونی ایجاد شد

بر خلاف دفاتر اسناد رسمی که بر اساس روند قانونی انجام شد اما امروزه به آن نیازی نیست، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، در سال 1391 کارش را به رغم منع قانونی برنامه پنجم، آغاز کرد و در دورانی که هیچ نیازی به ‌این دفاتر نبود و می‌شد کارهای قضائی را از طریق اینترنت ساماندهی کرد و یا از طریق دفاتر موجود اسنادرسمی، آن را انجام داد (هرچند اصلاً نیازی نبود) آن را ایجاد کرده و گسترش دادند و معاون انفورماتیک و آمار قوه قضائیه در تاریخ 02/05/1392 با اشاره به فرآیند 3 ماهه برای ثبت دفاتر خدمات الکترونیک قضایی گفت: ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی می‌شود تعداد دفاتر از 40 مورد به 80 مورد برسد. مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه در راستای ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی از کلیه متقاضیان واجد شرایط در شهر تهران که آمادگی ایجاد دفتر و ارائه خدمات مورد نظر را دارند، دعوت به همکاری می‌کند. مهلت ثبت نام از متقاضیان از روز 31 تیرماه لغایت 9 مرداد و به مدت 10 روز بوده و ثبت نام فقط از طریق سامانه‌اینترنتی [www.adliran.ir](http://www.adliran.ir) انجام می‌شود.

این اقدام، صریحاً در قانون برنامه پنجم توسعه ممنوع شده بود. قوه قضائیه اقدام به تشکیل چنین دفاتری نمود. حتی اگرایجاد دفاتر لازم بود، می‌شد آن را به سیستم «دفاتر اسناد رسمی» واگذار کرد همانطور که بعدها در قانون مصوب 1393 نوشتند. (که در روزگار اینترنت و موبایل، آن‌ها نیز ضرورتی ندارد و مردم کلیه اسنادرسمی خود را می‌توانند آنلاین تبادل نمایند.) در ماده 46 «قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (1394 ـ 1390)» آمده است: به منظور بسط خدمات دولت الکترونیک، صنعت فناوری اطلاعات، سواد اطلاعاتی و افزایش بهره‎وری در حوزه‎های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات زیر انجام می‎شود:

در بند ج کلیه دستگاه‌‌‌های اجرائی مکلف شده‌اند:

1- تا پایان سال دوم برنامه (سال 1391) نسبت به ارسال و دریافت الکترونیکی کلیه استعلامات بین دستگاهی و واحدهای تابعه آنها با استفاده از شبکه ملی اطلاعات و رعایت امنیت اقدام نمایند.

2- تا پایان برنامه (سال 1394) خدمات قابل ارائه خود را به صورت الکترونیکی از طریق شبکه ملی اطلاعات عرضه نمایند و نیز کلیه خدمات قابل ارائه در خارج از محیط اداری خود و قابل واگذاری یا برون‌سپاری را به دفاتر پستی و پیشخوان خدمات دولت که توسط بخش‌‌‌های غیردولتی اعم از خصوصی یا تعاونی ایجاد و مدیریت می‎شود، واگذار کنند. سایر دفاتر دایر فعلی دستگاه‌‌‌های مذکور که‌این نوع خدمات را ارائه می‎کنند باید به دفاتر پیشخوان دولت تغییر یابند.

نکته حائز اهمیت آن که در بند ب همین ماده، به صراحت اعلام کرده بود :« قوه‎قضائیه از شمول این بند مستثنی است» اما در بند ج، چنین تصریحی وجود ندارد بنا بر این قوه قضائیه، قانوناً حق ایجاد دفاتر الکترونیک را نداشت بلکه در صورت لزوم، باید از دفاتر پیشخوان دولت استفاده می‌کرد (هرچند در آن سال و پس از آن، دیگر به هیچ پیشخوانی نیاز نبود چه دفاتر پیشخوان دولت، نه پلیس + 10، ict روستائی، پیشخوان شهرداری، بیمه و...) اما حتی اگر لازم بود، تصریح قانون، انحصار است و هر سازمان که دفاتر پیشخوان ساخته است، غیر‌قانونی است. این دفاتر تا سال 1393 غیر‌قانونی بوده و با تکیه بر اینکه «تشکیلاتی راه ‌انداخته شود و سپس در قانون بیاید»، تبصره 2 ماده 655 قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب 8/7/1393 کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد: قوه قضائیه می‌تواند جهت طرح و پیگیری امور قضایی مراجعان موضوع این قانون در فضای مجازی نسبت به ‌ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و جهت هماهنگی فعالیت دفاتر، نسبت به ‌ایجاد کانون دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی اقدام نماید. دفاتر خدمات الکترونیک قضایی می‌توانند از بین دفاتر اسناد رسمی و غیر آن انتخاب یا تأسیس شوند ‌‌‌‌‌آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.[[389]](#footnote-389)

تبصره 3 مقرر داشت: مراجعان به قوه قضائیه موظفند پست الکترونیکی و شماره تلفن همراه خود را در اختیار قوه قضائیه قرار دهند، و در صورت عدم دسترسی به پست الکترونیک، مرکز آمار موظف است برای شهروندان و متقاضیان امکانات لازم برای دسترسی به پست الکترونیکی ملی قضایی جهت امور قضایی ایجاد کند.

در تبصره 1 این قانون، تکلیف تبادل دیتا با همه ذی‌نفعان مطرح شده که مرکز الکترونیک آن را کامل اجراء نکرده است اما به تبصره 2 که تکلیفی نبوده و با واژه «می‌تواند» مطرح شده، اهتمام کامل داشته و تا توانسته‌اند، دفاتر را ‌مستقلاً گسترش داده و اشخاصی از ذی‌نفعان را به اشتغال رسانده‌اند در حالی که در همان تبصره (دفاتر خدمات الکترونیک قضایی می‌توانند از بین دفاتر اسناد رسمی و غیر آن انتخاب یا تأسیس شوند) اما به آن توجه نشد.

در تبصره 3 که مسأله‌ ایمیل سرور ملی قضایی الزامی شده، مرکز الکترونیک آن را عملیاتی نکرده است. (هرچند اصل ایمیل سرور مسأله‌ای است که دوران آن گذشته است، همانند دفاتر الکترونیک که در دوران غیر‌واقعی، پیگیری می‌شود.)، ‌‌اصولاً، ایجاد این دفاتر در زمانی که همه مردم دسترسی به‌اینترنت وموبایل دارند، موجب هزینه‌‌های فراوان شده و اطاله دادرسی را موجب می‌شود، و اینکه برخی تصور می‌کنند همه شهروندان به‌اینترنت دسترسی ندارند و یا عدم آشنایی برخی از افراد با فضای مجازی، افراد نمی‌توانند از این سیستم بهره‌مند شوند اشتباه است زیرا اولاً: مردم ایران در شهر و روستا، از اینترنت بهره می‌برند و در شبکه‌‌های اجتماعی هستند و ثانیاً بر فرض که اشخاصی نتوانند از منزل دادخواست بدهند، به‌وسیله‌ی افراد آشنا این کار را خواهند کرد، همانطور که عریضه‌نویسان درب دادگستری، ده‌‌‌ها سال این کار را به صورت سنتی انجام می‌دادند، برای افراد ناتوان از بهره‌برداری اینترنت، اشخاص توانمند و هزاران فارغ التحصیل حقوق، کمک خواهند کرد و با توجه با اینکه‌ این قانون آزمایشی است می‌توان نسبت به تغییر موادی ازآن به نفع «حق دسترسی عادلانه» اقدام نمود. توجه داشته باشیم که هدف قانون‌گذار، کاهش هزینه‌ها در دادرسی الکترونیک بوده و در در ماده 657 همین قانون، در جهت کاهش هزینه‌‌های دادرسی، روش تخفیف، اینگونه‌ آمده است: مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه موظف است به منظور اجرا و توسعه خدمات پرداخت الکترونیکی هزینه‌‌های دادرسی و سایر پرداخت‌‌های مربوط به دادرسی و اجرای حکم توسط شهروندان، اقدام و راهنمایی لازم را به عمل آورد.

تبصره - در راستای ترغیب شهروندان به بهره‌برداری از دادرسی الکترونیکی، در مرحله بدوی هزینه دادرسی آنان پنج درصد (5%) و حداکثر تا سقف ده میلیون ریال کمتر خواهد بود.[[390]](#footnote-390) اما، طور دیگری عمل شده و هزینه‌‌های قانونی و شبه قانونی و «درآمد زائی» برای هر اقدام، در دستور کار قرار گرفت و هزینه‌‌های دادرسی افزایش یافت و «حق دسترسی به دادرسی عادلانه» برای «اشخاص ضعیف جامعه»، «دورتر» و «ناممکن‌‌‌تر» شد.

گفتار دوم: تغییرات بنیادین در روش‌ها و شیوه‌‌های دادرسی

# **مبحث اول: پیشگیری از جرائم**

# **‌بند اول: پیشگیری عملیاتی از جرائم با روش الکترونیک**

در علوم اجتماعی و حقوق، «پیشگیری» بسیار مهم‌‌‌تر از «پیگیری» است و از بین بردن زمینه‌‌های فساد، راهکار خردمندان در همه عرصه‌ها است که یکی از وظائف قوه قضائیه در قانون اساسی است. از فوائد بسیار مهم استفاده از فضای مجازی، «کاهش هزینه‌‌ها» و «کاهش زمینه جرائم» و یا عملیاتی شدن «اصل پیشگیری» است. بند 5 اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی در وظائف قوه قضائیه آمده است: قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

این وظیفه، زمانی می‌تواند در عمل انجام شود که «اقدامات قانونی تکلیفی» از سوی قوه قضائیه صورت گرفته باشد، و با «تمرکز اطلاعات»، شناسائی اشخاص، میسر باشد و آن گاه، ضمن ارائه تسهیل در انجام امور به اشخاصی که می‌خواهند به سلامت زندگی کنند، از تحرک اشخاص جاعل، فاسد و باندهای تبهکار، پیشگیری شود، نمونه‌‌هایی از آن‌ها ذکر می‌شود.

###### 1- پیشگیری از جعل

بر اساس فصل پنجم، ماده 26 قانون مجازات اسلامی‌- جعل و تزویر عبارت‌اند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر‌رسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن ‌یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری ‌بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب.[[391]](#footnote-391) بر خلاف تصور عامه؛ جعل و تزویر در فضای مجازی، بسیار سخت‌‌‌تر از فضای فیزیکی است، یعنی به راحتی می‌توان بسیاری از اسناد کاغذی را جعل کرد و یا مهر جعلی ساخت، اما وقتی اینترنتی و آنلاین می‌شود، جعلیات به سرعت کشف می‌شوند و نمی‌توان از آن‌ها استفاده کرد، هر چند هرگز صفر نخواهند شد، اما کاهش می‌یابند. مانند اسکناس ریال کاغذی که قابل جعل است و جاعلان بسیاری تاکنون دستگیر شده‌اند ولی ریال الکترونیکی خیر و اگر قابل جعل بود حتماً جعل می‌شد.

اساساً به همین دلیل است که تعریف پولشویی از «قانونی کردن پول حاصل از عملیات غیرقانونی» امروزه به «هرپولی که مبدأ و مقصد آن به صورت الکترونیک قابل ردگیری نبوده و مالیات آن پرداخت نشده باشد» تبدیل شده است همچون اشخاصی که برای خدمات و فعالیت خود (که یک عمل مشروع و حلال است) طلب پول کاغذی می‌کنند و عمل آنان پولشویی محسوب می‌شود. نمونه دیگر آن را می‌توان در مدارک تحصیلی مشاهده کرد، جعل مدرک تحصیلی، یکی از شایع‌‌‌ترین جرائم در کشورها بوده است تا زمانی که ‌این مدارک به صورت کاغذی بود، همواره جعل می‌شد اما از زمانی که آن‌ها در یک دیتابیس در اختیار همگان قرار گرفت که بتوانند اصالت آن را چک نمایند، جعل مدرک از بین رفت همه مدارک نیز همین گونه است، اشتراک گذاری دیتابیس‌ها و در اختیار دادرسان بودن، راه بستن جعل است.

###### 2- تکلیف همکاری قوه قضائیه با دیگر دستگاه‌‌ها

بند ب ماده 38- قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 10/11/1395مقرر می‌دارد «قوه قضائیه مکلف است در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و کاهش دعاوی حقوقی نسبت به انجام تکالیف قانونی با همکاری دستگاه‌‌‌های ذی‌ربط اقدام کند. سازمان‌‌های مردم نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده (66) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392/12/4، استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ کنند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم نهاد در محاکم صالحه به طور قطعی رد شود، برای یکسال از استفاده از حق مذکور در ماده(66) قانون ذکرشده، محروم می‌شوند. این بند جایگزین تبصره(3) ماده (66) قانون أخیرالذکر می‌شود.[[392]](#footnote-392)

###### 3- روش الکترونیک جهت پیشگیری از جرائم «تسهیلات بانکی»

همانگونه که در قانون آمده است، تکالیف فراوانی بر عهده قوه قضائیه و دستگاه‌‌های اجرائی دیگر برای اشتراک گذاری دیتا وجود دارد، یکی از معضلات بزرگ اقتصادی، ورود پرونده‌‌های فراوان از بدهکاران ‌‌‌‌‌‌‌‌کلان بانکی است، نظام بانکی و دستگاه‌‌‌های اجرائی و نهادهای حمایتی و بسیاری از مراکز، تسهیلات و وام‌‌های فراوانی را در جهت رونق اقتصادی و نگهداری از توان موجود، به اشخاص مختلف واگذار می‌کند که نگاهی به سایت بانک مرکزی، نشانگر ابعاد این مسأله است:

تسهیلات پرداختی بانک‌ها طی 12 ماهه سال 1398 به بخش‌‌های اقتصادی مبلغ 9749.9 هزار میلیارد ریال است که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل مبلغ 2012.6 هزار میلیارد ریال (معادل 26 درصد) افزایش داشته است.[[393]](#footnote-393)(201 هزار میلیارد تومان بیش از سال 1397) تسهیلات پرداختی بانک‌ها طی 9 ماهه ابتدای سال 1399 به بخش‌‌های اقتصادی مبلغ 12199.4 هزار میلیارد ریال است که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل مبلغ 5936.7 هزار میلیارد ریال معادل 94.8 درصد افزایش داشته است.[[394]](#footnote-394)

بخش‌‌هائی از این تسهیلات در محل خود مصرف می‌شود اما در موارد بسیاری که منجر به ابربدهکاران بانکی و سوء استفاده‌‌های و اشکالات ذیل وجود دارد:

1- عدم رعایت ضوابط ابلاغی بانک مرکزی

2- عدم دریافت وثائق صحیح

3- عدم رعایت نرخ سود بانک مرکزی

4- عدم انجام تعهدات تسهیلات گیرندگان

5- برخورد سلیقه‌ای مجریان با پرداخت وام‌ها

6- معوقه شدن بازپرداخت

7- پارتی بازی، رشوه‌خواری، حق و ناحق و...

8-گرفتن تسهیلات و بردن در بازارهای التهاب آفرین (سکه و ارز و...)

‌راه‌حل این ‌‌‌مشکلات، افزایش عملیاتی نظارت‌‌های بانک مرکزی و نهادهای نظارتی در حین انجام امور است که فقط از راه تمام الکترونیک شدن کلیه روند تخصیص تا بازپرداخت بدهی‌ها و همکاری «اعتبارسنجی» قوه قضائیه بدست می‌آید (حذف کلیه کاغذها و مراجعات و رساندن آن به حداقل و فقط در پایان مرحله تأیید پرداخت وام، اسناد کاغذی پرینت و امضاء خواهد شد.)

نمونه کوچکی از این سامانه، در زمینه وام ازدواج، دیده شد که با الکترونیک شدن بخش اول آن، از ‌‌‌مشکلات کاسته شد و اگر موارد تا آخرین مرحله، به صورت صددرصد الکترونیک انجام شود، ‌‌‌مشکلات دیگر، از قبیل دریافت ضمانت‌‌های غیر‌ضروری، و رفت و آمد‌‌های مختلف مردم، ازبین خواهد رفت.

کشور در خصوص مدیریت کامل و جامع کلیه تسهیلات اعطائی، نیازمند طراحی و اجراء نرم‌افزاری مدرن، است که با ارتقاء نرم‌افزارهای موجود و نوشتن برنامه‌‌های جدید، مدیریت بانک مرکزی و نهاد‌‌های ناظر، همه ‌امور به صورت کاملاً علمی ودانشمدارانه، پیشا مهار (نه دخالت) شود.چنانچه ‌این نرم‌افزار، به درستی نوشته و اجراء شود و به‌وسیله‌ی نرم‌افزار نویسان شرکت‌‌های معتبر به نتیجه برسد؛ تسهیلات غیر‌قانونی، و غیر‌قابل بازگشت، و بدون وثیقه، و پارتی بازی و... از بین می‌رود.

###### 4- ‌راه‌حل تمام الکترونیک تسهیلات

در روش کاملاً الکترونیک، کاغذ و پرونده کاغذی، مهر و امضاء و رفت و آمد و... وجود ندارد بلکه روال امور، کاملاً برخط انجام می‌شود.

1- همه و همه مراحل عملیاتی کار با صفحات تعاملی اینترنتی (و نه فرم‌‌های «پی دی اف» و یا ‌اطلاع‌رسانی) مرحله به مرحله پیش می‌رود، و متقاضی درخواست خود را با ذکر همه جزئیات در فرم‌ها پر می‌کند.

2- آن شخص حقیقی یا حقوقی، تعهداتی را که در برابر این تسهیلات دارد، با همه جزئیات، ذکر می‌کند. (مثلا می‌نویسد که با این تسهیلات، چند شغل ایجاد خواهد کرد و یا چند شغل را حفظ می‌کند، و یا چه خدمات و یا کالائی تولید می‌نماید.)

تذکر: در شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل، احراز هویت شده و آن‌ها در حدود اختیارات خود، از طریق امضاء الکترونیک موبایلی، اقدام می‌کنند.

1- به متقاضی کل شرائط تسهیلات و کل مدارک در سایت گفته می‌شود.

2- همه مدارک و وثائق در همان صفحات اینترنتی بارگذاری می‌گردد.

3- نرخ سود آن، ‌‌دقیقاً مشخص می‌شود. (نتیجه آن از بین رفتن زمینه اختلاف بانک مرکزی و بانک‌ها در نرخ سود)

4- مدارک وی به صورت مستمر با بانک‌‌‌های اطلاعاتی از قبیل تأمین اجتماعی، مالیات، و... چک می‌گردد. (نتیجه از بین رفتن جعل مدارک و ‌‌‌‌‌کلاهبرداری)

5- کارشناسانی که لازم است وثائق را ارزیابی نمایند با ورود به سامانه، اقدام می‌کنند. (بلافاصله مشخص خواهد شد که ارزیاب این مسأله کیست و احتمال تبانی و رشوه بشدت کاهش خواهد یافت.)

6- اگر قرار است مدیران استانی ازقبیل استاندار، مدیرکل مربوطه و... تأیید نمایند، این مطلب را در صفحه خود انجام می‌دهند. (زمینه‌‌های پارتی بازی و لابی گری بشدت کاهش می‌یابد.)

7- اگر ناظر از سوی نهاد خاصی (دیوان محاسبات، قوه قضائیه، سازمان بازرسی، مجلس و...) باید آن را امضاء نماید، در صفحه‌اینترنتی خود، تیک تأیید می‌زند.

8- اگر هر شخص حقیقی یا حقوقی باید اظهار نظری نماید صرفاً از طریق الکترونیک خواهد بود.

نکته: برای احراز هویت و تأییدیه اشخاص ( اعم از درخواست کننده و همه افرادی که در سلسله‌امور در هر قسمتی هستند) از طریق رمز یک بار مصرف اقدام شود.

9- در صورت جمود بر روش‌های گذشته، و عدم درک صحیح قوانین الکترونیک؛ فقط یک بار به شعبه‌ای از بانک مورد نظر، مراجعه نموده و مدارک را امضاء می‌نماید.

10- پس از تأیید همه مراحل، مستقیماً تسهیلات به حساب وی واریز می‌گردد.

11- اقساط تسهیلات، به صورت آنلاین به حساب بانک و تسهیلات دهنده واریز می‌گردد.

بدین ترتیب همه‌امور، با ذکر جزئیات، به لحظه در اختیار مدیران عالی کشور است.

با ایجاد یک داشبورد، هر شخص حقیقی و حقوقی (اعم از قوه قضائیه و یا دستگاههای اجرائی دیگر) که لازم است نظارت بر روند داشته باشد، بلافاصله مطلع می‌شود. در صورت بروز هرگونه اختلاف، بین بانک و تسهیلات گیرنده، سوابق به راحتی قابل بررسی است. در راستای کمک به انجام بهینه ‌این امور، جلسات مشترک برگزار خواهد شد.

###### 5- پیشگیری از شهادت دروغین با دادرسی الکترونیک

یکی از ‌‌‌مشکلات پرونده‌ها در قوه قضائیه، خرید و فروش «شهود» در مقابل دادگاه‌‌‌ها است روز 16/12/1394 خبر ساعت 19 شبکه 1 گزارشی را در خصوص شاهدان دروغین که در برابر دادگاه‌‌‌ها می‌ایستند و با گرفتن پول، شهادت می‌دهند؛ پخش نمود کارشناسان، راه‌‌‌های «جرم انگاری» را مطرح کردند از جمله مجازات شهود دروغین و... برخی مسؤولین قوه قضائیه در برابر شاهدان دروغین، «اظهار عجز» می‌کنند «در همین رابطه حجت الاسلام کریمی معاون وقت قضائی قوه قضائیه از دریافت پول توسط عده‌ای برای شهادت دروغ در محاکم قضائی خبر داد و افزود: وقتی عده‌ای اکنون در کنار دادگستری‌ها نشسته‌اند و در قبال دریافت پول شهادت دروغ می‌دهند قاضی چکار می‌تواند بکند. وی افزود: وقتی مردم موازین اسلامی را زیر پا گذاشته و شهود دروغگو را در دادگاه حاضر می‌کنند و در دادگاه تجدید نظر هم باز شهودی دیگر به دروغ شهادت می‌دهند قاضی چه کند. رسانه‌ها باید مردم را آگاه کنند که قسم دروغ گناه کبیره است و با قسم دروغ ممکن است خون بیگناهی ریخته شود.»[[395]](#footnote-395)

در 17 فروردین 1399 رئیس قوه قضائیه با صدور بخشنامه‌ای به حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه دستور داد برای شناسایی و تعقیب افرادی که به صورت حرفه‌ای در اطراف واحدهای قضایی حضور دارند و با دریافت پول یا امتیاز، به عنوان شاهد در پرونده‌ها شهادت کذب می‌دهند، اقدام کند.

آیت الله رئیسی با صدور بخشنامه‌ای در چهار بند، نحوه احضار، اخذ اظهارات شهود و جلوگیری از تبانی و مواضعه آنها با طرفین پرونده‌ها را به مراجع قضایی سراسر کشور ابلاغ کرد.

در بند یک این بخشنامه آمده است: مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه حداکثر ظرف دو ماه ترتیبی اتخاذ نماید که ‌امکان ثبت مشخصات گواهان در سامانه مدیریت پرونده قضایی امکان پذیر باشد.

بند دوم این بخشنامه تصریح کرده است: قضات دادگاه‌ها و دادسراها نسبت به احراز هویت شهود تعرفه شده و درج مشخصات گواهان در سامانه مذکور و استخراج سابقه آنان اقدام کنند.

در بند سوم نیز آمده است: در صورت کشف شهادت کذب و تبانی در اثنای تحقیقات یا رسیدگی فوراً مراتب صورتمجلس و جعیت تعقیب کیفری مرتکبین اقدام لازم معمول گردد.

در بند چهارم نیز رئیس قوه قضائیه دستور داده است: مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه ضمن مراقبت مستمر در این خصوص، نسبت به شناسایی و معرفی اشخاصی که در اطراف واحدهای قضایی به صورت حرفه‌ای حضور داشته ودر قبال اخذ مال یا امتیاز، مبادرت به ادای شهادت کذب در مراجع قضایی می‌کنند، اقدام کند.[[396]](#footnote-396)

اگر بند 1 و 2 این بخشنامه، به درستی اعمال شود، و روند اجرائی پرونده، به صورت الکترونیک واقعی (نه پیشخوان و کاغذ بیشتر و هزینه‌‌های گزاف و پرینت و...) باشد، آن گاه، امکان تقلب و تخلف، نزدیک به صفر می­رسد و نیازی به ورود حفاظت اطلاعات و تشکیل پرونده نیست.

اگر سیستم موجود، در شبکه ‌اینترانت داخل کشور، در اختیار قاضی (دادیار، دادستان و...) باشد که با استعلام کد ملی شاهد، سوابق وی بلافاصله دیده شود، و شهادت وی نیز کاملاً الکترونیک ثبت شود، امکان اینکه کسی بتواند شاهد حرفه‌ای باشد از بین می‌رود. در چنین وضعیتی، آن چه در پایان می‌خوانیم «نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه به عهده رؤسای کل دادگستری‌‌های استان‌ها می‌باشد» نیز نیازی نیست زیرا سیستم خود مشخص می‌کند که ‌این فرد حرفه‌ای هست یا خیر، و خود بخود حذف می‌شود.

اگر سیستم جامع «اعتبار سنجی» وجود داشته باشد، به راحتی شاهدان دروغین و ‌‌‌خصوصاً حرفه‌ای قابل شناسائی هستند با عنایت به سیستم‌‌های الکترونیکی فراوان موجود در قوه قضائیه، می‌توان این مسأله را با روش فنی و متمرکز حل کرد، و از ریشه برکند. اگر روند اجرائی امور به صورت الکترونیک «واقعی»، و با بهره‌گیری از فضای مجازی آنلاین باشد، آن گاه، امکان تقلب و تخلف و شهادت دروغ، نزدیک به صفر می­رسد و نیازی به ورود حفاظت اطلاعات و تشکیل پرونده نیست اگر سیستم موجود، در اختیار قاضی (دادیار، دادستان و. ..) باشد که با استعلام کد ملی شاهد، سوابق وی بلافاصله دیده شود، و شهادت وی نیز کاملاً الکترونیک ثبت شود، امکان اینکه کسی بتواند شاهد حرفه‌ای باشد از بین می‌رود و آن چه در پایان می‌خوانیم «نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه به عهده رؤسای کل دادگستری‌‌های استان‌ها می‌باشد» نیز نیازی نیست زیرا سیستم خود مشخص می‌کند که ‌این فرد حرفه‌ای هست یا خیر، و خود بخود حذف می‌شود و اعتبار سنجی قوه، در کوتاه‌‌‌ترین زمان ممکن، مسأله را حل می‌کند. اگر کلیه اشخاصی که در یک پرونده دخیل هستند، اعم ازخوانده، و خواهان، و وکیل، و شاهد، و قاضی، و دفتردار، و دفترخانه‌دار و... همه و همه با کد ملی ثبت شوند و با زدن کد ملی یک شخص، دادرس، اعتبار آن شخص را ببیند و بداند که‌ این فرد در چند پرونده دخیل است به سرعت اشخاص حرفه‌ای را از واقعی تشخیص داده و با علم و دانش، پذیرش یا رد می‌کند.

آقای الف با کد ملی 0123456789 در پرونده‌ای شهادت می‌دهد، ایشان ساعتی دیگر، یا فردا، یا ماه دیگر، می‌خواهد در پرونده‌ای دیگر شاهد شود، قاضی با استعلام آنلاین کد ملی، می‌فهمد که‌این فرد در پرونده‌ای شهادت داده است، و آقای الف، نمی‌تواند در پرونده دیگر شهادت دهد.

نمونه موفق: پیشگیری از جرائم مالی، در بانکداری الکترونیک

همین مسأله در موارد دیگر نیز وجود دارد، نمونه خارج از قوه قضائیه که باعث «پیشگیری» از جرائم مربوط به «امور مالی» شده، «بانکداری الکترونیک»، در مواردی که کارها تمام استفاده از سیستم فضای مجازی والکترونیک شده است، به ‌این مهم دست یافته است.

در یک گزارش مربوط به 11 اکتبر 2010 (19 مهر 1389) آمده است: برای مجرمان، هیچ جنایتی شاید اغواکننده‌‌‌تر از سرقت از بانک وجود نداشته باشد. شهرت، بدنامی و پاداش مالی سرقت از یک بانک کافی است تا افراد مسلح و حتی سیاستمداران را به تلاش برای سرقت از یک بانک ترغیب کند. برخی از سارقین خانه یا خانه بزرگ را انتخاب می‌کنند این سارقین از ابتکاری درخشان تا ساده، می‌دانند چگونه یک بانک را سرقت کنند متأسفانه سارقان ‌‌‌‌تقریباً همیشه به محاکمه کشانده شده‌اند، اگرچه بیشتر پول‌‌‌ها هرگز بازگردانده نشده است.[[397]](#footnote-397)در تاریخ 20/02/2021 (2 اسفند 1399) به خودرو حامل پول در آلمان حمله شد، این حادثه در یکی از خیابان‌‌های اصلی برلین رخ داد و 4 سارق در پوشش ‌مأموران شهرداری، ابتدا با شلیک گاز اشک آور به خودروی حامل پول حمله کردند و با برداشتن محموله آن از صحنه گریختند. دو نفر از محافظان خودروی حمل پول مجروح و به بیمارستان منتقل شدند.[[398]](#footnote-398)

در ایران، به‌دلیل کاهش پول نقد، این گونه سرقت‌ها از بانک‌‌‌ها و خودروهای حمل پول، بشدت کاهش یافته است و حتی بانک‌ها از نگهبان مسلح کمتر استفاده می‌کنند به استثنای بانک‌‌‌هایی که در آن‌ها صندوق امانات یا اموالی چون طلا (بانک کارگشائی) نگهداری می‌شود. بانکداری الکترونیک، موضوع بسیاری از جرائم را منتفی کرده، به عنوان نمونه چند مورد ذکر می‌شود:

• کاهش جرائم چک نقد، امروزه در معاملات نقد، ‌‌اصولاً چک وجود ندارد که جرائم مرتبط با آن اتفاق بیفتد مردم چک نمی‌دهند بلکه کارت به کارت می‌کنند بنابراین موارد جرائم چک نقد، (تغییر ارقام، چک بلامحل، سرقت چک، تغییر زمان و جعل و...) موضوع منتفی شده است.

• سرقت مسلحانه بانک‌ها به صرفه نیست. (پول فراوانی در بانک‌ها وجود ندارد که سارقین را تشویق نماید.)

• تبانی بین برخی مسؤولین شعب و اشخاص، برای جابجا کردن پول در حساب‌‌ها، بشدت سخت شده است.

• کاهش شدید سرقت ماشین‌‌های حمل پول، مقدار زیاد پول نقد وجود ندارد که بدزدند.

• جعل اسکناس، بشدت کاهش یافته است. (به‌دلیل کاهش مصرف، کمتر صرف می‌کند.)

• خفت گیری از زنان و ضعیف‌ها در برابر بانک‌ها از بین رفته است زیرا اصلاً کسی مراجعه نمی‌کند تا پولی بگیرد و پس از بیرون آمدن از بانک خفتش کنند و پولش را بگیرند.

• موضوع دخل زنی مغازه‌ها از بین رفته و یا کاهش شدید یافته است.

• سرقت پول کسبه در حال انتقال به بانک و از بانک حتی، خفت گیری و سرقت اموال فروشندگان دوره گرد، از بین رفته است زیرا خوشبختانه حتی آن‌ها هم پوز دارند هر چند در روش ارائه پوز به آن‌‌ها، سخت گیری‌‌های بیهوده و غیرعلمی وجود دارد.

• گم کردن پول، تمام شده است زیرا پولی همراه کسی نیست که گم شود.

• اضافه گرفتن مبلغ از سوی مغازه‌ها به بهانه نداشتن پول خورد‌‌‌ ! تمام شده است.

• دریافت انبوه سکه و آب کردن آن به عنون فلز گرانبها و فوائد دیگر

اگر بانکداری الکترونیک نبود و امروزه در شرایط تورمی، قرار بود اسکناس جابجا شود و با توجه به کرونا اگر قرار بود اسکناس تبادل شود؟ چه جرائمی اتفاق می‌افتاد؟ قتل به خاطر پول نقد و سرقت‌‌های مسلحانه و با خشونت فراوان انجام می‌شد هم اینک در هر مغازه‌ای که الکترونیک نباشد چه در ایران و چه در خارج از ایران، سرقت‌‌های مختلف پول نقد وجود دارد که گاه منجر به قتل می‌شود حتی اگر در ژاپن باشد:

در 9 نوامبر 2020 دو مرد وارد آپارتمان یک متصدی بار در تسوکوبا، استان ایباراکی ژاپن شدند و 4.2 میلیون ین پول نقد را سرقت کردند. به گفته پلیس، سانکی شیمبون گزارش داد، متصدی 29 ساله گفت که دو مرد که آنها را نمی‌شناخت، حدود ساعت 4 صبح وارد محل اقامت خود در یک ساختمان آپارتمان شهرداری شدند. وی به پلیس گفت که یکی از این افراد از اسلحه بی‌حس کننده استفاده کرد، در حالی که فرد دیگر با دستبند مچ‌‌های او را از پشت بسته بود.

سارقان به جستجوی آپارتمان وی پرداختند و با دزدیدن پول نقد کار خود را آغاز کردند. پس از رفتن آنها، مرد موفق شد تلفن همراه خود را به‌دست آورد، با شماره یکی از دوستانش تماس گرفته و برای کمک فریاد بزند، در حالی که هنوز دستش بسته بود. دوستش با پلیس تماس گرفت. پلیس از او در مورد اینکه چه کسی می‌دانسته است که در آپارتمان خود این قدر پول داشته است سؤال می‌کند.[[399]](#footnote-399)

در ایران نیز، هر شخصی پول نقد نگهدارد، با خطرات فراوان سرقت خشن و حتی قتل مواجه خواهد شد و به‌دلیل الکترونیک بودن همه نقل و انتقالات، کمتر کسی پول نقد نگهداری می‌کند. امروزه ‌‌‌‌‌کلاهبرداری‌ها و روش‌‌های جدید هک، جایگزین آن شده است اما مسأله «‌‌‌‌‌کلاهبرداری در امور بانکی از طریق فضای مجازی» و یا «خالی کردن حساب‌‌ها»، «در تبلیغات، طوری بیان می‌شود» که گوئی این گونه جرائم، در «بانکداری الکترونیک» به وجود آمده و بسیار فراگیر است و قبل از آن اصلاً نبوده یا بسیار کم اتفاق می‌افتاده؟ و اینک که مردم از ابزارهای الکترونیک و بانکداری اینترنتی استفاده می‌نمایند، جرائم افزایش یافته و امنیت مردم از بین رفته است و «آمارهایی» به مردم و مسؤولین «ارائه» می‌شود که فقط «عیب» را ببینند.

در حالی که :

• اولاً: قبل از الکترونیک شدن؛ انواع و اقسام جرائم مالی و بانکی وجود داشته است؛ که بسیار فراوان بوده از قبیل جعل، سرقت پول، خفت گیری، سرقت دخل مغازه‌ها و... جعل اسکناس و چک و...

• ثانیاً: با الکترونیک شدن تراکنش‌ها، نه تنها جرائم مالی افزایش نیافته، بلکه کاهش داشته و با از بین رفتن یا کاهش «موضوع جرم»، «پیشگیری» شده است.

برخی جرائم اینترنتی و الکترونیک بانکی همانند جرائم فیزیکی سابق است و فقط هشیاری مردم می‌تواند پیشگیرنده باشد. اگر فردی رمز بانکی و کارت خود را در اختیار دیگری می‌گذارد (چه بر اساس اعتماد یا ‌‌‌‌‌کلاهبرداری) همانند کسی است که دسته چک سفید امضاء خود را در اختیار دیگران می‌گذاشت.

در خاتمه، ذکر این نکته ضروری است که دفاع از سیستم الکترونیک بانک‌‌ها، به معنای حمایت از همه ‌امور بانکی نیست، نقد‌‌های جدی به برخی روند‌‌های بانکی از جمله «تسهیلات»، «ضمانت نامه‌‌ها» و دیگر امور بانکی وجود دارد که موجب ‌‌‌مشکلات، تبعیض‌ها و... شده که بجای خود لازم است پرداخته شود. در خصوص جرائم بانکی جدیدی در شرایط اینترنتی و مجازی بوجود آمده از قبیل هک حساب‌ها و ‌‌‌‌‌کلاهبرداری که در آن زمینه نیز لازم است اقدامات پیشگیرانه انجام شود. از زمانی که «رمز یک بار مصرف» به‌وسیله‌ی بانک مرکزی برای تراکنش‌ها عملیاتی شد، جرائم کاهش چشمگیری داشت و ‌‌اصولاً در زمینه فناوری الکترونیک، ‌راه‌حل‌‌های الکترونیک در برابر هر اقدامی، پیشگیرانه است. ضمن اینکه اگر جرمی اتفاق بیفتد، ردگیری آن امکان‌پذیرتر از جرائم فیزیکی است.

# **بند دوم: بازرسی آنلاین «دانش محور» قوه قضائیه بر عملکرد سازمان**

یکی از وظایف مدیریت عالی قوه قضائیه بر حسب قوانین مختلف، تشویق افراد خدمتگزار و تنبیه اشخاص متخلف است مدیریت قوه قضائیه در راستای ارزیابی عملکرد به روش‌‌های مختلفی دست می‌زند از آن جمله «بازرسی‌‌های سرزده» و یا «ابلاغ بخشنامه‌‌ها»، اما این‌ها کافی نیست، «مدیریت دانش» بر روند پرونده‌ها امروزه با امکانات «فضای مجازی» بسیار سریع است. قوه قضائیه می‌تواند در چند مورد اقدامات لازم را انجام دهد.

1- اشتراک همه مردم در ارزیابی،[[400]](#footnote-400) به طوری که همه افراد بتوانند در سیستم قوه قضائیه، نظرات خود را درباره کارکنان اداری و قضائی و انواع و اقسام پست‌‌های سازمانی، وارد نمایند، «رتبه دهی»[[401]](#footnote-401)

2- ارزیابی آنلاین دادگاه‌ها از طریق بررسی اتفاقی پرونده‌‌های هر شخص

###### 1- ارزیابی دادگاه‌ها و قضات

راه‌‌های ممکن برای سنجش عملکرد دادگاه و قضات در ترکیب با تقویت استقلال قضایی و بی‌طرفی اقداماتی انجام می‌شود. که هدف آن ارزیابی موارد زیر است:

• یادگیری حرفه‌ای

• تأیید ارزش‌‌‌‌‌‌های قضایی

• مدیریت منابع انسانی

• کیفیت تصمیم گیری، سازگاری با دادرسی، به موقع بودن

• مدیریت دادگاه و توسعه سازمان

• پاسخگویی به عموم مردم و توسعه سیاست‌‌ها

 گزارش‌‌های ملی روش‌‌های مختلف ارزشیابی را نشان می‌دهد که برای موضوعات مختلف ارزیابی کاربرد دارد. تمام گزارش‌‌‌‌‌‌های ملی بین ارزیابی قضات و ارزیابی دادگاه‌‌‌‌‌‌ها تفاوت قائل هستند.[[402]](#footnote-402) قوه قضائیه با ارزیابی آنلاین پرونده‌ها و مقایسه آن با دیگر پرونده‌‌های مشابه؛ اشتراک گذاری اطلاعات «نقض احکام» در دادگاه‌‌‌‌‌‌های تجدید نظر، عادلانه یا غیر‌عادلانه بودن احکام، قانونی و غیر‌قانونی بودن، رشوه گیری و سلامت افراد و همه زمینه‌ها را ارزیابی آنلاین کند.

###### 2- نظارت الکترونیک بر قضات و کارکنان در قانون توسعه ششم

نظارت بر مراحل سه گانه شروع پرونده، دادرسی و اجرای احکام به‌دست ضابطین و مجریان و دستگاه‌‌‌‌‌‌های مربوطه یکی از نکاتی است که قانون گذار بر آن حکم می‌کند که ‌این نظارت بر همه مراحل قضائی و اداری قوه قضائیه است.

ماده 116 قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 ـ 1396)[[403]](#footnote-403) مقرر می‌دارد؛

قوه قضائیه مکلف است با بهره‌گیری از فناوری‌‌های نوین، سامانه بازرسی کارآمد جهت کشف تخلفات قضات و کارکنان قضائی را فراهم نموده و با متخلفان مطابق ضوابط قانونی و در کمترین زمان ممکن برخورد نماید.

این سامانه، به معنای شکایت مردم به صورت کتبی و مراجعه و تشکیل پرونده نیست، بلکه صفحه ‌اینترنتی است که هر شخص و یا هر مکان تحت امر قوه قضائیه اعم از زندان‌ها و دادگاه‌ها و ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌ها و همه اجزاء را مستقیماً زیر نظر مردم قرار دهد تا بلافاصله گزارش نمایند و تمام اتوماتیک به بازرسان مربوط منتقل شود و سریعاً پیام برای متخلف برود و یا پیگیری قضائی شود.

###### 3- ناظر مردمی الکترونیک

یکی از امکانات امروزه، امکان بازرسی و نظارت مردمی است امکانی که تا قبل از اینترنت و موبایل، با این قوت و وسعت، امکان پذیر نبود اما این ابزار ارتباطی، می‌تواند در همه زمینه‌ها خدمات را در بهترین وجه به مردم در دورترین نقاط ارائه کند مشروط به آن که از «ذهنیت کاغذی» عبور کرده و به مرحله الکترونیک واقعی برسیم و با رعایت سطح سواد و فرهنگ مردم، این نظارت را کاملاً مردمی داشته باشیم. این روش می‌تواند تمامی مکان‌ها و اشخاصِ قوه قضائیه را در دید مسؤولین بگذارد اما اشتباهات در سیستمی کردن، موجب شکست این نظارت‌ها شده است.

با توجه به‌اینکه احتمال سوء استفاده از روش الکترونیک وجود دارد که گزارش‌های مغرضانه ارسال شود. (در دورانی که مردم گزارش‌های کاغذی می‌دادند نیز همین اشکال وجود داشت) زمانی که به روش‌‌های الکترونیک رسیده‌اند، آن را با شرایط و پیچیدگی‌ها ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزی کرده‌اند و موجب شکست نظارت مردمی شده‌اند، شکست‌ها به‌دلیل عدم ‌‌‌‌آموزش مردم نیست بلکه عمده آن به‌سبب پیچ و خم‌‌هائی است که در سر راه گزارش و نظارت گذاشته‌اند در حالی که با نگاه به سوابق می‌توانستند دریابند که در سیستم کاغذی، گزارش‌های مغرضانه، به مراتب فراوان‌‌‌تر از روش الکترونیک است.

###### 4- عدم موفقیت نظارت الکترونیک قوه قضائیه

قوه قضائیه، می‌توانست، بازرسی و شکایات مردمی را در یک درگاه متمرکز، صفحه ساده «کاربر پسند»[[404]](#footnote-404) طراحی کند که همگان، با کمترین دانش حقوقی، بتوانند گزارش‌های خود را از سراسر کشور ارسال نمایند و مستقیماً به اشخاص ذی‌صلاح، ارجاع تمام الکترونیک و بررسی شود. اما با گسترش ساختمان‌ها و تشکیلات، هر سازمان و قسمتی، صفحه‌ای را طراحی نمود و مردم در پیچ و خم گرفتار شدند، از معاونت پیشگیری گرفته تا سازمان‌‌های مختلف قوه قضائیه، هرکدام کاری انجام دادند، و آن قدر صفحات فراوان است که در میان مردم شناخته شده نیستند، نمونه ناموفق نظارت، سامانه شکایات سازمان بازرسی است که آن قدر پیچیده است که حتی اگر شخصی آن را پیدا کند، نمی‌داند چه کند. حتی الفاظ حقوقی آن، نیازمند دانش حقوقی است آن گاه چه توقعی از مردم است که به آن مراجعه کنند.

در صفحه اول راهنمای «سامانه گزارشگران فساد» می‌خوانیم؛ شهروند گرامی‌؛ در زمان طرح شکایت به عملکرد دستگاه‌ها و سازمان‌‌های اجرایی و ارائه اطلاعات، ‌‌‌لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

1- شکایات باید مدلل و مستند باشد. بدیهی است مسؤولیت قانونی مطالب اظهارشده بر عهده شاکی خواهد بود.

2- لازم است هنگام ورود اطلاعات خود، حتماً شماره تلفن همراه را وارد نمایید تا امکان ارسال کد پیگیری و ‌اطلاع‌رسانی مراحل مختلف رسیدگی به شکایت به شما فراهم گردد. لازم به ذکر است در نگهداری شماره پیگیری و عدم افشای آن به دیگران دقت و توجه لازم را داشته باشید.

3- بر اساس ماده 2 قانون تشکیل سازمان، شکایاتی قابل رسیدگی است که در خصوص عملکرد شرکت‌ها و مؤسسات و ارگان‌‌های دولتی و یا مؤسسات و شرکت‌‌های عام المنفعه و سازمان‌‌هایی که تمام یا قسمتی ازسرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت بنحوی از انحاء بر آنها نظارت یا کمک می‌نماید، باشد.

4- رسیدگی به شکایات وارده از سازمان‌ها و نهادهای زیر در صلاحیت سازمان بازرسی کل کشور نبوده و این سازمان امکان رسیدگی به آن را ندارد. بدیهی است در صورت شکایت از اشخاص حقیقی و حقوقی ذیل الذکر، شاکی می‌بایست به مراجع حقوقی و قضایی ذی‌صلاح مراجعه نماید:

• رسیدگی به شکایت از اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی

• شکایت از مراجع قضایی

• شکایت از دیوان عدالت اداری

• شکایات مربوط به گران فروشی

• رسیدگی به شکایات از روند انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا

• اعتراض به تصمیمات و آراء مراجع غیرقضائی نظیر کمیسیون‌‌های مالیاتی، ماده 100 قانون شهرداری‌‌ها، هیأت‌‌های حل اختلاف کارگری

• رسیدگی به تخلفات مطبوعاتی

• رسیدگی به تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی

• رسیدگی به تصمیمات شورای نگهبان در زمینه تأیید و یا رد صلاحیت کاندیداها

• رسیدگی به تصمیمات دیوان محاسبات کشور

• مطالبه وام، مساعدت، کمک‌‌های مالی و درخواست کار و نظایر آن

• درصورت عدم ذکر دقیق مرجع مورد شکایت، رسیدگی به آن امکان پذیر نخواهد بود.

• چنانچه مرجع مورد شکایت از یک مورد بیشتر باشد (دو یا سه یا چهار مورد) شاکی می‌بایست از مراجع ذیربط، به صورت جداگانه در قالب چند طرفیت شکایت نماید.

• سیستم به طور خودکار به شکایاتی که ‌‌‌‌‌قبلاً به سامانه رسیدگی به شکایات ارسال شده ترتیب اثر نخواهد داد مگر اینکه موضوع با شکایت قبلی تفاوت داشته باشد، لذا از ارسال شکایات تکراری خودداری نمایید.

• چنانچه شکایتی توسط جمعی از اشخاص حقیقی مطرح گردد می‌بایست جهت ثبت با عنوان شکایت، فردی به نمایندگی ذی‌نفعان، مشخصات فردی خود را مرقوم نماید.

\* درخصوص شرکت‌‌های حقوقی غیر‌دولتی (خصوصی) مدیرعامل یا فردی بعنوان نماینده شرکت مربوطه با ارائه مشخصات کامل می‌تواند شکایت خود را مطرح تا مورد بررسی واقع گردد.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر می‌توانید فایل [«نکاتی که می‌بایست در ارائه شکایت مورد توجه قرار داد»](file:///F:\temp\index92d9.html?option=com_content&view=article&id=21&catid=2&Itemid=101)را مطالعه فرمایید.

همانگونه که ملاحظه می‌شود در این بازرسی آنلاین، آن قدر شرایط گذاشته‌اندکه ‌‌‌‌طبعاً مورد استقبال قرار نخواهد گرفت در این مطلب شما را به «نکاتی که می‌بایست در ارائه شکایت مورد توجه قرار داد» ارجاع داده‌اندکه فقط خواندن آن‌ها خود نیازمند تخصص‌‌های حقوقی است به ‌این تقسیم بندی توجه فرمائید:

شکایاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد، شکایاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان بازرسی کل کشور نمی‌باشد.[[405]](#footnote-405) چند نفر از مردم واژه «صلاحیت» را می‌دانند چه رسد به‌اینکه بدانند طبق قانون، وظائف سازمان بازرسی چیست؟ زمانی که بر روی هرکدام کلیک می‌کنید؟ وارد عباراتی می‌شوید که مردم عادی متوجه نمی‌شوند و این روش اشتباه، موجب می‌شود تا مردم نتوانند نظارت خویش را بر ادارات و قضات اعمال کنند.

###### 5- روش صحیح نظارت الکترونیک

سهل گیری گزارش‌ها برای مردم تنها ‌راه‌حل این مشکل است، قوه قضائیه، در «درگاه واحد الکترونیک» یک «صفحه ساده» شکایات و گزارشگران فساد، با عبارات غیر‌حقوقی و به زبان عامه مردم، داشته باشد، پس از شکایت یا گزارش مردم، آن‌ها را اتوماتیک، یا با قضات ارجاع انسانی، تفکیک کند، هرکدام، هرگونه بررسی و پیگیری لازم دارد، به مسؤول مربوطه ارجاع شود، حتی گزارش‌های غیر‌مرتبط با قوه قضائیه، حسب صلاحیت، به دستگاه اجرائی مربوط، ارسال و پیگیری شود.

صفحه یک پارچه و سراسری قوه قضائیه در سایت اصلی ایجاد شود که بسیار ساده بوده و برای همگان قابل استفاده باشد ونیاز به کمترین دانش حقوقی نداشته باشد و موارد زیر عملی شود:

1– کلیه ‌اماکن کشوری و لشکری و دولتی و غیر‌دولتی و شهرداری‌ها و قضائی، ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری‌‌ها، زندان‌ها و... دارای کد بشوند (می‌توان از کدپستی استفاده کرد و بلافاصله عملیاتی نمود) و این کد در جلوی درب همه آن اماکن نصب شود و «کیو آر کد»[[406]](#footnote-406) و یا «بارکد» برای تسهیل گزارش وجود داشته باشد.

همچنین لیست آن سازمان‌ها و زیر مجموعه‌‌ها، در یک جدول انتخابی برای مردم باشد.

2– کلیه اشخاص دارای یک کد مستعار شوند که روی میز آن‌ها قرار گیرد.

3– صفحه ورود گزارش‌های مردمی به صورت کاملاً ساده به صورتی که مردم متوجه بشوند و بدون اصطلاحات خاص باشد.

4– فیلدها بدون اجبار به پر کردن مشخصات گزارش دهنده باشد. (در تجربیات عملی مردم به صورت کامل می‌نویسند.)

5– سیستم اتوماتیک یا تیم مجازی وجودداشته باشد که ‌این گزارش‌های مردمی را طبقه‌بندی حقوقی کرده و به صورت الکترونیک، با زدن یک تیک، به مقام صالح (دادستان، حفاظت قوه، سازمان بازرسی، شهرستان و...) ارجاع شود.

6- در کمترین زمان ممکن، بازخورد به فردی که از او شکایت شده یا شاکی داده شود.

در این صورت حتی لازم نیست طبق قانون برای اثبات جرم، پرونده تشکیل شود زیرا همان تذکری که به فرد متخلف داده می‌شود، موجب خواهد شد تا بداند «دیده می‌شود» و خود را کنترل کند. (تجربه موفق در ایران وجود دارد.)

نداشتن موبایل‌‌های هوشمند در برخی از مردم، مشکلی نخواهد داشت زیرا آن‌ها می‌توانند با ارسال کدهای ساده از طریق موبایل‌‌های معمولی و یا از طریق کافی نت‌ها اقدام نمایند.

# **بند سوم: وثائق و کفالت الکترونیک**

امروزه برای موارد فراوانی وثیقه یا کفیل لازم است، موارد آن پیچیده و به صورت دستی و با مراجعه به دادگاه یا بازپرسی است، گذاشتن وثیقه و فک آن، فرآیند بسیار پیچیده‌ای دارد، از یک سو انسان‌‌های سالم امکان انجام امور در زمان کوتاه را ندارند، و از دیگر سوی، ‌‌‌‌‌کلاهبرداران و مجرمان حرفه‌ای، با جعل اسناد، وثیقه قلابی و یا کفیل مجعول، می‌آورند و زندانی یا متهم را فراری می‌دهند در حالی که بر اساس قوانین، قوه قضائیه الزام بر تغییر روش به تمام الکترونیک دارد.

###### 1- تمام الکترونیک شدن روند وثیقه گذاری و آزاد شدن وثیقه

وثیقه و کفالت برای متهم در افزایش زندانیان و سردرگمی مردم نقش دارد، است و یا محکومی که برای مرخصی بیرون برود و انواع دیگری که در حین و پس ازدادرسی وجود دارد فرآیند آن پیچیده است و ارزیابی اموال و وثیقه گذاری عمدتاً دستی است و پس از آن که مسأله پایان پذیرفت، آزاد کردن وثیقه خود پروسه‌ای دارد وثیقه گذاری سریع و دقیق الکترونیک برای متهمان و یا مرخصی زندان و آزادسازی سریع آن وثائق، پس از اتمام کار، به صورت صددرصد الکترونیک امکان پذیر است زمانی که سندیت اسناد الکترونیک پذیرفته شود و اسناد ‌واقعاً الکترونیک باشد نیازی به حضور وثیقه گذار یا کفیل نیست، از راه دور می‌تواند قبول نماید و سند وی بلافاصله از سوی سازمان‌‌های مربوط از جمله «سازمان ثبت» مورد ارزیابی قرار گیرد و سوابق این فرد و این ملک مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته و با چند دقیقه وقت، وثیقه پذیرفته شود و جعل وثائق از بین برود و مردم کمتر زندانی شوند، در پایان کار هم، زمانی که زندانی به زندان بازگشت یا از سوی دادرس، رفع اتهام شد یا زندانی وی پایان یافت، بلافاصله با یک تیک از سوی ‌مأمور مربوط، وثیقه آزاد گردد و نیازی به رفت و آمد برای آزاد سازی سند نباشد.

همین مسأله در پذیرش کفالت آنلاین بدون نیاز به مراجعه، و با حساب و کتاب دقیق امکان پذیر است این امر موجب کاهش زمان دادرسی و عملیاتی شدن سریع حکم می‌گردد و توانمندی فنی آن در کشور و سیستم‌‌های مختلف از جمله بانک‌‌‌‌‌‌های اطلاعاتی فراهم است و فقط نیازمند «فهم صحیح مسأله» و هماهنگی اداری است و حتی خود قوه قضائیه، اگر سوابق اعتبار سنجی را داشته باشد، می‌تواند این اقدامات را انجام دهد و در کسری از ثانیه، کفیل را بپذیرد یا نپذیرد بدون آن که نیازی به حضور وی باشد، در چنین وضعیتی، اعزام به زندان‌‌های ساعات تعطیل از بین می‌رود و به‌ دلیل 24 x 7 بودن تمامی شعب قضائی، در هر ساعت از شبانه روز، قابل انجام است و ‌‌اصولاً هیچ زمان تعطیلی وجود ندارد. همان گونه که سی سال قبل، دریافت و پرداخت پول از بانک‌ها و یا ثبت نام دانشگاه‌ها و یاخرید و فروش کالاها در ایام تعطیل، رؤیا پردازی بود، شاید تصور شود که ‌این هم رؤیاپردازی است، اما در آینده نزدیک، راهی جز این وجود ندارد و قابل انجام است.

###### 2- قانون الزام تمرکز اطلاعات املاک

قانون گذار الزام نموده است تا سازمان ثبت اسناد را به صورت انلاین در اختیار دادرسان قرار دهد، هرچند در آن سخنی از وثیقه گذاری نشده است اما اگر این دستور قانونی انجام شود، یکی از فوائد آن «وثیقه آنلاین» است و فوائد دیگری نیز خواهد داشت.

در راستای تضمین حقوق مالکیت و استحکام قراردادها، کاهش اطاله دادرسی و کاهش اطاله در اجرای احکام صادر شده دادگاه‌‌‌‌‌‌ها و مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء:

الف- قوه قضائیه مکلف است تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه سامانه‌ای الکترونیک ایجاد نماید که ‌امکان پاسخگویی فوری و برخط به استعلامات مورد نیاز مراجع قضائی ذی‌صلاح در خصوص اموال اشخاص محکوم علیهم (و یا متهمین و یا مدعیان اعسار) به طور متمرکز برای قوه قضائیه و تحت نظارت مستقیم رئیس قوه قضائیه از طریق دسترسی برخط به کلیه بانک‌‌‌‌‌‌های اطلاعاتی اموال اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم علیهم فراهم شود تا توقیف اموال مزبور به سرعت و سهولت انجام گیرد. تمام مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند، مانند سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، شهرداری‌‌ها، سازمان امور مالیاتی، نیروی انتظامی، سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک مرکزی و کلیه بانک‌‌‌‌‌‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و سامانه شناسه (کد) رهگیری اتحادیه مشاوران املاک مکلفند کلیه اطلاعات خود در مورد اموال متعلق به اشخاص مذکور و کلیه تغییرات راجع به آنها و هر نوع نقل و انتقال بعدی آنها را، به نحوی که ‌این اطلاعات به صورت برخط (آنلاین) و آنی از طریق سامانه مذکور قابل دسترس باشد، در اختیار قوه قضائیه قرار دهند.

اطلاعات قابل دسترسی از طریق این سامانه دارای طبقه‌بندی محرمانه است و صرفاًﹰ با تأیید قضات منصوب رئیس قوه قضائیه به درخواست مراجع قضائی صالح یا مراجع اجراکننده رأی یا مراجع اجراکننده مفاد اسناد رسمی در اختیار آنان قرار می‌گیرد. نحوه اجرای این بند به موجب ‌‌‌‌‌آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به وسیله قوه قضائیه و با همکاری وزارتخانه‌‌های دادگستری، ارتباطات و فناوری اطلاعات و امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ب- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه اقدامات قانونی لازم برای الکترونیک کردن فرآیندهای اجرای مفاد اسناد رسمی را انجام دهد.

پ- هزینه اجرای مفاد اسناد لازم الاجراء صرفاًﹰ از محل اموال توقیف شده متعهد سند و پس از وصول مطالبات متعهدله سند، به وسیله اجرای ثبت وصول می‌گردد.

در طول اجرای قانون برنامه بند (پ) ماده (117) در بخش مغایرت بر ماده (131) قانون ثبت اسناد و املاک مصوب 26/12/1310 و تبصره آن حاکم است.

# **مبحث دوم: مدیریت دانش بر ابعاد پرونده**

# **بند اول: مدیریت دانش بر «حق وکیل»**

داشتن وکیل برای رسیدگی به‌ امور حقوقی و کیفری، «حق» هر شهروندی است که هرچند در اسناد «حقوق بشر» بر آن در روند دادرسی و پس از دادخواست یا دستگیری، در دادگاه مطرح شده است اما مسائل حقوقی به سادگی نیست که با مطالعه قوانین و ابلاغ آن، همه مردم، حتی اقشار با دانش و تخصص در زمینه‌‌های دیگر، به راحتی بتوانند خود را از آن «بی‌نیاز» بدانند، دولت (به معنای عام) مکلف است برای دسترسی مردم به ‌‌وکلا تسهیلات فراوانی را ایجاد نماید زیرا همه مردم توان دفاع از خودشان را ندارند.

در حقوق بشر رویه‌ای،[[407]](#footnote-407) دولت‌‌‌‌‌‌ها مکلفند برای دسترسی طرفین، به ‌‌وکلا تسهیلاتی ایجاد نمایند زیرا بسیاری از مردم توان دفاع از خودشان را ندارند در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر حق داشتن وکیل، تأکید شده است.[[408]](#footnote-408) بر همین اساس، با استفاده از اینترنت، می‌توان وکالت را گسترش داده و تسهیلات اینترنتی را ایجاد کنند که مردم به راحتی بتوانند هر وکیلی را در هرکجا برای هر موضوع و برای هر مبلغ و حادثه با تخصص و رزومه قابل اطمینان، به سهل‌‌‌ترین وجه به دست بیاورند این کار می‌تواند با داشتن دیتابیس‌‌های ‌‌وکلا، نمونه دفاعیات آن‌ها در دادگاه‌‌‌‌‌‌ها، موفق یا ناموفق بودن آن‌‌ها، و. . . رنک مردمی که نمره می‌دهند، وکالت را در دسترس مردم قرار داد.

حتی درباره وکیل تسخیری، می‌توان به صورت شفاف و علنی، انتخاب آن‌ها بر اساس قانون و الزام آن‌ها به حمایت از پرونده‌ها را عملی کرد. توجه داشته باشیم که دخالت دولت یا قوه قضائیه و حاکمیت در ‌‌وکلا، به معنای مخالفت با استقلال وکیل نیست و به معنای آن که همه افراد کارمند دولت باشند، نیست. همچنانکه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی افراد مستقلی هستند که جدای از دولت می‌توانند تصمیم بگیرند بلکه دولت با تسهیل دسترسی به وکیل، زمینه دادرسی عادلانه را ایجاد می‌نماید.

###### 1- آمار بهره‌مندی از وکیل در ایران

در خصوص «حق دسترسی» به ‌‌وکلای دادگستری، قبل، حین و پس از دادرسی بسیاری از مردم از این حق مطلع نیستند و ارزش آن را نمی‌دانند و یا به‌دلیل هزینه‌‌های سنگین وکالت، از آن خودداری می‌کنند در حالی که اسناد حقوق بشری و قانون اساسی، بر این حق، در دادرسی تأکید دارند.

آمار قطعی از حضور ‌‌وکلا در پرونده‌ها وجود ندارد همچنان که تعداد دقیق ورودی پرونده‌ها مشخص نیست بر همین اساس، بهره‌مندی مردم از امکان قانونی وکیل، آمار اندکی دارد و در سخنان مسؤولین مختلف، اعداد گوناگونی آمده است: 95 درصد پرونده‌‌های قضایی وکیل ندارند.[[409]](#footnote-409) رئیس اسکودا گفت: 10 درصد پرونده‌ها در محاکم با حضور وکیل بررسی می‌شود.[[410]](#footnote-410) رئیس کانون ‌‌وکلای دادگستری استان زنجان گفت: تنها در 15 درصد پرونده‌‌های قضایی از وکیل استفاده می‌شود.[[411]](#footnote-411)

###### 2- تسهیل «حق وکیل» از طریق فضای مجازی

برای ‌راه‌حل، برخی از اندیشمندان اجباری شدن وکیل را پیگیری کرده‌اند.

امیرحسین آبادی، استاد بازنشسته دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به چرایی استفاده نکردن از مشاوره‌‌های حقوقی برای پرونده‌‌های قضایی می‌گوید: متأسفانه‌این موضوع یک مسأله فرهنگی و اجتماعی است و مردم نمی‌دانند مراجعه به وکیل چقدر در رسیدن آن‌ها به حقوق قانونی شان تأثیرگذار است به همین دلیل اغلب مردم حتی در پرونده‌‌های بسیار مهم و سخت هم از وکیل کمک نمی‌گیرند و تصور می‌کنند در دادگاه می‌توانند از حق‌شان دفاع کنند. کانون‌‌های ‌‌وکلا بارها و بارها طرح اجباری بودن وکیل در دادگاه‌ها را به دولت‌‌های مختلف پیشنهاد کرده‌اند، اما متأسفانه تاکنون به جایی نرسیده است.[[412]](#footnote-412)

اما نیازی به اجبار نیست اگر در سیستم جامع قضائی الکترونیک، قسمت وکیل و قوانین و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس موضوع، قیمت، مکان و انواع و اقسام دیگر مشخص باشد آن گاه مردم خود انتخاب خواهند کرد.

طبقه بندی‌‌های مختلفی در مورد ‌‌وکلا مشابه زیر است.[[413]](#footnote-413)

وکیل خانواده- وکیل ملکی- وکیل کیفری- وکیل شهرداری- وکیل دیوان عدالت اداری- وکیل وصول مطالبات- وکیل حقوق ‌بین‌الملل- وکیل تجاری- وکیل بانکی- وکیل ثبتی- وکیل ثبت احوال- وکیل جرایم رایانه‌ای- وکیل دادگاه انقلاب- وکیل دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت- وکیل دادسرا و دادگاه نظامی- وکیل دیه- وکیل اراضی- وکیل گمرکی- وکیل ارث- وکیل بیمه- وکیل تصادف- وکیل دعاوی کار، کارگر و کارفرما- وکیل قرارداد- وکیل داوری -وکیل مالکیت فکری- وکیل مواد مخدر- وکیل پزشکی- وکیل مالیاتی- وکیل جرایم مالی و اقتصادی- وکیل مهاجرت وکیل دعاوی نفت و گاز- وکیل دعاوی پیمانکاری- وکیل جرایم رایانه‌ای

همچنین هرکدام از موارد فوق می‌تواند به شاخه‌‌های مختلف، تقسیم شود و کاملاً هوشمندانه مردم را هدایت نماید و بر اساس مکان‌‌های جغرافیایی، ‌‌وکلا و مشاورین را حتی در محله و روستاها، طبقه‌بندی نماید و آن گاه ‌‌وکلا، با ارزان‌ترین قیمت در دسترس خواهند بود.

نکته مهم قابل توجه آن است که قوه قضائیه اولاً بایداین خدمت را مجاناً در اختیار مردم قرار دهد ثانیاً، تصدی گری ننماید بلکه دیتابیس‌ها را به صورت «ای پی آی»[[414]](#footnote-414)در اختیار همه پلت فرم‌ها قرار دهد تا انواع سیستم‌ها بر روی این دیتا‌ها نوشته شود.

بر همین اساس لازم است تسهیلات اینترنتی را ایجاد کند که مردم به راحتی بتوانند هر کسی را در هرکجا برای هر موضوع و برای هر مبلغ به سهل‌‌‌ترین وجه به دست بیاورند ایجاد امکان دسترسی به ‌‌وکلاء، ‌اطلاع‌رسانی ‌‌وکلای رسمی دادگستری با رزومه آن‌‌ها، اعلام اسامی و رزومه مشاوران حقوقی قوه قضائیه، گسترش گزینش ‌‌وکلای مستقل، آگاهی رسانی به مردم در جهت انواع وکیل، و ارائه ‌امکانات ‌اطلاع‌رسانی جهت مشاوره با فارغ التحصیلان حقوق یا وکالت اتفاقی از وظائفی است که در «حق دسترسی» بر عهده قوه قضائیه (بخشی از دولت به معنای عام) ‌است. اگر چنین سامانه‌ای وجود داشته باشد و کل امور قرارداد با ‌‌وکلا آنلاین شود، نیاز به تغییر قوانین نیست بلکه با، حضور ‌‌وکلا در قراردادهایی که مردم با یکدیگر منعقد می‌کنند، می‌تواند پیشگیری از وقوع جرم و تخلف داشته باشد، که به آن توجه نمی‌شود و قراردادهای بدون دانش منعقد می‌شود و موجب درگیری و ‌‌‌مشکلات فراوان می‌شود.

وکیل در بستن هرنوع قراردادی اعم از خرید و فروش وشراکت و... ضروری است حتی در خصوص قرارداد وکالت‌‌های عامی که مردم به دیگری می‌دهند (مانند وکالت در خرید و فروش منزل و خودرو) در بسیاری مواقع، وکالت تامه بلا عزل و با متون بسیار پیچیده است که اگر از ‌‌وکلای حقوق دان کمک بگیرند، با ‌‌‌مشکلات کمتری مواجه خواهند شد. در این زمینه، قوه قضائیه لازم است؛ 1- ‌‌‌‌آموزش‌‌های آنلاین و پاسخ به سؤالات را داشته باشد و ‌اطلاع‌رسانی کامل بنماید و 2- در درجه بالاتر، کل قراردادها در «فرم‌‌های تعاملی آنلاین» شود و اشخاص حقیقی و حقوقی، با موبایل یا رایانه شخصی خود، با طرف قرارداد ،و وکیل گفتگو[[415]](#footnote-415) نموده و همه اطراف یک قرارداد، آن را با استاندارد مشخص، تیک زده و همان امضاء محسوب شود. بدین ترتیب، کلیه قراردادهای بزرگ و کوچک، «سند الکترونیک رسمی» خواهند شد و از «اسناد عادی» و ‌‌‌مشکلات آن، خارج می‌شود.

###### 3- معاضدت قضائی الکترونیک

در صورتی که معاضدت قضایی به صورت الکترونیک باشد و قوه قضائیه و کانون ‌‌وکلا و مرکز مشاوره و انواع و اقسام نهادهای درگیر با مسأله دادرسی، در یک سامانه تمام الکترونیک اینترنتی، با چندین زیرساخت مختلف برای این گونه مشاوره‌ها کار کنند می‌توان معاضدت حقوقی را در جهت رفع اطاله دادرسی تا دورترین نقاط کشور برد و به همه افراد دسترسی به دادرسی عادلانه داد این سامانه می‌تواند در زمینه‌‌های مشاوره استاتیک عمل کند به‌ این صورت که پرسش به سؤالات، طبقه‌بندی شده و پاسخ‌‌‌‌‌‌های آن در رابطه با جزئیات پرونده‌‌ها، در اختیار افراد باشد.

همچنین می‌تواند چت روم داشته باشد به صورتی که یک نفر سؤال خویش را مطرح نموده و بلافاصله ارجاع به یکی از افراد متخصص در همان رشته شود و به لحظه با فرد، شروع به مذاکره مکتوب، صوتی و تصویری داشته باشد. در این صورت نیاز به مکان خاص و دفاتر خاص و هزینه‌های فراوان در این زمینه نیست و در هر ساعت از شبانه روز این سامانه در دسترس خواهد بود و به مردم کمک خواهد کرد تا دادرسی طولانی نشود.

###### 4- توزیع عادلانه وکالت تسخیری

در جرائمی که مجازات آن به حسب قانون، قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد است، چنانچه متهم شخصاً وکیل معرفی ننماید تعیین وکیل تسخیری برای او الزامی است مگر در خصوص جرایم منافی عفت که متهم از حضور یا معرفی وکیل امتناع ورزد.

تبصره اخیرالذکر مبین الزام دادگاه در تعیین وکیل تسخیری در مواردی است که متهم، شخصاً وکیل معرفی نکرده باشد و آن در مورد جرائمی است که طبق قانون مجازات آن قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد باشد. از اینکه ‌‌اصولاً از شخصی که ‌واقعاً جرمی مرتکب شده ‌‌‌خصوصاً جرائم سنگین همانند ‌‌‌‌‌کلاهبرداری‌‌های ‌‌‌‌‌‌‌‌کلان یا قتل یا تجاوز به عنف و امثال آن‌ها می‌توان دفاع کرد یا در تعارض با دیگر حقوق بشر است مطلبی است که باید به آن پرداخت در هر صورت، طبق قانون، وکیل تعیینی یا تسخیری در چنین پرونده‌‌هائی لازم است.

الف: وکالت تعیینی (قراردادی)

وکالت تعیینی که به آن وکالت قراردادی نیز گفته می‌شود، به وکالتی اطلاق می‌شود که هر یک از اصحاب دعوا برای دفاع و اقامه‌ی دعوا و تعقیب آن به وکیل دادگستری اعطا می‌کنند. بسیاری از مشتریان از دسترسی ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر به عدالت محروم هستند. آگاهی از این موضوع در حال افزایش است. قضات برجسته اکنون ‌‌‌‌‌‌علناً می‌گویند که رویه‌ها «توسط ‌‌وکلا برای ‌‌وکلا طراحی شده است»، و بسیار پرهزینه، طولانی و پیچیده است. به طور خلاصه آنها چیزی را که مردم به آن نیاز دارند تحویل نمی‌دهند.[[416]](#footnote-416)

اگر چنانچه اعتبارسنجی ‌‌وکلا آنلاین شود، یعنی اینکه هر وکیلی تا کنون چند پرونده داشته و مبالغ آن و یا جرائم آن طبقه‌بندی شود، و پیروزی یا شکست آن وکیل در پرونده‌ها مشخص گردد و در دسترس همه مردم باشد، اعتبارسنجی این ‌‌وکلا می‌تواند مردم را در یافتن ‌‌وکلای حرفه‌ای در مسائل مختلف یاری نماید.

ب: وکالت اتفاقی

اشخاصی که اطلاعات حقوقی دارند می‌توانند با اجازه کانون ‌‌وکلا برای بستگان خود انجام دهند اما بسیاری از مراجعه کنندگان به دادگاه‌‌ها، از این حق آگاهی ندارند، اگر سیستم دادخواست و همه روند آن از جمله «وکالت در دادگاه» آنلاین شود، و اطلاعات فارغ التحصیلان رشته‌‌های مرتبط، آنلاین شود، آن گاه به راحتی می‌توان به همه مردم اطلاع داد که کدام اشخاص در بستگان آن‌ها می‌توانند وکالت را برعهده بگیرند و این گونه نباشد که اشخاص فراوانی از داشتن وکیل، محروم شوند.

بر اساس ماده دو “قانون وکالت مصوب سال «1315» اشخاصی که معلومات کافی برای وکالت دارند ولی پروانه وکالت ندارند می‌توانند در سال سه مرتبه با گرفتن جواز «وکالت اتفاقی» از کانون برای خویشاوندان نسبی و سببی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت کنند. آیین‎نامه صدور جواز وکالت اتفاقی (موقت) در تاریخ 03/03/1378 تصویب شد، در آن روند وکالت اتفای کاملاً کاغذی و با ارائه مدارک فراوان است این موارد و کل پروسه، می‌تواند به صورت آنلاین انجام شود و نیازی به رفت و آمد و ارائه مدارک فیزیکی به کانون ‌‌وکلا نباشد و از طریق سیستم در یک فرم تعاملی، کل فرآیند انجام شود.

ج : وضعیت کنونی چیست؟

در اجرای ماده 2 قانون وکالت مصوب سال 1315 و به تجویز ماده 22 لایحه استقلال کانون ‌‌وکلای دادگستری مصوب 1333 و بمنظور تنظیم امور مربوط به صدور جواز وکالت اتفاقی و شرائط درخواست آن، ضوابط زیر تعیین و اعلام می‎گردد:

ماده 1- درخواست اخذ جواز وکالت اتفاقی باید توسط شخص متقاضی بعمل آمده و در آن ضمن معرفی کامل خود و اعلام میزان تحصیلات و تجربیات و سایر جهات و دلایل احتمالی مؤثر در قضیه، مشخصات کامل و نشانی موکل یا موکلین مورد نظر و درجه قرابت آنان و نیز مشخصات موضوعی که متقاضی قرار است طرح نموده و یا عهده‎دار دفاع از آن شود را اعلام و مدارک مورد استناد را پیوست کرده و پس از امضاء ذیل درخواست آن را در دفتر کانون ‌‌وکلا ثبت نماید.

ماده 2– به همراه درخواست صدور جواز وکالت اتفاقی، باید فتوکپی مصدق مدارک زیر نیز به کانون ‌‌وکلا تسلیم شود:

الف) فتوکپی شناسنامه و آخرین مدرک تحصیلی و دو قطعه عکس.

ب) فتوکپی شناسنامه موکل یا موکلین و مدارک مثبته قرابت وفق ماده 2 قانون وکالت مصوب 1315.

ج) اصل درخواست موکل بعنوان کانون ‌‌وکلا (بشرح فرم تهیه شده) که‌امضاء موکل توسط کانون و یا یکی از دفاتر اسناد رسمی گواهی شده باشد.

د) اخطاریه یا گواهی مرجع قضائی در مورد مشخصات پرونده و وقت رسیدگی آن نسبت به دعاوی طرح شده

ه) فتوکپی کارت پایان خدمت یا معافیت دائم برای متقاضیانی که مشمول خدمت نظام وظیفه می‎باشند.

تبصره – مدارک فوق به هیچ صورتی قابل استرداد نیست.

ماده 3 – برای هر مورد وکالت اتفاقی باید درخواست جداگانه با ضمائم کامل تهیه و تسلیم شود و این قاعده در مورد پرونده‎هائی که از دو یا چند دعوی مرتبط تشکیل شده باشد نیز رعایت خواهد شد مگر اینکه به تشخیص کانون ‌‌وکلا تکرار اصل تقاضا یا مدارک و مستندات و اطلاعات ضروری نباشد.

ماده 4- کانون می‎تواند از متقاضیان جواز وکالت اتفاقی پس از احراز شرائط، اختباری بمنظور بررسی توان عملی و تجربی دفاع از دعوی اعلام شده بعمل آورد و صدور جواز وکالت منوط به موفقیت متقاضی در اختیار به تشخیص کانون ‌‌وکلاست.

ماده 5- برای صدور جواز وکالت اتفاقی یا تمدید آن، مبلغ ده هزار ریال که در فراز (ه) بند (10) ماده3 قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مصوب1373/12/28 مجلس شورای اسلامی مقرر گردیده است تمبر الصاق و ابطال می‌گردد.

تبصره – مبلغ مذکور به هیچ صورتی مسترد نخواهد شد.

ماده 6- این آیین‌نامه در 6 ماده و 2 تبصره به تصویب رسید.[[417]](#footnote-417)

همه‌این موارد می‌تواند برخط، بدون نیاز به مراجعه و با روش‌‌های صددرصد الکترونیک انجام شود.

د: وکالت معاضدتی

در صورتی که فرد تمکن مالی نداشته باشد می‌تواند از کانون ‌‌وکلا درخواست وکیل معاضدتی کند. کانون نیز پس از بررسی، شرایط متقاضی، وکیل معاضدتی به وی معرفی می‌کند. این نوع وکیل، مخصوص کسانی است که بضاعت و توان مالی کافی، برای گرفتن وکیل ندارند؛ چرا که وکیل معاضدتی حق دریافت هیچ وجهی تحت عناوین حق المشاوره، حق الوکاله و غیره را به استثنای هزینه تمبر‌دادرسی از موکل خویش ندارد.[[418]](#footnote-418) در این زمینه نیز نکات فراوانی هست ازجمله ادعای اعسار در پرداخت هزینه وکیل که بررسی آن را با اعتبارسنجی بیان کردیم و به لحظه می‌توان فهمید که ‌این شخص واقعاً نیازمنداست که وکیل معاضدتی در اختیار وی قرار گیرد و نکته دوم اینکه، ‌‌وکلا نیز می‌توانند با نظم دقیق به‌این تکلیف قانونی عمل نمایند و با رتبه بندی نتایج دادگاه و ارزیابی توسط خود مردم، اعتبار آنان افزایش یا کاهش یابد همچنین کل درخواست وکیل معاضدتی، به صورت آنلاین انجام شود.

ه : مدیریت آنلاین وکیل تسخیری و معاضدتی در حق الوکاله

با توجه به‌اینکه حق الوکاله وکیل تسخیری از بودجه دادگستری تأمین شده و کاربران نیازی به پرداخت هیچ هزینه‌ای بابت آن نخواهند داشت. و حق الوکاله وکیل معاضدتی به دو صورت محاسبه می‌شود. در صورت مالی بودن پرونده حقوقی این حق در صورت موفقیت‌آمیز بودن پرونده از درآمدهای موکل اخذ خواهد شد و در غیر‌این صورت از جانب کانون ‌‌وکلا تأمین می‌شود.[[419]](#footnote-419) کلیه‌این موارد می‌تواند تمام الکترونیک در سیستم باشد و اختلافی هم پدید نیاید. اجباری بودن وکیل تسخیری می‌تواند به‌وسیله‌ی سامانه کاملاً مدیریت شود که دادگاه‌ها مجبور به استفاده از این امکان برای متهمین باشد و تمامی قوانی در آن رعایت شود و وکیل تسخیری ارزیابی مستمر شود.

# **بند دوم: مدیریت دانش بر «کارشناسان دادگستری»**

کارشناسان رسمی دادگستری در همه زمینه‌‌های مختلف، نقش بسیار مهمی در تشخیص موضوع دارند تا احکام عادلانه صادر شود. برای صحنه تصادف پلیس نیز یکی از آنهاست که اگر الکترونیک و مستقیماً در پرونده الکترونیک باشد بسیاری از مفاسد از بین خواهد رفت. همچنین پزشکی قانونی کارشناس رسمی است که در موارد مختلف از کارشناسان غیر‌رسمی به صورت رسمی استفاده کرد.

###### 1- ‌راه‌حل الکترونیک مدیریت دانشِ کارشناسان دادگستری

یکی از ضروریات رسیدگی عادلانه به پرونده‌‌ها، حضور کارشناسان در یک پرونده است، در وضعیت کنونی، کانون کارشناسان رسمی دادگستری، این مهم را بر عهده دارند. اما در عمل، انحصاری کردن کارشناسی پرونده‌ها و عدم ارجاع به همه کارشناسان، کارشناسی غیر‌منصفانه از سوی برخی کارشناسان، موجب تبانی و جرائم مختلف می‌شود و نظارت، بسیار سخت است.

امیر مرتضوی معاون امور اجتماعی دادگستری استان خراسان رضوی 10 تیر 1399 در پاسخ به سؤال درباره پدیده انحصارطلبی در برخی کارشناسی‌‌های دادگستری گفت: نمی‌توان کتمان کرد که برخی نهاد‌ها از شمار معدودی از کارشناسان استفاده می‌کنند؛ این موضوع نیاز به اصلاح دارد و باید در مجلس شورای اسلامی برای اصلاح آن اقدام کرد. وی با اشاره به پیگیری‌‌هایی که در این زمینه انجام شده است، بیان کرد: در خراسان رضوی با راه اندازی سامانه نوبت دهی، بخشی از ‌‌‌مشکلاتی را که منجر به به کارگیری انحصاری کارشناسان رشته‌‌های مختلف می‌شد، حل کردیم. معاون دادگستری خراسان رضوی با تأکید بر اینکه درزمینه استفاده و به کارگیری کارشناسان دادگستری باید انحصار از بین برود، متذکر شد: همچنین در بخشنامه‌ای به همه کارشناسان شاغل در مجموعه‌‌های دولتی تأکید کردیم که فرآیند کارشناسی خود را برای پاسخ گویی مناسب به ارباب رجوع، بعد از ساعت کاری و اداری انجام دهند.[[420]](#footnote-420) آن چه‌ایشان بیان کرده است، همان سیستم کاغذی است که وجود داشته و همچنان در سال 1399 ادامه دارد و مشکل را حل نخواهد کرد، بخشنامه و حتی قانون، نمی‌تواند ‌‌‌مشکلات اجراء را حل کند. در سیستم الکترونیک و ارجاع مشخص و اتفاقی به کارشناسان مختلف، اولاً می‌توان کارشناسان فراوانی را به کار گرفت و ثانیاً می‌توان تک تک آنها را در تخصص خاص، بلافاصله شناسائی کرد ثالثاً سوابق کاری مورد بررسی قرار داده و تمامی پرونده آنها را در همه کارشناسی‌‌هایی که انجام داده‌اند مورد دقت قرار داد تا مجبور باشند به سلامت رفتار کند زیرا اگر ناسالم رفتار کنند، مشخص شده و از چرخه خارج می‌گردند، و چه بسا تحت تعقیب کیفری نیز واقع شود.

اگر روند تخصیص کارشناسان، تمام الکترونیک واقعی در همه پرونده‌ها اتفاق بیفتد آنچه در عمل خواهد بود این است که کارشناسان مورد نظارت لحظه‌ای و دقیق قرار خواهند گرفت و مجبورند که سریعاً کار خود را در کوتاه‌‌‌ترین زمان ممکن با درستی و بدون تبانی انجام دهد. به عنوان مثال، ملک، خانه و کارخانه‌ای که باید قیمت‌گذاری شود به صورت اتفاقی توسط سیستم به یک کارشناس ارجاع می‌شود؛ در «اشتراک گذاری دیتابیس‌ها» قیمت ‌‌‌‌تقریباً مشخص است، با این حال، می‌توان همان را به صورت اتفاقی به کارشناس دیگری نیز ارجاع داد و با مقایسه قیمت‌‌ها، علمی‌تر رسیدگی کرد.

در سامانه الکترونیک می‌توان کارشناسان دادگستری را کاملاً شفاف و دقیق در همه موضوعات مختلف به‌صورتی طبقه‌بندی کرد که همگان به آن‌ها دسترسی داشته باشند و با نگه داشتن تمامی سوابق آنها در پرونده‌ها می‌توان به ارزیابی پرونده سابقه آنها پرداخت علاوه بر آنکه می‌توان انحصار کارشناسان را شکست و به طور مثال در ارزیابی و تقویم قیمت ساختمان، ده‌‌‌‌‌‌ها فرد متخصص وجود دارد که در صورت لزوم کار را به آنان ارجاع داد. بدین ترتیب، دادگاه نمی‌تواند فقط با افراد خاصی کار کند زیرا نرم‌افزار می‌تواند به صورت عادلانه پرونده‌ها را بدون در نظر گرفتن علایق و سلایق شخصی به کارشناس مورد نظر به صورت اتفاقی (رندومی) ارجاع دهد و پس از آنکه کارشناس، نظر خود را در سامانه ارائه داد این نظریه را نیز به ارزیابی علمی واگذار نموده و در سوابق فرد به صورت مثبت یا منفی آن را درج نماید.

اگر فردی در پرونده‌ای برای ارزیابی قیمت یک ساختمان مراجعه کند و قیمت آن را 100 واحد تعیین نمایند و مورد اعتراض واقع شود؛ در وضعیت کاغذی بودن پرونده‌ها و ارجاعات نمی‌توان فهمید که در گذشته، کدام کارشناس این موارد را داشته است اما در سیستم الکترونیک بلافاصله می‌توان تمامی سوابقی این فرد در پرونده‌‌های گذشته نیز داشت و مورد بررسی قرار داد. در این وضعیت اگر اعتراضی بر روی ارزیابی و کارشناسی آقای الف قرار بگیرد فرد دوم یا سومی که برای ارزیابی رفتند نظرات آنها نیز درج می‌شود و اگر مغایرت فاحش داشت قابلیت بررسی فراوان دارد. بنابراین تا زمانی که روند کاغذی وجود داشته باشد کارشناسان هرگونه تصمیمی که بخواهند می‌گیرند و سوابق آنها نیز در پرونده‌‌های کاغذی غیر‌قابل دسترسی خواهد بود و در صورتی که تمام الکترونیک شود، اهداف میثاق و قانون اساسی در «دسترسی عادلانه» به حقیقیت نزدیکتر خواهد شد.

###### 2- واگذاری امور پزشکی قانونی به بخش خصوصی

ماده 113 قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 ـ 1396)[[421]](#footnote-421) مقرر می‌دارد. سازمان پزشکی قانونی کشور مجاز است خدمات پزشکی قانونی مورد نیاز دستگاه‌‌‌‌‌‌های دولتی و غیردولتی، نهادهای عمومی، مراکز تشخیصی و درمانی، بیمه‌‌ها، مردم و بخشی از وظایف مذکور در ماده (1) قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور مصوب 27/4/1372 به استثنای موارد موضوع بند(1) ماده (1) قانون مذکور را با اعمال نظارت کامل به گروه پزشکی معتمد که به‌این منظور تعیین خواهند شد واگذار نماید.

بند 1 ‌ماده 1 قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور مقرر می‌دارد «اظهارنظر در امور پزشکی قانونی و کارشناسی آن، کالبدشکافی و انجام امور آزمایشگاهی و پاراکلینیکی به دستور مراجع ذیصلاح قضایی»

این ماده می‌تواند تغییر کند زیرا بر خلاف سال 1372، با گذشت 30 سال، بیمارستان‌‌ها، مراکز جراحی و آزمایشگاه‌‌های فوق تخصصی در کشور ایجاد شده که با بهره‌مندی از آن‌ها می‌توان بسیاری از هزینه‌‌های دادرسی را کاهش دهد و زمان را کوتاه کرد ضمن اینکه ارجاعات با سیستم تمام الکترونیک می‌تواند به نزدیک‌ترین مکان و یا به صورت اتفاقی باشد شاید با تکیه بر دستورات الکترونیک شدن و واگذاری به مردم در قوانین دیگر، نیازی به قانون جدید نباشد همچنین نظارت کامل بر روند این مراکز در همه کشور از طریق الکترونیک، صورت گیرد.

###### 3- گواهی فوت الکترونیک

نکته مهم دیگر در قضیه گواهی فوت است که اسناد رسمی دولتی در تشکیل پرونده ارزشی ندارد و برای اثبات فوت، شاهد به دفاتر اسناد رسمی رفته و در آنجا شهادت دهند که فرد فوت کرده است و همه جا از شخص، گواهی فوت و فتوکپی می‌خواهند و آن را برابر اصل می‌کنند این در حالی است که اولاً در رابطه با اعلام فوت می‌تواند به صورت 100 درصد الکترونیک به‌وسیله‌ی پزشکان ثبت شود. هم اینک پزشکی که برای گواهی فوت اقدام می‌کند در سربرگ پزشکی قانونی یا وزارت بهداشت می‌نویسد به جای اینکه چنین کاری را انجام دهد در موبایل خودش که رجیستر شده، اطلاعات را وارد دیتابیس سازمان مرتبط نماید و از همانجا در اختیار کلیه ادارات و مراکز ذیربط قرار گیرد. اگر چنین اتفاقی بیفتد که گواهی فوت 100 درصد الکترونیک شود، آنگاه گواهی‌‌های مختلف از جمله انحصار وراثت در کوتاه‌‌‌ترین زمان ممکن، بدون نیاز به حضور فیزیکی در شورای حل اختلاف قابل انجام است.

‌‌اصولاً آنچه که بسیار مهم است این که در وضعیت کنونی «کاغذ» اصل است آنچه که عنوان الکترونیک و مطرح شده است اسکن همین کاغذهایی است که مجدداً آن را پرینت می‌گیرد و این به معنای استفاده اشتباه از فضای مجازی است.

# **بند سوم: بازپرسی و بازجوئی و شهود آنلاین**

خاستگاه قانونی استفاده از ویدئوکنفرانس در برگزاری جلسات دادگاه به مواد 175 و 659 قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین ماده 25 ‌‌‌‌‌آیین‌نامه استفاده از سامانه‌‌های مخابراتی و رایانه‌ای باز می‌گردد.

ماده 175 قانون آیین دادرسی کیفری تصریح دارد: استفاده از سامانه‏‌‌های (سیستم‌‌های) رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.[[422]](#footnote-422)

ماده 659 قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی «به کارگیری سامانه‌‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود یا نظرات کارشناسی در صورتی مجاز است که احراز هویت، اعتبار اظهارات فرد مورد نظر و ثبت مطمئن سوابق صورت پذیرد. »[[423]](#footnote-423)

ماده 25 ‌‌‌‌‌آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب 25/05/1395 مقرر می‌دارد: «در صورت فراهم بودن امکانات لازم، مقام نیابت دهنده می‌تواند تمام یا بخشی از موضوع نیابت را مانند تحقیق از اصحاب دعوا، اخذ شهادت شهود و نظرات کارشناسی و سایر مواردی که به موجب قانون مجاز است، از طریق ارتباط تصویری یا صوتی یا الکترونیکی از راه دور انجام دهد. درخواست این ارتباط از طریق سمپ (سامانه مدیریت پرونده قضایی) به واحد قضایی ارسال و انجام آن با نظارت مرجع مجری نیابت صورت می‌گیرد.

تبصره ـ انجام تحقیقات از طریق ارتباط تصویری یا صوتی یا الکترونیکی از راه دور در صورتمجلس قید و انطباق اظهارات با مندرجات صورتمجلس توسط مقام قضایی و منشی تصدیق می‌شود.[[424]](#footnote-424)

هرچند صدر ماده بسیار مترقی و الکترونیک است اما در تبصره، همچنان صورتجلسه دستی و کاغذی تأکید شده است در حالی که هر یک از اصحاب دعوی و بازپرس و دادستان و دادرس و شهود و همه اشخاص، با تیک زدن مطمئن، جلسه را تأیید می‌کنند و صورتمجلس تمام الکترونیک خواهند داشت که همه ‌امضاء‌ها قابل پیگیری است و در پرونده هر شخصی درج می‌شود و نقش یک شخص در هزاران پرونده، قابل دسترسی خواهد بود، اگر صورتمجلس، متادیتا باشد.

###### 1- بدرقه زندانیان و حضور دردادگاه

یکی از امور قضائی بدرقه زندانیان از سوی ضابطین قضائی و همراهی آنان در جلسات دادگاه بوده که موجب ‌‌‌مشکلات فراوانی می‌شده و بارها در روش این امر و جایگاه ‌مأمورین انتظامی تغییراتی صورت گرفته که از چه کسی دستور بگیرند و زیر مجموعه کدام نهاد باشند حتی پلیس قضائی تشکیل شد تا دادگاه‌ها اشراف بیشتری داشته باشند و مجدداً در سال 1369وظایف شهربانی، ژاندارمری وپلیس قضایی به نیروی انتظامی محول شد، که به تصور برخی حقوقدانان، این اقدام به دلایل زیر باعث تشدید اطاله‌ی دادرسی شد:

1- عدم دخالت دستگاه قضایی در عزل و نصب ضابطین

2- عدم وجود برنامه‌ی مدون و هدفمند

3- عدم ‌‌‌‌آموزش کافی و لازم ‌مأمورین انتظامی برای اجرای دستورات قضایی

4- وابستگی شدید قوه قضائیه به قوه مجریه به خاطر تصویب بودجه از سوی آنها

5- ضعف عملکرد دستگاه انتظامی در کشف جرایم.[[425]](#footnote-425)

###### 2- بازپرسی و احضار شهود الکترونیک

یکی از راه‌‌‌‌‌‌های کاهش زمان دادرسی، الکترونیک شدن اقدامات دادرسی در پرونده‌ها است، از جمله بازپرسی از زندانیان و یا احضار شهود در دادگاه‌‌ها، که در روش قدیمی آن موجب ‌‌‌مشکلات متعدد برای اشخاص و اطاله دادرسی می‌شد، اینک با امکانات الکترونیک، قابلیت آن را دارد که از زندانی‌ای که در شهری دیگر است بدون نیاز به حمل و نقل و نگهبان و احتمال فرار و هزینه و زمان و... به صورت کاملاً بر خط، بازجوئی یا بازپرسی نمود یا شاهدی که در شهری دیگر است با ابزار الکترونیک اینگونه شهادت خود را ارائه نماید.

###### 3- مشکل اعزام به دادسرا و ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری و دیگر مراجع مورد نیاز

نظارت عالی قوه قضائیه بر روند بازجوئی‌ها و بازپرسی‌ها تا آخرین رده‌ها و در دورترین نقاط بر عملکرد دادرسان (دادیار بازپرس دادستان رئیس دادگاه ) امکان پذیر می‌شود.

اولین بازپرسی از راه دور در شنبه 28 بهمن 1396 گزارش شد، قاضی یزدی به طور آنلاین از متهمی که در زندان اراک بود، بازجویی کرد قاضی شعبه 101دادگاه کیفری 2یزد، در جریان بررسی پرونده‌ای پی برد یکی از متهمان تحت تعقیب، از مدت‌ها قبل به اتهام دیگری در اراک دستگیر شده و در زندان این شهر نگهداری می‌شود. بازجویی از این متهم در پرونده جدید ضروری بود و او باید هر طور که شده از اراک به یزد منتقل می‌شد تا از او تحقیق شود اما انتقال این زندانی از اراک به یزد ‌‌‌مشکلات زیادی را به همراه داشت. این کار هم هزینه زیادی به همراه داشت و هم ممکن بود در بین راه اتفاقی برای او بیفتد یا حتی اینکه بتواند از دست ‌مأموران فرار کند. در این شرایط، قاضی پرونده تصمیم گرفت از شیوه‌ای نو استفاده کند و به جای انتقال متهم از اراک به یزد با استفاده از ویدئوکنفرانس از راه دور از او بازجویی کند.

وقتی ‌مأموران بدرقه زندان متهم 50ساله را که به اتهام نگهداری مواد مخدر زندانی است به محل محاکمه منتقل می‌کردند او فکر همه جور دادگاهی را می‌کرد به جز دادگاهی که آنلاین باشد. او وقتی متوجه شد قاضی‌ای که قرار است از او بازجویی کند در یزد است، متعجب شد. عسگری در این باره می‌گوید: «متهم فکر می‌کرد مثل همه دادگاه‌ها مقابل قاضی می‌نشیند و از او تحقیق می‌شود اما وقتی ‌مأموران او را به سالن کنفرانس منتقل کردند و قاضی را در مانیتور روبه‌رویش دید، خیلی تعجب کرد.» اما این محاکمه جالب با همه تشریفات معمول در دادگاه‌ها برگزار شد و آنطور که مسؤول روابط عمومی زندان‌‌های استان مرکزی می‌گوید همه چیز عادی بود: «قاضی، پرونده متهم را از طریق دوربینی که ما داشتیم می‌دید و متهم هم قاضی را از طریق مانیتوری که روشن بود، نگاه می‌کرد. قاضی همه تشریفات قضایی را که لازم بود انجام داد و به متهم تفهیم اتهام و سؤالاتش را مطرح کرد. متهم نیز به تک تک سؤالات جواب داد که‌این محاکمه حدود 20دقیقه طول کشید.»

علت آن بود که یک قاضی به ابزار الکترونیک اعتقاد داشت اما اکثریت قضات و بازپرسان به آن اعتقادی نداشتند. فلاح‌زاده، رئیس شعبه 101دادگاه کیفری یک استان یزد، همان قاضی‌ای است که به طور آنلاین از متهم بازجویی کرد. او در گفت وگو با همشهری جزئیات بیشتری از این بازجویی جالب را بازگو کرد.

-چه ضرورتی باعث شد از بازجویی آنلاین استفاده کنید؟

- وقتی متهمی در استان دیگری نگهداری می‌شود چه لزومی دارد که برای انتقال او هزینه و زمان زیادی صرف شود؟ ممکن است در راه خطراتی متهم و ‌مأموران بدرقه را تهدید کند؛ به همین دلیل وقتی متوجه شدیم که‌امکانات بازجویی به صورت آنلاین وجود دارد، تصمیم به‌این کار گرفتیم.

- این ایده چطور به ذهن‌تان رسید؟

- وقتی در همه جا از امکانات روز و پیشرفته استفاده می‌کنند، چرا ما این کار را نکنیم؟ در موادی از قانون آیین دادرسی کیفری، قانونگذار این اختیار را به قضات داده تا در مواردی از وسایل الکترونیکی استفاده کنند. یکی از این موارد، بازجویی با استفاده از ویدئوکنفرانس است.

- در چنین شیوه‌ای اگر متهم از پاسخ به سؤالات شما طفره برود، چه می‌کنید؟

- در جایی که متهم قرار دارد، ‌مأموران بدرقه زندان حضور دارند و هم صدا و هم تصویر متهم به صورت آنلاین برای قضات پخش می‌شود. متهم در پاسخ دادن به سؤالات آزاد است اما اگر مشکل خاصی اتفاق بیفتد، ‌مأموران حضور دارند.[[426]](#footnote-426) اما از این شیوه استقبال فراوان نشد تا سال 1399 که کرونا فراگیر شد و اجباراً این روش سرعت گرفت.

###### 4- بازجوئی آنلاین و سندیت اسناد امضاء

برای سندیت اسناد الکترونیک در بازپرسی آنلاین چه باید کرد؟ امضای الکترونیک؟ اثر انگشت؟ امضاء معمولی؟ یا زدن تیک رایانه‌ای؟ در میان برخی حقوقدانان، مسأله جمود بر الفاظ و ماندن در ظاهر عبارات و عدم پذیرش تغییر، عادت است حتی زمانی که قانون، با قانونی نمودن امضاء، اثر انگشت را منسوخ کرد، همچنان امضاء و اثر انگشت می‌گیرند و اینک نیز درباره گرفتن امضاء برای صورتجلسات دادگاه‌‌های از راه دور، همین مسأله را مطرح می‌کنند.

آقای فلاح‌زاده، رئیس شعبه 101 دادگاه کیفری یک استان یزد، به‌طور آنلاین از متهمی که در زندان اراک بود، بازجویی کرد، اما همین قاضی نواندیش، در خصوص امضاء صورتجلسه، مورد سؤال قرار می‌گیرد «‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً در پایان بازجویی یا محاکمه، متهم و حاضران در جلسه باید صورتجلسه‌ای را امضا کنند. شما در بازجویی آنلاین چطور از متهم امضا گرفتید؟» در پاسخ به‌این سؤال اظهار می‌دارد: «برای این کار هم راهکارهای مختلفی ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی شده است؛ یکی از آنها استفاده از امضای الکترونیکی است. راهکار دیگر هم ارسال صورتجلسه به زندان محل نگهداری متهم برای امضاست.»

ایشان به مانند بسیاری از قضات، همچنان کاغذ را، اصل می‌دانند و نمی‌توانند این روش کاغذی را کنار بگذارند، و توجه ندارند که برای سندیت الکترونیک، نیازی به‌امضای الکترونیکی (به معنای روش خاص استفاده از سخت افزار مخصوص) که از آن با عنوان توکن نیز نام برده می‌شود، نیست و ‌‌اصولاً قابل اجراء نبوده و لذا در ایران، هرگز عملی نشد و در بسیاری از کشورها، از آن استفاده نمی‌شود و ارزش حقوقی خاصی در اثبات سندیت، ندارد. از دیگر سوی، در یک سیستم الکترونیک واقعی، نیازی به متن کاغذی نبوده و امضاء فیزیکی، ‌‌‌‌طبعاً منتفی است.

اگر سندیت اسناد الکترونیک بخوبی درک شود، پرونده الکترونیک متهم یا شاکی، در همان دوربین باز می‌شود و آن فرد «تیک تأیید» می‌زند و این سند کاملاً الکترونیک همواره «مطمئن» خواهد بود و قابل اثبات است و همان امضاء دیجیتال واقعی است. ضمن این که فیلم سخنان متهم از هر امضایی مستندتر و یقین‌آورتر است. همچنین اگر اصرار بر امضا است می‌شود خود قاضی در انتها بنویسد بازپرسی به صورت آنلاین بود و با آدرس(...) ذخیره شد و امضا کند.

###### 5- کرونا پیش ران سرعت در تحول قضائی

کرونا؛ ویروسی که‌این روز‌ها شرایط سختی را برای همه مردم رقم زده، اما با وجود همه تلخی‌‌ها، درد، بیماری و حتی مرگ و میرها، یک نقطه محرک و امیدبخش هم برای توسعه فضای الکترونیکی در زندگی همه مردم دنیا ایجاد کرده است. کرونا هر چقدر مصیبت برای کشور‌ها و مردم داشت، در تحولات دیجیتال، پیشران بزرگی بود، تغییرات عظیم در روش تعامل ادارات، دانشگاه‌‌ها، ‌‌‌‌آموزش و پرورش و دیگر بخش‌‌ها، مسأله‌ای بود که در تمامی جهان از جمله‌ایران، اتفاق افتاد، قوه‌قضائیه نیز، از این توفان بی‌بهره نماند هرچند لازم بود سریع‌‌‌تر تحت تأثیر پیشرفت‌‌های الکترونیکی قرار گرفته و فراگیرتر و آسان‌‌‌تر شود، مراجع قضایی و نهاد‌‌های مرتبط با قوه قضائیه، از دادسرا‌ها گرفته تا دادگاه‌‌های بدوی، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و...؛ دفاتر الکترونیک، اماکنی که روزانه مرکز تجمع افراد زیادی است و ‌‌‌‌‌قطعاً کاهش تجمع در شرایط فعلی بیشتر از همیشه در این مکان‌ها احساس می‌شود. که تنها راه آن «دادرس از راه دور» است نه ‌اینکه مردم را به دفاتر ببرند.

30/02/1399 قوه قضائیه با تست موفقیت آمیز «دادگاه آنلاین» روی شبکه ‌امن همراه اول قرار گرفت.

شیوع ویروس کرونا در کشور مانند اقصی نقاط جهان، زمینه ‌ایجاد تحولاتی در نظام اداری را به دنبال داشته است؛ بر مبنای آن اغلب سازمان‌‌ها، ارگان‌ها و نهادها ترجیح داده‌اند ضمن ایجاد شرایط دورکاری برای کارکنان خود، بیش از پیش از بسترهای دیجیتال برای ارائه خدمت استفاده کنند. در این راستا قوه قضائیه نیز تلاش مضاعفی در اقدام به الکترونیک واقعی را داشت و شرکت ارتباطات سیار ایران با هدف تسهیل شرایط برگزاری دادگاه‌‌ها، سرویس برگزاری آنلاین دادگاه‌ها را برای قوه قضائیه به شکل پایلوت و در سطح ملی اجرایی کرده است. براساس فازهای طرح ریزی شده برای این پروژه، قاضی، وکیل، شاکی و متهم به صورت مجازی در دادگاه حاضر خواهند شد.[[427]](#footnote-427)

###### 6- بازپرسی اینترنتی، پیشرو در کشف حقیقت

بازپرسی اینترنتی، گامی پیشرو در رسیدگی‌‌های قضایی و کشف حقیقت است. در پی فراگیری کرونا، روش‌‌های متروک الکترونیک، به سرعت گسترش یافت در 07 آبان 1399 جلسه بازپرسی الکترونیک آنلاین در شعبه ششم دادسرای انقلاب تهران به منظور تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع در خصوص پرونده دو متهم نگهداری مواد مخدر با حضور بازپرس و با برقراری ارتباط اینترنتی از دادسرا با زندان قزلحصار برگزار شد برگزار شد هرچند قبل ازاین تاریخ نیز بازپرسی الکترونیک از راه دور انجام شده بود اما دیگر تکرار نشد تا به‌دلیل کرونا، سرعت یافت. مهدی مهرانگیز، معاون دادستان تهران درباره‌ این جلسه بازپرسی الکترونیک آنلاین در شعبه ششم دادسرای انقلاب تهران افزود: اولین بار در مجموعه دادسرای عمومی و انقلاب تهران حسب تأکیدات ریاست قوه قضائیه و بخش انفورماتیک دستگاه قضا به صورت ویدئوکنفرانسی از زندان قزلحصار تفهیم اتهام برای دو متهم انجام شد.

مهرانگیز در حاشیه برگزاری اولین جلسه دادرسی الکترونیک در دادسرای عمومی و انقلاب تهران ضمن اشاره به نقش دادرسی‌‌های الکترونیک در زمینه کاهش اطاله دادرسی افزود: سیاست قوه قضائیه بر این است که ‌این رویه حتی بعد از کرونا هم ادامه پیدا کند، تلاش داریم همه شعب دادسرای مواد مخدر را به سیستم‌‌های الکترونیکی مجهز کنیم تا تمام شعب بتوانند از طریق ویدئوکنفرانس تفهیم اتهام را انجام دهند.

وی تأکید کرد: از 15 آبان هیچ زندانی از زندان‌ها در دادسرا پذیرش نمی‌شود و بازپرسی‌ها به شیوه الکترونیک و در ارتباط با زندان‌ها انجام خواهد شد. [[428]](#footnote-428)

###### 7- برگزاری بیش از 110 هزار جلسه دادگاه «آنلاین» در شرایط کرونا

میزان 15 اردیبهشت 1400 نوشت: بنا به گفته سخنگوی دستگاه قضا، در سال 1399 با تجهیز 900 اتاق دادرسی الکترونیک بیش از 111 هزار دادرسی الکترونیکی از داخل زندان‌ها یا مراجع قضایی بدون اعزام زندانی صورت گرفته است. امری که با توجه به شرایط کرونایی، بسیار برای زندانیان از جهت کاهش تردد و رفت و آمد، مزیت بخش بود.[[429]](#footnote-429)

###### 8- حفظ اسناد الکترونیک صداو تصویر متهمان تا سال‌‌های طولانی

نکته حائز اهمیت، انکار ناپذیری اسناد الکترونیک بازپرسی است، زیرا همواره می‌توان اسناد بازپرسی‌ها را نگهداری کرد و هیچ شخصی نمی‌تواند منکر اقرار یا شهادت و یا اعتراف بر دیگران گردد. این بر خلاف بازپرسی‌‌های کاغذی است که می‌تواند ادعاهای گوناگونی داشته باشد.

مهرانگیز به برخی مزایای بازپرسی‌‌های آنلاین اشاره می‌کند و می‌گوید: «در چنین شرایطی متهم به راحتی حرف‌‌هایش را مطرح می‌کند و از تمامی صحبت‌‌های رد و بدل شده بین او و بازپرس تصویر برداری می‌شود و در نهایت به صورت سی دی در پرونده نگهداری خواهد شد. در چنین شرایطی تمامی محتویات پرونده ثبت و ضبط شده و تا سال‌‌های طولانی 10 تا 15 ساله که پرونده در اجرای احکام باقی می‌ماند این صدا و تصویر هم در پرونده خواهد ماند.»

وقتی سخت‌‌‌ترین بخش رسیدگی‌‌های قضایی یعنی شکل گیری پرونده با تحقیقات مقدماتی را می‌شود به صورت الکترونیکی انجام داد ‌‌‌‌‌قطعاً فرآیند دادرسی در بخش‌‌های دیگر هم می‌تواند به همین ترتیب دنبال شود تا هم شاهد کاهش زمان رسیدگی‌‌های قضایی باشیم و هم دادسرا‌‌ها، دادگاه‌ها و مراجع قضایی مراجعان کمتری را به خود ببینند. بازپرسی آنلاین که مزیت‌‌های بی شماری دارد، در حقیقت گامی پیشرو در رسیدگی‌‌های قضایی است که توسعه آن در سایر نهاد‌‌های اداری کشور می‌تواند ما را به کاهش تردد مردم در ادارات، حذف مدارک کاغذی در سیستم‌‌های پیگیری و از همه مهمتر به شفافیت‌‌های اداری نزدیک‌‌‌تر کند.[[430]](#footnote-430)

مهرانگیز که سال‌‌های طولانی سابقه بازپرسی از متهمان مختلف را در کارنامه خود دارد می‌گوید: در شرایط فعلی که کرونا شایع شده بازپرسی‌‌های آنلاین در حفظ سلامت زندانی و بازپرس و کادرقضایی هم تأثیر دارد، اما این طرح خوب منحصر به ‌ایام کرونا نیست و پس از آن نیز ادامه خواهیم داد.

سرپرست دادسرای عمومی و انقلاب تهران تأکید می‌کند: از نیمه آبان 1399 به بعد دیگر زندانی از زندان‌ها به شعبات دادسرا اعزام نمی‌شود بلکه همه زندان‌ها مجهز به سیستم‌‌های الکترونیکی هستند و از طریق شعب بازپرسی‌ها به صورت ویدئوکنفرانس انجام می‌شود. بازپرسی آنلاین که مزیت‌‌های بی شماری دارد، در حقیقت گامی پیشرو در رسیدگی‌‌های قضایی است که توسعه آن در سایر نهاد‌‌های اداری کشور می‌تواند ما را به کاهش تردد مردم در ادارات، حذف مدارک کاغذی در سیستم‌‌های پیگیری و از همه مهم‌تر به شفافیت‌‌های اداری نزدیک‌‌‌تر کند.[[431]](#footnote-431)

###### 9- کرونا مقاومت در برابر فناوری را در انگلستان شکست

در خصوص کرونا این سؤال مطرح شده است که ‌این تحرکات الکترونیک برای آینده چه معنایی دارد؟ در کل دادگاه‌‌های انگلیس به طور سنتی تمایل به پذیرش فناوری ندارند. با این حال وقایع اخیر نشان داده است که، در صورت لزوم، می‌توانند به طرز چشمگیری با شیوه‌‌های جدید کار سازگار شوند. این سؤال را مطرح می‌کند که آیا قوه قضائیه تصمیم می‌گیرد که شیوه‌‌های جدید کار پیدا شده خود را در پس از همه گیری اتخاذ کند یا آنها را رها کند. با توجه به گزارش‌های کلی مثبت چنین جلساتی تاکنون، ما ظن داریم که اگرچه جلسات از راه دور پس از قفل شدن "قاعده جدید" نمی‌شود، اما حداقل برای جلسات موقت، آنها احتمالاً پیشنهادی بسیار جذاب‌‌‌تر از گذشته خواهند بود و می‌تواند منجر به بهبود قابل توجهی در انعطاف پذیری دادگاه و صرفه‌جویی در هزینه مشتریان شود.

با توجه به‌اینکه فناوری مورد نیاز برای تسهیل جلسات دادگاه از راه دور در مقیاس وسیع وجود دارد، از این رو می‌توان گفت که همین فناوری می‌تواند و ‌‌‌‌‌قبلاً در مورد واسطه‌ها و داوری‌‌های از راه دور اعمال شده باشد، بنابراین هزینه‌‌های سفر و محل برگزاری (یا حداقل کاهش) هزینه‌‌های ناشی از آن برداشته می‌شود یک صرفه جویی مناسب برای طرف‌‌های درگیر و همچنین تسریع در روند کارها.

دادگاه‌‌های انگلیس به سرعت قابل توجهی با بیماری همه گیر کوید19 (کرونا)[[432]](#footnote-432)و اثر ضربه‌ای که بر رویه‌‌های دادگاه کاملاً ثابت ایجاد کرده است، سازگار شدند. همانطور که در مقاله قبلی گزارش دادیم، فقط چند روز قبل از قرنطینه انگلیس، رئیس دادگستری لرد بیانیه‌ای منتشر کرد که در آن تأکید کرده بود، به منظور پیشگیری از دادرسی، جلسات دادرسی باید از راه دور برگزار شود تا اجرای سریع عدالت در سراسر همه‌گیری انجام شود. دادگاه‌ها یادداشت‌‌های راهنمای مختلفی را در مورد کنفرانس ویدیویی و بسته الکترونیکی ارائه داده‌اند تا با رویه‌‌های جدید دادگاه، جلسات دادرسی از راه دور طرفین دعوا را سرعت بخشند. از 24 آوریل 2020، ‌‌‌‌تقریباً 2800 جلسه در روز از راه دور انجام می‌شد که 90٪ از کل دادرسی‌ها بود - حدود یک سوم آن فقط شنیداری ویدیویی و دو سوم آن فقط شنیداری است.»[[433]](#footnote-433)

# **بند چهارم: حکم، و اجراء حکم هوشمند**

###### 1- تغییر نگارش حکم دادگاه، به متادیتا

نمونه‌ای از حکم صادره جزائی را ملاحظه کنید که مجازات‌ها و پرداخت دیه، پیاپی نوشته شده و برای شخص و یا قاضی اجراء، ‌‌دقیقاً مشخص نمی‌شود که کدام را اجراء کرده و کدام باقی مانده است و در صورت اعتراض، نیز نمی‌توان ‌‌دقیقاً موارد اعتراض را دید، همچنین مواد قانونی در این حکم فقط ذکر شده ‌اما مراجعه به آن‌ها و اینکه منطبق بر این موارد است، بسیار سخت است در حالی که اگر به روش الکترونیک باشد همه ‌این موارد قابل بررسی دقیق است.

###### 2- حکم صد در صد الکترونیک متا دیتا

1– همه احکام به صورت متادیتا[[434]](#footnote-434) و تک تک، به صورت فیلد به فیلد، نوشته شود و زمانی که قاضی کلیک کرد، و حکم نهائی شد (مراحل تجدید نظر طی شد) اجراء آن تمام الکترونیک شود. (در مورد مطالبات مالی، می‌تواند بلافاصله از حساب شخص برداشت شده یا اموال وی به صورت الکترونیک توقیف و برای مطالبه به مناقصه ارسال شود و...)

2– همان لحظه از طریق الکترونیک (نه نامه و مهر و امضاء) به ضابطین اجراء حکم ارسال و انجام شود. (مانند تخلیه محل کار یا منزل در تصرف عدوانی)

3– روش‌‌های دیگر الکترونیک واقعی که در هرکدام با بهره‌وری از دیتابیس‌‌های به اشتراک گذاشته شده، مسأله در کوتاه‌‌‌ترین زمان ممکن، اجراء شود بدون آن که ضابطین و مجریان، قدرت هیچگونه دخل و تصرف یا گرفتن رشوه و تقدیم و تأخیر در اجراء داشته باشند.

در دگردیسی الکترونیک، تغییر شیوه نگارش احکام دادگاه‌ها و هرنوع توضیح و ابلاغیه‌ای به متادیتایکی از اولویت‌‌های مدیریتی علمی بر روند قضائی است. آن چه‌ امروز اتفاق می‌افتد همان وضعیتی است که از ابتدا وجود داشته و حکم به صورت کامل و پشت سرهم نوشته می‌شود این نوع نوشتن در زمان کاغذی برای آن بود که کلمه یا حرفی اضافه نشود، امروزه لازم است ‌‌دقیقاً این موارد به صورت متادیتا نوشته شود یعنی تک تک موارد به صورتی باشد که قابل جستجو و قابل و طبقه‌بندی و قابل درک و فهم عامه مردم و پیگیری برای همگان باشد.

مثلاً نامه محکوم علیه و مورد محکومیت با جزئیات آن در فیلدهای مشخص وجود داشته باشد تا بتوان به صورت اتوماتیک هر قانونی مربوط به ‌این حکم است به آن متصل نمود و همه جزئیات در آن قابل جستجو باشد و ارجاع آن حکم در زمینه‌‌های مختلف، نیز برای اجرا به سادگی انجام شود و چرخش نامه نیز به صورت کاملاً دقیق، قابل پیگیری باشد آنچه که ‌امروز وجود دارد قابل جستجو نیست و قابل ساماندهی نیست. مثلا باید نوشته شود: آقای. ... نام خانوادگی. ... بابت. ... محکوم شده است به پرداخت مبلغ. ... ریال به حساب آقای..... به شماره حساب. ... بابت بدهکاری و خسارات دادگاه دادرسی و خسارت تأخیر به مبلغ.... و طبق ماده شماره..... بابت ضرب و شتم ...ماده به حبس شش ماه با احتساب... تا تاریخ ...آزاد شود. و طبق ماده. ... مبلغ. ... جریمه دارد.

تک تک احکام یک شخص جداگانه آورده شود و ارجاع هر کدام برای اجراء، اتوماتیک انجام شود.

توجه به‌این نکته مهم است که همه‌این‌ها در فیلدهای مشخص نوشته می‌شود. در خصوص اعتراض نیز لازم است در برابر هر حکمی، قسمت تیک زدن و فیلد توضیحی باشد که به‌این بند، اعتراض دارم تا برای دادگاه تجدید نظر ‌‌دقیقاً مشخص باشد که به کدام یک از احکام خود اعتراض کرده است، در وضعیت کنونی اگر یک شخص، چندین حکم داشته باشد، و بخواهد اعتراض کند، ‌‌دقیقاً نمی‌داند به کدام قسمت اعتراض نماید و زمانی که به دادگاه عالی می‌رود آن‌ها هم به طور دقیق، نمی‌دانند که اعتراض فرد به کدام قسمت و به چه دلیل است. بدیهی است که‌این اقدام بسیار پیچیده است و در انواع و اقسام پرونده‌ها دارای تنوع بسیار است و لازم است به تدریج اما به سرعت، این اقدام انجام شود و با ‌‌‌‌آموزش و ممارست مداوم، این برنامه ارتقاء یابد.

###### 3- انتشار احکام دادگاه‌ها با حفظ حریم خصوصی

دسترسی به احکام صادره در پرونده‌‌های مختلف حقوقی، جزائی و اداری، می‌تواند به عنوان یک درس[[435]](#footnote-435) استفاده شود با توجه با امکانات «فضای مجازی» به راحتی می‌توان این احکام را «اشتراک» گذاشت در این زمینه رعایت بسیاری ازموارد، از جمله «حریم خصوصی» اشخاص، مسائل مختلف «حیثیتی» و انواع و اقسام محظورات «قانونی» و «اجتماعی» ممکن است مورد توجه باشد، اما می‌توان با اسامی تغییر یافته، پرونده‌‌های واقعی را منتشر کرد و به دانش‌پژوهان اجازه داد تا از آن تجربه، درس بگیرند و همچنین ارزیابی حکم قاضی به‌وسیله‌ی دیگر حقوقدانان، می‌تواند در رشد و ارتقاء احکام، ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر باشد. و قضات دادگاه‌ها با حکم قاضی دیگر در پرونده مشابه، احکام متقن‌‌‌تری صادر نمایند، این مسأله در زمانی ارزش افزوده بیشتر خواهد یافت که به صورت هوشمند، در پرونده‌‌های مشابه در دسترس قضات باشد.

الف: اجرای احکام الکترونیک

حتی اگر صراحت قانون نبود، عقل سلیم حکم می‌کند که اگر حکمی عادلانه صادر شده باشد، ممکن است از سوی مجریان به بدترین شکل انجام شود و یا آن قدر طولانی شود که ارزش حکم، از بین برود.

در این زمینه چند نوع اجرای احکام را بررسی می‌کنیم 1- اجرای احکام مالی، 2- حکم یا قرار زندان 3- تشهیر، در بقیه موارد نیز، همانند همین موارد است که می‌توان تمام الکترونیک نمود.

ب: اجرای احکام مالی

اجرای احکام مالی یکی از وظائف قوه قضائیه ‌است که در قوانین مختلف ازجمله در برنامه ششم در بخش19حقوقی و قضائی آمده است.

ماده 113 قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 ـ 1396)[[436]](#footnote-436) مقرر می‌دارد به منظور افزایش دقت و سرعت در ارائه خدمات قضائی، تحقق عدالت قضائی و احیای حقوق عامه، ارتقای کیفیت و کاهش اطاله دادرسی و ایجاد فرصت برابر برای دسترسی آحاد مردم به خدمات قضائی و کاهش ورودی پرونده‌ها و پیشگیری از وقوع جرم و دعاوی و اصلاح مجرمان و کاهش جمعیت کیفری.

مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء از طریق ادارات اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجراء می‌شوند. ادارات مذکور مکلفند بلافاصله پس از تقاضای اجرائیه نسبت به شناسایی و توقیف اموال مدیون اقدام کنند. چنانچه مرجع مذکور نتواند ظرف مدت دو ماه از تقاضای اجراء، نسبت به شناسایی و توقیف اموال متعهد سند، اقدام کند یا ظرف مدت شش ماه نسبت به اجرای مفاد سند اقدام نماید، متعهدله سند می‌تواند با انصراف از اجرای مفاد سند به محاکم دادگستری رجوع نماید.

تبصره1-‌‌‌‌آیین‌نامه اجرائی این بند به پیشنهاد وزارت دادگستری و با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه میرسد.

تبصره2- چنانچه متعهد سند لازم الاجراء، ظرف مدت بیست روز نسبت به انجام تعهد خود یا جلب رضایت متعهدله سند اقدام نماید، از پرداخت هزینه‌‌های اجرائی معاف خواهد بود. در غیر این صورت مراتب جهت درج در سامانه سجل محکومیت‌‌های مالی موضوع بند (پ) ماده (116) این قانون منعکس خواهد شد. کلیه دستگاه‌‌‌‌‌‌های اجرائی و بانک‌‌‌‌‌‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری از انعقاد هرگونه قرارداد مالی و پرداخت تسهیلات، موافقت اصولی، صدور کارت بازرگانی و پروانه صادرات و واردات به‌این شخص ممنوع هستند. تخلف از این حکم موجب مجازات تعزیری درجه شش (محرومیت از حقوق اجتماعی) خواهد بود.

###### 4- روش شبهِ الکترونیک سازمان ثبت، در اجرای احکام

در 3 تیر 1399 دکتر ذبیح الله خدائیان، معاون رئیس قوه قضائیه و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: این خبر خوب را به مردم اعلام می‌کنم که به زودی ظرف چند روز آینده تمام فرآیندهای اجرای اسناد، الکترونیکی می‌شود. هر کسی که مراجعه می‌کند به ثبت دیگر مراجعه نمی‌کند بلکه به دفاتر اسناد رسمی رفته و تقاضایی را مطرح کند این مسأله تبدیل به سند الکترونیکی شده و پرونده الکترونیکی تشکیل و به صورت الکترونیکی هم اموال شخص بررسی و شناسایی و ابلاغ و اخطار هم الکترونیکی صادر می‌شود. ممنوع الخروجی و آگهی‌ها و غیره تماماً الکترونیکی می‌شود. پرونده فیزیکی دیگر نداریم بلکه تماماً در این رابطه الکترونیکی می‌شود. در رابطه با صلاحیت دفاتر اسناد رسمی سیاست ما این بود که در دوره تحول هر آنچه که می‌شود برون سپاری شود، به مردم و بخش خصوصی واگذار شود.[[437]](#footnote-437)

روشی که‌ایشان گفته‌اند، الکترونیک نیست، بلکه مراجعه و درخواست کاغذی با هزینه و زمان بیشتر است بدین معنی که کاری را که مردم خودشان با مراجعه به ادارات اجرای احکام انجام می‌دادند به دفاتر اسناد رسمی برده و در آن جا، ضمن دادن هزینه‌‌های فراوان، کاغذی امضاء می‌کنند.

# **بند پنجم: مدیریت زندان و زندانی در فضای مجازی**

سیاست کیفرزدایی و کاهش زندانیان و مدیریت آنان همواره مد نظر قانونگذار بوده است راه‌‌های الکترونیک مختلفی با استفاده از فضای مجازی مطرح شده است، در این قسمت، دو مورد را بررسی می‌نمائیم (پابند الکترونیکی و جایگزینی محرومیت‌‌های الکترونیک)

###### 1- پابند الکترونیکی زندانیان چیست و چه کاربردهایی دارد؟

پابند الکترونیک مجرمین از جمله دستگاه‌‌های به خصوصی است که در سراسر دنیا برای کنترل و ردیابی مجرمین و زندانیان استفاده می‌شود. ردیاب مچی زندانیان به عبارتی یک وسیله کوچک شبیه پابند معمولی است که به قسمت مچ پای افراد بسته می‌شود. این ابزار برای کنترل رفت و آمد محدود زندانیان در منطقه زندان و یا محیط‌‌های خارج از آن استفاده می‌شود. شکل ظاهری این پابند شبیه ساعت‌‌های دیجیتال است و وزن سنگین و حتی ظاهر عجیبی هم ندارد.

استفاده از [جی پی اس](https://www.iranrahyab.com/)(فضای مجازی) پابند مراقبتی زندانیان طبق ماده 62 [[438]](#footnote-438) قانون مجازات اسلامی برای زندانیان آزادی مشروط و افرادی که تخفیف در مجازات شامل حالشان می‌شود با صلاحدید قاضی پرونده منع قانونی ندارد. به همین دلیل استفاده بدون مجوز و بی اجازه از مراجع قانونی برای بکارگیری از این ابزار کنترلی به غیر از تعویق مراقبتی مجوز دار، مجاز نیست. سیستم جی پی اس و ردیابی پابند مجرمین توسط مانیتورینگ فعالی که برای محدوده مکانی مشخصی معین شده کار می‌کند. عملکرد پابند الکترونیکی به گونه‌ای است که زندانبان‌ها و ‌مأموران امنیتی، سیستم محدودیت تردد را برای مجرمین خود وضع می‌کنند و با این ترتیب زندانیان در صورت خروج از محدوده مورد نظر با آلارم‌‌های هشدار دهنده مواجه می‌شود.

سیستم جی پی اس پابند الکترونیکی زندانیان مانند [ردیاب شخصی](https://www.iranrahyab.com/product/%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A7%D8%A8-%D8%B4%D8%AE%D8%B5%DB%8C/)عمل می‌کند با این تفاوت که سیستم نظارتی و کنترلی دقیق‌‌‌تری دارد. مرخصی رفتن یکی از آپشن‌‌های مهمی است که زندانیان با جرم‌‌های سبک و طبق مقررات قانونی می‌توانند از آن استفاده کنند. در این بین زندانبانان با استفاده از ردیاب زندانیان می‌توانند با خیالی راحت و آسوده برای آزادی موقت مجرمین در زمان مرخصی چاره‌اندیشی کنند.

دوره مهارت آموزی از جمله طرح‌‌های مهمی است که برای برخی از مجرمین در دوره حبس در نظر گرفته می‌شود. در این دوران مهم زندانیان با حفظ قوانین و ضوابط مربوطه وارد محیط‌‌های مهارت آموزی مانند کارگاه‌‌های نجاری، خیاطی و غیره می‌شوند و با کنترل‌‌های لازم ساعاتی از روز را برای گذراندن دوره‌‌های مهارتی از زندان خارج می‌شوند. ضرورت استفاده از ردیاب الکترونیکی تنها به دلیل کنترل هر چه دقیق‌‌‌تر و سریع‌تر زندانیان توسط ‌مأموران امنیتی و زندانبان‌ها صورت می‌گیرد.

پابند الکترونیکی زندانیان یکی از انواع ردیاب است که برای اطلاع از موقعیت مکانی مجرم به پای او بسته می‌شود و با ارسال فرکانس بر گیرنده، پلیس را از مکان فعلی زندانی باخبر می‌کند.[[439]](#footnote-439)

10 خرداد 1400 حاج محمدی خبر داد؛ رئیس سازمان زندان‌ها گفت: آمار زندانیانی که از پایند الکترونیک استفاده می‌کردند پیش از این 800 نفر بوده که در سال جاری این رقم به 3 هزار نفر افزایش یافته است.

وی با بیان اینکه با پیگیری‌‌های صورت گرفته و تأمین اعتبار، هفته گذشته قرارداد تولید 20 هزار پابند الکترونیکی جدید منعقد شده که در 6 ماه پیش رو به تدریج در اختیار سازمان زندان‌ها قرار می‌گیرد، از شرکت‌‌های دانش بنیان دعوت کرد این سازمان را در تأمین نیازهای خود در این حوزه یاری دهند.[[440]](#footnote-440)

ماده 62 قانون مجازات اسلامی، عبارت « تحت نظارت سامانه(سیستم)های الکترونیکی» را ذکر کرده است، این عبارت عام بوده و شامل انواع مختلف کنترل‌‌های الکترونیک می‌شودو صرفاً پابند نیست، بلکه می‌توان با بهره‌بری از «شرکت‌‌های دانش بنیان» از راه‌‌های ارزان‌‌‌تر و ساده‌‌‌تر استفاده کرد و روش‌‌های کنترلی دیگری را مورد توجه قرار داد.

###### 2- محرومیت‌‌های الکترونیک، مجازاتی سخت‌‌‌تر از زندان

از مجازات‌‌های قانونی، زندان است آیا مجازات زندان می‌تواند اشخاص را به اصلاح برساند؟ تصور می‌شود زندان برای اصلاح و تربیت است در حالی است در عمل زمانی که شخص به زندان می‌رود بیشتر زمان خود را با مجرمانی خطرناک‌تر می‌گذراند و ‌‌‌‌آموزش‌‌هایی را می‌بینند که قبل از آن هرگز نمی‌دانست این موارد و ‌‌‌مشکلات در خصوص فلسفه زندان است که بجای خود لازم است بررسی شود اما در اینجا مقایسه‌ای بین «مجازات‌‌های الکترونیک» با زندان خواهیم داشت.

ماده27 قانون جرائم رایانه‌ای مصوب 05/03/1388 یکی از موادی است که در آن بر محرومیت دسترسی الکترونیک به عنوان مجازات، تأکید شده است «در صورت تکرار جرم برای بیش از دو بار، دادگاه می‌تواند مرتکب را از خدمات الکترونیکی عمومی از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه مرتبه بالای کشوری و بانکداری الکترونیکی محروم کند:

الف) چنانچه مجازات حبس آن جرم نودویک روز تا دو سال حبس باشد، محرومیت از یک ماه تا یک سال.

ب) چنانچه مجازات حبس آن جرم دو تا پنج سال حبس باشد، محرومیت از یک تا سه سال.

ج) چنانچه مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، محرومیت از سه تا پنج سال.

برای عامه مردم، و ‌‌‌خصوصاً فعالان اقتصادی، این مجازات؛ بسیار سخت‌‌‌تر از از مجازات‌‌های زندان و شلاق است، جایگزین کردن یا تکمیل نمودن این مجازات‌ها و حتی به عنوان قرار بازداشت متهم (تبدیل قرار بازداشت به قرار عدم دسترسی به خدمات الکترونیک ) می‌تواند نقش بازدارنده‌‌‌تری را اجراء نماید مشروط بر آن که همین قرار، صد در صد الکترونیک بوده و بر اساس قوانین تبادل و اشتراک اطلاعات، بلافاصله به کلیه دستگاه‌‌‌‌‌‌های ذیربط، ارسال الکترونیک شده و به لحظه در کلیه سیستم‌‌ها، اعمال شود.

###### 3- نظارت و مدیریت آنلاین ورودی زندان‌‌ها

تغییر بسیاری از قوانین حبس و یا مجازات‌‌های تعزیری، به محرومیت‌‌های الکترونیکی، ‌راه‌حل بنیادین در پیشگیری از ازدحام زندان و پیشگیری از جرم است، اما به هر حال، گریزی از اعزام برخی اشخاص به زندان نیست، و تشخیص آن بر عهده دادرس است، و توصیه آن است که دادرسان، با مطالعه بیشتر، حکم یا قرار زندان صادر کنند. و در هر صورت، مدیریت همه ‌امور ورودی زندان‌‌ها، وظیفه‌ای بر عهده مسؤولین عالی قضائی است تا بدانند قرار‌‌های دادیاران و دادستان‌ها که در ایام تعطیل، افراد کم اهمیت را به زندان نفرستند. (تبعات اخلاقی و اجتماعی سنگینی دارد) نظارت بر امور زندان‌ها تا حدی مهم است که به عنوان یکی از موارد پیشگیری از ازدحام زندان‌ها و راه کاهش زندانیان شمرده شده است در بند 3 ماده 113 قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 ـ 1396)[[441]](#footnote-441) این ‌اطلاع‌رسانی به مسؤولان در خصوص زندانیان، بر عهده سازمان زندان‌ها گذاشته شده است.

به منظور پیشگیری از وقوع جرم با هدف کاهش ده درصدی (10%) سالانه آمار مجرمان،سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است ضمن آگاهی دادن به مقامات قضائی در خصوص وضعیت آمار زندانیان و فضای آزاد زندان، ظرفیت پذیرش زندانیان را به صورت برخط و با رعایت جهات امنیتی در اختیار مقامات قضائی صلاحیت دار قرار دهد. قضات با لحاظ ظرفیت اعلام شده و تناسب قرار تأمین، از صدور قرارهای تأمین منتهی به بازداشت و یا احکام حبس جز در موارد ضروری به موجب قوانین مربوط خودداری و با رعایت قوانین مربوط از تأسیس‌‌های جدید کیفری مانند تعلیق تعقیب یا مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی‌‌های مشروط و مجازات‌‌های جایگزین حبس استفاده خواهند نمود، دادسرای انتظامی قضات بر حسن اجرای این بند نظارت می‌کند.

تبصره- دستورالعمل اجرائی این بند توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و با همکاری وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

نگاه جامع به‌این ماده آن است که اطلاعات سازمان زندان‌ها به همراه اطلاعات دادگاه‌ها و دادسراها می‌تواند به مراتب دقیق‌‌‌تر، در اختیار همه مدیران و بر خط باشد و روند سلیقه‌ای برخی قضات را در ورودی اشخاص کنترل نماید و با ‌اطلاع‌رسانی برخط به مقامات عالی قضائی از آن «پیشگیری» نماید و اگر چنین شود، ورودی زندان‌‌ها، بیش از ده درصد، کم خواهد شد.

به‌دلیل عدم عمل به قانون فوق و نداشتن تدبیر آنلاین نسبت به ‌اطلاع‌رسانی به موقع به مسؤولان، قرارهای صادره از سوی دادیاران و دادرسان مشکل زاست رئیس قوه قضائیه در جمع دادستان‌‌های کشور روز پنجشنبه 16/08/1398 چنین گفت: چرا قراری صادر می‌شود که منتهی به بازداشت می‌شود؟ وقتی این موضوع را می‌پرسیم، قاضی می‌گوید من قرار بازداشت صادر نکرده‌ام؛ قرار وثیقه صادر کرده‌ام؛ قرار وثیقه صادر کردی، مگر نمی‌توانی تا بعدازظهر صبر کنی تا وثیقه را بگذارد و برای یک یا دو ساعت هم که شده پای او به زندان کشیده نشود؟ رفتن به زندان برای او و خانواده اش عوارض دارد.

ایشان، اما ‌راه‌حل را اینگونه تبیین کرد :«نظارت بر زندان‌ها بر عهده دادستان است. هر روز که قاضی به محکمه می‌رسد، باید لیست زندانیان را چک کند و دادستان‌ها هر روز که وارد دادسرا می‌شوند، باید اول لیست زندانیان را نگاه کنند و ببینند چند بازداشتی دارد و آیا می‌شود از آن‌ها بکاهند.» این در حالی است که‌امروزه، اگر با « مدیریت دانش » کار شود و از « دیتا»ی موجود در قوه قضائیه، و از جمله، دادگاه‌ها و سازمان زندان‌‌ها، بهره‌وری علمی شود آنگاه، با نظارت روزانه چند دقیقه‌ای «شخص رئیس قوه قضائیه» تا دورترین زندان‌ها قابل دیدن است همان مسأله‌ای که در قانون ذکر شده است و «ترک فعل» علت استمرار مشکل است.

###### 4- «مدیریت دانش» رئیس قوه قضائیه، بر ورود و خروج زندان‌‌‌‌‌‌ها

هر روز صبح و ظهر و شام، و حتی در ایام تعطیل، بر روی موبایل مسؤولین، می‌توان دید که همین الان، یا، روز گذشته چند نفر، با چه سن و چه جنسیت و اتهام و میزان قرار... وارد کدام زندان دوردست، شده‌اند و آن‌ها که اشتباه است، سیستم نشان دهد. آنگاه، فقط کافی است چند مورد، به آن دادیار، دادستان و رئیس دادگستری «تذکر شفاهی» داده شود و فقط سؤال شود (در ابتدای کار، نه توبیخ و نه برخورد ) که چرا این فرد را به زندان فرستادی؟ اگر فرزند یا برادر یا خواهر و همسر خودت بود، چنین قراری صادر می‌کردی؟ اگر قرار صادر می‌شد، صبر می‌کردی که انجام شود؟ یقین بدانید، پس از مدت کوتاهی، بشدت کاهش می‌یابد، زیرا همگان خود را در دوربین می‌بینند و ارزیابی عملی می‌شوند، «مدیریت دانش» در برابر «مدیریت سنتی» است که تلاش می‌کند با ابلاغ و بخشنامه ‌این کار را انجام دهد، وقتی می‌توان با بهره‌وری از «اطلاعات» موجود، با «دانش قطعی» اقدام کرد، چه نیازی به بخشنامه است؟

###### 5- نظارت سیستماتیک برتر از سرکشی فیزیکی

آیا رئیس قوه قضائیه نیازی به سرکشی فیزیکی مستمر به زندان دارد؟ آیا در عصر حاضر نیازی به اعزام بازرسان آشکار و مخفی به قسمت‌‌های مختلف قضائی و زندان‌ها در همه زمان‌ها وجود دارد؟ ابتدا خبر زیر را بخوانید رئیس قوه قضائیه با حساسیت نسبت به سرنوشت زندانیان، ‌‌‌خصوصاً زنان که حائز اهمیت هستند، از تعطیلات خود می‌گذرد و برای بازدید از زندان‌‌ها، در تاریخ جمعه 25 بهمن 1398 به زندان قرچک ورامین می‌رود و دستور آزادی زندانیانی را صادر می‌کند که ‌‌‌مشکلات حقوقی کمتری دارند.

«طی روز‌‌های گذشته نیز در راستای برنامه‌‌های تحولی ریاست قوه قضائیه و سیاست‌‌های کاهش جمعیت کیفری و در اجرای دستورالعمل ساماندهی امور زندانیان و کاهش جمعیت کیفری تعداد 60 نفر از زندانیانِ زن ندامتگاه تهران با اعطای مرخصی پایان حبس (زنانی که باقیمانده حبس آن‌ها کمتر از 4 ماه است) آزاد شدند و در مجموع تعداد زنان آزاد شده 10 درصد مجموع کل زندانیان زن زندان قرچک می‌باشد همچنین حسب دستور ریاست قوه قضائیه تعدادی از زنان که واجد شرایط عفو بودند لیست آن‌ها در کمیسیون عفو و بخشودگی قرار گرفت همزمان تعداد 50 نفر از زنان زندانی نیز به همین مناسبت به مرخصی چند روزه اعزام شدند.

نکته‌ اینجاست که رئیس قوه قضائیه تا کجا می‌تواند به سرکشی زندان‌ها برود؟ زنان زندانی در زندان قرچک مورد تفقد قرار گرفتند اما آیا زنان زندانی در زندان آبادان، چابهار، سرخس و دیگر نقاط، حق بازرسی و نظارت ندارند؟ آیا رئیس قوه و تمامی مدیران ارشد توان آن را دارند که در طول یک سال همه‌این موارد را بروند؟ و مهم‌‌‌تر این که هرچند رئیس قوه ممکن است بدون اطلاع قبلی رفته باشد یا آن گونه که در قانون خواندیم بازرسان مختلف رفتند، مسؤولین آن جا، با جابجائی سریع، مخفی کردن موارد تخلف، تهدید اشخاص به‌اینکه اگر شکایت کنند، با آنان طرف هستند و امثال این موارد، مطالب را اشتباه به اطلاع مسؤولین و بازرسان برسانند. و تأکید می‌شود تا قبل از امکانات الکترونیک امروزه، راه نظارت، انحصاراً همین سرکشی‌ها بوده است اما امروزه ‌این راه، نیاز قطعی نیست، و نظارت و بازرسی مستمر و دقیق، ‌راه‌حل علمی مدرن دارد و دیتای آن کاملاً به روز می‌تواند در اختیار رئیس قوه قرار گیرد و با نظارت علمی بر «ورود و خروج » زندان‌‌ها، افراد باقیمانده در زندان‌ها و... تصمیمات مهم و عملی اتخاذ کنند و نیازی هم به سرکشی نیست.

به عنوان مثال، امروزه دیتای ورود و خروج زندانیان وجود دارد و می‌توان با مونیتورینگ روزانه موارد را دید. و تشخیص داد که کدام زندانی با کدام جرم یا اتهام در کدام زندان وجود دارد و تیمی مطمئن از قضات با تجربه، در نقاط مختلف کشور، این نظارت را از طریق موبایل‌‌های خود انجام دهند و ببینند که زندانی مستحق آزادی است یا باید به وی کمک شود و یک هیأت بررسی کننده نهائی مجازی، تیک تأیید بزنند و مشکل فرد حل شود.

###### 6- عفو زندانیان در سامانه الکترونیک

در خصوص لیست اشخاص مستحق عفو و بخشودگی نیز می‌توان درخواست‌ها را در سیستم آنلاین متمرکز قوه قضائیه، شناسائی کرد و تیم عفو (غیر‌قابل دیدن و تبانی)، آن پرونده‌ها را بررسی کرده و به مسؤولین ارائه دهند و عفو یا تخفیف بگیرند، اگر سامانه برخط «اعتبار سنجی» زندانیان و رفتار آنان ایجاد شود، عفو و یا لیست کاهش محکومیت و پیگیری آن‌‌ها، از سلیقه رئیس زندان و بند خارج خواهد شد و گرفتن رشوه و پارتی و قراردادن افراد در لیست عفو، به حداقل کاهش می‌یابد.

###### 7- بازاجتماعی کردن و کمک به خانواده‌‌های زندانیان

بر اساس بند ج ماده 38 قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه ششم کشور مصوب 10/11/1395 که مقرر می‌دارد: «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است با همکاری دستگاه‌‌‌‌‌‌های اجرائی، مؤسسات عمومی و مردم نهاد، به منظور باز اجتماعی شدن محکومان اقدامات زیر را انجام دهد:

1- با رویکرد ارتقای بازدارندگی و جنبه اصلاحی مجازات حبس، اصلاح محیط زندان‌ها از طریق اقداماتی نظیر طبقه‌بندی زندانیان و بازداشت شدگان براساس سابقه و نوع جرائم ارتکابی، تفکیک متهمان از محکومان در بازداشتگاه‌‌‌‌‌‌های موقت در شهرهای بالای بیست هزار نفر جمعیت

تبصره ـ وزارت بهداشت، درمان و ‌‌‌‌آموزش پزشکی با هماهنگی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، زندان‌ها را به عنوان منطقه بهداشتی تحت پوشش خدمات جامع و همگانی سلامت کشور قرار دهد.

2- ‌‌‌‌آموزش زندانیان واجد شرایط با همکاری وزارت ‌‌‌‌آموزش و پرورش و سازمان ‌‌‌‌آموزش فنی و حرفه‌ای کشور

3- رفع مشکل معیشتی خانواده‌‌های زندانیان بی بضاعت با همکاری کمیته ‌امداد امام خمینی(ره)، سازمان بهزیستی کشور و سایر نهادهای ذی‌ربط و بیمه سلامت رایگان زندانیان و خانواده آنها.

تبصره ـ اعتبار مورد نیاز برای اجرای این حکم هرساله در بودجه‌‌های سنواتی ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی می‌شود.[[442]](#footnote-442)

تمامی این موارد چه در طول دوران زندانی و چه پس از آزادی مشروط یا قطعی، می‌توان در سامانه طراحی کرد به طوری که در هرکدام، مدیریت علمی امکان پذیر باشد. با چنین سامانه‌ای، کمک به خانواده زندانیان از روش کنونی تغییر یافته و موجب سلامت آن و عدم ارتباط اشخاص مسأله دار می‌گردد، خانواده‌ها می‌توانند شناسائی شده و با حفظ حرمت و احترام آنان، هرنوع کمکی به طور مستقیم به خودشان ارائه شود، بدون آن که‌امکان سوء استفاده وجود داشته باشد.

گفتار سوم: ‌‌‌مشکلات، جرائم و آینده فضای مجازی در دادرسی

# **مبحث اول: فضای مجازی حریم خصوصی**

از آنجا که اطلاعات مربوط به اشخاص حقیقی یا حقوقی نزد سازمان‌‌های مختلف وجود دارد و در مواردی از آن‌‌ها، اطلاعات موجود سازمان‌ها و نهادها گاه از نظر قانونی محرمانگی دارد و لذا عدم اشتراک‌گذاری آن‌ها موجب «عدم دستیابی» به «مدیریت دانش» می‌شود، آیا برای این مشکل ‌راه‌حل حقوقی وجود دارد که دادگاه‌‌‌‌‌‌ها و یا هر یک از بررسی کنندگان پرونده، بتوانند از این دیتاها استفاده کنند.

# **بند اول: حقوق اساسی بشر حریم خصوصی**

حقوق اساسی بشر، حقوق لازم برای توسعه و اعمال استقلال[[443]](#footnote-443) است. عزت انسانی در توسعه حقوق بشر ضروری است. به عبارت دیگر، انکار فرد به عنوان استاد زندگی خود، نتیجه نقض فاحش حقوق بشر در همه جوامع است. کرامت در وابستگی متقابل با حریم خصوصی نهفته است. حریم خصوصی آزادی است که می‌تواند از طریق حقوق طبیعی که در یک ملت، ایالت یا جامعه ‌بین‌المللی تأیید و قانونی شود. استقلال از نظر حریم خصوصی ناشی از شرایط ممتازی است که در ابتدا تضمین حداقل ظرفیت رفتار، حفظ رفاه جسمی و متعادل کردن نیازها و حقوق اصلی است. این حریم خصوصی، صرف نظر از حق قانونی برای زندگی خصوصی، چهارچوبی برای شخصیت - پایه و اساس استقلال - ایجاد می‌کند.[[444]](#footnote-444)

###### 1- حفظ حریم خصوصی افراد و تأمین امنیت داده‌‌های شخصی

ماده 658 قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب 10/08/1393 مقرر می‌دارد «قوه قضائیه موظف است تمهیدات فنی و قانونی لازم را برای حفظ حریم خصوصی افراد و تأمین امنیت داده‌‌های شخصی آنان، در چارچوب اقدامات این بخش فراهم آورد.» تخلف از این ماده، جرم انگاری شده است.

ماده 660ـ چنانچه اشخاصی که داده‌‌های موضوع این بخش را در اختیار دارند، موجبات نقض حریم خصوصی افراد یا محرمانگی اطلاعات را فراهم آورند یا به طور غیرمجاز آنها را افشا کرده یا در دسترس اشخاص فاقد صلاحیت قرار دهند، به حبس از دو تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا دویست میلیون ریال و انفصال از خدمت از دو تا ده سال محکوم خواهند شد.

ماده 661ـ چنانچه اشخاصی که مسؤول حفظ امنیت مراکز، سامانه‌‌های رایانه‌ای و مخابراتی و اطلاعات موضوع این بخش هستند یا داده‌ها یا سامانه (سیستم)های مذکور در اختیار آنان قرار گرفته است بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت یا عدم رعایت تدابیر متعارف امنیتی موجبات ارتکاب جرائم رایانه‌ای به وسیله یا علیه داده‌ها و سامانه‌‌های رایانه‌ای و مخابراتی را فراهم آورند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا انفصال ازخدمت تا پنج سال یا جزای نقدی از ده تا صدمیلیون ریال محکوم خواهند شد.[[445]](#footnote-445)

Bottom of Form

###### 2- مصادیق جرم نقض حریم خصوصی در فضای مجازی

یکی از مهم‌‌‌ترین بخش‌‌های موجود در قانون جرائم رایانه‌ای حوزه مرتبط با نقض حریم خصوصی و انجام فعالیت‌‌های بزهکارانه در فضای مجازی است. در زیر به مصادیق نقض حریم خصوصی در شبکه‌‌های اجتماعی که در قانون (علی‌الخصوص قانون جرائم رایانه‌ای) جرم انگاری شده است می‌پردازیم:

• دسترسی غیرمجاز به داده‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی نظیر هک ایمیل یا حساب کاربری اشخاص

• شنود غیرمجاز محتوای در حال انتقال در سیستم‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی نظیر استفاده از نرم‌افزارهای شنود چت‌‌های اینترنتی

• دسترسی غیرمجاز به داده‌‌های سری در حال انتقال در سیستم‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌‌های داده یا تحصیل و شنود آن

• در دسترس قرار دادن داده‎های سری در حال انتقال در سیستم‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌‌های داده برای اشخاص فاقد صلاحیت

• نقض تدابیر امنیتی سیستم‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به قصد دسترسی به داده‌‌های سری در حال انتقال در سیستم‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌‌های داده

• حذف یا تخریب یا مختل یا غیرقابل پردازش نمودن داده‌‌های دیگری از سیستم‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌‌های داده به طور غیرمجاز

• از کار انداختن یا مختل نمودن سیستم‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به طور غیرمجاز نظیر غیرفعال سازی پایگاه داده تارنماها و ممانعت از دسترسی اشخاص به پایگاه‌‌های اینترنتی شخصی

• ممانعت از دسترسی اشخاص مجاز به داده‌‌های یا سیستم‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به طور غیرمجاز

• ربودن داده‌‌های متعلق به دیگری به طور غیرمجاز

• هتک حیثیت از طریق انتشار یافتن صوت و فیلم تحریف شده دیگری به وسیله سیستم‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی

• نشر اکاذیب از طریق سیستم‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی

• فروش یا انتشار یافتن یا در دسترس قرار دادن گذرواژه یا هر داده‎ای که ‌امکان دسترسی غیرمجاز به داده‎ها یا سیستم‎های رایانه‎ای یا مخابراتی متعلق به دیگری را فراهم می‎کند

• ‌‌‌‌آموزش نحوه ارتکاب جرائم دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، جاسوسی رایانه‌ای و تخریب و اخلال در داده‌ها یا سیستم‌‌های رایانه‌ای و مخابراتی

###### 3- ضرورت بازتعریف حریم خصوصی در فضای مجازی

تا پیش ظهور و بروز موبایل و اینترنت، بسیاری از موارد قابلیت «حفظ از دید دیگران» داشت و به عنوان حریم خصوصی مطرح می‌شد اما امروزه با توجه به دیتابیس‌‌های کوچک و بزرگی که توسط خدمات‌رسان‌ها و سرویس دهندگان اینترنتی و ‌‌‌خصوصاً شبکه‌‌های اجتماعی، به مردم ارائه می‌شود انبوهی از اطلاعات مختلف شخصی افراد، حتی سلیقه آن‌ها در غذا و خوراک و پوشاک و اخبار و مطالب و عکس‌ها و فیلم‌ها و همه موضوعات، در اختیار دیگران و در دسترس پلتفرم‌‌ها، است که در جهت مصارف تبلیغاتی و تجاری مصرف می‌شود.

در اینجا یک تعارض مهم مطرح می‌شود و آن اینکه دیتا (Data) ماینینگ و استفاده از دیتا‌ها در جهت بهره‌بری هر چه بیشتر و اقتصادی بودن آن مورد توجه قرار می‌گیرد و در نتیجه، حریم خصوصی مورد تعرض است که اطلاعات ثبت‌نام کنندگان در یک فروشگاه یا بهره‌بران از سایت‌‌ها، طبقه‌بندی در جهت اهداف تجاری و دیگر هدف‌‌ها، صورت گیرد یا نگیرد که نیازمند تحقیق تفصیلی است.

الف: ضرورت بازتعریف حریم خصوصی و اطلاعات شخصی

در یک برخورد ‌‌‌‌کلاسیک با اطلاعات شخصی[[446]](#footnote-446) افراد، جایگاه موتورهای جستجوی اینترنتی[[447]](#footnote-447) مورد سؤال قرار می‌گیرد و حفاظت از حق افراد در رابطه با پردازش داده‌ها،[[448]](#footnote-448) پردازش داده‌ها در وب سایت،[[449]](#footnote-449) جستجو برای فهرست بندی و ذخیره سازی اطلاعات کاربران،[[450]](#footnote-450) موجب مسؤولیت موتور جستجو در حفاظت از داده‌ها[[451]](#footnote-451) و افزایش میزان تعهدات اپراتور‌ها در حفظ حقوق کاربران[[452]](#footnote-452) می‌شود اما در عمل، تغییرات بنیادینی صورت گرفته که تعارض بین حریم خصوصی و سیستم‌‌های اینترنتی را با «تعهداتی که از کاربران برای افشاء هویت می‌گیرند» حل کرده است.

ب: GDPR به اهداف خود نرسید

مقررات جدید اتحادیه اروپا برای تقویت حفاظت از اطلاعات عمومی شهروندان اتحادیه اروپا ایجادشده و شرکت‌ها باید پیش از اجرایی شدن آن آماده شده و از وقوع حوادث جدی و هزینه‌بر جلوگیری کنند.

این سیاست یکی از مهم‌ترین عناصر در قوانین حقوق بشر و حفظ حریم خصوصی در اتحادیه اروپا است، که برای اقتصاد دیجیتال ما و شکل‌گیری تکامل آن در سال‌های آینده بسیار مهم است.

کمیسیون اروپا در فوریه 2016 سیاست جدید «جی‌دی‌پی‌آر»[[453]](#footnote-453) را تصویب کرد و انتظار می‌رود در ماه مه 2018 پس از یک دوره تحول دوساله، قابل‌اجرا باشد. این مقررات به‌طور مستقیم به تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا اعمال می‌شود بدون اینکه نیاز به اجرای قوانین ملی باشد. این قوانین نه‌تنها برای نهادهای عمومی بلکه برای تمام نهادهایی که اطلاعات شخصی را در اتحادیه جمع‌آوری و اداره می‌کنند، قابل پیاده‌سازی ‌است. در مقاله‌ای با عنوان «هدف جی‌دی‌پی‌آر چیست؟» 10 جنبه مهم از مقررات حفاظت از اطلاعات عمومی اتحادیه اروپا را برشمرده که عبارت است از:

1- قوانین جمع آوری اطلاعات سخت گیرانه‌‌‌تر می‌شوند.

2- شما مسؤول حفاظت از اطلاعات شخصی خود در برابر هرگونه آسیب هستید.

3- صاحبان داده حق «به فراموشی سپرده شدن اطلاعات خود از روی سایت» را دارند. (یعنی اطلاعات آن‌ها پس از مدتی از روی سایت محو شود.)

4- کاربران از نظارت کامل بر اطلاعات خود رضایت بیشتری دارند.

5- مشتریان قادر به تشکیل پرونده‌‌های قانونی برای پیگیری اطلاعات به خطر افتاده خود خواهند بود.

6- شما مسؤول جلب رضایت و ارتباط صحیح با کاربر هستید.

7- ارائه گزارشی فوری در رابطه با درز اطلاعات خصوصی کاربران به بیرون اجباری است.

8- مجازاتی شدید در انتظار شرکت‌ها و سازمان‌ها در صورت سرپیچی از قوانین جی‌دی‌پی‌آر[[454]](#footnote-454) اتحادیه اروپا

9- انتقال اطلاعات شخصی به خارج از اتحادیه اروپا اکنون قانونی شده است.

10- شرکت‌ها باید یک افسر برای حفاظت از داده‌ها تعیین کنند.[[455]](#footnote-455)

اما در عمل، هیچ یک از اهداف فوق تحقق نیافت و مشکل حریم خصوصی را حل نکرد و سایت‌‌های بزرگ و نرم‌افزارهای نصبی بر موبایل، همان ابتدا مجوز استفاده از کل اطلاعات شخصی را از کاربران می‌گیرند و سپس اجازه ورود می‌دهند. (مانند رضایت نامه‌ای که پزشکان، قبل از عمل جراحی می‌گیرند.)

پس از تصویب قوانین جدید حفاظت از داده در اتحادیه اروپا، وقتی کاربران برای اولین بار به آدرس‌‌های اینترنتی می‌روند مشابه‌این متن دیلی میل انگلیسی را می‌بینند. دی‌ام‌جی مدیا[[456]](#footnote-456) و شرکای آن اطلاعات را در دستگاه پردازش، ذخیره و یا قابل دسترسی می‌کنند.ما و شرکای خود بر اساس رضایت شما برای نمایش تبلیغات و محتواهای شخصی، اندازه‌گیری آگهی و محتوا، بینش مخاطبین و توسعه محصول، استفاده از داده‌‌های دقیق موقعیت جغرافیایی، و داده‌‌هایی مانند آدرس «آی‌پی»، شناسه منحصر به فرد و داده‌‌های مرور، پردازش، ذخیره و/یا دسترسی داریم. به طور فعال ویژگی‌‌های دستگاه را برای شناسایی اسکن کنید.

گاهی اوقات ما و/یا شرکای ما به رضایت شما تکیه نمی‌کنیم بلکه برای پردازش داده‌‌های شما به منافع قانونی متکی هستیم. برای مشاهده شرکای ما، دلیل تکیه بر منافع قانونی و نحوه اعتراض، روی تنظیمات کوکی در زیر کلیک کنید. نحوه استفاده از داده‌‌های خود را کنترل کنید و اطلاعات بیشتر را در هر زمان از طریق پیوند تنظیمات کوکی در خط مشی رازداری مشاهده کنید. اگر تأیید کنند، اجازه ادامه دارند و گرنه نمی‌توانند استفاده کنند در نتیجه کل اهداف «جی‌دی‌پی‌آر» با این مجوز، بلااثر می‌شود.

ج: جمع محرمانگی اطلاعات و ضرورت دسترسی اطلاعات شخصی

یکی از ‌‌‌مشکلات مدیریت صحیح، نداشتن اطلاعات است و از آنجا که اطلاعات مربوط به اشخاص حقیقی یا حقوقی نزد سازمان‌‌های مختلف وجود دارد و در مواردی از آن‌‌ها، اطلاعات موجود سازمان‌ها و نهادها گاه از نظر قانونی محرمانگی دارد و لذا عذر می‌آورند که نمی‌توانند به اشتراک بگذارند، تصمیم‌ گیری‌ها غلط می‌شود.

محرمانگی اطلاعات، بر دو دسته است: محرمانگی امنیتی و محرمانگی شخصی، در خصوص اطلاعات محرمانه‌ امنیتی، مبحث دیگری است که باید به آن پرداخت اما اطلاعات محرمانه افراد، اعم از شخص حقیقی یا حقوقی، نزد سازمان‌‌های پزشکی، بیمه‌ها (سازمان‌‌های بیمه گر منزل و خودرو، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بیمه سلامت و...) کارگاه‌‌ها، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، سازمان آمار و مشابه آن‌‌ها، که ممکن است در قوانین مختلف، ممنوعیت انتشار آنها وجود دارد و یا سازمان‌‌‌‌‌‌ها ادعا کنند که محرمانه است. اما بر اساس قانون، از نظر واقعی، برای خود شخص، محرمانگی ندارد و صرفاً انتشار آن برای غیر، بدون مجوز صاحب آن اطلاعات، ممکن است خلاف باشد.

د: انتخاب، بین «حریم خصوصی» و «بهره‌گیری از اینترنت»

آیا مقررات حفظ حریم خصوصی قوی‌‌‌تر باعث افزایش استفاده از اینترنت می‌شود یا تسهیلاتی که در زندگی به‌وسیله‌ی اینترنت ارائه می‌شود موجب اعتماد می‌شود و مردم نسبت به حریم خصوصی خود، دچار دگردیسی شده‌اند و بخش وسیعی از آن چه را که سابقاً پنهان می‌کردند، امروزه تعصبی ندارند؟

شواهد کمی وجود دارد که نشان می‌دهد فراتر از حداقل سطح اصلی حمایت از مصرف کننده، مقررات حفاظت از حریم خصوصی قوی‌‌‌تر، اعتماد را افزایش می‌دهد. در مقابل، مقررات اضافی با افزایش هزینه‌ها و کاهش درآمد شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری در محصولات و خدمات جدید، عرضه فناوری‌‌های دیجیتال را محدود می‌کند. در چارچوب فناوری، اعتماد، سطح اطمینانی است که فرد در معرض خطر یا عدم وجود آن در استفاده از یک فناوری معین مبتنی بر تجربیات و انتظارات خود دارد. احتمال اینکه افراد از یک فناوری خاص استفاده کنند، تابعی از ارزشی است که آنها در استفاده از فناوری و میزان اعتمادشان درک می‌کنند. به عنوان مثال، بیشتر مصرف کنندگان به‌اینترنت اعتماد می‌کنند - آنها معتقدند که آن بی‌خطر است و به آنها آسیب نمی‌رساند - و از رفتن آنلاین، و به اشتراک گذاری اطلاعات آن‌‌ها، ترسی ندارند زیرا ارزش قابل توجهی را از اینترنت و نرم‌افزارها بدست می‌آورند، بنابراین تصمیم می‌گیرند که از این فناوری استفاده کنند.[[457]](#footnote-457)

ه: روش قانونی حل تعارض حریم خصوصی و بانک‌‌های اطلاعاتی

برای تصمیم‌گیری در زمینه‌های گوناگون، نیازمند آن هستیم که اطلاعات دقیق فرد را داشته باشیم در غیر این صورت ‌‌‌‌‌کلاهبرداران، امکانات فراوانی می‌گیرند و «عدالت» خدشه دار می‌شود. به طور مثال برای دادن تسهیلات بانکی، نیازمند آن هستیم که بدانیم یک فرد چه میزان توانمندی و تمکن مالی دارد و چه میزان می‌تواند اقساط خود را بپردازد، بررسی واقعی این مسأله، حداقل نیازمند چندین اطلاعات، از چندین بانک است که بر روی برخی از آنها مهر محرمانگی خورده است. حل یک مورد از تعارض بانک‌‌‌‌‌‌های اطلاعاتی با حریم خصوصی را توضیح میدهیم و بقیه نیز مانند آنهاست.

اطلاعات مالی بانکی و گردش حساب اشخاص، یکی از موارد محرمانه است که نمی‌توان در اختیار دیگران قرار داد، اما برای دریافت تسهیلات، از سوی یک شخص حقیقی یا حقوقی، می‌توان این اطلاعات را گرفت تا فردی که گردش مالی ندارد به راحتی نتواند مبالغ بسیار فراوانی دریافت کند و بازپرداخت نکند.

در این زمینه کافی است که بانک مرکزی جمهوری اسلامی، از امکانات موجود (صددرصد الکترونیک پیشرفته‌ای که دارد و کاملاً در اختیار بانک مرکزی است مانند شتاب و شاپرک) روشی تمام الکترونیکی را انجام دهد که هر شخص، خودش، بتواند استعلام گردش مالی خود را از کلیه حساب‌‌هایش داشته باشد، مثلاً یک فرد با ورود به آن سیستم بتواند به راحتی بفهمد، از ابتدای سال تا انتهای آن چه میزان پول وارد حساب‌‌‌‌‌‌های او شده و چه میزان خارج شده است، و هر نوع اطلاعات حساب‌‌های خودش در همه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری را بگیرد.

در این صورت با قرار دادن یک کلید بر روی صفحات الکترونیکی بانک‌ها (از قبیل بام یا بله در بانک ملی، و یا در صفحه الکترونیک بانک تجارت و نرم‌افزار‌‌های شبکه اجتماعی آن، و یا صفحه‌اینترنتی بانک ملت و امثال آن‌ها) بدون ایجاد یک پلت فرم جدید، فقط یک سلسله اقدامات نرم‌افزاری برای دسترسی جدید ایجاد شود، تا اشخاص (با توجه به احراز هویتی که ‌‌‌‌‌قبلاً شده‌اند) با زدن یک کلید ابتدا تا انتهای توانمندی مالی و گردش مالی خود را مشخص کنند و با همان کلید، فایل مربوطه، به سازمان مقصد، از سوی خود شخص، ارسال شود و با یک کد یونیک، و یا کیو آر کد قابل استعلام باشد؛ این فایل میتواند به صورت اکسل، تکست ،پی دی اف و امثال آن باشد و در یک ساختار مشخص، تبادل شود.

بنابراین، بدون آنکه محرمانگی اطلاعات از بین برود؛ خود شخص، داوطلبانه، اطلاعات خود را گرفته و به سازمان مورد نظر، ارائه می‌دهد که اگر به صورت تمام الکترونیک باشد، به سرعت می‌توان کار را انجام داد و این مسأله، تسهیلات بسیار فراوانی برای مردم ایجاد می‌کند. این مطلب در همه زمینه‌ها، و همه بانک‌‌های اطلاعاتی محرمانه شخصی، ساری و جاری است و در هر زمینه‌ای که بتوان آن را استفاده کرد، می‌توان از جعل‌ها و سوء استفاده‌ها پیشگیری کرد.

درقانون انتشار و دسترسي آزاد به اطلاعات، مصوب 06/11/1387 به عنوان تکلیفِ تسهیل برای مردم، تصریح شده است که همه دستگاه‌‌‌‌‌‌های اجرائی و مؤسسات عمومی، مکلف به ارائه اطلاعات شخصی هر فرد، به خودش هستند، اگر متقاضی باشد و نمی‌توانند درخواست هیچ گونه دلیلی داشته باشند، با ارائه ‌این تسهیل به مردم، هر شخص مسؤول دریافت اطلاعات الکترونیک خود، و ارائه به شخص دیگر است:

ماده 6 قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات[[458]](#footnote-458) مصوب 04/11/1388 این مسأله را الزامی دانسته است و حق مردم برشمرده است: «درخواست دسترسی به اطلاعات شخصی تنها از اشخاص حقیقی که اطلاعات به آنها مربوط می‌گردد یا نماینده قانونی آنان پذیرفته می‌شود.»

ماده 7 این قانون به صراحت اعلام کرده است «مؤسسه عمومی نمی‌تواند از متقاضی دسترسی به اطلاعات هیچ گونه دلیل یا توجیهی جهت تقاضایش مطالبه کند.» در حقیقت به سازمان‌ها و نهاد‌ها و ادارات، ارتباطی ندارد که از متقاضی دلیل قانع‌کننده‌ای را بخواهند و بهانه‌جوئی کنند.

ماده 8 مقرر می‌دارد «مؤسسه عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریع‌‌‌ترین زمان ممکن پاسخ دهد و در هر صورت زمان پاسخ نمی‌تواند حداکثر بیش از 10 روز از زمان دریافت درخواست باشد» طبیعی است که زمان مطرح شده در این ماده، مربوط به استعلام‌‌های کاغذی است، اما درخواست‌‌های الکترونیک، زمان به کسری از دقیقه تبدیل شده است.

# **بند دوم: جرائم اینترنتی**

هر پدیده‌ای، برای خود نیکوئی و عیب‌ها دارد، از زمانی که منافع وجود داشته، تخلف و تقلب و سرقت و امثال آن نیز بوده و هست، با پدید آمدن اینترنت، جرائمی پدید آمد که از قبل وجود نداشت مانند هک، و برخی جرم‌ها تغییر شکل داد، مانند اهانت، دروغ، اتهام زنی، ‌‌‌‌‌کلاهبرداری و سرقت اینترنتی که فقط تغییر شکل بود، در همه کشورها و نهادهای ‌بین‌المللی در خصوص این موارد مباحث فراوانی صورت گرفت.

نخستین واکنش قانونگذار ایران در برخورد با جرایم رایانه‌ای[[459]](#footnote-459) الحاق تبصره 3 ماده یک قانون‌مطبوعات در تاریخ 30/1/ 79 بود که مقرر داشت: «کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است». پس از آن قوانین دیگری از قبیل: «قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب 4/10/79 »، «قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب 17/10/1382 که در ماده 131 خود، اقسام جرایم رایانه‌ای نظامیان از قبیل جعل،جاسوسی، سوءاستفاده مالی و... را برشمرده است» و «قانون تجارت الکترونیکی مصوب17/10/82 »، مصادیقی از این نوع جرایم را احصاء کرده‌اند. قانون جرایم رایانه‌ای در تاریخ 3/20/88 تصویب شد این قانون به جرم انگاری رفتارهای قابل ارتکاب در فضای سایبر و آیین دادرسی خاص این جرایم پرداخته است [[460]](#footnote-460) پس از سال 1388 نیز همچنان در خصوص جرائم الکترونیکی و ادله و اسناد آن در قوانین مختلف دیگر موارد فراوانی ذکر شده است.

درعصردیجیتال، فناوری اطلاعات، تمام ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی وازجمله ابعاد مختلف نظم وامنیت جوامع انسانی را متحول نموده است. به‌تبع آن حقوق کیفری را نیز عمیقاً متاثرساخته است. در دنیای امروزی مجرمین حرفه‌ای با بهره‌مندی از دانش الکترونیک محوردر فضای مجازی با روش‌‌‌‌‌‌های غیرمجاز برای تأمین مالی هزینه‌‌های تروریسم، اقدام به پولشویی سایبری می‌کنند. این تحول، حقوقدانان وسیاست گذاران حوزه‌‌های مربوطه را به تامل وادارنموده است. تفاوت‌‌‌‌‌‌های جرایم سایبر با جرایم سنتی به گونه‌ای است که رویکرد کیفری متعارف واصول ومبانی شناخته شده آن برای مقابله با این جرایم پاسخگو نیستند. فرامرزی بودن، سهولت ارتکاب جرم وناشناختگی مجرمین ازجمله خصایص این گونه جرایم‌اند. ویژگی‌‌های مذکور از یک سو و وابستگی‌‌های ساختارهای زندگی مدرن به تکنولوژی سایبر از یک سوی دیگر، تبیین یک رویکرد کیفری متفاوت را ضروری ساخته است. اثربخشی وکارآیی قوانینی که برای مقابله با جرایم دیجیتال تصویب می‌شوند، مستلزم نگاهی متفاوت به مقولاتی مانند تعریف جرم، ارکان جرم، مسؤولیت کیفری وامثال آن است.[[461]](#footnote-461)

جرایم اینترنتی هر گونه فعالیت جنایی است که در فضای مجازی رخ می‌دهد. یکی از اولین و رایج‌‌‌ترین انواع فعالیت‌‌های جرایم اینترنتی، هک شدن است. این ‌‌‌‌موضوع تقریباً در دهه 1960 آغاز شد. هک شامل سرقت هویت‌ها و اطلاعات مهم، نقض حریم خصوصی و انجام تقلب در میان دیگران است. 16 مورد از مهم‌‌‌ترین جرائم فراگیر سایبری[[462]](#footnote-462) عبارت است از؛ تقلب[[463]](#footnote-463) هک کردن[[464]](#footnote-464) دزدی هویت[[465]](#footnote-465) ‌‌‌‌‌کلاهبرداری[[466]](#footnote-466) ویروس کامپیوتری[[467]](#footnote-467) باجگیری با رمز نگاری متن‌ها[[468]](#footnote-468) حمله دی داس [[469]](#footnote-469) کنترل بات نت[[470]](#footnote-470) هرزنگاری[[471]](#footnote-471) فیشینگ[[472]](#footnote-472) مهندسی اجتماعی[[473]](#footnote-473) سوء استفاده[[474]](#footnote-474) گفتگوی سایبری[[475]](#footnote-475) نرم‌افزار دزدی[[476]](#footnote-476) پورنوگرافی کودکان[[477]](#footnote-477) دروغ سایبری[[478]](#footnote-478) اذیت سایبری [[479]](#footnote-479) [[480]](#footnote-480) نمونه‌ای از حملات و اذیت و آزار اینترنتی را در مورد اشخاص مشهور، در گزارش‌های مختلف از جمله گزارش زیر ملاحظه نمائید.

###### 1- جرائمی که در اینترنت و رایانه اتفاق می‌افتد

در قوانین مختلف ازجمله در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب 05/03/1388 مجلس شورای اسلامی تعداد زیادی از جرائم رایانه‌ای مطرح شده، و مجازات‌‌هائی نیز بیان گردیده است عناوین این قانون جهت اختصار بیان می‌شود:

بخش یکم جرائم و مجازات‌‌ها

• فصل یکم جرائم علیه محرمانگی داده‌ها و سامانه‌‌های رایانه‌ای و مخابراتی

• مبحث یکم دسترسی غیرمجاز

• مبحث دوم شنود غیرمجاز

• مبحث سوم جاسوسی رایانه‌ای

• فصل دوم جرائم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سامانه‌‌های رایانه‌ای و مخابراتی

• مبحث یکم جعل رایانه‌ای

• مبحث دوم تخریب و اخلال در داده‌ها یا سامانه‌‌های رایانه‌ای و مخابراتی

• فصل سوم سرقت و ‌‌‌‌‌کلاهبرداری مرتبط با رایانه

• فصل چهارم جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی

• فصل پنجم هتک حیثیت و نشر اکاذیب

• فصل ششم مسؤولیت کیفری اشخاص

• فصل هفتم سایر جرائم

• فصل هشتم تشدید مجازات‌‌ها

• آیین دادرسی الکترونیک

• فصل یکم صلاحیت

• فصل دوم جمع آوری ادله الکترونیکی

• مبحث اول نگهداری داده‌‌ها

• مبحث دوم حفظ فوری داده‌‌های رایانه‌ای ذخیره شده

• مبحث سوم ارائه داده‌‌ها

• مبحث پنجم شنود محتوای ارتباطات رایانه‌ای[[481]](#footnote-481)

هریک از این موارد، می‌تواند خود یک پژوهش مفصل باشد.

###### 2- جرم انگاری از فیلم برداری صحنه‌‌ها

یکی از «جرم انگاری‌‌ها» مسأله فیلم‌برداری و انتشار آن از خشونت‌‌های پلیس است، در آلمان برای کسانی که با استفاده از تلفن همراه به هنگام وقوع حوادث، سلفی می‌گیرند از هزار یورو جریمه نقدی تا 2 سال زندان مجازات در نظر گرفته شده است.[[482]](#footnote-482)

لایحه جنجالی موسوم به «امنیت جامع» روز سه شنبه 24 نوامبر (4 آذر) با اکثریت قاطع در مجلس ملی فرانسه تصویب شد. و پیشنهاد دولت در آن با نظر موافق 388 نماینده در برابر تنها 104 رأی مخالف در مرحله پارلمانی پذیرفته شد. مهم‌‌‌ترین بخش این قانون درباره همرسان کردن تصاویر ‌مأموران پلیس است. بر پایه یکی از مواد این قانون جنجالی که پیش نویس آن تا امروز در دست بررسی بود، پخش تصویر ‌مأمور پلیس اگر به قصد آسیب رساندن به او انجام گیرد، جرم انگاشته شده و عامل این اقدام به زندان تا یک سال و جریمه نقدی تا 45 هزار یورو محکوم می‌شود. این قانون تاکنون انتقادهای زیادی را در فرانسه برانگیخته است. منتقدان این قانون می‌گویند که چنین قانونی محدود کننده آزادی‌‌های شهروندان و به ویژه مخل کار خبرنگاران خواهد بود. فعالان حقوق شهروندی و روزنامه نگاران فرانسه در روزهای اخیر اعتراضاتی را علیه‌این قانون در پاریس و بیش از 20 شهر دیگر برپا کرده‌اند.[[483]](#footnote-483)

یورونیوز در تاریخ 26/11/2020 گزارش داد: مردی که به دست ‌مأموران پلیس فرانسه مجروح شد. تصاویر ضرب و جرح مردی سیاهپوست در محله هفدهم پاریس در حالی منتشر می‌شود که کشمکش سیاسی در فرانسه بر سر تصویب طرح «امنیت جامع» ادامه دارد. بنا به ماده 24 این طرح انتشار تصویر ‌مأموران پلیس اگر با هدف «آسیب زدن» به آنها انجام شود ممنوع است. ژان کاستکس، نخست وزیر فرانسه شامگاه پنجشنبه اعلام کرد که کمیسیونی را ‌مأمور بازنویسی متن ماده 24 طرح «امنیت جامع» کرده است.

مرد سیاهپوستی که شنبه شب گذشته در پاریس به دست ‌مأموران پلیس مورد ضرب و جرح قرار گرفت از «ناسزای نژادپرستانه» این ‌مأموران سخن گفته است. ‌مأموران پلیس مدعی شده‌اند که ‌این مرد آنها را کتک زده است. این در حالی است که در تصاویر ویدئویی منتشرشده نشانه‌ای از برخورد خشونت آمیز این مرد سیاهپوست با ‌مأموران پلیس دیده نمی‌شود.

###### 3- تعارضات فضای مجازی با برخی موازین حقوق بشر

ضمن تأکید بر اینکه فضای مجازی، در بسیاری از زمینه‌‌ها، حقوق بشر را توسعه داده است اما در برخی موارد، ‌‌‌مشکلات بزرگی را برای جامعه ‌ایجاد کرده است از جمله اهانت، شایعات دروغ، هتک حیثیت، نفرت پراکنی و. . . که مخالف مواد گوناگونی از حقوق بشر است، از جمله مخالف بند 3 ماده‌ 19 و همچنین ماده 20 میثاق‌ بین‌المللی‌ حقوق‌ مدنی‌ و سیاسی است که مقرر شده است:

اعمال‌ حقوق‌ مذکور در بند 2 این‌ ماده‌ مستلزم‌ حقوق‌ و مسؤولیت‌‌‌های‌ خاص‌ است‌ و لذا ممکن‌ است‌ تابع‌ محدودیت‌‌‌‌‌‌های‌ معینی‌ بشود که‌ در قانون‌ تصریح‌ شده‌ و برای‌ امور ذیل‌ ضرورت‌ داشته‌ باشد:

1. احترام‌ حقوق‌ با حیثیت‌ دیگران‌.

2.حفظ‌ امنیت‌ ملی‌ یا نظم‌ عمومی‌ یا سلامت‌ یا اخلاق‌ عمومی‌.

ماده‌ 20

1. هر گونه‌ تبلیغ‌ برای‌ جنگ‌ به‌ موجب‌ قانون‌ ممنوع‌ است‌.

2. هر گونه‌ دعوت‌ (ترغیب‌) به‌ کینه‌ (تنفر) ملی‌ یا نژادی‌ یا مذهبی‌ که‌ محرک‌ تبعیض‌ یا مخاصمه‌ یا اعمال‌ زور باشد به‌ موجب‌ قانون‌ ممنوع‌ است‌.[[484]](#footnote-484)

این موارد در سطح گسترده در اینترنت و فضای مجازی وجود دارد و تفاوت در دیدگاه‌ها و مصادیق است، در یک موضوع، برخی آن را آزادی بیان می‌دانند و دیگران آن را مصداق «نقض حقوق دیگری» می‌خوانند.

الف: منع شکنجه

قوانین ملی و ‌بین‌المللی اجماع دارند در مورد اینکه شکنجه و بد رفتاری اعمالی هستند به دور از موازین اخلاق و عرف معمول در اجتماع و باید ممنوع شوند. ماده‌ 7 میثاق‌ ‌بین‌المللی‌ حقوق‌ مدنی‌ و سیاسی می‌گوید «هیچ‌ کس‌ را نمی‌توان‌ مورد آزار و شکنجه‌ یا مجازات‌‌‌‌‌‌ها یا رفتار‌‌‌‌‌‌های‌ ظالمانه‌ یا خلاف‌ انسانی‌ یا تحقیرآمیز‌ قرار داد. مخصوصاً قرار دادن‌ یک‌ شخص‌ تحت‌ آزمایش‌‌‌‌‌‌های‌ پزشکی‌ یا علمی‌ بدون‌ رضایت‌ آزادانه‌ او ممنوع‌ است‌.» طبیعتاً در اینترنت شکنجه فیزیکی امکان پذیر نیست اما شکنجه روحی و فشارهای روانی بسیار سنگین است، وقتی در صفحه یک فرد مشهور و یا معمولی، فحاشی‌‌ها، تهدیدات به قتل یا بی آبروئی، افشاگری‌ها و... صورت می‌گیرد آن شخص، بدترین حالات روانی و شکنجه اتفاق می‌افتد تا جائی که بسیاری صفحات مجازی خود را بسته‌اند و یا در مواردی منجر به خودکشی شده است.[[485]](#footnote-485)

ب: منع برده داری

منع [برده‌داری](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D8%B1%D8%AF%D9%87_%D8%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C)[[486]](#footnote-486) از حقوق ‌بین‌المللی به رسمیت شناخته شده در جهان است؛ و چنانچه در ماده چهارم اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده‌است: ماده‌ 8 میثاق‌ ‌بین‌المللی‌ حقوق‌ مدنی‌ مقرر می‌دارد :«هیچ‌ کس‌ را نمی‌توان‌ در برد‌گی‌ نگاه‌ داشت‌. برد‌گی‌ و خرید و فروش‌ برده‌ بهر نحوی‌ از انحاء ممنوع‌ است‌.»

امروزه برده داری به صورت رسمی از بین رفته است، و ظاهراً برده‌ای وجود ندارد، اما بردگی مدرن، و استثمار زنان، و کودکان در تجارت فحشا، گسترده‌‌‌تر از سابق شده است، گروه‌‌های سازمان یافته تبهکار، در فضای مجازی و شبکه‌‌های اجتماعی، به برده‌داری مدرن روی آورده‌اند و با وجود اینترنت، با گرفتن فیلم‌‌های سیاه (صحنه‌‌های جنسی داوطلبانه یا اجباری از دختران و زنان و کودکان) اقدام به انتشار آن در اینترنت می‌نمایند، و فرد را به تن فروشی مجبور می‌کنند، تا جائی که کمپین‌‌های بسیاری برای مقابله با آن به وجود آمده است[[487]](#footnote-487) و در بسیاری از کشورها، گروه‌‌های جرائم سازمان یافته فراوانی وجود دارد، اگر امکان شکایت مستقیم و یا ‌اطلاع‌رسانی آنلاین به دستگاه قضائی وجود داشته باشد، «حق دادرسی عادلانه» این اقشار ضعیف، امکان پذیر می‌شود و با بهره‌بری از فضای مجازی قوه قضائیه را در شناخت هرچه بیشتر «جرائم سازمان یافته» و شبکه‌‌های بردگی زنان، می‌تواند یاری نماید.

###### 4- جرائم دولت‌ها و پلت فرم‌ها در فضای مجازی

نگاه به جرائم فضای مجازی صرفاً از دیدگاه کاربران، جامع نیست، جرائم فراوان دیگری در فضای مجازی توسط دولت‌ها و پلت فرم‌‌های قدرتمند اتفاق می‌افتد که هرکدام قابل بررسی و دادخواهی است که کلیات آن مطرح می‌شود و هرکدام دارای جزئیات فراوان قابل بررسی است.

• دیتا ماینینگ و استفاده از هوش مصنوعی و تعرض به حریم قانونی اشخاص

• فریب در نتایج جستجو با رنکینگ‌‌های اشتباه

• سانسور[[488]](#footnote-488) و حذف و یا عدم نمایش اطلاعات مغایر با اهداف پلت فرم‌‌ها

• فیلترینگ سایت‌ها و پلت فرم‌ها بدون حکم دادگاه

• از بین بردن دسترسی با حذف اکانت با آرشیو

• تملک دسترنج دیگران

###### 5- جعل و دیپ فیک و دسترسی به عدالت در جریان کرونا

بروز هر حادثه‌ای موجب بروز شایعات فراوان می‌شود و این امر، اختصاص به جامعه خاصی ندارد، با «کرونا»، اخبار فراوانی در شبکه‌‌های اجتماعی در مورد، آن منتشر شد، حتی برخی فیلم‌ها به صورت «دیپ فیک»[[489]](#footnote-489) بود که در آن، بر روی یک تصویر جعلی، صداگذاری جعلی شده بود و سخنان مختلفی را از قول سیاستمداران و مسؤولان بهداشتی بیان می‌کرد، دولت‌ها در برخورد با این پدیده پرداختند و بشدت آزادی‌ها را محدود کردند ظهور چالش‌‌های حقوق بشر در مورد صلح و امنیت و حاکمیت قانون در دوران کرونا و دخالت بیش از حد دولت‌ها در انتشار اطلاعات موجب شد دولت‌ها ادعا کنند که اشخاص فراوانی گرفتار توهم توطئه شده و اصل بیماری کرونا را زیر سؤال می‌برند و تظاهرات علیه قرنطینه و واکسن وجود دارد و لذا به وضع قوانین سخت گیرانه علیه انتشار اطلاعات در شبکه‌‌های اجتماعی و سانسور و زد و خورد و سرکوب معترضین، روی آوردند همین امر موجب نگرانی‌‌هایی در زمینه حقوق بشر گردید؛ صندوق توسعه سازمان ملل (یو ان دی پی) [[490]](#footnote-490) در این زمینه مطالب فراوانی منتشر کرد از جمله می‌خوانیم:

کشورها باید در پاسخ به بحران کرونا، حقوق مربوط به استفاده از زور، دستگیری و بازداشت، محاکمه عادلانه و دسترسی به عدالت و حریم خصوصی را از جمله دیگران تضمین کنند. اصول اساسی قانونی بودن و حاکمیت قانون باید رعایت شود. با این حال، عمل در برخی از کشورها نگرانی‌‌هایی را ایجاد می‌کند، از جمله:

"ایالات اضطراری" اعطای اختیارات گسترده اجرایی با حداقل نظارت، محدودیت زمانی، با انحراف از حقوق اعلام کرد. به نظر می‌رسد قانون اضطراری برای پاسخگویی ویژه به کرونا در معرض سوءاستفاده، از جمله اختیارات قانونی با حکم، مجازات‌‌‌‌‌‌های کیفری برای «گسترش اطلاعات نادرست» با تأثیر ناخوشایند در آزادی بیان است. موارد استفاده بیش از حد از زور برای اجرای اقدامات برای محدود کردن حرکت از جمله دستگیری و بازداشت. استفاده از فناوری نظارت برای ردیابی و جمع‌آوری اطلاعات در مورد افراد به روش‌‌هایی که برای سوء استفاده وجود دارد. بسیاری از کشورها محدودیت زمانی در مورد اعتبار اختیارات ویژه اضطراری یا تأخیر برای دوره تمدید درمورد اینکه آیا باید تمدید شوند، مطابق با قانون حقوق بشر تعیین کرده‌اند.[[491]](#footnote-491)

###### 6- جرائم در محیط فضای مجازی

راهنمای آکسفورد در خصوص جرائم در محیط سایبر، بیان می‌کند: « این فصل نحوه استفاده از جرم شناسی محیطی در جرایم سایبری را مورد بحث قرار می‌دهد. در ابتدا مفهوم جرایم سایبری و چگونگی انواع مختلف تخلف و فرصت‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس به بررسی معماری فضای مجازی و تفاوت آن با فضاهای فیزیکی می‌پردازد. به طور خاص، به تفاوت مفاهیم زمان و مکان در دو محیط پرداخته می‌شود، و اینکه چرا لازم است در درک جرائم در فضای مجازی، مدل‌‌‌‌‌‌های جرم شناسی محیطی مورد تجدید نظر قرار گرفته یا تطبیق داده شود. بخش 38.4 برخی از فرصت‌‌های جنایی ارائه شده توسط پیکربندی اینترنت و نحوه استفاده از آن را بررسی می‌کند. در نهایت، نتیجه گیری گرفته می‌شود و (برخی) پیامدهای سیاستی که از رویکرد جرم شناسی زیست محیطی به جرایم سایبری ناشی می‌شود، مورد بحث قرار می‌گیرد.»[[492]](#footnote-492)

# **مبحث دوم: آینده پژوهی؛ هوش مصنوعی، قضاوت عادلانه‌‌‌تر**

رشد فناوری در دهه‌‌های اخیر به قدری سریع و همه گیر شد که گسترده آن تمامی سطوح زندگی بشر را تحت الشعاع خود قرارداده است. امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که واژگان «هوش مصنوعی» را نشنیده و یا حداقل خبری در کاربرد آن نخوانده باشد. هوش مصنوعی سرجمع دو واژه Artificial Intelligence است.پیشتر کاربرد معمول آن در علم رباتیک بود اما پیشترفت‌‌های صورت گرفته در این حوزه، استفاده از آن را ‌‌‌‌تقریباً در تمامی عرصه‌‌های علمی و عملی ممکن ساخت، از جمله‌امور حقوقی و قضایی.[[493]](#footnote-493)

# **بند اول: هوش مصنوعی**

تعریف هوش مصنوعی کار آسانی نیست. این رشته چنان گسترده است که نمی‌تواند به یک حوزه خاص از تحقیق محدود شود. هوش مصنوعی بیشتر یک جاه طلبی است: تلاش می‌کند تا با ایجاد فرآیندهای شناختی که از انسان‌‌‌‌‌‌ها تقلید می‌کند، به شیوه شناخت انسان کار کند. هوش مصنوعی یک دانش چندین رشته‌ای است: علوم رایانه، ریاضیات (منطق، بهینه سازی، تجزیه و تحلیل، احتمالات، جبر خطی...)، علوم شناختی... این رشته‌‌های اصلی علمی نیز باید با دانش خاص رشته‌‌هایی که برای آنها استفاده می‌شود، آمیخته شوند. هر الگوریتم در هوش مصنوعی با ترکیبی از تکنیک‌‌‌‌‌‌ها پشتیبانی می‌شود: تجزیه و تحلیل معنایی، محاسبات نمادین، یادگیری ماشین، تجزیه و تحلیل اکتشافی، یادگیری عمیق و شبکه‌‌های عصبی... تشکیل دهنده آن هستند.[[494]](#footnote-494) هوش مصنوعی یکی از توانمندترین فناوری‌‌‌‌‌‌های تحول دیجیتال در صنعت است، اما همچنین یکی از فناوری‌‌هایی است که با سرعت بیشتری در فعالیت روزانه ما گسترش می‌یابد. به طور فزاینده، عناصر و دستگاه‌‌‌‌‌‌هایی که ویژگی‌‌‌‌‌‌های هوش مصنوعی را در خود ادغام می‌کنند، در زندگی روزمره ما ظاهر می‌شوند. این ویژگی‌ها بسته به دستگاه‌‌هایی که آنها را ادغام می‌کنند یا هدف مورد نظرشان متفاوت است.[[495]](#footnote-495)

هوش مصنوعی را باید عرصه پهناور تلاقی و ملاقات بسیاری از دانش‌ها، علوم، و فنون قدیم و جدید دانست. ریشه‌ها و ایده‌های اصلی آن را باید در فلسفه، زبان‌شناسی، ریاضیات، روان‌شناسی، عصب‌شناسی، فیزیولوژی، تئوری کنترل، احتمالات و بهینه‌سازی جستجو کرد و کاربردهای گوناگون و فراوانی در علوم رایانه، علوم مهندسی، علوم زیست‌شناسی و پزشکی، علوم اجتماعی و بسیاری از علوم دیگر دارد. از زبان‌های برنامه‌نویسی هوش مصنوعی می‌توان به لیسپ، پرولوگ، کلیپس و ویپی اکسپرت اشاره کرد. (ویکی پدیا) بسياري از كاربردهاي هوش مصنوعي در طبيعت كاركرد بين رشته‌اي دارند و داده‌‌هاي ناهمگن و غيرمتجانس ايجاد مي‌كنند. تحقيقات بيشتري در زمينه يادگيري ماشين چندمنظوره مورد نياز است تا اكتشاف دانش از تنوع گسترده انواع مختلف داده‌‌ها) براي مثال گسسته، پيوسته، متن، فضايي، زماني ،فضايي زماني و گراف‌‌‌‌‌‌ها را فراهم كند.

تفاوت هوش و حافظه

تفاوت حافظه با هوش در انسان، همان تفاوت دیتابیس‌ها با هوش مصنوعی در ماشین است (که ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً به آن توجه نمی‌شود) یعنی یک انسانی که حافظه بسیار قوی دارد می‌تواند دیتاها را به سرعت حفظ کند چنین فردی الزاما دارای هوش قوی نیست هوش عبارت است از این که بتواند رابطه بین دو یا چند اطلاعات مختلف که در حافظه خویش دارد و به ظاهر هیچگونه ارتباطی با یکدیگر ندارند، ارتباط برقرار کند و بتواند از چند دیتابیس متفاوت، اطلاعات جدیدی را کشف نموده و ارائه دهد به عنوان مثال کودکی را که‌‌‌‌‌آموزش دادند تا تمامی پایتخت‌‌های کشور‌ها را بداند و گفته بودند ایران، می‌گفت تهران؛ این کودک بسیار پر حافظه وقتی مورد آزمایش قرار گرفت و از او سؤال کردند پایتخت کشور عزیز ما کجاست؟ نتوانست پاسخ بدهد زیرا در حافظه‌ی او دیتابیس دیگری وجود نداشت که بتواند بفهمد کشور عزیز ما، عبارت دوم ایران است و لذا نتوانست پاسخ دهد.

این وضعیت در رابطه با هوش مصنوعی و حافظه متن دیتابیس‌ها وجود دارد شما برای هوش مصنوعی نیاز دارید تا دیتا‌‌های فراوانی را داشته باشید اما لازم است ارتباطات بین آنها را به ماشین ‌‌‌‌آموزش دهید تا بتواند یک جمله جدید را از آن به دست بیاورد و یا به قاعده صحیح دست یابد در امور حقوقی نیز لازم است دیتابیس‌‌های قوانین مختلف مواد مختلف روش‌‌های مختلف هر فرد و هر پرونده شهر و انواع دیتاها به ماشین ذخیره شده و به تدریج روابط آنها ‌‌‌‌آموزش داده شود.

# **بند دوم: موفقیت و عدم موفقیت هوش مصنوعی**

نمونه‌‌های هوش مصنوعی ناموفق در جهان، فراوان است که شاید یکی از مهم‌ترین آن رادر بکارگیری هوش مصنوعی در تشخیص عکس‌ها دانست، هرچنددر این زمینه، پیشرفت‌‌های گوناگونی گزارش شده است، اما همچنان در ابتدای راه است و می‌توان آن را با ارائه عکس‌ها به گوگل، آزمایش کرد و این سخن به معنای نفی تلاش‌ها نیست بلکه به معنای آن است که راه رسیدن به هوش مصنوعی، سخت و نیازمند صبر و استقامت است.

###### یک: نمونه موفق هوش مصنوعی

نمونه موفق هوش مصنوعی را می‌توان در الگوریتم‌‌های پیچیده ترجمه مشاهده کرد در گوگل، روزهای اول که هوش مصنوعی در ترجمه قرار گرفت وقتی به زبان فارسی جمله‌ای برای ترجمه به دستگاه داده می‌شد، بسیار سخت و مشکل و دارای اشکالات به شدت فراوان بود، ترجمه ماشینی گوگل[[496]](#footnote-496) به تدریج و با روش «کراد سورسینگ» و سپردن غلط‌گیری و ارتقاء، به کاربران مختلف در سطح جهان، و ‌‌‌‌آموزش تدریجی توسط افراد به دستگاه، ماشین ترجمه گوگل، به حدی رسیده است که می‌توان به آن اتکا کرد این به معنای آن نیست که هنوز اشکالی وجود ندارد بلکه به معنای آن است که اهمیت ‌‌‌‌آموزش‌‌های تدریجی به ماشین و گرفتن اشکالات کار دانسته است

###### دو: تایپ گویشی گوگل

همین وضعیت در هوش مصنوعی تبدیل گفتار به نوشتار در زبان‌‌های مختلف در گوگل دیده می‌شود که شما به راحتی می‌توانید به زبان فارسی سخن بگویید و آن را تبدیل به نوشتار کند و یا به زبان‌‌های مختلف سخن بگوئید و آن‌ها را به همان زبان تبدیل به نوشتار نماید، یقینا اگر دیتابیس[[497]](#footnote-497)‌‌های هوش مصنوعی از واژه‌‌های فارسی نباشد و ‌‌‌‌آموزش تدریجی صورت نگرفته باشد، شما نمی‌توانید فارسی بگوئید و ماشین آن را تایپ کند آزمایش صحت این سخن ساده است شما می‌توانید زبان گویش خود را به انگلیسی تغییر دهید و سپس به فارسی سخن بگویید هرگز نمی‌تواند آن را بفهمد تایپ نماید زیرا ‌‌‌‌آموزشی در این رابطه ندیده است.

# **بند سوم: برتری هوش مصنوعی بر قضاوت انسانی**

###### 1- هوش مصنوعی در دادرسی عادلانه

در «حق دسترسی عادلانه» نکات فراوانی است که تعدادی از آن‌ها با «هوش مصنوعی»، قابل انجام است از جمله «بی‌طرفی قاضی» و «کاهش هزینه‌ها» و «کاهش زمان دادرسی»؛ چنانچه با بهره‌بری از این تکنولوژی اقدام شود، بخش وسیعی از ‌‌‌مشکلات مردم، به سرعت حل خواهد شد و هر شخصی در هر کجا، خواسته‌ای را داشت، بلافاصله می‌تواند طرح «دادخواست» نموده و در عادلانه‌ترین وجه، و کوتاه‌‌‌ترین زمان، منجر به صدور حکم شود.

توجه به‌این نکته ضروری است که ضمن استقبال از تکنولوژی‌‌های به روز، لازم است با دقت، و مرحله به مرحله وارد شد و در این زمینه، از دادرسی پرونده‌‌های آسان، کوچک، کم هزینه و بدون پیچیدگی، اقدام کرد و سپس آن را طی سال‌‌های مختلف، به بقیه موارد گسترش داد. ‌‌‌‌طبعاً بخشی از پرونده‌‌ها، حد اقل در شرایط کنونی، فقط هوش انسانی می‌تواند آن را حل و فصل کند، اما هم تکنولوژی هوش مصنوعی پیش خواهد رفت و هم دانش و بهره‌وری قضات، بیشتر خواهد شد و با تلفیق «قاضی، هوش مصنوعی» با سرعت و دقت، پرونده‌‌های پیچیده حل می‌شود.

###### 2- عدم بی‌طرفی قضات انسانی

**دستگاه قضا باید استقلال داشته و قاضی باید بی‌طرف باشد،** استقلال، بی‌طرفی و عدم تأثیر پذیری از عوامل پیرامونی[[498]](#footnote-498) **در همه کشورها مورد بحث است دانیل ال. چن، محقق دو دانشکده اقتصاد و دانشکده حقوق دانشگاه تولوز، در مصاحبه‌ای با عنوان «هوش مصنوعی چگونه می‌تواند به ما كمك كند تا قضات از تعصب كمتری برخوردار شوند» در تاریخ 17 ژانویه 2019 در مصاحبه‌ای چنین گفت: «سؤال: اکنون بسیار مشهور است که تصمیمات قضات غالباً به دلیل عواملی که مربوط به پرونده مورد بحث نیستند، ممکن است مغرضانه باشد. با این اوصاف، می‌توانید چند نمونه مشخص از مطالعات در این زمینه را برای من بیان کنید؟**

پاسخ: مطمئن. یکی از یافته‌‌های منتشر شده [مغالطه قمارباز است](https://www.nber.org/papers/w22026).  اگر من قاضی حکم دهنده هستم و بارها و بارها پشت سر هم پناهندگی پرونده‌‌های پناهندگان را تعیین تکلیف می‌کنم، ممکن است نگران این باشم که بیش از حد نرمش می‌کنم. سپس من فعالانه سعی در تصحیح خودکار دارم.

بنابراین دفعه بعدی، پناهندگی را رد می‌کنم. این یک تأثیر خارجی است زیرا چگونگی حکم من در مورد پرونده قبلی به اشتباه بر حکم پرونده فعلی تأثیر می‌گذارد.  یافته دیگر این است که در دادگاه‌‌های متمرکز، [رفتارهای مختلفی را در دوره انتخابات ریاست جمهوری مشاهده می‌کنید](https://users.nber.org/~dlchen/papers/Priming_Ideology.pdf).  وقتی فصل انتخابات فرا می‌رسد، آنها اختلاف نظر بیشتری می‌کنند و بر اساس خطوط حزبی رأی می‌دهند.»[[499]](#footnote-499) وی استفاده از هوش مصنوعی برای کمک به تصحیح تصمیمات مغرضانه قضات انسانی را پیشنهاد می‌کند. ماشین هوش مصنوعی ‌‌‌‌آموزش دیده و دقیق، بر هوش قاضی انسانی برتری دارد و کمتر اشتباه خواهد کرد ( همانگونه که اشتباهات حسابداری ماشینی، به مراتب کمتر از حسابداری انسانی است) ‌‌‌خصوصاً در قضاوت باید توجه داشت که ذات انسانی، تحت تأثیر شرایط شخصی و شخصیتی، قرار می‌گیرد یعنی اگر به هر دلیل، عصبانی، یا شاد باشد، ممکن است در پرونده‌ای که الان نزد او مطرح است، آن شادی یا عصبانیت را دخالت ناخواسته دهد، یا قضاتی که در سابقه شخصی‌شان، نسبت به پرونده مشابهی که الان نزد آنان است ذهنیت خاصی داشته باشند در قضاوت‌شان تأثیر خواهد داشت و اوضاع و احوال شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زمینه‌‌های زندگی کودکی و نوجوانی و حال حاضر شخصی قاضی، شیوه برخورد محترمانه یا غیر‌محترمانه هریک از طرفین دعوا با قاضی، و انواع اقسام این روابط انسانی؛ می‌تواند، خواسته یا ناخواسته در ذهن قاضی تأثیر بگذارد و نتیجتاً در پذیرش ادله هریک از طرفین، و رأی نهائی ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر باشد.

این در حالی است که ماشین هوش مصنوعی در این زمینه‌ها مصونیت داشته و تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار نخواهد گرفت و هر پرونده‌ای را بر اساس داشته‌ها و داده‌‌های همان پرونده بررسی و اعمال نظر می‌کند و اگر اشتباهی هم داشته باشد، با ‌‌‌‌آموزش جدید، در پرونده‌‌های آینده، بسیار دقیق‌‌‌تر و با بی‌طرفی کامل، نظر می‌دهد.

###### 3- کاهش زمان دادرسی با هوش مصنوعی

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌‌های «دادرسی عادلانه»، «کاهش هزینه » و «کاهش زمان دادرسی»[[500]](#footnote-500) است همواره نیز برای تحقق این مطلب بخشنامه‌ها و قوانین مختلف ابلاغ شده است، اما آنچه ملاحظه می‌کنید نمونه‌ای است از دادرسی در رابطه با چک که مبلغ آن حدود ۳۰ میلیون ریال است برای آنکه مشخص شود صادر کننده چک آیا حساب در بانک‌ها دارد یا خیر برگه‌ای را به دست او داده‌اند که به بانک‌‌های مختلف مراجعه کنند و از آنها بپرسد آیا پولی در حساب این فرد وجود دارد یا ندارد، تعداد بانک‌‌‌‌‌‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در دو برگه پشت و رو چاپ شده است، شخص باید به آنها مراجعه کند و این امر ضمن داشتن هزینه فراوان، موجب طولانی شدن فرآیند دادرسی می‌شود.

هوش مصنوعی در این زمینه می‌تواند به راحتی در همان ابتدا خود، به لحظه از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، سؤال کرده و پاسخ را گرفته، و در همان جلسه صدور حکم نماید، بدیهی است که در همین زمینه نیز باید ‌‌‌‌آموزش‌‌های لازم به ماشین داده شود چه‌‌‌‌‌آموزش مواد قانونی و چه‌‌‌‌‌آموزش در رابطه با دیتابیس‌‌های که از آنها سؤال کند لازم به تذکر است، در این رابطه و موارد مشابه، نباید منتظر زمان بود، تا هوش مصنوعی برسد، بلکه می‌توان از نرم‌افزارهای موجود بانکی استفاده کرد و آن را در اختیار قاضی قرار داد که فقط استعلام حساب را خود به لحظه از کلیه آنها دریافت کند و در پرونده‌‌های کاغذی موجود، همان لحظه حکم صادر کند.

###### 4- اشتباهات هوش مصنوعی کمتر از اشتباهات قاضی انسانی

همانگونه که قضات اشتباهاتی را داشته و خواهند داشت و تفاوتی نمی‌کند که در ایران یا دیگر کشورها باشند، قضات قرن بیست و یکم همانند قضات قرن اول میلادی اشتباهاتی دارند در ایران و در سطح جهان، مواجه هستیم با افراد فراوانی که پس از سال‌‌‌‌‌‌ها زندان و یا محکوم شدن به مجازات‌‌‌‌‌‌های مختلف، و حتی اعدام و پس از اجرای حکم در بررسی مجدد پرونده‌ها مشخص شده است که اشتباهات بزرگی صورت گرفته است این را می‌توان هم اکنون در پرونده‌های ایران، ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا، انگلستان و همه کشورهای جهان مشاهده کرد قاضی رأی خود را بر اساس ادله اثبات دعوی (که بنیان همه ‌‌‌‌تقریباً یکی است و صرفاً در توسعه و یا کاهش دلیل بودنش تفاوت دارند) صادر می‌نماید و ممکن است در اصل دلیل، یا ارتباط بین ادله اشتباه کند. همین وضعیت در رابطه با ماشین نیز متصور است ماشین هوش مصنوعی نیز ممکن است در ایجاد ارتباط بین ادله شواهد مختلف و دیتابیس‌ها اشتباه نماید و لازم است درصد این اشتباهات در یک حد معقول پذیرفته شود و تلاش کرد تا کم شود.

###### 5- نمونه اشتباه قاضی انسانی

اشتباهات ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر قضات در دادگاه‌ها بسیار است که دو نمونه آن ذکر می‌شود: آقای کولمن یک مرد کالیفرنیایی به جرم جنایتی که مرتکب نشده بود 38 سال زندانی شد وی در سال 2017 با کمک آزمایش دی ان ای تبرئه شد گفته می‌شود دوران حبس این مرد 71 ساله طولانی‌‌‌ترین مدتی است که یک نفر در کالیفرنیا زندانی بوده است. پلیس هنوز نتوانسته قاتل واقعی را پیدا کند.[[501]](#footnote-501) در مطلبی با عنوان «این مرد 24 سال به اشتباه زندانی بود» در تاریخ 12/08/1395 می‌خوانیم: " کریستین مورتن" زن اهل آستین تگزاس ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا در سال 1987 در حالی که به همراه پسر خردسالش در خواب بود به شکل فجیعی به قتل رسید. در حالی که شوهر 31 ساله وی "مایکل" در روز وقوع جنایت، صبح زود راهی محل کارش شده بود شش هفته بعد به اتهام قتل همسرش به‌دست پلیس دستگیر شد و علی‌رغم اظهار بی‌اطلاعی و بیگناهی خود از سوی دادگاه به جرم قتل همسرش به 24 سال زندان محکوم شد. با وجود پیدا شدن یک دستمال خونین در پشت خانه آنها متأسفانه به‌دلیل عدم پیشرفت آزمایش «دی‌اِن‌اِی»[[502]](#footnote-502) در آن زمان مایکل به زندان افتاد. اما سرانجام در سال 2011 بعد از اینکه مایکل مدت 24 سال را در زندان سپری کرده بود روزنه‌امیدی نمایان شد. آزمایش آن دستمال خونین با آخرین فناوری مایکل را از این قتل تبرئه کرد. سرانجام مایکل در 4 اکتبر 2011 از زندان آزاد شد.[[503]](#footnote-503)

همانگونه که ملاحظه می‌شود در هر دو پرونده، اشتباه قاضی با دانش روز حل شده و نقش دانش پیشرفته در ادله اثبات و جایگاه فناوری در شناخت واقعی، و بی اعتباری «ادله ظنیه» در برابر «ادله قطعیه» روشن می‌شود در هوش مصنوعی نیز همین وضعیت است، ادله‌ای که هوش مصنوعی از منابع مختلف استخراج نموده و تحلیل می‌کند می‌تواند به قطعیت برسد و یا اینکه به علم واقعی نزدیکتر باشد.

###### 6- نقشه‌‌های هوش مصنوعی قوی‌‌‌ترین اسناد قضاوت عادلانه

نقشه‌‌های هوشمند در قوه قضائیه می‌تواند بسیاری از مسائل و ‌‌‌مشکلات را پیشگیری و یا با دقت فراوان پیگیری نماید زمین خواری، کوه خواری، تجاوز به اراضی طبیعی، تبدیل اراضی کشاورزی، و ده‌‌‌‌‌‌ها موضوع دیگری که در جرائم و تخلفات زیست محیطی مطرح است مسائلی است که نیازمند اسناد و مدارک گذشته است در سابق به دلیل نبودن اسناد الکترونیک برای اثبات موقعیت‌‌های مختلف یک زمین یا بنا یا امثال آن نیازمند شاهد و اسناد کاغذی بودیم که قابلیت جعل داشت بنابراین کسی که می‌توانست یک زمین بسیار بزرگ بایر را تبدیل به قسمت‌‌های مختلف نموده و آن را به فروش برساند و یا باغ بزرگی را خشک نموده و آن را تفکیک و یا برج سازی کند به راحتی می‌توانست این کار را انجام دهد زیرا با دستکاری در اسناد و مدارک و عکس‌ها این کار امکان پذیر بود امروزه نقشه‌‌های بسیار مدرن و به روز و با تاریخ‌‌های مشخص انواع اقسام زمین‌ها وجود دارد که می‌تواند به دقت بسیار بالایی به صورت صددرصد مشخص نماید که‌ آیا این زمین تغییر یافته یا خیر بنابراین اگر قرار باشد از هوش مصنوعی در نقشه‌ها استفاده شود آنها می‌توانند در موارد مختلف جایگزین نظارت‌‌‌‌‌‌های انسانی شده و تخریب‌‌های جنگل‌ها و مراتع را به دقت نشان دهد. حتی با هوش مصنوعی، بدون نیاز به ناظر انسانی، قوه قضائیه به صورت متمرکز می‌تواند نقشه‌‌های زمان‌‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کرده و در صورت مشاهده هر نوع تصرف غیر‌مجاز، در هر نقطه کشور، قضات کاملاً بی‌طرف و غیر‌قابل نفوذ، و به دلیل عام بودن جرم و تصرف در منابع طبیعی، حکم به پیشگیری بدهند، نه آن که اشخاصی بتوانند با رشوه، زمین‌ها را تغییر کاربری داده و برخی قضات، جرأت کنند تا تعدادی از آن‌ها را تخریب کنند. طرح کاداستر می‌تواند بخشی از این مسأله را حل نماید اما مهم‌‌‌تر از کاداستر ذخیره سازی نقشه‌‌های ماهواره‌ای مختلف در بازه‌های زمانی گوناگون است به طوری که اشخاص بتوانند آن را از طریق هوش مصنوعی با یکدیگر مقایسه نمایند و هر نوع تغییری را در آن نشان دهد طبیعی است تهیه چنین نقشه‌‌هائی هزینه فراوان خواهد داشت اما بخشی از آن در اینترنت وجود دارد و قسمت‌‌های مختلفی در کشور هستند که‌این اسناد را گردآوری می‌کنند و اگر طبق قانون اشتراک گذاری دیتا‌‌ها، مورد توجه قرار گیرد مسأله تا حد زیادی قابل حل با کاهش هزینه است.

# **بند چهارم: ‌‌‌‌آموزش تدریجی و صبورانه ماشین قضاوت**

###### 1- هوش مصنوعی مانند هوش انسانی نیازمند ‌‌‌‌آموزش

همانگونه که یک فرد انسان به میزان ضریب هوشی که دارد، نیازمند ‌‌‌‌آموزش و ممارست در پرورش این هوش است تا بتواند به عنوان یک نابغه در یک رشته کار کند هوش مصنوعی نیازمند چنین رفتاری است به عنوان نمونه یک انسان نابغه با ضریب هوشی بالا، تنها در صورتی می‌توان از او انتظار داشت که به سؤال‌ها پاسخ دهد و یا مطالب جدیدی را عرضه نماید، که در طول زمان و به تدریج دیتا‌‌های مختلف یک موضوع ارائه شود و راه‌‌های حل این اطلاعات نیز به او داده شود تا آن فرد بتواند فقط در همان زمینه خاص، نبوغ خود را به منصه ظهور رساند توجه داشته باشیم که یک فرد نابغه که در زمینه ریاضیات پیشرفت کرده است به معنای آن نیست که اگر از او در رابطه با مسائل نجوم، فیزیک یا شیمی سؤالی داشته باشیم، بتواند در آنجا نیز کاری را انجام دهد مگر آنکه در در همین زمینه‌ها نیز به او ‌‌‌‌آموزش داده شود. ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً افراد فقط در یک مورد یا دو مورد خاص می‌توانند هوش انسانی خود را پرورش دهند، همین وضعیت در رابطه با هوش مصنوعی نیز وجود دارد، ماشین‌ها بر اساس الگوریتم‌‌هایی که ساخته می‌شود ضرورت دارد تا دیتاهای خاص هر موضوع، با شیوه‌‌های پاسخگوئی همان موضوع، به آنها ‌‌‌‌آموزش داده شود و به تدریج نیز گشترش یابد، به‌عنوان مثال، ماشین هوش مصنوعی که برای کنترل پرواز هواپیما ساخته می‌شود با ماشین هوش مصنوعی که برای قوه قضائیه ساخته می‌شود هر چند که زیرساخت‌های هر دو یکی ست، اما در روش ‌‌‌‌آموزش اطلاعاتی که به آنها داده می‌شود و پرورشی که در طول زمان به آن‌ها آموخته می‌شود تفاوت‌‌های موضوعی و روشی خواهد داشت.

لذا لازم است به‌این نکته دقت کافی شود به کارگیری هوش مصنوعی در قوه قضائیه نیازمند آن است که در همه زمینه‌ها به صورت اختصای به ماشین ‌‌‌‌آموزش تدریجی داد. پر کردن دیتا‌‌های قوانین مختلف و قواعد و الگوریتم‌‌های گوناگون هر قانون و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، ناسخ و منسوخ و... لازم است و باید به پیچیدگی‌‌های این رشته توجه شود و به تدریج در طول زمان گسترش یابد.

###### 2- ‌‌‌‌آموزش تدریجی دیتابیس‌‌های هوش مصنوعی

‌‌‌‌آموزش بهره‌بری از دیتابیس‌‌های مختلف درپروند‌‌های گوناگون، یکی از زیرساختی‌‌‌ترین الگوریتم‌‌های مورد نیاز هوش مصنوعی است به عنوان نمونه و به تدریج باید به «ماشین قضاوت» آموخت که اگر دو پرونده، یکی در رابطه با تصادف و دیگری در رابطه با چک است چگونه و از کدام از دیتابیس‌ها یا سازمان‌ها باید استعلام را بگیرد و کدام مواد قانونی در هر زمینه مورد نیاز است و شخصیت متهم، بیمه نامه و دیگر موارد در هر کدام چه نقشی در این پرونده دارد. در رابطه با تصادف، به ماشین آموخته می‌شود، کد ملی راننده را از دیتابیس دارندگان گواهینامه استعلام کند، شماره خودرو را از شرکت بیمه و دیتابیس شماره‌گذاری بپرسد، و در هر قسمتی از این پرونده از کجا باید سؤال کند و چه پاسخی را باید دریافت نموده و چگونه استفاده کند و مهم‌‌‌تر آن که مواد مختلف از قانون را بفهمد و بداند که یک راننده بدون گواهینامه، طبق کدام ماده باید حکم بگیرد و دارنده بیمه بدنه و خسارت مالی و جانی، چه حکمی دارد.

همان گونه که یک قاضی انسانی برای اینکه بداند در یک پرونده بر اساس کدام مواد قانونی باید حکم دهد و یا از کجا باید استعلام کند ‌‌‌‌آموزش می‌بینند و تلاش می‌کند و اشتباه می‌کند و اصلاح می‌نماید ماشین نیازمند همین رفتار است، ماشین باید بیاموزد که در یک چک، کد ملی فرد را به سمت بانک‌ها فرستاده و از آن‌ها استعلام گرفته و صحت و عدم صحت آن را دریافت، و در خصوص داشتن پول در حساب نیز بپرسد و از سامانه اعتبار سنجی، اعتبار این شخص را دریابد و قدرت تحلیل و تبیین شخص حقیقی و حقوقی و ادغام یا تفکیک آن را داشته باشد و یا در خصوص موارد دیگری که به مسأله چک مربوط می‌شود هر کدام را از دیتابیسی خاص بپرسد، همچنین بداند که فرمول‌‌های هر کدام چیست و کدامین مواد قانون بر این مسأله خاص یا عام چک منطبق است و سپس نظر خود را صادر نماید طبیعی است که در این راه نیازمند تلاش فراوان و سعی و خطا در ‌‌‌‌آموزش است که نیازمند قضات آشنا برای ‌‌‌‌آموزش و مهندسین هوش مصنوعی است که در بالاترین سطح بتوانند ‌‌‌‌آموزش‌‌های لازم را به ماشین ارائه دهند.

###### 3- اشتباه عدم توجه به‌‌‌‌‌آموزش تدریجی هوش مصنوعی

توقعات و توهمات اشتباه به دلیل آن است که به‌این نکات کلیدی توجه نمی‌شود که هوش مصنوعی و حتی هر نرم‌افزاری نیازمند ‌‌‌‌آموزش تلاش و رفع اشکال است و باید تدریجی باشد لذا دو اشتباه بزرگ اتفاق می‌افتد. اول از سوی برنامه نویسان که پروژه بسیار بزرگی را تعریف نموده و تصور می‌کند بلافاصله می‌توانند به آن برسد و بر همین اساس نیز هزینه‌‌های سنگین و گزاف را برای این پروژه‌ها صرف می‌کنند اما در عمل به آنها نمی‌رسد زیرا توجه نکرده‌اندکه چنین پروژه بسیار بزرگی چه الزاماتی دارد.

دوم از سوی مدیران اتفاق می‌افتد که بدون توجه به ضرورت تحمل زمان لازم و ‌‌‌‌آموزش و تدریجی بودن کار، نرم‌افزار‌‌های شروع شده را با توقعات بسیار بالا آزمایش می‌کنند آنها از یک نرم‌افزار توقع دارند که حتماً همه موارد را ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی کند و تصورشان از هوش مصنوعی آن است که بلافاصله باید در جزئی‌‌‌ترین اجزاء پرونده‌ها نیز نظر بدهد در حالی که حتی در هوش انسانی نیز چنین نیست. شما هرگز از یک دانشجویی بسیار با استعداد فارغ التحصیل لیسانس، که وارد قوه قضائیه شده و تازه کار است توقع فارغ التحصیل دکترای با ده سال سابقه کار قضایی را داشته باشید. همانقدر که در اینگونه موارد توقعات غیر‌واقع بینانه است در زمینه ماشین هوش مصنوعی، اینگونه درخواست‌ها غیر‌منطقی است.

###### 4- سطح توقعات را متناسب کنیم

همچنانکه در هوش انسانی سطح توقع هر فردی در همان سطح است که وجود دارد و تربیت شده است، و نمی‌توان از یک نابغه‌ای که در سطح ‌‌‌‌کلاس پنجم دبستان است، توقع داشت که در سطح فوق دکترا برای ما پاسخگوی مسائل باشد، از ماشین نیز باید به همین میزان توقع داشت ذکر این نکته از آن رو ضروری است که برخی تصور می‌کنند در همان روز اول، هر ماشینی ساخته شد بلافاصله باید به تمامی مسائل ریز و درشت پاسخ داده و هیچ گونه اشتباهی نکند‌‌‌! این در حالی است که در تجربه عملیاتی خود دیده‌اندکه نابغه‌‌‌ترین نابغه‌‌ها، با سعی و خطا، و ‌‌‌‌آموزش مداوم و ممارست به جایی رسیده‌اند اگر این نکته رعایت نشود، و پرورش هوش مصنوعی مرحله به مرحله صورت نگیرد و از مسائل کوچک آغاز نشود پروژه بزرگی است که ‌‌‌‌‌قطعاً شکست خواهد خورد و آنگاه خواهیم گفت که هوش مصنوعی به‌درد قوه قضائیه نمی‌خورد اما اگر با تدبیر و دقت (و صد البته با سرعت بیشتر) وارد شویم حتماً پیروز خواهیم شد.

###### 5- هر دستگاه هوش مصنوعی، اختصاصی هر موضوع

دستگاه ماشینی هوش مصنوعی که برای امور پزشکی ساخته شده است نمی‌تواند بلافاصله برای امور قضایی و هوا و فضا مورد استفاده قرار گیرد بسیاری از زیرساخت‌‌های آنها مشترک است درست به مانند یک انسان نابغه که با انسان نابغه دیگری با هم برابرند زمانی که سن آنها ۶ سال است ‌‌‌‌تقریباً در یک سطح هستند اما کم کم که پیش می‌روند هر یک در یک رشته تخصص می‌گیرد شیوه‌های ‌‌‌‌آموزش (گرفتن معلم خاص، تمرین و تداوم) ‌‌‌‌تقریباً با یکدیگر مساوی است ‌‌‌‌تقریباً اکثریت زیرساخت‌های پرورش یک نابغه ریاضیات با پرورش یک نابغه شیمی با همدیگر یکی است آنچه بیش از همه تفاوت دارد، اصل دیتا‌ها در زمینه خاص است که خود در برخی موارد شیوه‌‌‌‌‌آموزش را نیز تغییر می‌دهد، در ماشین و هوش مصنوعی نیز بسیاری از الگوریتم‌‌های پایه و روش‌‌های ‌‌‌‌آموزش با یکدیگر برابر است دیتا‌ها و اطلاعات خاص هر رشته با دیگری تفاوت دارد که باید به آنها توجه کافی داشت و به شیوه‌‌‌‌‌آموزش هر مدل از اطلاعات، با الگوریتم اختصاصی دقت کرد.

###### 6- تفاوت نوابغ انسانی با هوش مصنوعی ماشینی

اگر دقت شود در هوش مصنوعی ماشینی، ماشین‌ها همه مانند یکدیگر بوده و از همان ابتدا می‌توان آنها را برای هر موضوعی،[[504]](#footnote-504) ‌‌‌‌آموزش داد و هیچ گونه محدودیتی در این زمینه وجود ندارد یک ماشین را می‌توان از همان ابتدا برای هوش مصنوعی در ریاضی و یا فیزیک و یا نقاشی و یا ادبیات و امثال آنها ‌‌‌‌آموزش داد و تربیت کرد و به پیش برد. این در حالی است که در هوش انسانی دارای محدودیت سلیقه‌ها و خواسته‌‌های آن شخص نیز هستیم به عنوان مثال یک نابغه‌ای که در نقاشی علاقه دارد، شاید هر چه تلاش کنید هرگز نتوانید او را در ریاضیات به جایی برساند این اشکال بزرگی است که در ‌‌‌‌آموزش و پرورش و دانشگاه‌‌های کنونی وجود دارد کسی که در یک زمینه خاص، سلیقه دارد را به اجبار به رشته دیگری می‌برند و در نهایت نیز به جایی نمی‌رسد و به او اتهام خنگ بودن می‌زنند، در حالی که اگر فرضاً او را به جای ریاضیات، به ادبیات نمایشی می‌بردند، دارای درجه ممتاز می‌شد. توجه به سلیقه هر فرد انسانی در پرورش استعدادها و هوش او ضروری است اما در ماشین این گونه نیست می‌توان از همان ابتدا، هر ماشینی را با الگوریتم‌‌های مختلف ‌‌‌‌آموزش داد و از این جهت محدودیتی وجود ندارد.

###### 7- افزايش قابليت‌‌‌‌‌‌هاي ادراكي سيستم‌‌‌‌‌‌هاي هوش مصنوعي

ادراك، پنجره اي به سوي سيستم هوشمند در جهان است. ادراك با داده‌‌هاي حسگرها (‌‌‌‌‌‌احتمالاً توزيع شده) آغاز مي‌شود كه از روش‌‌‌‌‌‌‌ها و شكل‌‌‌‌‌‌‌هاي متنوع، مانند وضعيت خود سيستم يا اطلاعاتي درباره محيط جمع آوري مي‌شود. داده‌‌هاي حسگرها اغلب همراه يك دانش يا مدل پيشين براي استخراج اطلاعات مربوط به فعاليت سيستم‌‌‌‌‌‌‌هاي هوش مصنوعي مانند ويژگي‌‌‌‌‌‌‌هاي هندسي، خصوصيات، مكان و سرعت پردازش مي‌شوند. داده‌‌هاي يكپارچه حاصل از ادراك، آگاهي محدود به موقعيتي را شكل مي‌دهد كه براي سيستم‌‌‌‌‌‌‌هاي هوش مصنوعي، دانش جامع و وضعيت محيط را فراهم مي‌كند.

# **بند پنجم: جایگاه هوش مصنوعی در دادگاه کشورها**

کشورهای صنعتی، با توجه به ضروت بهره‌گیری از آخرین تکنولوژی‌ها در علوم مختلف، در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی نیز اقداماتی را انجام داده‌اند و در برخی بسیار پیشرفته‌اند و در تعدادی، اول راه هستند، هوش مصنوعی در دادگاه‌‌‌‌‌‌‌ها، همچنان درابتدای راه است، نمونه‌‌هائی از آن را ملاحظه می‌فرمائید.

###### 1- سرمایه‌گذاری دولت فدرال ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا در هوش مصنوعی

چشم انداز پژوهش و ارتقاء هوش مصنوعی[[505]](#footnote-505) به طور فزاینده‌ای پیچیده می‌شود. در حالی که سرمایه‌گذاری‌‌های گذشته و حال دولت ایالات متحده منجر به رویکردهای مقدماتی در مورد هوش مصنوعی شده است، بخش‌‌های دیگر نیز به هوش مصنوعی کمک کرده‌اند، از جمله طیف گسترده‌ای از صنایع و سازمان‌‌های غیر‌انتفاعی. این منظر سرمایه‌گذاری سؤالات اساسی در مورد نقش مناسب سرمایه‌گذاری‌‌های فدرال در توسعه فناوری‌‌های هوش مصنوعی ایجاد می‌کند. اولویت‌‌های صحیح برای سرمایه‌گذاری‌‌های فدرال در هوش مصنوعی، به ویژه در مورد مناطقی و بازه‌‌های زمانی که صنعت برای سرمایه‌گذاری بعید است، چیست؟ آیا فرصت‌‌هایی برای همکاری‌‌های تحقیق و توسعه صنعتی و ‌بین‌المللی وجود دارد که اولویت‌‌های ایالات متحده را پیش می‌برد؟

در سال 2015، سرمایه‌گذاری دولت ایالات متحده در تحقیق و توسعه طبقه‌بندی نشده در فناوری‌‌های مرتبط با هوش مصنوعی ‌‌‌‌تقریباً 1.1 میلیارد دلار بود. اگرچه‌این سرمایه‌گذاری‌ها منجر به دانش و فناوری‌‌های جدید مهمی شده است، اما فرصتی برای هماهنگی بیشتر در سراسر دولت فدرال وجود دارد تا این سرمایه‌گذاری‌ها بتوانند به پتانسیل کامل خود دست یابند. با شناخت اثرات تحول آمیز هوش مصنوعی، در ماه مه سال 2016، دفتر سیاست و علوم و فناوری کاخ سفید (او‌اس‌تی‌پی)[[506]](#footnote-506) کارگروهی جدید بین بخشی را برای کشف مزایا و خطرات هوش مصنوعی اعلام کرد. او‌اس‌تی‌پی همچنین از مجموعه چهار کارگاه‌‌‌‌‌آموزشی که در چهارچوب زمانی مه-ژوئیه 2016 برگزار شده است، با هدف دامن زدن به گفتگوهای عمومی در مورد هوش مصنوعی، و شناسایی چالش‌ها و فرصت‌‌های ناشی از آن خبر داد. نتایج کارگاه‌‌‌‌‌‌‌ها همراه بخشی از گزارش عمومی «آماده سازی برای آینده هوش مصنوعی» است که در رابطه با این طرح منتشر شده است.[[507]](#footnote-507)

###### 2- راهبردهای هوش مصنوعی ایالات متحده

شبکه شورای ملی علوم و فناوری ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا[[508]](#footnote-508) در سال 2016 تأیید کرد :دولت ایالات متحده، کاربرد هوش مصنوعی را در کشور با راهبردهای زیر در دستور کار دارد که شامل قضاوت نیز می‌شود.

راهبرد اول ـ سرمایه‌گذاری بلندمدت در تحقیق هوش مصنوعی

سرمایه‌گذاری‌‌های تحقیقاتی هوش مصنوعی در زمینه‌‌هایی ضروری است که در بلندمدت ظرفیت بازگشت سرمایه دارند. از آنجا که یکی از عناصر مهم تحقیقات بلندمدت، مطالعه بیشتر برای ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی نتایج آن است، سرمایه‌گذاری پایدار بلندمدت در تحقیقات با ریسک بالا میتواند مزایایی با عواید بالا ایجاد کند. این دستاوردها طی پنج سال، ده سال یا بیشتر قابل مشاهده خواهند بود.

راهبرد دوم ـ توسعه روش‌‌‌‌‌‌‌های مؤثر برای همکاری انسان و هوش مصنوعی

راهبرد سوم ـ فهم پیامدهای اخلاقی، حقوقی و اجتماعی هوش مصنوعی و رسیدگی به آنها

راهبرد چهارم ـ اطمینان از ایمنی و امنیت سیستم‌‌‌‌‌‌‌های هوش مصنوعی

راهبرد پنجم ـ ایجاد مخازن داده عمومی مشترک و محیطی برای ‌‌‌‌آموزش و آزمایش هوش مصنوعی

راهبرد ششم ـ اندازه گیری و ارزیابی فناوری‌‌‌‌‌‌‌های هوش مصنوعی از طریق استانداردها و معیاردهی‌ها

راهبرد هفتم ـ درک بهتر نیازهای نیروی کار تحقیق و توسعه ملی هوش مصنوعی[[509]](#footnote-509)

###### 3- دادگاه‌‌های هوش مصنوعی در ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا

دادگاه هوش مصنوعی اکنون در حال راه‌اندازی است در دادگاه‌‌های ایالات متحده، هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری‌‌های مربوط به مجازات، اقدامات پیشگیرانه و کاهش مجازات مستقر است. پس از مطالعه داده‌‌های مربوطه، سیستم هوش مصنوعی در نظر می‌گیرد ‌‌‌‌‌‌‌که آیا فرد مظنون مستعد بازگشت مجدد به جامعه است یا خیر، این تصمیم می‌تواند مشروط را به یک جمله واقعی تبدیل کند یا منجر به ‌امضای وثیقه شود.

به عنوان مثال، اریک لوومیس، شهروند ایالات متحده، به دلیل رانندگی در یک اتومبیل که در آن مسافر شلیک گلوله به ساختمان داشت، به شش سال زندان محکوم شد. این حكم براساس الگوریتم کامپس بنا شده است، كه خطر ایجاد شده توسط افراد را برای جامعه ارزیابی می‌كند. کامپس از مشخصات متهم و سوابق متهم با قانون تغذیه می‌شود، و وی را به عنوان "فردی که در معرض خطر رساندن به جامعه قرار دارد" معرفی کرد.[[510]](#footnote-510)

در مقاله هوش مصنوعی، قضات و هیأت منصفه[[511]](#footnote-511) ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا بکارگیری این فناوری تشریح شده است «رئیس دادگاه عالی ایالات متحده می‌گوید هوش مصنوعی تأثیر قابل توجهی بر نحوه کارکرد سیستم حقوقی در این کشور دارد،این ‌‌دقیقاً همان چیزی است که وقتی رئیس دادگستری جان رابرتز سؤال کرد: "آیا می‌توانید روزی را ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی کنید که ماشین‌‌های هوشمند که با هوش مصنوعی هدایت می‌شوند، به یافتن اطلاعات حقوقی در دادگاه یا حتی بحث برانگیزتر تصمیمات قضایی کمک خواهند کرد؟" پاسخ او باعث تعجب تماشاگران شد. وی به نقل از نیویورک تایمز گفت: "روزی فرا رسیده است که فشار زیادی را بر نحوه عملکرد قوه قضائیه وارد می‌کند."»[[512]](#footnote-512)

###### 4- هوش مصنوعی دادگستری انگلستان

در مارس 2019 برای اطمینان از اینکه دادگستری انگلیس و ولز از تحولات هوش مصنوعی کاملاً مطلع است، لرد رئیس دادگستری، لرد برنت از مالدون، یک نهاد مشورتی جدید ایجاد کرده است. هدف لرد رئیس دادگستری از تأسیس گروه مشاوره‌ای هوش مصنوعی ارائه راهنمایی به وی و مقامات ارشد قوه قضائیه در موارد ذیل است:

• تأثیر احتمالی تحولات هوش مصنوعی در قوه قضائیه و سیستم دادگاه.

• روش‌‌‌‌‌‌‌‌های اطمینان از اینکه قضات در مورد هوش مصنوعی و تأثیر آن ‌‌‌‌آموزش کافی دیده‌اند.

• مهم‌ترین تأثیرات قانونی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هوش مصنوعی.

###### 5- اقدام دستگاه قضائی انگلستان در تشکیل هوش مصنوعی

4 مارس 2019، رئیس دادگستری، برای اطمینان از اینکه قوه قضائیه انگلیس و ولز کاملاً از تحولات هوش مصنوعی آگاه شوند، یک هیأت مشاوره جدید را تأسیس کرده است.

هدف گروه مشاوره هوش مصنوعی ارائه راهنمایی به او و قوه قضائیه ارشد در موارد ذیل است:

• تأثیر احتمالی تحولات هوش مصنوعی بر دستگاه قضایی و دادگاه.

• راه‌‌هایی برای اطمینان از ‌‌‌‌آموزش کافی داوران در مورد هوش مصنوعی و تأثیر آن.

• تأثیرگذارترین تأثیرات قانونی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هوش مصنوعی.

لرد بورنت استاد ریچارد سوسكیند را به ریاست تیم 10 نفره، متشكل از قضات ارشد (از جمله لرد نوبرگر، رئیس جمهور گذشته دیوان عالی انگلستان) منصوب كرده است؛ سر جفری ووس، صدراعظم دیوان عالی و لیدی عدالت شارپ، معاون رئیس بخش ملکه) در کنار کارشناسان برجسته در زمینه هوش مصنوعی و حقوق (از جمله کی فیفت- باتر فیلد،[[513]](#footnote-513) رئیس هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در مجمع جهانی اقتصادی؛ و پروفسور کتی اتکینسون، رئیس گذشته انجمن ‌بین‌المللی هوش مصنوعی و حقوق) [[514]](#footnote-514)

###### 6- هوش مصنوعی قضائی کالج لندن

اخیراً دانشگاه کالج لندن [[515]](#footnote-515) که به «یو سی ال» معروف است، موفق شد هوش مصنوعی قضایی بسازد که بتواند مثل یک قاضی کار کند! هدف از ساخت آن کمک به قضات دیوان حقوق بشر اتحادیه اروپا و استفاده از آن در رسیدگی به برخی از پیچیده‌‌‌ترین پرونده‌‌های مورد رسیدگی است. این دانشگاه، هوش را طوری ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزی کرد که می‌تواند به پرونده‌ها به صورت مفهومی‌نگاه کند نه کلید واژه‌ای و این همان نکته اساسی است که سبب می‌شود هوش مصنوعی قضایی بتواند بسیاری از پرونده‌‌های پیچیده را در مدت زمان خیلی کوتاه حل و فصل نماید. آزمایشی که در عمل صورت گرفت حکایت از آن دارد که از هر پنج تصمیمی که به‌وسیله‌ی هوش مزبور اتخاذ شد، چهار تصمیم آن مانند قاضی انسانی بوده است.[[516]](#footnote-516)

###### 7- آگاهی و اجرای منشور اخلاقی اروپا در مورد استفاده از هوش مصنوعی در سیستم‌‌های قضایی و محیط آنها

پس از تصویب اولین چارچوب مرجع تنظیم اصول استفاده از هوش مصنوعی در سیستم‌‌های قضایی اروپا در 4 دسامبر 2018، از کمیسیون اروپا برای کارآمدی عدالت[[517]](#footnote-517) دعوت شد تا منشور را در سمینارها و جلسات مطالعاتی در سراسر اروپا و فراتر از آن و با همکاری تعداد زیادی از رسانه‌‌های اروپایی ارائه دهد. علاوه بر این، در 14 فوریه دبیرخانه کمیسیون در جلسه‌ای در لندن (انگلیس) که از سوی کمیسیون فناوری و سیاست گذاری انجمن حقوق، با موضوع "الگوریتم‌‌های موجود در سیستم عدالت" برگزار شد، شرکت کرد. کمیسیون همچنین در کنفرانس سطح عالی هوش مصنوعی که تحت ریاست جمهوری فنلاند شورای اروپا برگزار می‌شود، در هلسینکی، در تاریخ 26-27 فوریه 2019 برگزار شد.

مهم‌تر از همه، کمیسیون در سال 2019 کارهایی را با هدف تسهیل اجرای اصول منشور انجام خواهد داد. در این راستا، از نظر (1) عملیاتی و روش شناختی، و (2) همچنین بررسی امکان ایجاد مکانیزم صدور گواهینامه برای ابزارهای هوش مصنوعی در زمینه عدالت. (3) منشور اخلاقی اروپا در مورد استفاده از هوش مصنوعی در سیستم‌‌های قضایی و محیط آنها (4) «پرونده ویژه: آگاهی بخشی و اجرای منشور اخلاقی اروپا درباره استفاده از هوش مصنوعی در سیستم‌‌های قضایی و محیط آنها» اقدام هماهنگ خواهد کرد.[[518]](#footnote-518)

###### 8- اروپا برای دستیابی به هوش مصنوعی قابل اعتماد

به کارگیری هوش مصنوعی مانند بقیه تکنولوژی‌ها در اول راه مورد اعتماد مردم نخواهد بود اتحادیه اروپا در «راهنمای استفاده اخلاقی از هوش مصنوعی»[[519]](#footnote-519) ضمن شمارش دغدغه‌‌ها، اعتماد سازی در هر زمینه با روش‌‌های مختلف را وظیفه دولت‌ها دانسته و روش‌ها را بیان نموده است که به نظر می‌رسد برای ما نیز قابلیت بهره‌برداری و بومی‌سازی دارد. این راهنما و مشابه آن، می‌تواند راهنمای نوشتن دستورالعمل‌‌‌‌‌‌‌‌های اعتماد ساز برای سیستم قضایی، دستگاه‌‌‌‌‌‌‌‌های اجرائی مرتبط، قضات، کادراداری و مردم به وجود بیاورند که اگر این اعتماد ایجاد شود دگردیسی دیجیتال و بهره‌بری از هوش مصنوعی در قوه قضائیه اتفاق می‌افتد.

در 8 آوریل 2019، گروه متخصص سطح بالای هوش مصنوعی رهنمودهای اخلاقی برای هوش مصنوعی قابل اعتماد را (به تمامی زبان‌‌های اتحادیه) ارائه داد. این به دنبال انتشار اولین پیش نویس دستورالعمل در دسامبر 2018 بود که بیش از 500 نظر در آن با یک مشاوره آزاد دریافت شد.

طبق دستورالعمل‌‌ها، هوش مصنوعی قابل اعتماد باید دارای شرایط زیر باشد:

1- قانونی[[520]](#footnote-520)- رعایت کلیه قوانین و مقررات قابل اجرا

2- اخلاقی[[521]](#footnote-521) - احترام به اصول و ارزش‌‌‌‌‌‌‌‌های اخلاقی

3- قوی[[522]](#footnote-522) – از دو جهت فنی و در نظر گرفتن محیط اجتماعی آن

این رهنمودها مجموعه‌ای از 7 مورد اصلی را مطرح کرده است که سیستم‌‌های هوش مصنوعی باید آنها را برآورده کنند تا قابل اعتماد شناخته شوند. یک فهرست ارزیابی خاص برای کمک به تأیید کاربرد هر یک از نیازهای اصلی است:

• اختیارات انسانی و نظارت [[523]](#footnote-523): سیستم‌‌های هوش مصنوعی باید به انسان‌‌‌‌‌‌‌‌ها قدرت دهند و به آنها اجازه تصمیم گیری آگاهانه و پرورش حقوق اساسی خود را بدهند. در عین حال، سازوکارهای نظارتی مناسب باید تضمین شود، که می‌تواند از طریق رویکردهای «انسان در حلقه»[[524]](#footnote-524) «حلقه انسان»[[525]](#footnote-525) و «فرماندهی انسان»[[526]](#footnote-526) محقق شود.

• مقاومت فنی و ایمنی [[527]](#footnote-527): سیستم‌‌های هوش مصنوعی باید مقاوم و ایمن باشند. آنها باید ایمن باشند، همچنین در صورت بروز خطا و همچنین دقیق بودن، قابل اعتماد بودن و قابلیت تکرار کردن، از یک برنامه سقوط اطمینان حاصل می‌کنند. این تنها راهی است که می‌تواند آسیب ناخواسته را نیز به حداقل رسانده و از آن جلوگیری کند.

• حریم خصوصی و حاکمیت داده‌ها:[[528]](#footnote-528) علاوه بر اطمینان از احترام کامل به حریم خصوصی و حفاظت از داده‌‌ها، باید مکانیسم‌‌های حاکمیت داده‌‌های کافی نیز با در نظر گرفتن کیفیت و یکپارچگی داده‌ها و اطمینان از دسترسی قانونی به داده‌ها تضمین شود.

• شفافیت:[[529]](#footnote-529) داده‌‌ها، سیستم و مدل‌‌های تجاری هوش مصنوعی باید شفاف باشند. مکانیسم‌‌های ردیابی می‌توانند به دستیابی به‌این مهم کمک کنند. بعلاوه، سیستم‌‌‌‌‌‌‌‌های هوش مصنوعی و تصمیمات آنها باید به روشی متناسب با منافع ذی‌نفع توضیح داده شود. انسان‌‌‌‌‌‌‌‌ها باید آگاه باشند که با یک سیستم هوش مصنوعی تعامل دارند و باید از توانایی‌ها و محدودیت‌‌های سیستم مطلع شوند.

• تنوع، عدم تبعیض و رعایت انصاف:[[530]](#footnote-530) باید از سوگیری ناعادلانه اجتناب شود، زیرا این امر می‌تواند پیامدهای منفی متعددی از حاشیه نشینی در گروه‌‌های آسیب پذیر تا تشدید تعصب و تبعیض داشته باشد. با پرورش تنوع، سیستم‌‌های هوش مصنوعی باید فارغ از هرگونه معلولیت برای همه قابل دسترسی باشند و ذی‌نفعان مربوطه را در کل دایره زندگی خود درگیر کنند.

• رفاه اجتماعی و زیست محیطی:[[531]](#footnote-531) سیستم‌‌های هوش مصنوعی باید به نفع همه انسان‌ها از جمله نسل‌‌های آینده باشد. از این رو باید اطمینان حاصل شود که آنها پایدار و سازگار با محیط زیست هستند. علاوه بر این، آنها باید محیط، از جمله سایر موجودات زنده را در نظر بگیرند و تأثیر اجتماعی و اجتماعی آنها باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

• پاسخگویی:[[532]](#footnote-532) برای اطمینان از مسؤولیت و پاسخگویی در برابر سیستم‌‌های هوش مصنوعی و نتایج آنها باید مکانیزم‌‌هایی ایجاد شود. ممیزی، که ارزیابی الگوریتم‌‌ها، داده‌ها و فرآیندهای طراحی را امکان پذیر می‌کند، به ویژه در برنامه‌‌های حیاتی، نقشی اساسی در آن دارد. علاوه بر این، باید از جبران خسارت قابل دسترسی اطمینان حاصل شود.

کمیسیون اروپا برای بهره‌وری عدالت[[533]](#footnote-533) دوره‌‌های ‌‌‌‌آموزشی متعددی را برای توضیح و توجیه اعضاء برگزار کرد از جمله: «کارگروه کمیسیون در زمینه کیفیت عدالت در 14 و 15 مارس 2019 در استراسبورگ برگزار خواهد شد. به همین مناسبت، این گروه ابزارهای اجرای ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر اصول "منشور اخلاقی اروپا در مورد استفاده از هوش مصنوعی در کشور" را درسیستم‌‌‌‌‌‌‌‌های قضایی و محیط آنها بررسی خواهد کرد. همچنین بر روی یک بسته کاربردی برای حمایت از اجرای دستورالعمل‌‌های مربوط به‌ایجاد تغییرات در قانون سایبری کار خواهد کرد. علاوه بر این، انتظار می‌رود که گروه کاری دستورالعمل‌‌های مربوط به اشتراک دانش بین قضات را که در جلسه عمومی کمیسیون در ژوئن 2019 تصویب می‌شود، نهایی کند.»

###### 9- بومی‌سازی هوش مصنوعی اتحادیه اروپا

توجه به‌این موضوع، در نرم‌افزار‌ها و پلت فرم‌ها و ‌‌‌خصوصاً هوش مصنوعی مرتبط با علوم انسانی، بسیار مهم است که باید نسبت به هر کشور و هر موضوع خاص، بومی‌سازی شوند، اگر در زمینه علوم پایه و حتی پزشکی بتوان نرم‌افزارهای ‌‌‌‌تقریباً قطعی برای همه جا نوشت (هرچند در آن‌ها هم توجه به تفاوت‌ها مهم است) اما در رابطه با علوم انسانی، نمی‌توان یک ماشین هوش مصنوعی ثابت برای همه آن‌ها نوشت، در رابطه با قوه قضائیه در همه کشور‌ها لازم است بومی‌سازی صورت گیرد در همین زمینه، حتی در اتحادیه اروپا، نسبت به شخصی سازی آن‌ها توجه شده است «کارگروه کمیسیون[[534]](#footnote-534) در زمینه کیفیت عدالت در تاریخ 14 و 15 مارس 2019 در استراسبورگ برگزار می‌شود. به همین مناسبت، این گروه ابزارهای اجرای مؤثر اصول " منشور اخلاقی اروپا در استفاده از هوش مصنوعی، سیستم‌‌های قضایی و محیط آنها را در دادگاه‌‌‌‌‌‌‌‌های ملی بررسی می‌کند. ". همچنین این برنامه برای پشتیبانی از اجرای دستورالعمل‌‌های مربوط به تغییرات حرکت در فضای مجازی، روی ابزار کار خواهد کرد. علاوه بر این، انتظار می‌رود کارگروه دستورالعمل‌‌های اشتراک دانش در میان قضات را تصویب کند که در جلسات عمومی کمیسیون در ژوئن 2019 تصویب شود.»[[535]](#footnote-535)

###### 10- هوش مصنوعی دردادگاه حقوق بشر اروپا

بر اساس خبر 24 اکتبر 2016 دانشگاه لندن، تصمیمات قضایی دادگاه حقوق بشر اروپا با استفاده از روش هوش مصنوعی که توسط محققان UCL، دانشگاه شفیلد و دانشگاه پنسیلوانیا تهیه شده است، با دقت 79٪ ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی شده است. این روش اولین بار ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی نتایج یک دادگاه بزرگ ‌بین‌المللی با تجزیه و تحلیل خودکار متن پرونده با استفاده از الگوریتم یادگیری ماشین است. مطالعه پشت آن امروز در پریج کامپیوتر ساینس[[536]](#footnote-536) منتشر شد.

ما‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی نمی‌کنیم که هوش مصنوعی جایگزین قضات یا ‌‌وکلا شود، اما فکر می‌کنیم آنها برای شناسایی سریع الگوهایی در مواردی که منجر به نتایج خاصی می‌شود، مفید واقع می‌شوند. همچنین می‌تواند یک ابزار ارزشمند برای برجسته کردن مواردی باشد که به احتمال زیاد تخلف دارند دکتر نیکولاس آلتراس، که رهبری این مطالعه را در دانشگاه علوم کامپیوتر UCL بر عهده داشت، از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر توضیح داد. در توسعه ‌این روش، تیم دریافت که احکام دادگاه حقوق بشر به جای استدلال‌‌های مستقیم حقوقی، با واقعیت‌‌های غیر‌حقوقی ارتباط زیادی دارد، این نشان می‌دهد که قضات دادگاه، در اصطلاح اصولی نظریه حقوقی، «واقع گرا» هستند تا «فرمالیست».  این از یافته‌‌های مطالعات قبلی در مورد روند تصمیم گیری سایر دادگاه‌‌های سطح بالا، از جمله دادگاه عالی ایالات متحده پشتیبانی می‌کند.[[537]](#footnote-537)

###### 11. دقت هوش مصنوعی در دادگاه حقوق بشر اروپا

در اروپا درزمینه هوش مصنوعی کار شده و در دادگاه‌‌‌‌‌‌‌‌ها اقداماتی در حال انجام است، در مقاله‌ای با عنوان «‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی تصمیمات قضایی دادگاه حقوق بشر اروپا: دیدگاه پردازش زبان طبیعی»[[538]](#footnote-538) چنین می‌خوانیم: جدیدترین پیشرفت‌‌‌‌‌‌‌‌ها در زبان طبیعی پردازش و یادگیری یادگیری با ابزارهایی برای ایجاد مدل‌‌‌‌‌‌‌‌های ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی کننده که می‌تواند برای آشکارسازی الگوهای تصمیم گیری قضایی مورد استفاده قرار گیرد. این مسأله می‌تواند برای ‌‌وکلا و قضات به عنوان یک ابزار کمکی برای شناسایی سریع پرونده‌ها و استخراج الگوهایی که منجر به تصمیم‌گیری‌‌های خاص می‌شود مفید باشد. این مقاله اولین ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی سیستماتیک، ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی ورود دادگاه حقوق بشر اروپا را فقط بر اساس محتوای متنی ارائه می‌دهد. ما یک وظیفه طبقه‌بندی دوتایی انجام می‌دهیم که ورودی طبقه‌بندی کننده ما محتوای متنی است که از یک پرونده استخراج شده است و خروجی مورد نظر قضاوت واقعی در مورد نقض ماده‌ای از کنوانسیون حقوق بشر است.

اطلاعات متنی با استفاده از توالی کلمات مجاور، یعنی N-gram و موضوعات نشان داده می‌شود. مدل‌‌‌‌‌‌‌‌‌های ما می‌توانند تصمیمات دادگاه را با دقت قوی (به طور متوسط 79٪) ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی کنند. تجزیه و تحلیل تجربی ما نشان می‌دهد که حقایق رسمی یک پرونده مهم‌ترین عامل ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی کننده است. این با نظریه واقع گرایی حقوقی مطابقت دارد که نشان می‌دهد تصمیم‌گیری قضایی به طور قابل توجهی تحت تأثیر محرک واقعیات است. همچنین می‌بینیم که محتوای موضوعی یک مورد، یکی دیگر از ویژگی‌‌‌‌‌‌‌‌‌های مهم چینش و طبقه‌بندی وظایف است و با انجام تجزیه و تحلیل کیفی، این رابطه را بیشتر کشف می‌کنیم. این مطلب با نظریه واقع‌گرایی حقوقی مطابقت دارد که نشان می‌دهد تصمیم گیری قضایی به طور قابل توجهی تحت تأثیر محرک واقعیات است.[[539]](#footnote-539) اما به نظر می‌رسد در این مطلب اغراق شده است، 79 درصد در ابتدای راه ،عدد بسیاری است اما به یقین با ‌‌‌‌آموزش و دقت در فرآیندها، همواره بهتر از قبل می‌شود و هر ‌‌‌‌آموزشی، در ماشین، هرگز فراموش نخواهد شد.

###### 12. هوش مصنوعی در دادگاه‌‌های کوچک استونی قاضی می‌شود

استونی علی رغم داشتن تنها 1.4 میلیون شهروند، در زمینه پذیرش فناوری و دیجیتالی سازی پیشگام است. در استونی قضاوت مجهز به هوش مصنوعی ایجاد شده و ادعاهای کوچک تا 7000 یورو را حل می‌کند تا قضات حرفه‌ای را برای کار در پرونده‌‌های بزرگتر و مهم‌‌‌تر آزاد کند، حکم «قاضی ربات» از نظر قانونی لازم الاجرا است اما می‌تواند برای قاضی انسانی قابل تجدید نظر باشد. قبل از تصمیم‌گیری بر اساس الگوریتم‌ها و ‌‌‌‌آموزش‌‌های از قبل ‌‌‌‌‌برنامه‌ریزی شده، به آن اسناد قانونی داده می‌شود و آنها را تجزیه و تحلیل می‌کند.

این پروژه و فناوری هنوز در مراحل ابتدایی است و هیچ تاریخ مشخصی برای راه‌اندازی آن اعلام نشده است، اما پروژه بزرگتر هوش مصنوعی که بخشی از آن است نتایج خود را در ماه مه اعلام خواهد کرد. جزئیات و پروتکل‌ها هنوز به‌وسیله‌ی توسعه دهندگان در حال ارتقاء است و ‌‌‌‌‌‌احتمالاً پس از مشاوره از متخصصان حقوقی تجدید نظر می‌شود. برخی از مردم نگران هستند كه اگر تعداد كارمندان را پایین بیاوریم، کیفیت خدمات آسیب خواهد دید. اما عامل هوش مصنوعی کمک خواهد کرد.[[540]](#footnote-540)

# **بند ششم: ‌‌‌مشکلات هوش مصنوعی**

###### 1- عدم شفافیت الگوریتم هوش مصنوعی

«یکی از اصلی‌‌‌ترین ‌‌‌مشکلات استفاده از هوش مصنوعی برای تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت بشریت این است که الگوریتم‌ها غالباً غیر‌شفاف هستند و جستجوی علت خطاها برای جلوگیری از تکرار به هیچ وجه آسان نیست. از نظر توسعه‌دهندگان سیستم‌‌های خودآموزی، این قابل درک است: چه کسی می‌خواهد دانش خود را با رقبای بالقوه به اشتراک بگذارد؟ اما وقتی زندگی مردم در معرض خطر است، آیا اسرار تجاری باید اولویت داشته باشند؟

سیاستمداران در سراسر جهان تلاش می‌کنند تا با تنظیم [هوش مصنوعی غیر‌شفاف](https://en.wikipedia.org/wiki/Right_to_explanation) مقابله کنند.  در اتحادیه اروپا، «موضوعات داده»[[541]](#footnote-541) حق دارند بدانند که تصمیمات هوش مصنوعی که بر منافع آنها تأثیر می‌گذارد بر چه اساسی است. [ژاپن](https://asia.nikkei.com/Business/Science/Japan-to-hold-companies-accountable-for-AI-decisions" \t "_blank) از مسیری مشابه عبور می‌کند، اما قانون مربوطه هنوز فقط در حال بررسی است.

برخی از توسعه‌دهندگان طرفدار شفافیت هستند، اما تعدادشان اندک است. یکی از آنها شرکت فناوری سیویک اسپیس[[542]](#footnote-542) است که در سال 2017 [کد منبع(سورس کد) سیستم ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی خود را منتشر کرد](https://qz.com/938635/a-predictive-policing-startup-released-all-its-code-so-it-can-be-scoured-for-bias/).  اما این قاعده نیست و بسیار استثنا است. اکنون که جن (غول چراغ جادو) هوش مصنوعی[[543]](#footnote-543) از بطری خارج شده است، شانس کمی برای بشر وجود دارد که بتواند آن را پس دهد. این بدان معناست که تا زمانی که تصمیمات مبتنی بر هوش مصنوعی به طور قابل اثبات منصفانه و دقیق نشوند، استفاده از هوش مصنوعی باید به قوانین بدیع و صلاحیت سازندگان و کاربران سیستم‌‌های خودآموزی متکی باشد.»[[544]](#footnote-544)

بر همین اساس برخی متفکران توصیه می‌کنند: دادگاه‌ها باید استفاده از الگوریتم‌‌های مجازات کیفری را متوقف کنند: «امروزه الگوریتم‌ها زندگی ما را فرا گرفته‌اند، از توصیه‌‌های موسیقی گرفته تا امتیازات اعتباری، تصمیمات وثیقه و مجازات. اما نظارت و شفافیت کمی در مورد نحوه کار آنها وجود دارد. در هیچ کجای این عدم نظارت به‌اندازه سیستم عدالت کیفری جدی نیست. بدون محافظات مناسب، این ابزارها موجب از بین رفتن حاکمیت قانون و کاهش حقوق فردی می‌شوند. در حال حاضر، دادگاه‌ها و ادارات اصلاحیه در چهارگوشه ایالات متحده از الگوریتم‌‌هایی برای تعیین «خطر» یک متهم استفاده می‌کنند، که از احتمال ارتکاب جرم دیگری توسط فرد تا احتمال حضور یک متهم در تاریخ دادگاه متغیر است.

این خروجی‌‌های الگوریتمی، تصمیمات مربوط به وثیقه، صدور حکم و آزادی مشروط را اعلام می‌کند. هر نرم‌افزاری می‌خواهد تا دقت تصمیم گیری انسان که‌امکان تخصیص بهتر منابع محدود را فراهم می‌کند، بهبود یابد. به طور معمول، سازمان‌‌های دولتی الگوریتم‌‌های خود را نمی‌نویسند. آنها را از بخش خصوصی خریداری می‌کنند. این اغلب به معنای اختصاصی بودن الگوریتم یا «جعبه سیاه» است، به‌این معنی که فقط صاحبان آن، و به میزان محدودی خریدار، می‌توانند نحوه تصمیم گیری نرم‌افزار را ببینند. در حال حاضر، هیچ قانون فدرالی وجود ندارد که استانداردها را تعیین کند یا نیاز به بازرسی از این ابزارها داشته باشد، روشی که FDA با داروهای جدید انجام می‌دهد.[[545]](#footnote-545)

اما چنین توصیه‌‌هائی نه منطقی است نه اجرائی، بخواهیم و نخواهیم، تکنولوژی در همه زمینه‌‌های زندگی بشری حضور دارد و هر روز نیز بیش از روز قبل خواهد بود و «هوش مصنوعی» از این قاعده مستثنی نیست بلکه به‌دلیل کارائی بسیار فراوان آن، به سرعت در حال پیشرفت است و نمی‌توان آن را متوقف کرد بلکه لازم است، با ‌‌‌‌آموزش مستمر به ماشین، اشکالات آن را کمتر کرد.

###### 2- بخش خصوصی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا، دلیل عدم شفافیت الگوریتم

لوگان کوگلر نویسنده فناوری مستقر در تامپا، فلوریدا، ایالات متحده‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا که برای بیش از 60 نشریه مهم می‌نویسد در دسامبر 2018 نوشت: «ماشین‌‌های "بی‌طرف" که به‌وسیله‌ی انسان‌‌های مغرض ایجاد شده است» در پرونده به کمک الگوریتم لومیس،[[546]](#footnote-546) متهم ادعا کرد که گزارش الگوریتم حق او را در دادرسی صحیح نقض کرده است، اما راهی برای بررسی نحوه تولید گزارش وجود نداشته است. شرکتی که نرم‌افزارکامپس[[547]](#footnote-547) حاوی الگوریتم نورث پوینت[[548]](#footnote-548) را تولید می‌کند، فعالیت‌‌های خود را محرمانه اعلام می‌کند.

مدیر نورث پوینت گفت: «کلید محصول ما الگوریتم‌ها هستند و آنها اختصاصی هستند. ما آنها را ایجاد کرده‌ایم و آنها را آزاد نمی‌کنیم زیرا مطمئناً این یک برگه اصلی در تجارت ما است.» این مسأله اصطلاحاً «جعبه سیاه» است که حوزه هوش مصنوعی را تحت تعقیب خود قرار می‌دهد.

الگوریتم‌ها در مجموعه داده‌‌های عظیم اعمال می‌شوند. الگوریتم‌ها براساس «سورس مخفی» نحوه استفاده از داده‌ها نتیجه می‌گیرند. دست کشیدن از سورس مخفی یک الگوریتم مانند کنار گذاشتن کل مزیت رقابتی شما است. در نتیجه اکثر سیستم‌‌هایی که از هوش مصنوعی استفاده می‌کنند برای همه، غیر از سازندگان آنها، کاملاً غیرشفاف هستند. ما نمی‌توانیم تعیین کنیم که چرا یک الگوریتم یک خروجی، پیشنهاد یا ارزیابی خاص تولید کرده است.

این مسأله مهم هنگام استفاده از ماشین آلات به عنوان داور و هیأت منصفه است: از آنجا که ما حتی در درک ابتدایی نحوه کار الگوریتم‌ها کمبود داریم، حتی *پس* از آسیب دیدن به حقوق اشخاص هم نمی‌توانیم بفهمیم ‌‌‌‌‌‌‌ آیا نتایج ضعیفی ارائه می‌دهند؟[[549]](#footnote-549) این نقد، منطقی است، تا زمانی که الگوریتم‌ها در اختیار «بخش خصوصی باشد» و آن‌ها مالکیت خود را بر این موارد اعمال نمایند، بدیهی است که اعتمادی به آن‌ها نمی‌توان داشت.

###### 3- هوش مصنوعی در قوه قضائیه، حاکمیتی است.

به‌دلیل آن که در غرب، اینگونه نرم‌افزارها متعلق به بخش خصوصی است و محرمانگی مالکیت شرکت بر سورس نرم‌افزاری به رسمیت شناحته شده است شک در صحت و عدم صحت الگوریتم‌‌ها، موجب بروز ابهامات شده است، از دیگر سوی اتهاماتی به دستکاری الگوریتم‌ها وجود دارد، اتحادیه اروپا پیشنهاد ارائه گواهینامه‌‌های اطمینان بخش را دارد «از آنجا که نمی‌توان انتظار داشت که همه قادر به درک کامل عملکرد و تأثیرات سیستم‌‌های هوش مصنوعی باشند، می‌توان سازمان‌هایی را در نظر گرفت که به مردم عادی گواهی دهند که یک سیستم هوش مصنوعی شفاف، پاسخگو و منصفانه است. این گواهینامه‌ها از استانداردهای توسعه یافته برای حوزه‌‌های کاربردی مختلف و تکنیک‌‌های هوش مصنوعی، به طور مناسب با استانداردهای صنعتی و اجتماعی زمینه‌‌های مختلف استفاده می‌کند. گواهینامه هرگز نمی‌تواند جایگزین مسؤولیت شود. از این رو باید با چارچوب‌‌های پاسخگویی، از جمله سلب مسؤولیت و همچنین مکانیزم‌‌های بررسی و جبران، تکمیل شود.»[[550]](#footnote-550)

به نظر نمی‌رسد در این زمینه‌ها بتوان به بخش خصوصی، اعتماد کامل کرد و اقدام هوش مصنوعی در قوه قضائیه، حاکمیتی است و قابل واگذاری به بخش خصوصی نیست، بنا بر این لازم است قوه قضائیه، مالکیت الگوریتم‌ها را به صورت شفاف در اختیار داشته باشد و با همکاری قضات آشنا به قوانین و مهندسان هوش مصنوعی مورد اعتماد، این الگوریتم‌ها را به‌روزرسانی کرده و خطاهای آن را در طول زمان کاهش دهد و بر جزئیات آن، آشنا باشد تا بتواند آن را کنترل نماید.

###### 4- هوش مصنوعی موجب از بین رفتن مشاغل می‌شود

با هر نوع اختراع و ابتکار جدید، مشاغل پیشین، یا از بین رفته یا دچار تغییر و تحول می‌شود اما تکنولوژی ‌‌‌‌‌‌‌‌معمولاً موجب افزایش فرصت‌‌های شغلی گردیده است. تا قبل از آمدن برق، مشاغل فراوانی وجود داشت که با آمدن برق از بین رفت، اما برق ده‌ها برابر آن مشاغل را ایجاد کرد. از بین رفتن مشاغل سنتی در هر زمینه‌ای، از هنر تا خدمات درمانی، تا حدی به دنبال به وجود آمدن کارهای انسانی جدید جبران می‌شود. پزشکان عمومی که بر تشخیص بیماری‌‌های شناخته شده تمرکز می‌کنند و به عنوان پزشک خانوادگی فعالیت می‌کنند شاید جای خود را به هوش مصنوعی بدهند. اما درست به‌این دلیل، منابع مالی بیشتری خواهیم داشت تا بر روی دکترهای انسانی و معاونین آزمایشگاه‌ها سرمایه‌گذاری کنیم تا تحقیقات پیشگامانه انجام دهند و داروها یا روش‌‌های جراحی) جدیدی را به وجود آورند.

هوش مصنوعی می‌تواند در ایجاد مشاغل انسانی به شکل‌‌های دیگر کمک کند. انسان‌ها به جای رقابت با هوش مصنوعی می‌توانند به نگه داری و هدایت آن بپردازند. برای مثال، جایگزینی هواپیماهای بدون خلبان به جای خلبانان انسانی تا حدودی باعث از بین رفتن موقعیت‌‌های کاری شد، اما موقعیت‌‌های جدید بسیاری در زمینه‌‌های مراقبت، کنترل از راه دور، تحلیل داده‌ها و امنیت سایبری فراهم آورد. نیروهای مسلح ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا برای انجام عملیات هر هواپیمای بدون خلبان شکاری که بر فراز سوریه پرواز می‌کرد، احتیاج به سی نفر داشت، در حالی که تحلیل نتیجه اطلاعات بدست آمده حداقل هشتاد نفر دیگر را مشغول می‌کرد. در سال 2015 نیروی هوایی ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا فاقد نیروهای انسانی ‌‌‌‌آموزش دیده کافی برای اشغال تمام این موقعیت‌‌های کاری بود و از این رو با یک بحران عجیب در اداره هواپیماهای بدون خلبان مواجه شد.

###### 5- هوش مصنوعی: منجی یا قاتل بشر؟

25 اکتبر 2016 - 04 آبان 1395؛ استیون‌‌هاوکینگ یکی دو سالی است از خطر هوش مصنوعی می‌گوید او البته تنها نیست. چهره‌‌هایی چون ایلان ماسک و بیل گیتس و استیو ووزنیاک هم پیش و پس از او در مورد پیشرفت هوش مصنوعی هشدار داده‌اند. اما تصویر پروفسور‌‌هاوکینگ آخرالزمانی‌‌‌تر از همه بود - دنیایی که روبات‌ها به‌این نتیجه می‌رسند که دیگر نیازی به آدمیزاد ندارند.

به باور پروفسور‌‌هاوکینگ، چنین پیشرفتی می‌تواند بیماری و فقر را از بین ببرد، حتی معضل تغییرات اقلیمی زمین را حل کند. در عین حال می‌تواند چیزهایی بیافریند که ما دوست نداشته باشیم: سلاح‌های خودمختار، بحران‌‌های اقتصادی، یا ماشین‌‌هایی که اراده داشته باشند و جلوی بشر بایستند. مرکز تازه تأسیس دانشگاه کمبریج قرار است محلی برای تحقیق در این باره باشد و اگر به همین یک پرسش پیش پاافتاده پاسخ بدهد کافیست: بالاخره هوش مصنوعی ما را می‌کشد یا نه؟

نتیجه گیری

«دادرسی عادلانه» ، تضمین حقوق جوامع بشری، و مهم ترین راه برقراری «عدالت» است که توصیه ، دستور و دکترین و اندیشمندان «حق طلب» بوده و هست و «اسناد حقوق بشر» و «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» ، بر آن تاکید داشته و در سالیان گذشته، اقدامات ارزنده ای برای کامل تر شدن آن، صورت گرفته و با توسعه قوانین ، مکان های قضائی ، تربیت قضات ، آموزش ضابطین و دیگر مسائل، تلاش شده، تا هرچه بهتر و مفید تر باشد.

در عصر جدید، تحولات عظیم در ارتباطات، رشد قابل ملاحظه­ای داشته، ‌‌‌خصوصاً «فضای مجازی» مرکب از «موبایل» و «اینترنت»، موجب «دگردیسی» در بسیاری از امور شده و عملیات مختلف اقتصادی، علمی، اجتماعی، ‌‌‌‌آموزشی و امثال آن ها را به ساده‌‌‌ترین وجه ممکن، بدون زمان و مکان، در اختیار همه اقشار مردم گذاشته و تحولی مدرن در ابعاد زندگی بشر ایجاد کرده است. در احقاق و اجراءِ «حق دادرسی عادلانه»، کم و بیش، از این امکانات استفاده شده ، اما تا رسیدن به یک فرآیند کامل، گام‌‌های فراوانی لازم است که در آینده نزدیک، بهره‌گیری از «فضای مجازی» در همه زمینه‌‌های دادرسی، از ابتدا تا انتها، فراگیرتر، سهل­تر و به امری معمول در زندگی عادی تبدیل خواهد شد.

در نسل های سه گانه حقوق بشر، حقوق ماهوی قابل توجهی برای اشخاص، تبیین گردیده است. حقوق بشر نسل اول (اعلامیه و میثاق مدنی سیاسی) دارای دو بخش است: در بخش اول، حقوق بشر ماهوی مطرح شده است، که به بحث درباره حقوق مختلفی (مثل حق حیات، حق آزادی عقیده و...) می پردازد که انسان در حوزه‌های مختلف مدنی و سیاسی دارد و نمی توان آن را نقض کرد. در بخش دوم ، حق برخورداری از دادرسی عادلانه، با هدف تضمین برابری و اجرای منصفانه در اِعمال و اجرای عدالت ، ‌‌‌‌‌‌‌‌پیش‌بینی شده است که این قسمت از حقوق بشر نسل اول، نه تنها در حقوق ماهوی میثاق ، بلکه در بقیه حقوق بشر و حقوق مکتسبه اشخاص در قوانین داخلی نیز جریان دارد.

در حقوق بشر نسل دوم، حقوق ماهوی فراوان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مثل حق کار، حق ‌‌‌‌آموزش، حق تأمین اجتماعی) تبیین شده و حاوی موضوعات مهمی است و حقوق بشر نسل سوم نیز، «حقوق جمعی» مانند محیط زیست است که اگر مورد تعرض واقع شود، پیگیری آن‌‌ها، نیازمند شکایت نیست و عمدتاً «غیر‌‌‌ترافعی» است و در همه این حقوق ماهوی، «حق دادرسی» برای مردم ایجاد می شود و «دادرسان» باید بر اساس مواد «حقوق رویه­ای» به آنها رسیدگی کنند.

«قوه قضائیه در فضای مجازی» از دو جهت به «حقوق بشر» ربط دارد : 1- «حق دادرسی عادلانه» ، یک حق مسلم در حقوق بشر نسل اول است و همه کشورهای عضو مکلف‌اند تا زمینه‌های آن را ایجاد کنند و فضای مجازی، همه زمینه‌ها را می‌تواند تسهیل کند. 2- «حق دسترسی به‌اینترنت» یک مقوله از «حقوق بشر جدید» با توصیه‌‌های فراوانی نسبت به رعایت آن است اما در «حقوق بشر جدید»، «حق دسترسی به‌اینترنت» ، معمولاً در مسائل «آزادی بیان» و «حق انتشار» محدود شده است، در حالیکه لازم است «حق دسترسی به‌اینترنت»، به عنوان یک «حق بشری»، در همه «زمینه‌های مختلف» زندگی ، به صورت «عملیاتی» و «اجرایی» ، مورد توجه قرار گیرد، تا مردم، با ساده‌‌‌ترین وجه، به کلیه حقوق ماهوی خود در همه زمینه‌ها ، خدمات و وظایفی که دولت‌ها و بخش عمومی بر عهده دارند و یا مواردی ، اعم از خرید و فروش، مشاغل، حق ‌‌‌‌آموزش، حق بهداشت، و انواع امور اداری و... که در اجتماع به آن ها نیازمندند، از طریق اینترنت ، دسترسی داشته و به سادگی دریافت نمایند.

بر همین اساس ، توسعه در مفهوم و مصادیق «حق دسترسی به‌اینترنت» و گسترش آن به «حقوق رویه‌ای» و ابعاد مختلف دادرسی، یک حق بشری «به‌روز» و مهم است، تا همگان با استفاده از این امکان، کلیه «درخواست»‌ها و «دادخواست»‌‌های خود را به ساده‌‌‌ترین شکل، با کمترین هزینه و در تمام ساعات شبانه روز و بدون تعطیلی، از طریق «درگاه واحد قوه قضائیه»، پیگیری نموده و در کمترین زمان ممکن، به حق خویش، برسند.

«دادرسی عادلانه» با بهره وری از «فضای مجازی»، یک موضوع صرفا حقوقی نیست. بنابراین در مورد قسمت‌‌های مختلف «حقوق بشر رویه‌ای» و ابعاد هریک ، توضیحاتی ارائه شد، و اصول دادرسی عادلانه از قبیل، اصل برائت، اصل دادرسی از سوی مقام‌ بی‌طرف، اصل علنی بودن دادرسی ،اصل بهره‌مندی از وکیل و دیگر موضوعات و ‌‌‌مشکلات آن تبیین شد. در حالی که این مطالب برای حقوقدانان شناخته شده بود. اما با توجه به بهره وری رشته های دیگر ، آنان با چنین مطالبی آشنا نبودند و توضیحاتی در این موارد، ارائه شد، بهره‌ مندی از فضای مجازی و «دگردیسی کامل روند دادرسی» و زیرساخت‌‌های قانونی و اجرائی و الزامات آن از جهت 1- تبیین مسأله 2- ‌‌‌مشکلات موجود 3- و ‌راه‌حل‌‌های هریک از «حقوق رویه‌ای» جهت هرچه عادلانه­تر و سریع‌‌‌تر شدن روند، توضیح داده شد.

الزاماتِ «دگردیسی دیجیتال» در قوه قضائیه و ‌‌‌مشکلات فراوان کنونی پرونده‌ها ، مورد توجه قرار گرفت، مواردی از قبیل کاغذی بودن مراحل، پیش و پس انداختن پرونده‌ها از سوی دفاتر دادگاه‌ها، گم شدن پرونده‌‌ها، امحاء پرونده‌‌های قدیمی و ضایع شدن حق مردم، ‌‌‌مشکلات ابلاغ، نرسیدن ابلاغ‌‌ها، دیر رسیدن ابلاغ‌ها و گذشت زمان حق اعتراض، اطاله زمان دادرسی ، عدم امکان بازرسی کامل از روند اجرائی و رفتار قضات و کارکنان و ضابطین، صدور قرارهای بیهوده و اعزام به زندان ، مشکل دسترسی به دادسرا‌ها و نشناختن مرجع صاحب صلاحیت، از آن جمله بود. در روش متعارف سالیان گذشته و هم اینک، «شعب کشیک» در دادسراها تشکیل می شود که مردم برای دسترسی به آن ، مشکلات فراوان دارند . اما با توجه به اینترنت و امکانات عظیم ارتباطاتی ، که در اختیارعموم شهروندان است ، «دگردیسی دیجیتال دادرسی» و ایجاد قوه قضائیه شبانه روزی (24×7 ؛ هر هفت روز هفته ، 24 ساعته و بدون تعطیلی) از طریق موبایل ، گسترش يافت و در اينده «قوه قضائیه همراه» از ابتدا تا انتهای پرونده و «بدون مراجعه» (مگر در حد ضرورت) و «بدون کاغذ» باشد. قوه قضائیه در «فضای مجازی» از امکانات ذیل برخوردار است: ۱- دستیابی سریع و دقیق قضات به اطلاعات ۲- فعالیت قضات در تمام مکان‌ها و زمان‌ها، 3 - دسترسی لحظه‌ای مردم به دادرسی و عدم تعطیلی دادگاه 4- کاهش هزینه و زمان دادرسی 5- ارتباط قضات با کارشناسان و ‌‌وکلا 6 – بررسی سریع و علمی پرونده‌ها ، که موجب تسریع و عادلانه تر شدن قضاوت می گردد. «حق دادرسی» در اسناد حقوق بشری ، به همه مراحل تسری یافته است. و تمامی دعاوی، اعم از کیفری و مدنی (به معنای غیر‌کیفری، حتی اداری) و اعم از ترافعی و غیر‌‌‌ترافعی گسترده شده و همه موارد خاص یا عام، که مورد دادخواست و یا رسیدگی است حتی در جایی که به شخص خاصی بستگی نداشته و مربوط به جامعه است (از قبیل تخلفات و ‌‌‌مشکلات زیست محیطی) ، از طریق فضای مجازی، روند دادرسی ، تسهیل شود. «دادرسی عادلانه» فقط از زمان شروع دادخواست و حین رسیدگی نیست، بلکه پیش و حین و پس از دادگاه، در هر سه مرحله، این حق وجود دارد:

1- «پیشا دادگاه» در قوانین مختلف، تکلیفی بر قوه قضائیه و بقیه نظام اداری کشور و مستلزم اقدامات فراوانی است ، از جمله ، ‌‌‌‌آموزش ابعاد «حقوق» و «تکالیف»، که حداقل در دو زمینه است 1 - ‌‌‌‌آموزش حقوق شخصی و اجتماعی و اداری 2 - ‌‌‌‌آموزش شیوه پیگیری اختلافات و شکایات ، و شناساندن دادگاه صالح و روند دادرسی ، با روش‌‌های سهل، انجام شود.

‌اطلاع‌رسانی‌‌های دگردیسی شده «روزنامه رسمی» در زمینه قوانین، مقررات و موضوعات، از طریق «فضای مجازی» با روش «هوشمند» و «هدفمند»، و ‌‌‌‌آموزش عمومی «ارائه دادخواست» و «پیشگیری»‌‌های سیستماتیک از جرم، و بسیاری از موارد دیگر که قوه قضائیه عملی نماید. ‌‌‌‌آموزش مسؤولین امور اداری ، قضات و رده‌‌های مختلف دادرسان، ‌‌‌‌آموزش ‌مأمورین و ضابطین لازم است تا با محدوده وظائف خویش آشنا باشند ، اگر قاضی یا ضابط ، نداند که تکالیف وی چیست ، اشتباهات فراوان خواهد داشت و «فضای مجازی» بهترین ابزار را جهت انواع و اقسام آموزش های صوتی، تصویری و مکتوب ؛ و از سیستم های مختلف در اختیار «نظام اداری و قضائی» قرار می دهد.

2- «هنگام بررسی»، فضای مجازی به یاری می آید و دادسرا، دادگاه و دیگر مراکز قضائی و شبه قضائی، سهولت دسترسی، می یابند و حق داشتن وکیل ، تسهیل می شود تا پرونده‌ها ، وکیل داشته باشد و طبقه‌بندی ‌‌وکلا از طریق فضای مجازی، در همه موضوعات، به صورت دقیق ، انجام شود و این مسئله ، مردم را یاری خواهد کرد تا بهترین وکیل مناسب پرونده را بیابند، همچنین در زمینه انواع و اقسام نیازهای دادرسی از قبیل «کارشناسان» می‌توان با بهره وری از فضای مجازی ، همه امور برخط شود تا از «تبانی» یا «کارشناسی دروغین» پیشگیری شود و یا «شهود» را با دقت در دادگاه‌ها ارزیابی کرد و از «شهادت دروغ» غیر ممکن شود.

3- «پس از دادرسی»، در جهت احقاق حق محکوم له و رعایت حقوق محکوم علیه و جامعه، حائز اهمیت است این حقوق دارای زمینه‌‌های گوناگون ‌است از جمله، اجرای احکام در کمترین زمان و هزینه، حفظ حقوق فرد و جامعه و حل تعارض آن‌‌ها، تبعات قانونی مجرمیت و محرومیت‌‌های تبعی، حق فراموشی و بسیاری از موارد دیگر، که در «فضای مجازی» می‌توان آن‌ها را عملیاتی نمود.

در تمامی مراحل فوق ، «نظارت مستمر» بر عملکرد، قضات و ضابطین و مامورین رده‌‌های مختلف، ضروری است که با روش‌‌های سنتی، امکان ندارد اما با راه‌اندازی «سامانه‌‌های نظارتی» با بهره‌گیری از مردم، بر حسن رفتار قضات، کادر اداری، ضابطین و ‌مأمورین زندان‌ها، می‌توان نظارت به لحظه ، داشت تا تضمینی بر «اجراء عادلانه دادرسی» باشد.

ایجاد «ناظر مردمی الکترونیک»، یعنی مشارکت همه مردم بر عملکرد کارکنان و امکان بازرسی و نظارت مردمی به لحظه از طریق «فضای مجازی» (که تا قبل از اینترنت و موبایل، با این قوت و وسعت، امکان پذیر نبود) امروزه می‌تواند در همه زمینه‌ها، مدیران و مسئولان ناظر را، به لحظه، از رفتار غیر‌قانونی مطلع نموده و بسیاری از «اخطارها» و «ترفیع یا کاهش درجات» را «اتوماتیک» نماید و این روش، بازدارنده از «اعمال غیر قانونی» و رفتارهای «شبه قانونی» شود. همچنین مدیران ارشد، بلافاصله پیگیری نمایند و «غیرحضوری» با فرد خاطی برخورد نمایند. در این صورت، کلیه قضات و ضابطین و مامورین ، عملکرد خود را شفاف، در دید همگان می بینند و از «تخلف» ، «ظلم» و «رفتار غیر قانونی»، خودداری خواهند کرد.

مشکل‌‌‌ترین مانع اقدامات اساسی بنیادین در «دگردیسی دیجیتال»، تصور «عدم وجود قوانین به روز» است. در حالی که زیرساخت‌‌های قانونی بهره­وری از فضای مجازی وجود دارد تا «دادرسی عادلانه» بر اساس قوانین موجود، آسان‌‌‌تر، گسترده‌‌‌تر، فراگیرتر، کم هزینه و سریع تر انجام شود و در هر موضوع، کمبودی وجود ندارد، فقط لازم است قوانین مربوط، به درستی مطالعه شود. از مسائلی که مانع اقدامات و اصلاحات اساسی بهره‌وری از فضای مجازی در دادرسی عادلانه می‌شود، تصور عدم «سندیت اسناد الکترونیک» جهت «ادله اثبات دعوی» در دادگاه‌ها است. اما ابعاد مختلف سندیت تراکنش های مطمئن الکترونیک، به عنوان مهم‌‌‌ترین رکن «دادرسی عادلانه در فضای مجازی» با توجه به قوانین مصوب داخلی، (و بدون نیاز به تصویب قانون جدید) تبیین گردیده است. اسناد بین المللی، سندیت پیام ها و داده های الکترونیک را پذیرفته، و تراکنش را در حد «سند رسمی» ارتقاء داده، و «غیرقابل انکار و تردید» می‌داند (که صفت «سند رسمی» است) در نتیجه لازم است دادگاه‌ها به اسناد الکترونیک، اعتماد کرده واشخاص را به گرفتن پرینت و مهر و امضاء، الزام نکنند بلکه بر اساس «قوانین الزامی»، مبنی بر «اشتراک گذاری دیتا» بین دستگاه‌‌های اجرائی و بانک‌‌های اطلاعاتی، «دسترسی به لحظه» قضات و دادرسان، ارائه شود. در نتیجه، با این روش، رسیدگی و حل و فصل دعاوی، به کمترین زمان کاهش یافته، و با دقت بسیار بالا، صورت پذیرد.

در خصوص «شخصی سازی»؛ در زمینه های «صلاحیت قاضی»، «پرونده» و «طرفین دعوی» با بهره از دیتاها، می‌تواند «دادگاه‌‌های کاملاً تخصصی» ایجاد کند و صرفا ، یک مجتمع یا یک شعبه برای موضوع خاصی تخصیص نیابد، بلکه همه مراتب را به هر قاضی، در همان زمینه ارجاع دهد. و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی ، به دقت «اعتبار سنجی» شوند و حکم صحیح هر شخص در هر پرونده ، از میان هزاران ماده، مشخص و به قاضی پیشنهاد کند تا احکام صادره، دقیق تر و علمی تر باشد. «استقلال» و «بی‌طرفی» قاضی و دادگاه، به عنوان یکی از شاخص‌‌‌ترین اصول دادرسی عادلانه، با روش «ارجاع اتفاقی» به دادگاه‌ صالح، و ارزیابی آنلاین رفتار و احکام آن‌‌ها، بهتر و دقیق‌‌‌تر قابل انجام است.

«اطاله دادرسی» موجب ضررهای مالی و ‌‌‌مشکلات فراوان می‌شود، و یکی از موانع بزرگ دادخواهی و عدالت است که در شرایط کنونی گریزی از آن نیست، نمونه‌‌های مختلف، از قبیل چک، ‌‌‌‌‌کلاهبرداری، حصر وراثت و امثال آن، «اشکالات عملی» وضعیت موجود، طبیعی است اما شیوه تحول یافته دادرسی با بهره از «فضای مجازی»، راه حل قانونی و مدرن، و استفاده از دیتاها و تبادل آن ها، می‌تواند با سرعت بسیار، مسأله را در زمان کوتاه، حل کند.

بهره‌مندی از «دیتاهای مطمئن موجود» می‌تواند بسیاری از مشکلات کنونی را در رابطه با شخصیت طرفین دعوی، به سرعت حل نماید از جمله دعوای اعسار، اگر قاضی، همان لحظه به «پرونده اعتبار» هر شخص دسترسی داشته باشد، به لحظه می‌تواند این ادعا را بپذیرد یا رد کند، و اگر پذیرفت، که فردی واقعا «معسر» است، اولا رسیدگی را ادامه دهد ومنتظر نتیجه دادگاه اعسار نماند، و ثانیا دسترسی معسر را از بسیاری از خدمات مالی از قبیل سفر خارجی، خرید و فروش کلان، و امثال آن ها، آنلاین و بلافاصله ممنوع نماید، تا ‌‌‌‌‌کلاهبرداران نتوانند با استفاده ازاین ترفند، موجب اطاله دادرسی و تضییع حق گردند. زمانی که مدعیان اعسار، احساس کنند که این اقدامات، انجام می شود، بازدارنده از ادعاهای دروغین است.

چالش‌‌های الکترونیک شدن «دادرسی عادلانه»، از قبیل «از بین رفتن اطلاعات»، «عدم آشنایی مردم با روش‌‌های مختلف شکایت و دعاوی»، « عدم رعایت حریم خصوصی» و موارد دیگر با «پشتیبان‌گیری» از اطلاعات و «رعایت امنیت» با بهره‌گیری از میلیون‌ها جوان تحصیل کرده، و ‌‌‌‌«آموزش مردم» و «معاضدت‌‌های قضائی الکترونیک»، قابل حل است.«امضای الکترونیکی» یکی از اصلی ترین ارکان اعتبار سند می باشد. و تصور می‌شود، نیازمند ابزارهای پیچیده است، مواد مختلف قانونی، آن را سهل و آسان دیده است و هزینه‌‌های فراوان و بی نتیجه نیازی نیست. ساده گیری «امضای الکترونیکی» در قانون و سخت‌گیری مجریان و قضات، علت عدم گسترش شده است. اسناد بین المللی و قانون ایران، هرنوع اقدام از قبیل «کلیک»، «تیک»، «نام کاربری» و «رمز عبور» که مطمئن باشد را به عنوان «امضای الکترونیکی» پذیرفته اند.

«احراز هویت» از راه دور، آن گونه که در قانون آمده، ساده‌‌‌تر از آن است که با هزینه سخت افزاری انجام می‌شود. و به «اثر انگشت بیولوژیک» در جهت انتساب بسیاری از دیتاها، نیازی نیست و همان روش های ساده ، «احراز هویت» است. یکی از موارد «پسا دادرسی»، دریافت «عدم سوء پیشینه» در همه‌امور است، هرچند در زمان های گذشته، که امکانات دیتاها وجود نداشت، لازم و ضروری بود، اما استمرار آن، با وجود دیتاهای بسیار و امکان اعتبار سنجی، باید تحول یابد زیرا در وضعیت کنونی، مجرمین، آینده‌ای برای خود متصور نیستند و اگر شخصی بخواهد سالم بشود راه قانونی برای وی بسته است. ارائه «عدم سوء پیشینه» برای همه مشاغل ساده و عالی، بن‌بستی است که افراد نمی‌توانند از آن فرار کنند و اگر اراده کنند به زندگی عادی بازگردند «الزام به دریافت عدم سوء پیشینه»، راه بازگشت را بسته است. «سامانه اعتبارسنجی»، قانونی است که در قوه قضائیه، جایگزین «عدم سوء پیشینه» شود تا هر شخصی بر اساس حداقل یا حداکثر اعتبار خود بتواند در جامعه کار کند و روابط اجتماعی و اقتصادی داشته باشد.

«اقامتگاه فیزیکی»، در بسیاری از مواد قانونی، فلسفه و معنی خود را از دست داده است از آن جمله می‌توان در اقامتگاه برای ابلاغ‌‌ها، ‌اطلاع‌رسانی‌ها و امثال آن توجه کرد و از دید قوانین موجود، «موبایل، اقامتگاه» است. به طوری که در هر زمان و هر مکان، می توان اخطارها و ابلاغ ها را از طریق پیامک یا پیام رسان ها یا ایمیل، به شخص و اشخاص ذی ربط، ارسال کرد و یا با وی تماس صوتی و تصویری گرفت و مسئله یا موضوعی را در اسرع وقت، حل کرد. «صلاحیت دادگاه‌ها» در سه زمینه الف) صلاحیت ذاتی، ب) صلاحیت محلی، ج) صلاحیت شخصی لازم است «دگردیسی» شود و «صلاحیت محلی الکترونیک»، که شامل همه نقاط کشور و خارج از کشور می‌شود؛ اصل باشد، و نیازی به رفتن به ‌‌‌‌‌‌‌‌کلانتری یا دادسرا نیست . بلکه دادخواست‌ها مستقیماً به «درگاه الکترونیک متمرکز» ارسال و از آن طریق، به قاضی صالح رتبه بندی شده دقیق، در هر نقطه ای ارجاع شود. در نتیجه نیاز به «مجتمع های قضائی» نیست و «دادگاه بدون شعبه فیزیکی» در همه ساعات شبانه روز، در دسترس همگان است. «بازپرسی از راه دور» و «دادرسی اینترنتی» بسیار کم هزینه نسبت به «احضار فیزیکی طرفین»، «شاهدان»، «کارشناسان» و دیگر اشخاص «مرتبط با پرونده»، و پیشرو در کشف حقیقت شناخته می‌شود ضمن آن که با «حفظ اسناد الکترونیک» صدا و تصویر متهمان تا سال‌‌های طولانی، می‌توان هر شک و شبهه‌ای را با مراجعه به آن ها، حل کرد. و همواره می‌توان اسناد بازپرسی‌‌های الکترونیکی را نگهداری کرد و هیچ شخصی نمی‌تواند منکر اقرار یا شهادت و یا سخنان و رفتار خود گردد. این بر خلاف صورت جلسات دادگاههای حضوری و کاغذی است که موجب بروز ادعاهای گوناگونی می شود. بازپرسی در روش سنتی، با صورتجلسه است که شاهد، شاکی یا متهم یا هر شخصی، می‌توانند اصالت آن را مورد تردید قرار دهند، ‌‌‌خصوصاً افراد بی سوادی که نمی‌توانند بخوانند یا بیگانگانی که سخنان آنان ترجمه شده است، اما در اسناد صوتی و تصویری بازپرسی و دادگاه ، انکار و تردید ، مسموع نیست و حکم سند رسمی دارد.

تغییر نگارش «حکم دادگاه»، به متادیتا، راهی برای همه فهم شدن احکام است، امروزه احکام دادگاه‌ها در یک متن طولانی نگاشته می‌شود که در برخی موارد ، حتی بسیاری از حقوقدانان، نمی‌توانند ‌‌دقیقاً آن را متوجه شوند، نگارش حکم، به صورت متادیتا، می‌تواند این مسأله را حل نماید و همگان بدانند که چه چیزی در حکم هست و اگر به جزئی خاص از حکم «اعتراض» داشته باشند، فقط همان را اعتراض کنند. در این صورت، «اجراء حکم هوشمند» نیز امکان پذیر است به عنوان مثال، اگر شخصی به دوسال حبس و رد مال به مبلغ معینی محکوم شده است، بلافاصله می‌توان هر دو را عملیاتی کرد. و برای اجراء حکم مالی، نیازی به مراجعه نیست. نظارت و مدیریت آنلاین ورودی زندان‌ها و تغییر بسیاری از موارد حبس و یا مجازات‌‌های تعزیری، به محرومیت‌‌های الکترونیکی، ‌راه‌حل بنیادین در پیشگیری از ازدحام زندان و پیشگیری از جرم و دسترسی به «دادرسی عادلانه» است قوه قضائیه، با «مدیریت دانش» بر ورود و خروج زندان‌ها «نظارت سیستماتیک» داشته باشد که برتر از «سرکشی فیزیکی» است. روند تمام الکترونیک درخواست و بررسی و اجراء عفو زندانیان و یا تخفیف مجازات ها در سامانه الکترونیک، از مفاسد رشوه و تبانی، پیشگیری می‌کند.

«قاضی انسانی»، در هر حال نمی‌تواند «استقلال» و «بی‌طرفی» کامل داشته باشد اما «هوش مصنوعی»، با قضاوت عادلانه‌‌‌تر می تواند راهی برای تحول بنیادین در همه مراحل «دادرسی عادلانه» باشد. بر اساس قوانین ایران، هوش مصنوعی در قوه قضائیه، حاکمیتی است و لازم است سرمایه‌گذاری در این زمینه صورت گیرد و با پرونده‌‌های کوچک آغاز شده و به تدریج ‌‌‌‌آموزش داده شود و تکمیل گردد و در ابتدا به عنوان «دستیار قاضی» باشد تا به رشد کافی برسد. ‌‌‌مشکلات هوش مصنوعی، از جمله عدم شفافیت الگوریتم در دادگاه‌‌های غربی ، به‌ دلیل آن است که در غرب، اینگونه نرم‌افزارها متعلق به «بخش خصوصی» است و محرمانگی مالکیت شرکت بر سورس نرم‌افزاری، به رسمیت شناحته شده و در نتیجه ، شک در صحت الگوریتم‌‌ها، موجب بروز ابهامات برای قضات شده است، اما در قوانین ایران ، این اقدام، حاکمیتی، و منابع در اختیار است. «نقشه‌‌های هوش مصنوعی» به عنوان قوی‌‌‌ترین اسناد در قضاوت عادلانه در خصوص دادرسی‌‌های متعلق به زمین و منابع طبیعی، به عنوان اسناد علم آور، می تواند با دقت فراوان، از تجاوز به محیط زیست، پیشگیری نماید و دعاوی طرفین را با سرعت حل و فصل نماید.

در نهایت، آنچه در زمینه حرکت به سمت الکترونیک شدن دادرسی، در قوه قضائیه ایران ، صورت گرفته، لازم و قانونی بوده، اما ضروری است بر اساس الزامات قانونی موجود، با شتاب هرچه بیشتر، به سمت «دادرسی از راه دور» با تضمینات بیشتری انجام شود و کار، به «خود مردم» واگذار شود و همه مراحل دادرسی، با موبایل و اینترنت صورت پذیرد و از ایجاد و گسترش «دفاتر الکترونیک» و دیگر واسطه ها ، خودداری شود تا «احقاق حق» بهتر انجام شود.

منابع و ماخذ

منابع قانونی

1. آیین‌نامه اجرایی ماده (32) قانون تجارت الکترونیکی ـ مصوب 1382 مصوب: 11/06/1386

2. آئین نامه اجرائی قانون گزینش و استخدام قضات مصوب: 31/01/1379

3. قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 16/01/1396

4. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393

5. قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (1394 ـ 1390) مصوب 15/10/1389

6. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 1396)؛ مصوب 16/01/1396

7. قانون تجارت الکترونیکی مصوب: 17/10/1382

8. قانون راجع به استخدام قضات و شرایط کارآموزی، مصوب: 19/02/1343

9. قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری، مصوب: 24/02/1361

10. قانون مجازات اسلامی مصوب: 01/02/1392

11. قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب 08/07/1386

12. کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ( تعزیرات و مجازات‌‌های بازدارنده)، مصوب 02/03/1375

13. میثاق‌ بین‌المللی‌ حقوق‌ مدنی‌ و سیاسی‌، مصوب‌ 16 دسامبر 1966 میلادی‌ (مطابق ‌با 25/9/1345 شمسی‌) مجمع‌ عمومی‌ سازمان‌ ملل‌متحد، قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی ایران به میثاق ‌بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب: 17/02/1354

منابع فارسی

1. ادیب زاده یوسف رضا، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، 26 تیر 1399، ص 2
2. اسدی یولقونلو فتح علی، " تروریسم سایبری و پول شویی سایبری، رابطه‌ای دوسویه درجرم سایبری"، ص 1
3. اسمعیلی اکبر، پورقهرمانی بابک، « چالش‌‌های فراروی دادرسی الکترونيک در ایران»، فصلنامه دیدگاه حقوق قضایی، دورۀ 24، شمارۀ87، پاییز 1398، ص 29-59
4. الماسی نجادعلی، حبیبی درگاه بهنام، "درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کارآمد"، فصلنامه علمی-پژوهشی دیدگاههای حقوق قضایی، 1391، ص 53
5. الهی منش محمدرضا، تبریزی صادق، "کشف علمی جرایم با توسل به ادله نوین و مدارک الکترونیکی (دیجیتال)"، نشریه کارآگاه، شماره 44، سال یازدهم پاییز 97، ص 12
6. امیدی جلیل، "حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد ‌بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر"، 1379، ص 44
7. امیدی جلیل، نیکویی سمیه " تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری،" پژوهش‌‌های حقوق تطبیقی 1387 شماره 3 (پیاپی 58)، 1387، ص 1-36
8. امینی عیسی، رئیس کانون ‌‌وکلای دادگستری مرکز، "علل اطاله دادرسی و راهکارهای رفع آن"، 1398، ص 1
9. آبزن مهدی، "اصل بی‌طرفی دادگاه و مقایسه‌ی آن با اصل استقلال دادگاه"، فصل نامه تعالی حقوق، دوره جدید، شماره 1، 1391، ص 82
10. بختیاروند مصطفی، "حقوق مالکیت فکری و قراردادهای الکترونیکی"، 1386، ص 5- 26
11. پاینده ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعة كلمات قصار لرسول الله صلّى الله عليه و آله)، إنتشارات خاتم الأنبياء
12. پژمان ملیحه، " بازپرسی اینترنتی، پیشرو در کشف حقیقت"، 1399
13. تاری وردی صادق، عباسی محمود، "اصول دادرسی منصفانه در محاکم اداری و هیأت‌‌های انتظامی پزشکی "، فصلنامه حقوق پزشکی سال سوم، شماره نهم، تابستان 1388، ص 166
14. جعفری لنگرودی محمدجعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، 1387، ص 8
15. حبیبی علی، الزامات آشنایی دانش آموزان با حقوق و قوانین، 1395، ص 1
16. حسنوند محمدباقر، "مبانی اصل صلاحیت محلی و چالش‌‌های آن در رویه قضایی ایران"، ‌پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، 1393، ص 1
17. حسینی سیده لطیفه‌‌، “آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی، بررسی مفهوم دادرسی عادلانه”، پژوهشکده شورای نگهبان، 1393، ص 9
18. حیدرنژاد ولی الله، غمامی سید محمدمهدی "مطالعۀ تطبیقی شرایط و فرآیندهای انتخاب و انتصاب قضات در نظام‌‌های حقوقی ایالات متحدۀ ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا و فرانسه"، مطالعات حقوق تطبیقی دورۀ 10، شمارۀ 1 بهار و تابستان 1398 ص 111-140
19. رسولی آذر اصغر، قاضی دادگستری، "عوامل اطاله دادرسی"، آوای قانون، 28/04/1397
20. زمانی سیدقاسم، عطار شیما، « حقوق بشر و حق بر فراموش شدن در عصر فناوری‌‌های نوین اطلاعاتی»، مجله حقوقی ‌بین‌المللی، شماره 55، پاییز ـ زمستان 1395، صفحات 81-108
21. 24. سبزواری نژاد حجت، "جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان"، دوفصلنامه دیدگاه‌‌های حقوق قضایی شماره 77 و 78، بهار و تابستان 1396، ص 133-164
22. سوادکوهی فر سام، "دادرسی دعاوی مدنی، کیفری و اداری مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی"، ماهنامه شماره 46 سال هشتم مهر و آبان 1383، ص 2-5
23. شیداییان مهدی، نصرتی یزدان، " شناسایی و چالش‌‌های تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق انگلستان "، فصلنامه دیدگاه‌‌های حقوق قضائی، دوره 23، شماره 82، تابستان 1397، ص 184
24. صفایی سیدحسین، عضو پیوسته و رئیس شاخه حقوق گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم، "اطاله دادرسی در امور مدنی و راهکارهای مقابله با آن"، سایت فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ص 1-6
25. ضرغامی فرید، مهرا نسرین، "مبانی دادرسی بدون کیفرخواست درنظام‌‌های حقوقی ایران و انگلستان"، پژوهش‌‌های حقوق تطبیقی،دوره 18، شماره 2، تابستان 139، ص 128
26. طهماسبی جواد، "فرآیند نظارت انتظامی بر رفتار قضات"، مجله حقوقی دادگستری (علمی پژوهشی) سال 75/ شماره‌ی 76، زمستان 1390، ص 209-229
27. عسکری رضا، "ادله اثباتی و شرایط اثبات جرم در دادرسی الکترونیکی"، فصلنامه تخصصی علوم انسانی، نُسمه فصل، شماره3، زمستان 1397
28. عشق پور منصور، اکبرپور نعمت اله، جایگاه دادرسی الکترونیک در حقوق ایران، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره 2، شماره 3، پاییز 1395، ص 143-158
29. عیسی زاده بشیر، "بررسی قانون کاهش حبس تعزیری مصوب 1399، حبس زدایی بدون ضابطه"، 1399
30. فتحیان محمد و مهدوی نور سید حاتم، پیش به سوی جامعه اطلاعاتی، مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۸۳
31. قاری سید فاطمی سید محمد، "حقوق بشر در جهان معاصر"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌‌های حقوقی، جلد اول و دوم 1395، ج 2، ص 381
32. 36کهن چی شبنم، " انگلیس برای تبعیت از قانون حق فراموشی ضرب الاجل 35 روزه تعیین کرد"، 31 مرداد 1394
33. گرجی علی اکبر، " عدالت رویه‌ای و تحول گرایی در لایحة آیین دادرسی دیوان عدالت اداری"، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره 29، تابستان 1389، ص 354
34. مرادی حسن آباد محسن، "پوشش تلویزیونی فرآیند رسیدگی در دادگاه‌‌های کیفری"، مجله حقوقی دادگستری پاییز 1393 شماره 87، ص 154
35. مرادی علیرضا، قضاوت آنلاین، "هوش مصنوعی قضایی"،1395، ص 1-7
36. مرادی قاسم، "اصول حاکم بر روند دادرسی عادلانه"، فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، سال دوم، شماره چهارم: بهار 1397، ص 32
37. مشهدی علی، "مبانی و مسائل هزینه دادرسی در دعاوی اداری؛ مورد پژوهی دیوان عدالت اداری"، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیستم، شماره 59، تابستان 1397، ص 219
38. مصدق محمد، "ساختار و صلاحیت دادگاه‌‌های کیفری در لایحه‌آیین دادرسی کیفری"، 1371، ص 5
39. مظفر محمدرضا، "اصول الفقه"، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1370 به نقل ویکی شیعه، ج 2، ص 64-68
40. ممتاز جمشید، متوسل سیروس، " حق بر دادرسی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر"، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره 46، شماره 4 زمستان 1395، ص 2
41. مؤذن زادگان حسنعلی، سلیمان دهکردی الهام، یوشی مهشید، "حفظ صحت و استنادپذیری ادله الکترونیک با استفاده از بیومتریک و رمزنگاری"، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز 1394، ص 69-97
42. مؤذن زادگان حسنعلی، شایگان محمدرسول، " استنادپذیری و تحصیل ادله الکترونیکی درحقوق کیفری ایران"، فصلنامه دیدگاه‌‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری شماره چهل وهشتم، زمستان 1388، ص 77-102
43. مؤمنی زهره، "نحوه محاسبه هزینه دادرسی در ایران چگونه است"، 1396
44. میرمحمدصادقی حسین، «مروری بر حقوق جزای انگلستان»، ترجمه کتاب «Criminal Law»، نوشته «Stave Brandon»، نشر حقوقدان، 1375
45. ناجی مرتضی، "علنی بودن محاکمه، ضوابط حاکم بر آن و بررسی مزایا و معایب آن"، سایت یاسا، 1397، ص3-4
46. نوروزی مریم، "تعهدات سلبی دولتها برای حمایت از حقوق بنیادین بشر"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، تابستان ۱۳۸۲، ص ۲۶۵
47. نیكوئی سمیه، "الزامات علنی بودن دادرسی كیفری در پرتو دادرسی عادلانه"، مجله حقوقی دادگستری، شماره 56 و 57 پاییز و زمستان 1385، ص 220
48. والائی حمید، "ادله الکترونیکی (دیجیتال) به عنوان ادله اثبات جرم و دعوی"، 1398، ص 1

منابع انگلیسی و عربی

1. ابن شعبه حرانی، حسن‌ بن علی‌ بن حسین‌ بن شُعبَه حَرّانی مشهور به ابن شعبه حرانی (قرن 4 ق)، عنى بتصحیحه والتعلیق علیه على اکبر الغفاری الطبعة الثانیة 136 - ش 1404- ق مؤسسة النشر الإسلامی (التابعه) لجماعة المدرسین بقم المشرفة (ایران)

2. سید رضی (تولد سال 359 ق. وفات در 47 سالگی ششم محرّم 406ق در بغداد) "نهج البلاغة ‌امام علی ابن ابی طالب ع، المحقق: محمد عبده الناشر: دار البلاغة – بيروت الطبعة: الخامسة سنة الطبع: 1412هـ عرض ونقد: القسم العلمي بمؤسسة الدرر السنية، نامه 53

3. حلّى، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن‌ متوفی676 ه‌ ق‌، "شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام"، مؤسسه اسماعیلیان‌ تاریخ 1408 ه‌ ق‌، چاپ دوم‌، قم- ایران‌، مصحح: عبد الحسین محمد على بقال‌، ج 4، ص 64

4. رازی یعقوب، شیخ ابوجعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق رازی (258 ق. / 249 ش. /864–329 ق. / 941)، "اصول الکافی"، ج 4، ص 24

5. ماوردى ابوالحسن، ابوالحسن على بن محمدبن حبیب ماوردى بصرى‌‌، (تولد سال 374 وفات 450 هجری قمری) کتاب الاحکام السلطانیه المؤلف: أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، الشهير بالماوردي (المتوفى: 450هـ) الناشر: دار الحديث - القاهرة عدد الأجزاء: 1 [ترقيم الكتاب موافق للمطبوع وهو مذيل بالحواشي] المصدر: المكتبة الشاملة، ج 1، ص 96

1. African Union‌‌, African Commission on Human & Peoples’ Rights, “principles and guidelines on the right to a fair trial and legal assistance in africa’, 2003, p 5

2. AI HLEG, High-Level Expert Group on AI, “ethics guidelines for trustworthy ai”‌‌, independent high-level expert group on artificial intelligence, set up by the european commission, 2019, p 23

3. Aletras Nikolaos‌‌, Tsarapatsanis Dimitrios‌‌, Preoţiuc-Pietro Daniel‌‌, and Lampos Vasileios “Predicting judicial decisions of the European Court of Human Rights: a Natural Language Processing perspective“, PeerJ, Published 24 October 2016, p 4

4. Awareness-raising and implementation of the European Ethical Charter on the use of artificial intelligence in judicial systems and their environment, headline Strasbourg, 18 february 2019

5. Bocángel Jerez Danilo, “Between legality and legitimacy: which is more important?”‌‌, Nov 25‌‌, 2015

6. Booker Lorne D‌‌, Bontis Nick‌‌, Serenko Alexander‌‌, "The relevance of knowledge management and intellectual capital research", KM Knowledge and Process Management, 2008, p 14

7. Borghi Maurizio, “Genetic information and intellectual property rights. In: Genetic Information and Individual Rights”, University of Perugia, 29-30‌‌ June 2017‌‌, p 12

8. Brants Chrisje & Franken Stijn, “The protection of fundamental human rights in criminal process General report”‌‌, Volume 5‌‌, Issue 2 (October), Utrecht University, 2009, p 27

9. European Court of Human Rights, 2020, p 20‌‌-30

10. Calvez Ms Françoise‌‌, And Regis Nicolas Judges (France), “Length of court proceedings in the ember states of the Council of Europe based on the case law of the European Court of Human Rights’‌‌, As adopted at the CEPEJ 31th plenary meeting (Strasbourg)‌‌, European commission for the efficiency of justice (cepej), 3 and 4 December 2018‌‌, p 44

11. Chauhan Sudhanshu, Kumar Panda Nutan‌‌, “Hacking Web Intelligence”‌‌, 2015, p 1-14

12. Chavez Dave‌‌, Pendleton Michael R., Bueerman Jim, knowledge management in policing cops community oriented policing services‌‌, U.S. department of justice‌‌, office of community oriented policing services, October 25‌‌, 2005

13. Chen Angela‌‌, “How artificial intelligence can help us make judges less biased”, Jan 17‌‌, 2019, p 3

14. Court of Justice of the European Union‌‌, “An internet search engine operator is responsible for the processing that it carries out of personal data which appear on web pages published by third parties’‌‌, Luxembourg‌‌, 13 May 2014

15. Current project status, Electronic execution of documents, p 3

16. ECHR, “Guide on Article 6 of the European Convention on Human Rights, Right to a fair trial (civil limb)”‌‌, 30 April 2020, p 45-47

17. Ettlinger Or, “In Search of Architecture in Virtual Space‌‌, An introduction to The Virtual Space Theory”, Faculty of Architecture, University of Ljubljana, Zoisova 12‌‌, 1000 Ljubljana Slovenia, 2008

18. Fortuna Nicholas‌‌, Lopez Paula “Managing Litigation Costs and Prevention”, Inside Counsel, 2018, p 2

19. Green Nicholas, “electronic execution of documents, Summary of Report” UK, 2019, p 5

20. Guide to Judiciary Policy, “Code of Conduct for United States Judges “, 2014, p 5

21. Gumbis Jaunius‌‌, Bacianskaite Vytaute & Randakeviciute Jurgita‌‌, “Do Human Rights Guarantee Autonomy?’‌‌, (University of Vilnius‌‌, Lithuania), p 81

22. Hernandez Erika, “The 16 Most Common Types of Cybercrime Acts”, 14th February 2018, p 4

23. HiiL trend report 2016‌‌, “ODR and the Courts: The promise of 100% access to justice?”, ODR Online Dispute Resolution, 2016, p 12-71

24. Jackson sheryl 2014, new challenges for litigation in the electronic age‌‌, deakin law review volume 12 no 1, published: 2014-09-09, p 104

25. Janoski-Haehlen Emily‌‌, “The Courts Are All A 'Twitter': The Implications of Social Media Use in the Courts, Valparaiso University Law Review Volume 46 pp.43-68 Number 1 Fall 2011, p 20

26. Jaruševičiūtė Greta, BoredPanda staff‌‌,’What Prison Cells Look Like Around The World”, 2018, p 1

27. Jason Tashea, “Courts Are Using AI to Sentence Criminals. That Must Stop Now”, 04.17.2017, p 3

28. Kelly Peter‌‌, “review of the administration of civil justice, report”, 30th October 2020, p 47

29. Kirby Michael, UNDP, United Nations Development Programme “Programming for Justice: Access for All, A Practitioner’s Guide to a Human Rights-Based Approach to Access to Justice”, 2005, p 5

30. United Nations, 2007, p 1-20

31. Kugler Logan‌‌, “AI Judges and Juries”‌‌, Communications of the ACM‌‌, December 2018‌‌, Vol. 61 No. 12‌‌, 2018, P 19-21

32. Kuksov Igor, When Artificial Intelligence affects lives, February 12‌‌, 2019, p 2-6

33. Kumar Mohajan Haradhan, “The Roles of Knowledge Management for the Development of Organizations”‌‌, 26 February 2017, p 12

34. Langbroek Philip M.‌‌, Dijkstra Rachel I.‌‌, Bozorg Zadeh Kyana‌‌, Türk Zübeyir, “Performance management of courts and judges: organizational and professional learning versus political accountabilities”, 2017, p 311

35. Llinares Fernando Miró and Johnson Shane D., “Cybercrime and Place: Applying Environmental Criminology to Crimes in Cyberspace”, 2018, p 8

36. Lord Chief Justice sets up advisory group on Artificial Intelligence, University College London (UCL), 4 March 2019

37. Mauer Marc, “Thinking About Prison and its Impact in the Twenty-First Century”, ohio state journal of criminal law, 2005, vol 2, p 611

38. McMahon Omar T.‌‌, “A Fair Trial Before Quasi-Judicial Tribunals as Required by Due Process”, Volume 29, Article 2 Issue 2 February 1964, p 98

39. McMillan James E. J. Douglas Walker, Lawrence P. Webster, “A Guidebook for Electronic Court Filing” ,1998, p 6

40. McQuinn Alan  and  Castro Daniel‌‌, “Why Stronger Privacy Regulations Do Not Spur Increased Internet Use“, July 11‌‌, 2018

41. Muñoz Herrero Jesus A., Perez Fernandez Rodrigo‌‌, "A.I. Technologies Applied to Naval CAD/CAM/CAE ", p 5

42. National Science and Technology Council, “the national artificial intelligence research and development strategic plan”, October 2016, p 5-36

43. Pinkstone Joe‌‌, “AI-powered JUDGE created in Estonia will settle small court claims of up to £6‌‌,000 to free up professionals to work on bigger and more important cases”‌‌, 26 March 2019

44. Rass-Masson Ms Nathy‌‌, Rouas Ms Virginie, “effective access to justice - study"‌‌, European Parliament Policy Department for Citizens Rights, 2017, p 21

45. Reid Andrew, Butler Elizabeth “how are the courts approaching potential delay of proceedings amidst the coronavirus pandemic?”, 2020, p 3

46. Roagna Ivana‌‌, “The right to trial within reasonable time under Article 6 CHR”‌‌, the European Union and the Council of Europe, 2018, p 20-25

47. Robert Daniel, 20 November 20‌‌, 2017

48. The CEPEJ Working Group on Quality of Justice continues its work on artificial intelligence in judicial system, STRASBOURG 14 AND 15 MARCH 2019

49. The Parliament of Georgia, “international conference on access to legal aid in criminal justice systems”‌‌, 2018

50. Trimble Meredith‌, “3 ways to increase access to justice for all”, April 4, 2019, p 2

51. UCL-news (University College London), “AI predicts outcomes of human rights trials”, 24 October 2016

52. UN 1988, “Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment”, 1988, p 1-18

53. UN General Assembly resolution 1985, “Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power Adopted by General Assembly resolution”, 1985, p 3

54. UNCCT‌‌, United Nations Counter-Terrorism Centre, “Basic Human Rights Reference Guide: Right to a Fair Trial and Due Process in the Context of Countering Terrorism”, 2014

55. UNDP ANNUAL REPORT, "Promoting Human Rights and Access to Justice for Social Inclusion and Legal Empowerment", 2013, p12

56. UNGA 2012‌‌, Report of the Special Rapporteur on extreme poverty and human rights, United Nations A/67/278‌‌,General Assembly, 9 August 2012, p 2

57. UNHCR, “convention relating to the status of refugees”‌‌, 1951

58. UNIDROIT “Principles of Transnational Civil Procedure”, Last Updated: 13 October 2020, p 12

59. UNODC, United Nations Office on Drugs and Crime‌‌, Vienna, “Early access to legal aid in criminal justice processes: a handbook for policymakers and practitioners’, criminal justice handbook series, UNITED NATIONS, New York‌‌, 2014, p 3-26

60. UNODC, United Nations Office on Drugs and Crime, Vienna, “Resource Guide on Strengthening Judicial Integrity and Capacity’, 2011, p 120-126

61. Villani mission on artificial intelligence, “what is artificial intelligence?’, March 2018, p 3

62. Woldegiorgis Metiku‌‌, “Access to Justice under the International Human Rights Framework”, 2015, p 2

Abstract:

"Justice in judgment" is a necessity for the "realization of the rights of the people", and it is emphasized in religions and sects, especially Islam, and in "human rights", it is explained as the "right to a fair trial".

The first generation of human rights has two sections: "substantive rights" and "fair trial", or in other words, "procedural human rights"; Although these two titles do not appear in the two main documents of "human rights" (the Declaration and the Covenant), jurists have established these titles by classifying the articles of these two international documents.

"Right to a fair trial" with principles such as "principle of innocence", "principle of trial by an impartial official", "principle of openness of trial", "principle of using a lawyer", "principle of informing the accused", "principle of expediting the trial" and ... and, according to the recommendations of international human rights instruments, all governments need to work to reform and improve laws and procedures in order for a "fair trial" to take place.

In the current situation of natural and legal persons, for "petition" and "application", it is necessary to "sheriff" or "complex" or "judicial institution" or "quasi-judicial" or "electronic offices", "face-to-face" It has a lot of costs for people and the administrative system, and it needs a lot of buildings, staff, paper, folders and the like. Before the advent of "cyberspace", these things were natural.

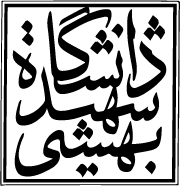
But just as in various social, financial, news, buying and selling goods and services, sending letters, and many aspects of life, "transformation" is done, and it is done in the form of "electronic message", it is necessary. The process should be carried out with great speed in a "fair trial", and all cases, including informing about laws and regulations, matters of petition and petition, deposit and jaws of security contracts, referral, review, information and notification, exchange of bills, in "Cyberspace" should be established and the principle of "mobile litigation" should be the infrastructure of "litigation" so that the rights enshrined in various laws can be implemented quickly.

Problems with litigation, litigation, referrals, and litigation issues in the "current litigation space" lead to "abuse of the right to a hearing" of individuals or "prolongation of litigation", and electronic solutions with the use of "cyberspace" " has it.

‌‌‌"Documentation of electronic documents", and the correct legal method of "creating electronic documents of exchanges and contracts", in order to prevent disputes, or present it to judges during the processing of cases, and Legal solutions for using "cyberspace" It is in the "official documents".

Current methods of communicating laws are practically "formal", and not "real". People in the "target community" need it through social media. So that every natural and legal person is really familiar with what his duty or duty is.

Keywords: fair trial, cyberspace trial, procedural law, human rights, digital metamorphosis



Shahid Beheshti University

Faculty of Law

PhD Degree in International Law

The role of cyberspace in the realization of a fair trial‌‌، with a case study of the Iranian judicial system

Supervisor:

Dr. Mir Shahbiz Shafe

Consulting professors:

Dr. Abdullahi‌‌، Dr. Islami

By:

Seyed Mohammad Hassan Mirdamad Esfahani

November 2021

1. در تعاریف، و تشابه ها، دقت صد در صد امکان پذیر نیست ، زمانی که «حقوق بشر» با «حقوق شهروندی» برابر می شود، صرفا یک تشابه حداکثری است، اما ممکن است با دقت، تفاوت های مختلفی نیز داشته باشند [↑](#footnote-ref-1)
2. آسمان حقوق 20، اسفند 1393، معرفی رشته حقوق بشر [↑](#footnote-ref-2)
3. حقوق بشر، از نگاه‌‌های علوم دیگر از قبیل «علوم سیاسی»، «علوم اجتماعی» و. .. نیز می‌‌‌تواند مورد بررسی قرارگیرد اما جامع‌‌‌ترین نگاه، از دید «حقوق ‌بین‌الملل» به تمامی ابعاد آن با تحلیل تک تک مواد و اسناد ‌بین‌المللی است. [↑](#footnote-ref-3)
4. در این متن، دولت به معنای عام state، شامل همه نهاد‌‌های وابسته به نهاد رهبری، قوای سه گانه، نیروهای مسلح و همه سازمان‌‌های دولتی و عمومی، نه فقط government به معنای دولت اجرائی که شامل قوه مجریه می‌‌‌شود. [↑](#footnote-ref-4)
5. Digital Transformation [↑](#footnote-ref-5)
6. Unknown Possibilities [↑](#footnote-ref-6)
7. Cyberspace [↑](#footnote-ref-7)
8. Rework [↑](#footnote-ref-8)
9. Cost [↑](#footnote-ref-9)
10. ICT Information and communications technology [↑](#footnote-ref-10)
11. اموری که دادرسان (در مسائل مدنی یا کیفری) باید به آن بپردازند بر دو دسته است 1. اموری که متوقف بر دادخواست شخص خاص است که‌امور ترافعی نام دارد و 2. امور غیرترافعی که نمونه آن در ماده 1 قانون امور حسبی ‌مصوب دوم تیر ماه 1319 آمده است «امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بر ‌وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آنها باشد» بدیهی است که ‌امور غیر‌‌‌ترافعی منحصر در امور حسبی نیست بلکه کلیه مسائلی که منافع و مصالح جامعه را در نظر داشته باشد و یا خسارت وارد کند (مانند جرائم آشکار یا خسارت محیط زیست و یا تخلفات اداری رشوه و امثال آن‌‌ها، اموری غیر‌‌‌ترافعی هستند و) حسب مورد و صلاحیت، لازم است دادرسان بدون شکایت و یا دعوی اشخاص، به آن‌ها ورود نمایند. [↑](#footnote-ref-11)
12. UNDP ANNUAL REPORT, "Promoting Human Rights and Access to Justice for Social Inclusion and Legal Empowerment", 2013, p12 [↑](#footnote-ref-12)
13. نوروزی مریم، "تعهدات سلبی دولتها برای حمایت از حقوق بنیادین بشر"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، تابستان ۱۳۸۲، ص ۲۶۵ [↑](#footnote-ref-13)
14. UNGA‌‌، 2012‌‌، p 2 [↑](#footnote-ref-14)
15. Fair-mindedness [↑](#footnote-ref-15)
16. Puka Bill 4 [↑](#footnote-ref-16)
17. امیدی جلیل، "حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد ‌بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر"، 1379، ص 44 [↑](#footnote-ref-17)
18. Kirby Michael, UNDP, United Nations Development Programme “Programming for Justice: Access for All, A Practitioner’s Guide to a Human Rights-Based Approach to Access to Justice”, 2005, p 5 [↑](#footnote-ref-18)
19. حقوق بشر رویه‌ای Human Rights Due process [↑](#footnote-ref-19)
20. جزا (ضمانت اجرا) penalty ; fine ; amend ; sanction

    ضمانت اجرای جزائی criminal sanction [↑](#footnote-ref-20)
21. جعفری لنگرودی محمدجعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، 1387، ص 8 [↑](#footnote-ref-21)
22. تاری وردی صادق، عباسی محمود، "اصول دادرسی منصفانه در محاکم اداری و هیأت‌‌های انتظامی پزشکی "، فصلنامه حقوق پزشکی سال سوم، شماره نهم، تابستان 1388، ص 166 [↑](#footnote-ref-22)
23. In the determination of his civil rights and obligations or of any criminal charge against him‌‌, everyone is entitled to a fair and public hearing within a reasonable time by an independent and impartial tribunal established by law, (ECHR 2018) European Court of Human Rights‌‌, “European Convention on Human Rights”‌‌ [↑](#footnote-ref-23)
24. UN General Assembly resolution 1985, “Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power Adopted by General Assembly resolution”, 1985, p 3 [↑](#footnote-ref-24)
25. تاری وردی صادق، عباسی محمود، "اصول دادرسی منصفانه در محاکم اداری و هیأت‌‌های انتظامی پزشکی "، فصلنامه حقوق پزشکی سال سوم، شماره نهم، تابستان 1388، ص 166 [↑](#footnote-ref-25)
26. لَقَد أَرسَلنا رُسُلَنا بِالبَیناتِ وَأَنزَلنا مَعَهُمُ الکتابَ وَالمیزانَ لِیقومَ النّاسُ بِالقِسطِ وَأَنزَلنَا الحَدیدَ فیهِ بَأسٌ شَدیدٌ وَمَنافِعُ لِلنّاسِ وَلِیعلَمَ اللَّهُ مَن ینصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالغَیبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِی عَزیزٌ ﴿۲۵﴾ [↑](#footnote-ref-26)
27. مظفر محمدرضا، "اصول الفقه"، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1370 به نقل ویکی شیعه، ج 2، ص 64-68 [↑](#footnote-ref-27)
28. ابن شعبه حرانی، حسن‌ بن علی‌ بن حسین‌ بن شُعبَه حَرّانی مشهور به ابن شعبه حرانی (قرن 4 ق)، عنى بتصحیحه والتعلیق علیه على اکبر الغفاری الطبعة الثانیة 136 - ش 1404- ق مؤسسة النشر الإسلامی (التابعه) لجماعة المدرسین بقم المشرفة (ایران) [↑](#footnote-ref-28)
29. پاینده ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعة كلمات قصار لرسول الله صلّى الله عليه و آله)، إنتشارات خاتم الأنبياء [↑](#footnote-ref-29)
30. رازی یعقوب، شیخ ابوجعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق رازی (258 ق. / 249 ش. /864–329 ق. / 941)، "اصول الکافی"، ج 4، ص 24 [↑](#footnote-ref-30)
31. سید رضی (تولد سال 359 ق. وفات در 47 سالگی ششم محرّم 406ق در بغداد) "نهج البلاغة ‌امام علی ابن ابی طالب ع، المحقق: محمد عبده الناشر: دار البلاغة – بيروت الطبعة: الخامسة سنة الطبع: 1412هـ عرض ونقد: القسم العلمي بمؤسسة الدرر السنية، نامه 53 [↑](#footnote-ref-31)
32. ماوردى ابوالحسن، ابوالحسن على بن محمدبن حبیب ماوردى بصرى‌‌، (تولد سال 374 وفات 450 هجری قمری) کتاب الاحکام السلطانیه المؤلف: أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، الشهير بالماوردي (المتوفى: 450هـ) الناشر: دار الحديث - القاهرة عدد الأجزاء: 1 [ترقيم الكتاب موافق للمطبوع وهو مذيل بالحواشي] المصدر: المكتبة الشاملة، ج 1، ص 96 [↑](#footnote-ref-32)
33. حلّى، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن‌ متوفی676 ه‌ ق‌، "شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام"، مؤسسه اسماعیلیان‌ تاریخ 1408 ه‌ ق‌، چاپ دوم‌، قم- ایران‌، مصحح: عبد الحسین محمد على بقال‌، ج 4، ص 64 [↑](#footnote-ref-33)
34. میثاق‌ بین‌المللی‌ حقوق‌ مدنی‌ و سیاسی‌، مصوب‌ 16 دسامبر 1966 میلادی‌ (مطابق ‌با 25/9/1345 شمسی‌) مجمع‌ عمومی‌ سازمان‌ ملل‌متحد، قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی ایران به میثاق ‌بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب: 17/02/1354 [↑](#footnote-ref-34)
35. UNHCR , “convention relating to the status of refugees”, 1951 [↑](#footnote-ref-35)
36. The International Disability Caucus (IDC) [↑](#footnote-ref-36)
37. UNCCT, United Nations Counter-Terrorism Centre, “Basic Human Rights Reference Guide: Right to a Fair Trial and Due Process in the Context of Countering Terrorism”, 2014 [↑](#footnote-ref-37)
38. (ECHR 2018 ) European Court of Human Rights ‌‌، “European Convention on Human Rights ”‌‌ [↑](#footnote-ref-38)
39. حسینی سیده لطیفه‌‌، "آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی، بررسی مفهوم دادرسی عادلانه"، پژوهشکده شورای نگهبان، 1393، ص 9 [↑](#footnote-ref-39)
40. Rass-Masson Ms Nathy, Rouas Ms Virginie, “effective access to justice - study", European Parliament Policy Department for Citizens Rights, 2017, p 21 [↑](#footnote-ref-40)
41. ممتاز جمشید، متوسل سیروس، " حق بر دادرسی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر"، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره 46، شماره 4 زمستان 1395، ص 2 [↑](#footnote-ref-41)
42. McMahon Omar T., “A Fair Trial Before Quasi-Judicial Tribunals as Required by Due Process”, Volume 29, Article 2 Issue 2 February 1964, p 98 [↑](#footnote-ref-42)
43. Procedural Guarantees [↑](#footnote-ref-43)
44. Brants Chrisje & Franken Stijn, “The protection of fundamental human rights in criminal process General report”, Volume 5, Issue 2 (October), Utrecht University, 2009, p 27 [↑](#footnote-ref-44)
45. تاری وردی صادق، عباسی محمود، "اصول دادرسی منصفانه در محاکم اداری و هیأت‌‌های انتظامی پزشکی"، فصلنامه حقوق پزشکی سال سوم، شماره نهم، تابستان 1388، ص 166 [↑](#footnote-ref-45)
46. quasi-judicial [↑](#footnote-ref-46)
47. Kirby Michael, UNDP, United Nations Development Programme “Programming for Justice: Access for All, A Practitioner’s Guide to a Human Rights-Based Approach to Access to Justice”, 2005, p 5 [↑](#footnote-ref-47)
48. شیداییان مهدی، نصرتی یزدان، " شناسایی و چالش‌‌های تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق انگلستان "، فصلنامه دیدگاه‌‌های حقوق قضائی، دوره 23، شماره 82، تابستان 1397، ص 184 [↑](#footnote-ref-48)
49. خبرگزاری فارس، 01/04/1394 رئیس قوه قضائیه در گفت‌وگوی تلویزیونی، دستگاه قضایی در سال 93 قریب 15 میلیون پرونده وارده داشت. [↑](#footnote-ref-49)
50. خبرگزاری فارس، 06/04/1391 وزیر دادگستری در همایش سراسری قوه قضاییه خواستار شد: تقویت و توسعه اطلاع‌رسانی مستمر در دستگاه قضایی کشور. [↑](#footnote-ref-50)
51. خبرگزاری مهر 06/04/1392 ذوالقدر خبر داد: رسیدگی به 13میلیون و 700 پرونده در دستگاه قضایی کشور/ ایران امین‌‌‌ترین قوه قضائیه دنیا را دارد. [↑](#footnote-ref-51)
52. خبرگزاری مهر 02/04/1392، ورود روزانه 16 هزار پرونده به قوه قضائیه / سرقت جرم نخست کشور. [↑](#footnote-ref-52)
53. خبرگزاری فارس، 06/04/1391، وزیر دادگستری در همایش سراسری قوه قضاییه خواستار شد؛ تقویت و توسعه اطلاع‌رسانی مستمر در دستگاه قضایی کشور. [↑](#footnote-ref-53)
54. سایت وزارت دادگستری [↑](#footnote-ref-54)
55. حیدرنژاد ولی الله، غمامی سید محمدمهدی "مطالعۀ تطبیقی شرایط و فرآیندهای انتخاب و انتصاب قضات در نظام‌‌های حقوقی ایالات متحدۀ ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا و فرانسه"، مطالعات حقوق تطبیقی دورۀ 10، شمارۀ 1 بهار و تابستان 1398 ص 111-140 [↑](#footnote-ref-55)
56. ECHR, “Guide on Article 6 of the European Convention on Human Rights, Right to a fair trial (civil limb)”, 30 April 2020, p 45-47 [↑](#footnote-ref-56)
57. قانون راجع به استخدام قضات و شرایط کارآموزی، مصوب: 19/02/1343 [↑](#footnote-ref-57)
58. سایت وکالت آنلاین، آئین نامه اجرائی قانون گزینش و استخدام قضات 31/01/1379 [↑](#footnote-ref-58)
59. UNODC, United Nations Office on Drugs and Crime, Vienna, “Resource Guide on Strengthening Judicial Integrity and Capacity’, 2011, p 120-126 [↑](#footnote-ref-59)
60. Handbook [↑](#footnote-ref-60)
61. UNODC, United Nations Office on Drugs and Crime, Vienna, “Early access to legal aid in criminal justice processes: a handbook for policymakers and practitioners’, criminal justice handbook series, UNITED NATIONS, New York, 2014, p 3-26 [↑](#footnote-ref-61)
62. «‌‌‌‌آموزش طولی»، ‌‌‌‌آموزش‌‌های دوره‌ای هستند که همانند مقطع دبستان، دبیرستان، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری، تخصصی و امثال آن، معمولا به مدرک ‌‌‌‌کلاسیک منتهی ‌‌‌می‌شود، به آن «‌‌‌‌آموزش افقی» یا «چندمقطعی» نیز ‌‌‌می‌گویند.

    «‌‌‌‌آموزش‌‌های عرضی»، ‌‌‌‌آموزش‌‌هایی هستند که به صورت «دوره‌‌های کوتاه مدت» بازآموزی یا عمق بخشی به‌‌‌‌‌آموزش، ‌‌‌‌کلاس‌‌های پژوهشی، دوره‌‌های کارآموزی، در ارتباط با شغل خاص و یا تخصص افراد، در جهت آشنائی هرچه بیشتر با جزئیات و یا در جهت آموختن ابزار مرتبط (از قبیل نرم‌افزارهای کاربردی) برگزار ‌‌‌می‌شود که به آن «‌‌‌‌آموزش عمودی» یا «‌‌‌‌آموزش عمقی» نیز گفته ‌‌‌می‌شود [↑](#footnote-ref-62)
63. Guide to Judiciary Policy, “Code of Conduct for United States Judges “, 2014, p 5 [↑](#footnote-ref-63)
64. judicial training [↑](#footnote-ref-64)
65. African Union, African Commission on Human & Peoples’ Rights, “principles and guidelines on the right to a fair trial and legal assistance in africa’, 2003, p 5 [↑](#footnote-ref-65)
66. The Parliament of Georgia, “international conference on access to legal aid in criminal justice systems”, 2018 [↑](#footnote-ref-66)
67. قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری، مصوب: 24/02/1361 [↑](#footnote-ref-67)
68. خبرگزاری جمهوری اسلا‌‌‌می‌(ایرنا)، حنانه شفیعی، 12 خرداد 1399،‏ سید حجت الله علم الهدی سامانه دسترسی به ساختار قضایی کشورها راه‌اندازی شد. [↑](#footnote-ref-68)
69. حیدرنژاد ولی الله، غمامی سید محمدمهدی "مطالعۀ تطبیقی شرایط و فرآیندهای انتخاب و انتصاب قضات در نظام‌‌های حقوقی ایالات متحدۀ ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا و فرانسه"، مطالعات حقوق تطبیقی دورۀ 10، شمارۀ 1 بهار و تابستان 1398 ص 111-140 [↑](#footnote-ref-69)
70. Criminal Law [↑](#footnote-ref-70)
71. Stave Brandon [↑](#footnote-ref-71)
72. میرمحمدصادقی حسین، «مروری بر حقوق جزای انگلستان»، ترجمه کتاب «Criminal Law»، نوشته «Stave Brandon»، نشر حقوقدان، 1375 [↑](#footnote-ref-72)
73. حبیبی علی، الزامات آشنایی دانش آموزان با حقوق و قوانین، 1395، ص 1 [↑](#footnote-ref-73)
74. Site “access-nl.org”, 2021, p1 [↑](#footnote-ref-74)
75. Henri Fayol [↑](#footnote-ref-75)
76. طهماسبی جواد، "فرآیند نظارت انتظامی بر رفتار قضات"، مجله حقوقی دادگستری (علمی پژوهشی) سال 75/ شماره‌ی 76، زمستان 1390، ص 209-229 [↑](#footnote-ref-76)
77. UNODC, United Nations Office on Drugs and Crime, Vienna, “Early access to legal aid in criminal justice processes: a handbook for policymakers and practitioners’, criminal justice handbook series, UNITED NATIONS, New York, 2014, p 3-26 [↑](#footnote-ref-77)
78. در انگلیسی واژه "بازداشتگاه" یک بازداشتگاه نظامی است، نه یک زندان

    “Note that in Britain a 'detention centre' is a military detention facility, not a prison” [↑](#footnote-ref-78)
79. در انگلیسی bastille”‌‌, bastille,‌‌, gaol‌‌, hold‌‌, imprisonment‌‌ jail‌‌, lockup, ‌‌, penitentiary‌ “prison [↑](#footnote-ref-79)
80. Mauer Marc, “Thinking About Prison and its Impact in the Twenty-First Century”, ohio state journal of criminal law, 2005, vol 2, p 611 [↑](#footnote-ref-80)
81. نک: «آئین ‎ نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور»، مصوب 20 آذر 1384، رییس قوه قضاییه با اصلاحات، 1389 [↑](#footnote-ref-81)
82. UN 1988, “Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment”, 1988, p 1-18 [↑](#footnote-ref-82)
83. Jaruševičiūtė Greta, BoredPanda staff,’What Prison Cells Look Like Around The World”, 2018, p 1 [↑](#footnote-ref-83)
84. عیسی زاده بشیر، "بررسی قانون کاهش حبس تعزیری مصوب 1399، حبس زدایی بدون ضابطه"، 1399 [↑](#footnote-ref-84)
85. مرادی قاسم، "اصول حاکم بر روند دادرسی عادلانه"، فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، سال دوم، شماره چهارم: بهار 1397، ص 32 [↑](#footnote-ref-85)
86. legitimacy [↑](#footnote-ref-86)
87. legality [↑](#footnote-ref-87)
88. authority [↑](#footnote-ref-88)
89. morality [↑](#footnote-ref-89)
90. lawful [↑](#footnote-ref-90)
91. legal position [↑](#footnote-ref-91)
92. correct [↑](#footnote-ref-92)
93. fair [↑](#footnote-ref-93)
94. genuine [↑](#footnote-ref-94)
95. moral [↑](#footnote-ref-95)
96. ethical path [↑](#footnote-ref-96)
97. deserved [↑](#footnote-ref-97)
98. inherited [↑](#footnote-ref-98)
99. genuine [↑](#footnote-ref-99)
100. Bocángel Jerez Danilo, “Between legality and legitimacy: which is more important?”, Nov 25, 2015 [↑](#footnote-ref-100)
101. Robert Daniel, 20 November 20, 2017 [↑](#footnote-ref-101)
102. ECHR, “Guide on Article 6 of the European Convention on Human Rights, Right to a fair trial (civil limb)”, 30 April 2020, p 45-47 [↑](#footnote-ref-102)
103. حسنوند محمدباقر، "مبانی اصل صلاحیت محلی و چالش‌‌های آن در رویه قضایی ایران"، ‌پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، 1393، ص 1 [↑](#footnote-ref-103)
104. original jurisdiction [↑](#footnote-ref-104)
105. domestic jurisdiction [↑](#footnote-ref-105)
106. personal jurisdiction [↑](#footnote-ref-106)
107. سبزواری نژاد حجت، "جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان"، دوفصلنامه دیدگاه‌‌های حقوق قضایی شماره 77 و 78، بهار و تابستان 1396، ص 133-164 [↑](#footnote-ref-107)
108. سایت یاسا، تصادف ساختگی و هشدار به ‌‌‌‌‌کلاهبرداران: برخورد قضائی با تصادف‌‌های ساختگی 31/05/1397 [↑](#footnote-ref-108)
109. قانون مجازات اسلامی مصوب: 01/02/1392 [↑](#footnote-ref-109)
110. evidence in substantiation of claims [↑](#footnote-ref-110)
111. presumption of innocence [↑](#footnote-ref-111)
112. Independence [↑](#footnote-ref-112)
113. impartiality [↑](#footnote-ref-113)
114. An independent tribunal [↑](#footnote-ref-114)
115. An impartial tribunal [↑](#footnote-ref-115)
116. Appearance of independence [↑](#footnote-ref-116)
117. Guarantees against outside pressure [↑](#footnote-ref-117)
118. Enforcement of judgments [↑](#footnote-ref-118)
119. independence vis-à-vis the High Council of the Judiciary [↑](#footnote-ref-119)
120. Independence vis-à-vis Parliament [↑](#footnote-ref-120)
121. Independence vis-à-vis the executive [↑](#footnote-ref-121)
122. Armed Forces [↑](#footnote-ref-122)
123. Independence vis-à-vis the parties [↑](#footnote-ref-123)
124. آبزن مهدی، "اصل بی‌طرفی دادگاه و مقایسه‌ی آن با اصل استقلال دادگاه"، فصل نامه تعالی حقوق، دوره جدید، شماره 1، 1391، ص 82 [↑](#footnote-ref-124)
125. European Court of Human Rights, 2020, p 20‌‌-30 [↑](#footnote-ref-125)
126. United Nations, 2007, p 1-20 [↑](#footnote-ref-126)
127. Procedural guarantees [↑](#footnote-ref-127)
128. Access to a fair trial and enforcement of judgments [↑](#footnote-ref-128)
129. Subjective approach [↑](#footnote-ref-129)
130. Objective approach [↑](#footnote-ref-130)
131. Criteria for assessing impartiality [↑](#footnote-ref-131)
132. Criteria for assessing independence [↑](#footnote-ref-132)
133. European Court of Human Rights, 2020, p 20‌‌-30 [↑](#footnote-ref-133)
134. امیدی جلیل، نیکویی سمیه " تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری،" پژوهش‌‌های حقوق تطبیقی 1387 شماره 3 (پیاپی 58)، 1387، ص 1-36 [↑](#footnote-ref-134)
135. public hearing [↑](#footnote-ref-135)
136. open court [↑](#footnote-ref-136)
137. open Justice [↑](#footnote-ref-137)
138. open court :A public court of justice‌‌، before a judge and members of the public. Usually with preceding in. [↑](#footnote-ref-138)
139. نیكوئی سمیه، "الزامات علنی بودن دادرسی كیفری در پرتو دادرسی عادلانه"، مجله حقوقی دادگستری، شماره 56 و 57 پاییز و زمستان 1385، ص 220 [↑](#footnote-ref-139)
140. قاری سید فاطمی سید محمد، "حقوق بشر در جهان معاصر"، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌‌های حقوقی، جلد اول و دوم 1395، ج 2، ص 381 [↑](#footnote-ref-140)
141. امیدی جلیل، نیکویی سمیه " تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری،" پژوهش‌‌های حقوق تطبیقی 1387 شماره 3 (پیاپی 58)، 1387، ص 1-36 [↑](#footnote-ref-141)
142. ناجی مرتضی، "علنی بودن محاکمه، ضوابط حاکم بر آن و بررسی مزایا و معایب آن"، سایت یاسا، 1397، ص3-4 [↑](#footnote-ref-142)
143. مرادی حسن آباد محسن، "پوشش تلویزیونی فرآیند رسیدگی در دادگاه‌‌های کیفری"، مجله حقوقی دادگستری پاییز 1393 شماره 87، ص 154 [↑](#footnote-ref-143)
144. Icg International Criminal Court [↑](#footnote-ref-144)
145. گرجی علی اکبر، " عدالت رویه‌ای و تحول گرایی در لایحة آیین دادرسی دیوان عدالت اداری"، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره 29، تابستان 1389، ص 354 [↑](#footnote-ref-145)
146. ناجی مرتضی، "علنی بودن محاکمه، ضوابط حاکم بر آن و بررسی مزایا و معایب آن"، سایت یاسا، 1397، ص3-4 [↑](#footnote-ref-146)
147. اطاله رسیدگی prolongation of hearing / proceeding

     اطاله دعوی prolongation of claim [↑](#footnote-ref-147)
148. امینی عیسی، رئیس کانون ‌‌وکلای دادگستری مرکز، "علل اطاله دادرسی و راهکارهای رفع آن"، 1398، ص 1 [↑](#footnote-ref-148)
149. رسولی آذر اصغر، قاضی دادگستری، "عوامل اطاله دادرسی"، آوای قانون، 28/04/1397 [↑](#footnote-ref-149)
150. ضرغامی فرید، مهرا نسرین، "مبانی دادرسی بدون کیفرخواست درنظام‌‌های حقوقی ایران و انگلستان"، پژوهش‌‌های حقوق تطبیقی،دوره 18، شماره 2، تابستان 139، ص 128 [↑](#footnote-ref-150)
151. صفایی سیدحسین، عضو پیوسته و رئیس شاخه حقوق گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم، "اطاله دادرسی در امور مدنی و راهکارهای مقابله با آن"، سایت فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ص 1-3 [↑](#footnote-ref-151)
152. الماسی نجادعلی، حبیبی درگاه بهنام، "درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کارآمد"، فصلنامه علمی-پژوهشی دیدگاههای حقوق قضایی، 1391، ص 53 [↑](#footnote-ref-152)
153. UNIDROIT “Principles of Transnational Civil Procedure”, Last Updated: 13 October 2020, p 12 [↑](#footnote-ref-153)
154. UNIDROIT “Principles of Transnational Civil Procedure”, Last Updated: 13 October 2020, p 12 [↑](#footnote-ref-154)
155. Calvez Ms Françoise, And Regis Nicolas Judges (France), “Length of court proceedings in the ember states of the Council of Europe based on the case law of the European Court of Human Rights’, As adopted at the CEPEJ 31th plenary meeting (Strasbourg), European commission for the efficiency of justice (cepej), 3 and 4 December 2018, p 44 [↑](#footnote-ref-155)
156. سایت وکالت آنلاین، 1389، ص 2 [↑](#footnote-ref-156)
157. صفایی سیدحسین، عضو پیوسته و رئیس شاخه حقوق گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم، "اطاله دادرسی در امور مدنی و راهکارهای مقابله با آن"، سایت فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ص 1-3 [↑](#footnote-ref-157)
158. سایت وکالت آنلاین، 1389، ص 3 [↑](#footnote-ref-158)
159. ادیب زاده یوسف رضا، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، 26 تیر 1399، ص 2 [↑](#footnote-ref-159)
160. سایت وکالت آنلاین، 1389، ص 3 [↑](#footnote-ref-160)
161. امینی عیسی، رئیس کانون ‌‌وکلای دادگستری مرکز، "علل اطاله دادرسی و راهکارهای رفع آن"، 1398، ص 1 [↑](#footnote-ref-161)
162. handbook [↑](#footnote-ref-162)
163. Roagna Ivana, “The right to trial within reasonable time under Article 6 CHR”, the European Union and the Council of Europe, 2018, p 20-25 [↑](#footnote-ref-163)
164. Roagna Ivana, “The right to trial within reasonable time under Article 6 CHR”, the European Union and the Council of Europe, 2018, p 20-25 [↑](#footnote-ref-164)
165. The European Union and the Council of Europe [↑](#footnote-ref-165)
166. Roagna Ivana, “The right to trial within reasonable time under Article 6 CHR”, the European Union and the Council of Europe, 2018, p 20-25 [↑](#footnote-ref-166)
167. rule of law [↑](#footnote-ref-167)
168. Site “un.org”, 2020, p 2 [↑](#footnote-ref-168)
169. Fortuna Nicholas, Lopez Paula “Managing Litigation Costs and Prevention”, Inside Counsel, 2018, p 2 [↑](#footnote-ref-169)
170. مؤمنی زهره، "نحوه محاسبه هزینه دادرسی در ایران چگونه است"، 1396 [↑](#footnote-ref-170)
171. همشهری آنلاین، "آشنایی با تاریخچه دیوان عدالت اداری در ایران"، 3 خرداد 1391 [↑](#footnote-ref-171)
172. مشهدی علی، "مبانی و مسائل هزینه دادرسی در دعاوی اداری؛ مورد پژوهی دیوان عدالت اداری"، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیستم، شماره 59، تابستان 1397، ص 219 [↑](#footnote-ref-172)
173. Legal assistance [↑](#footnote-ref-173)
174. Legal aid [↑](#footnote-ref-174)
175. Woldegiorgis Metiku‌‌, “Access to Justice under the International Human Rights Framework”, 2015, p 2 [↑](#footnote-ref-175)
176. Article 50, Expenditure on the Court [↑](#footnote-ref-176)
177. UNHCR, “convention relating to the status of refugees”‌‌, 1951 [↑](#footnote-ref-177)
178. عسکری رضا، "ادله اثباتی و شرایط اثبات جرم در دادرسی الکترونیکی"، فصلنامه تخصصی علوم انسانی، نُسمه فصل، شماره3، زمستان 1397 [↑](#footnote-ref-178)
179. Ettlinger Or, “In Search of Architecture in Virtual Space‌‌, An introduction to The Virtual Space Theory”, Faculty of Architecture, University of Ljubljana, Zoisova 12‌‌, 1000 Ljubljana Slovenia, 2008 [↑](#footnote-ref-179)
180. Cyber Environment [↑](#footnote-ref-180)
181. چند نمونه از واژه‌‌های فضای مجازی: «فناوری اطلاعات information technology»، «وب web»، «اینترنت Internet»، «ارتباطاتcommunications»، «شبکه جهانی وب World Wide Web»، «شبکه داده data network»، «بزرگراه الکترونیکی electronic highway»، «فضای اطلاعاتی information space»، «بزرگراه اطلاعات information superhighwa»، «جامعه مجازی virtual community»، «انجمن آنلاین online community»، « کتابخانه مجازی virtual librar»، «واقعیت مجازی virtual reality»، «شبکه ی کامپیوتری computer network» و واژه‌‌های دیگری که هرکدام اشاره به همین مفهوم دارد. [↑](#footnote-ref-181)
182. Cyberspace [↑](#footnote-ref-182)
183. Cyber Environment [↑](#footnote-ref-183)
184. The Supreme Court of uk, ” Cyberspace and the Law”‌‌, The Bar Association for Commerce‌‌, Finance and Industry’s Denning Lecture, 2015 [↑](#footnote-ref-184)
185. مؤذن زادگان حسنعلی، سلیمان دهکردی الهام، یوشی مهشید، " حفظ صحت و استنادپذیری ادله الکترونیک با استفاده از بیومتریک و رمزنگاری "، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز 1394، ص 69-97 [↑](#footnote-ref-185)
186. pdf [↑](#footnote-ref-186)
187. word [↑](#footnote-ref-187)
188. Jackson sheryl 2014, new challenges for litigation in the electronic age‌‌, deakin law review volume 12 no 1, published: 2014-09-09, p 104 [↑](#footnote-ref-188)
189. Legal and procedural obstacles impeding access to court [↑](#footnote-ref-189)
190. Practical obstacles impeding access to court [↑](#footnote-ref-190)
191. Costs of justice and legal assistance [↑](#footnote-ref-191)
192. Other issues preventing access to proper legal assistance [↑](#footnote-ref-192)
193. سایت چمدان، "اسناد ارزشمند مصدق و کاشانی در آتش‌سوزی میدان حسن آباد از بین رفت"، 30 تیر 1398 [↑](#footnote-ref-193)
194. سلیت خبرگزاری صدا و سیما، "آتش سوزی اداره ثبت اسناد و املاک سیاهکل"، 15 تیر 1396 - [↑](#footnote-ref-194)
195. خبرگزاری فارس، وزیر دادگستری در همایش سراسری قوه قضاییه خواستار شد: تقویت و توسعه اطلاع‌رسانی مستمر در دستگاه قضایی کشور، 06/04/1392 [↑](#footnote-ref-195)
196. Back up [↑](#footnote-ref-196)
197. قانون تجارت الکترونیکی مصوب: 17/10/1382 [↑](#footnote-ref-197)
198. قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-198)
199. قانون تجارت الکترونیکی مصوب: 17/10/1382 [↑](#footnote-ref-199)
200. قانون تجارت الکترونیکی مصوب: 17/10/1382 [↑](#footnote-ref-200)
201. والائی حمید، "ادله الکترونیکی (دیجیتال) به عنوان ادله اثبات جرم و دعوی"، 1398، ص 1 [↑](#footnote-ref-201)
202. Deed [↑](#footnote-ref-202)
203. legal document [↑](#footnote-ref-203)
204. contract [↑](#footnote-ref-204)
205. legal agreement [↑](#footnote-ref-205)
206. title deed [↑](#footnote-ref-206)
207. deed of covenant [↑](#footnote-ref-207)
208. official document [↑](#footnote-ref-208)
209. articles of incorporation [↑](#footnote-ref-209)
210. passport [↑](#footnote-ref-210)
211. ship's papers [↑](#footnote-ref-211)
212. manifest [↑](#footnote-ref-212)
213. letters of administration [↑](#footnote-ref-213)
214. Information society [↑](#footnote-ref-214)
215. Electronic transactions [↑](#footnote-ref-215)
216. بختیاروند مصطفی، "حقوق مالکیت فکری و قراردادهای الکترونیکی"، 1386، ص 5- 26 [↑](#footnote-ref-216)
217. قانون تجارت الکترونیکی مصوب: 17/10/1382 [↑](#footnote-ref-217)
218. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393 [↑](#footnote-ref-218)
219. قانون تجارت الکترونیکی مصوب: 17/10/1382 [↑](#footnote-ref-219)
220. eorg [↑](#footnote-ref-220)
221. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 1396)؛ مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-221)
222. Borderlesness [↑](#footnote-ref-222)
223. UNCITRAL, United Nations Commission on International Trade Law [↑](#footnote-ref-223)
224. “United Nations Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts”

     در ترجمه مواد مشترک با کنوانسیون بیع ‌بین‌المللی کالا،از ترجمه کنوانسیون مذکور،مندرج در شماره نهم مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی ‌بین‌المللی (پائیز-زمستان1367) استفاده شده است. (مصطفی بختیاروند) [↑](#footnote-ref-224)
225. بختیاروند مصطفی، "حقوق مالکیت فکری و قراردادهای الکترونیکی"، 1386، ص 5- 26 [↑](#footnote-ref-225)
226. Use of Electronic Communications in International Contracts [↑](#footnote-ref-226)
227. Legal Recognition of Electronic Communications [↑](#footnote-ref-227)
228. Form Requirements [↑](#footnote-ref-228)
229. Time and Place of Dispatch and Receipt of Electronic Communications [↑](#footnote-ref-229)
230. Invitation to Make Offers [↑](#footnote-ref-230)
231. Use of Automated Message Systems for Contract Formation [↑](#footnote-ref-231)
232. Availability of Contractual Terms [↑](#footnote-ref-232)
233. Error in Electronic Communications [↑](#footnote-ref-233)
234. Janoski-Haehlen Emily‌‌, “The Courts Are All A 'Twitter': The Implications of Social Media Use in the Courts, Valparaiso University Law Review Volume 46 pp.43-68 Number 1 Fall 2011, p 20 [↑](#footnote-ref-234)
235. Jackson sheryl 2014, new challenges for litigation in the electronic age‌‌, deakin law review volume 12 no 1, published: 2014-09-09, p 104 [↑](#footnote-ref-235)
236. قانون تجارت الکترونیکی مصوب: 17/10/1382 [↑](#footnote-ref-236)
237. سوادکوهی فر سام، "دادرسی دعاوی مدنی، کیفری و اداری مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی"، ماهنامه شماره 46 سال هشتم مهر و آبان 1383، ص 2-5 [↑](#footnote-ref-237)
238. الهی منش محمدرضا، تبریزی صادق، "کشف علمی جرایم با توسل به ادله نوین و مدارک الکترونیکی (دیجیتال)"، نشریه کارآگاه، شماره 44، سال یازدهم پاییز 97، ص 12 [↑](#footnote-ref-238)
239. مؤذن زادگان حسنعلی، سلیمان دهکردی الهام، یوشی مهشید، "حفظ صحت و استنادپذیری ادله الکترونیک با استفاده از بیومتریک و رمزنگاری"، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز 1394، ص 69-97 [↑](#footnote-ref-239)
240. باشگاه خبرنگاران جوان، "واکنش قاتل پس از مشاهده مدرک اثبات جرمش در دوربین همسایه!"، 22/09/1397 [↑](#footnote-ref-240)
241. Chavez Dave‌‌, Pendleton Michael R., Bueerman Jim, knowledge management in policing cops community oriented policing services‌‌, U.S. department of justice‌‌, office of community oriented policing services, October 25‌‌, 2005 [↑](#footnote-ref-241)
242. سایت عدل و حق، مراحل دریافت سند تک برگی + هزینه صدور سند تک‌ برگی [↑](#footnote-ref-242)
243. سایت محضرچی، تقاضا و ارسال سند تکبرگی + هزینه‌امسال از طریق دفاتر اسناد رسمی [↑](#footnote-ref-243)
244. سایت عدل و حق، مراحل دریافت سند تک برگی + هزینه صدور سند تک‌ برگی [↑](#footnote-ref-244)
245. سایت یاسا [↑](#footnote-ref-245)
246. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)،‏ "معاون ثبت اسناد کشور: بیش از 5 میلیون واحد مسکونی فاقد سند، سند دار ‌‌‌می‌شوند"، 26 تیر 1397 [↑](#footnote-ref-246)
247. خبرگزاری مهر، خندانی در گفت ‌وگوی تفصیلی با مهر: "طرح ارتقای سند رسمی اجرا شود پرونده‌ها 80 درصد کاهش می‌یابند"، 29/02/1400 [↑](#footnote-ref-247)
248. صفایی سیدحسین، عضو پیوسته و رئیس شاخه حقوق گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم، "اطاله دادرسی در امور مدنی و راهکارهای مقابله با آن"، سایت فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ص 1-6 [↑](#footnote-ref-248)
249. خبرگزاری فارس، بخشنامه رئیس قوه قضاییه به مراجع قضایی: "مدارک مربوط به تعویض پلاک اعتباری نداشته و سند رسمی نیست/ سند رسمی خودرو باید در دفاتر اسناد ثبت شود"، 22/12/1395 [↑](#footnote-ref-249)
250. سایت اختبار، رای شماره 1863، هیات عمومی دیوان عدالت اداری، 02/12/1399 [↑](#footnote-ref-250)
251. خبرگزاری ایسنا، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور: "برگ سبز خودرو سند رسمی نیست/ دیوان عدالت صلاحیت نسخ قانون را ندارد"، 27/02/1400 [↑](#footnote-ref-251)
252. Online anonymity [↑](#footnote-ref-252)
253. SSN Social Security Numbers

     شماره تأمین اجتماعی (SSN) یک شماره نه رقمی است که برای شهروندان، اقامت دائم و ساکنان موقت (شاغل) ایالات متحده صادر می‌‌‌شود. [↑](#footnote-ref-253)
254. The Internet Protocol (IP) is the principal communications protocol in the Internet protocol suite for relaying datagrams across network boundaries. Its routing function enables internetworking‌‌، and essentially establishes the Internet. [↑](#footnote-ref-254)
255. Chauhan Sudhanshu, Kumar Panda Nutan‌‌, “Hacking Web Intelligence”‌‌, 2015, p 1-14 [↑](#footnote-ref-255)
256. بیت (bit) واحد اصلی (یا کوچکترین واحد) اطلاعات در رایانش و ارتباطات دیجیتالی است. یک bit می‌تواند فقط یکی از دو مقدار (که معمولا با 0 و 1 نشان داده می‌شود) را داشته باشد. اصطلاح bit از واژه‌ی مرکب binary digit (به معنای رقم دودویی) گرفته شده است. [↑](#footnote-ref-256)
257. Switch [↑](#footnote-ref-257)
258. Router [↑](#footnote-ref-258)
259. ANOM [↑](#footnote-ref-259)
260. یورونیوز، استرالیا، "عملیات بزرگ بین‌المللی انهدام گروه‌‌های تبهکار به کمک یوروپل؛ صدها نفر بازداشت شدند"، 08/06/2021 [↑](#footnote-ref-260)
261. عسکری رضا، "ادله اثباتی و شرایط اثبات جرم در دادرسی الکترونیکی"، فصلنامه تخصصی علوم انسانی، نُسمه فصل، شماره3، زمستان 1397 [↑](#footnote-ref-261)
262. قانون تجارت الکترونیکی مصوب: 17/10/1382 [↑](#footnote-ref-262)
263. Certification Service Provider [↑](#footnote-ref-263)
264. قانون تجارت الکترونیکی مصوب: 17/10/1382 [↑](#footnote-ref-264)
265. آیین‌نامه اجرایی ماده (32) قانون تجارت الکترونیکی ـ مصوب 1382 مصوب: 11/06/1386 [↑](#footnote-ref-265)
266. آیین‌نامه اجرایی ماده (32) قانون تجارت الکترونیکی ـ مصوب 1382 مصوب: 11/06/1386 [↑](#footnote-ref-266)
267. خبرگزاری مهر، معاون سازمان فناوری اطلاعات: "امضای الکترونیکی روی اپلیکیشن دولت همراه فعال شد، 08/03/1400 [↑](#footnote-ref-267)
268. ‌ماده 65 قانون محاسبات عمومی کشور مصوب 1366 مقرر می‌‌‌دارد: کلیه دستگاه‌ها‌‌ی اجرایی مکلفند جز در مواردی که به موجب این قانون و یا سایر قوانین و مقررات ترتیب دیگری مقرر شده باشد‌پرداخت‌ها‌‌ی خود را منحصراً از طریق حساب‌ها‌‌ی بانکی مجاز انجام دهند و گواهی بانک دائر بر: 1 - انتقال وجه به حساب ذینفع. 2 - پرداخت وجه به ذینفع یا قائم مقام قانونی او. 3 - حواله در وجه ذینفع یا قائم مقام قانونی او، ‌پرداخت محسوب می‌گردد. قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب 01/06/1366 [↑](#footnote-ref-268)
269. ODR Online Dispute Resolution [↑](#footnote-ref-269)
270. HiiL trend report 2016‌‌, “ODR and the Courts: The promise of 100% access to justice?”, ODR Online Dispute Resolution, 2016, p 12-71 [↑](#footnote-ref-270)
271. HiiL trend report 2016‌‌, “ODR and the Courts: The promise of 100% access to justice?”, ODR Online Dispute Resolution, 2016, p 12-71 [↑](#footnote-ref-271)
272. Law commission ‌‌،reforming the law [↑](#footnote-ref-272)
273. Current project status, p 3

     The Law Commission is the statutory independent body created by the Law Commissions Act 1965 to keep the law of England and Wales under review and to recommend reform where it is needed.

     کمیسیون حقوق یک نهاد قانونی است که توسط قانون کمیسیون‌‌های حقوقی در سال 1965 ایجاد شده است تا قانون انگلیس و ولز را تحت بررسی بگذارد و اصلاحات را در صورت لزوم توصیه کند. [↑](#footnote-ref-273)
274. Green Nicholas, “electronic execution of documents, Summary of Report” UK, 2019, p 5 [↑](#footnote-ref-274)
275. review of the administration of civil justice [↑](#footnote-ref-275)
276. Royal Courts of Justice )RCJ( [↑](#footnote-ref-276)
277. Kelly Peter‌‌, “review of the administration of civil justice, report”, 30th October 2020, p 47 [↑](#footnote-ref-277)
278. hypertext [↑](#footnote-ref-278)
279. McMillan James E. J. Douglas Walker, Lawrence P. Webster, “A Guidebook for Electronic Court Filing” ,1998, p 6 [↑](#footnote-ref-279)
280. E-Filing [↑](#footnote-ref-280)
281. Civil [↑](#footnote-ref-281)
282. CMS [↑](#footnote-ref-282)
283. Maricopa County Clerk of Court [↑](#footnote-ref-283)
284. TurboTax [↑](#footnote-ref-284)
285. ODR [↑](#footnote-ref-285)
286. Trimble Meredith‌, “3 ways to increase access to justice for all”, April 4, 2019, p 2 [↑](#footnote-ref-286)
287. Kwaliteit en Innovatie - KEI [↑](#footnote-ref-287)
288. HiiL trend report 2016‌‌, “ODR and the Courts: The promise of 100% access to justice?”, ODR Online Dispute Resolution, 2016, p 12-71 [↑](#footnote-ref-288)
289. E-Justice EU continues developing European e-justice [↑](#footnote-ref-289)
290. EU continues developing European e-justice [↑](#footnote-ref-290)
291. Council of the EU Press release 6 December 2018 [↑](#footnote-ref-291)
292. ambitious [↑](#footnote-ref-292)
293. essential [↑](#footnote-ref-293)
294. HiiL trend report 2016‌‌, “ODR and the Courts: The promise of 100% access to justice?”, ODR Online Dispute Resolution, 2016, p 12-71 [↑](#footnote-ref-294)
295. عشق پور منصور، اکبرپور نعمت اله، جایگاه دادرسی الکترونیک در حقوق ایران، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره 2، شماره 3، پاییز 1395، ص 143-158 [↑](#footnote-ref-295)
296. اسمعیلی اکبر، پورقهرمانی بابک، « چالش‌‌های فراروی دادرسی الکترونيک در ایران»، فصلنامه دیدگاه حقوق قضایی، دورۀ 24، شمارۀ87، پاییز 1398، ص 29-59 [↑](#footnote-ref-296)
297. General Data Protection Regulation (GDPR) [↑](#footnote-ref-297)
298. [Oath family](https://guce.oath.com/redirect?to=https%3A%2F%2Fmydata.oath.com%2F%23meetoath&brandDomain=uk.news.yahoo.com&brandId=4t0hdntbfn60t&tos=eu&step=eu_singlepage&sessionId=3_cc-session_d9969a36-187c-42dd-becc-25900052c558&userType=NON_REG) [↑](#footnote-ref-298)
299. پایگاه ملی ‌اطلاع‌رسانی عمومی قوانین و مقررات معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 [↑](#footnote-ref-299)
300. فتحیان محمد و مهدوی نور سید حاتم، پیش به سوی جامعه اطلاعاتی، مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۸۳ [↑](#footnote-ref-300)
301. Mobile Judiciary [↑](#footnote-ref-301)
302. Digital Metamorphosis [↑](#footnote-ref-302)
303. Physical change‎ [↑](#footnote-ref-303)
304. Chemical compound [↑](#footnote-ref-304)
305. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393 [↑](#footnote-ref-305)
306. online [↑](#footnote-ref-306)
307. قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب 08/07/1386 [↑](#footnote-ref-307)
308. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393 [↑](#footnote-ref-308)
309. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393 [↑](#footnote-ref-309)
310. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393

     تبصره (اصلاحی 08ˏ07ˏ1393) مراجع قضائی می‌‌‌توانند استعلامات قضائی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند. در این صورت دستگاه‌ها‌‌ی دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و شخصیت‌‌های حقوقی (بخش خصوصی در متن تنقیح، اصلاح و حذف شده است) موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند. مستنکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (576) قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب 2 /3 /1375 است. پایگاه ملی ‌اطلاع‌رسانی عمومی قوانین و مقررات معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری [↑](#footnote-ref-310)
311. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 1396)؛ مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-311)
312. قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (1394 ـ 1390) مصوب 15/10/1389 [↑](#footnote-ref-312)
313. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 1396)؛ مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-313)
314. قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-314)
315. خبرگزاری تسنیم، قوه قضائیه هوشمند می‌شود - حزئیات رونمایی از سامانه‌های الکترونیکی جدید، 04 تیر 1399 [↑](#footnote-ref-315)
316. Knowledge management (KM) [↑](#footnote-ref-316)
317. Kumar Mohajan Haradhan, “The Roles of Knowledge Management for the Development of Organizations”‌‌, 26 February 2017, p 12 [↑](#footnote-ref-317)
318. Unknown Possibilities [↑](#footnote-ref-318)
319. Cyberspace [↑](#footnote-ref-319)
320. Rework [↑](#footnote-ref-320)
321. Cost [↑](#footnote-ref-321)
322. قانون مجازات اسلامی مصوب: 01/02/1392 [↑](#footnote-ref-322)
323. سایت یاسا، تصادف ساختگی و هشدار به ‌‌‌‌‌کلاهبرداران: برخورد قضائی با تصادف‌‌های ساختگی، 31/05/1397 [↑](#footnote-ref-323)
324. HGD Human genetic databases, genetic databases are defined by the UK Human Genetic Commission as being “collections of genetic sequence information‌‌، or of human tissue from which such information might be derived that are or could be linked to named individuals” House of Lords Select

     کمیسیون ژنتیک انسانی انگلستان به عنوان «مجموعه اطلاعاتی از توالی ژنتیکی یا بافت انسانی که چنین اطلاعاتی از آنها می‌‌‌تواند استخراج شود و یا می‌‌‌تواند به افراد متصل مرتبط باشد» پایگاه داده‌‌های ژنتیکی را تعریف می‌‌‌کند. [↑](#footnote-ref-324)
325. HGB Human genetic biological information [↑](#footnote-ref-325)
326. Borghi Maurizio, “Genetic information and intellectual property rights. In: Genetic Information and Individual Rights”, University of Perugia, 29-30‌‌ June 2017‌‌, p 12 [↑](#footnote-ref-326)
327. خبرگزاری مهر، حجت الاسلام منتظری در گفت‌وگو با مهر: "قوه قضائیه از تشهیر اراذل در چارچوب قانون حمایت می‌کند"، 11/08/1399 [↑](#footnote-ref-327)
328. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 1396)؛ مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-328)
329. مقصود آن است که اگر شخص حقیقی از اعضاء ‌‌‌‌‌‌‌مؤثر (اعم از هیات مدیره یا مدیرعامل یا معاونان و...) یک شرکت یا مؤسسه و یا هر شخص حقوقی بود و او دارای اعتبار منفی یا مثبت است، این اعتبار بر شخص حقوقی تأثیر بگذارد و برعکس، اگر مؤسسه‌ای جرمی مرتکب شد، این جرم به اشخاص حقیقی منتسب بشود و اعتبار آن‌ها را مخدوش نماید. [↑](#footnote-ref-329)
330. ماده 652 قانون آیین دادرسی کیفری قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌ها‌‌ی تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به‌کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

     تبصره‌ ـ مراجع قضائی می‌توانند استعلامات قضائی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به‌عمل آورند. در این صورت دستگاه‌ها‌‌ی دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و شخصیت‌های حقوقی بخش خصوصی موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند. مستنکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (576) قانون مجازات اسلامی ـ کتاب پنجم تعزیرات مصوب 2/3/1375ـ است.

     ماده 652 (الحاقی 08ˏ07ˏ1393) قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌ها‌‌ی تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

     تبصره (اصلاحی 08ˏ07ˏ1393) مراجع قضائی می‌‌‌توانند استعلامات قضائی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند. در این صورت دستگاه‌ها‌‌ی دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و شخصیت‌‌های حقوقی موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند. مستنکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (576) قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب 2 /3 /1375 است.

     پایگاه ملی ‌اطلاع‌رسانی عمومی قوانین و مقررات معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری. [↑](#footnote-ref-330)
331. قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-331)
332. زمانی سیدقاسم، عطار شیما، « حقوق بشر و حق بر فراموش شدن در عصر فناوری‌‌های نوین اطلاعاتی»، مجله حقوقی ‌بین‌المللی، شماره 55، پاییز ـ زمستان 1395، صفحات 81-108 [↑](#footnote-ref-332)
333. Farmville [↑](#footnote-ref-333)
334. قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-334)
335. سایت فنآوران، انگلیس برای تبعیت از قانون حق فراموشی ضرب‌الاجل 35 روزه تعیین کرد: گوگل بر سـر دوراهی، 31 مرداد 1394 [↑](#footnote-ref-335)
336. the court of justice of the european union [↑](#footnote-ref-336)
337. Costeja González [↑](#footnote-ref-337)
338. La Vanguardia Ediciones SL [↑](#footnote-ref-338)
339. Agencia Española de Protección de Datos (AEPD) آژانس حفاظت از داده‌‌های اسپانیا [↑](#footnote-ref-339)
340. Google Spain [↑](#footnote-ref-340)
341. Google Inc [↑](#footnote-ref-341)
342. judgment of the court (grand chamber)‌‌, 2014:3:17‌‌ [↑](#footnote-ref-342)
343. Court of Justice of the European Union‌‌, “An internet search engine operator is responsible for the processing that it carries out of personal data which appear on web pages published by third parties’‌‌, Luxembourg‌‌, 13 May 2014 [↑](#footnote-ref-343)
344. (Information Commissioner’s Office) ICO [↑](#footnote-ref-344)
345. کهن چی شبنم، "انگلیس برای تبعیت از قانون حق فراموشی ضرب الاجل 35 روزه تعیین کرد،"، 31 مرداد 1394 [↑](#footnote-ref-345)
346. Booker Lorne D‌‌, Bontis Nick‌‌, Serenko Alexander‌‌, "The relevance of knowledge management and intellectual capital research", KM Knowledge and Process Management, 2008, p 14 [↑](#footnote-ref-346)
347. قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-347)
348. Crowdsourcing [↑](#footnote-ref-348)
349. خبرگزاری ایسنا، "جسد گمشدۀ سیل 7 ماه قبل، پیدا شد"، 24 بهمن 1394 [↑](#footnote-ref-349)
350. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393 [↑](#footnote-ref-350)
351. سایت پلیس سوئد به فارسی، «نزد پلیس شکایت کنید» [↑](#footnote-ref-351)
352. brottsskadeersättning [↑](#footnote-ref-352)
353. سایت پلیس سوئد به فارسی: «کمک به قربانیان جرایم» [↑](#footnote-ref-353)
354. Adoption [↑](#footnote-ref-354)
355. Bankruptcy [↑](#footnote-ref-355)
356. Children [↑](#footnote-ref-356)
357. Civil partnership [↑](#footnote-ref-357)
358. Crime [↑](#footnote-ref-358)
359. Divorce [↑](#footnote-ref-359)
360. Domestic violence [↑](#footnote-ref-360)
361. Employment [↑](#footnote-ref-361)
362. Female genital mutilation and forced marriage [↑](#footnote-ref-362)
363. High Court District Registry [↑](#footnote-ref-363)
364. Housing possession [↑](#footnote-ref-364)
365. Immigration [↑](#footnote-ref-365)
366. Money claims [↑](#footnote-ref-366)
367. Probate [↑](#footnote-ref-367)
368. Social security [↑](#footnote-ref-368)
369. Tax [↑](#footnote-ref-369)
370. None of the above or not sure [↑](#footnote-ref-370)
371. E-Justice Portal [↑](#footnote-ref-371)
372. نفیسه صباغی، «مزایا و معایب دادرسی الکترونیک در گفت وگو با کارشناسان تحلیل شد»، سایت روزنامه قانون، 09/03/1396 [↑](#footnote-ref-372)
373. Originator [↑](#footnote-ref-373)
374. سوادکوهی فر سام، "دادرسی دعاوی مدنی، کیفری و اداری مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی"، ماهنامه شماره 46 سال هشتم مهر و آبان 1383، ص 2-5 [↑](#footnote-ref-374)
375. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393 [↑](#footnote-ref-375)
376. Application Programming Interface به صورت تحت‌الفظی می‌توان آن را به «رابط برنامه‌نویسی نرم‌افزار» ترجمه کرد. به طور خلاصه، API همان (**U**ser **I**nterface UI) است با این تفاوت که به جای انسان، یک سیستم کامپیوتری قرار است با آن تعامل داشته باشد. در واقع، از آنجا که می‌توان واژه Interface را به «فصل مشترک» در فارسی ترجمه کرد، می‌توان گفت که API فصل مشترکی مابین دو نرم‌افزار یا اپلیکیشن است [↑](#footnote-ref-376)
377. فرق بین بات و ربات چیست؟

     بات چیست؟ بات یک برنامه کامپیوتری است که کارهای تکراری را به صورت خودکار انجام می‌‌‌دهد. بات‌ها ابزاری اصلی برای تعامل با محتوای وب‌سایت در مقیاس بالا هستند. بات‌ها در اینترنت مفهوم جدیدی نیستند. موتورهای جستجو مانند گوگل به صورت وسیعی از بات‌ها که اغلب به عنوان خزندگان وب شناخته می‌‌‌شوند، استفاده می‌‌‌کند. از این خزنده‌ها برای تحلیل محتوا و ایندکس کردن وب استفاده می‌‌‌شود. در این مورد، استفاده از بات این امکان را فراهم می‌‌‌کند تا سایت‌ها سریع‌‌‌تر و با مقیاس بالاتری در اختیار کاربران قرار بگیرند، کاری که برای یک انسان بسیار مشکل است. برای مثال چت بات نوعی بات است که برای تعامل و مکالمه با انسان طراحی شده است.

     ربات چیست؟

     ربات‌ها دستگاه‌‌هایی فیزیکی هستند که قادرند کارهای پیچیده و تکراری را انجام دهند. ربات‌ها را می‌‌‌توان در اکثر کارخانه‌ها مشاهده کرد. [↑](#footnote-ref-377)
378. ماده 2: قوانين 15 روز پس انتشار، در سراسركشور لازم الاجراء است مگر آنكه درخود قانون، ترتيب خاصي براي موقع اجرا مقرر شده باشد. (اصلاحي مصوب 29 آبان ماه 1348، منتشر در روزنامه رسمي شماره 7242، مورخ 25/9/48، صفحه 465، مجموعه قوانين سال 1348) [↑](#footnote-ref-378)
379. trritorialle ou relative [↑](#footnote-ref-379)
380. مصدق محمد، "ساختار و صلاحیت دادگاه‌‌های کیفری در لایحه‌آیین دادرسی کیفری"، 1371، ص 5 [↑](#footnote-ref-380)
381. Police [↑](#footnote-ref-381)
382. Judicial powers [↑](#footnote-ref-382)
383. Prolonging the trial [↑](#footnote-ref-383)
384. Reduce the length of the trial [↑](#footnote-ref-384)
385. report spam [↑](#footnote-ref-385)
386. معارف وند نادیا، «مراحل شکایت از ‌‌‌‌‌کلاهبرداری اینترنتی و گردش کار در دادسرا»، 1399 [↑](#footnote-ref-386)
387. سوادکوهی فر سام، "دادرسی دعاوی مدنی، کیفری و اداری مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی"، ماهنامه شماره 46 سال هشتم مهر و آبان 1383، ص 2-5 [↑](#footnote-ref-387)
388. در اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی آمده است: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به ‌مأمورین یا واحدها یا آئین نامه‌‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می­گردد.» [↑](#footnote-ref-388)
389. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393 [↑](#footnote-ref-389)
390. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393 [↑](#footnote-ref-390)
391. کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ( تعزیرات و مجازات‌‌های بازدارنده)، مصوب 02/03/1375 [↑](#footnote-ref-391)
392. قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-392)
393. سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ، روابط عمومی بانک مرکزی اعلام کرد؛ تسهیلات پرداختی بانک‌ها طی 12 ماهه سال 1398، 09/02/1399 [↑](#footnote-ref-393)
394. سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی، پرداخت 12199.4 هزار میلیارد ریال تسهیلات به بخش‌های اقتصادی در 9 ماهه سال جاری، 08/11/1399 [↑](#footnote-ref-394)
395. خبرگزاری مهر، مهر گزارش می‌‌‌دهد: "بازار داغ خرید و فروش شهود دادگاه، دروغگویی برای امرار معاش!"، 12/10/1389 [↑](#footnote-ref-395)
396. خبرگزاری تسنیم، دستور رئیسی به حفاظت اطلاعات قوه قضائیه برای شناسایی شاهدان پولی، 17/01/1399 [↑](#footnote-ref-396)
397. Isider, Check Out The Most Incredible Bank Heists In History, Eric Shafer, WildAmmo.com, Oct 11 2010‌‌ [↑](#footnote-ref-397)
398. خبر آنلاین، حمله باورنکردنی به خودرو حامل پول در آلمان، 02/12/1399 [↑](#footnote-ref-398)
399. Japantoday, two men rob bar operator of ¥4.2 mil at his apartment, JST 18 Comments, Nov. 9, 2020 [↑](#footnote-ref-399)
400. Assessment [↑](#footnote-ref-400)
401. Ranking [↑](#footnote-ref-401)
402. Langbroek Philip M.‌‌, Dijkstra Rachel I.‌‌, Bozorg Zadeh Kyana‌‌, Türk Zübeyir, “Performance management of courts and judges: organizational and professional learning versus political accountabilities”, 2017, p 311 [↑](#footnote-ref-402)
403. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 1396)؛ مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-403)
404. User-Friendly [↑](#footnote-ref-404)
405. سازمان بازرسی کل کشور، شكاياتي كه رسيدگي به آنها در صلاحيت سازمان بازرسي كل كشور نمي‌باشد [↑](#footnote-ref-405)
406. QRCode [↑](#footnote-ref-406)
407. در ماده‌ 14 میثاق‌ بین‌المللی‌ حقوق‌ مدنی‌ و سیاسی‌ در خصوص حق وکیل آمده است :

     هر کس‌ متهم‌ به‌ ارتکاب‌ جرمی‌ بشود با تساوی‌ کامل‌ لااقل‌ حق‌ تضمین‌های‌ ذیل‌ را خواهد داشت‌:

     الف‌ ـ در اسرع‌ وقت‌ و به‌ تفصیل‌ به‌ زبانی‌ که‌ او بفهمد از نوع‌ و علل‌ اتهامی‌ که‌ به‌ او نسبت‌ داده‌ می‌شود مطلع‌ شود.

     ب‌ ـ وقت‌ و تسهیلات‌ کافی‌ برای‌ تهیه‌ دفاع‌ خود و ارتباط‌ با وکیل‌ منتخب‌ خود داشته‌ باشد.

     ج‌ ـ بدون‌ تأخیر غیرموجه‌ درباره‌ او قضاوت‌ بشود.

     دـ در محاکمه‌ حاضر بشود و شخصاً یا به‌ وسیله‌ وکیل‌ منتخب‌ خود از خود دفاع‌ کند و در صورتی‌ که‌ وکیل‌ نداشته‌ باشد حق‌ داشتن‌ وکیل‌ به‌ او اطلاع‌ داده‌ شود و در مواردی‌ که‌ مصالح‌ دادگستری‌ اقتضاء نماید از طرف‌ دادگاه‌ رأساً برای‌ او وکیلی‌ تعیین‌ بشود که‌ در صورت‌ عجز او از پرداخت‌ حق‌الوکاله‌ هزینه‌ای‌ نخواهد داشت‌. [↑](#footnote-ref-407)
408. اصل سی و پنجم: در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. [↑](#footnote-ref-408)
409. پایگاه خبری تحلیلی قدس آنلاین، استفاده از ‌‌وکلا در پرونده‌‌ها؛ نیازمند فرهنگ‌سازی، 95 درصد پرونده‌های قضایی وکیل ندارند!، 25/10/1398 [↑](#footnote-ref-409)
410. خبرگزاری فارس، رئیس اسکودا: 10 درصد پرونده‌ها در محاکم با حضور وکیل بررسی می شود، 06/12/1396 [↑](#footnote-ref-410)
411. خبرگزاری فارس، رئیس کانون ‌‌وکلای دادگستری استان زنجان: تنها در 15 درصد پرونده‌های قضایی از وکیل استفاده می‌شود/ محرومیت دائم یک وکیل از وکالت، 05/12/1397 [↑](#footnote-ref-411)
412. پایگاه خبری تحلیلی قدس آنلاین، استفاده از ‌‌وکلا در پرونده‌‌ها؛ نیازمند فرهنگ‌سازی، 95 درصد پرونده‌های قضایی وکیل ندارند!، 25/10/1398 [↑](#footnote-ref-412)
413. سایت وکالت آنلاین [↑](#footnote-ref-413)
414. API Application Programming Interface [↑](#footnote-ref-414)
415. Chat [↑](#footnote-ref-415)
416. HiiL trend report 2016‌‌, “ODR and the Courts: The promise of 100% access to justice?”, ODR Online Dispute Resolution, 2016, p 12-71 [↑](#footnote-ref-416)
417. سایت اختبار [↑](#footnote-ref-417)
418. سایت دادورزیار، انواع وکالت در دادگاه، 09/10/1397 [↑](#footnote-ref-418)
419. سایت مؤسسه حقوقی صاحب اندیشه، تفاوت وکیل تسخیری و معاضدتی چیست؟، 05/09/2020 [↑](#footnote-ref-419)
420. سایت شهرآرانیوز، راه اندازی سامانه نوبت دهی برای رفع انحصار کارشناسان دادگستری، 10/04/1399 [↑](#footnote-ref-420)
421. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 1396)؛ مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-421)
422. پایگاه ملی ‌اطلاع‌رسانی عمومی قوانین و مقررات معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 [↑](#footnote-ref-422)
423. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393 [↑](#footnote-ref-423)
424. سایت مرکز پژوهش‌‌های مجلس شورای اسلامی، ‌‌‌‌‌آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب 24/05/1395 [↑](#footnote-ref-424)
425. سایت وکالت آنلاین، "علل اطاله دادرسی و راهکارهای مقابله با آن"، 1389 [↑](#footnote-ref-425)
426. همشهری، بازجویی از راه دور، در اتفاقی جالب، قاضی یزدی به‌طور آنلاین از متهمی که در زندان اراک بود، بازجویی کرد‌، 28/11/1396 [↑](#footnote-ref-426)
427. خبرگزاری ایلنا، تست موفقیت آمیز «دادگاه آنلاین» بر بستر شبکه‌امن همراه اول، 03/02/1399 [↑](#footnote-ref-427)
428. خبرگزاری صدا و سیما، اولین بازپرسی آنلاین در دادسرا، اولین جلسه بازپرسی الکترونیک آنلاین در شعبه ششم دادسرای انقلاب تهران برگزار شد، 07/08/1399 [↑](#footnote-ref-428)
429. خبر آنلاین، کرونا باعث شد بیش از 110هزار جلسه دادگاه «آنلاین» برگزار شود، 15/02/1400 [↑](#footnote-ref-429)
430. پژمان ملیحه، " بازپرسی اینترنتی، پیشرو در کشف حقیقت"، 1399 [↑](#footnote-ref-430)
431. خبرگزاری صدا و سیما، بازپرسی اینترنتی، پیشرو در کشف حقیقت؛ بازپرسی اینترنتی، گامی تازه و پیشرو در رسیدگی‌های قضایی و کشف حقیقت است، 09/08/1399 [↑](#footnote-ref-431)
432. COVID-19 [↑](#footnote-ref-432)
433. Reid Andrew, Butler Elizabeth “how are the courts approaching potential delay of proceedings amidst the coronavirus pandemic?”, 2020, p 3 [↑](#footnote-ref-433)
434. فراداده از ویکی‌پدیا، فراداده، داده‌نما یا مِتادیتا (به انگلیسی: Metadata) به داده‌هایی گفته می‌شود که جزئیات یک داده دیگر را تشریح می‌کند. به عبارت دیگر فراداده‌ها، داده‌هایی هستند درباره داده‌های دیگر. برخی این واژه را اَبَرداده یا فوق‌داده هم ترجمه کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-434)
435. case study [↑](#footnote-ref-435)
436. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 1396)؛ مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-436)
437. خبرگزاری مهر، خدائیان در گفتگوی مشروح با مهر: ،25 هزار بدهکار ممنوع الخروج شدند/ خبر خوش ثبتی برای مردم، 03/04/1399‏ [↑](#footnote-ref-437)
438. ماده 62- در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌‌‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را بارضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه(سیستم)های الکترونیکی قرار دهد.

     تبصره 1- دادگاه در صورت لزوم می‌‌‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد.

     تبصره 2 مقررات این ماده در مورد حبس‌‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌‌های حبس قابل اِعمال است. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب 23/02/1399)

     تبصره 3 قوه قضائیه می‌‌‌تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌‌‌گیرد، با نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. ‌‌‌‌‌آیین‌نامه اجرائی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری مرکز آمار و فناوری و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌‌‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌‌‌رسد. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب 23/02/1399)

     قانون مجازات اسلامی؛ مصوب 01/02/1392 [↑](#footnote-ref-438)
439. ایران رهیاب، پابند الکترونیکی زندانیان چیست و چه کاربردهایی دارد؟ [↑](#footnote-ref-439)
440. خبرگزاری مهر، حاج محمدی خبر داد: افزایش استفاده از پابندالکترونیک به 3 هزار نفر، 10/03/1400‏ [↑](#footnote-ref-440)
441. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1400 1396)؛ مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-441)
442. قانون احکام دائمی برنامه‌‌های توسعه کشور مصوب 16/01/1396 [↑](#footnote-ref-442)
443. Exercise of autonomy [↑](#footnote-ref-443)
444. Gumbis Jaunius‌‌, Bacianskaite Vytaute & Randakeviciute Jurgita‌‌, “Do Human Rights Guarantee Autonomy?’‌‌, (University of Vilnius‌‌, Lithuania), p 81 [↑](#footnote-ref-444)
445. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب: 08/07/1393 [↑](#footnote-ref-445)
446. Personal data [↑](#footnote-ref-446)
447. Internet search engines [↑](#footnote-ref-447)
448. Protection of individuals with regard to the processing of such data [↑](#footnote-ref-448)
449. Processing of data contained on websites [↑](#footnote-ref-449)
450. Searching for‌‌، indexing and storage of such data [↑](#footnote-ref-450)
451. Responsibility of the operator of the search engine [↑](#footnote-ref-451)
452. Extent of that operator’s obligations and of the data subject’s rights [↑](#footnote-ref-452)
453. General data protection regulation (GDPR) [↑](#footnote-ref-453)
454. General Data Protection Regulation (GDPR) [↑](#footnote-ref-454)
455. GDPR (مقررات حفاظت از اطلاعات عمومی) چیست؟ [↑](#footnote-ref-455)
456. DMG Media [↑](#footnote-ref-456)
457. McQuinn Alan  and  Castro Daniel‌‌, “Why Stronger Privacy Regulations Do Not Spur Increased Internet Use“, July 11‌‌, 2018 [↑](#footnote-ref-457)
458. سایت مرکز پژوهش‌‌های مجلس شورای اسلامی‌‌‌ [↑](#footnote-ref-458)
459. cyber crime [↑](#footnote-ref-459)
460. مؤذن زادگان حسنعلی، شایگان محمدرسول، " استنادپذیری و تحصیل ادله الکترونیکی درحقوق کیفری ایران"، فصلنامه دیدگاه‌‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری شماره چهل وهشتم، زمستان 1388، ص 77-102 [↑](#footnote-ref-460)
461. اسدی یولقونلو فتح علی، " تروریسم سایبری و پول شویی سایبری، رابطه‌ای دوسویه درجرم سایبری"، ص 1 [↑](#footnote-ref-461)
462. Hernandez Erika [↑](#footnote-ref-462)
463. Fraud [↑](#footnote-ref-463)
464. Hacking [↑](#footnote-ref-464)
465. Identity Theft [↑](#footnote-ref-465)
466. Scamming [↑](#footnote-ref-466)
467. Computer Viruses [↑](#footnote-ref-467)
468. Ransomware [↑](#footnote-ref-468)
469. DDoS Attack [↑](#footnote-ref-469)
470. Botnets [↑](#footnote-ref-470)
471. Spamming [↑](#footnote-ref-471)
472. Phishing [↑](#footnote-ref-472)
473. Social Engineering [↑](#footnote-ref-473)
474. Malvertising [↑](#footnote-ref-474)
475. Cyberstalking [↑](#footnote-ref-475)
476. Software Piracy [↑](#footnote-ref-476)
477. Child Pornography [↑](#footnote-ref-477)
478. Cyberbullying [↑](#footnote-ref-478)
479. Cyberbullying [↑](#footnote-ref-479)
480. Hernandez Erika, “The 16 Most Common Types of Cybercrime Acts”, 14th February 2018, p 4 [↑](#footnote-ref-480)
481. سایت مرکز پژوهش‌‌های مجلس شورای اسلامی‌‌‌،قانون جرائم رایانه‌ای مصوب 05/03/1388 [↑](#footnote-ref-481)
482. خبرگزاری آریا، مجازات سلفی بگیرها در آلمان، 17/01/1398 [↑](#footnote-ref-482)
483. سایت یورونیوز، لایحه جنجالی «امنیت جامع» و منع پخش تصویر پلیس در مجلس فرانسه رأی آورد، 24/11/2020 [↑](#footnote-ref-483)
484. میثاق‌ بین‌المللی‌ حقوق‌ مدنی‌ و سیاسی [↑](#footnote-ref-484)
485. برای دیدن اثرات این شکنجه به متن مقاله « تأثیر روانی آزار جنسی در فضای مجازی با دنیای واقعی یکی است » در یورونیوز مراجعه نمائید [↑](#footnote-ref-485)
486. Freedom from slavery [↑](#footnote-ref-486)
487. به مقاله «استراتژی‌‌های طراحی استثمار جنسی و مطالعات جنسی در میان زنان و دختران: ملاحظات روش شناختی در یک جمعیت پنهان و آسیب پذیر» به آدرس زیر مراجعه فرمائید

     Design strategies from sexual exploitation and sex work studies among women and girls: Methodological considerations in a hidden and vulnerable population [↑](#footnote-ref-487)
488. Censorship [↑](#footnote-ref-488)
489. دیپ فیک از ترکیب دو واژه دیپ (Deep) به معنای عمیق و فیک (Fake) به معنای جعلی و دروغین تشکیل شده است و براساس هوش مصنوعی قادر است تصاویر انسان را به صورت واقع گرایانه تولید و سنتز کند. در فناوری دیپ فیک یا همان جعل عمیق، از دسته خاصی از الگوریتم یادگیری ماشین با نام «شبکه‌های مولد تخاصمی» یا «Generative Adversarial Networks» استفاده می‌شود تا تصاویر یا ویدیو‌‌های موجود روی مجموعه‌ای از تصاویر و ویدیو‌‌های منبع، ترکیب و برهم نهی شود.

     دیپ فیک مبتنی بر روش‌ یادگیری عمیق است و از شبکه‌‌های مولد تخاصمی که به اختصار به آن‌ها شبکه‌های GAN گفته می‌شود، استفاده می‌کند. الگوریتم‌‌های GAN از دو مدل هوش مصنوعی تشکیل می‌شوند. در این سیستم وظیفه یکی از مدل‌ها تولید محتوا (تولید تصاویر افراد) و وظیفه مدل رقیب، تشخیص واقعی بودن و یا جعلی بودن عکس تولید شده است. گفتنی است در ابتدای کار مدل هوش مصنوعی رقیب قادر است به راحتی عکس جعلی را از عکس واقعی تشخیص دهد اما با گذشت زمان دقت و عملکرد مدل هوش مصنوعی تولید کننده به قدری افزایش می‌یابد که تشخیص جعلی بودن محتوای تولید شده برای مدل رقیب بسیار سخت می‌شود. [↑](#footnote-ref-489)
490. UNDP [↑](#footnote-ref-490)
491. UNDP, “COVID-19 and Human Rights We are all in this together APRIL 2020” [↑](#footnote-ref-491)
492. Llinares Fernando Miró and Johnson Shane D., “Cybercrime and Place: Applying Environmental Criminology to Crimes in Cyberspace”, 2018, p 8 [↑](#footnote-ref-492)
493. مرادی علیرضا، قضاوت آنلاین، "هوش مصنوعی قضایی"،1395، ص 1-7 [↑](#footnote-ref-493)
494. Villani mission on artificial intelligence, “what is artificial intelligence?’, March 2018, p 3 [↑](#footnote-ref-494)
495. Muñoz Herrero Jesus A., Perez Fernandez Rodrigo‌‌, "A.I. Technologies Applied to Naval CAD/CAM/CAE ", p 5 [↑](#footnote-ref-495)
496. google translate [↑](#footnote-ref-496)
497. database [↑](#footnote-ref-497)
498. influence of milieu [↑](#footnote-ref-498)
499. Chen Angela‌‌, “How artificial intelligence can help us make judges less biased”, Jan 17‌‌, 2019, p 3 [↑](#footnote-ref-499)
500. prolongation of hearing [↑](#footnote-ref-500)
501. سایت بی بی سی ‌ [↑](#footnote-ref-501)
502. DNA Deoxyribonucleic acid [↑](#footnote-ref-502)
503. پایگاه خبری اقتصادآنلاین ‌ [↑](#footnote-ref-503)
504. Topic [↑](#footnote-ref-504)
505. AI R&D Artificial Intelligence (AI Research and Development) [↑](#footnote-ref-505)
506. The Office of Science and Technology Policy (OSTP) [↑](#footnote-ref-506)
507. National Science and Technology Council, “the national artificial intelligence research and development strategic plan”, October 2016, p 5-36 [↑](#footnote-ref-507)
508. فقط در یک پروژه هوش مصنوعی، شرکت مایکروسافت (مایکروسافت از پیمانکاران پروژه‌‌های ملی دولت ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا است)، شركت هوش مصنوعی و فن آوری گفتار Nuance Communications Inc [(NUAN.O)](https://www.reuters.com/companies/NUAN.O)، را به مبلغ 16 میلیارد دلار خریداری کرد، (رویترز 5 ژوئن 2021 برابر با 15 خرداد 1400) [↑](#footnote-ref-508)
509. National Science and Technology Council, “the national artificial intelligence research and development strategic plan”, October 2016, p 5-36

     شبکه شورای ملی علوم و فناوری ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا 2016 "هوش مصنوعی و قانونگذاری، طرح راهبردی ملی تحقیق و توسعه هوش مصنوعی"

     “The National Artificial Intelligence Research and Developmenf Strategic Plan” ‌‌، کمیته فرعی تحقیق و توسعه فناوری اطلاعات، و شبکه شورای ملی علوم و فناوری ‌‌‌‌‌‌‌‌‌آمریکا، The National Science and Technology Council (NSTC)، ترجمه دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی – مرکز پزوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اردیبهشت ماه 1397 [↑](#footnote-ref-509)
510. Kuksov Igor, When Artificial Intelligence affects lives, February 12‌‌, 2019, p 2-6 [↑](#footnote-ref-510)
511. Juries [↑](#footnote-ref-511)
512. Kugler Logan‌‌, “AI Judges and Juries”‌‌, Communications of the ACM‌‌, December 2018‌‌, Vol. 61 No. 12‌‌, 2018, P 19-21 [↑](#footnote-ref-512)
513. Butterfield [↑](#footnote-ref-513)
514. Lord Chief Justice sets up advisory group on Artificial Intelligence, University College London (UCL), 4 March 2019 [↑](#footnote-ref-514)
515. University College London (UCL) [↑](#footnote-ref-515)
516. مرادی علیرضا، قضاوت آنلاین، "هوش مصنوعی قضایی"،1395، ص 1-7 [↑](#footnote-ref-516)
517. European Commission for the Efficiency of Justice (CEPEJ) [↑](#footnote-ref-517)
518. Awareness-raising and implementation of the European Ethical Charter on the use of artificial intelligence in judicial systems and their environment, headline Strasbourg, 18 february 2019 [↑](#footnote-ref-518)
519. AI HLEG, High-Level Expert Group on AI, “ethics guidelines for trustworthy ai”‌‌, independent high-level expert group on artificial intelligence, set up by the european commission, 2019, p 23 [↑](#footnote-ref-519)
520. Lawful [↑](#footnote-ref-520)
521. Rthical [↑](#footnote-ref-521)
522. Robust [↑](#footnote-ref-522)
523. Human agency and oversight [↑](#footnote-ref-523)
524. Human-in-the-loop [↑](#footnote-ref-524)
525. Human-on-the-loop [↑](#footnote-ref-525)
526. Human-in-command [↑](#footnote-ref-526)
527. Technical Robustness and safety [↑](#footnote-ref-527)
528. Privacy and data governance [↑](#footnote-ref-528)
529. Transparency [↑](#footnote-ref-529)
530. Diversity‌‌، non-discrimination and fairness [↑](#footnote-ref-530)
531. Societal and environmental well-being [↑](#footnote-ref-531)
532. Accountability [↑](#footnote-ref-532)
533. European Commission for the Efficiency of Justice (CEPEJ) [↑](#footnote-ref-533)
534. European Commission for the Efficiency of Justice (CEPEJ) [↑](#footnote-ref-534)
535. The CEPEJ Working Group on Quality of Justice continues its work on artificial intelligence in judicial system, STRASBOURG 14 AND 15 MARCH 2019 [↑](#footnote-ref-535)
536. PeerJ Computer Science [↑](#footnote-ref-536)
537. UCL-news (University College London), “AI predicts outcomes of human rights trials”, 24 October 2016 [↑](#footnote-ref-537)
538. Aletras Nikolaos‌‌, Tsarapatsanis Dimitrios‌‌, Preoţiuc-Pietro Daniel‌‌, and Lampos Vasileios “Predicting judicial decisions of the European Court of Human Rights: a Natural Language Processing perspective“, PeerJ, Published 24 October 2016, p 4 [↑](#footnote-ref-538)
539. Aletras Nikolaos‌‌, Tsarapatsanis Dimitrios‌‌, Preoţiuc-Pietro Daniel‌‌, and Lampos Vasileios “Predicting judicial decisions of the European Court of Human Rights: a Natural Language Processing perspective“, PeerJ, Published 24 October 2016, p 4 [↑](#footnote-ref-539)
540. Pinkstone Joe‌‌, “AI-powered JUDGE created in Estonia will settle small court claims of up to £6‌‌,000 to free up professionals to work on bigger and more important cases”‌‌, 26 March 2019 [↑](#footnote-ref-540)
541. Data subjects [↑](#footnote-ref-541)
542. CivicScape [↑](#footnote-ref-542)
543. AI genie [↑](#footnote-ref-543)
544. Kuksov Igor, When Artificial Intelligence affects lives, February 12‌‌, 2019, p 2-6 [↑](#footnote-ref-544)
545. Jason Tashea, “Courts Are Using AI to Sentence Criminals. That Must Stop Now”, 04.17.2017, p 3 [↑](#footnote-ref-545)
546. Loomis [↑](#footnote-ref-546)
547. Compas [↑](#footnote-ref-547)
548. Northpointe [↑](#footnote-ref-548)
549. Kugler Logan‌‌, “AI Judges and Juries”‌‌, Communications of the ACM‌‌, December 2018‌‌, Vol. 61 No. 12‌‌, 2018, P 19-21 [↑](#footnote-ref-549)
550. AI HLEG 2019 p 23 [↑](#footnote-ref-550)